اطلاعات

شنبه ۲۶ اسفند ۱۳۹۱ ـ ۴ جمادی‌الاول ۱۴۳٤ـ ۱۶ مارس ۲۰۱۳ـ شماره ۲۵۵۵۴ ـ ۱۶ صفحه به همراه ۸۴ صفحه نوروزنامه ـ تکشماره **استثنائاً ۱۰۰۰ تومان**

پیام رهبر معظم انقلاب به کنگره بزرگداشت علامه سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی

* رهبر معظم انقلاب: شاکله فکری صاحب عروه باید شناسانده شود
* چهره علمی برجسته با عظمت صاحب کتاب عروة‌الوثقی شناخته شده نیست

صفحه ۲

تجلیل انقلابیون بحرین از مواضع رهبر معظم انقلاب

* جنبش ۱۴ فوریه بحرین از مواضع رهبر معظم انقلاب به خاطر دفاع از حق ملت بحرین در مطالبه آزادی و عدالت قدردانی کرد و گفت: اگر مواضع بی‌بدیل رهبر عالی جمهوری اسلامی نبود، مزدوران آل‌خلیفه جنایاتی بس سنگین‌تر در حق بحرینی‌ها مرتکب می‌شدند

صفحه ۱۶

مراجع عظام تقلید در دیدار رئیس مجلس تأکید کردند

لزوم تفاهم مجلس و دولت برای حل مشکلات

* آیت‌الله العظمی جوادی آملی: مسئولان باید به وظایفشان به طور صحیح عمل کنند
* آیت الله العظمی صافی‌گلپایگانی: گسترش مناسبات با سایر کشورها بخشی از مشکلات اقتصادی مردم را بهبود می‌بخشد
* آیت‌الله العظمی مکارم‌شیرازی: با مدیریت صحیح می‌توان نگرانی‌های اقتصادی مردم را رفع کرد
* آیت‌الله العظمی سبحانی بر لزوم توجه جدی به تولید و اشتغال تأکید کردند
* آیت‌الله العظمی علوی‌گرگانی: تفاهم دولت و مجلس کشور را به سمت رشد خواهد برد
* دکتر لاریجانی: در شرایط فعلی که پیچیدگی‌هایی در معیشت مردم با مشکلات تورم وجود دارد، باید رهنمودهای علما را دریافت کنیم

صفحه ۱۳



ناوشکن ایرانی دماوند به آب انداخته شد

صفحه ۲

سیدمحی‌الدین ساجدی تحلیلگر مسائل خاورمیانه به رحمت ایزدی پیوست

صفحه ۲



ضمیمه اطلاعات امروز

افتتاح بزرگترین مجتمع تولید بنزین کشور

صفحه ٤

یادداشت
به احترام استاد مهدی محقق
احمد جلالی
صفحه ۳



گزارش
روزهای دور از خانه...
صفحه ۵



معارف
تقریب مقدمهٔ وحدت اسلامی
گفتگو با آیت‌الله محمدعلی تسخیری
صفحه ۶





اقتصادی
سایه خشکسالی بر فراز پایتخت
صفحه ۷



روابط بین الملل
جهان سیاست در سالی که گذشت
صفحه ۱۲



پیام رهبر معظم انقلاب به کنگره بزرگداشت علامه سیدمحمدکاظم طباطبایی‌یزدی

سرویس خبر: حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به کنگره بزرگداشت علامه آیت‌الله سیدمحمدکاظم طباطبایی‌یزدی، صاحبِ کتاب عروه، با اشاره به ضرورتِ بررسی شاکله فکری مرحوم سیدکاظم طباطبایی‌یزدی، بر شناساندن و معرفی جهات مختلف شخصیتی ایشان برای افکار عمومی تأکید کردند.



متن پیام رهبر معظم انقلاب که برگرفته از بیانات ایشان در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره بزرگداشت علامه آیت‌الله سیدمحمدکاظم طباطبایی‌یزدی در تاریخ ۲۲خرداد امسال است، از سوی حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری در این کنگره در شهر قم قرائت شد، به شرح زیر است:

بسم الله الرّحمن الرّحیم

اولاً من تشکّر می‌کنم از آقایان محترم به خاطر همّت گماشتن بر معرّفی شخصیّت برجسته‌ای مثل مرحوم آسیّدمحمّدکاظم یزدی؛ خود این به نظر من جای تشکّر فراوان دارد. مرحوم سیّدیزدی با این‌که در محفل علمی فقهی ما جزو فقهای درجه اوّل است ـ یعنی عروه ایشان در اختیار همه است، همه بر او حاشیه می‌زنند؛ از وقتی که عروه بروز کرده، کمتر دیده شده که فقهای ما، مراجع ما، به مثلاً نجاةالعباد و بقیّه کتابهایی که آن وقت حاشیه می‌زدند حاشیه بزنند؛ یعنی جامعیّت عروه، خوش سلیقه بودن سیّد در تنظیم کتاب عروةالوثقی و جهات فراوان امتیازی که این کتاب دارد، با این‌که ابواب فقهی‌اش کامل نیست، در عین حال همه توجهات روی این کتاب متمرکز شده؛ این نشان‌دهنده برجستگی این کتاب و صاحب این کتاب است ـ [و] با این‌که در حوزه‌های علمیه و در بین فقها این‌قدر این شخصیت معروف است، ولی در بین مردم نه؛ یعنی این چهره علمی برجسته با عظمت، شناخته شده نیست؛ حالا شما دارید در واقع این کار را تدارک می‌کنید؛ این بسیار کار خوبی است. [در کنگره] مرحوم آقای آسیدمحمدکاظم، چون کار علمی به جناب آقای استادی محول شده، انسان خاطرش آسوده است؛ یعنی ایشان حقّاً و انصافاً در این کار ـ مثل خیلی از کارهای دیگر ـ در حدّ نصاب کامل هستند و انسان خاطرش جمع است که ان‌شاءالله کار به اتقان پیش خواهد رفت؛ مثل بعضی از کنگره‌ها و بزرگداشت‌ها که غالباً به ظواهر پرداخته می‌شود [نخواهد بود]، ان‌شاءالله اینجا به عمق بیشتر نگاه خواهد شد.

در زمینه کارهای تحقیقی که ایشان اشاره کردند به کتاب‌های مرحوم سیّد، بله همین‌جور است. چون کتاب‌های مرحوم سیّد از بس رایج بوده چاپ شده؛ عمده عروه است که خب، الی ماشاءالله چاپ دارد؛ بعد هم حاشیه مکاسب است که مجموعاً بهترین حاشیه بر مکاسب، حاشیه سیّد است؛ اگرچه بعضی از حواشی دیگر ـ مثل حاشیه مرحوم آخوند و دیگران ـ امتیازات خاص خودشان [را] دارند، امّا بر روی هم که نگاه کنیم، [از لحاظ] اتقان استدلال، جامعیّت، پختگی فقهی، احاطه به ابواب گوناگون و استفاده از آنها در تنقیح مسئله، انصافاً حاشیه سیّد بی‌نظیر است. خب، این کتاب‌ها به خاطر این‌که مورد توجّه بوده و ارزش ذاتی داشته، خودشِ رایج شده و احتیاج به این نبوده که مثلاً تجدید چاپ بشود. [به] کتاب «تعادل و تراجیح» هم نباید گفت رساله، کتاب مفصّلی است، آن هم اخیراً چاپ شده، ظاهراً دو سه سال بیشتر نیست که من دیدم چاپ شده؛ [یا] سؤال و جوابهای سیّد یا همان مطالبی که فرمودند؛ خب، اینها کتاب‌های خیلی خوبی است که منتشر بشود؛ لکن به نظر من در کنار اینها، تعمّق و تحقیق در مبانی فقهی سیّد [لازم است]؛ چون کتاب عروه کتابی است که حرف‌های جدید در آن هست، حرف‌های تازه در آن هست؛ مبانی فقهی سیّد جمع بشود. ما عادت کردیم در طول زمان که وقتی نسبت به بزرگان بحث می‌کنیم، مثلاً می‌آییم همان کتاب او را تنقیح می‌کنیم، چاپ می‌کنیم؛ بزرگداشت یک عالم این نیست. شما ببینید الان مثلاً وقتی که می‌خواهند درباره فلان حقوقدان فرنگی یا فیلسوف فرنگی بحث کنند، ناگهان می‌بینید از صد جا روی شاکله فکری او بحث می‌شود، کار می‌شود؛ ما این کار را بکنیم. شاکله فقهی سیّد یزدی چیست و خصوصیّات مبانی فقهی او کدام است که او را از دیگران ممتاز کرده؟ جهات اختلاف او را با استادش میرزای شیرازی، با اساتید دیگرش، با شیخ، که حرف‌های شیخ انصاری در حوزه‌ها رایج و متداول است، جهات خاصّ این بزرگوار را که شاکله فکری ذهنی فقهی تو را مشخّص می‌کند دربیاوریم. به نظر من این یک تحقیق قوی می‌خواهد. حالا ممکن است در این مقالاتی که اشاره فرمودند، چیزهایی در این زمینه باشد، اما بالاخره این جزو زمینه‌های کار است. ممکن است یک نفر آدم ملّا و فاضل بنشیند یک استنباطی بکند، یک ملّای فاضل دیگری هم جداگانه بنشیند کار بکند. به نظر من روی این باید کار کرد.

درمرحوم آسیّدمحمّدکاظم‌یزدی سه جهت به نظر من وجود دارد که این سه جهت در کمتر ملّایی در این سطح با همدیگر دیده می‌شود. یکی تسلّط و تبحّر و مهارت فقهی این مرد است؛ فقیه انصافاً بزرگی است. آن طور که خواندم من در همین نوشتجات ـ هم کتاب مرحوم مُنذر، هم بعضی جاهای دیگر این را نقل کردند ـ مرحوم آخوند خراسانی که خب مستغنی از تعریف و توصیف است، ایشان را از لحاظ فقهی بر همه معاصرین خودش ترجیح می‌دهید؛ معاصرین ایشان مرحوم آمیرزا محمدتقی شیرازی است ـ با آن مقام دقتی که آن مرد دارد ـ مرحوم آقای آسیّد اسماعیل صدر است که ملّای بزرگی است، همین‌جور مرحوم حاج آقا رضای همدانی است، مرحوم آسیّد محمد اصفهانی است، این بزرگانی که بودند. از آقای آخوند که سؤال می‌کنند که شما افقهید یا مثلاً آسیّدمحمدکاظم، ایشان ـ ظاهراً تعبیر ایشان از مرحوم آسید محمد کاظم معمولاً «آقا» [است] – یک ابراز تردیدی می‌کند؛ بعد راجع به تفاضل مرحوم آخوند با دیگران می‌پرسند، ایشان می‌گوید وقتی آقا اینجور باشد، دیگران وضعشان روشن است! یعنی یک ترجیح واضحی را مرحوم آخوند نسبت به ایشان قائل است. این خیلی چیز مهمی است. یک معاصری آن هم در حدّ مرحوم آخوند خراسانی، اینجور یک معاصر خودش را مثلاً تجلیل کند، تعظیم کند؛ این خیلی مهم است. بنابر این جنبه علمی ایشان خیلی به نظر من برجسته است. هم در عروه این معنا واضح است، هم در حاشیه مکاسب این معنا واضح است.

این یک جهت است در شخصیّت این بزرگوار.

یک جهت دیگر، آن جهت تقوایی و ملاحظات فردی و شخصی و جهات معنوی است که این هم در نقل‌های فراوانی که از ایشان می‌شود، واضح است. حتّی در همین قضیّه مشروطه، خب مرحوم آسیّدمحمدکاظم جزو اولین کسانی است که مشروطه را امضاء کرد و قبول کرد در اول کار. وقتی مرحوم شیخ فضل‌الله نوری نوشت که یک چنین کاری در تهران دارد انجام می‌گیرد، جزو اولین کسانی که این را امضاء کردند و قبول کردند، مرحوم آسیّدمحمدکاظم بود. بعد که اساسنامه ـ یعنی همان قانون اساسی ـ مطرح شد، ایشان گفت که من باید قانون اساسی را ببینم، من باید این که بنا است تأیید بکنم را ببینم. مرحوم آشیخ فضل‌الله از تهران نوشت که ما دیدیم، درست است، خوب است. خب، آشیخ فضل‌الله هم معاصر اینها بود، هم دوره اینها بود، مرد بزرگی بود، به او اطمینان داشتند. ایشان گفت نه، من خودم باید ببینم! این نهایت اهتمام این مرد را نشان می‌دهد که با این‌که کسی مثل شیخ فضل‌الله نوری که مورد قبول اینها بوده تأیید می‌کند، ایشان می‌گوید من [باید ببینم]؛ چون کار، کار بزرگی است، می‌فهمیده که کار ریشه‌دار و دنباله‌داری است، نمیشود این را با سهل‌انگاری از سر گذراند؛ که بعد هم قضایای بعدی تأیید کرد که همین درست بوده؛ یعنی باید از اول همین کار را می‌کردند. خود مرحوم شیخ فضل‌الله سر قضیه متمّم قانون اساسی چه کشید در تهران! آخرش هم چه شد؛ هم ایشان، هم مخالفین ایشان از علمای بزرگ، به چه وضعی دچار شدند. این دقّت و احتیاط این مرد را نشان می‌دهد در امر دین. این به نظر من خیلی مهم است. با این‌که فشار هم زیاد بود ـ یعنی شرایط، شرایط عادی نبود؛ فشار فکری، فشار سیاسی، از اطراف روی این مرد [بود]؛ عشایر نجف و اینها مرید ایشان بودند، لکن در خود حوزه نجف اغلب مخالف بودند ـ ایشان ایستاد. این هم جنبه تقوایی و معنوی این مرد.

جنبه سوم هم ـ که باز شاید برمی‌گردد به همین جنبه دوم ـ جنبه آمادگی برای جهاد است. قضایای مبارزه با انگلیس‌های اشغالگر و جنگی که در عراق اتفاق افتاد، بر محور مرحوم آسیّدمحمدکاظم یزدی می‌گردد. ایشان پسر خودش ـ مرحوم سید محمد ـ را فرستاد؛ البته مرحوم سیدِ محمد در جنگ به شهادت نرسید، بعداً از دنیا رفت؛ لکن فرزند خودش را فرستاد. بزرگانی از علما آن وقت بودند ـ مرحوم سیدعلی داماد بود، مرحوم سیدمصطفای کاشانی پدر مرحوم آقای کاشانی بود، بزرگان دیگری بودند ـ اما محور پسر مرحوم آسیّد محمد کاظم بود که خب همه به عنوان شخصیّت برجسته‌ای دنبال او بودند. آمدند در مناطق جنوبی عراق ـ در همین مناطق مرزی ایران ـ جنگیدند، مبارزه کردند. من آن سفری که رفته بودم خوزستان چند سال قبل از این، چند پیر مرد از بازمانده‌های دوران آن جنگ آمدند در یک جلسه ای با من ملاقات کردند، پرچم آن جنگ را برای ما آوردند ـ یک پرچم مندرس شده فرسوده ای بود ـ آن را دادند، گفتند این پرچم مرحوم سیدمحمدکاظم یزدی است؛ عرب‌های خوزستانی خودمان به نسبت این پرچم به این بزرگوار توجه داشتند. بنابراین ایشان شخصیت جامع‌الاطراف بزرگی بوده. اگر در قضیه مشروطه نظر ایشان تأمین می‌شد و آن شرطی که ایشان گذاشته بود تحقق پیدا می‌کرد، بنده گمان می‌کنم مسیر مشروطه عوض می‌شد؛ یعنی آدم احتمال می‌دهد که مسیر مشروطه عوض می‌شد، سهل‌انگاری‌هایی که انجام گرفت انجام نمی‌گرفت. به هر حال ما خیلی متشکریم. من تأکید می‌کنم بر این‌که سعی کنید این کار عمقی برگزار بشود ـ خوشبختانه جناب آقای استادی تشریف دارند و دنبال می‌کنند همین معنا را ـ و کاری بشود که این شخصیت زنده بشود در چشم عامه مردم [تا] افکار عمومی بشناسند این مرد بزرگ را.

والسلام علیکم و رحمة الله

لایق وراثت انبیاء

آیت‌الله العظمی عبدالله جوادی آملی استاد عالی حوزه علمیه قم در کنگره بین‌المللی «صاحب عروه» در قم گفتند: مرحوم «آیت‌الله سیدمحمدکاظم طباطبایی‌یزدی»، لیاقت و شایستگی وارث بودن انبیای الهی را یافته بود.



ایشان با بیان این‌که پیامبران مبشر و منذر بودند، افزودند: انذار، کاری دشوار است و هرکس نمی‌تواند دیگران را از عذاب الهی بترساند همانطور که مرحوم شیخ مفید تأکید داشت اگر کسی بخواهد در میان مردم به انذار بپردازد خود باید خشیت الهی داشته باشد.

این مرجع تقلید با بیان این‌که مرحوم صاحب عروه شخصیتی تک بعدی نبود، افزودند: ایشان شخصیتی عظیم در علم فقه بود و سال‌های زیادی را در حوزه نجف به تعلیم و تدریس مشغول بود.

ایشان با بیان این‌که مرحوم صاحب عروه دارای روش فقهی خاصی بود، ادامه دادند: قلمی که عروه را به رشته تحریر درآورده، کاملاً مرزبندی شده و روشن است. ایشان علاوه بر قلم توانا، محتوای وسیعی را هم عرضه کرده و شاگردان زیادی را پرورش داده است به‌طوری که عروةالوثقی ایشان توانست جای کتاب شرایع را بگیرد.

آیت‌الله العظمی جوادی آملی گفتند: به وسیله برخی آرای فقهی مرحوم صاحب عروه می‌توان بسیاری از مشکلات امروز را هم که درباره مسائل اقتصادی مطرح است، برطرف کرد.

ایشان با بیان این‌که مرحوم سید یزدی در تتبع علمی دنباله رو صاحب جواهر بود، گفت: حوزه‌های علمیه به این مرجع بزرگوار بدهکارند زیرا بر سفره‌ای نشسته‌اند که آن فقیه دانشمند گسترد. این مرجع تقلید درک صحیح اندیشه‌های صاحب عروه را وظیفه علما، فضلا و حوزه‌های علمیه ذکر کردند و افزودند: باید مراکزی داشته باشیم که آنچه مورد ابتلای عملی دولت و ملت است، مورد ابتلای علمی حوزه‌ها باشد و در واقع امروز بر ما واجب است، نیازهای فقهی نظام اسلامی را برآورده سازیم.

شخصیت جامع‌الاطراف

رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیز دراین کنگره گفت: توجه به شخصیت صاحب عروه نشان می‌دهد که ایشان در همه معارف از جمله عرفان، فقه و فعالیت‌های سیاسی، شخصیتی ممتاز و جامع‌الاطراف بود.

آیت‌الله محمد یزدی افزود: مرحوم آیت‌الله طباطبایی یزدی در عرصه مباحث سیاسی، ورودی عاقلانه داشت و مرور زمان نیز نشان داد که موضع گیری وی، درست و منطقی بود.

وی با تأکید بر بررسی همه‌جانبه زندگی شخصی و اجتماعی مرحوم صاحب عروه در این کنگره بیان کرد: باید با تأسی به سیره بزرگانی همچون سید یزدی رشد یا افت علمی حوزه‌های علمیه در شرایط کنونی را مورد بررسی قرار دهیم و با سرمشق گرفتن از فقهای گذشته، قدرت استنباط خود را تقویت و در تولید علم به نظام اسلامی کمک کنیم.

آیت‌الله یزدی بر ضرورت پرداختن فقها و حوزه‌ها به مسائل مورد ابتلای جامعه و نظام اسلامی تاکید و تصریح کرد: بسیاری از فروعاتی که در عروةالوثقی به عنوان مهمترین اثر مرحوم یزدی مورد بررسی قرار گرفته است، این ویژگی را دارد.

در کنگره بین‌المللی صاحب عروه، ویژه بزرگداشت حضرت آیت‌الله العظمی سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی(ره)، در قم شماری از اندیشمندان و پژوهشگران حوزه‌های علمیه و مراکز علمی داخل و خارج از کشور، مقالات خود را درباره شخصیت و جایگاه برجسته علمی، سیاسی و معنوی مرحوم طباطبایی یزدی ارائه کردند.

رونمایی از جلد نخست کتاب «مصنفات صاحب عروه»، نرم‌افزار «عروةالنور»، جلد نخست آثار خطی و مکاتبات صاحب عروه و رونمایی از تمبر یادبود آیت‌الله سیدمحمدکاظم یزدی مشهور به صاحب عروه از دیگر برنامه‌های این کنگره بین‌المللی بود.

برگزاری مراسم یادبود همسر مکرمه امام راحل و آخرین شب جمعه سال در حرم مطهر حضرت امام(س)

مراسم آخرین شب جمعه آخر سال و طلب مغفرت برای درگذشتگان در حرم مطهر امام راحل برگزار شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی وخبری جماران، مراسم آخرین شب جمعه آخر سال و طلب مغفرت برای درگذشتگان و چهارمین سالروز درگذشت حاجیه خانم خدیجه ثقفی همسر گرامی امام خمینی(س) و هجدهمین سالگرد رحلت یادگار ایشان مرحوم حجت‌الاسلام و المسلمین حاج سید احمد خمینی برگزار شد.

در این مراسم که پس از نماز مغرب و عشاء برگزار شد ودرآن اعضای بیت امام و حجت‌الاسلام و المسلمین سید حسن خمینی، شخصیت های سیاسی و مذهبی و اقشار مختلف مردم حضور داشتند ، قاریان به تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید پرداختند و دو تن از مداحان اهل بیت هم ذکر مصیبت کردند.

در این مراسم آیات سید محمد موسوی بجنوردی، شیخ حسن صانعی، سید محمد هاشمی، محمدرضا رحمت و عباسعلی روحانی، حجج اسلام سید یاسر خمینی، سید علی خمینی، مرتضی اشراقی، مسیح بروجردی، سراج الدین موسوی، محمدعلی ابطحی، محمدعلی انصاری، مجید انصاری، هادی قابل، محمد سروش محلاتی، ضیاء مرتضوی، محمد صدوقی، عبدالواحد موسوی لاری، محمد مقدم، علی اکبر آشتیانی، قدرت الله علیخانی، سید مجتبی نورمفیدی و آقایان علی اشراقی، محمدرضا خاتمی، حمید انصاری، غلامحسین کرباسچی، اسحاق جهانگیری،محمدعلی‌سبحانی،جواد امام، سید محمود دعایی و ... حضور داشتند.

اوباما: راهکار دیپلماتیک حل موضوع هسته‌ای ایران پایدارتر است

رئیس‌جمهوری آمریکا در مصاحبه با کانال ۲ تلویزیون اسرائیل دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را خط قرمز دولت آمریکا دانست، اما گفت ترجیح می‌دهد موضوع برنامه هسته‌ای ایران از راه دیپلماتیک حل شود.

به گزارش فارس، «باراک اوباما» ادامه داد: راه‌حل دیپلماتیک حل مساله برنامه هسته‌ای ایران، راهکار با دوامتری است.

اوباما که قرار است این هفته به فلسطین اشغالی سفر کند، گفت که آمریکا در قبال جلوگیری از دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای ،موضعی «کاملا روشن» داشته است. رئیس‌جمهوری آمریکا در این صحبت‌ها بار دیگر تکرار کرد که پنجره دیپلماسی برای همیشه باز نیست و افزود: فکر می‌کنیم که یک سال یا در همین حدود طول می‌کشد ایران بتواند واقعا یک سلاح هسته‌ای بسازد؛ اما واضح است که نمی‌خواهیم کار به آنجا برسد.

اوباما مدعی شد که تحریم‌ها «تأثیر قابل توجهی» بر اقتصاد ایران داشته، اما هنوز به تغییر اساسی موضع ایران منجر نشده است. وی راه حل دیپلماتیک را پایدارتر دانست ،اما گفت که هنوز «همه گزینه‌ها روی میز است».

رئیس‌جمهوری آمریکا بر خلاف گزارش‌های اخیر مراکز اطلاعاتی کاخ سفید از جمله «موسسه امنیت جدید آمریکا»،بار دیگر دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را موجب آغاز رقابت خطرناک تسلیحاتی در منطقه دانست و گفت که رسیدن ایران به سلاح هسته‌ای خط قرمز دولت آمریکاست. وی در مورد مقایسه‌هایی که میان ایران و کره شمالی انجام می‌شود هم گفت که این مقایسه‌ها درست نیست. ایران پتانسیل بالایی برای بازگشت به جامعه بین‌الملل دارد.

معافیت ۱۱ کشور از تحریم‌های نفتی آمریکا

درهمین حال رویترز گزارش داد: ژاپن و ۱۰کشور اروپایی ٦ماه دیگر از تحریم‌های نفتی علیه ایران معاف می‌شوند.

یک منبع آگاه دولتی آمریکا گفت که کشورش قصد دارد قانون معافیت تحریم‌ها علیه ایران را برای ژاپن و ۱۰ کشور دیگر اروپایی به زودی تمدید کند.

رویترز نوشت: تمدید این معافیت‌ها به این معنی است که این ۱۱ کشور، ۱۸۰ روز دیگر از خطر کنار گذاشته شدن از سیستم مالی آمریکا برای تبادلات مالی خود با ایران دور خواهند شد. یک دستیار کنگره آمریکا به رویترز گفت: انتظار داریم معافیت‌های همه این ۱۱ کشور تمدید شود. یک منبع کنگره‌ای دیگر این خبر را تایید کرده است.

کشورهای اروپایی که انتظار می‌رود از این معافیتها استفاده کنند عبارتند از: بلژیک، جمهوری چک، فرانسه، آلمان، یونان، ایتالیا، هلند، لهستان، اسپانیا و انگلیس.

آمریکا پیش از این چین، هند و چند کشور دیگر را به بهانه این که میزان واردات نفت خود از ایران را کاهش داده‌اند، از تحریم‌های نفتی معاف کرده بود و ۲ بار این معافیت‌ها را تمدید کرد.

ایران هوشمندانه با فشارها برخورد می کند

ازاین منظر رئیس دستگاه اطلاعات نظامی اسرائیل می گوید :ایرانی ها به طرزی هوشمندانه با فشارهای داخلی و خارجی برخورد می کنند و تحریم‌ها نتوانسته است در سیاست‌های هسته‌ای آن‌ها تغییری ایجاد کند.

به گزارش فارس به نقل از روزنامه صهیونیستی «جروزالم‌پست»، ژنرال «عاویو کوچاوی» می‌گوید ایرانی‌ها بر این عقیده‌اند که احتمال حمله اسرائیل بسیار اندک است.

وی با اشاره به تحریم‌های اقتصادی که علیه ایران وضع شده است، گفت: این تحریم‌ها بر اقتصاد ایران تأثیر گذاشته و در حال اثر گذاری بر تصمیم گیری‌های ایران است؛ با این وجود «هنوز نتوانسته موجب تغییر سیاست‌های آن‌ها شود».

کوچاوی که در نشستی در «هرتزیلیا» صحبت می‌کرد، افزود: عقیده داریم ایران به گسترش برنامه هسته‌ای خود ادامه می‌دهد و هوشمندانه با فشارهای داخلی و خارجی برخورد می‌کند. نظام ایران بر این باور است که احتمال حمله نظامی اندک است.

وی همچنین مدعی شد که ایران می‌خواهد به توان ساخت بمب اتم دست یابد تا در صورت نیاز به سرعت به سمت ساخت آن پیش رود. وی البته متذکر شد که برآوردهای اطلاعاتی نشان می‌دهد که ایران هنوز تصمیم به ساخت بمب اتم نگرفته است.

رئیس دستگاه اطلاعات نظامی اسرائیل همچنین گفت که ایران در مذاکرات با گروه ۱+۵ قصد ندارد امتیازات بزرگی به طرف مقابل بدهد. کوچاوی با اشاره به درگیری‌ها در سوریه مدعی شد که ایران و حزب‌الله خود را برای دوران بعد از «بشار اسد» آماده می‌کنند.

بنیاد کارنگی: تحریم علیه ایران جواب نمی‌دهد

بنیاد کارنگی هم در مقاله‌ای به بررسی بهترین و واقع گرایانه ترین راهکار موجود درحل و فصل موضوع هسته‌ای ایران پرداخته است.

این اندیشکده در تحلیلی جامع درباره پرونده هسته‌ای یک دهه‌ای ایران و چشم انداز آن گفت؛ مذاکرات با ایران شامل پیشنهاد تشویق و تهدید به تحریم هنوز هم در دسترس‌ترین راهکار غرب درباره پرونده هسته‌ای ایران است.

کارنگی در ادامه نوشت: مطمئن باشید که انتقاد از مذاکرات چه در آمریکا و چه در اسرائیل، رجز خوانی برای این است که تحریم‌ها باید بیشتر شود. با این وجود، تحریم و مذاکره راهکار اصلی این موضوع نیست. اعتقاد بر این که تحریم‌ها بتواند ایران را به سراشیبی سقوط بیندازد، ساده لوحانه و کاملا احمقانه است. اگر تحریم‌ها منجر به دستیابی به اهداف سیاسی آمریکایی‌ها و جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای می‌شد، اهرمی که آنها به وجود آوردند باید برای رسیدن به نتیجه قابل قبول دوجانبه در مذاکرات مورد استفاده قرار می گرفت. رد مذاکره، به مثابه بحث برای حمله نظامی به ایران است که برخی منتقدان مذاکرات به آن اذعان دارند. دیگران که جایگزین ندارند هم به راحتی از اوباما به خاطر آن انتقاد می کنند. با این وجود حامیان اقدام نظامی علیه ایران جرات چندانی برای ابراز آشکار عقاید خود ندارند. این مساله کاملا قابل درک است. نه آمریکا و نه اسرائیل اشتهایی برای یک جنگ دیگر در خاورمیانه ندارند. در نتیجه جمع کردن حامی برای اقدام نظامی به منظور متقاعد کردن مخالفان داخلی برای توافق با ایران آسانتر از این است که صراحتا از حمله هوایی صحبت کنند.

به باور اغلب کارشناسان و تحلیلگران منطقه‌ای، حمله نظامی هم ایران را تقویت می کند و هم اراده این کشور را برای دستیابی به سلاح هسته‌ای افزایش می‌دهد. علاوه بر آن ایران می‌تواند از این حمله که مورد تائید شورای امنیت سازمان ملل نیست، استفاده کند و از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای خارج شود و برنامه هسته‌ای خود را تعقیب کند.

به این ترتیب واقعگرایانه ترین رویکرد در برابر ایران که از وقوع یک فاجعه شبیه به آنچه که در عراق اتفاق افتاد،جلوگیری می کند مذاکره و حل و فصل مسالمت آمیز موضوع هسته‌ای ایران و اعمال یک رژیم بازرسی مناسب توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است.

برخلاف عراق، هدف آن باید تضمین و نه حذف برنامه هسته‌ای ایران باشد. حتی با فشار تحریم‌ها هم هیچ تضمینی وجود ندارد که ایران با آن موافقت کند.

تائید تعقیب پهپاد آمریکا در خلیج فارس

دررویدادی دیگر،وزارت دفاع آمریکا خبر منتشر شده مبنی بر تعقیب و گریز یک جنگنده ایرانی و یک پهپاد آمریکایی را در آسمان خلیج فارس تائید کرد. سی‌ان‌ان در خبری مدعی شده بود که جنگنده ایرانی در خلیج فارس یک پهپاد آمریکایی را هدف قرار داده است. همچنین اشاره‌ای به حضور جنگنده‌های آمریکایی نشده بود؛ اما «جورج لیتل» سخنگوی وزارت دفاع آمریکا گفته است که دو جنگنده آمریکایی هم این پهپاد را همراهی می‌کرده‌اند. به گفته وی این حادثه روز سه‌شنبه هفته گذشته رخ داد. وی نوع جنگنده ایرانی را اف-٤ اعلام و مدل پهپاد آمریکایی که سی ان ان آن را پریدیتور اعلام کرده بود،مورد تائید قرارداد .

سه مقام آمریکایی که نامشان فاش نشده است جزئیات این حادثه را تائید کرده‌اند. این مقامات گفته‌اند که پهپاد آمریکایی از نوع «پریدیتور» بوده است. این نوع پهپاد از جمله هواپیماهای بدون سرنشین جنگی و مسلح آمریکاست.

یک مقام آمریکایی که از جزئیات این حادثه مطلع است، مدعی شدکه این هواپیما در آسمان بین‌المللی بر فراز آب‌های دریای عمان در حال پرواز بوده که رادارهای ایرانی آن را شناسایی کرده‌اند. بنا بر این گزارش ایران پس از شناسایی این پهپاد، یک فروند هواپیمای سرنشین‌دار را به تعقیب آن فرستاده است.

هواپیمای ایرانی سپس به پهپاد آمریکایی نزدیک شد و بر فراز آن قرار گرفت. سی‌ان‌ان گزارش داد که پهپاد آمریکایی پس از نزدیک شدن هواپیمای ایرانی به سرعت منطقه را ترک کرد. در این رویارویی هیچ شلیکی رخ نداد.

این مقام آمریکایی در مصاحبه خود نسبت به چنین برخوردهایی ابراز نگرانی کردو گفت که این موارد می تواند ناخواسته به بروز خصومت منجر شود. آن‌ها قبلا هم این کار را کرده بودند. ما کاملا آماده‌ایم تا از هواپیمای خود دفاع کنیم. ما کاملا در فضای بین‌المللی بودیم.

هفته گذشته ارتش جمهوری اسلامی هم از شناسایی یک فروند هواپیمای رادارگریز جاسوسی آمریکا در نزدیکی مرزهای ایران خبر داده بود. در آن مورد هواپیمای آمریکایی‌ها از نوع «یو-۲» سرنشین‌دار بود که با هشدار نیروهای پدافندی جمهوری اسلامی از مرزهای ایران دور شد.

روحانی: مبارزه با فساد باتضمین آزادی‌های قانونی به نتیجه می‌رسد

رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام بر ضرورت حضور کاندیداها با گرایشات فکری متفاوت در انتخابات ریاست جمهوری به گونه ای که بتوانند همه افکار و گرایش‌های عمده جامعه را نمایندگی کنند، تأکید کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی در دیدار جمعی از فرهنگیان و نخبگان دانشگاهی، انتخابات ریاست‌جمهوری آتی را سرنوشت‌ساز و مهم دانست و گفت: باید توجه همه مردم نسبت به این انتخابات جلب شود. باید تلاش کرد تا احساس مسئولیت و مشارکت‌درمسائل اجتماعی کشور در همه آحاد جامعه بیشتر شده تا شاهد نشاط سیاسی و اجتماعی در جامعه باشیم و مردم به بهترین وجه نسبت به آینده کشورشان تصمیم بگیرند.

نماینده مقام معظم رهبری در شورای عالی امنیت ملی با طرح این پرسش که چگونه می‌شود انتخابات پرشوری برگزار کرد، ادامه داد: در صحنه انتخابات باید نمایندگان انواع گرایشات و افکار مهم جامعه حضور داشته باشند.

باید همه جناح‌ها و احزاب به صحنه بیایند و کاندیدای مطلوب خود را معرفی کنند؛ چه این که تنوع کاندیداها حق انتخاب بهتری را به مردم می‌دهد.

وی با بیان این که هر اقدامی که بتواند مردم را مطمئن‌تر به سلامت انتخابات کند، امری لازم و ضروری است، گفت: سیاست‌های انتخاباتی در آینده نزدیک در دستور کار کمیسیون مجمع قرار می گیرد که در صورت نهایی شدن، بسیاری از امور انتخاباتی شفاف‌تر شده و به دنباله آن روش‌ها و فرایندهایی به کار گرفته خواهد شد که از بروز بسیاری از شبهات جلوگیری خواهد کرد.

روحانی همچنین با اعلام این مطلب که رقابت در انتخابات و در همه امور مهم سیاسی –اجتماعی، برای کشور مفید و حتی لازم است، اظهار داشت: برای ساختن کشور، همه باید دست به دست هم دهیم و تلاش کنیم به معنای واقعی از تمام ظرفیت کشور بهره ببریم.

روحانی، عمل به قانون را لازمه رسیدن به وحدت و انسجام دانست و تصریح کرد: تمام مشکلات از نقض قانون شروع می‌شود و وای به روزی که افرادی که مسئولیت سنگینی در کشور دارند، به قانون بی‌اعتنا باشند. انتظار مردم از رئیس جمهوری آتی هم اجرای درست قانون است و جلب اعتماد مردم فقط در سایه اجرای دقیق قانون امکان‌پذیر است.

ناوشکن ایرانی دماوند به آب انداخته شد

رئیس سازمان تحقیقات صنعتی و جهاد خودکفایی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی گفت: ناوشکن جمهوری اسلامی دماوند (موج ۲) که در کلاس موج طراحی و ساخته شده است، به آب انداخته شد.

امیر دریادار علی غلامزاده در گفتگو با ایرنا افزود: پس از به آب اندازی دماوند، بلافاصله این ناوشکن وارد فاز آزمایشات اولیه خواهد شد.

وی با بیان این که تمامی تجهیزات مورد نیاز که در داخل تولید شده، بر روی این ناوشکن نصب شده است، تصریح کرد: در چندماه آینده و با کار شبانه روزی، می توانیم این ناوشکن را عملیاتی و برای ماموریت به آب های آزاد اعزام کنیم.

مسئول پروژه‌موج تصریح کرد: پیش بینی می کنیم که در نیمه اول امسال، این ناوشکن به ناوگان دریایی ارتش ملحق شود.

مصباحی‌مقدم: مجلس از افزایش قیمت حامل‌های انرژی جلوگیری کرده‌است

رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس با انتقاد از برخی رویکرد ها نسبت به تصویب بودجه سه‌دوازدهم سال ۹۲ در مجلس گفت: برخی تصور می‌کنند مجلس در پرداخت یارانه به مردم بخیل است ،در حالی که تا درآمدی نباشد، پولی نیست که به مردم بدهیم.

به گزارش ایسنا حجت‌الاسلام والمسلمین غلامرضا مصباحی‌مقدم در سخنان پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران در ارزیابی خود از لایحه بودجه سال ۹۲، با بیان این که "با مصوبه‌ای در مجلس جلو تغییر قیمت حامل‌های انرژی در سه ماهه اول سال ۹۲ را گرفته‌ایم"، افزود: بودجه سال ۹۲ در دو لایحه به مجلس ارائه شد؛ یکی لایحه سه‌دوازدهم که برای سه ماهه اول از نظر منابع و مصارف تعیین تکلیف می‌کند و دیگر بودجه کل کشور. علت این که امسال با دو بودجه روبرو هستیم تاخیر بسیار زیادی است که در تقدیم بودجه به مجلس صورت گرفته است.

مصباحی‌مقدم با بیان این که "دولت در لایحه پیشنهادی سه دوازدهم، ٤٥ هزار میلیارد تومان برای سه ماهه ابتدایی سال درخواست کرده بود"، یادآور شد: این مبلغ علاوه بر مبلغ سه دوازدهم از سال گذشته ۹۱ است، زیرا آیین‌نامه داخلی تاکید دارد که بودجه سه‌دوازدهم باید بر مبنای آخرین بودجه مصوب باشد. بر این اساس بودجه عمومی سال ۹۱ که ١٦٤ هزار میلیارد تومان بوده، بخش بر چهار، ٤١ هزار میلیارد تومان می‌شود و این همان چیزی است که مجلس به تصویب رسانده است.

وی با انتقاد از آنچه بی‌اخلاقی صورت گرفته در برخی رسانه‌ها بیان می‌کرد، گفت: برخی تصور می‌کنند که مجلس در پرداخت یارانه به مردم بخیل است در حالی که تا درآمدی نباشد پولی هم نیست که به مردم بدهند یا ندهند. وقتی قیمت‌ها تغییر نمی‌کند، درآمد اضافه‌ای هم وجود ندارد که تقسیم شود؛ بنابراین در مصوبه مجلس تاکید شد مبادا خلق پول شود و استقراض از بانک مرکزی صورت گیرد.

وی در ادامه به افزایش پنج برابری نقدینگی در طول هشت سال گذشته اشاره و خاطرنشان کرد: در سال ٨٤ کل نقدینگی کشور کمتر از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان بود که عدد دقیق آن ۹٤ هزار میلیارد تومان است. بعد از گذشت ۸ سال نقدینگی کشور نزدیک ۵۰۰ هزار میلیارد تومان است، یعنی ۵ برابر رشد پول داشته‌ایم. معنای رشد پول بدون رشد تولید چیزی جز تورم نیست و رشد پول بدون رشد کالا و خدمات چیزی جز افزایش قیمت نیست.

مصباحی‌مقدم تصریح کرد: خام‌اندیشی نکنیم و فکر نکنیم هرچه پول بیشتری تزریق شد، ثروت بیشتری هم گیر مردم آمده است. پولی که از فعالیت اقتصادی و کسب و کار به دست بیاید، اگر به درستی توزیع شود، موجب رفاه بیشتر است، اما اگر پول‌ها را ۱۰ برابر کنیم و تولیدات افزون نشود، قیمت‌ها ۱۰ برابر بالا می‌رود و این یک فرمول شناخته شده اقتصادی است.

وی با تقدیر از کاهش اتکای به نفت در لایحه بودجه ۹۲ اظهار داشت: اگر بخواهیم تورم نباشد، باید نفت را جدا کنیم و کسب و کار عمومی و مردم و اتکای بیشتر به درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدها تامین کننده نیازهای عمومی دولت باشد.وی توجه ویژه به بخش عمرانی را دیگر مزیت لایحه بودجه پیشنهادی دولت برای سال ۹۲ دانست و یادآور شد: در بخش عمرانی بودجه نزدیک به ٤۰ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده است..

مصباحی‌مقدم به افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارکنان دولت در لایحه بودجه ۹۲ اشاره کرد و گفت: این میزان افزایش عملی خواهد شد، اگرچه این رقم با نرخ تورم فاصله دارد، اما قبول کنید که اگر بنا باشد این میزان بیش از اینها باشد، منابع دولت کافی نیست و دچار کسری بودجه می‌شویم که بلاهای بزرگتری برای کشور پدید می‌آورد که مهم‌ترین آن تورم افزون‌تر است.

رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در بخش دیگری از سخنان خود معایب لایحه بودجه ۹۲ را مورد اشاره قرارداد و اظهار داشت:

لایحه بودجه ۹۲، ۹۰ درصد افزایش ارقام و اعداد داردواین نشان می‌دهد که بودجه انبساطی است.

مصباحی‌مقدم همچنین بر شفافیت بودجه تاکید کرد و گفت: ان‌شاءالله ما این بودجه را که عدم شفافیت در آن مشهود است، شفاف خواهیم کرد. اگرچه در لایحه بودجه ۱۹۲ هزار میلیارد تومان بودجه عمومی و ۵۸۵ هزار میلیارد تومان بودجه شرکت‌ها و مجموعا ۷۳۰ هزار میلیارد تومان بودجه کل کشور پیش‌بینی شده اما عدم شفافیت در آن به چشم می‌خورد و اعداد و ارقامی هستند که در سرجمع لایحه بودجه نیامده‌اند.

وی با اشاره به ذخیره ۵۰ میلیارد دلاری صندوق توسعه ملی تصریح کرد: این صندوق را راه‌اندازی کردیم که بر اساس رهنمود رهبری، درآمد آن در بودجه لحاظ نشود و دولت از این درآمد استفاده نکند، بلکه سرمایه‌ای برای سرمایه‌گذاری‌های زاینده و مولدبا شد.

مصباحی‌مقدم در بخش دیگری از صحبت های خود، جایگاه ایران را در اقتصاد جهانی مورد اشاره قرار داد و گفت: بر اساس رتبه‌بندی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی، ایران هفدهمین کشور از نظر جایگاه اقتصادی است و این در شرایطی است که بیش از ۳۰ سال در تحریم بوده‌ایم و این تحریم‌ها در سال‌های اخیر تشدید شده است. در این مدت ما نه فقط از نهادهای بین‌المللی کمک نگرفته‌ایم ،بلکه ما را از کمک تحریم کرده‌اند و اجازه سرمایه‌گذاری خارجی در کشورمان را هم نداده‌اند. منابع سرمایه‌گذاری خارجی در این سال‌ها به ندرت به کشور راه یافته که آن هم در حوزه نفت و گاز بوده است.

رییس کمیسیون برنامه بودجه مجلس ادامه داد: براساس رتبه‌بندی همان دو نهاد بین‌المللی ایران شانزدهمین جایگاه علمی بین‌المللی را دارد و طی دو سال شاهد جهش ایران از رتبه ۲۰ به ١٦ بوده‌ایم. شما گزارش رشد علمی و فناوری‌های پیشرفته در کشور را می‌دانید و این افتخاری برای نظام ماست که نخبگان و اندیشمندان ما به خوبی به خودباوری دست یافته و عزت آفریده‌اند.

نماینده مردم تهران در مجلس نسبت به حل مشکلات اقتصادی مردم، مهار تورم، رونق کسب و کار، افزایش تولید و کاهش پیچیدگی‌های اداری برای موافقت با فعالیت بنگاه‌های اقتصادی ابراز امیدواری کرد.

واکنش به بیانیه وزیران کشور دولت های عربی

یک مقام آگاه در وزارت امور خارجه، ادعای وزیران کشور برخی دولت های عربی مبنی بر حمایت ایران از عملیات تروریستی در بحرین و یمن را کاملا واهی و خیال پردازانه خواند.

به گزارش اداره کل دیپماسی رسانه ای وزارت امور خارجه، این مقام آگاه افزود: متاسفانه این اتهام های بی اساس و موهوم در حالی مطرح می شود که نشست مزبور چشمان خود را بر روی حمایت برخی کشورها از اقدامات ویرانگر تروریستی در سوریه بسته است.

وزیران کشور برخی دولت های عربی در نشستی که اخیرا در ریاض عربستان برگزار شد، جمهوری اسلامی ایران را به ترغیب تروریسم در بحرین و یمن متهم کردند.

سید محی‌الدین ساجدی تحلیلگر مسائل خاورمیانه به رحمت ایزدی پیوست

سیدمحی‌الدین ساجدی همکار بخش بین‌الملل روزنامه اطلاعات

دار فانی را وداع گفت.

سیدمحی‌الدین ساجدی در سال ۱۳۳۷ در شیراز به دنیا آمد، و پس از پایان دوران دبیرستان وارد دانشگاه شد و در رشته فلسفه اسلامی دوره لیسانس و فوق‌لیسانس را در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران به پایان رساند.

سیدمحی الدین ساجدی سال‌ها در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در واحدهای خبر و سیاسی مسئولیت داشت و مدتی نیز خبرنگار این سازمان در بیروت و دمشق بود.

او با روزنامه اطلاعات در بخش بین‌المللی همکاری می‌کرد. مرحوم ساجدی با اطلاعات وسیعی که در حوزه خاورمیانه داشت، تحلیل‌های سیاسی برای روزنامه می‌نگاشت که در صفحه آخر روزنامه منتشر می‌شد.

وی پس از دو سال مبارزه با بیماری سرطان سرانجام در نیمه شب پنجشنبه بیست و پنجم اسفند ماه در ٥٤ سالگی در بیمارستان ساسان تهران دار فانی را وداع گفت.

روزنامه اطلاعات درگذشت این همکار فرهیخته را به خانواده ارجمند ایشان و جامعه رسانه‌ای کشور تسلیت می‌گوید و برای آن مرحوم غفران الهی از درگاه ایزد متعال مسئلت می‌کند.

احمدی نژاد انتخاب رئیس جمهوری جدید چین را تبریک گفت

رئیس جمهوری ایران در پیامی به «شی جین پینگ»، انتخاب وی را به عنوان رئیس جمهوری جدید جمهوری خلق چین تبریک گفت و اظهارامیدواری کردکه روابط حسنه و دوستانه دو کشور درسطوح دوجانبه،منطقه‌ای و بین‌المللی و در راستای منافع دو ملت ایران و چین و ارتقاو استقرار صلح و امنیت پایدار جهانی بیش از پیش گسترش یابد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، متن پیام تبریک «محمود احمدی نژاد» به شرح زیر است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

جناب آقای شی جین پینگ

رییس جمهوری خلق چین

انتخاب جناب عالی به‌عنوان رییس جمهوری جدید جمهوری خلق چین را صمیمانه تبریک می گویم.

سابقه دوستی دو ملت بزرگ چین و ایران به درازای تاریخ و به عمق فرهنگ و تمدن‌بشری است.دو ملت همواره برای گسترش صلح و دوستی و همکاری بین همه ملت ها تلاش کرده‌اند.

امروز نیز که جامعه بشری به مفاهیم بلندی چون صداقت، دوستی، امنیت و همکاری نیازمنداست، مسئولیت دوملت بزرگ برای استقرار این مفاهیم انسانی مضاعف و بسیار روشن است.

مشارکت همگانی در مدیریت بین‌المللی واصلاح ساختارهای ناعادلانه از جمله مهمترین اصول برای اداره بهتر جهان است که جز با همدلی محقق نخواهد شد. امیدوارم در دوره جدید مسئولیت جناب عالی استمرار روابط حسنه و دوستانه میان دو کشور در سطوح دوجانبه، منطقه ای و بین المللی و در راستای منافع دو ملت ایران و چین و ارتقا و استقرار صلح و امنیت پایدار جهانی را بیش از پیش شاهد باشیم.

سلامتی و موفقیت جناب عالی و بهروزی و شادکامی دولت و ملت دوست چین را آرزومندم.

محمود احمدی نژاد

رییس جمهوری اسلامی ایران

احمدی نژاد از رییس جمهوری سابق چین قدردانی کرد

رییس جمهوری اسلامی ایران همچنین در پیام جداگانه ای به «هوجین تائو» رییس جمهوری سابق چین، از تلاش ها و همکاری سازنده وی در مسیر افزایش روابط دو کشور قدردانی کرد.

متن کامل پیام بدین شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

جناب آقای هوجین تائو

سلام دوستانه‌ام را برای جناب عالی ابراز می کنم.

روابط حسنه میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین که همواره بر اساس احترام متقابل و مساعی مشترک بوده‌است، در دوران مسوولیت جناب عالی به عنوان رییس جمهوری خلق چین، پیشرفتی بی نظیر داشت و آثار و نتایج مفیدی را برای دو کشور، منطقه و درعرصه بین الملل بر جا گذاشته است.

مشارکت همگانی در مدیریت جهانی و اصلاح ساختارهای ناعادلانه بین المللی از جمله ضروری ترین اصول جهت اداره بهتر نظام بین‌الملل است که این امر جز با همدلی و برابری محقق نخواهد شد.

ضمن تشکر و ابراز خرسندی از همکاری های بسیار سازنده جناب عالی، برایتان سلامتی و موفقیت در همه امور زندگی و سربلندی و بهروزی دولت و ملت دوست چین را آرزومندم.

محمود احمدی نژاد

رییس جمهوری اسلامی ایران

ناوگروه نیروی دریایی ارتش برای نخستین بار از خط استوا عبور کرد

سرویس سیاسی –اجتماعی: فرمانده نیروی دریایی ارتش از حضور در اقیانوس اطلس به عنوان یکی از برنامه‌های نیروی دریایی در سال جدید یاد کرد.

امیر دریادار حبیب‌الله سیاری در آیین پایان سال که در ستاد نیروی دریایی برگزار شد، با بیان این که ناوگروه بیست و چهارم این نیرو برای نخستین‌بار توانست پس از حضور در اقیانوس آرام با عبور از خط استوا برگ زرین دیگری بر تاریخ افتخارات نیروی دریایی ثبت کند، افزود: سال آینده در اقیانوس اطلس حضور خواهیم یافت.

وی حضور نیروی دریایی در اقیانوس آرام و بویژه در دریای چین را بسیار مهم و ارزشمند دانست و تاکید کرد: ما قبل از انقلاب هم در این منطقه حضور نداشته‌ایم که در تاریخ نیروی دریایی یک گام بزرگ در مسیر تحقق تدابیر و تاکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر حضور در آبهای آزاد محسوب می‌شود.

سیاری ضمن مرور اقدامات شایسته نیروی دریایی در سال ۹۱ ،یادآور شد:

ناوگروه‌های این نیرو بدون هیچ وقفه‌ای ماموریت‌های مربوط به اسکورت کشتی‌ها و تامین خطوط مواصلاتی را بطور مستمر و با توانمندی کامل انجام و همچون گذشته کشتی‌های تجاری را در امنیت کامل از منطقه خطر عبور می‌دهند.

وی با تاکید بر لزوم حفظ آمادگی و ارتقای توان رزمی نیروی دریایی، تصریح کرد: همه باید دست به دست هم دهیم تا توان رزمی کنونی را حفظ کنیم و سال به سال آن را بیفزائیم.

سیاری با اشاره به سفر اخیر هیات‌نظامی نیروی‌دریایی‌ارتش به کشور عمان، دستاوردهای این سفر را موثر و موفقیت‌آمیز اعلام کرد و گفت: امیدواریم سال آینده هم رزمایش امداد و نجات و هم رزمایش تاکتیکی را بصورت مشترک با کشور عمان داشته باشیم.

در ابتدای این مراسم، حجت‌الاسلام والمسلمین عباس محمدحسنی رئیس اداره عقیدتی سیاسی نیروی دریایی با بیان این که نخستین مرحله ماموریت عقیدتی سیاسی ، تبلیغ دین و در مرحله بعد تبلیغ ارتش و معرفی چهره معنوی ارتش به مردم است، افزود: عقیدتی سیاسی نیروی دریایی این کار را انجام داده است تا جایی که در نظرسنجی‌های به‌عمل آمده‌ارتش به‌عنوان‌محبوبترین‌چهره‌نیروهای مسلح در بین جامعه مطرح شده است.

یاد داشت

به احترام استاد مهدی محقق

احمد جلالی

بهانهٔ این عرض ادب به استاد دکتر مهدی محقق، بزرگداشتی است که اخیرا با عنوان شب دکتر محقق برگزار شد.

بزرگداشت استادیِ برجسته و سخت کوش و جامع در قلمرو زبانِ و ادب فارسی و فرهنگ و معارف اسلامی؛ دانشمندی که تنها یکی از خدمات اواهتمام دراز مدت در بزرگ داشتنِ عالمان و احیای مآثر آنان و تقویَم و تثبیت آبرومندانهٔ این سنّت و سیرهٔ نیکو بوده است، با پشتکار و صبوری، به رغم همهٔ مشکلات و آفت‌های گفتنی و نگفتنی.

در مناسبت های مربوط، هم ردیفان و دوست داران و شاگردان بلافصل استاد از ابعاد فضائل و صلاحیت ها و زندگی‌نامهٔ علمی و وجوه خدمات و زحمات ایشان گفته و نوشته اند، اما اگر بنای بر ادای دین باشد، این سلسلهٔ پیچان و دراز،همچنان ادامه خواهد داشت.و چنین می شاید و می باید. زیرا چنانکه فرهیختهٔ بزرگوار،بهاء الدین خرمشاهی روایت کرد، ارسال فقط یک نامه به استادان و دوستداران استاد محقق جهت ارسال مقاله برای «محقق نامه» کافی بود که بیش از هشتاد مقاله ارزنده و برجسته فراهم آید. «محقق نامه» فقط یک عنوان نیست که مدخلی است برای بسیاری «نامه» های خواندنی و ستودنی. علاقه مندانی هم که توفیق شاگردی مستقیم این عالم معلِم را نداشته‌اند، از رهگذر مطالعه آثار پرَشمار او یا در سایهٔ نهَادها و طرح های فرهنگی و علمی فراوان که به همت بلند او بنیان گرفته یا سرپرستی شده مرهون ایشانند. مرتبه ای که به قول استاد احمد مهدوی دامغانی دستاورد بیش از سی سال تلمذ در محضر بزرگان علم و ادب اعم از حوزوی و دانشگاهی و حاصل بیش از شصت سال تحصیل و تعلیم و تتبع و تحقیق ایشان در پدید آوردن آثار ارجمندی است که برخی از آن از مراجع معتبر معاصر در ادب به شمار می‌رود. طیف پرتو افشانی‌های معرفتی و خدمات و آثار این معلِم ارجمند چندان وسیع و رنگارنگ و مواج است که وصف دامنهٔ صرِف موضوعات آن،نه تنها از ظرفیت این مجال که از حوزهٔ ورودِ بنده نیز خارج است.

اما می خواهم نزدِ خوانندگانِ جوان بر این نکته تاکید کنم که استاد محقق علاوه برَ آثار مکتوب یا تعالیمشان در حوزه‌های فلسفه و کلام و ادب و ادبیات و علوم و معارف اسلامی و ادوار تحول آن و شاگردانی که در این ابواب تربیت کرده اند، از نظر جامعیت، در شمار شخصیتهائی هستند که می توانند دست علاقه مندان را بگیرند و پا به پا از بسیاری از کوچه ها و خیابان‌های تاریخ تکوین و تدوین و تقویم میراث علمی و فرهنگی و تمدنی مان بگذرانند. و چه بسا که برگذر های این پهنهٔ وسیع و تو بر تو بایستند و از احوال خالقان این میراث و حاصل اوقاتشان بگویند و نشان دهند که این سلسله،با همهٔ افت و خَیزهایش، چگونه تا به امروز پیوسته مانده است.

نفس حضورِ چنین نسلی از دانشمندان جامع الاطراف،که از سنتَ علمی وَ آموزشی این دیاربرآمده اندو دلبستهٔ دانش و فرهنگ این مرز و بوم‌اند،گویای چگونگی این ماندگاری و پیوستگی است.

بقیه در صفحه ٤

پیام دکتر مهدوی دامغانی در تجلیل از شخصیت علمی ایرج افشار

در شب «مجله آینده»، از ایرج افشار به عنوان فردی یاد شد که در برابر جهل و عوامل آن ایستاد.

به گزارش ایسنا ، شب «مجله آینده» در کانون زبان پارسی برگزار شد.

در ابتدای این نشست، علی دهباشی با بیان این‌که شب «مجله آینده» اولین مراسمی است که در این مکان به یاد دکتر محمود افشار، بنیان‌گذار مجله آینده و این موقوفات و فرزند او، زنده‌یاد ایرج افشار که سرپرست عالی این موقوفات بود و مدیریت و سردبیری مجله «آینده» را داشت، برگزار می‌شود، اظهار کرد: یکی از آرزوهای دکتر محمود افشار، ایجاد «آکادمی ملی زبان فارسی و تاریخ فرهنگ ایران» بود. بعد از فوت آن مرحوم، شورای تولیت موقوفات دکتر افشار به ریاست سیدمصطفی محقق داماد و با سرپرستی فرزند او زنده‌یاد ایرج افشار آن را ایجاد کردند و نام آن را هیات گزینش کتاب بنیاد موقوفات افشار گذاشتند.

اعضای کنونی این هیات عبارت‌اند از دکتر سیدمصطفی محقق داماد، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، دکتر ژاله آموزگار، دکتر جلال خالقی مطلق، دکتر حسن انوری، دکتر محمود امیدسالار و کاوه بیات. اعضای درگذشته این هیأت هم عبارت بودند از دکتر یحیی مهدوی، دکتر جواد شیخ اسلامی، دکتر اصغر مهدوی، دکتر سیدجعفر شهیدی و ایرج افشار.

پس از سخنان علی دهباشی، سیدعبدالله انوار- مترجم و نسخه‌شناس - با اشاره به تلاش‌های ایرج افشار برای ایجاد شیوه‌های نوین کتابداری گفت: ایرج افشار از انسان‌هایی بود که کتاب و مفاضات کتاب با ذاتیات ماهوی او موافق افتاده بود و هر چه گفت و نوشت و کرد، در راه کتاب کرد و ازاین راه خدمت‌ها به دانش مملکت کرد و در برابر جهل ایستاد و با جهل و عوامل آن ستیزید.

او افزود: افشار زمانی که به کتابخانه ملی آمد، سعی کرد کتابخانه را از گرداب فراموشی به در آورد و به آن حرکت زیستی دهد.

سپس هوشنگ دولت‌آبادی، دوست ایرج افشار، در سخنانی اظهار کرد: دوستان گرامی تصور می‌کنم در یک نکته با هم اتفاق نظر داشته باشیم که بین مقبولیت مجله آینده و مقبولیت مدیر آن رابطه‌ای است که نمی شود آن را از هم تفکیک کرد.

در ادامه، هاشم رجب‌زاده، دوست و همکار ایرج افشار در مجله آینده، اظهار کرد: همکاری من با مجله آینده تقریباً از وقتی شروع شد که برای بار دوم به ژاپن رفتم و این‌بار برای تدریس در دانشگاه بود و زمانی بود که ایشان بلافاصله با من تماس گرفتند و از من خواستند تا گزارش هایی از مؤسسات شرق شناسی که در ژاپن تشکیل می شد، آماده کنم و مهم‌ترین این مجالس، مجلس سالانه انجمن شرق‌شناسی است که در حدود سال ۱۹۵۰ تشکیل شد و از آن به بعد هم مدام تشکیل می شود و ریاست عالیه آن با شاهزاده میکاسا، عموی امپراتور ژاپن و برادر امپراتور قبلی ژاپن است که خود شرق شناس است و مرحوم ایرج افشار یکی از پیوندهای محکمی که با ژاپن همیشه در خاطرشان بود، ملاقاتی بود که با شاهزاده میکاسا داشتند و شاید دومین سفر ایشان بود که به ژاپن و برای نمایشگاه کتاب آمده بودند.

در بخشی از این مراسم، جواد بشری متنی از احمد مهدوی دامغانی، درباره محمود و ایرج افشار خواند. همچنین پیام تلفنی منوچهر ستوده که درباره آشنایی و دوستی او با ایرج افشار بود، پخش شد.

پس از عبدالله انوار نوبت به جواد بشری رسید تا متن پیام دکتر احمد مهدوی دامغانی را قرائت کند:

بسم الله الرّحمن الرّحیم

إن شاءالله نام نیک و یاد خیر فقید سعید روانشاد ایرج افشار، آن جوانمرد بزرگمنش آزاده که براستی: «نظیر خویش بنگذاشتند و بگذشتند» گرامی بماناد، قریب بیست سال پیش یا پیشترک، از این ناچیز خواست تا شرح مختصری دربارهٔ «بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی» برای درج در آن مجموعه‌هائی که ایرج بر طبع و نشر آن همّت گماشته بود خدمتش عرض کنم، در اطاعت از امر او آنچه را نوشتم مُصدَّر و مزیَّن به دو حدیث شریف نبوی(ص) ساختم که:

«إذا ماتَ الإنسانُ انقَطَعَ عَمَلُهُ إلّا مِن ثلاثٍ، إلّا مِن صدَقَةٍ جارِیَهٍ، أو علم یُنتَفَعُ بِه، أو ولد صالح یَدعُو لَهُ» (کنز العُمّال، حدیثً ۴۳۶۵۶)

و«خَیرُ ما یُخلفُ الإنسانُ بَعدَهُ ثلاثٌ: وَلَدٌ صالِحٌ یَدعُو لَهُ، وَ صَدَقَةٌ تَجری یَبلُغُهُ أجرُها، وَ علمٌ یُنتَفَعُ بِهِ مِن بَعدِهِ» (أیضاً ۴۳۶۵۹)

خوشا به حال زنده‌نامان، دکتر محمود افشار و ایرج افشار که مُفادِ هر دو حدیث شریف مذکور وصف‌الحال آن ناموران است که هر دوی آنان به توفیق و عنایتِ الهی از هر سهٔ این مواهب برخوردارند که هم فرزندِ صالح و شایسته از خود به جای گذاشتند و هم صدقهٔ جاریه، که از آن جمله، بنیاد موقوفات است، و هم علم و معرفت که از مهمترین آن گرامی‌مجلّهٔ آینده است و سایرَ تألیفات و تصنیفات و یا انتشاراتِ بنیاد است بیادگار گذاشتند، وَ با نام نیک گذشتند. خداشان بیامرزاد و درجاتشان را متعالی فرمایاد.

***

دانش‌آموز دبیرستان بودم و هم به تکلیفِ پدرم رحمه‌الله علیه و هم به ارشاد دبیرانِ ادبیّات هفته‌ای دو سه روز بعد از تعطیلی دبیرستان باید به کتابخانهٔ مبارکهٔ آستان قُدس رضوی(ع) که آن ایّام در بالَاخانه‌های مدرسهٔ معروف به «علینقی میرزا» که صحنِ مدرسهٔ آن جزو رواقهای حرم مطهّر شده بود مشرّف می‌شدم (مدخلِ کتابخانه از پلّکانِ کم‌عرضی در صحنِ نو می‌بود) وِ همواره اشتیاق داشتَم که در ساعت أولیّهٔ صرف وقتم در آن مکانِ مقدّس، یکی ازَ مجّلدات مجموعه‌ای از مجلّهٔ گرامی «آینده» یا «ارمغان» یا شمارهٔ آخریَن مجلّهٔ «مهر» را درخواست کنم وَ چون درخواستم را که بر ورقهٔ چاپی کوچکی باید می‌نوشتم به مرحومَ «آقاسید میرزا آقای گیفانی» آن کتابدار بسیار پرهیزگار و فاضل که خداوند او را با أجدادِ والامقامش محشور فرمایاد می‌دادَم و آن سیّدِ شریف بمن می‌فرمود: نمیتوان هر سه را آورد باید فقط یا آینده یا ارمغان و یا مهر را بنویسی و به لحن ملایم و در عینِ حال مشوّقی می‌گفت یک مجلّدِ «آینده» را که حاوی چند شماره از آن است برایتَ می‌آورم و بعد از چند دقیقه آن مجلّد را به من مرحمت میکرد و من بنده با اینکه بسیاری از مطالبِ آنرا به‌خوبی و درستی نمی‌فهمیدَم آنرا ورق میزدم و گاهی اشعاری یا ابیاتی از آنرا که به نظرم سومند می‌آمد و میتوانستم برای موضوعاتِ انشائی که مرحوم پروین گنابادیِ معلّم انشاء معیّن می‌فرمود از آن استفاده کنم در دفترچهٔ شعرم می‌نوشتم. از جاهای دیگری که در آن سالها یعنی سالهای ۱۳۱۸- ۱۳۲۰ به مجلّهٔ آینده دسترس داشتم کتابخانهٔ نوبنیادِ معارف بود که فاصله‌اش با منزلِ مسکونی‌مان نسبةً زیاد بود و کمترَ میتوانستم به آنجا بروم. این ابتدای آشنائی این ناچیز با مجّلهٔ «آینده» بود ولی معرفتم بدان در سالهای بعد و با مطالعهٔ دقیقِ آن برایم حاصل شد:

اوائلِ دههٔ چهّل مرحوم مغفور استَاد مسلّم ریاضیّات و عربی‌دانِ معروف و أدیب دانشمندَ مشهورِ آن ایّام روانشاد مَحمّدضیاءَ هشترَودی رحمه الله علیه (برادرِ ارجمند و بزرگ و نیز معلّم دکترَ محسن هشترودی) به رحمتَ خدا رفت، و از آنجا که آن نازنین‌مرد، پسری چون ایرج افشار نداشت، همسر و دخترِ او کتابخانهٔ نفیس او را فروختندَ و از جمله کتابهَا و مواریثِ أدبی او: دیوانِ بُحتُری چاپ جوَائبِ وَ یک مجلّد محتوی یکسال مجلّهٔ آینده و چند کتاب دیگر (بُلُوغُ الإرَبِ آلوسی و فقه اللّغهِ ثعالبی چاپَ بیروت) را من بندهَ خریدم و آن وقت بود که به أهمّیت و سودمندی مجلّهٔ آینده واقف شدم- مجلّهٔ نازنینی که تقدیر و تحسینِ گوهرشناسِ نامی و بی‌بدیلِ اینَ قرن یعنیَ علّامه قزوینی رَحمه الله علیه را جلب کرده است و نامه‌های آن بزرگمرد به مرحوم دکتر افشار شاهدِ صادقی بر آنست.

***

ایرج خدابیامرز که پای جایَ پای پدر گذاشته بود پس از فَترتیَ طولَانی و پس از آنکه از انتشارَ مجلّهٔ سودمند و وزین «راهنمایَ کتاب» منصرف شد دَوباره مجلّهٔ آینده را زنده‌تر کرد و چندین شماره از آن را منتشر فرمود، آیا در آینده باز چنان مجلّهٔ گرامیئی به جامعهٔ ادبی فارسی-زبانان هدیه خواهد شد؟ خدا داناست که:

و ما ذلکَ عَلَی اللهِ بِعَزیزٍ
صدق اللهِ العظیم

در اینِ مراسم پیام تلفنی منوچهر ستوده که درباره آشنایی و دوستی او با ایرج افشار بود، پخش شد.

واکنش مجید مجیدی به ساخت فیلمی درباره پیامبر اسلام (ص) توسط هالیوود

مجید مجیدی گفت: هالیوود گزینه خوبی برای ساخت فیلمی درباره پیامبر(ص) نمی‌تواند باشد و این راه از همین ابتدا یک بن‌بست است.

کارگردان فیلم سینمایی«محمد(ص)» در واکنش به انتشار خبر ساخت فیلمی درباره پیامبر اسلام(ص) با سرمایه‌گذاری قطری‌ها توسط یکی از تهیه کنندگان هالیوودی، در گفت‌وگو با ایسنا، با بیان اینکه از هرفیلمی که درباره تاریخ اسلام ناب محمدی ساخته شود، استقبال می‌کنیم، اظهار کرد: اما مهم آن است که اثر مورد نظر مبتنی بر نگاه رسول خدا(ص) باشد. وی ادامه داد: تمام تلاش ما در فیلم «محمد(ص)» این بود که قرائت حقیقی از دین اسلام برای دنیا نشان دهیم. دینی که براساس کرامت انسانی بنا شده است و مهمترین رسالت پیامبر آن زنده کردن اخلاق بوده، چیزی که در دنیای امروز کمتر دیده می‌شود. مجیدی با تاکید بر اینکه از هر فیلمی که مبتنی بر این نگاه باشد استقبال می کنیم، خاطر نشان کرد: متاسفانه کسانی اسلام را متحجرانه و همراه با خشونت نشان می‌دهند، چیزی که هیچ قرابتی با اسلام ندارد و نگران آن هستیم دید جدیدی نشان داده شود. این کارگردان ادامه داد: هالیوود الگوی خوبی برای ساخت فیلم پیامبر(ص) نیست و ای کاش قطری‌ها برای ساخت این فیلم از جهان اسلام کمک می‌گرفتند و سینمای ایران هم حاضر بود در حوزه‌های تخصصی فیلم‌نامه و کارگردانی تجارب خودش را در اختیار آنها بگذارد. وی سپردن بخش خلاقانه کار به هالیوود را نگران‌کننده دانست و گفت: تصرف‌هایی که آنها ممکن است در فیلم داشته باشند خطرناک است؛ مانند فیلم‌های دیگری که ساختند و این کار را کرده‌اند.مجیدی با اشاره به فیلم «آرگو» اظهار کرد: این فیلم یکی از نمونه‌های تحریف شده‌ای است که ساخته شده، فیلم پیش پا افتاده‌ای که از نظر روایت تاریخی اشتباهات زیادی دارد و نگران آن هستیم هالیوود در فیلم پیامبر هم چنین تحریف‌های تاریخی داشته باشد. وی علت اصلی آن را زیر سیطره صهیونیستی بودن عنوان کرد و گفت: تفکرصهیونیست که علیه همه ادیان بخصوص دین اسلام اقدام کرده، چگونه می‌تواند فیلم ارزشی درباره اسلام بسازد و این دوستان چگونه پروژه‌ای با این عظمت را دست کسانی سپردند که نسبتی با اسلام ندارند؟! مجیدی تاکید کرد: این نگاه بیشتر از آنکه مبتنی بر نگاه پیامبر(ص) باشد، سیاسی است.

کوتاه فرهنگی

آیت الله هاشمی رفسنجانی اولین فیلم سه بعدی سینمای ایران را دید

آیت الله هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در یک دیدار خصوصی "آقای الف" نخستین فیلم سه‌بعدی ایرانی را دید.

به گزارش مهر، درحالی که "آقای الف" به عنوان نخستین و تنهاترین فیلم سه‌بعدی تاریخ سینمای ایران برای رقابت در اکران نوروز ۹۲ آماده می‌شود، دست‌اندرکاران آن با حضور در دفتر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام این فیلم را برای رئیس این مجمع به نمایش درآورند.

آیت الله هاشمی رفسنجانی پس از پایان فیلم گفت: در تمام زمان نمایش فیلم، جذب تکنولوژی سه بعدی این فیلم شدم، وی همزمان با تماشای فیلم نیز، سوالاتی درباره آن از علی عطشانی کارگردان این فیلم می‌پرسید.نکته جالب در زمان اکران فیلم این بود که هاشمی رفسنجانی چندبار با تاکید سوال کرد که تکنولوژی این فیلمِ داخلی است؟ و وقتی با پاسخ مثبت کارگردان مواجه شد با بیان اینکه قبلاً هر از چندگاهی کارهای سه بعدی دیده بودم تصریح کرد: این فیلم دنیای جدیدی برای من بود.

اصغر فرهادی با «گذشته» به کن می رود

اصغر فرهادی کارگردان ایرانی برنده جایزه اسکار با جدیدترین فیلمش با عنوان «گذشته» در شصت و ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم کن حضور خواهد داشت.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از پرس‌تی‌وی، فیلم «گذشته» جدیدترین فیلم فرهادی که ششمین تجربه او در زمینه کارگردانی است، در جشنواره فیلم کن ۲۰۱۳ به نمایش در می‌آید.این فیلم که در میان ۱۰۰ فیلم برتر سال ۲۰۱۳ جای گرفته است، در ماه مه (اردیبهشت) راهی کن می‌شود. این درام رمانتیک، داستان دختری ایرانی و پسری از منطقه شمال آفریقا را در مرکز توجه خود قرار داده است.

جمادی الاولی و زهرای مطهّره

۴ ــــــ سیدرضا اکرمی

۱۵: در مقدّمه کتاب ارزشمند «فاطمه الزهراء، بهجه قلب المصطفی» ۱۵ حدیث از خداوند متعال تا امام عصر ارواحناه فداه، درباره حضرت زهرای اطهر نقل شده که هر حدیثی گوشه‌ای از شخصیّت حضرت را توصیف می‌نمایند. حدیث قدسی خداوند را نقل کردم که وی جهان را به طفیل وجود رسول خدا آفرید و پیامبر اسلام را به برکت علی علیه‌السلام و پیامبر و علی را به برکت فاطمه آفرید و مثلّث «محمد و علی و فاطمه علیهم‌السلام» بر همه جهانیان و عالم وجود، حقّ دارند و همگان مدیون وجود برکت این بزرگواران می‌باشند، این برکات الهی، هم رحمت و فضل خداوند است و هم استحقاق آنان و نتیجه زحمات آنان می‌باشد.

۱۶: یکی از آن احادیث «لو کان الحسن شخصاً لکان فاطمه، بل هی اعظم» است که رسول خدا فرمود، اگر حسن و نکوئی را در قالب شخصی و فردی مجسّم کنیم، آن شخص فاطمه خواهد بود، بلکه حضرتش برتر از حُسن است، زیرا دخترم فاطمه، بهترین اهل زمین است از جهت سرشت و شرافت و کرامت «انّ فاطمه ابنتی، خیر اهل الارض عرض او شرفا و کرما، ص۱۰» ، بنابراین باید مثلّث «سرشت و شرافت و کرامت» را در وی دید و دانست جوهر وجودی و صفات روحی و کارنامه عملی وی، عامل برتری و امتیاز وی است.

۱۷: عنصر و سرشت حضرت از یک اربعین ریاضت و اعتکاف و عبادت پدر و تناول افطار بهشتی، تحقق یافت. خداوند دستور داد حضرت چهل شبانه‌روز از خدیجه جدا گردد و به عبادت ویژه بپردازد، وی در خانه «امّ هانی» به اردوی خودسازی ویژه وارد شد، و در روز چهلم، روزه را با افطار بهشتی، افطار نمود و سپس به خانه برگشت و زناشویی انجام گرفت و فاطمه تکوین یافت. رسول خدا در این اردوی چهل شبانه‌روزی از جهت روح و اخلاق و جسم و جان، صافی شده و تصفیه گشته و شوق عاطفی در وجود وی شارژ شده و با روح خالص و علاقه به همسر شایسته و بایسته‌اش حضرت خدیجه، وارد خانه شد و آیه «فلمّا تغشاها حملت حملا خفیفا فمرّت به، فلمّا اتقلت دعوا الله ربّهما لئن آتیتنا صالحا لنکوّنن من الشاکرین، اعراف ۱۸۹» عملیاتی شد و حضرت خدیجه اعلام می‌دارد، که پس از زناشویی، وجود فاطمه را احساس نمودم. از این گزارش و عبارات استفاده می‌شود که سرشت و جوهره وجودی حضرت زهرا علیهاسلام ویژه می‌باشد. در زمینه شرافت حضرت که صفتی روحی و خصلتی درونی است، همین بس که در عصر نبوّت تکوین یافت و در عصر بعثت بدنیا آمد و رشد یافت، که در سال «۲ تا ۵ بعثت» سراسر وحی الهی بر رسول خدا نازل می‌شد و دعوت پنهانی حضرت به علنی ارتقاء یافت و در سالهای هدایت و دعوت مردم به اسلام،آموزش می‌دید.

۱۸: در زاویه سوّم تکوین شخصیّت، حضرت زهرا علیهاسلام، موضوع کرامت را دارد که از طریق «وراثت، تربیت و محیط» بدست می‌آید. زهرای اطهر علیها سلام، در محبّت به دیگران و دعا و سخاوت‌مندی، ویژه بود، شب جمعه‌ای تا صبح برای مؤمنان و مؤمنات دعا کرد و کلمه‌ای برای خود نگفت، همه درآمد فدک را برای دیگران مایه گذاشت و دیناری برای خود هزینه ننمود، با شوهر خود همراهی تامّ و تمام نمود و تا مرحله فدا شدن پیش رفت، با خطبه خواندن در مسجدالنبی، علی علیه‌السلام را حفظ نمود و در خطبه جایگاه رفیع و حق همسر خود را اعلام نمود و خطرات انحراف از مسیر ولایت را به تاریخ اعلام نمود و اکنون در حوادث دنیای اسلام «مصر و تونس و لیبی و عراق و افغانستان و سوریّه» مشاهده می‌کنیم که اگر به هشدارهای حضرت زهرا علیهاسلام در مورد خلافت توجه می‌کردند، داستان شیعه و سنّی و اقوام مسلمان در برابر یکدیگر رخ نمی‌داد. زهرای اطهر به مسلمانان آن زمان و مهاجرین و انصار اعلام داشت، امروز از شتر خلافت شیر می‌دوشید و در آینده عوض شیر، خون خواهید دوشید.

نکته: پیرامون خطبه حضرت زهرا علیها سلام از جهت متن و محتوا، ارتجال سخن در شرایط روحی سنگین و فشار بر جان حضرت زهرا و نیز استدلال متین و حجت بالغه آوردن و اعلام انذار و اخطار به امّت اسلامی آن روز و آینده، پیشگوییها و آینده‌نگری، مجال سخن بسیار است که محققان به آن پرداخته‌اند و همه اندیشمندان باید به خطبه حضرت به عنوان منشور و کیفرخواست و دادنامه و دانشنامه و مرثیه‌نامه، بنگرند و درباره آن تحلیل بنویسند.

کوتاه آموزشی

رتبه ۱۷ و ۱۵ ایران در ۲ پایگاه علمی بین المللی

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری اعلام کرد: ایران مقام خود را در نمایه بین المللی ISIاز رتبه ۲۰ در سال ۲۰۱۲به رتبه ۱۷ در سال ۲۰۱۳ و در نمایه scopusاز رتبه ۱۷ جهان به رتبه ۱۵ جهان ارتقا داد.

به گزارش مهر، کامران دانشجو با اشاره به رتبه اول علمی ایران در منطقه خاورمیانه در تبیین پیشرفت‌های آموزش عالی کشور، گفت: در سال ۱۳۸۴ جمهوری اسلامی ایران سه دهم درصد تولید علم دنیا را در دست داشت که این میزان در سال ۹۱ تاکنون به ۲/۱ دهم درصد افزایش یافته و به عبارتی ۷ برابر شده است، در حالی که جمعیت ایران تنها یک درصد جمعیت دنیاست، بنابراین تولید علم ما از درصد جمعیت مان در دنیا بالاتر است.

وی با اشاره به سرعت رشد ۱۱ الی ۱۳ برابری تولید علم ایران نسبت به دنیا، اظهار داشت: از لحاظ سرعت رشد تولید علم ایران در دنیا رتبه نخست را دارد و در سال ۲۰۱۲ در نمایه اسکوپوس بیش از ۳۷۰۰۰ مقاله توسط جامعه دانشگاهی ایران ثبت شده است، همچنین ایران در سال ۲۰۱۲ در این نمایه رتبه ۱۷جهان را داشت که در سال ۲۰۱۳ تاکنون با تولید بیش از ۶۰۰۰ مقاله در جایگاه پانزدهم جهان قرار دارد.

دانشجو افزود: در سال ۲۰۱۲ در پایگاه علمی ISIبیش از ۲۶۶۰۹ مقاله توسط دانشمندان کشورمان ثبت شد و ایران در رتبه ۲۰ جهان قرار داشت که از آغاز سال ۲۰۱۳ میلادی تاکنون با تولید حدود ۳۰۰۰ مقاله در جایگاه ۱۷ دنیا قرار دارد در حالی که ترکیه بعنوان رقیب اصلی منطقه ای ایران در جایگاه ۱۹ جهان جای گرفته است.

تایید مدارک تحصیلی دانشجویان پستی شد

تفاهم‌نامه همکاری میان رئیس سازمان امور دانشجویان وزارت علوم و مدیر عامل شرکت پست جمهوری اسلامی ایران در خصوص تایید مدارک تحصیلی دانش‌آموختگان و دانشجویان منعقد شد.

به گزارش ایسنا، بر اساس این تفاهم‌نامه، سامانه تایید مدارک تحصیلی از فروردین ۱۳۹۲ به ارائه خدمات می‌پردازد و متقاضیانی که تقاضای تایید مدارک تحصیلی جهت ترجمه را دارند با ثبت درخواست در این سامانه پس از تایید دانشگاه و سازمان امور دانشجویان، مدارک را به نزدیکترین دفتر پستی خود تحویل و مدارک تأیید شده را پس از انجام فرآیند اداری در محل سکونت خود از مامورین شرکت پست تحویل می گیرند.

خطیب جمعه تهران: انتخابات آزاد آرام و قانونی می‌خواهیم

دبیر شورای نگهبان با بیان این که "ما انتخاباتی می‌خواهیم که آزاد، آرام و قانونی باشد"، گفت: انتخابات آینده ریاست جمهوری باید یک انتخابات الگو باشد.

به گزارش ایسنا، آیت‌الله احمد جنتی امام جمعه موقت تهران در خطبه‌های نماز با اشاره به سالروز بمب‌گذاری در نماز جمعه تهران، اظهار داشت: رذالت و شرارت دشمن به جایی می‌رسد که زمانی که مردم در حال عبادت کردن هستند، می‌خواهند مسلمانان را بکشند؛ ان‌شاءالله که گرفتار عذاب آخرت شوند. وی با اشاره به قتل عام شیعیان در پاکستان ادامه داد: دشمنان با این اقدام می‌خواهند میان شیعیان اختلاف بیندازند.

این عضو مجلس خبرگان رهبری در ادامه با اشاره به درگذشت هوگو چاوز و مطرح شدن مساله رجعت وی با حضرت عیسی مسیح(ع)، خاطرنشان کرد: کسانی که این حرف و سخن را بیان می‌کنند، نمی‌دانند که رجعت از مسائل نقلی است نه عقلی. کسانی که رجعت می‌کنند باید نسبت به آنها دلایل نقلی را بیاوریم. نشان و درجه دولتی نیست که بخواهیم به سینه کسی بچسبانیم. بر چه مبنایی این سخنان را می‌گویند؟ درست است که چاوز مورد تائید بوده و همچنین ضدآمریکایی و فردی مردمی بود اما بالاخره وی یک نامسلمان بوده است. بر فرض که مسلمان هم باشد، مگر هر مسلمانی رجعت می‌کند؟ امیدوارم این مسائل تکرار نشود. خطیب نماز جمعه تهران با تاکید بر این که «تخریب اشخاص در انتخابات، خلاف شرع، قانون و اخلاق است»، تصریح کرد: هرکسی که این کار را انجام دهد صلاحیت انجام امور در هیچ پستی را ندارد. در واقع اختلاف ایجاد کردن همانگونه که مقام معظم رهبری فرموده‌اند، خیانت به کشور است.

وی با بیان اینکه «رسانه‌ها باید جهاد لازم را برای انتخابات آینده ریاست جمهوری انجام دهند»، گفت: نباید تبلیغات زودرس داشته باشیم، ضمن این که رسانه‌ها باید مردم را برای شرکت آگاهانه و با بصیرت در امر انتخابات آگاه کنند. امام جمعه موقت تهران با اشاره به موضوع گرانی و تورم در کشور گفت: مساله گرانی کمرشکن است و ما نمی‌توانیم از افراد بی‌بضاعت غفلت کنیم.

عضو مجلس خبرگان رهبری با بیان این که «یکی از عوامل گرانی تحریم است» ، خاطرنشان کرد: گرانی عوامل مختلفی از جمله چون سوءمدیریت ها و سیاست‌های غلط دارد و نمی‌توان فقط تحریم را عامل گرانی دانست. متاسفانه مبارزه با فساد همانطوری که مقام معظم رهبری به آن تاکید داشتند در جامعه عملی نشد. بر محتکران و گرانفروشان نظارت بسیار کم می‌شود که باید بیشتر شود و این افراد مجازات شوند.

وی با بیان این که "ما پیشرفت‌های علمی، نظامی، فناوری، اقتصادی داشته‌ایم"، افزود: شاخص بورس از ٦٣ درصد رشدبرخوردار و صادرات هم رشد داشته است. اما باید مشکلات را تحمل کنیم؛ گرچه سخت است ولی ارزش دارد.

جنتی با اشاره به راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال ادامه داد: آمریکا به چند موضوع دل بسته بود. با تحریم فلج کننده و گرانی فکر می‌کرد که مردم عقب‌نشینی می‌کنند ولی مردم عزیز کشورمان در راهپیمایی ۲۲ بهمن مشت کوبنده‌ای به دهان آمریکا و اروپا زدند.

جنتی در خطبه‌های اول نماز جمعه هم با اشاره به موضوع سبک زندگی انسان ها گفت: این موضوعی بود که مقام معظم رهبری به نام به آن تاکید داشتند و بسیاری از رسانه‌ها در این زمینه کار کردند. زندگی اسلامی، الهی و قرآنی زندگی است که هر کسی روی خط خودش باید حرکت کند و در بعد اجتماعی یعنی این که انسان‌ها به کار یکدیگر کاری نداشته باشند و جز خیرخواهی برای یکدیگر چیز دیگری نخواهند. در واقع حیات طیبه‌ای که خداوند برای مومنان در نظر گرفته، همین زندگی پاک و پاکیزه است.

خطیب نماز جمعه تهران با اشاره به این که پیامبر (ص) فرمودند:« مسلمان کسی است که مردم از دست و زبانش در امان باشند»، گفت که این موضوع به این مفهوم است که اگر کسی با دست و زبانش به دیگران آزار برساند از نظر پیامبر (ص) مسلمان نیست. بنابراین باید مواظب باشیم به کسی آزار نرسانیم. در واقع کلمه ایذا یعنی آزار رساندن و اذیت کردن، مساله‌ای است که انبیا در مقابله با دشمنان داشته‌اند. فحش، غیبت، تهمت، مسخره کردن، سبک کردن دیگران، تحقیر کردن انسان‌ها و ... جزو آزار و اذیت کردن‌ها محسوب شده و از محرمات است. وی تاکید کرد: کسانی که ولایت را پذیرفته‌اند باید بدانند که آزار رساندن به دیگران جنبه جنگ با خدا دارد.

جنتی در ادامه صحبتهایش با تبریک فرا رسیدن سال نو اظهار داشت: بیاییم در این سال جدید با خداوند عهد و میثاق ببندیم که به کسی آزار و اذیت نرسانیم. اگر این پیمان را ببندیم وبه آن وفادار باشیم درهای رحمت خداوند باز خواهد شد. بیاییم در سال جدید به داد فقیران و بیچارگان برسیم. به شما عزیزان توصیه می‌کنم که در این سال جدید در رانندگی احتیاط کنید که خدایی نکرده سال نو را عزا نکنیم. امام جمعه موقت تهران در پایان سالروز رحلت حاج سیداحمد خمینی و حاج مجتبی موسوی لاری را تسلیت و فرا رسیدن ولادت حضرت زینب(س) و روز پرستار را تبریک گفت.

خطیب جمعه قم: ملت ایران در مذاکرات هسته‌ای حرف آخر را خواهد زد

قم ـ امام جمعه موقت قم با اشاره به مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با گروه ۱+۵ گفت: ما منتظر مشاهده میزان صداقت و شفافیت غربی‌ها در این مذاکرات هستیم ولی قطعاً حرف آخر را در این مذاکرات، نمایندگان مذاکره کننده جمهوری اسلامی و ملت ایران خواهند زد.

به گزارش ایرنا، آیت‌الله سیدهاشم حسینی بوشهری در خطبه‌های نماز جمعه قم یادآور شد: ملت ایران تحت هیچ شرایطی زیر بار زیاده‌خواهی‌ها و خواسته‌های نامعقول دشمنان نخواهد رفت و با تمام وجود از حقوق هسته‌ای خود دفاع می‌کند.وی ادامه داد: دشمنان بر این باور بودند که با فشار، تحریم و تهدید می‌توانند ملت ایران را فلج کنند ولی در سایه مقاومت جمهوری اسلامی آنها ناگزیر به عقب نشینی گام به گام هستند.آیت‌الله حسینی بوشهری گفت: ۲۸ اسفند کارشناسان ما با مجموعه ۱+۵ مذاکره دارند و دوره دوم مذاکرات فروردین ۹۲ در آلماتی برگزار خواهد شد.وی با اشاره به مذاکرات پنج ماه قبل در مسکو، گفت: در آن مذاکرات جمهوری اسلامی پیشنهادهایی مبنی بر این‌که حاضریم فتوای رهبر معظم انقلاب در ارتباط با تحریم استفاده از سلاح هسته‌ای را در سازمان ملل ثبت کنیم را مطرح کرده است، چرا که نگاه ما در این زمینه اعتقادی است.

وی گفت: در آن مذاکرات همچنین نمایندگان ما از طرف مقابل خواستند که حق غنی سازی اورانیوم را متناسب با نیازهای جمهوری اسلامی به رسمیت بشناسند، ما شفاف‌سازی می‌کنیم ولی باید همه تحریم‌ها لغو شود.

او اظهار داشت: در آن مذاکرات همچنین نمایندگان ما خواستار لغو تحریم‌های ظالمانه و توجه به مسائل منطقه مانند سوریه، مصر و بحرین شدند.

وی ادامه داد: در آن مذاکرات ۱+۵ خواهان تعطیلی سایت فردو، تعلیق و انتقال غنی‌سازی ۲۰ درصد به خارج از کشور و دیگر خواسته‌های نابجا شدند ولی در مذاکرات آلماتی خبری از تعطیلی فردو، عملی شدن تحریم‌های سازمان ملل و توقف کامل غنی‌سازی نبود و حتی مطلبی مطرح کردند که اگر ۲۰ درصد غنی‌سازی متوقف شود ما تحریم‌های پتروشیمی، طلا و فلزات گرانقیمت را برمی‌داریم.

وی افزود: اگر مذاکرات مسکو و آلماتی را کنار هم بگذاریم آنها به بخشی از حقوق ملت ایران اعتراف کردند و در مذاکرات بعدی منتظر هستیم تا میزان صداقت و شفافیت آنها را ببینیم.خطیب جمعه قم در بخش دیگری از سخنان خود کشتار شیعیان در کشورهای مختلف جهان خصوصاً پاکستان را محکوم کرد و خطاب به مسلمانان گفت: ما امت واحده هستیم که دین و پیامبر(ص) مشترک داریم و نباید در کشورهای اسلامی شاهد اقدامات افراطی، تکفیری و کشت وکشتار باشیم.

او همچنین به مشکلات اقتصادی مردم اشاره کرد و گفت: عوامل متعددی مانند تحریم‌ها، سیاست‌های اقتصادی داخل و عدم نظارت کافی، باعث گرانی و تورم شده است و دولت در سال جدید خصوصاً تعطیلات نوروز نیز باید نظارت خود را بیشتر کند. مردم خواستار رسیدگی مسئولان به موضوع تورم هستند.آیت‌الله حسینی بوشهری با تبریک میلاد باسعادت حضرت زینب کبری(س)، عفت و پاکدامنی، ولایتمداری و صبر و بردباری را از ویژگی‌های شاخص آن حضرت دانست و از مردم خصوصاً بانوان خواست در مسیر اهداف و آرمان‌های آن بانوی بزرگ اسلام گام بردارند.

وی ادامه داد: مردم ما باید همان خطی که اهل بیت عصمت و طهارت و ائمه اطهار(ع) ترسیم کرده را با قوت ادامه دهند.

افتتاح بزرگترین مجتمع تولید بنزین کشور

جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر توانایی ساخت پالایشگاه‌های نفت را از مرحله طراحی تا نصب دارد چنانکه در این خصوص پالایشگاه امام خمینی شازند یکی از نمونه‌ها و نمادهای پرافتخار بریدن حلقه‌های وابستگی در صنعت نفت کشور است.

این مطلب را دکتر احمدی‌نژاد رئیس جمهوری در مراسم افتتاح بزرگترین و پیشرفته‌ترین مجتمع تولید بنزین کشور که در قالب طرح مهر ماندگار صنعت نفت به بهره‌برداری رسیده است، اعلام کرد.

با بهره‌برداری از این پالایشگاه که به دست متخصصان داخلی صنعت نفت احداث شده است، این واحد با تولید روزانه ١٦میلیون لیتر بنزین با کیفیت استاندارد یورو٤ و یورو ٥ به قطب تولید این فرآورده در منطقه و کشور تبدیل شده است.

این پالایشگاه نخستین واحدی است که دارای تسویه ته‌مانده برج اتمسفریک و خلاء و واحد شکننده ته‌مانده کاتالیستی در ایران است. همچنین برای اجرای این پروژه، بزرگترین برج تفکیک مواد نفتی در خاورمیانه به ارتفاع ۱۱۰ متر اجرا شده است.در این مراسم رئیس جمهوری کشورمان پنجشنبه گذشته با اشاره به مزین بودن پالایشگاه شازند به نام امام خمینی(ره)، یاد و خاطره آن حضرت را گرامیداشت و با بیان این‌که همه قدرت مانور دشمن در فاصله انداختن میان ملت‌هاست و کار شیطان تفرقه‌اندازی است، افزود: باید همه دست به دست هم داده و ایران را بسازیم تا در علم ، ایمان، عمل صالح ، عشق و محبت، آبادانی و پیشرفت الگو شود.

وی با قدردانی از کسانی که برای افتتاح طرح‌های استان مرکزی بطور شبانه‌روزی تلاش کردند، گفت: تجلی عشق به خدا، عشق به مردم است و کسانی که برای مردم کار می‌کنند می‌خواهند این کشور و ملت را یک قدم جلو ببرند اما در جهان کسانی هستند که ادعای خدادوستی می‌کنند ولی در وجودشان ذره‌ای عشق به مردم وجود ندارد و با قاتلان ملت‌ها همراهی می‌کنند.

دکتر احمدی‌نژاد در مراسم افتتاح طرح‌های عمرانی و صنعتی استان مرکزی اضافه کرد: اگر هر کار و محصولی در دنیا، برخوردار از عشق نباشد، ماندگار نیست.

وی با اشاره به سخنان مسئولان پروژه مبنی بر این‌که پیمانکاران خارجی برای اجرای این طرح‌ها نیامدند، گفت: پس از شنیدن این سخنان در دلم گفتم الهی شکر که نیامدند و به دوستان گفتم اصل، خود شما هستید.

رئیس جمهوری درباره اقدامات بزرگ و گسترده دولت گفت: از سال ٨٦ که دولت عملاً مسکن مهر را آغاز کرد تاکنون نزدیک به ٤ میلیون واحد مسکن مهر تحویل شده است و بقیه آن نیز در همین دولت تحویل می‌شود و این کار بزرگی است که محصول عشق، ایمان، علم و عمل صالح است.

دکتر احمدی‌نژاد با تأکید بر در اختیار گرفتن همه عرصه‌های صنعت نفت، گفت: حدود ۷۰ سال نفت کشورمان دست بیگانه بود و متفقین که پیروز جنگ دوم جهانی شدند منابع انرژی ما را بطور رایگان برداشت می‌کردند و یکی از علت‌هایی که ایران را پل پیروزی نام نهادند به خاطر انرژی رایگانی بود که پیر استعمار می‌برد و حتی مالیات هم از ما می‌گرفت.

وی افزود: ملت ایران بارها تلاش کرد نفت را در اختیار خود بگیرد، نهضت ملی شدن نفت راه افتاد و شهدا و بزرگانی در این راه فدا شدند تا اینکه در انقلاب اسلامی اختیار نفت دست خودمان آمد البته هنوز کامل نشده و به صورت کامل ملی نشده است.

دکتر احمدی‌نژاد با تأکید بر این‌که ملی شدن یعنی این‌که صفر تا صد ملک، مال و معدن در جیب ملت ایران باشد، گفت: بیگانگان با قیمت‌های چندین برابری نفت را کشف و سپس حفاری و بهره‌برداری می‌کردند که عملاً بخشی از ثروت کشورمان به این طریق خارج می‌شد و سپس خودشان باید می‌آمدند پالایشگاه ساخته و قطعات می‌آوردند و طراحی می‌کردند که بخش دیگری از پول و ثروت ملت نیز از اینجا به هدر می‌رفت.

رئیس جمهوری افزود: بعد از آن برای فروش نفت استخراج شده، تازه قیمت آن را باید آنها تعیین می‌کردند و پول جزیی به ما می‌دادند که الان هم بخش مهمی از آن همین‌طور است و همان پول را از ما می‌گیرند و جنس بنجل به ما می‌دهند.

وی گفت: طرح‌های سهمیه بندی سوخت و هدفمندی یارانه‌ها کار بزرگی بود که ملت ایران انجام داد و دشمنان از این کار خیلی عصبانی هستند و می‌خواهند هر طور که شده بساط را بر هم بزنند.

وی گفت: پالایشگاه امام خمینی(ره) شازند یکی از نمونه‌ها و نمادهای پرافتخار بریدن حلقه‌های وابستگی است و هم اکنون متخصصان ما می‌توانند خودشان پالایشگاه را طراحی و بسازند.

دکتر احمدی‌نژاد گفت: تولید روزانه گوگرد در کشور پیش از این ٦٠ تن بود که هم اکنون به ۷۰۰ تن افزایش یافته و این علاوه بر کنترل آلودگی قبلی منبع ثروت است.

رئیس جمهوری در مراسم افتتاح طرح‌های استان مرکزی خطاب به مسئولان وزارت نفت گفت: اعتقاد دارم که می‌توانید در مدت ٤ سال به جایی برسید که دیگران منتظر شما باشند که برای آنان پالایشگاه بسازید.

احمدی‌نژاد تأکید کرد: گفتند تحریم می‌کنیم و نفت شما را نمی‌خریم و در حالی که به این محصول احتیاج دارند، زور می‌گویند و این موضوع را به گونه‌ای بیان می‌کنند که گویا ما به آنها نیاز داریم.

رئیس جمهوری خطاب به مسئولان وزارت نفت، اضافه کرد: بیایید برنامه‌ای تنظیم کنید و به جایی برسید که اصلاً نفت خام صادر نکنید بلکه نفت خام در پتروشیمی وارد شود و این موجب افزایش اشتغال و بهره‌وری خواهد بود.

رئیس جمهوری با اشاره به لوله‌گذاری خط انتقال گاز ایران به پاکستان که چند روز پیش آغاز شد، گفت: بدخواهان در واکنش به این طرح هیاهوی زیاد و ادعاهای بی‌ربطی مطرح کردند، برای این‌که نمی‌خواهند ملت‌ها روی پای خودشان بایستند و با هم دوست باشند.

وزیر نفت نیز گفت: دستیابی به دانش فنی پالایشگاه‌سازی از مهمترین افتخارات جمهوری اسلامی ایران و دولت خدمتگزار است.

مهندس رستم قاسمی در آیین بهره‌برداری از طرح توسعه پالایشگاه شازند با حضور رئیس جمهوری، افزود: بزرگترین واحدهای پالایشگاهی با پیشرفته‌ترین استانداردها در کشور در حال ساخت است و در سایه آن سرمایه عظیم انسانی در حوزه فنی صنعت نفت ایجاد شده است.

وزیر نفت تأکید کرد: صنعت نفت کشور امروز توانسته به پیچیده‌ترین فناوری ها با محوریت متخصصان داخلی کشور دست یابد.

هیچ سناریویی برای افزایش قیمت یا تغییر سهمیه‌های بنزین خودروها نهایی نشده است

رئیس ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت کشور با تاکید بر اینکه تمامی کارت‌های کرایه‌ای بنزین و گازوئیل تا پایان فروردین سال ۹۲ می‌سوزد، اعلام کرد: فعلا هیچ سناریویی برای افزایش قیمت یا تغییر سهمیه‌های بنزین خودروها در دولت نهایی نشده است.

سیدمجتبی شفیعی در گفتگو با مهر با رد ادعای برخی مدیران شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی مبنی بر نبود کارتهای سوخت کرایه ای، گفت: پایش و رصد تراکنش کارت‌های هوشمند سوخت نشان می‌دهد که تراکنش برداشت بنزین و گازوئیل نیمه یارانه‌ای و آزاد برخی از کارت‌های سوخت غیر واقعی و غیر طبیعی بوده است.

وی با اعلام اینکه برخی از کارتهای هوشمند بنزین و گازوئیل توسط افراد سودجو کرایه داده می شود، تصریح کرد: افزایش تعداد کارت‌های اجاره ای بنزین و گازوئیل حتی منجر به افزایش مصرف این فرآورده‌های نفتی در برخی از استان‌های کشور و به ویژه شهرهای مرزی شده است.

نامبرده با یادآوری اینکه اخیرا سامانه ای برای رصد و پایش بیشتر کارت‌های هوشمند سوخت طراحی و راه اندازی شده است، بیان کرد: آن دسته از کارت‌های سوختی که مصرف سوخت و تراکنش‌های کاذب داشته باشند، با راه‌اندازی این سامانه جدید شناسایی خواهند شد.

وی با بیان اینکه امیدواریم با تذکر مسئولان مختلف شاهد اجاره کارت‌های سوخت نباشیم، یادآور شد: با این وجود، از اواخر فروردین سال آینده تمامی کارت‌های سوخت کرایه‌ای باطل خواهد شد.شفیعی همچنین در خصوص آخرین وضع افزایش قیمت یا تغییر سهمیه های بنزین برای سال آینده، توضیح داد: هنوز هیچ سناریویی برای افزایش قیمت یا تغییر سهمیه های بنزین در دولت نهایی نشده است.

رئیس ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت کشور با بیان اینکه فعلا تغییرات بنزینی مطرح شده در حد گمانه زنی است، خاطرنشان کرد: در صورت هر گونه تغییر در قیمت یا نظام سهمیه‌بندی بنزین، ستاد سوخت اطلاع رسانی خواهد کرد.

کاهش نرخ مالیات بر ارث در اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور از کاهش میزان پرداخت مالیات بر ارث براساس لایحه جدید اصلاح قانون مالیاتهای مستقیم خبر داد و گفت: در این لایحه تسهیلاتی برای بخش تولید فراهم شده است.

علی عسکری در گفتگو با مهر با بیان اینکه در لایحه اصلاحی قانون مالیات های مستقیم تقدیمی به مجلس هیچ گونه نرخ مالیاتی اضافه نشده است، گفت: در این لایحه برخی پایه های جدید مالیاتی برای اولین بار وضع شده است.

وی با اشاره به اینکه برای برخی از بخش هایی که تاکنون مالیات اخذ نشده، در این لایحه پایه های جدیدی وضع شده است، تصریح کرد: این در حالی است که هیچ گونه نرخی به مالیاتها افزوده نشده است.

به گفته معاون وزیر اقتصاد، برخی از نرخهای مالیاتی برای برخی از مودیان مالیاتی کاهش یافته است، به عنوان نمونه نرخ مالیات حقوق بگیران بخش خصوصی یا نرخ مالیات فعالان بخش مشاغل کاهش یافته است.

وی به تسهیلات فراهم شده در لایحه اصلاحی قانون مالیاتهای مستقیم برای بخش تولید اشاره و عنوان کرد: برای افرادی که فعالیت‌های اقتصادی شفافی دارند و از لحاظ مالیاتی مشکلی ندارند، هیچ بار مالیاتی مضاعفی در چارچوب لایحه برای آنها نخواهد بود و حتی ممکن است با کاهش مواجه شوند.

عسکری از کاهش مالیات بر ارث در لایحه مذکور خبر داد و گفت:در لایحه جدید وضع مالیات بر ارث ساده شده، در عین حال میزان پرداخت مالیات در این بخش هم کاهش یافته است.

قیمت خودرو بیش از این میزان کاهش نمی‌یابد

دبیر انجمن خودروسازان ایران در رابطه با اعلام شورای رقابت مبنی بر کاهش قیمت خودرو با ابلاغ دستورالعمل قیمت گذاری این شورا، اظهار کرد: قیمت خودرو مطمئنا بیشتر از این کاهش نخواهد یافت.

احمد نعمت‌بخش در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: به دنبال اظهارات متعدد مسوولان شورای رقابت مبنی بر کاهش قیمت خودرو، مصرف‌کنندگان در انتظار کاهش قیمت‌ها بوده و فعلا از خرید این محصول منصرف شده‌اند.

وی با بیان اینکه این وضع منجر به قطع جریان نقدینگی به خودروسازان شده است، خاطرنشان کرد: همین جا به عنوان نماینده حدود ۸۰۰ هزار پرسنل شاغل در صنعت خودرو و قطعه اعلام می‌کنم در صورتی که دستورالعمل شورای رقابت مبتنی بر کاهش بیشتر قیمت خودرو باشد، به هیچ وجه به آن عمل نخواهیم کرد.

دبیر انجمن خودروسازان ایران ادامه داد: اینکه تصور شود شورای رقابت می‌تواند با دستورالعمل خود سرنوشت ۸۰۰ هزار نفر شاغل صنعت خودرو و قطعه و موجودیت این صنعت را به بازی بگیرد، اینگونه نخواهد بود.

وی درباره اینکه رییس شورای رقابت اعلام کرده در صورتی که خودروسازان به دستورالعمل قیمت گذاری این شورا تمکین نکنند، با آن‌ها برخورد خواهد شد، تصریح کرد: هر کاری می خواهند بکنند. اما مطمئنا قیمت‌ها را کاهش نخواهیم داد.

در همین حال فعالان بازار خودرو از رکود گسترده و توقف خرید و فروش این محصول در دو سه هفته اخیر خبر می‌دهند.به گزارش ایسنا، بعد از سخنان حدود یک ماه پیش رییس جمهوری مبنی بر ضرورت کاهش قیمت خودرو، برخی از مصرف‌کنندگان به امید کاهش قیمت‌ها خرید خود را به تعویق انداختند.

اگرچه سرانجام خودروسازان قیمت محصولات خود را بین ۵۰۰ هزار تا ٤ میلیون تومان کاهش دادند، اما به اعتقاد کارشناسان این میزان کاهش به هیچ وجه متناسب با افزایش صد درصدی قیمت این محصولات نبوده است.

در این شرایط به گفته فعالان بازار خودرو، مصرف‌کنندگان همچنان چشم انتظار کاهش بیشتر قیمت خودرو بوده و از هرگونه خرید خودداری می‌کنند. این امر موجب شده که بازار خودرو در داغ‌ترین فصل خرید سال به خواب زمستانی فرو برود.یکی از نمایندگی‌های فروش خودروسازان در این باره می‌گوید: در دو هفته اخیر کار ما تنها پاسخگویی به تلفن و ارباب رجوع بوده و هیچگونه فروشی نداشته‌ایم.وی در پاسخ به اینکه چرا پس از کاهش قیمت‌های اخیر مصرف‌کنندگان همچنان از خرید خودداری می‌کنند؟ خاطرنشان کرد: مردم توقع بیشتری برای کاهش قیمت‌ها داشتند. مثلا توقعشان این بود که قیمت پراید به ۱۲ – ۱۳ میلیون تومان برسد که البته قیمت برخی از مدل‌های آن در بازار در حال حاضر حدود ١٤ میلیون تومان است.

اخبار کوتاه اقتصادی

تمدید معافیت خریداران نفت ایران از سوی آمریکا

آمریکا معافیت ۱۱ کشور خریدار نفت ایران از جمله ژاپن، آلمان و فرانسه را از تحریم های مالی خود مجددا تمدید کرد.

به گزارش ایسنا ،جان کری وزیر امور خارجه آمریکا اعلام کرد: این معافیت از ۲۰ مارس ۲۰۱۳ به مدت ۱۸۰ روز دیگر توسط واشنگتن تمدید می‌شود.پیش از این واشنگتن در ماه دسامبر معافیت ۹ کشور شامل چین، هند، مالزی، کره جنوبی، سنگاپور، آفریقای جنوبی، سریلانکا، ترکیه و تایوان را از این تحریم ها تمدید کرده بود.تمدیداین معافیت‌ها به این معنی است که بانک‌های این ۱۱ کشور برای سومین دوره متوالی ۱۸۰ روزه از محرومیت از نظام مالی آمریکا در امان خواهند بود. منتقدان تحریم‌ها معتقدند مشخص نیست که آیا اقدامات تنبیهی قادر خواهد بود تهران را به کند یا متوقف کردن برنامه هسته‌ای خود وادار کند یا خیر. زیرا ایران پس از سالها فروش نفت ذخایر ارزی زیادی در اختیار دارد. این منتقدان می گویند: همیشه بخشی از نفت ایران با دور زدن تحریم‌ها به فروش خواهد رسید.

کارگران از کارت خریداعتباری برخوردار می شوند

واحدهایی که حقوق و دستمزد خود را بر عهده صندوق مهر رضا یا بانک قرض الحسنه مهر ایران قرار دهند،کارگران این واحدها از کارت اعتباری ١,٥میلیون تومانی برخوردار می شوند.

غلامرضا مصطفی پور مدیرعامل بانک قرض الحسنه مهر ایران در گفت و گو با ایرنا با بیان اینکه با تخصیص این کارتها سطح رفاهی کارگران افزایش می‌یابد، یادآورشد: اکنون توزیع این کارتها در سطح محدودی انجام شده که نتایج مثبتی به دنبال داشته است.وی که پیشتر سرپرست صندوق مهر رضا بود، با یادآوری اینکه کارت اعتباری منظور در اقساط ١٦تا ١٨ ماهه تقسیط شده است، افزود: برآورد مرحله نخست، ۲۰۲ هزار کارت بوده که منابع آن تامین شده و در صورتی که کسری منابع وجود داشته باشد، طرح متوقف می شود.

بیمه طلایی برای ۲/۳ میلیون بازنشسته و خانواده های آنها

۲ میلیون و ۳۰۰ هزار بازنشسته و افراد تحت تکفل آنان، سال آینده تحت پوشش بیمه طلایی قرار می گیرند.

اسدالله عباسی سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه در گفتگو با ایسنا، در مورد بیمه طلایی بازنشستگان گفت: با توجه به اعتبار ۱۰۰ میلیارد تومانی که به این امر اختصاص داده شده بود به دستور رییس جمهوری بیمه طلایی یک میلیون و ۱۵۰ هزار نفر را برقرار کردیم و ایشان با ادامه آن موافقت کردند و لذا تا خرداد سال آینده بیمه طلایی بازنشستگان دنبال خواهد شد.وی همچنین از تحت پوشش قرار دادن افراد تحت تکفل بازنشستگان خبر داد و گفت: درصدد هستیم تا با تحت پوشش قرار دادن افراد تحت تکفل بازنشستگان، بیمه طلایی یک میلیون و ۱۵۰ هزار بازنشسته را به ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر افزایش بدهیم.

تعیین نرخ بلیت پروازهای خارجی با دلار ۳۵۰۰ تومانی

در حال حاضر نرخ بلیت پروازهای خارجی بر مبنای دلار به نرخ ۳۵۰۰ تومان محاسبه و فروخته می‌شود.

به گزارش ایسنا، پس از افزایش نرخ ارز و نوسان آن، سازمان هواپیمایی کشور تصمیم گرفت نرخ بلیت پروازهای خارجی برای شرکت‌های هواپیمایی ایرانی و غیر ایرانی به صورت شناور محاسبه شود.

در این خصوص مقرر شد با توجه به نوسان نرخ ارز، شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران به عنوان مرجع تعیین نرخ بلیت هواپیما در پروازهای خارجی نرخ دلار را با توجه به بازار تعیین و روی سایت خود اعلام کند.پس از اجرایی شدن این تصمیم هر چند وقت یکبار با توجه به افزایش یا کاهش نرخ دلار در بازار آزاد،نرخ بلیت پروازهای خارجی هم تغییر می کند و درآخرین تغییر شاهد افزایش نرخ بلیت پس از کاهش در ۱۰ روز گذشته هستیم.

رشد ٤٠درصدی نرخ ورودی سرمایه گذاری خارجی در امسال

رئیس سازمان سرمایه گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران از عبور نرخ مصوب سرمایه گذاری خارجی از ۷ میلیارد دلار در سال جاری خبر داد و گفت: نرخ ورودی سرمایه گذاری خارجی در سال جاری حدود ۲ میلیارد دلار می شود که ٤٠ درصد رشد داشته است.

بهروز علیشیری در گفتگو با ایرنا در مورد رفع تحریم برخی از بانک‌های ایرانی توسط اتحادیه اروپا اظهار داشت: بانک‌های ایرانی به هیچ وجه درگیر مسائل مرتبط با قطعنامه‌های سازمان ملل نبوده‌اند، اما تحت تحریم قرار گرفتند.

امکان افزایش حقوق کارمندان از فروردین وجود ندارد

امکان افزایش حقوق کارمندان از فروردین ماه وجود ندارد با توجه به مخالفت مجلس با افزایش ۲۰ درصدی اعتبارات هزینه‌ای، امکان افزایش حقوق کارمندان از فروردین وجود ندارد.

محمد کردبچه مشاور معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به این که مجلس رقمی معادل ٤ هزار میلیارد تومان پایین تر از بودجه پیشنهادی دولت برای بهار سال آینده را به تصویب رساند، اظهار کرد:در واقع مجلس رقمی معادل سه دوازدهم بودجه عمومی سال جاری را تصویب و مقرر کرد که در سه ماه اول سال آینده احکام بودجه سال ۱۳۹۱ اجرا شود.

وی گفت: دولت پیشنهاد داده بود که به منظور افزایش حقوق کارمندان ،اعتبارات هزینه‌ای ۲۰ درصد افزایش یابد که مجلس با آن موافقت نکرد و در نتیجه امکان افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارمندان از ابتدای سال آینده وجود ندارد.

مشاور معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی تصریح کرد: اگرچه بنا شده پس از تصویب لایحه بودجه سال ۹۲، مابه التفاوت حقوق کارمندان به آنها داده شود، اما مابه التفاوت اضافه کاری و هزینه های رفاهی به آنها داده نمی شود.

کردبچه با اشاره به این که در لایحه سه دوازدهم اجرای گام دوم قانون هدفمندسازی یارانه‌ها دیده نشده بود، اظهار کرد: همچنین نرخ ارز در لایحه بودجه سال آینده شناور مدیریت شده است و کارگروهی متشکل از وزیر نفت، وزیر اقتصاد، رییس کل بانک مرکزی و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی با توجه به میزان صادرات نفت، قیمت ارز را مشخص می کند.

به احترام استاد مهدی محقق

بقیه از صفحه ۳

رجالی که بشود در محضرشان نشست و به سند تا اندازهٔ زیادی متصل بل معتعن،سلسلهٔ اتصال شاخهٔ های گرانقدری از معرفت در تمدن‌مان را باز شناخت، از امروز تا اعماق قرون و اعصار و تا محضر اوتاد و ستون های این خیمهٔ مدنیت، همراه با رد یابی سنتهای علمی که این زاد و ولدها در درون آن پدید آمده است. آشنائی به این زنجیرهٔ علم و فرهنگ، ما را از بیراهه رفتن، از تازه به دوران رسیدگی و لاف گزاف در باب آنچه به فرهنگ و مدنیت ما مربوطَ می شود دور می کند. این اتصال، اطمینان آور و دلگرم کننده است.

بی جهت نیست که در بسیاری از موارد که قرار باشد کار به کاردان سپرده شود، وقتی می خواهیم جمعی فراهم آوریم تا در معرفی یا تجلیل از بزرگان تاریخ فرهنگ و تمدن ایران و اسلام، یا احیای میراث آنان،یا پی ریزی ساز و کاری برای اقدامی سنجیده در این زمینه ها راهی و سامانی پیشنهاد کنند، یکی از اولین نامهائی که مطرح می‌شود دکتر مهدی محقق است. حضور و تایید امثال ایشان قوت قلبی است برای جمع و اطمینانی بر استحکام کار.

در این میدان، دکتر محقق نشان داده است که امساک علمی نیست. پیشکسوتی و مرتبت والای علَمی و تقدم سنی اش او را نه تنها به بی‌حوصلگی نکشانده بلکه از او سرمشقی ساخته است برای دانش پژوهان جوان، معلمی صبور و سرزنده و پا به رکاب،با گنجینه ای از امثال و حکم و خاطرات و نکته های نغز و حکمت های نظری و عملی که محضر او را پر حلاوت و طراوت می کند. و هم پر نشاط و بی تکلف.محضر او همواره کلاس درس است و کلاس درسش محضری شیرین. به هر بهانه‌ای که در حضورشان باشیم گوئی در کلاس نشسته‌ایم. شبکهٔ وسیع و متنوع دانشوران ایرانی و غیر ایرانی که دکتر محقق در سالهای عمر با آنان نشست و برخاست یا همکاری و مراودهٔ علمی یا موانست اجتماعی داشته است خود نشانهٔ گویائی است بر شیفتگی او به درس و بحث و تحقیق. حضور و سخن و نام ایشان در محافل علمی و فرهنگی در داخل و در خارج،همواره اسباب آبروی علمی و فرهنگی برای کشور ما بوده و هست.

کاردانی، اعتبار علمی و حسن سلوک این توفیق را به او داده است که، گاهی با کمترین امکانات، به ایجاد نهادهای موثری در خدمت به علم و ادب و فرهنگ این مملکت اقدام کند. کم نبوده است مواقعی که در امکانات محدود هم بسته شده اما او باز هم با ایستادگی پنجره ای دیگر گشوده است. اگر از این راه نشد، از آن راه انجمن ترویج ادب و فرهنگ ساخته است. اما در اهتمام همیشگی استاد به تدریس و دلبستگی او به اینَ آب و خاک و فرهنگ و مواریث معنوی آن، دوست فرزانه، دکتر معصومی همدانی، در نوشتهٔ خود اشاره کرده است که استاد محقق حتی در روزهای جنگ تحمیلی که هر کسی پناهگاهی در بیرون تهران می‌جست، چگونه به خواست جویندگان دانش پاسخ داد، در اوضاع و احوالی که گاه صدای درس و بحث او در صدای هواپیماهای عراقی گم می‌شد. و چگونه او در این سالهای دراز از ناسپاسی هایی که نتیجه گردش روزگار است نرنجید و از ناملایمات رو ترش نکرد،در حالی که اگر می خواست گوشهٔ عافیتی بطلبد و حتی رخت به سرزمینی آرامتر بکشدهمه بهانه های معمول فراهم بود؛ مقتضی موجود و مانع مفقود.

شب محقق به همت ستودنی سردبیر محترم مجلهٔ بخارا، آقای دهباشی –که خدمات و سخت کوشی او شناخته شده است – و با همکاری چند نهاد محترم فرهنگی، برگزار شد. چه خوب که این شب با حضور عینی استاد محقق محقق شد چنانکه استاد سید عبدالله انوار در مراسم آن شب گفت: «. . . در این مجلس ما هر چه سخن هست، سخن از آقای محقق است که بالاصاله در این مجلس مقیم‌اند و هر که خواهد وجود رابطی و اسنادی با این مجلس پیدا کند، باید با مقومٌ علیه آن پیدا کند؛ یعنی جناب محقق». و چه خوب که محل برگزاری شب محقق را باغ موقوفات دکتر محمود افشار و گنجینه پژوهشی ایرج افشار در ساختمان کانون زبان فارسی قرار دادند تا آن مراسم با طنین نام و شمیم یاد استاد فقید ایرج افشار هم مزینَ شود. نامی که یاد آور شوق و اخلاص و بی ریائی و فروتنی علمی و ایران دوستی و بی حاشیه گی در خدمت های ماندگار به این مملکت است. اسوه ای عزیز برای خادمان تاریخ این فرهنگ و ادب و تمدن که اکنون آمده اند یا در آینده خواهند آمد. معلم چند نسل از فرزانگان ایران و اساتید امروز ما.و چه خوب که شب محقق با حضور همسرَ دانشمند ایشان، سرکارَ خانم دکتر نوش آفرینَ انصاری،برگزار شد که به قول استاد کامران فانی با اینکه از ساحت متفاوتی می آمد به عالم زندگی مشترک پر ثمری با استادِ برآمده از شرق شرق در آمد.باَ صمیمیتی دلپذیر. وقتی در جلسهٔ بزرگداشت مرحوم حاج شیخ عبدالله نورانی ایشان را زیارت کردم پرسیدم: خانم دکتر، ایام را به چه می گذرانید؟ گفت: به استاد داری.

دانش وسیع، گستره حوزه معاشرت های علمی و خاطرات برجای مانده، حافظه درخشان و روزآمد، سرعت انتقال مطالب، خوی ملایم و طلبگی، حاضر جوابی و حاضر الذهنی، همه در هم تنیده اند تا از دکتر محقق استاد خوش محضری بسازند که عبوسی و سردی را می‌راند. حتی در معاشرت با مردمان عادی نیز چنین است. گرم و آرامش بخش. همین اواخر خاطره جالبی از ایشان شنیدم. بگذارید بگویم: اگر خوانندگان به یاد بیاورند، پارسال چرخ‌های یک هواپیما که از شیراز می‌آمد برای فرود در تهران باز نشد. داستان از این قرار است که خلبان در نزدیکی مقصد مشکل را اعلام می کند. اضطراب و ترس و فریاد استغاثه فضا را فرا می گیرد.دکتر محقق و خانم دکتر انصاری هم در ردیف های آخر همان هواپیما هستند. خانم‌های مهماندار هم که می‌باید به بقیه آرامش بدهند حسابی ترسیده اند. و چون استاد را شناخته‌اند گرد به ایشان پناه می‌برند که چه کنیم؟ چه می‌شود؟ استاد با قاطعیت و آرامش اطمینان می‌دهد که هیچ اتفاقی نمی افتد و همه سالم به زمین خواهیم نشست.چنان مطمئن و موثر که همه شان آرام می‌شوند و به بقیه مسافران می‌رسند. خوشبختانه چنین می شود و هواپیمای بدون چرخ به سلامت فرود می آید و البته ایمان مهمانداران به استاد صد چندان می‌شود. آنچه به داد آن الغوث کنان رسیده است در واقع حاضر الذهنی استاد در به‌یادآوردن حکمت برگرفته ازیک داستان تاریخی است و تطبیق دادن آن با احوال آن لحظه. به این معنی که منطقا از دو حال خارج نیست: یا هواپیما سقوط می کند که در آن صورت کسی باقی نمی ماند که یقه ایشان را برای پیشگوئی نادرست بگیرد، و یا به سلامت می نشیند که در آن صورت برد با پیشگوست که توانسته از ذخائر حکمت عملی خود بهره بگیرد و خدمتی بکند برای آرام کردن فضا و روحیه دادن به تیمی که می باید در هرصورت مسافران را دریابند.

نمی شود از دکتر محقق گفت و از حکیم ناصر خسرو یاد نکرد چرا که در محضر خوش ایشان، انتظار طرح حکمتی از این حکیم طبیعیَ بل مورد انتظار اسَت. دوستداران و شاگردانی که با نیکو محضری استاد خو کرده اند،حتی می توانند زبان حال خود در شکایت از عالمان عبوس محضر رانیز در شعر ناصرخسرو بیابند:

تو با هوش و رای از نکو محضران چون
همی برنگیری نکو محضری را

با عرض احترام، و دعا برای سلامتی و طول عمر و ادامهٔ برکات و افاضات استاد.

والدین چگونه می‌توانند شرایط سفر نوروزی خاطره‌انگیز را برای کودکانشان فراهم کنند؟

روزهای دور از خانه...

*** دکتر فریده حمیدی ـ مدرس روان‌شناسی و علوم تربیتی: در مسافرت‌ها لازم است پدران و مادران جذابیت‌های بازی را برای کودکان افزایش دهند**

*** والدین نباید فکر کنند که کودکشان مینیاتور یک بزرگسال است، آنان باید بدانند که کودکان دنیای خودشان را دارند و در سفر باید بکوشند که به دنیای آنان نزدیک شوند**

*** متأسفانه در ایام تعطیلات بسیاری از مراکز ورزشی یا جاهایی که امکان بازدید آنها وجود دارد، تعطیل‌اند و افرادی که امکان گردش‌های جمعی را برای گردشگران فراهم می‌کنند، اکثراً به مرخصی می‌روند، در حالی که این مشاغل در ایام تعطیلات باید بیشترین خدمات را به مردم ارائه دهند**

سفر، انسان را در شرایط جدید و ناشناخته‌ای قرار می‌دهد. اگر در مسافرت کودکی حضور نداشته باشد، با یک تصمیم، هر لحظه از شبانه روز می‌توان موقعیت مناسبی برای یک سفر خوب باشد، ولی بودن کودکان با سنین مختلف، تغییراتی در شرایط سفر ایجاد می‌کند. این‌که چه سنی برای سفر کودکان مناسب است، بعضی از روان‌شناسان عقیده دارند از بدو تولد تا ۱۴ ماهگی نباید هیچ تغییر عمده‌ای در نظم زندگی کودک پیش بیاید. این روان‌شناسان، سفر را عامل ایجاد بی‌نظمی در زندگی این گروه سنی می‌دانند و معتقدند این بی‌نظمی و بی‌ثباتی سبب بروز مشکلات روحی و روانی کودکان در بزرگسالی می‌شود.

افزایش قابلیت‌های کودکان در سفر

برای سفر کودکان نمی‌توان سن دقیقی را تعیین کرد، اما این‌که از چه زمانی قابلیت‌های شناسایی و بهره‌مندی از سفر را دارند، از همان سنی است که قدرت شناسایی در آنان به وجود می‌آید و این قدرت از دوره حسی حرکتی یعنی زیر ۲ سال، در حال رشد است و چون در این مرحله قابلیت شناخت دارند، سفر می‌تواند برای کودکان مفید باشد.

دکتر فریده حمیدی ـ مدرس روان‌شناسی و علوم تربیتی با گفتن نکته بالا معتقد است: از همان زمانی که کودکان قدرت زبان آموزی پیدا می‌کنند، یعنی بعد از یک سالگی، پایداری شیء در ذهن آنان شکل گرفته است و در واقع می‌توانند در ذهن خود به تصوراتشان شکل بدهند. از این‌رو محیط‌ها، آداب، غذاها، نژادها و لهجه‌های مختلف می‌توانند کمک کنند که کودکان آنها را بشناسند ضمن این‌که قدرت انطباق و مقایسه را نیز در کودکان ایجاد می‌کند.

وی با باور این‌که محیط‌های متفاوت قابلیت یادگیری را در کودکان افزایش می‌دهد، می‌افزاید: طبق نظریه «پیاژه» کودکان از زمانی که درون سازی و برون‌سازی را آغاز می‌کنند، انطباق آنان در حال شکل‌گیری است، بنابراین قابلیت درون‌سازی انطباق و برخورد کودکان با چیزهای جدید می‌تواند قابلیت برون‌سازی را در آنان به وجود بیاورد که این شکل‌گیری سبب تقویت سازمان‌دهی ذهنی در کودکان خواهد شد.

نتیجه تحقیقات زیادی که توسط نوروفیزیولوژیستی به نام «دونالدهب» انجام شده است، نشان می‌دهد اگر فرزندان در دوره کودکی با محیط‌های متفاوت و غنی برخورد کنند که میزان جستجو، توجه و درک موقعیت بیشتر و بهتری را در آنان افزایش دهد، سبب می‌شود که سیستم شبکه عصبی‌شان از ساده به پیچیده رشد کند و این پیچیدگی سیستم عصبی، به کودکان کمک می‌کند وقتی با موانعی روبرو می‌شوند یا در شرایط سختی قرار می‌گیرند، قدرت درک و حل مشکلات آنان افزایش یابد.

ما معمولاً اثرات آموزش‌های مستقیم را در کودکان پررنگ می‌کنیم، در حالی که بسیاری از یادگیری‌ها، پنهان است و این یادگیری‌های نهفته، همان آشنایی کودکان با محیط‌ها، سرزمین‌ها، نژادها، زبان‌ها و شرایط مختلف است و همه اینها مفاهیم و سازه‌های ذهنی است که شرایط تبدیلش به عملکرد در کودکان، در سنین بالاتر اتفاق می‌افتد. بنابراین سفر می‌تواند کمک مؤثری برای یادگیری‌های غیرمستقیم کودکان باشد.

اثرات تلویزیون و بازی‌های رایانه‌ای

دانشمندان با در نظر گرفتن فعالیت‌هایی که یک کودک در طول روز انجام می‌دهد، بر این باورند که تماشای تلویزیون و انجام بازی‌های رایانه‌ای به مدت طولانی، اثرات بسیار بدی روی سلامت کودکان می‌گذارد و احتمال مبتلا شدن آنان به بیماری‌های چاقی، قلبی، افسردگی و مشکلات رفتاری و گفتاری را افزایش می‌دهد. طبق تحقیقات کالج لندن، کودکانی که بیش از ٤ ساعت در روز را به تماشای تلویزیون اختصاص می‌دهند، بیش از دیگران در معرض آسیب‌های قلبی قرار می‌گیرند.

دکتر حمیدی در این باره معتقد است: قبل از شکل‌گیری محیط طبیعی به صورت روان بُنه‌های ادراکی در کودکان، ما آنان را وارد دنیای مجازی می‌کنیم. در واقع از تولد تا ۲ سالگی، دوره‌ای است که قابلیت‌های حسی و حرکتی کودکان، رشد می‌کند. از ۲ تا ۷ سالگی، محسوسات عینی را می‌آموزند و از ۷ تا ۱۲ سالگی، قدرت تجسم اشیاء در آنان تقویت می‌شود. بنابراین با توجه به این مراحل رشد که کودک نیاز به افزایش یادگیری از طریق توجه، کنجکاوی و جستجو دارد، اگر آنان را به تماشای تلویزیون یا انواع بازی‌های رایانه‌ای محدود کنیم، فرصت‌های زیادی را از آنان گرفته‌ایم. البته کودکی که به اتاقش و به اسباب‌بازی‌هایش عادت کرده است، وقتی با سفر او را از این عادت‌ها جدا کنیم، برایش بسیار سخت است، اما اگر شرایطی فراهم کنیم از لحظه‌ای که داخل خودرو یا قطار می‌نشیند، بتواند با دست‌ورزی کردن در اسباب‌بازی‌هایش با همراهی ما، سرگرم شود، یا در شرایطی با طناب و توپش بازی کند، نه فقط حس نمی‌کند که قرار است از فضای خانه خارج شود، بلکه آرام آرام یاد می‌گیرد که اگر در محیط خانه امکان توپ‌بازی یا طناب‌بازی برایش نیست، حالا در محیط بزرگتر می‌تواند با همراهی پدر و مادر به خوبی از توپ و طنابش، استفاده کند و همراهی پدر و مادر به دلیل دلبستگی کودک به آنان، جاذبه‌های بیشتری را برایش به وجود می‌آورد.

ایجاد جذابیت سفر در فرزندان

حضور یک کودک اگرچه سبب تغییراتی در جزئیات سفر می‌شود، ولی با این همه سفر با کودکان کار سختی نیست و اگر بتوان برنامه‌های متنوع و مفیدی را لحاظ کرد، سفر می‌تواند برایشان خوشایند و خاطره‌انگیز باشد.

دکتر حمیدی با باور این که در سفر باید سن کودکان مدنظر باشد می‌گوید: فرزندان نوجوان، قدرت شناخت جاذبه‌های گردشگری و فرهنگ‌های شهرهای مختلف را دارند، اما این توان در کودکان کمتر است. بنابراین، با فرزندان باید متناسب با سن‌شان رفتار کرد.

حضرت رسول اکرم(ص) می‌فرمایند: «فرزند انسان ۷ سال اول زندگیش را باید بازی کند. بنابراین در مسافرت‌ها لازم است جذابیت‌های بازی را برای کودکان افزایش دهیم. شیوه‌های پدر و مادر نقش مهمی در جذب کودکان دارد، مثلاً بازدید از موزه‌ها برای کودکی که هنوز به دوره آموزش ابتدایی نرسیده است، کاربرد چندانی ندارد، ولی می‌توان آنان را با چیزهایی که قدرت مقایسه آنها را دارند، آشنا کرد مثل پول‌ها و سکه‌های قدیمی و جدید و چیزهایی مانند این که کودکان تا حدی قدرت شناسایی آنها را دارند.

این استاد دانشگاه می‌افزاید: در ۷ سال دوم قابلیت اطاعت فرزندان از خانواده زیاد است و آنان تابع شرایط و قوانین خانواده هستند و به راحتی تصمیمات پدر و مادر را می‌پذیرند. اما در ۷ سال سوم که دوره نوجوانی است، لازم است بسیاری از کارها با مشورت فرزندان نوجوان انجام شود. در واقع فرزندان، وزیران پدران و مادران هستند و باید به خواست‌ها و نظرات آنان نیز توجه شود.

سفر، عامل پیوند فرزندان با هنر

دکتر حمیدی به این سوال که آیا با زندگی امروز، کودکان و نوجوانان از آشنایی با هنرهای ایرانی، بیگانه و دور نشده‌اند، پاسخ می‌دهد: به نظرم مسافرت پدران و مادران به همراه فرزندان‌شان به شهرهای مختلف می‌تواند پیوندی را بین فرزندان و انواع هنرهای ایرانی به وجود بیاورد.

البته لازم است که در این ایام، مکان‌های ورزشی، تفریحی و جاذبه‌های توریستی فعال‌تر عمل کنند و چه خوب است برای هر شهر چنین امکانی وجود داشته باشد تا نقشه و بروشورهایی را که درباره جاذبه‌هایی تاریخی یا جاذبه‌های طبیعت آن شهر است، در دسترس مسافران قرار گیرد. بچه‌ها معمولاً مشتاق دیدن و خواندن این نقشه‌ها و بروشورها هستند و با علاقه، مراکز دیدنی را به پدر و مادرشان معرفی می‌کنند که این خود به نوعی مشارکت آنان در برنامه‌های سفر است. متأسفانه در کشور ما در ایام تعطیلات بسیاری از مراکز ورزشی یا جاهایی که امکان بازدید از آنها وجود دارد، تعطیل اند و حتی افرادی که امکان گردش‌های جمعی را برای گردشگران ایجاد می‌کنند، اکثراً به مرخصی رفته‌اند، در حالی که این مشاغل در ایام تعطیلات باید بیشترین خدمات را به مردم ارائه دهند. به هر رو این سفرها، فرصت‌های مناسبی را برای فرزندان ایجاد می‌کند، از یک سو بودن آنان در کنار خانواده برایشان خاطره شیرینی می‌شود از سوی دیگر آموزش‌های غیرمستقیمی برای انواع هنرهای ایرانی به حساب می‌آید.

این استاد روان‌شناسی می‌افزاید: فرزندان نه فقط با انواع هنرها، بلکه با تفاوت‌هایی که بین هنرها مثلاً در نقاشی، معماری و صنایع دستی شهرهای مختلف وجود دارد، آشنا و به نوعی شرطی‌سازی می‌شوند. از یک طرف نسبت به هنر توجه و علاقه پیدا می‌کنند و از طرف دیگر اگر در آن روز امکان یادگیری خوبی در این مورد برایشان وجود نداشته باشد، بعدها با دیدن عکس‌هایی که گرفته‌اند، می‌توانند اطلاعات بیشتری درباره آن هنرها، به دست آورند.

تعامل فرزندان با طبیعت

طبق نظریه‌های روان‌شناسی امروز، هوش، ارثی و ژنتیکی نیست، بلکه عامل تجربی و اکتسابی است. از این رو دارای انواع مختلف مانند هوش فرهنگی، هوش طبیعت، هوش موسیقیایی و هوش ریاضی است.

دکتر حمیدی با بیان نظریه روانشناسی به نام گاردنر چنین می‌گوید: هوش مانند آی‌کیو (IQ) دارای یک بُعد نیست، بلکه ابعاد مختلفی دارد، مانند هوش درون‌فردی، یعنی کسی که نسبت به هیجاناتش دارای خودآگاهی است و می‌داند چه زمانی شاد است، چه وقت عصبانی می‌شود و چه موقعی شرایط محرک‌های محیطی، او را ناراحت یا خوشحال می‌کند. در واقع کسی که از هوش درون‌فردی برخوردار است، قدرت تعاملات خوبی دارد و در روابط بین فردی، عصبانیتش را کنترل می‌کند. شخصی که می‌تواند موسیقی، نت‌ها و تحریرهای خوب را در آوازها تشخیص دهد، «هوش موسیقیایی» بالایی دارد. کسی که دارای قدرت ارتباط با طبیعت است، می‌تواند دانه‌ای بکارد و می‌داند که نیاز دانه به نور، گرما و آب چه مقدار است، «هوش طبیعت» خوبی دارد. مثلاً کشاورزی که بدون تحصیلات آکادمیک به عنوان کارآفرین کشاورزی معرفی می‌شود، هوش طبیعت بالایی دارد. بنابراین، عمده هوش‌ها از طریق تجربه به دست می‌آیند و از این‌رو تعامل کودکان با محیط طبیعت حائز اهمیت است و بدون ارتباط کودکان با طبیعت نمی‌توان انتظار داشت که ابعاد مختلف هوش در وجود فرزندان رشد کند و چون هوش اکتسابی است، پیش زمینه‌های هوشی که مربوط به دوران کودکی است، مؤثر است. بنابراین لازم است که تعامل با محیط، طبیعت و افراد در کودکان به وجود بیاید و آنان صرفاً در ارتباط با مدرسه، خانه و محیط‌های آکادمیک نباشند. دکتر حمیدی همچنین می‌گوید: تحقیقات انجام شده درباره تجربی بودن هوش نشان می‌دهد کسانی که در دوران کودکی سیستم عصبی یا قسمت‌هایی از کورتکس مغزشان آسیب می‌بیند، تجربیاتی که کسب می‌کنند، باعث ازدیاد هوش چندانی در آنان نمی‌شود و این نشان می‌دهد که کودکان می‌توانند فرصت‌های خیلی خوبی را برای کسب تجربه در طبیعت داشته باشند که نباید از دست بدهند.

پیوند عاطفی خانواده در سفر

دلبستگی فرزند به مادر یک نیاز روانی و ژنتیکی است که باید شکل بگیرد و از سوی کودک ارضا شود. دلبستگی‌های ایمن زمانی به وجود می‌آید که رابطه عاطفی کودک و والدین به خوبی شکل گرفته باشد. صاحب‌نظران علوم روان‌شناختی همواره برای نقش پدران و مادران در سال‌های اولیه رشد کودکان، اهمیت فراوانی قایل‌اند و بر این باوراند آنچه را که فرزندان در سنین کودکی تجربه می‌کنند، تأثیر سرنوشت‌سازی در شکل‌گیری شخصیت‌شان در آینده دارد.

از دکتر حمیدی سؤال می‌کنیم: آیا سفر می‌تواند نقشی در تعامل و روابط عاطفی خانواده بر فرزندان داشته باشد؟ در جواب می‌گوید: وقتی کودکان در جوار خانواده دلبستگی‌های ایمن داشته باشند، قدرت جسارت و کنجکاوی آنان افزایش می‌یابد.

این روان‌شناس می‌افزاید: تحقیقات به عمل آمده نشان می‌دهد که نیاز به دلبستگی یک نیاز ثانویه، نیست، بلکه نیاز اولیه مثل غذا خوردن است و هرکس که این نیاز را به خوبی برطرف کند، نوع دلبستگی که در کودکی پیدا می‌کند، تا بزرگسالی در او وجود دارد و اگر بخواهد ازدواج کند، چون دلبستگی ایمن دارد، نسبت به همسر آینده‌اش هم روابط نزدیک‌تر و صمیمانه‌تری خواهد داشت، بنابراین با توجه به این که فرزندان ٦ تا ٨ ساعت از روز را در مدرسه می‌گذرانند و پدران و مادران هم به دلیل اشتغال در بیرون، از منزل در کنار فرزندان نیستند، طبعاً سبب می‌شود تعاملات درون خانواده کم شود و آن پیوندهای عاطفی لازم و همچنین مسئولیت‌پذیری که باید از طرف والدین به فرزندان داده شود، شکل نگیرد. ولی با فرصت‌هایی که با سفر به وجود می‌آید، این موانع و محدودیت‌ها برداشته می‌شود و روابط عاطفی‌تری را بین پدران و مادران و کودکان به وجود می‌آورد. ضمن آن که به طور غیرمستقیم توجه، کنجکاوی و یادگیری فرزندان را در محیط افزایش می‌دهد.

وی در مورد شیوه تعامل پدران و مادران با فرزندان می‌افزاید: والدین نباید فکر کنند که فرزند خردسال‌شان یک کودک بزرگسال یا مینیاتور بزرگسال است.

کودکان، دنیای خودشان را دارند و در سفر بایستی به دنیای آنان نزدیک شد. اگر پدر و مادر در مدت سفر حوصله به خرج ندهند و با بایدها و نبایدها، فرزندان‌شان را محدود کنند، سفر تجربه چندان مفیدی برای کودکان نخواهد داشت و به آنان سخت خواهد گذشت. بنابراین لازم است پدران و مادران شرایطی را ایجاد کنند که فرزندان دارای آزادی عمل بیشتری باشند و از این که در کنار خانواده خود هستند، لذا ببرند.

کودکان سرشار از انرژی هستند و اگر میزان عطش درونی‌شان در پیوند با طبیعت، ارضا شود، این احساس می‌تواند تا حدی تجربیات لازم را برایشان ذخیره کند. پس چه خوب است پدران و مادران طوری رفتار کنند که خاطرات و تجربیات سفر برای فرزندان، شیرین و دوست‌داشتنی باشد، چرا که این خاطرات همیشه با کودکان خواهد بود و وقتی بچه‌ها، خود بزرگسال یا والد شوند، همه اینها را به خصوص اگر مثبت باشند، می‌توانند به نسل بعدی انتقال دهند که البته چنین چیزی مستلزم این است که پیوند عاطفی خانواده از طریق تعامل پدران و مادران با فرزندان، با وقت گذاشتن برای آنان و حوصله بیشتری در سفر، شکل گیرد.

طاهره خلیلی کسمایی

جدول ۲۱۹۴۶

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:
۱ـ بانوی جنایی‌نویس انگلیسی مؤلف «راز کوه نور» ـ ریشه
۲ـ پارچه‌ای از جنس حریر ـ قوم تاریخی ایرانی ـ علاقه‌مند
۳ـ افشای راز ـ نمای عمارت ـ تازه‌کار
٤ـ شهری در خراسان رضوی ـ میزان عمر ـ طریق کوتاه ـ از افعال ربطی
۵ـ اسم غیراصلی ـ گردشگری ـ سکوی شیرجه
٦ـ بخشی از پا ـ مفید ـ نرمی و مهربانی
۷ـ جابجائی هوا ـ سودای ناله ـ آنچه خاطره‌ای را به یاد آورد
۸ـ اسکلت بدن ـ اثر «محمدعلی جمال‌زاده»
۹ـ از مرکبات ـ نقشه خارجی ـ درخت اعدام!
۱۰ـ دریافت ـ پایتخت پرتغال ـ خوب
۱۱ـ زندان تهران ـ آنیون آلاینده آب آشامیدنی ـ لگن رختشویی
۱۲ـ ردیف قالیبافی ـ شکم‌بند طبی ـ راندن مزاحم ـ بزرگ
۱۳ـ کج ـ بخشاینده ـ معبری بر رود
١٤ـ سالنامه ـ اصطلاحی در فوتبال ـ خانه بزرگ
۱۵ـ ذره باردار ـ اثر «سیدنی شلدون» نویسنده آمریکایی

عمودی:
۱ـ گرد زینتی براق ـ نیروی انتظامی قبل از دهه هفتاد
۲ـ رهن ـ فرو رفته بر اثر ضربه ـ سیمان قدیمی ـ تکرار حرف
۳ـ بالای فرنگی ـ از غذاهای گوشتی ـ لایه محافظ جوّ
٤ـ فرمان خودرو ـ محافظ نوک انگشتان ـ نظر و دید
۵ـ مردگان ـ ژنرال معروف فرانسوی ـ شاعر نوپرداز کشورمان
٦ـ گل خاردار ـ رسم ـ پسوند مراقبت
۷ـ بالاپوش قدیمی ـ روح ـ آقا و میر ـ خاک صنعتی
۸ـ متضاد کال ـ خلاّق
۹ـ آب‌بند ـ سوره زنان ـ از انواع ماهی ـ تا جایی که
۱۰ـ آتشدان حمام ـ گریه و زاری ـ نشدنی
۱۱ـ سمت چپ ـ پول آفریقای جنوبی ـ برتری
۱۲ـ از واجبات نماز ـ کام ـ گمان
۱۳ـ مقابل خوبی ـ فرایند متناهی حل مسائل ـ عدد حرکت
١٤ـ حرف گزینش ـ اهریمن ـ مرتجع لاستیکی ـ اسم مصدر پریدن
۱۵ـ معامله ـ آبگیر

حل جدول ۲۱۹۴۵

جدول شرح در متن — شماره ۳۲۵۴

طراح: غلامحسین باغبان

حل جدول شماره ۳۲۵۳

دشمنان تقریب در جهان اسلام

گفتگو با مولوی اسحاق مدنی ـ (مشاور رئیس جمهور در امور اهل سنت)

اشاره: مولوی اسحاق مدنی از علمای بنام اهل سنت است که تاکنون در سمتهایی چون مشاور رئیس جمهور در امور اهل سنت، رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، مدیر گروه فقه و حقوق حنفی دانشگاه مذاهب اسلامی و ریاست شورای فتوای اهل سنّت مشغول فعالیت بوده است. آنچه در پی می آید، گفتگویی است که پیشتر در نشریه «نشان» به چاپ رسیده است.

تفکر وحدت و تقریب مذاهب اسلامی چه‌سابقه‌ای دارد؟

تقریب یا هر لفظ دیگری در این چهارچوب، همان وحدت است. خود وحدت از اصول قرآنی است و یکی از فرامین خداست که در صدر اسلام هم مورد تأکید بوده. مهمترین آیه‌ای که در این باره داریم «**واعتصموا بحبل الله جمیعا**» است. از نظر اصطلاحی، تقریب مفهومی است که از دارالتقریب مصر رواج گرفت. در آن زمان این تقریب در کشوری شکل گرفت که حرکت و سمت و سوی آن بر مبنای اسلام نبود. یک عده از علما جمع شده بودند و مردم و پیروان مذاهب را به تقریب و وحدت دعوت می‌کردند. در جمهوری اسلامی ایران تقریب در واقع از روز اول انقلاب مورد توجه و تأکید بوده است. امام خمینی (رحمت‌الله تعالی علیه) مهمترین سخنرانیهایشان را اگر نگاه کنید، مدام به حفظ وحدت تذکر می‌دهند. اگر به فرمایشهای مقام معظم رهبری نگاه کنیم، باز هم همین گونه است و دستور ایشان به‌خصوص برای تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی حاکی از اهتمام ایشان به امر تقریب و وحدت در جهان اسلام است. این معنایش این نیست که گذشتگان در واقع کاری نکردند، نه! شما یک درختی را که می‌کارید، به تدریج بزرگ می‌شود، ثمره می‌دهد، نتیجه می‌دهد، مجمع تقریب هم همین طور بوده و از آن زمان پیشرفت کرده. هر سال از سال گذشته جلساتش گسترده‌تر و با اهمیت‌تر می‌شود. هر سال نقائص سال گذشته بررسی و برطرف می‌شود و امروز در واقع تقریب، اصلی است در جهان اسلام که تقریباً همهٔ مسلمانان پذیرفته‌اند، حتی کسانی که قبلاً مخالف تقریب و مخالف وحدت بودند.

خود مجمع تقریب در همه کشورهای اسلامی که به مناسبتهای مختلف جلسات و نشست‌هایی برگزار می‌شود، شرکت می‌کند و برخی از این جلسات گاهی با کمک مجمع تقریب برگزار می‌شود یا خود مجمع تقریب این گردهمایی‌ها را برای مذاهب مختلف انجام می‌دهد. در واقع در جهان اسلام راجع به برنامه‌های مجمع تقریب صحبت می‌شود و مردم دعوت می‌شوند و علما را حمایت می‌کنند و الحمدلله امروز فعالیت مجمع بسیار گسترده و در سراسر دنیا شناخته شده است به عنوان یک تشکل رسمی که در جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده و البته دولتی نیست، ولی از حمایت مقام معظم رهبری برخوردار است. همین است که در دنیا نقشی بسیار متفاوت و گسترده‌تر و باارزش‌تر از آن دارالتقریب که در مصر بود، دارد.

افراد شاخص مؤثر در ترویج فکر تقریب از زمانی که این حرکت شکل گرفته، چه کسانی بوده‌اند؟

بعد از انقلاب اسلامی، مؤسس دور جدید این حرکت، حضرت امام خمینی[(ره)] بودند. پس از انقلاب در مصر شخصیت‌هایی مثل محمد مدنی یا شیخ شلتوت و مرحوم قمی و آیت‌الله بروجردی بودند که از این فکر حمایت می‌کردند. علمای دیگری هم بودند در جهان که برای وحدت کار کردند، مثل علامه اقبال و علمایی که من الآن حضور ذهن ندارم؛ بسیاری بودند که از تقریب حمایت می‌کردند. اینها چون حمایت و پشتوانه‌ای نداشتند و راهکارهایشان ضمانت اجرایی نداشت، خیلی در بُعد اجرایی نتوانستند پیش بروند و دیدگاهایشان در جهان اسلام گسترش پیدا نکرد؛ ولی در جهان معاصر ما و خصوصاً بعد از انقلاب و تأکیدی که امام[(ره)] داشتند و از وحدت بسیار سخن گفتند، کلمهٔ‌وحدت بین مسلمانان اصلاً یک واژهٔ مأنوس شد و بعد از اینکه مقام معظم رهبری رسماً دستور تأسیس مجمع تقریب را صادر کردند، کار خیلی گسترده‌تر شد.

◆◆◆

امام[(ره)] از وحدت بسیار گفتند و کلمهٔ وحدت بین مسلمانان واژهٔ مأنوسی شد. بزرگترین فرصت، همین انقلاب اسلامی است. یک حکومت قدرتمند همه‌مسئولانش از جان و دل در جهت این هدف گام برمی‌دارند. این برای جهان اسلام، بزرگترین فرصت است

◆◆◆

مهمترین چالشها در برابر حرکت تقریبی در جهان اسلام کدامند؟ فرصتهای ملتها و مذاهب مختلف اسلامی برای تقریب و وحدت چیست؟

بزرگترین فرصت، اگر خلاصه بگویم، همین انقلاب اسلامی است. یک حکومت قدرتمند که از توان بالایی برخوردار است و کلیهٔ‌مسئولانش از جان و دل در جهت این هدف گام برمی‌دارند. این برای جهان اسلام، بزرگترین فرصت است و ما بعد از صدر اسلام چنین فرصتی را نداشتیم که یک حکومت توانمند اسلامی از وحدت حمایت کند. البته این گونه نبوده که بگوییم فلان دولت مخالف وحدت بوده است؛ نه، ولی تا این اندازه رسمی و با تمام امکاناتش به این موضوع متمرکز نشده بوده. هیچ جای دیگری شما چنین چیزی را مشاهده نمی‌کنید که مثلاً خود بنیان‌گذار یک انقلاب که از نظر مذهبی هم مرجع تقلید بودند و تقوا و قول ایشان برای مردم حجّت است، از این تفکر به طور اساسی حمایت بکند. این خیلی فرصت خوبی است. همچنین الآن مقام معظم رهبری که رهبر این کشور هستند و سکان‌دار این نظام قدرتمند، با تمام توان از تقریب و وحدت حمایت می‌کنند و امکانات فراوانی در اختیار جمع قرار می‌دهند. این بهترین فرصتی است که امروز امت اسلامی چنین پشتوانه‌ای برای این کار ارزندهٔ اسلامی دارد. بقیهٔ فرصتها چیزهایی است که خیلی نمی‌شود روی آنها حساب باز کرد.

اما موانع کار، اگر خلاصه کنیم، دو تا مانع است امروز: یکی دوستان نادان اسلام که فکر می‌کنند حق در جنگ کردن و اختلاف کردن و تکروی و احترام نگذاشتن به عقاید یکدیگر است. فکر می‌کنند اگر بخواهند مذهب‌خودشان را تبیین کنند و رشد بدهند، راهش این است که مذاهب دیگر را بکوبند و رد کنند! اگر بخواهند خودشان در دنیا بمانند، باید دیگران را از بین ببرند. این دوستان نادان اسلام موانع خطرناکی هستند؛ چون خیلی از مسلمانها به عنوان اینکه اینها رهبران دینی هستند و حرف قرآن را می‌زنند، تحت تأثیر واقع می‌شوند و نمی‌گذارند مسلمانان دور هم جمع شوند. در هر مذهبی این افراد متاسفانه امروز وجود دارند.

مانع دوم، دشمنان هوشیار ما هستند. اینها راههایی را بلدند که انسانهای ساده را می‌توانند فریب بدهند. اینها با توجه به سوابق تاریخی که ما داریم یا اوضاع و احوالی که در بعضی کشورهای اسلامی وجود دارد، مشکلات و اختلافات بسیار کوچک و ناچیز را بزرگ جلوه می‌دهند و اقوام و مذاهب را علیه یکدیگر وادار به موضع گیری می‌کنند.

اما چطور می‌شود ما از شر این دو گروه نجات پیدا کنیم؟ مسلمانان امروز الحمدلله سطح آگاهی‌شان از اسلام بالا رفته، دانشگاههای جدید ساخته شده، حوزه‌های علمی ایجاد شده، خود جمهوری اسلامی در رادیو و تلویزیون دارد روشنگری می‌کند. راه مهم مقابله با موانع این است که مسلمانان بیایند به این حرفهای درست توجه کنند و بیندیشند و دوست را از دشمن تشخیص بدهند. ببینند که حرف کی درست است. او که می‌گوید فتنه ایجاد کنید، او که می‌گوید به جان هم بیفتید، آیا حرف درستی می‌زند؟ آیا ما از اینکه در طول تاریخ اختلاف کردیم، سودی بردیم؟ آیا یک شیعه تقویت مذهبش در این است که با یک سنی دعوا کند؟ آیا بهتر نیست ما با هم باشیم و هر کسی به مذهب و اعتقاد خودش عمل کند و متعرض دیگری نشود و به اعتقاد دیگران احترام بگذارد؟ آنچه باعث اختلاف ماست، سطحش خیلی پایین‌تر از آن است که ما را به جان یکدیگر بیندازد.

چگونه می‌توان فکر تقریب را در جوامع اسلامی گسترش داد؟ سمینارها، گفتگوها و رایزنیهایی که می‌شود، در سطح علماست و مباحث آنها کمتر در سطح عوام منتشر می‌شود. چطور می‌شود توافقاتی را که در سطح کلی می‌شود، در سطح عمومی هم نفوذ داد؟

باید ببینیم که ما چگونه اختلاف کردیم، تا بفهمیم که چگونه می‌توانیم وحدت داشته باشیم! این اختلاف از کجاسرچشمه می‌گیرد؟ یک مسلمان سنی با یک مسلمان شیعه چگونه و برای چه اختلاف پیدا می‌کند؟ غیر از این است که چون عالم به او گفته، چنین می‌کند؟ اگر بنا باشد ما سمینارها بگیریم و از یکدیگر تعریف و تمجید کنیم و بگوییم وحدت خوب است و این حرفها را به جامعه‌مان منتقل نکنیم، فایده ندارد. کس دیگری جز علما نمی‌تواند تقریب را در جامعه نفوذ دهد. راه دیگری نیست. این مسائل برمی‌گردد به اعتقاد مردم. مردم مسائل اعتقادی را از ما می‌پرسند، از یک فرد غیردینی که نمی‌پرسند. این علما هستند که دین را به مردم می‌آموزند. اگر علما از ته دل بگویند وحدت ضروری است، قطعاً مردم پیروی می‌کنند. وقتی مردم حرف علما را گوش می‌کنند که چطور نماز بخوانند، چطور روزه بگیرند، چگونه حج به جا بیاورند، آیا به حرف آنها برای تقریب و وحدت گوش نمی‌کنند؟ مسلماً چرا. شما ببینید در حج مردم چقدر برای مسائل کوچک به علما مراجعه می‌کنند. چرا؟ چون می‌خواهند حجشان خوب برگزار شود. مشکل‌مان درست این است که ما جلسات را برگزار می‌کنیم؛ ولی آنچه در جلسات می‌گذرد، به گوش مردم نمی‌رسد. وحدت فقط از طریق علما ایجاد می‌شود؛ همان‌گونه که تفرقه هم از ناحیهٔ ایشان ایجاد شده است. علمایی بودند در تاریخ که بعضی حرفها و نظرات را طوری مطرح کردند که مردم را به جان یکدیگر انداختند. اگر علما و آن کسانی که مردم را علیه یکدیگر تحریک می‌کنند، از این کار دست بردارند و مردم را به وحدت دعوت کنند، معنا ندارد که مردم از حرف ایشان سرپیچی کنند.

با توجه به تفکرات دین‌ستیزانه و دین گریزانه که از جوامع غیراسلامی به طرق مختلفی به جوامع اسلامی گسیل داده می‌شود، اندیشه تقریب چه آینده‌ای دارد؟

اندیشهٔ‌تقریب وابسته‌است‌به‌اندیشهٔ‌خود‌مسلمانان و اسلام. ما هر چه تقریب را تقویت کنیم، آینده جهان اسلام موفق‌تر به نظر می‌رسد. هرچه دنبال تفرقه باشیم، امکان ندارد که آینده خوبی داشته باشیم؛ یعنی دین گریزی بیشتر می‌شود. اگر علمای زمان می‌خواهند ـ که حتماً می‌خواهند ـ اسلام سربلند باشد، اولین قدم، تقریب است. چرا؟ چون دشمنان اسلام همیشه مذهبی را به عنوان وسیلهٔ سرکوب مذهب دیگر قرار داده‌اند. در واقع آنها بدون اینکه هزینه‌ای کنند، از جیب خود مسلمانان برای سرکوب اسلام خرج می‌کنند! اگر ما دچار تفرقه باشیم، نمی‌توانیم جلو دین گریزی را بگیریم. البته مسائل دیگری هم در دین گریزی دخالت دارد، ولی مهمترینش، وضعیت مسلمانان و جهان اسلام است.

مردم وقتی می‌بینند مسلمانان با هم تضاد دارند و اختلافاتشان چنان است که یکدیگر را می‌کشند، کشورهایشان دچار نا امنی، تجاوز، ظلم، تعدّی، و عقب‌ماندگی است، مشخص است که علاقه به اسلام و حتی دین را از دست می‌دهند. وقتی یک یهودی، مسیحی، یا پیرو دین دیگری، وضع مسلمانان را ببیند، چگونه اسلام می‌آورد؟ اول ما بیاییم تکلیف خودمان را با خودمان روشن کنیم تا دیگران از ما متنفر نباشند.

به نظر شما مهمترین دستاورد مجمع تقریب مذاهب اسلامی در طول دوره فعالیتش چه بوده است؟

همین که خیلی دلها را به هم نزدیک کرده است. با سمینارها و روابطی که برقرار شده، فکر تقریب دارد پیش می‌رود. قبلاً راهی نبود که ما بیاییم مثلاً علمای شیعه و سنی را یک جا ببینیم. آن موقع اینها از یکدیگر می‌ترسیدند؛ ولی امروزه نه، می‌بینیم که در مجمع تقریب علما و بزرگان اهل سنت، علمای اهل تشیع از تمام کشورها عضو هستند، معاون هستند. در مجمع عمومی تقریب می‌بینیم که اکثریت با علمای اهل سنت است. خب این چیزها دستاورد کمی نیست؛ ولی کافی نیست. یعنی اینها در واقع شروع کار است. باید اینها عملی باشد و تحقق پیدا کند و در جامعه پیاده شود.

در وهله اول باید بیاییم اعتقاد یکدیگر را به تقریب و به وحدت اصلاح کنیم و آن اندیشه‌هایی را که متأسفانه ما را از یکدیگر متنفر می‌کند، اصلاح کنیم، بعد برویم دنبال توسعه مباحث و فعالیتها. شما نمی‌توانید به یک شیعه بگویید که از اعتقاد به علی [علیه‌السلام] دست بردار، همچنان که به یک سنی هم نمی‌توانید بگویید از خلفا دست بردار. این عقاید سر جای خودش باید باشد؛ ولی یک چیزی را ما می‌توانیم تحمل کنیم و در واقع به آن عمل کنیم و آن احترام به عقاید یکدیگر است.

فکر تقریب بعضاً متهم می‌شود به تسامح و تساهل، نظر شما در این‌باره چیست؟

اشتباه است. تسامح و تساهل معنایش این نیست که شما به دیگران احترام بگذارید، تسامح این است که شما از مذهب‌تان دست بردارید، به اصول مذهب‌تان عمل نکنید؛ ولی چنانچه به کسی احترام بگذارید و توهین نکنید، آن می‌شود تقریب که با تسامح و تساهل فرق دارد. وقتی قرآن می‌گوید: «به کسانی که غیر از خدا را صدا می‌کنند، فحش ندهید»، دیگر در مورد یک مسلمان چه باید فکر کنیم؟ ممکن است شما عقیده‌ای داشته باشید که قابل جمع با دیگران نیست. راهش این نیست که شما عقیده‌تان را ترک کنید؛ ولی چرا باید خودتان را از تعامل با دیگران محروم کنید؟

لازم نیست که علیه دیگران کتاب بنویسید و در رادیو و تلویزیون علیه دیگران حرف بزنید. لازم نیست که معرکه درست کنید و امت اسلامی را به جان یکدیگر بیندازید. در عین حال می‌توانید با همان عقیده‌ای که دارید، زندگی کنید و به آن عمل کنید. آن گروه دیگر هم همین‌طور. جایی که همه انواع مذاهب زندگی می‌کنند، ما یکدیگر را نباید تحریک کنیم. به مذهب عمل کردن، نمی‌تواند جلو وحدت ما را بگیرد. در صدر اسلام همین بود. این نیست که در صدر اسلام هیچ اختلافی وجود نداشته؛ ولی اخوت اسلامی هم رعایت می‌شد و همه منافع کلی اسلام را رعایت می‌کردند، ضمن اینکه به عقیده خودشان پایبند بودند.

چه پیشنهادی برای شتاب گرفتن روند وحدت و تقریب مذاهب اسلامی دارید؟ فکر می‌کنید چه برنامه‌هایی را می‌توان برای ترویج تقریب اجرا کرد؟

بزرگترین موفقیت در هر کاری، اخلاص است. هیچ علمی بدون عمل به درد نمی‌خورد و هیچ عملی بدون اخلاص فایده ندارد. بهترین راه اخلاص است. اگر ما در کارمان اخلاص کامل داشه باشیم و مخلصانه حرکت کنیم، نتیجه می‌گیریم، اخلاص باعث برکت در کار می‌شود.

تقریب، مقدمهٔ وحدت اسلامی

گفتگو با آیت‌الله محمدعلی تسخیری

***اشاره:** آیت‌الله تسخیری از هنگام تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در آن حضور داشته و تقریباً از سال ۷۹ تا ۹۱ در سمت دبیرکل و هم‌اکنون نیز به عنوان رئیس شورای عالی این مجمع فعالیت می‌کنند؛ یعنی حدود ۲۲ سال است که رسماً در یک نهاد تقریبی فعالیت مستمر دارند. آنچه در پی می‌آید، گفتگویی است با ایشان که پیشتر در نشریهٔ «نشان» (ویژه‌نامه سازمان تبلیغات اسلامی) به چاپ رسیده است:*

خاستگاه وحدت در قرآن کریم و حدیث چیست؟

خاستگاه وحدت هم در قرآن مجید، هم در حدیث شریف، و هم در سیره ائمه اطهار[(ع)] متجلی است. اصولاً قرآن کریم و حدیث برنامه جامعی برای بشریت به ارمغان آورده که بدون تردید حکمت‌های فراوانی در بر دارد و هرگاه این برنامه گرانسنگ با اصول اساسی مشترک مذاهب همراه شود، نه تنها خاستگاه مطلوب را تشکیل خواهد داد، بلکه عموم بشریت از جمله مسلمانان از برکات لایتناهی آن برخوردار و متنعم خواهند بود؛ چه، خطاب «**یا ایهاالذین آمنوا**» خطابی عام است و تمامی مسلمانان را از هر گروه و فرقه و نحله شامل می‌شود.

هر یک از آیات و احادیث گرانقدر بر جنبه و بعد خاصی تأکید دارند. «**إنّ هذه اُمتكم امّه واحده**» در بیان اینکه وحدت از صفات امت است؛ «**حبل الله**» در بیان محور وحدت است: «**و اذكروا نعمه الله عليكم إذكنتم أعداء فألّف بين قلوبكم فأصبحتم بنعمته إخوانا و كنتم على شفا حفره من النار فأنقذكم منها**» در یادآوری آثار و برکات وحدت است؛ «**خلقكم من نفْس واحده**» در بیان وحدت اصل خلقت و آفرینش از نفس واحده است؛ «**شرَع لكم من الدّين ما وصّى به نوحا و الذى أوحينا إليك و ما وصّينا به ابراهيم و موسى و عيسى أن أقيموا الدين و لاتتفرقوا فيه**» در بیان وحدت مسیر است و دهها آیات دیگر در باب عدم برتری انسانها بر یکدیگر جز با معیار و ملاک علم، تقوا و جهاد و توکل و توسل به ذات ربوبی و نیز تلاش در تهذیب و تزکیه نفس و عمل به عبادات و نفی هر گونه شرک و الحاد، احساس تکلیف و مسئولیت، مماشات و مدارا، درک ناراحتی و درد دیگران، گفتگو با ادبیات قرآن و حدیث و...، همه اینها از مصادیق خاستگاه وحدت است.

مشخصه‌های تقریب از دیدگاه جنابعالی چیست؟

ما گاهی از وحدت سخن می‌گوییم، گاهی از انسجام و گاهی از تقریب. مقصود ما از تقریب، تقریب اندیشه‌هاست؛ یعنی تقریب بین اندیشه‌های مذاهب اسلامی. تقریب مقدمه تحقق انسجام اسلامی یا وحدت است. این هدف ناظر به موضع گیری‌های عملی است. داعیه انسجام مربوط به موضع گیری‌های عملی همه افراد امت اسلامی نسبت به چالشهای فراروی امت است، چه چالشهای خارجی و چه چالشهای داخلی، مسائل بزرگ امت، مسئله فقر، حقوق بشر، خانواده، اقتصاد و... و مسائل وارداتی (مثل سکولاریسم، جهانی‌سازی، تهاجمات فرهنگی و...)، در مورد همه اینها امت اسلامی باید یک موضع منسجم داشته باشد. مقام معظم رهبری کلمه «انسجام» را به کار برده است؛ زیرا برای تحقق وحدت، راههای گوناگونی وجود دارد؛ اما مهم، انسجام همه این امت در قبال این چالشهاست.

پس منظور ما از وحدت، وحدت موضع گیری‌های عملی است و راهی که این امکان را به وجود می‌آورد، تقریب مذاهب است. در مسئله تقریب، ما این داعیه را نداریم که مذاهب از مواضع خودشان عقب‌نشینی کنند، بلکه همه مذاهب باید با قوت و استدلال و منطق از موضع گیری‌ها و از خطوط اصلی خود دفاع کنند. ما در فراخوانی به تقریب، به عقب‌نشینی دعوت نمی‌کنیم.

اصولاً تقریب در چهار مرحله انجام می‌گیرد: نخست، جستجوی مشترکات است؛ یعنی به این سمت برویم که حوزه مشترک بین مذاهب را کشف کنیم. برخی از محققان مدعی هستند که نود درصد مساحت زندگی مسلمانان، از نظر فکری، تمدنی و رفتاری، مشترک است. گاهی بعضی از محققان این مساحت مشترک را به سطح نود و پنج درصد می‌رسانند و برخی هم حتی بالاتر، حالا ما بیاییم هشتاد و پنج درصد را در نظر بگیریم که این خود مساحت عظیمی است که باید کشف شود. ما با این هدف تقریبا بیست جلد کتاب از روایات مشترک را چاپ کرده‌ایم.

مرحله دوم، مرحله توسعه این دایره است. من احساس می‌کنم که مجال توسعه خیلی باز است، حتی در اصول فقه، نه فقط در فقه و جزئیاتش. در اصول فقه هم اگر همدیگر را خوب بشناسیم، می‌بینیم که خیلی زمینه‌های مشترک وجود دارد. من به عنوان نمونه، به یک مسئله از اصول فقه و یک مورد از حدیث اشاره می‌کنم. درخصوص اصول فقه شما به قیاس توجه کنید. اجتهادها و قیاسهای ما و آنها خیلی به هم نزدیک است. در موارد کمی از قیاسها ما با هم اختلاف داریم. در مسئله استحسان هم همین طور است. اگر تعریفهای استحسان را ببینیم، بعضی از تعریفها را، هم ما و هم اهل سنت رد می‌کنیم، مثل «ما یستحسنه المجتهد بعقله» این را نه اهل سنت قبول دارند، نه ما. برخی‌ها را هم ما قبول داریم و هم آنها: «تقدیم اهم الدلیلین». این یکی از تعاریف استحسان است.

در اجلاس بزرگی در مسقط، این مسئله در مجمع الفقه کنفرانس اسلامی مطرح شد. ما ادله‌مان را بیان کردیم و آنها هم ادله‌شان را. جلسه‌ای طولانی بود. بالاخره بعد از مناقشات زیاد، به یک تعریف مشترک رسیدیم و همه آن را امضا کردند. جا دارد که در اصول فقه که تأثیر زیادی در فقه دارد، ما بحث و گفتگو کنیم و به ایده‌های مشترک برسیم. اگر با این منطق عقلانی برخورد کنیم، می‌توانیم به نتایج مشترک برسیم. پس مرحله دوم، مرحله توسعه این محدوده از راه تفهیم و تفاهم و شناخت موضع گیری‌های دو طرف است.

مرحله سوم، همکاری فی‌مابین همه مذاهب برای تحقق این مشترکات است.

مرحله چهارم، مرحله معذور دانستن است. اگر در یک مساحتی اختلاف باقی ماند، همدیگر را معذور بداریم و بدانیم هرگز نمی‌توانیم اختلاف نظر را از بین ببریم. اختلاف، امری طبیعی است. ما هیچ نصی نداریم که بگوید شما اختلاف نظر نداشته باشید یا اختلاف نظر را مذمت کرده باشد. از تفرقه منع شده، از نزاع منع شده؛ چون اسلام، دینی فطری است و تعالیم قرآن، فطری است. اختلاف نظر، امری طبیعی و فطری است و اسلام هم آن را به رسمیت شناخته است. بیاییم این حسن ظن را داشته باشیم که همه از روی اعتقاد قلبی خودمان، روی مواضع خودمان پافشاری کرده‌ایم، نه از روی عناد و جنگ، همه با هم در آن دایره بزرگ اسلام خواهیم ماند. ما باید به جایی برسیم که همدیگر را معذور بدانیم و بگوییم که من به اینجا رسیدم، شما هم به آنجا رسیدید، هر دو هم می‌خواهیم حقیقت را کشف کنیم. مانعی نیست که هر مذهبی بگوید که من مذهب حق هستم و باید هم این طور بگوید، ولی باید بنشینیم و مشترکات خودمان را به دست بیاوریم.

فایدهٔ تقریب برای مذاهب مختلف چیست؟

شناخت دیگر آرا، به شناخت ما از مذهب خودمان عمق بیشتری می‌دهد. ما حتی برای شناخت مذهب خودمان و ایمان بیشتر به عمق ادله خودمان، باید نظرات دیگران را بدانیم. آنها هم همین طور. اگر انسان بخواهد به راه و خطش مطمئن باشد، باید نظرهای دیگران را هم بشنود. هیچ عالمی نمی‌تواند مجتهد باشد، مگر اینکه آرای دیگران را هم بداند. آیت‌الله بروجردی معتقد بودند که برای شناخت بهتر روایات خودمان، باید روایات یا آرای فقهی اهل سنت را بشناسیم. برخی از روایات ما ناظر به آرای آنهاست و برخی آرای آنها می‌تواند قرینه‌ای باشد که به ما در فهم روایاتمان کمک کند. علامه طباطبایی در جایی می‌فرماید: «آن چیزی که ضروری اسلام است، شهادتین است. بقیه مسائل، ضروری هر فرقه‌ای است، آن هم بنا به تفسیر خودش.»

ما می‌گوییم که ما در اصول یکی هستیم. آنچه چهارچوب امت اسلامی را شکل می‌دهد و مسلمانان بر آن اتفاق دارند، عبارت است از اصول؛ آنچه پذیرفتن آن به معنای ورود به حریم امت است و نپذیرفتن آن به معنای خروج از امت. در این اصول ما مشترک هستیم و اتفاقاً قرآن هم این اصول را معین کرده است: ایمان به خداوند و روز جزا، ایمان به پیغمبر اکرم[(ص)] و ایمان به پیامبران و کتابهای آسمانی و فرشتگان. ما در اصول با هیچ کدام از اهل قبله اختلاف نداریم.

◆◆◆

هدف از تأسیس مجمع جهانی تقریب، ایجاد همکاری میان مذاهب اسلامی در سطح جهان و برگزاری مجالس بحث و مشورتهای علمی و فقهی و نزدیک‌شدن فرق مختلف اسلامی در بُعد فکری به یکدیگر است. با این امر سوءتفاهم برطرف شده و اندیشه‌های تند تعدیل خواهد شد

◆◆◆

امامان و علمای شیعه تا چه حد در پی وحدت و تقریب مسلمین بوده‌اند؟

بدون تردید ائمه علیهم‌السلام نخستین پیروان و رهروان قرآن کریم و احادیث شریف نبوی صلی‌الله علیه وآله وسلم به شمار می‌روند و از آنجا که این دو منبع گرانسنگ، امت اسلامی را امت واحده خوانده و آنان را به وحدت و اخوت، اُلفت و مودت و پرهیز از تفرقه، اختلاف، نزاع، عداوت و خصومت، فراخوانده است، ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز که خود در خط و مسیر قرآن و هادیان جامعه بوده‌اند، به تبع قرآن مجید و احادیث نبوی از نخستین منادیان وحدت و تقریب بوده‌اند. موضع گیری حضرت امیر مؤمنان علی[(ع)] در قبال تحرکات و تحریکات ابوسفیان پس از سقیفه، موضع گیری آن حضرت در زمان خلفا برای تقویت دولت اسلامی، و دهها کلام و گفتار آن حضرت در نهج‌البلاغه در همین راستا، موضع گیری امام زین‌العابدین[(ع)] در باره اهل ثغور، موضع گیری امام محمدباقر[(ع)] در مورد ضرب سکه اسلامی، شیوه تعامل امام صادق[(ع)] با دیگران و... همه مؤید وحدت‌گرایی ائمه اطهار علیهم‌السلام است.

در دهه ۵۰ میلادی هم در «الازهر» و هم در سایر اقطار اسلامی، بزرگان دین و علمای گرانقدر سنی و شیعی سعی وافری در برافراشتن پرچم تقریب داشتند؛ از جمله مرحوم استاد شیخ مراغی، شیخ مصطفی عبدالرزاق، شیخ عبدالمجید سلیم و مفتی اعظم مصر شیخ محمود شلتوت (از اهل سنت)، مرحوم آیت‌الله العظمی شیخ محمدحسین آل کاشف‌الغطاء، دانشمند بزرگ سیدشرف‌الدین موسوی، مرحوم آقای بروجردی، اندیشمند گرانقدر سیدهبه‌الدین شهرستانی و روحانی جلیل آقای شیخ محمدتقی قمی (از علمای شیعه)، طلایه‌دار و پیشتاز حرکت تقریب مذاهب بودند و گامهای مؤثری در این راه برداشتند که هرگز قابل انکار نیست.

مقام معظم رهبری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) در راستای تحقق همین اهداف متعالی، امر به تأسیس «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» فرمودند که به بخشهایی از بیانات ارزشمند معظم له به عنوان فصل الخطاب اشاره می‌کنیم. قبل از تأسیس مجمع تقریب فرمودند: «به منظور ایجاد وحدت و انسجام بیش از پیش میان مسلمانان و نزدیک ساختن مذاهب مختلف اسلامی از طریق بحثهای کلامی و فقهی میان علما و اندیشمندان جهان اسلام، جمهوری اسلامی ایران آماده است دارالتقریب بین المذاهب را تأسیس و میزبان شخصیت‌های علمی اسلامی باشد.» در باب تأسیس مجمع التقریب فرموده‌اند: «هدف از تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در جمهوری اسلامی ایران، ایجاد همکاری میان مذاهب اسلامی در سطح جهان و برگزاری مجالس بحث و مشورتهای علمی و فقهی می‌باشد». در باب هدف از تقریب مذاهب فرموده‌اند: «غرض از تقریب بین مذاهب اسلامی، نزدیک‌شدن فرق مختلف اسلامی در بعد فکری به یکدیگر است و با این امر سوءتفاهم برطرف شده و اندیشه‌های تند تعدیل خواهد شد.»

چگونه می‌توان وحدت‌گرایی را نهادینه کرد؟

همان‌گونه که گفته شد، تمامی مذاهب و ادیان الهی، منادی وحدت بوده و بشریت را به یگانگی و وحدت فراخوانده‌اند، از جمله اسلام که کامل‌ترین ادیان آسمانی است بیش از دیگر ادیان امت خود را به وحدت دعوت کرده است. پیامبر اکرم[(ص)] از نخستین روزهای بعثت، برنامه‌های عملی وحدت را با برپایی نماز جماعت و فراهم و اجرا فرمود که آثار و برکات فراوانی به همراه داشت.

آیین مقدس اسلام، آیین توحید است و به وحدت کلمه توصیه می‌کند، قرآن مجید خطاب به پیامبر[(ص)] می‌گوید: ما به همه انبیا توصیه کردیم که دین را به پا دارند و از تفرّق بپرهیزند. بسیاری از احکام عبادی سیاسی اسلام بر پایه و مبنای وحدت استوار است و با همین وحدت بود که مسلمانان توانستند در کوتاهترین مدت، پرچم مبارک و مقدس توحید را در دیار کفر به اهتزاز درآورند. اکنون نیز اگر مسلمانان بخواهند از توطئه‌های استعمارگران در امان باشند و یکپارچگی و اخوت خود را حفظ کنند، راهی جز وحدت متصور نیست. به ویژه در شرایط و اوضاع و احوال بسیار حساس کنونی که جهان اسلام بیش از هر زمان دیگری به وحدت کلمه و اتحاد امت نیازمند است.

درخصوص نهادینه کردن اندیشه وحدت، راهکارها بسیار است. انجام گفتگوی سازنده با پیروان دیگر مذاهب، ادامه آن، و ترغیب سایرین به این مهم؛ توجه عمیق به سیره و مرام ائمه اطهار[(ع)] در برخورد با پیروان سایر ادیان و آیینها؛ تبیین واقع‌بینانه و بیشتر اهداف والای اسلام و اقتضائات زمان؛ اشاعه بحثهای فقهی، اصولی، فکری مقارن با تکیه بر مشترکات و دوری از مفترقات؛ ارتقای سطح دانش و بینش مسلمانان نسبت به جهان اسلام و چالشهای فراروی آن؛ برخی از این راهکارهاست.

موانع نظری و عملی تقریب چیست؟

موانع تقریب مذاهب چند چیز است: یکی عامل خارجی است. دشمنان امت اسلامی دائماً وارد صحنه شده و مانع نزدیکی مسلمانان شده‌اند. بعد از جنگ ۳۳ روزه لبنان دیدیم که چه فتنه عظیمی را در جهان اسلام راه انداختند و بین شیعه و سنی در عراق و در کشورهای دیگر درگیری به وجود آوردند. ما در اجلاسهای مختلفی حاضر شدیم و تلاش کردیم که بر این فتنه‌ها فائق آییم. مهمترین اجلاس، «اجلاس دوحه» بود که تقریبا فتنه را خاموش کرد.

عامل دوم، شناخت وارونه از همدیگر است. شناخت معکوس خودش عواملی دارد. یکی از این عوامل، مطالعه آرای دیگران از روی کتابهای مخالفان آنها یا هر کسی غیر از خود آنهاست. روابط تاریخی گذشته همواره تأثیرات خود را داشته است.

به هر نحو، شناخت وارونه از همدیگر عامل خیلی مهمی است. برخی‌ها تصور می‌کنند شیعه‌ها فرقه‌ای خارج از اجماع امت هستند، لذا بعضی از آنها به ناحق عقایدی را به شیعه نسبت می‌دهند. یک عالم سنی به من می‌گفت: «همه شما قائل به تحریف قرآن هستید.» گفتم: «از کجا این حرف را می‌زنید؟» گفت: «از کتابی که یکی از اصول شماست.» گفتم: «این کتاب چیست؟» گفت: کتاب «فصل‌الخطاب!» این نوشته جزوه‌ای است که محدث نوری در نجف تهیه کرد و ضربه بزرگی هم به شیعه زد. این را آن عالم سنی به عنوان اصلی از اصول تشیع تلقی می‌کرد! وقتی به او گفتم که علمای ما از گذشته تا آیت‌الله خوئی در رد این مدعا چه گفته و چه نوشته‌اند، گویی او تازه به کشف عظیم و جدیدی رسیده. ما هم گاهی تصور می‌کنیم که مثلاً همه اهل سنت ناصبی و دشمن اهل بیت‌اند. بعضی از روحانیون ما همّ و غمشان فقط مجادله و درگیری با اهل سنت است.

برای پیشبرد تقریب چه باید کرد؟

با اندکی تفکر و تأمل می‌توان دریافت که امروزه استکبار به این واقعیت پی برده که امت اسلامی همه عناصر خیزش و همگرایی را از جمله مکتب انسانی و واقع‌گرا، عناصر مادی و نیروی انسانی، رهبری حقیقی که تجربه پرشکوهی را پشت سر دارد، تأییدات الهی و بنیادهای واقعی وحدت و دهها عنصر دیگر را در خود دارد، و با توجه به اینکه توان تغییر هیچ یک از این عناصر جز وحدت را ندارد، تمام توان و نقشه‌های شوم و توطئه‌های شیطانی خود را با سوءاستفاده از جهل و نادانی و ساده‌اندیشی برخی مسلمانان و تعصب و خشک‌اندیشی بعضی دیگر، متوجه همین عنصر اساسی یعنی وحدت و همگرایی مسلمانان کرده و برای تحقق اهداف پلید خود، از به کارگیری هیچ امکان و ابزاری دریغ نمی‌ورزد. برای تحقق تقریب و انسجام، راهکارهای مختلفی وجود دارد.

به نظر من، امام خمینی[(ره)] همه راهکارها را به کار گرفت. اولا باید تقریب را به فرهنگ عمومی مسلمانان تبدیل کنیم. هر فرد مسلمان باید به دیگر مسلمانان به عنوان برادر نگاه کند. حقوق آنها محترم است، هر چند بین ما اختلاف مذهبی وجود دارد. نگوییم که چون او از فرقه من نیست، پس می‌توانم غیبتش را بکنم، او را کنار بگذارم و... باید فرهنگ تقریب را از علما به توده‌های مسلمان گسترش داد. باید همه آموزشگاهها، دانشگاهها، علما، منبری‌ها، نویسندگان و... این فرهنگ را در ذهن افراد مسلمان جا بیندازند.

یکی دیگر از راهکارها، تعمیق شعائر وحدت‌آفرین است، مثل حج، نمازهای جمعه و جماعت و... لذا امام خمینی[(ره)] مسئله وحدت و مسئله «برائت از مشرکین» را در حج مطرح کرد و این عین هدف انبیاست. بزرگترین هنر امام این بود که بیداری اسلامی را رهبری کرد و رشد و توسعه داد و مقام معظم رهبری هم بر همین تأکید دارند.

آیا ترویج اندیشهٔ‌تقریب را می‌توان در سطوح تحصیلی ابتدایی یا راهنمایی یا دبیرستان و در دروسی که مربوط به تعلیمات دینی است، دنبال کرد؟

این کار ضرورت دارد. من در جلسه‌ای با دست‌اندرکاران آموزش و پرورش گفتم که شما وظیفهٔ بزرگی دارید و باید وحدت را در عمق جان این بچه‌ها جا بیندازید. ما به عکس، خلاف این را در ذهن آنها جا می‌اندازیم و برای او دشمن درست می‌کنیم. باید بگوییم که تو جزو یک امّت بزرگ هستی و باید به همهٔ افراد امّت، به عنوان برادران خود نگاه کنی. به نظرم آموزش و پرورش و آموزش عالی می‌توانند نقش عظیمی را در ایجاد فرهنگ وحدت ایفا کنند. ما روی آیسیسکو، نهاد فرهنگی آموزشی کنفرانس اسلامی کار کردیم. یک شورای عالی وحدت به نام تقریب تشکیل دادند. من هم به عنوان نایب رئیس انتخاب شدم. باید خیلی کار کنیم و ایدهٔ انتقال دادن مسألهٔ تقریب از مرحلهٔ نخبگان به توده‌های مسلمان را دنبال کنیم.

من معتقد هستم که جمهوری اسلامی نقش بزرگی دارد، چه در داخل و چه در خارج. در داخل می‌بینیم که از این روشهای افراطی و خرافاتی جلوگیری می‌کند و جهت گیری‌ها به سمت وحدت است و ارشادات رهبری در این خصوص تعیین‌کننده است، حتی رهبری به کرّات مسألهٔ اهانت به مقدسات را مورد اشاره قرار دادند و فرمودند که از آن بپرهیزید. من معتقدم که حکومت ایران در قبال انسجام در داخل، خیلی کار کرده و در عرصهٔ بین‌المللی هم پرچمدار تقریب و انسجام اسلامی است. البته هنوز ما در اول راه هستیم و راههای ناپیمودهٔ بسیاری را پیش‌رو داریم.

حدیث هفته

از پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمود:

اگر می‌توانید هر روز را نوروز کنید؛ یعنی در راه خدا به یکدیگر هدیه بدهید و با هم پیوند داشته باشید.

دعائم الاسلام

مناجات عارفان

حکیم سنایی غزنوی

ملکا، ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی
نروم جز به همان ره که توام راه نمایی
همه درگاه تو جویم، همه از فضل تو پویم
همه توحید تو گویم، که به توحید سزایی
تو زن و جفت نداری، تو خور و خفت نداری
احد بی زن و جفتی، ملک کامروایی
نه نیازت به ولادت، نه به فرزندت حاجت
تو جلیل الجبروتی، تو نصیر الامرایی
تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی، تو رحیمی
تو نمایندهٔ فضلی، تو سزاوار ثنایی
بری از رنج و گدازی، بری از درد و نیازی
بری از بیم و امیدی، بری از چون و چرایی
بری از خوردن و خفتن، بری از شرک و شبیهی
بری از صورت و رنگی، بری از عیب و خطایی
نتوان وصف تو گفتن، که تو در فهم نگنجی
نتوان شبه تو گفتن، که تو در وهم نیایی
نبُد این خلق و تو بودی، نبوَد خلق و تو باشی
نه بجنبی، نه بگردی، نه بکاهی، نه فزایی
همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی
همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی
همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی
همه بیشی تو بکاهی، همه کمّی تو فزایی
لب و دندان «سنایی» همه توحید تو گوید
مگر از آتش دوزخ بوَدش روی رهایی

***

وحشی بافقی

الهی، سینه‌ای ده آتش‌افروز
در آن سینه دلی، وان دل همه سوز
هر آن‌دل‌را‌که‌سوزی‌نیست،دل‌نیست
دل افسرده غیر از آب و گل نیست
دلم پر شعله گردان، سینه پردود
زبانم کن به گفتن آتش‌آلود
کرامت کن درونی دردپروَرْد
دلی در وی درون درد و برون درد
به سوزی ده کلامم را روایی
کز آن گرمی کند آتش گدایی
دلم را داغ عشقی بر جبین نهْ
زبانم را بیانی آتشین ده
سخن کز سوز دل تابی ندارد
چکد گر آب از او، آبی ندارد
دلی افسرده دارم سخت بی‌نور
چراغی زو به غایت روشنی دور
بده گرمی دل افسرده‌ام را
فروزان کن چراغ مرده‌ام را
ندارد راه فکرم روشنایی
ز لطفت پرتوی دارم گدایی
اگر لطف تو نبوَد پرتوانداز
کجا فکر و کجا گنجینهٔ راز؟
ز گنج راز در هر کنج سینه
نهاده خازن تو صد دفینه
ولی لطف تو گر نبوَد، به صد رنج
پشیزی کس نیابد ز آن‌همه گنج
چو در هر کنج، صد گنجینه داری
نمی‌خواهم که نومیدم گذاری
به راه این امید پیچ در پیچ
مرا لطف تو می‌باید، دگر هیچ

معرفی نشریه

زمان و تاریخ

(پژوهشی در زمینه تاریخ‌شناسی و تاریخ‌نگاری اسلامی)
نویسنده: رضوان سلیم
مترجم: عبدالله ناصری طاهری و لیلا خسروی
ناشر: کتاب توت
چاپ اول: ۱۳۹۰
۲٤٤ ص ـ ٤۸۰۰تومان

کتاب حاضر حاصل قلم استاد فلسفه و دانشگاه رباط (مغرب) است که در حوزه مفاهیم بنیادی علم تاریخ اسلام یا تاریخ‌نگاری اسلامی به نگارش درآمده و با عنوان «نظام الزمان العربی، دراسه فی التاریخیات العربیه ـ الاسلامیه» در سال ۲۰۰٦م در بیروت چاپ شده است.

بحث او در این کتاب، «زمان تاریخی» است. به عبارت دقیق‌تر، او در این کتاب مفهوم زمان را در اندیشه تاریخ‌نگاران مسلمان بررسی می‌کند؛ البته نه آن گونه که فلاسفه، منطقیون و فیزیک‌دانان درباره‌اش سخن می‌گویند.

رضوان سلیم معتقد است مورخان همواره با مشکل زمان روبرو بوده‌اند و حجم انبوه و متنوع آثار تاریخی آنها نتوانسته است آگاهی یا خودآگاهی تاریخی منسجمی را ارائه دهد. آنها نیز نتوانسته‌اند مفهومی روشنمند برای زمان بیان کنند؛ مفهومی که به کمک آن گذشته فهمیده، حال درک و آینده پیش‌بینی شود. به همین دلیل مورخان مسلمان هنگام تدوین اخبار به ترکیب چندزمان رو می‌آورند.

این نویسنده مغربی با این باور که دو نگاه دینی و دنیوی در تدوین تاریخ اسلامی ظهور کرده، می‌نویسد: «نگاه دینی به تدوین اخبار انبیا و آفرینش انسان، و نگاه دنیوی به ثبت اخبار حکومتها و دولتها می‌پردازد.» رضوان سلیم نمی‌خواهد آنچه را که تا به حال در زمینه ارتباط میان زمان و تاریخ مطرح شده است، تکرار کند، بلکه تلاش می‌کند تا مفهوم زمان را از خلال متون تاریخی مورخان مسلمان استخراج کند.

تاریخ‌نگری، پیامبری، هویتها، امور سیاسی، امورمذهبی، مباحث حکمی و امور غیبی عناوین هفت‌گانه فصلهای این کتاب است.

مشکوة

فصلنامه علمی / ترویجی «مشکوة» به شماره ۱۱٦ رسید. در این شماره مطالب زیر به چاپ رسیده است: بازخوانی سوره مسد (تبّت) اعلام بیزاری از پیروان ابولهب در زمان ما / دکتر محمد مهدی رکنی یزدی، گوساله‌ای دیگر از سامری / حمیدرضا آژیر، بررسی افزوده‌های تفسیری برخی از آیات سوره کهف و مریم در ترجمه‌های معاصر / دکتر مهدی ایزدی، باب‌الله محمدی نبی کندی، جلوه‌هایی از شجاعت امام رضا عالم آل محمد[(ع)] / دکتر امیر سلمانی رحیمی، تحلیل زیبایی شناختی بر سخن حضرت زینب[(ع)] «مارأیت الاجمیلا» / فاطمه شفیعی، آرزو پایدارفرد، وضعیت تفاسیر شیعی در هند / دکتر سید مصطفی احمدزاده، سیرو سلوک از دیدگاه فیض کاشانی و ابوحامد غزالی / علی اکبر چناری، پایه شمعدان دارالشفاء امام رضا[(ع)] در دوره صفوی / حشمت کفیلی، پیش همایش فرهنگ مجاوری و زائرپذیری / علی سکندری، نشست علمی درباره روشهای تعیین جهت قبله و اوقات شرعی / دکتر نسرین احمدیان شالچی.

در یکی از مقالات این سشماره با عنوان « تحلیل زیبایی شناختی بر سخن حضرت زینب[(ع)]» می‌خوانیم: «از بارزترین نمونه‌های تجلی عزت نفس در مصائب و سختی‌های تاریخ زینب کبری[(س)] است که در صف‌عاشقان حقیقت در عرصه عاشورا درخشید و با زبان برندهٔ خویش با دشمنان جنگید و قهرمانی شد که‌نهضت حسینی را با عزت و اقتدار به سر منزل مقصود رساند و لقب «شریکة الحسین» گرفت. او علی گونه و زهراوار از امامت و ولایت پاسداری کرد و پیام انقلاب و شهادت با سرافرازی برادر را سر داد و طبل رسوایی حکومت پلید اموی را که با تبلیغات دامنه‌دار بر ضد اهل بیت قصد استمرار حکومت بر مسلمانان را داشتند، به صدا درآورد؛ آن چنان که بشیربن خزیم گفته است: «آهنگ، کلام و بیان زینب همچون آهنگ و شیوه پدرش علی بود.» گویی پس از سالها بازعلی ایستاده است و سخن می‌گوید و همین‌جاست که یکی از معانی نام نیکوی ایشان را به اصل آن، یعنی درخت نیکومنظر برگردانده‌اند...»

نشریه«مشکوة»سی‌ویکمین سال انتشارش را می‌گذراند و بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، صاحب امتیازی و دکتر محمد محمدی رکنی یزدی، مدیرمسئولی و سردبیری آن را برعهده دارند.

سایه خشکسالی بر فراز پایتخت

تهران در پاییزی که گذشت و زمستانی که در حال سپری شدن است، نسبت به مدت مشابه در ۴۰ سال گذشته ۵/۱ درجه گرمتر بود و میزان بارندگی درآن نسبت به پارسال ۷۵ درصد کاهش داشت.

در سال های اخیر ایران هم به مانند بسیاری از کشورها با تغییراقلیم و شرایط جوی مواجه شده است. به طوریکه مردم گاهی درچله زمستان، هوای بهاری یا حتی گرمای تابستان را تجربه می‌کنند. تغییر اقلیم به معنای ایجاد پدیده های آب و هوایی گذرا و کوتاه مدت نیست و شامل تغییر در شاخصه های اقلیمی برخلاف شرایط متوسط است. در حقیقت به دگرگونی در اقلیم جهانی زمین یا اقلیم های منطقه ای در طول زمان اشاره می کند.

این تغییرات ممکن است از فرآیندهای درونی زمین حاصل شوند یا به وسیله نیروهای خارجی مانند تغییرات شدت تابش آفتاب پدید آیند یا همانند آنچه در سال های اخیر رخ داده از طریق فعالیت های انسانی پدید آیند. این موضوع با توجه به روند گسترده شهرنشینی و خطرات ناشی از تغییرات آب و هوایی از اهمیت خاصی برخوردار است و توجه مسئولان را به گرم شدن زمین و در نظر گرفتن تمهیدات لازم در این زمینه می طلبد.

در این زمینه معاون پژوهشی پژوهشکده هواشناسی و علوم جو می گوید: دمای هوای کشور در زمستان امسال نسبت به میانگین بلند مدت (۳۰ سال گذشته) ۱/ ۵ تا دو درجه بیشتر (گرمتر) شده است.

مجید آزادی می افزاید: در مجموع افزایش دما و گرم شدن زمین در دنیا یک سیر صعودی دارد، البته دو درجه گرمتر شدن هوا در زمستان، نوسان طبیعی را نشان می دهد و در علوم جوی از آن به عنوان تغییرپذیری طبیعی یاد می شود.

با این وجود بطور کلی زمستان امسال نسبت به میانگین بلند مدت در کشور (۳۰ سال گذشته) حدود ۲۵ درصد کاهش بارندگی بوده است . اگر چه خوشبختانه میزان بارندگی در پاییز امسال نسبت به میانگین بلند مدت حدود ۴۰ درصد افزایش داشته که باعث جبران کاهش بارندگی در سال زراعی شده است.

علیرغم اینها ،چند سالی است که بارش برف، درست کردن آدم برفی و تعطیلی مدارس به خاطر یخ زدگی معابر در زمستان جزو آرزوهای کودکان برخی شهرها شده است. این موضوع بر اساس داده های سازمان هواشناسی مبنی بر افزایش دمای پایتخت نسبت به شرایط نرمال به خوبی مشهود است. افزایش دمایی که اثرات بسیار زیادی در اقلیم پایتخت دارد و تغییر شکل بارندگی از برف به باران از آشکارترین تبعات آن است.

آنطور که مشاور امور پیش‌بینی سازمان هواشناسی در این باره می گوید: از ابتدای مهر امسال تا کنون میزان بارندگی در کل کشور با ۳ درصد افزایش نسبت به میانگین بلند مدت در حد نرمال بوده است.

به گفته پرویز رضا زاده، در این مدت میانگین دمای کشور نسبت به ۴۰ سال گذشته حدود ۱/۵ درجه افزایش داشته که به همین دلیل بارش ها در بیشتر نقاط کشور به صورت باران و نه برف بوده است.

وی اضافه می کند: اگرچه میانگین بارندگی در پایتخت در این مدت نسبت به شرایط نرمال ۱۲ درصد افزایش داشته ،اما این میزان نسبت به پارسال ۷۵ درصد کاهش داشته است و از آنجایی که میانگین دما در تهران نسبت به دمای ۴۰ سال گذشته حدود ۱/۵ درجه و نسبت به پارسال۰/۵ درجه افزایش داشته ،بنابراین امسال بارش ها بیشتر به صورت باران بوده و برف فقط در ارتفاعات پایتخت بارید.

چندی پیش هم دکتر عباس رنجبر رئیس گروه خشکسالی پژوهشکده هواشناسی از کاهش ۸۳ درصدی میزان بارندگی از ابتدای مهر تا پایان دی در پایتخت نسبت به سال ۹۰ خبر داده و گفته بود: در این مدت میانگین بارندگی در پایتخت معادل ۱۳۳/۳ میلیمتر بوده که نسبت به مدت مشابه در سال گذشته با متوسط بارندگی معادل ۲۳۵/۷میلیمتر ۸۳درصد کاهش داشته است.

به گفته وی، میانگین بلندمدت بارندگی در تهران در این مدت برابر ۱۲۴/۱میلیمتر است. بنابراین بارندگی پایتخت امسال در مدت مشابه نسبت به میانگین بلند مدت ۷درصد افزایش داشته است.

میانگین بارندگی سال گذشته در تهران در این مدت دو برابر متوسط بلندمدت بوده است. امسال میزان بارندگی در فصل پاییز در اقصی نقاط کشور مناسب بود. اما در دی و هفته اول بهمن بارندگی خوبی در هیچ جای کشور ثبت نشده است.

در این میان خسرو ارتقایی مدیرعامل شرکت آب منطقه ای تهران با اشاره به وضع بارش ها در سال آبی جاری می گوید:از ابتدای سال آبی جاری (مهر) تاکنون حدود ۱۲۵میلیمتر بارندگی در حوزه عملکرد شرکت ثبت شده است،در حالی که در مدت مشابه پارسال این میزان ۲۱۰ میلیمتر بود که در نتیجه بارش های امسال حدود ۴۰درصد کاهش نشان می دهد. همچنین ۱۰۰میلیون مترمکعب آب مخازن سدهای تهران کاهش یافته است و چنانچه در روزهای باقیمانده سال، بارندگی های مناسبی نداشته باشیم ،مخازن آبی و ذخایر استراتژیک استان در پایان سال دچار نقصان خواهد شد.

امروزه کشورهای پیشرفته جهان فعالیت های گسترده علمی و عملی را برای شناخت اثرات گوناگون شهرها بر ویژگی های اقلیم پیرامونی دنبال کرده اند و این مساله به عنوان یکی از مهمترین چالش های شهرنشینی در قرن بیست و یکم مورد توجه فراوان قرار گرفته است، چرا که افزایش دما و کاهش بارش ها که ناشی از تغییرات آب و هوایی هستند، می توانند شرایط لازم را برای گسترش بیماری‌ها فراهم کنند.

بر همین اساس، برخی بیماری‌های انتقالی تحت تاثیر تغییرات آب و هوا و دماهای بالاتر قرار می گیرند.

این در حالی است که در کشور ما هنوز موضوع تغییر اقلیم شهری باتوجه به روند گسترده شهرنشینی و مصرف بیش از اندازه سوخت‌های فسیلی و تهدیدکننده محیط زیست آنچنان که باید شناخته شده نیست و تحقیقات علمی شایانی متناسب با شرایط بومی و ویژگی های متنوع جغرافیایی آن انجام نگرفته است.

حال با توجه به اینکه امسال زمستانی گرم نصیب شهروندان ایرانی به خصوص تهرانی شده زمستانی که اگرچه دردوره بلندمدت چند مرتبه دیگر تکرار شده، اما دست کم درسال های اخیر بی سابقه بوده؛ به نظر می‌رسد این بار مسئولان باید واقعا آستین ها را بالا بزنند.

نگاهی به برنامه های صادراتی گاز

براساس قراردادهای صادرات گاز، ایران تا سال ۹۵ سالانه ۳۵ میلیارد متر مکعب گاز را به کشورهای جهان صادر می کند.

به گزارش فارس ،هم اکنون ایران سالانه ۸ میلیارد مترمکعب گاز صادر می کند که با توجه به تفاهم‌های انجام شده با کشورهای دیگر از جمله پاکستان و عراق و برخی کشورهای حوزه خلیج فارس، تراز تجاری صادرات گاز ایران در سال ۱۳۹۵ به بیش از ۳۵ میلیارد مترمکعب خواهد رسید.

هم اکنون ایران روزانه حدود ۳۰ میلیون متر مکعب گاز طبیعی به ترکیه صادر می کند که حجم سالانه این صادرات براساس قرارداد ایران با شرکت بوتاش ترکیه سالانه ۱۰ میلیارد متر مکعب است.

به گفته جواد اوجی مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران قرار است روزانه ۵ میلیون متر مکعب به حجم صادرات کنونی افزوده شود.

از طرفی براساس قرار داد خط لوله صلح ، تاپایان سال ۲۰۱۴ میلادی، ایران باید گاز خود را به کشور پاکستان صادر کند که پس از آن هم این گاز به هند، چند کشور جنوب شرقی آسیا و چین صادر خواهد شد.

براین اساس در مذاکرات اولیه با کشور پاکستان مشخص شده است که ایران باید روزانه ۲۵ میلیون متر مکعب گاز به این کشور صادر کند که به گفته مدیر عامل شرکت ملی گاز ایران براساس توافقاتی که صورت گرفته است، حجم صادرات گاز به پاکستان افزایش یافته و قرار است ایران روزانه ۳۰ میلیون متر مکعب گاز به این کشور صادر کند.

بنابراین گزارش ، ایران علاوه بر صادرات گاز،عملیات تهاتر و سوآپ گاز را هم انجام می دهد، به طوری که به ازای دریافت هر ۳ کیلووات برق از کشور ارمنستان، یک هزار متر مکعب گاز تهاتر کرده که قرار است حجم این تهاتر به سالانه ۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون متر مکعب برسد. بابت عملیات سوآپ گاز هم باید گفت ایران روزانه حدود ۲ میلیون متر مکعب گاز را از جمهوری آذربایجان دریافت کرده و به ازای آن گاز خود را به نخجوان ارسال می کند.

براین اساس تمام قرار دادهایی که در مرحله اجرا است، همین حجم صادرات گاز است که در بالا به آن اشاره شد و مجموع آن تا برنامه تکلیفی وزارت نفت فاصله زیادی دارد.

براین اساس ایران همچنین در حال مذاکره و انعقاد قراردادهای جدید صادرات گاز است که بارزترین این قراردادها که قرار است به زودی به مرحله اجرا درآید، صادرات گاز ایران تا ۱۸ ماه آینده به کشور عراق است.براساس مذاکرات انجام شده ایران روزانه ۲۵ میلیون متر مکعب گاز به این کشور صادر خواهد کرد و در مراحل بعدی این گاز صادراتی به کشور سوریه، لبنان و همچنین از طریق دریای مدیترانه به کشورهای اروپایی صادر می شود.

از طرفی ایران در حال مذاکره با چند کشور اروپایی مانند سوئیس و یونان برای صادرات گاز خود به این کشورها است . براساس این گزارش همچنین در برنامه پنج ساله شرکت ملی گاز آمده است که باید تا پایان سال ۹۴ گاز ایران به کشورهای کویت عمان، بحرین و امارات هم صادر شود.

تولید فولادخام به روایت آمار

تولید فولاد خام در سال ۲۰۱۲ به ۱،۵۴۸ میلیون تن رسید که نسبت به سال ۲۰۱۱ رشد ۱،۲ درصدی به همراه داشته است.

به گزارش فارس به نقل از شرکت بورس کالای ایران ، در جدیدترین گزارش منتشر شده در اواخر ماه ژانویه ۲۰۱۲، تولید سالانه فولاد خام در سال ۲۰۱۲، در قاره آسیا ۱،۰۱۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تن بوده است که در مقایسه با سال ۲۰۱۱ ، رشدی ۲،۶ درصدی داشته است.

این رقم به عنوان یک رکورد برای تولید فولاد خام در سطح جهانی محسوب می‌شود و منشاء اصلی این رشد را بایستی آسیا و آمریکای شمالی دانست، درحالی که در اتحادیه اروپا و عربستان در سال ۲۰۱۲ شاهد روند نزولی تولید فولاد خام نسبت به سال ۲۰۱۱ بوده‌ایم.

سهم این منطقه از کل تولید فولاد خام در جهان از ۶۴،۵ درصد در سال ۲۰۱۱ به ۶۵،۴ درصد در سال ۲۰۱۲ رسیده است.

تولید فولاد خام در چین طی سال ۲۰۱۲ به ۷۱۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تن رسیده است که نسبت به سال ۲۰۱۱ میلادی به میزان ۳،۱ درصد رشد داشته است.سهم چین از تولید فولاد جهانی از ۴۵،۴ درصد در سال ۲۰۱۱ به ۴۶،۳ درصد در سال ۲۰۱۲ افزایش یافته است.

ژاپن هم با تولید ۱۰۷،۲ میلیون تن فولاد خام در سال ۲۰۱۲ ، با ۰،۳درصد کاهش همراه بوده است.سال ۲۰۱۲ همچنین برای کره جنوبی سال رشد بوده است، به طوری که تولید فولاد خام در این کشور با ۱،۲ درصد رشد به ۶۹ میلیون و ۳۰۰ هزار تن رسیده است.

در این میان باید گفت:وضع تولید فولاد خام در اتحادیه اروپا، چندان رضایت بخش نبوده است. به طوری که تولید فولاد خام در کشورهای عضو نسبت به سال ۲۰۱۱ در مجموع با ۴،۷ درصد کاهش همراه بوده و مجموع تولید فولاد خام کشورهای عضو به ۱۶۹ میلیون و ۴۰۰ هزار تن رسیده است.

در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا، آلمان با تولید ۴۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تن فولاد خام در سال ۲۰۱۲، کاهشی ۳،۷ درصدی را نسبت به سال ۲۰۱۱ میلادی تجربه کرد.همچنین ایتالیا با تولید ۲۷ میلیون و ۲۰۰ هزار تن فولاد خام در سال ۲۰۱۲، شاهد افول ۵،۲ درصدی سطح تولیدات خود در این زمینه نسبت به سال ۲۰۱۱ بوده است.

در این سال در فرانسه تولید فولاد خام با ۱،۱ درصد کاهش به ۱۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تن رسید و اسپانیا هم کاهشی ۱۲،۱ درصدی را تجربه کرد که باعث شد، میزان تولید فولاد خام این کشور در سال ۲۰۱۲ میلادی به ۱۳ میلیون و ۶۰۰ هزار تن برسد.

باید اشاره داشت:در سال ۲۰۱۲، تولید فولاد خام در آمریکای شمالی ۱۲۱ میلیون و ۹۰۰ هزار تن بوده است که در مقایسه با سال ۲۰۱۱ شاهد رشد ۲،۵ درصدی بوده‌ایم.به طوری که ایالات متحده در سال ۲۰۱۲ موفق به تولید ۸۸ میلیون و ۶۰۰ هزار تن فولاد خام شد که نشان دهنده رشد ۲،۵ درصدی این کشور است.

در اینجا باید گفت:تولید فولاد خام در ایران هم در سال ۲۰۱۲ میلادی به ۱۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تن رسیدکه نسبت به سال ۲۰۱۱ میلادی با رشدی ۹،۶ درصدی همراه بوده است.

از سوی دیگر کشورهای مشترک المنافع حوزه CIS، شاهد کاهش ۱،۲ درصدی تولید فولاد خام در سال ۲۰۱۲ بوده اند که باعث شده است مجموع تولید فولاد خام در این کشورها به ۱۱۱ میلیون و ۳۰۰ هزار تن برسد.روسیه هم در سال ۲۰۱۲ موفق به تولید ۶۸ میلیون و ۹۰۰ هزار تن فولاد خام شده است که نسبت به سال ۲۰۱۱، رشدی ۲،۵ درصدی را به همراه داشته است.همچنین در اوکراین ، حجم تولید فولاد خام با ۶،۹ درصد کاهش به ۳۲ میلیون و ۹۰۰هزار تن رسید.

بر همین اساس، دراین سال ، تولید فولاد خام در آمریکای جنوبی با ۳ درصد افت نسبت به سال ۲۰۱۱ به ۴۶ میلیون و ۹۰۰ هزار تن رسیده است و برزیل هم با ۱،۵ درصد کاهش حجم تولید فولاد خام در سال ۲۰۱۲ نسبت به سال ۲۰۱۱، در فهرست کشورهایی قرار گرفت که روند نزولی حجم تولید فولاد خام را تجربه کرد.در دسامبر سال ۲۰۱۲، مجموع تولید فولاد خام در ۶۲ کشور گزارش کننده تولیدات خود به انجمن جهانی فولاد، به میزان ۱۲۱،۳ میلیون تن بوده است که نسبت به ماه دسامبر سال ۲۰۱۱ رشدی ۲،۴ درصدی را به همراه داشته است.

همچنین استفاده از ظرفیت تولید فولاد خام در ۶۲ کشور گزارش‌دهنده در دسامبر ۲۰۱۲ از ۷۶،۱ درصد در نوامبر سال ۲۰۱۱ به ۷۳،۲ درصد کاهش یافته است.

نسبت بهره‌برداری از ظرفیت تولید فولاد خام در سال ۲۰۱۲ به میزان ۷۸،۸ درصد بوده است، در حالی که در سال ۲۰۱۱، این رقم ۷۸،۸ درصد بوده است.

وقتی استراتژی توسعه صنعتی نداریم

یکی از چالش های اساسی در اقتصاد کشور نبود نگاه و برنامه جامع در بخش صنعت است ، به طوری که بیش از ۳۰ سال از پیروزی انقلاب می گذرد، ولی هنوز برنامه استراتژی توسعه صنعتی نداریم.

این در حالی است که امروزه واحدهای تولیدی ما با مشکلات فراوانی مواجه هستند و آنچه ناخواسته بوده، ایجاد محدودیت هایی است که سایرین برای اقتصاد ما ایجاد کردند و آنچه خواسته بوده، نبود اقتصادی با نگاه به آینده و برنامه است.

باید خاطرنشان کرد: در حالی که بیش از ۳۰ سال از پیروزی انقلاب می گذرد، ولی هنوز برنامه استراتژی توسعه صنعتی نداریم؛ اگرچه همه دولت های بعد از انقلاب استراتژیست بوده اند و برنامه هایی را طراحی کردند ولی هنوز این برنامه ها تمام نشده دولت بعدی آمده، در نتیجه یک استراتژی صنعتی در کشور وجود ندارد و نتیجه این می شود که در بحث تولید و صنعت بطئی حرکت می کنیم و امروز شهرک های صنعتی با واحدهای صنعتی متعدد داریم که با ظرفیت پایین کار می کنند.

هرچندباید گفت بخشی از محدودیت های موجود به دلیل تحریم‌ها است، ولی بخش عمده مشکلات به بی برنامگی در بخش صنعتی و تولید ارتباط دارد. به عنوان نمونه ظرفیت تولید رب گوجه فرنگی کشور بیشتر از میزان تولید گوجه فرنگی است و این موضوع نشان می دهد که بدون مطالعه واحدهای متعدد در کشور ایجاد شده، در حالی که ظرفیت پذیرش در کشور وجود نداشته است.

نتیجه این سیاست این است که واحدهای صنعتی با ظرفیت پایین تر از توانشان کار می کنند و از طرفی قیمت تمام شده هم بالاتر می رود و واحدهای صنعتی با مشکلاتی مواجه می شوند.

در عین حال باید اشاره داشت در حال حاضر همچنین علاوه بر اینکه در شهرک های صنعتی تعدادزیادی واحدهای به بهره برداری نرسیده یا نیمه تمام داریم که همه اینها به دلیل نبود استراتژی است، در مکان یابی استقرار صنایع هم مشکلاتی وجود دارد. به عنوان نمونه باید ببینیم در شهر قزوین مزیت توسعه صنعتی در چه رشته هایی است ولی این امر مدنظر قرار نگرفته است که البته همه اینها به دلیل نبود استراتژی است،

نائب رئیس اتاق بازرگانی ایران می گوید: اگر ما نتوانیم ساختار معیوب را ترمیم کنیم، بسیاری از کارهایی که انجام می دهیم بی فایده است و لازمه این اصلاح ساختار وجود استراتژی مناسب است.

برنامه های سال ۹۲ سازمان خصوصی سازی

رییس سازمان خصوصی سازی واگذاری طرح های نیمه تمام و معادن را از اهم برنامه های این سازمان برای سال ۱۳۹۲ بیان کرد.

رحیم احمدونددر گفتگو با ایرنا، درباره برنامه های این سازمان برای سال آتی ، افزود: برای واگذاری طرح های نیمه تمام دستورالعملی تدوین شده و بر همین اساس مشوق های مناسبی پیش بینی شده است.

وی با بیان اینکه بخش خصوصی در صورت قبول طرح ها می‌تواند از منابع صندوق توسعه ملی هم استفاده کند، اظهار امیدواری کرد، این طرح ها با مدیریت بخش خصوصی و منابع کشور هر چه سریعتر به بهره برداری و تولید برسد.

احمدوند، مصوبه مجلس شورای اسلامی و موافقت مقام معظم رهبری را از شروط خروج شرکت های مشمول از واگذاری دانست و گفت: در غیر این صورت شرکت ها فقط می توانند زمان واگذاری را تغییر دهند.

وی با بیان اینکه ، هلدینگ خلیج فارس نقش تعیین کننده ای در حوزه پتروشیمی و اقتصاد دارد، اظهار داشت: واگذاری هلدینگ علاوه بر آنکه در جمع آوری سرمایه ها نقش دارد، در بکارگیری آنها در ساختار اقتصاد کلان کشور نیز موثر است.

به گفته وی ،۵ درصد هلدینگ خلیج فارس برای کشف قیمت عرضه می شود و در صورتی که عرضه هابه صورت بلوکی باشد و سهم دولت به کمتر از ۵۰ درصد برسد دیگر در بودجه دیده نمی شود. احمدوند افزود: تلاش می شود در سال جاری عرضه سهام هلدینگ صورت گیرد، ضمن اینکه حدود ۲۰ درصد از واگذاری ها مربوط به حوزه نفت است.

رییس سازمان خصوصی سازی تصریح کرد: این سازمان اقدامات لازم را بر اساس تصمیمات بودجه سال آینده اتخاذ می کند، ضمن آنکه تلاش براین است با همکاری سایر دستگاه ها مابقی واگذاری ها انجام شود.وی همچنین درباره پرداخت سود سهام عدالت به ۹۰۰ هزار مشمول گفت: با مصوبه هیات وزیران مقرر شد، مشمولانی که در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ موفق به دریافت سود سهام عدالت خود نشده اند، سود سهام عدالت خود را دریافت کنند.

احمدوند تصریح کرد: اسامی افرادی که سود خود را دریافت نکرده اند، به تفکیک استان ها در حال استخراج است و قرار است اطلاعات به سازمان های امور اقتصادی و دارایی استان ها اعلام شود.

وی گفت: اگر این افراد باز هم برای دریافت سود مراجعه نکنند، سودشان بابت اقساط به خزانه واریز می شود.

وی با بیان اینکه ۸۵ درصد بودجه مصوب مجلس شورای اسلامی برای خصوصی سازی در سال جاری محقق شده است، گفت: بر اساس تصمیم مجلس، مقرر شد در سال جاری شش هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان نقد از محل خصوصی سازی به خزانه واریز شود که تاکنون ۵ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان آن تحقق یافته است.

گفتنی اینکه هیات واگذاری در آخرین جلسه در مورد واگذاری سهام ۱۱ شرکت دولتی تصمیم گیری کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه(سنا)؛ در جلسه هیات واگذاری که با حضور اعضا در وزارت امور اقتصادی و دارایی تشکیل شد، قیمت پایه و شرایط واگذاری سه شرکت زیر مجموعه شرکت مادر تخصصی توانیر شامل ۱۰۰ درصد سهام شرکت تولید نیروی برق سهند بابت رد دیون دولت به بانک ملی به صورت نقد و اقساط از طریق فرابورس؛ ۱۰۰ درصد ارزش نیروگاه شهید مفتح برای عرضه از طریق مزایده به صورت نقد و اقساط و ۴۰ درصد سهام شرکت مدیریت تولید برق شهید مفتح از طریق مزایده به صورت نقد به تصویب رسید.

در این جلسه با قیمت پایه و شرایط واگذاری ۱۰۰ درصد ارزش نیروگاه سیکل ترکیبی جهرم بابت رد دیون به بانک ها از طریق مزایده و ۱۰۰ درصد سهام شرکت تولید نیروی برق خلیج فارس بابت رد دیون دولت به سازمان تامین اجتماعی از طریق فرابورس(هر دو از شرکتهای زیرمجموعه شرکت مادر تخصصی توانیر به صورت نقد و اقساط) موافقت شد و اعضا رای به واگذاری ۱۷ درصد سهام شرکت عمران و مسکن سازان استان سمنان از شرکت های زیر مجموعه شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران برای واگذاری از طریق مزایده به صورت نقد دادند.

موافقت با افزایش سرمایه

مجمع عمومی فوق العاده شرکت سرمایه گذاری پارس آریان با حضور بیش از ۹۰ درصد صاحبان سهام این شرکت با دستور افزایش سرمایه از ۸۲۸۰ میلیارد ریال به ۱۲۴۲۰ میلیارد ریال تشکیل جلسه داد.

به گزارش ایسنا در ابتدای جلسه امین تفرشی مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری پارس آریان گزارشی از فعالیت‌های این شرکت را ارایه کرد.مدیر عامل شرکت سرمایه گذاری پارس آریان در ادامه با اعلام اینکه آخرین افزایش سرمایه شرکت پارس آریان در سال ۸۹ انجام پذیرفته است، افزود: در مجمع عمومی فوق العاده تیر سال جاری به طور کامل دلایل افزایش سرمایه برای سهامداران تشریح و در شهریور سال جاری کلید خورد و از آن زمان بدین سو ما در حال مذاکره با سازمان بورس و اوراق بهادار برای دریافت مجوز های لازم در این زمینه بودیم تا اینکه موفق به اخذ مجوز لازم شدیم و مجمع برای تصویب این افزایش سرمایه برگزار شده است .

تغییر ۷ عضو هیات مدیره

آخرین تحولات دو شرکت سایپا و سرمایه‌گذاری سایپا با تغییرات ناگهانی همراه شد و هفت عضو این دو شرکت بورسی تغییر کرد، اما مدنی همچنان مدیرعامل است.

به گزارش فارس، در شرایطی که روند نزولی سهام شرکت سایپا در هفته اخیر تکرار شده، این شرکت بزرگ بورسی بازهم با تغییر و تحول در هیات مدیره مواجه شده است.

این درحالی است که هیات مدیره سایپا طی روزهای آینده در مورد مدیرعامل و ارکان هیات مدیره تصمیم‌گیری و اعلام نظر می‌کند. این حکم به تاریخ اول اسفند موجود بوده و اسناد مربوطه هم وجود دارد.آخرین پیگیری ها از تحولات این شرکت بزرگ خودرو ساز حکایت از آن دارد که زبرجد از مدیرعاملی سرمایه گذاری کارکنان گروه خودروسازی سایپا کنار گذاشته شده است.

انتشار اوراق سلف نفتی برای عرضه نفت خام

مدیرعامل بورس انرژی علی‌رغم اظهار نظر صریح مدیرعامل شرکت ملی نفت درباره تلاش برای‌راه‌اندازی بورس مستقل نفت، موافقت شرکت ملی نفت با عرضه اوراق کاغذی سلف موازی در بورس انرژی را نشانه موافقت نفت برای عرضه نفت خام در بورس انرژی دانست.

شاپور محمدی در گفتگو با فارس با بیان اینکه برق در اولین روز راه‌اندازی بورس انرژی عرضه و مبادله شد و در روزهای آینده نیز این عرضه ادامه می‌یابد، گفت: وزارت نفت و شرکت‌های زیرمجموعه شرکت ملی نفت در جمع سهامداران بورس انرژی حضور دارند.

وی تصریح کرد: در هیچ جای دنیا و در هیچ بورس سهام مدیریتی در اختیار خریدار و فروشنده نیست و این مسأله نیز یک قاعده است،اما اعضای هیات مدیره فعلی بورس انرژی هم می‌تواند تغییر کند و هیچ محدودیتی برای حضور نفتی‌ها در هیئت مدیره وجود ندارد.

مدیرعامل بورس انرژی تاکید کرد: آقای قلعه‌بانی مدیرعامل شرکت ملی نفت با پذیرش عرصه اوراق سلف نفتی در بورس انرژی به نوعی موافقت خود را با عرضه نفت خام در بورس انرژی اعلام کرده‌اند. این مهر تأیید تمایل وزارت نفت به این بازار است و امیدواریم در آینده عرضه نفت خام در بورس انرژی اتفاق بیفتد.

وی در باره تمایل نفتی‌ها برای راه‌اندازی بورس مستقل نفت خام گفت: سازمان بورس روی تمایل خود درباره عرضه نفت خام در بورس انرژی یا غیر آن تصمیم‌گیری خواهد کرد.

به گزارش فارس، راه‌اندازی بورس انرژی با شرایط چراغ خاموش و البته بی‌توجهی نفتی‌ها باعث بازماندن اغلب شرکت‌های عمده نفتی و پالایشی از تملک سهام بورس انرژی شد و عملا نظرات نفتی‌ها درباره نحوه راه‌اندازی بورس انرژی کاملا نادیده گرفته شد.

بر این اساس نامه‌نگاری وزیر نفت به وزیر اقتصاد در این باره مورد بی‌توجهی کامل قرار گرفت، نکته جالب توجه آن است که عضو هیات مدیره بورس انرژی که به حوزه نفت ارتباط دارد، مدیرعامل یکی از شرکت‌های صاحب سهام عمده پتروشیمی‌ها است و ناگفته پیدا است که اغلب محصولات پتروشیمی از جمله نفتی‌ها معتقد بودند برای آنکه بورس انرژی واقعا تبدیل به یک بورس واقعی و فعال شود باید شرایط ویژه‌ای از جمله امکان ورود سهامداران بین‌المللی و منطقه‌ای به آن فراهم شود تا عرضه نفت خام ایران و دیگر کشورها در این بورس ممکن شود.

علیرغم آنکه بیش از ۹۰ درصد عرضه انرژی اولیه در کشور از حوزه نفت‌وگاز انجام می‌شود و حتی نیروگاه‌های کشور هم بیش از ۹۰ درصد برق تولیدی خود را از طریق سوزاندن گاز و گازوئیل تولید می کنند، عملا صنعت نفت از حوزه‌های تصمیم سازی در بورس انرژی خارج شد تا خاطره داستان مثنوی مولوی درباره گرفتن افسار شتر توسط موش درباره نفت و برق زنده شود.

در کنار ابهامات جدی مربوط به عرضه سهام بورس انرژی، بعضی کارشناسان معتقدند به دلیل مشکلات شدید مالی وزارت نیرو حتی ادامه عرضه برق هم در بورس انرژی با چالش‌های جدی مواجه خواهدبود.

با توجه به شرایط یاد شده نفتی‌ها به دنبال راه‌اندازی یک بورس مستقل و بین‌المللی نفت خام هستند تا با مشارکت سهامداران خارجی از منطقه و جهان بتوانند برای پایه ریزی یک بورس واقعی نفت خام و خارج کردن بخشی از فرآیند قیمت‌گذاری نفت از دست مصرف‌کنندگان تلاش کنند،چنانکه احمد قلعه‌بانی در صبح راه‌اندازی بورس انرژی در گفت‌وگو با فارس از راه‌اندازی بورس مستقل نفت خام خبر داد.

خبری که با واکنش شدید و سریع صالح‌آبادی رئیس سازمان بورس و شمس‌الدین حسینی وزیر اقتصاد مواجه شد چنانکه هر دو تاکید کردند بورس انرژی آخرین بورس ایران خواهد بود و بورس مستقل نفت راه‌اندازی نخواهد شد.

بر این اساس به نظر می‌رسد راه‌اندازی یک بورس واقعی نفت خام که یکی از الزامات آن تعدد عرضه‌کنندگان و ورود عرضه کنندگان نفت دیگر کشورها و به تبع سهامداران بین‌المللی است در خم کوچه امیال فردی و بخشی به خصوص در بازار بورس زمینگیر شده باشد،چنانکه اظهارنظرهای جالبی مانند اظهار نظر اخیر رئیس بورس انرژی یعنی ردیابی تمایل مدیرعامل شرکت ملی نفت درباره عرضه نفت خام در بورس انرژی از طریق موافقت شرکت ملی نفت با عرضه اوراق سلف موازی نفتی را موجب شود.از سوی دیگر معادل ۲۱۲ قرارداد معاملات سلف موازی استاندارد در معاملات سه شنبه گذشته بورس انرژی، در نماد بار پیک روزانه برای تحویل در روزهای ۲۰، ۲۱ و ۲۲ فروردین ۹۲ مورد معامله قرار گرفت.

قراردادهای مذکور معادل ۸۴۸ مگاوات ساعت برق است که در ۲۰، ۲۱ و ۲۲ فروردین ماه ۹۲ تحویل خریداران خواهد شد.

تعداد معاملات صورت گرفته ۲۱ مورد و ارزش کل معاملات برق بیش از ۳۰۱ میلیون ریال بوده است.

براساس گزارش روابط عمومی بورس انرژی، از ۲۱ معامله صورت گرفته در روز جاری ۹ معامله در نماد بار پیک ۲۲ فروردین ۹۲ و هفت معامله در نماد بار پیک ۲۱ فروردین ۹۲ و پنج معامله در نماد بار پیک ۲۰ فروردین ۹۲ انجام گرفته است.

همچنین چهارشنبه گذشته نماد بار پیک روزانه ۲۳ فروردین ۹۲ بازگشایی شد و خریداران و فروشندگان مجاز توانستند سفارش خرید و فروش خود را در سامانه معاملات بورس انرژی ثبت کنند.

در این میان معاون بازار برق ایران از حضور ۱۱ شرکت توزیع در بورس انرژی خبر داد و گفت: ماهیانه مبلغ ۱۵۰ میلیارد ریال از طرف توانیر به شرکت‌های فعال در بورس تخصیص می یابد تا نسبت به معاملات برق اقدام کنند.

به گزارش ایرنا رضا ریاحی افزود: در مرحله راه اندازی بورس انرژی به ۱۵ نیروگاه خصوصی با مجموع ظرفیت مطمئن حدود ۱۰ هزار مگاوات اجازه حضور در بازار داده شده است و این نیروگاه ها ۴۰ درصد از ظرفیت خود یعنی حدود چهار هزار مگاوات را در بورس انرژی عرضه خواهند کرد.

به گفته وی، همچنین در سمت تقاضا هم به ۱۱ شرکت توزیع اجازه داده شده است که ۴۰ درصد از میانگین مصرف سالیانه خود را از بورس انرژی خریداری کنند.

ریاحی با بیان این که، فعلاً تنها تالار خرید و فروش پیک بار بصورت روزانه باز شده و خرید و فروش تنها در ساعات پیک در بورس انجام می شود، اضافه کرد: در مراحل بعد اجازه خرید و فروش در ساعات دیگر نیز داده خواهد شد و تعداد شرکتهایی هم که اجازه خرید و فروش خواهند داشت، افزایش می یابد.

معاون بازار برق ادامه داد: در بخش تولید نیروگاه‌های خصوصی در بورس انرژی فعال خواهند بود، اما تعداد شرکت‌های توزیع به تدریج افزایش پیدا خواهد کرد، به طوری که تمام شرکت‌های توزیع امکان خرید از بورس را خواهند داشت.

ریاحی با بیان این که، کشف قیمت برق بر اساس مکانیزم عرضه و تقاضا خواهد بود، اظهار داشت: در این مکانیزم هم نیروگاه‌ها برای برق عرضه شده خود قیمت تعیین می کنند و هم شرکت‌های توزیع برای میزان برقی که خواهان خرید آن از بورس انرژی هستند، قیمت ارائه می دهند و در نهایت قیمت‌هایی که از سمت عرضه و تقاضای برق با هم یکسان شوند تبدیل به معامله می شود.

وی تصریح کرد: کشف قیمت واقعی برق و خارج شدن آن از مکانیزم دستوری باعث می شود که تخصیص بهینه منابع مالی در اقتصاد صورت گیرد.

معاون بازار برق اضافه کرد: بر اساس توافقی که بین وزارت نیرو و سازمان بورس و اوراق بهادار صورت گرفته است، ماهیانه مبلغ ۱۵۰ میلیارد ریال از طرف توانیر به شرکت‌های توزیع فعال در بورس تخصیص می‌یابد تا نسبت به انجام معاملات برق در این بورس اقدام کنند.

وی خاطرنشان کرد: با توجه به این که، بر اساس ماده ۱۱ آئین نامه اجرایی قانون استقلال شرکت‌های توزیع، منابع مالی شرکت‌های توزیع در اختیار شرکت توانیر است، بنا بر این تا زمانی که این قانون پا بر جاست چاره ای جز تخصیص منابع از سوی وزارت نیرو وجود ندارد.

ریاحی با بیان این که، آرایش نهایی واحدهای تولیدی در هر ساعت را بازار برق تعیین می کند، افزود: در واقع بخشی از معاملات برق در بورس انرژی صورت می‌گیرد و به خاطر همین ممکن است تعدادی از نیروگاه ها موفق به فروش و تعدادی از شرکت‌های توزیع موفق به خرید در بورس انرژی نشوند.

معاون بازار برق ادامه داد: بنا بر این لازم است بازاری در کنار بورس انرژی وجود داشته باشد که متناسب با نیاز مصرف واقعی شبکه خرید و فروش برق را انجام دهد تا کمبود تولید یا مصرف در شبکه اتفاق نیفتد.

وی تصریح کرد: قبل از منطقه‌ای شدن بورس،باید این بازار در کشور نهادینه شود و بتدریج سایر گروه‌های خریدار و فروشنده برق در بورس حضور یابند.

به گفته ریاحی مصرف‌کنندگان عمده می توانند مستقیما به بورس وارد و مصرف کنندگان کوچک باید از طریق خرده فروشان برق وارد بورس شوند.

از سوی دیگر مدیرعامل سابق شرکت بورس با اعلام ارزشمند بودن هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس توصیه‌هایی برای عرضه اولیه و کشف قیمت منطقی بزرگترین شرکت مشمول اصل ۴۴ ارائه کرد.

علی رحمانی در گفتگو با فارس با اشاره به تلاش بی‌وقفه مسئولان سازمان خصوصی‌سازی و بورس برای واگذاری هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس و عرضه اولیه ۵ درصد از سهام این شرکت بزرگ مشمول اصل ۴۴ در روزهای آینده اظهار داشت: برای تحلیل درست و قیمت‌گذاری منطقی این شرکت مطرح صنعت پتروشیمی چند مسئله مهم وجود دارد که باید مورد توجه مسئولان، کارگزاران و مدیران بورس قرار گیرد.

تختال در بورس کالا ارزان شد

در حالی که قیمت هر کیلوگرم تختال در بورس کالا در یک ماه اخیر بالای ۱ ۵۰۰ تومان بود، اما در معاملات هفته گذشته کاهش یافت و کیلویی ۱۰۰ تومان ارزان شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه (سنا)، تختال یکی از محصولات میانی کارخانه‌های فولادسازی است که از آن برای تولید ورق فولاد استفاده می‌شود. از این رو محصولی مهم و اساسی برای صنعت فولاد به شمار می رود که عمده عرضه های این محصول توسط دو شرکت فولاد خوزستان و فولاد هرمزگان جنوب انجام می شود.

در هفته های اخیر قیمت تختال به دلیل نوسان نرخ ارز و تحرک قیمت انواع محصولات فولادی با افزایش همراه شد و از مرز هر کیلوگرم ۱۵۰۰ تومان فراتر رفت که به دلیل کاهش تقاضا در بازار فولاد و درخواست خریداران برای افت قیمت ها، نرخ این محصول در معاملات بورس کالا پایین آمد.

بر این اساس قیمت هر کیلوگرم تختال که در معاملات ۱۵ اسفند جاری ۱۵ هزار و ۲۹۰ ریال بود به ۱۴ هزار و ۱۳۴ ریال کاهش یافت و همین امر کافی بود، تا خریداران دست پر به خانه برگردند.

به این ترتیب در مقابل عرضه ۱۰ هزار تن تختال C فولاد هرمزگان جنوب ۱۰ هزار تن تقاضا در تالار تشکیل شد که کل این محموله مورد معامله قرار گرفت.به گفته کارگزاران بورس کالا به احتمال فراوان، موج کاهش قیمت ها به سایر محصولات فولادی خواهد رسید و در روزهای پایانی سال معاملات مطلوبی در رینگ فلزات انجام خواهد شد.

همچنین بررسی نمودار معاملات بورس کالا در هفته های اخیر نشان می دهد که در اسفندماه امسال ۵۳۸ هزار و ۶۵۵ تن انواع قیر و سنگ آهن به بازارهای جهانی صادر شده است تا فعالان این بازار روزهای شلوغی را سپری کنند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه (سنا)، براساس جدیدترین آمارها، قیر و سنگ آهن درصدر معاملات تالار کیش قرار دارد و هیچ یک از محصولات دیگر بورس به گرد پای این دو محصول نمی رسد.همچنین از ابتدای اسفند تا روز بیستم همین ماه ۵۳۸ هزار و ۶۵۵ تن انواع قیر و سنگ آهن به بازارهای جهانی صادر شده تا فعالان این بازار روزهای شلوغی را سپری کنند.۳۰۰ هزار تن از این حجم به سنگ آهن دانه بندی شده معادن جلال آباد، میشدوان و گل گهر ۲و۴ اختصاص دارد که به گفته کارگزاران ، عرضه های سنگ آهن صادراتی در بورس با توجه به رضایت عرضه‌کنندگان در سال آینده نیز با قوت بیشتری ادامه خواهد یافت.از ابتدای اسفند تا کنون ۲۳۸ هزار و ۶۵۵ تن انواع قیر از طریق بورس به بازارهای جهانی صادر شده که حجم عمده این معاملات به شرکت های نفت پاسارگاد، نفت جی، قیر آکام و توسعه کروس انرژی تعلق داشته است. گفتنی است که در چهارشنبه گذشته ، تالار صادراتی بورس کالای ایران شاهد عرضه بیش از ۲۲ هزار تن انواع قیر، اکستراکت و اسلاک واکس سنگین بود. در این روز و در تالار صادراتی، شرکت قیر آکام ۳۰۰۰ تن قیر ۶۰۷۰ و ۴۸۰۰ تن قیر ۸۵۱۰۰ را با قیمت پایه ۶۱۰ دلار در هر تن برای هر دو محصول روی تابلوی عرضه برد. همچنین ۱۵۰۰ تن قیر ۶۰۷۰ شرکت نگین فخر آذربایجان و ۱۷۰ تن قیر ۶۰۷۰ شرکت بام گستر زرین شرق به ترتیب با قیمت های پایه ۶۷۰ و ۶۰۰ دلار در هر تن راهی تالار معاملات شد.علاوه براین، شرکت نفت بهران با ۱۱ هزار تن اکستراکت و ۲۵۰۰ تن اسلاک واکس سنگین در تالار صادراتی حضور یافت؛ قیمت های پایه این دو محصول به ترتیب ۵۰۵ و ۶۱۵ دلار در هر تن اعلام شده است.در تالار محصولات صنعتی و معدنی، در گروه محصولات فولادی ، شرکت ذوب آهن اصفهان ۲۱۱۲۰ تن سبد میلگرد و تیرآهن (آلیاژسازی) و ۷۷۰۰ تن سبد تیرآهن ۲۴ را به ترتیب با قیمت‌های پایه ۱۴ هزار و ۳۰۰ و ۲۳ هزار ریال، به صورت سلف، عرضه کرد. این شرکت همچنین، ۱۲ هزار و ۱۰۰ تن تیرآهن طول کوتاه ۱۸ را به صورت سلف روی تابلوی عرضه برد.شرکت فولاد خوزستان ۵۰ هزار تن شمش بلوم (۱۵۰*۱۵۰)5SP و ۳۰ هزار تن تختال Cرا به ترتیب با قیمت های پایه ۱۵ هزار و ۷۰۰ و ۱۵ هزار و ۲۰۰ ریال و به صورت سلف عرضه کرد. افزون بر این، این تالار در صورت تقاضا، شاهد عرضه ۵۱۷۰ تن میلگرد A3-14-20شرکت صدر فولاد،۲۲ هزار تن سبد میلگرد A3-14-32شرکت فولاد آریا ذوب،یکهزار تن میلگرد A3-14,16 شرکت فولاد امیرکبیر خزر، ۲۲ هزار و ۴۴۰ تن سبد میلگرد A3-14-28شرکت فولاد خراسان، ۴۶۰۰ تن تیرآهن ۱۶ گروه ملی، ۱۱۷۰ تن سبد میلگرد A3-14-25شرکت نورد فولاد صنعتی و ساختمانی و ۳۴۵۰ تن میلگرد A2-18,20شرکت نورد فولاد گیلان بود.

اخبار کوتاه شهرستان ها

برخورداری شهرک‌ها و نواحی صنعتی بجنورد از برق

بجنورد ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی خراسان شمالی با اشاره به تامین ۱۹ مگاوات برق در سال ۹۱ برای شهرک‌ها و نواحی صنعتی استان گفت: به همه شهرک‌ها و نواحی صنعتی قابل واگذاری استان برق‌رسانی انجام شده است.

محمدرضا باقری اضافه کرد: با بهره‌برداری از شبکه توزیع برق در ناحیه صنعتی شهید محمدزاده در سال جاری تمام شهرک‌ها و نواحی صنعتی فعال استان از نعمت برق برخوردار شدند.

او ادامه داد: در ۲ سال اخیر میزان ۲۴ مگاوات برق برای شهرک‌ها و نواحی صنعتی استان تامین شده که این میزان نسبت به سال‌های گذشته رشد دو برابری داشته است.

او افزود: رسالت شرکت شهرک‌های صنعتی خراسان شمالی، تامین امکانات زیرساختی برای استقرار صنایع در شهرک‌ها و نواحی صنعتی است و تامین برق از مهمترین و اساسی‌ترین امکانات زیرساختی است.

تشکیل کارگروه مد و لباس در خراسان شمالی

*مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان شمالی، از تشکیل کارگروه مد و لباس با هدف ترویج و تثبیت الگوهای بومی و محلی و هدایت بازار تولید البسه و پوشاک بر اساس طرح‌ها و الگوهای داخلی خبر داد.

حسین ثابت قدم وحید افزود: در این زمینه جلسه‌ای با حضور اعضای این کارگروه تشکیل شد.

وی همچنین معرفی نمادها و الگوهای ایرانی و اسلامی، استفاده از لباس‌های فرم با الگوهای ایرانی و اسلامی در مدارس، فراهم کردن زمینه طراحی‌های متنوع برای دانش‌آموزان، معلمان و کارکنان مدارس، استفاده از برنامه‌های جامع جذاب آموزشی در زمینه فرهنگ و پوشش و آراستگی بین دانش‌آموزان، برپایی نمایشگاه‌های فصلی یا سالانه مد و لباس، نظارت مستمر و موثر بر صنوف تولیدکننده و عرضه‌کننده، شناسایی تولیدکنندگان و فروشندگان موفق و حمایت از کارخانه‌ها و تولیدکنندگان لباس منطبق با الگوی ایرانی و اسلامی را از دیگر وظایف دستگاه‌های عضو کارگروه اعلام کرد.

آماده‌باش ۲۰ سازمان آتش‌نشانی بجنورد در چهارشنبه آخر سال

* مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی بجنورد، از آماده‌باش کامل ۲۰ گروه ثابت و سیار به منظور برقراری ایمنی در آخرین چهارشنبه سال در این شهرستان خبر داد.

علی گودرزی افزود: تمهیدات آتش‌نشانی محدود به این زمان نیست و سازمان آتش‌نشانی قبل و هنگام برگزاری این مراسم تمهیدات ایمنی خود را پیش‌بینی کرده است.

وی افزود: خوشبختانه با اقداماتی که در چند سال اخیر در بعد فرهنگی و اجتماعی توسط این سازمان و دیگر ارگان‌های مرتبط صورت گرفته است، شاهد کاهش تلفات و مشکلات ناشی در این روز هستیم.

او گفت: امیدواریم امسال نیز برگزاری این آیین نسبت به سال‌های گذشته کم خطرتر باشد که البته شرایط موجود در جامعه نیز این موضوع را نشان می‌دهد. گودرزی افزود: سازمان آتش‌نشانی رسالتی در قبال آموزش شهروندان مخصوصا در روزهای پایانی سال دارد که در این راستا بیش از ۱۰ کارشناس آموزشی با حضور در بیش از ۵۰ مدرسه و دبستان با ارائه بروشورهای ایمنی در قالب تصاویر به آموزش نوجوانان در سطح مدارس می‌پردازند.

افزایش امنیت اجتماعی در کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: سطح امنیت اجتماعی در استان کرمان نسبت به پارسال ۱۶ درصد افزایش داشته است.

سردار حسن چناریان فرمانده انتظامی استان کرمان با بیان مطلب بالا افزود: با اجرای این طرح‌های ارتقای امنیت روند رو به رشد امنیت اجتماعی در استان همچنان ادامه دارد.

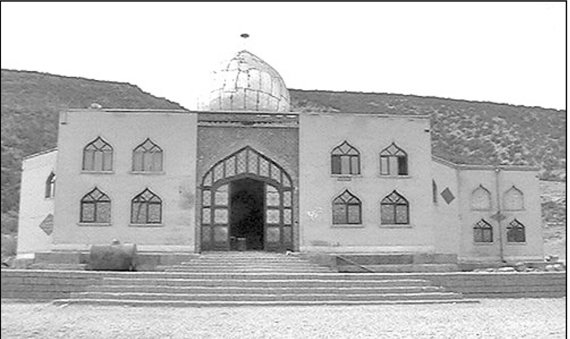
فرمانده نیروی انتظامی کرمان با اشاره به نزدیک شدن تعطیلات نوروزی گفت: نیروی انتظامی در حوزه‌های مختلف در راستای ارتقای هرچه بیشتر امنیت اجتماعی، و آرامش مسافران نوروزی با اجرای طرح‌های ویژه نوروزی از ۲۵ اسفند تا ۱۷ فروردین سال ۱۳۹۲ به صورت ویژه در خدمت مردم است.

وی در پایان از برخورد قاطع پلیس با خرده‌فروشان موادمخدر خبر داد و گفت: تا پایان بهمن امسال ۱۱۷۰ خرده‌فروش مواد مخدر در سال جاری در کرمان دستگیر شده‌اند.

ایلام؛ دروازه عتبات عالیات و سرزمین مقاومت و پایمردی



قلعه کنجانچم مهران



امامزاده سیدعبدالله ایوان

ایلام ـ خبرنگار اطلاعات: پیشینه استقرار در کهن سرزمین عیلامیان به استناد مطالعات و کاوش‌های باستان‌شناسی صورت گرفته در آن به‌خصوص در تپه‌هایی چون، علی‌کش، چغاسفید، سبز و خزینه در دهلران و کزآباد و چشمه ماهی در هلیلان در هزاره‌های پیش از تاریخ و کاوش‌های منسجم در استان و در شهر تاریخی سیمره مربوط به اواخر ساسانی و قرون اولیه اسلامی، پیشینه تاریخی آن را از هزاره هشتم (ق ـ م) تا قرون اولیه اسلامی به صورت تداوم دوره‌ها به اثبات رسیده است.

استان ایلام مهد تمدن ده هزار ساله‌ای است که در لایه‌لایه «تپه علی‌کش» در شهرستان دهلران می‌توان آن‌را باور داشت.

ایلام که در کتیبه‌های بابلی (آلام یا آلامتو) آمده است و به قولی معنی کوهستان یا (کشور طلوع خورشید) را می‌دهد.

استان ایلام سرزمینی است که در غرب کشور و در میان ارتفاعات زاگرس قرار گرفته که دارای دو خصوصیت دشت در جنوب و کوهستان در شمال است. به این جهت این منطقه به دلیل چهارفصل بودن آن موردتوجه گردشگران و مسافران قرار می‌گیرد.

غارزینگان، دریاچه دوقلوی سیاه گاو، آبشار اما، قلعه کنجانچم، موزه مردم‌شناسی قلعه والی شهر ایلام، قلعه شیاخ، چشمه‌های آبگرم، آتشکده سیاهگل، رودخانه پرخروش، سیمره، آتشکده موشکان و تنگ بهرام چوبین از جمله مناطق بکر این سرزمین پهناور است.

ایلام در منطقه‌ای کوهستانی در حاشیه جنوب غرب رشته جبال زاگرس قرار گرفته است. رشته کوههای مرتفع و موازی کبیر کوه بطول ۱۶۰ کیلومتر از شمال غرب تا جنوب‌شرق استان را در بر گرفته است و قسمتی از مناطق غربی و شمال غرب ایلام را از قسمت‌های دیگر مجزا می‌کند.

دیار مقاومت و پایمردی

دیاری که عملیات‌های مهمی چون محرم، والفجر۳، عاشورا وکربلای ۱ در دل آن رخ داده است و در هر نقطه از این کهن خاک یادگار ۸ سال دفاع مقدس وجود دارد به مانند مناطق عملیاتی «شرهانی» در دهلران و «قلاویزان» در مهران که در فهرست آثارملی کشور به ثبت رسیده، «سنگر صدام»، «نقطه ایثار»، «بانروشان» و «تپه شنی» در شهرستان مهران و نیز بیش از ۳۰۰۰ شهیدی که در راستای مقاومت و پایمردی مردمانش به انقلاب هدیه کرده است.

ایلام با ۹ شهرستان شامل ایلام، سیروان، ملکشاهی، ایوان، سرابله، مهران، دهلران، آبدانان و دره شهر با داشتن ۷۵۰ اثر ثبت شده تاریخی و فرهنگی در فهرست آثار ملی کشور قاب‌دیدگان هر مسافری را مینوازد و دهان هر گردشگری را به شگفتی وحیرت وا می دارد.

زندگی عشیره‌ای و سنتی در استان ایلام باعث رشد و رونق صنایع دستی مرتبط با آن شده است. از دیر باز بافت قالی کردی (قالیچه درشت بافت)، سیاه چادر، چیغ (چیت) بافی، جاجیم بافی، گلیم ساده، نمد مالی، احرامی بافی، گیوه بافی و عبا بافی در استان مرسوم بوده است. در راستای اهداف و سیاستگذاریها پس از ارزیابی قابلیتهای توسعه صنایع دستی مختلف بومی استان با اولویت مزیت‌های هر منطقه برای پاسخ گویی به سلایق مختلف، رشته‌های دیگری نظیر گلیم نقش برجسته، منبت چوب، سفالگری و طراحی روی سفال، قلمزنی روی مس، و... در این استان راه اندازی شده و زمینه آموزش آنها فراهم شده است.

شهرستان ایوانغرب

ایوان غرب در شمال غرب استان ایلام قرار دارد. این شهرستان از شمال به استان کرمانشاه از شرق به شهرستان شیروان، از جنوب به شهرستان ایلام و در غرب به کشور عراق محدود می‌شود و مرکز آن شهر ایوان است. این شهر با برخورداری از آب و هوای مناسب و قرار گرفتن بر سر راه ایلام ـ کرمانشاه و داشتن اراضی حاصلخیز و مجاورت با رودخانه‌های کنگیر، وجود کشاورزی و دامپروری دارای اهمیت و اعتبار خاصی است.

این شهرستان دارای دو بخش، چهار دهستان و ۸۶ روستا است. روستای خوران با داشتن سرابی گوارا و باغ‌های زیبا، یکی از تفرجگاه‌های اهالی است. بخش زرنه، از نظر پیشینه و قدمت تاریخی دارای ارزش فراوانی است.

شیروان چرداول

مرکز شهرستان شیروان چرداول، شهری به نام سرابله که در کنار رود سرابله قرار دارد. شهرستان شیروان چرداول شامل بخش‌های مرکزی چرداول و هلیلان است.

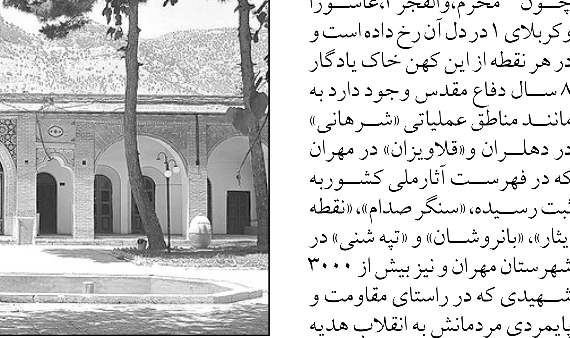
شهرستان سیروان از مناطق کارزان، لومار و زنگوان تشکیل شده است. تمام اراضی این بخش به صورت دره‌ای نسبتاً وسیع بین دو رشته کوه (چرمین و لنه) از یک سو و (مانشت و سیوان) از سوی دیگر گسترده شده است که به وسیله رودخانه شیروان و چشمه سارهای جانبی آبیاری می‌شود.

مرکز این بخش، شهر لومار است.

شهرستان مهران

مرکز این شهرستان، شهر مهران است. که در ساحل چپ رودخانه کنجانچم واقع شده است و با مرز عراق بیش از چند کیلومتر فاصله ندارد.

مهران قبلاً منصورآباد خوانده می‌شد. در سال ۱۳۰۹ با تصویب فرهنگستان زبان ایران، به (مهران) تغییر نام داد. در بخش مرکزی مهران، مخازن نفت و گاز طبیعی کشف و چاه‌هایی در آن حفر شده است





قلعه والی ایلام

تحصیل کردگان مازندران با ایجاد بانک اطلاعاتی نخبگان به کار گمارده می‌شوند

بابل ـ خبرنگار اطلاعات: ۱۱ هزار تحصیل‌کرده بیکار فقط در شهرستان بابل وجود دارد.

دکتر احمد فاطمی مدیر مجمع عالی نخبگان استان مازندران این خبر را در جمع خبرنگاران بابلی اعلام کرد و افزود: جذب تحصیل کرده‌های بیکار، حمایت از دانشجویان و دانش‌آموزان نخبه از اهداف اصلی مجمع عالی نخبگان است.

وی افزود: مجمع عالی نخبگان کشور در سال ۸۵ برای گردآوری و کمک به نخبگان ایرانی داخل و خارج از کشور تاسیس شد و مسئولان این مجمع در سال ۸۵ برای جلوگیری از فرار نخبگان به خارج به این فکر افتادند تا با تاسیس این مجمع، زمینه را برای حمایت جدی از نخبگان فراهم کنند.

به گفته دکتر فاطمی افراد زیادی وجود دارند که تحصیلات عالی ندارند ولی در حوزه کاریشان صاحب اندیشه و تفکر هستند نخبه‌سازی، ایده‌سازی افکار نوین این نخبگان و ارتباط با صنعت و کارآفرینان از دیگر اهداف مجمع عالی نخبگان است.

وی اضافه کرد: بابل سرزمین نخبگان است به همین خاطر مسئولیت مجمع عالی نخبگان استان مازندران به مرکزیت بابل را قبول کردیم.

وی حمایت نکردن جدی از نخبگان مازندران ابراز گلایه کرد و یادآور شد: در دیگر استان‌های کشور از نخبگان حمایت جدی و خوبی می‌شود ولی در استان مازندران این گونه نیست و با تاسیس مجمع عالی نخبگان مازندران تلاش می‌کنیم با رفع این نقیصه، از نخبگان مازندران حمایت جدی شود.

وی از نبود بانک اطلاعاتی نخبگان در استان ابراز تاسف کرد و به مردم و نخبگان استان نوید داد با تاسیس این بانک اطلاعاتی از سوی مجمع عالی نخبگان، از تحصیل کرده‌های بیکار مازندران حمایت جدی خواهد شد.

وی درباره اعضای مرکزی مجمع عالی نخبگان مازندران گفت: ۴۰ استاد برجسته دانشگاه‌های دولتی و آزاد از اعضای اصلی مرکز مجمع عالی نخبگان استان هستند و ظرف ۲ ماه گذشته فقط در دو شهر مازندران ۲۰۰۰ دانشجو و دانش‌آموز نخبه عضو این مجمع شدند و پیش‌بینی می‌کنیم در کل استان مازندران ۳۰ هزار نخبه عضو این مجمع شوند.

ساخت پارک موزه فرهنگی در مازندران

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: بزرگترین موزه فرهنگی کشور تا برنامه پنجم توسعه در مازندران افتتاح می‌شود.

مدیرکل بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس مازندران با اعلام این خبر افزود: تاکنون ۱۵ میلیارد تومان برای اجرای مراحل زیرساختی این پروژه هزینه شده است.

منصورعلی زارعی با بیان این که ۸ عرصه مختلف برای ساخت پارک موزه دفاع مقدس مازندران تعریف شده است، افزود: این مجموعه با نگاه منحصر به فرد ترویج فرهنگ دفاع مقدس در کنار فعالیت‌های گردشگری با محتوای فرهنگی ساخته می‌شود.

حرکت کالسکه‌های ننه سرما و نوروزی در قزوین

قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری قزوین گفت: در آستانه بهار طبیعت، شهرداری قزوین برای سومین‌بار با راه‌اندازی کالسکه نوروزی و هفت‌سین گردانی در معابر اصلی شهر، ضمن ایجاد شور و نشاط اجتماعی در شهر نوید بخش آغاز سالی سرشار از سلامتی و بهروزی برای شهروندان شد.

سید مهدی کاظمی افزود: این کاروان برای نخستین بار به عنوان پایلوت در قزوین اجرا شده است و تاکنون دو برنامه موفق را اجرا کرده که با استقبال بی‌نظیر مردم روبرو شده است.

وی گفت: در این برنامه کالسکه حاجی فیروز و گاری هفت سین نوروزی تزیین شده با گل به صورت کاروان در معابر اصلی شهر به حرکت در می‌آیند و با اجرای برنامه‌های شاد سنتی و اجرای ساز و دهل که یادآور خاطره‌های نوروز باستانی ایرانیان هستند و اوقات خوشی را که نوید بخش آغاز سالی همراه با سلامت و بهروزی برای شهروندان است نوید می‌دهند.

وی افزود: یکی از این کالسکه‌ها ننه سرما را همراه خواهد داشت و دیگری نیز در راستای نهادینه کردن ازدواج آسان و گسترش ازدواج برنامه‌ریزی شده است.

وی با بیان این‌که تزیین یک کالسکه باسفره هفت سین از دیگر آیتم‌های این برنامه است، افزود یکی از تفاوت‌های ویژه این کاروان با سال‌های گذشته در این است که امسال یک عروس و داماد نیز از انجمن کوچولوها همراه خواهد بود.

این برنامه از بیستم اسفند شروع شده است و تا سوم فروردین ۹۲ با همت و پشتیبانی سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری قزوین و کارگردانی و بازیگری «داوود بهرا» اجرا می‌شود.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

بقیه از صفحه ۱۳

استخدام کاردان‌های مکانیک خودرو

حال که وزارت نفت استخدام‌هایش را آغاز کرده است، جا دارد در مورد استخدام کاردان‌های مکانیک خودرو هم فکری کنند، چرا که در فعالیت‌های صنعت نفت نقش مهمی دارند.

اهواز ـ دانش‌آموخته مکانیک خودرو

کالاهای ارزان، اما به دردنخور!

گاهی در نمایشگاه‌های عرضه کالای بهاره، اجناس بی‌کیفیت به فروش می‌رسد. بسته‌های ماهی کیلکا که به قیمت دو هزار و خرده‌ای خریده‌ایم، خراب از آب درآمد و ما که ۵ بسته خریده بودیم، همه را دور ریختیم. بهتر است بر این نمایشگاه‌ها نظارتی وجود داشته باشد تا به اسم کالای ارزان، آشغال به مردم نفروشند!

شهروند تهرانی

تأمین امنیت محله‌ها در ایام نوروز

بهتر است در تعطیلات نوروز نیروهای مردمی به عنوان نگهبان با حمایت نیروی انتظامی، مسئولیت تأمین امنیت محله‌ها را بر عهده بگیرند.

با توجه به این که سرقت خودرو و لوازم خانگی در این ایام افزایش می‌یابد، لازم است در این مورد چاره‌ای اندیشیده شود. چرا که امنیت از نان شب هم واجب‌تر است.

خرم‌آباد (لرستان) - اکبر بزرگمهر

رسیدگی به درختان تهران

بعضی از درختان در معابر تهران فضای کافی برای رشد و محل آبخوری ندارند و این مسأله ممکن است موجب خشکیده شدن آن‌ها شود.

لازم است شهرداری در رفع این معضل شهری بکوشد.

تلفن به خط ارتباطی

گرانی داروهای بیماران سرطانی

در روزنامه اطلاعات ۹ اسفند ۹۱ مطلبی درباره افزایش قیمت داروهای بیماران سرطانی نوشته شده بود. بر اساس این مطلب، هر آمپول این بیماران قیمتی بین ۱۶ تا ۲۰ میلیون تومان دارد. امیدوارم هیچ‌کس دچار بیماری نشود، ولی آیا با توجه به این که کمتر کسی می‌تواند از پس تأمین چنین هزینه‌های بربیاید، وزارت بهداشت و درمان به بیماران کمکی می‌کند؟

شهروند تهرانی

تبریک سال نو

از مؤسسه اطلاعات بابت ارسال کارت تبریک و تقویم سال جدید کمال تشکر را دارم و به نوبه خود سال جدید را به همه کارکنان زحمتکش روزنامه اطلاعات تبریک عرض می‌کنم.

امیدوارم سال ۹۲ سالی پر از خیر و برکت برای همه هموطنان باشد.

مشترک روزنامه اطلاعات

مقاله همه فهم نبود

در روزنامه اطلاعات ۱۰ اسفند ۹۱ مقاله‌ای از دکتر فیاض‌بخش به چاپ رسید که بسیار سنگین است و برای همه قابل فهم نیست. در این که ایشان دانشمند و فرهیخته است، شکی نیست، ولی این گونه مقاله‌ها مناسب روزنامه که برای عامه مردم به چاپ می‌رسد، نیست. ایشان می‌توانست منظور خود را به زبان ساده‌تر بنویسد.

محسنی

مخالفت با ادامه طرح هدفمندی یارانه‌ها

کمتر کسی از مردم ایران موافق اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌هاست. اگر کسی با این طرح اعلام موافقت کند، حتماً شوخی کرده است! کافی است یک نظرخواهی عمومی از افراد جامعه صورت گیرد تا معلوم شود که چند درصد مردم موافق اجرای مرحله دوم هدفمندسازی یارانه‌ها هستند.

رازقی

اطلاعیه برگزاری مجمع عمومی عادی سالانه شرکت تعاونی روستائی طاهره خاتون

بدینوسیله به اطلاع اعضاء محترم شـــرکت تعاونی روستایی طاهره خاتون می‌رساند که جلسه مجمع عمومی عادی سالانه شرکت تعاونی روســـتایی طاهره خاتون در روز چهارشنبه ۱۳۹۲/۱/۲۱ از ساعت ۱۶ در محل حســـینیه طاهره خاتون واقع در خیابان مالک اشـــتر، بین کارون و قصرالدشت، پلاک ۵۹۵ برگزار می‌گردد. از کلیه اعضاء محترم تقاضا دارد در موعد مقرر در مجمع یادشده، حضور به هم رسانند.

موضوعات مطرح در جلسه:

۱ـ ارائه گزارش هیئت مدیره و بازرس شرکت تعاونی
۲ـ تصویب تراز مالی سال ۱۳۹۰
۳ـ انتخاب بازرسین تعاونی

هیئت مدیره

آگهی دعوت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول شرکت تعاونی توسعه روستائی طاهره خاتون

به اطلاع کلیه اعضاء محترم شـــرکت تعاونی توسعه روستایی طاهره‌خاتون می‌رساند جلســـه مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول شرکت تعاونی راس ساعت ۱۶ روز چهارشنبه ۱۳۹۲/۱/۷ در محل حسینیه طاهره خاتون واقع در خیابان مالک‌اشتر، بین کارون و قصر الدشت، پلاک ۵۹۵ برگزار می گردد. از کلیه اعضاء دعوت بعمل می‌آید در آن جلســـه حضور به هم رســـانند و یا نماینده تام‌الاختیار خود را با وکالت‌نامه کتبی معرفی نمایند.

دستور جلسه:

۱ـ اصلاح بند ۵۴ اساسنامه در مورد دستور شروع و خاتمه سال مالی به اول مهرماه هر سال
۲ـ هر عضو عـــلاوه به رای خود تـــا ۳ نفر دیگـــر را می‌تواند وکالت کتبی داشـــته باشـــد وکالت نامه‌ها باید به تایید هیئت مدیره رسیده و به مهر تعاونی تائید گردد.

هیئت مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت صید صنعتی موج ساران پارس شیل (سهامی خاص) شماره ثبت: ۳۹۳۳۵۱

بدینوســـیله از کلیه سهامداران محترم شـــرکت دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی ســـالیانه که در ســـاعت ۹ صبح مورخ ۱۳۹۲/۱/۱۵ در محل قانونی شرکت تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه: ۱- استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی شرکت. ۲- بررسی و تصویب ترازنامه و صورتحساب سود و زیان سال ۹۱. ۳- انتخاب اعضای هیئت مدیره. ۴- انتخاب بازرسان. ۵- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار. ۶- سایر موارد ضروری

هیئت مدیره شرکت

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت سهامی خاص تهران بتون به شماره ثبت ۱۶۰۹۳

مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام شرکت سهامی خاص تهران بتون در ساعت ۱۵ روز چهارشنبه ۱۳۹۲/۱/۲۱ در محل دفتر مرکزی شرکت سیمان فارس و خوزستان واقع در تهران، خیابان دکتر بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه چهارم پلاک ۴ تشـــکیل می‌گردد از کلیه صاحبان سهام شرکت یا نمایندگان قانونی آنان دعوت بعمل می‌آید با در دســـت داشتن معرفی‌نامه یا وکالت‌نامه قانونی در جلسه مذکور حضور بهم رسانند.

دستور جلســه: ۱ـ اســـتماع گزارش هیئت مدیره، حسابرس و بازرس قانونی شرکت. ۲ـ بررســـی و اتخاذ تصمیم در خصوص ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت در ســـال مالی منتهی به ۹۱/۱۲/۳۰. ۳ـ انتخاب حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت و تعیین حق‌الزحمه ایشان. ۴ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت. ۵ـ انتخاب اعضای هیئت مدیره.
۶ـ تعیین حق حضور اعضای غیر موظف هیات مدیره.

هیئت مدیره

آگهی ماده ۱۶۹ برابر مصوبه مورخه ۱۳۹۱/۷/۱۹ مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت دیفیوزر (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۱۷۰۱۱

مقرر گردید که ســـرمایه شرکت از طریق صدور ســـهام جدید و از محل واریز نقدی از ۱۰۰۰ سهم ده هزار ریالی با نام به ۱۰۰۰۰۰ سهم ده هزار ریالی با نام از مبلغ ده میلیون ریال به یک میلیارد ریال با رعایت حق تقدم ســـهامداران افزایش یابد و به هیئت مدیره شـــرکت جهت اجرای تصمیم فوق تفویض اختیار به عمل آمده، لذا در اجرای مفاد ماده ۱۶۹ لایحه اصلاحی قانون تجارت مراتب جهت اطلاع سهامداران و استفاده از حق تقدم خود از ســـهام افزایشی به ازای هر ســـهم موجود در تاریخ تصویب در روزنامه اطلاعات، روزنامه کثیرالانتشـــار شرکت، آگهی و ســـهامداران و یا خریداران سهام بایستی ظرف مدت ۶۰ روز از تاریخ درج آگهی مبالغ نقدی خود را به حساب ۲۱۰۹۸۳۸۵۸۷ جام بانک ملت شعبه مسجد کبود تبریز واریز و فیش واریزی را به هیئت مدیره جهت پذیره‌نویسی تسلیم نمایند.
بدیهی است پس از انقضای مهلت فوق حق تقدم از افراد مراجعه نکرده ساقط خواهد شد و اعتراض بعدی مسموع نخواهد بود.

هیئت مدیره
شرکت دیفیوزر (سهامی خاص)

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالانه صاحبان سهام شرکت داروسازی تهران شیمی (سهامی عام) ثبت شده به شماره ۷۹۴۷

مجمع عمومی عادی سالانه شرکت داروسازی تهران شیمی (سهامی عام) در ساعت ۹:۳۰ صبح روز پنجشـــنبه مورخ ۱۳۹۲/۰۱/۲۹ در محل قانونی شـــرکت واقع در تهران میدان آزادی، بزرگراه فتح (جاده قدیم کرج) خیابان صنایع فلزی، خیابان ۱۷ شهریور، خیابان نورد، شرکت داروسازی تهران شیمی تشکیل می‌گردد. بدینوسیله از کلیه صاحبان ســـهام یا نمایندگان قانونی آنها دعوت می‌گردد جهت دریافت برگ ورود به جلسه حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۲/۰۱/۲۶ به محل قانونی شرکت واقع در آدرس فوق الذکر مراجعه فرمایند.

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیات مدیره و بازرس قانونی و حسابرس شرکت
۲- بررســـی و تصویب ترازنامه و سود و زیان ســـال مالی منتهی به ۱۳۹۱/۰۹/۳۰
۳- اخد تصمیم نسبت به تقسیم سود
۴- انتخاب بازرس قانونی و حسابرس شرکت
۵- انتخاب اعضاء هیأت مدیره
۶- تعیین روزنامه کثیرالانتشار
۷- سایر موارد

هیأت مدیره شرکت داروسازی تهران شیمی (سهامی عام)

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام شرکت داروسازی تهران شیمی (سهامی عام) ثبت شده به شماره ۷۹۴۷

مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت داروسازی تهران شیمی (سهامی عام) در ســـاعت ۱۱:۰۰ قبل ازظهر روز پنجشـــنبه مورخ ۱۳۹۲/۰۱/۲۹ درمحل قانونی شرکت واقع درتهران میدان آزادی، بزرگراه فتح (جاده قدیم کرج) خیابان صنایع فلزی، خیابان ۱۷ شـــهریور، خیابان نورد، شرکت داروسازی تهران شیمی تشکیل می‌گردد. بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام یا نمایندگان قانونی آنها دعوت می‌گردد جهت دریافت برگ ورود به جلســـه حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۲/۰۱/۲۶ به محل قانونی شرکت واقع در آدرس فوق الذکر مراجعه فرمایند.

دستور جلسه:

۱- افزودن یک بند به ماده ۳۷ اساســـنامه شرکت در خصوص اختیار به‌رهن گذاردن اموال منقول و غیرمنقول شـــرکت به نفع شرکتهای تابعه توسط هیأت مدیره
۲- افزودن موضوع تولید و فروش محصولات جدید مطابق سیاستهای وزارت بهداشـــت به موضوعات اصلی شـــرکت در ماده ۲ اساسنامه شرکت

هیأت مدیره شرکت داروسازی تهران شیمی (سهامی عام)

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالانه شرکت گسترش صنایع انرژی آذر آب (سهامی عام) شماره ثبت ۳۵۸۵۷۸

بدینوسیله از کلیه صاحبان محترم سهام شرکت گسترش صنایع انرژی آذرآب (سهامی عام) دعوت می‌گردد تا در جلســـه مجمع عمومی عادی سالانه این شـــرکت که رأس ساعت ۹ صبح روز سه‌شنبه ۲۷ فروردین ماه ۱۳۹۲ در محل دفتر مرکزی شرکت واقع در شهرک قدس (غرب)، فاز ۴، بلوار ایوانک، خیابان زرافشـــان شمالی، نبش خیابان درخشان، شماره ۴۱، تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانند. ســـهامداران محترم یا نمایندگان قانونی آنها که تمایل به حضور در جلســـه مجمع مذکور را دارند می‌توانند روز یکشنبه مورخ ۲۵ فروردین ماه ۱۳۹۲ در ساعات اداری جهت اخذ برگ ورود به جلسه با در دست داشتن اوراق سهام و یا وکالتنامه به همراه کارت شناسایی معتبر به دفتر امور سهام شرکت واقع در نشانی فوق مراجعه نمایند.

دستور جلسه:

۱ـ اســـتماع گزارش هیأت مدیره و بازرس قانونی شرکت برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۱/۹/۳۰
۲ـ بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به ترازنامه و صورتحساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۱/۹/۳۰
۳ـ انتخاب حسابرس و بازرس قانونی و تعیین حق‌الزحمه آنان.
۴ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت.
۵ـ سایر موارد که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالانه می‌باشد.

هیأت مدیره

آگهی فراخوان مشاور وارزیابی کیفی شماره ۹۱/۹۳ (دومرحله‌ای)

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان فارس (سهامی خاص)

شرکت گاز استان فارس در نظر دارد پروژه نظارت پروژه‌های خود را شامل:

۱ـ نظارت بر عملیات احداث پروژه‌های خطوط انتقال، تغذیه و شبکه‌های گازرسانی
۲ـ نظارت بر عملیات اجراء و نصب انشعابات
۳ـ نظارت بر کارهای ساختمانی
۴ـ نظارت بر ساخت ایستگاه‌های تقلیل فشار با ظرفیت‌های مختلف.
۵ـ نظارت بر زیرسازی و آسفالت مسیر شبکه‌های گازرسانی.
۶ـ نظارت بر ساخت حوضچه‌های بتنی شیرهای گاز در ابعاد مختلف و ...

را به روش انتخاب براساس قیمت و کیفیت واگذار نماید. بدینوسیله از کلیه مشاوران ذیصلاح که دارای شرایط ذیل باشند، دعوت به عمل می‌آید تا به منظور اعلام آمادگی، ارائه سوابق کاری و تکمیل فرم‌های مربوطه (RFQ فرم) جهت ارزیابی کیفی حداکثر تا تاریخ ۹۱/۱۲/۲۸ با مراجعه به سایت اطلاع‌رسانی شرکت گاز استان فارس به‌آدرس www.farsgas.ir نسبت به اخذ مدارک، تکمیل و عودت آن حداکثر تا تاریخ ۹۲/۱/۱۷ به آدرس شیراز ـ بلواراستقلال ـ جنب‌پارک کودک ساختمان مرکزی شرکت گاز استان فارس طبقه دوم امور قراردادها، تلفن تماس: ۸۳۰۲۷۶۷ـ۰۷۱۱ اقدام نمایند.

شرایط لازم:

۱ـ دارا بودن شخصیت حقوقی
۲ـ سابقه انجام حداقل ۲ پروژه مشابه
۳ـ ارائه تأییدیه صلاحیت از معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست‌جمهوری در رشته خطوط انتقال نفت و گاز

* ارســـال مدارک هیچگونه حقی را برای متقاضیان جهت شـــرکت در مناقصه مذکور ایجـــاد نخواهد کرد و مدارک مناقصه بین متقاضیان واجد شـــرایط که به تشخیص کارفرما از بین متقاضیانی که حداقل امتیاز لازمه (۶۵امتیاز) را در ارزیابی کیفی کسب کرده باشند توزیع خواهد شد.
* کلیه مشاوران متقاضی شرکت در فراخوان مذکور موظفند علاوه بر ارسال رزومه مربوطه و اسناد R.F.Q تکمیل‌شده، نســـبت به ارســـال یک حلقه CD شـــامل کلیه موارد مذکور اقدام نمایند. ضمناً اطلاعات درج آگهی در پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات به آدرس http://iets.mporg.ir قابل دسترسی می‌باشد.

هزینه درج آگهی به تعداد دفعات درج شده بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

نوبت‌اول: ۹۱/۱۲/۲۴ **نوبت‌دوم: ۹۱/۱۲/۲۶**

آگهی افزایش سرمایه شرکت رنگین پروفیل کویر (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۷۰۶

بدینوســـیله به اطلاع کلیه سهامداران محترم میرســـاندبه استناد مصوبه مجمع عمومی شـــرکت رنگین پروفیل کویر (سهامی خاص) مورخ سه شنبه ۲۲ اســـفند ماه ۱۳۹۱ و اختیارات تفویض شده به هیئت مدیره مقرر گردید ســـرمایه شـــرکت از مبلغ ۲۰میلیارد ریال به ۴۰میلیارد ریال منقسم به ۴میلیون سهم ده هزار ریالی با نام بشرح زیر افزایش یابد.

۱- سرمایه فعلی ۲۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۲- مبلغ افزایش سرمایه ۲۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ریال
۳- مبلغ سرمایه پس از افزایش سرمایه ۴۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ریال
۴- نوع سهام عادی ۱۰/۰۰۰ ریالی
۵- موضوع افزایش سرمایه : تامین منابع مالی لازم به منظور تقویت سرمایه در گردش و بهبود ساختار مالی شرکت
۶- هر صاحب ســـهم می تواند بمیزان حق سهم خود از سرمایه در افزایش سرمایه شرکت نماید
۷- مهلت اســـتفاده از حق تقدم خرید ســـهام جدید ۶۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی می باشد.
۸- ســـهامدارانی که تمایل به شـــرکت در افزایش سرمایه دارند می بایست ظرف مهلت مقرر بهای ســـهام را به حساب جاری جام شماره ۱۵۵۷۵۰۲۴ این شرکت نزد بانک ملت شـــعبه مرکزی شاهرود کد ۶۰۵۶۶ واریز و رسید بانکی مربوط را ظرف مهلت استفاده از حق تقدم با پست سفارشی به نشانی تهران خیابان سهروردی شـــمالی خیابان هویزه شرقی پلاک ۳۵ طبقه دوم واحدمالی ارســـال و یا مدارک را مستقیما به امور مالی شرکت به نشانی فوق تحویل و رسید دریافت نمایند.
۹- عدم واریز مبلغ حق السهم بوســـیله سهامداران طی مهلت تعیین شده به‌منزله عدم اســـتفاده آنان از حق تقدم بوده و انصراف از شرکت در افزایش ســـرمایه تلقی میگردد لذا هیئت مدیره مجاز و مختار است سهام این گروه از ســـهامداران را به سایر سهامدارانی که تمایل به شرکت در افزایش سرمایه دارند واگذار نماید.

هیئت مدیره
شرکت رنگین پروفیل کویر (سهامی خاص)

آگهی مناقصه (نوبت دوم) — شرکت آلومینای ایران

شـــرکت آلومینـــای ایران در نظـــر دارد، خدمات زیـــر را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به داوطلب واجد شرایط واگذار نماید.

۱- موضوع مناقصه:
انجام عملیات آماده‌ســـازی و اســـتخراج ســـنگ آهـــک از معدن آهک شرکت آلومینای ایران منطقه جاجرم برای مدت بیست و چهار ماه شمسی.

۲- نام و نشانی دستگاه‌مناقصه گزار:
شـــرکت آلومینای ایران وابسته به سازمان توســـعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران به نشانی استان خراسان شمالی- شهرستان جاجرم- تلفن ۳۲۰۵۳۴۰-۰۵۸۵ تلفکس ۳۲۰۳۰۶۷-۰۵۸۵

۳- شرایط داوطلبین:
۳-۱- در اختیار داشتن امکانات عملیاتی و اجرائی، مدیریتی، توانایی مالی، ماشـــین آلات، و تجربیات مفید و مکفی در زمینه کار موضوع مناقصه و داشتن صلاحیت معتبر در ارتباط با موضوع مناقصه از معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهور در یکی از رشته‌های مشروحه ذیل:
* رشته‌های راه و ترابری، ســـاختمان، آب، صنعت و معدن (حداقل پایه قابل قبول در هر رشته، پایه ۵ می‌باشد)
* رشته کاوشهای زمینی (حداقل پایه قابل قبول پایه ۴ می‌باشد)

۳-۲- داشـــتن حداقل ماشین آلات مورد نیاز جهت انجام خدمات موضوع قرارداد شامل:

۳-۲-۱ بلدوزر	یک / ۱ دستگاه
۳-۲-۲ بیل مکانیکی	دو / ۲ دستگاه

(وجود یک دستگاه چکش جهت استفاده موردی ضروری است)

۳-۲-۳ کامیون مایلر ۱۰چرخ	چهار / ۴ دستگاه
۳-۲-۴ دریل واگن گرد گیردار	یک / ۱ دستگاه

۴- مهلت و مبلغ خرید اسناد مناقصه:
داوطلبین می‌توانند جهت خرید اســـناد مناقصه از تاریخ نشـــر آگهی دوم به مدت یک هفته با واریز مبلغ ۵۰۰،۰۰۰ ریال به حساب فراگیر بانک تجارت به شماره ۴۷۲۵/۸۵۸۰۰ به نام شرکت آلومینای ایران اقدام نمایند.

۵- محل دریافت اسناد مناقصه:
استان خراســـان شمالی- شهرستان جاجرم- شـــرکت آلومینای ایران- امورحقوقی و قراردادها- ضمناً دسترسی به اسناد مناقصه از طریق سایت شرکت آلومینای ایران به نشانی www.iranalumina.ir امکان پذیر می‌باشد و دریافت اســـناد مناقصه هیچگونه حقی را برای داوطلبین ایجاد نمی‌کند و مناقصه‌گزار در رد یا قبول هر یک یا کلیه پیشنهادها مختار است. متقاضیـــان می‌تواننـــد جهـــت کســـب اطلاعـــات بیشـــتر با شـــماره **تلفن ۳۲۰۵۳۴۰-۰۵۸۵** و تلفاکـــس **۳۲۰۳۰۶۷-۰۵۸۵** تماس حاصل فرمایند.

شرکت آلومینای ایران

فراخوان مناقصات (نوبت دوم)

CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2

شرکت ملی صنایع پتروشیمی
شرکت سهامی پتروشیمی بندر امام (سهامی خاص)

شرکت پتروشیمی بندر امام (سهامی خاص)

ردیف	شماره مناقصه	نوع فرآیند	موضوع مناقصه	مناقصه‌گزار	تلفن تماس	مبلغ و نوع سپرده شرکت در مناقصه
۱	من/۹۱/۱۱۷	مناقصه عمومی دومرحله‌ای توام با ارزیابی کیفی بصورت EPCC	احداث خط لوله "۲۰ انتقال گاز سبک (LEANGAS) بطول حدود ۱۷ کیلومتر	شرکت آب نیرو بندر امام	۶۵۲۲۵۵-۲۳۷۵	سه میلیارد و دویست و پنجاه و سه میلیون و ششصد و بیست و پنج هزار ریال به صورت ضمانتنامه بانکی یا واریز نقدی
۲	تم‌ن/۹۱/۹۸	تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای توام با ارزیابی کیفی	ساخت لوله‌های "۲۰ و "۸ و "۴ و "۲ فولادی در متراژ و ضخامت‌های مختلف با استانداردهای API5L-Z60 و API5L-X42 و API5L-Gr-B با تاییدیه شرکت ملی گاز ایران جهت پروژه احداث خط لوله انتقال گاز بطول حدود ۱۷ کیلومتر	شرکت آب نیرو بندر امام	۶۵۲۲۵۵-۲۳۷۵	چهار میلیارد و چهارصد و چهل و پنج میلیون و ششصد و چهل هزار ریال به صورت ضمانتنامه بانکی یا واریز نقدی

۱ـ مدارک موردنیاز جهت دریافت اســـناد مناقصه: درخواســـت کتبی با قید شماره و موضوع مناقصه ضمن معرفی نماینده.
۲ـ ارائه تصویر گواهـــی رتبه‌بندی مرتبط از معاونـــت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به همراه فیش واریز مبلغ پانصدهزار ریال به‌حســـاب شـــماره ۱۰۰۳۰۴۵۶۸۰ بانک تجارت شـــعبه مجتمع پتروشیمی بندر امام جهت خرید اسناد مناقصه ردیف ۱.
۳ـ مهلت زمان و نشـــانی مراجعه جهت دریافت اســـناد: تا ۵ روز کاری پس از انتشـــار نوبـــت‌دوم این آگهی (به فاصله ۲۴ ســـاعت پس از انتشـــار نوبت‌اول)، از ســـاعت ۸:۳۰ لغایت ۱۶، در استان خوزستان ـ بندر امام خمینی مجتمع پتروشیمی بندر امام ـ ساختمان دفتر مرکزی ـ اتاق ۱۱۵.
۴ـ مهلت، زمان و نشـــانی تحویل پاکت مدارک استعلام ارزیابی کیفی و پیشـــنهاد قیمت: تا ۱۴ روز کاری پس از اتمام مهلت دریافت اسناد مناقصه و تا ساعت ۱۶ و به نشانی مندرج در بند۲ این آگهی.
ایـــن آگهـــی در ســـایت www.shana.ir و www.bipc.org قابل مشاهده می‌باشد.

روابط عمومی شرکت سهامی پتروشیمی بندر امام

CH2=CH2 CH2=CH2 تلاش توکل تفکر CH2=CH2 CH2=CH2

آگهی استخدام مدیر داخلی و مالی

بیمارســـتان ایرانیـــان به یک نفر مدیر داخلی با مـــدرک تحصیلـــی مدیریت بیمارستانی و یک نفر مدیر مالی با سابقه کافی در زمینه امور مالـــی، نیاز دارد. متقاضیان مدارک و شماره تماس خود را به آدرس زیر ارسال دارند.

آدرس: بلـوار دهکـــده المپیـک میدان المپیک ـ بیمارستان ایرانیان

واریس

ورم پا، زخم، رگهای درشت، رگهای پراکنده سطحی، تغییر رنگ پوست، احساس سنگینی، درد، خارش

تشخیص - درمان

کلینیک فوق تخصصی عروق بیمارستان مدائن
تلفن پذیرش بیمار : ۷-۲۲۸۱۹۲۷۶

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت تعاونی مصرف کارگران کشتیرانی والفجر

شرکت کشتیرانی والفجر ۸

بدینوســـیله از کلیه صاحبان سهام شـــرکت تعاونی مصرف کشـــتیرانی والفجر دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه که در ســـاعت ۱۴ روز دوشنبه مورخ ۹۲/۱/۲۶ در محل نمازخانه ســـاختمان کشتیرانی والفجر واقع در خیابان قائم‌مقام فراهانی نبش کوچه شبنم پلاک ۱۰۱ تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

۱ـ استماع گزارش هیئت مدیره و بازرسان
۲ـ رسیدگی و اتخاذ تصمیم در خصوص صورت‌های مالی سال
۳ـ انتخاب هیئت مدیره و بازرسان

هیئت مدیره
تعاونی مصرف شرکت کشتیرانی والفجر

آگهی انحلال و دعوت از بستانکاران شرکت صنایع نوین دانا (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۱۶۲۲۴۷ (نوبت دوم)

براســـاس صورتجلســـه مورخ ۱۳۸۴/۲/۳۱ مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان ســـهام و آگهی مندرج در شماره ۱۷۵۶۵ مورخ ۱۳۸۴/۳/۳۰ روزنامه رسمی کشور، شرکت صنایع نوین دانا انحلال یافته و عملیات تصفیه آن آغاز شده است. مراتب طبق مـــاده ۲۲۵ قانوت تجارت در ســـه نوبت و هر نوبت به فاصله یک ماه در روزنامه رســـمی کشـــور جهت استحضار بستانکاران و سایر اشـــخاص حقیقی و حقوقی ذینفع درج می‌گردد، تا حداکثر ظرف مدت ۶ماه پس از درج اولین نوبت آگهی به آدرس مدیر تصفیه در تهران، شـــهرک قدس، خیابان ایران‌زمین، خیابان گلستان، پلاک ۳۱ مراجعه نمایند.

خسرو فتح‌الهی
مدیر تصفیه

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت در حال تصفیه شرکت هلی‌فلکس ایران (سهامی خاص) نوبت سوم

با توجه به آگهی انحلال شـــرکت هلی فلکس ایران به شماره ثبت ۱۴۳۲۶ در روزنامه رسمی کشـــور در تاریخ ۹۱/۸/۲۷ به شـــماره ۱۹۷۲۳ صفحه۴۲ درج گردیده است.
در اجرای مفاد ماده ۲۲۵ قانون تجارت از کلیه بستانکاران شرکت دعوت می‌شود ظرف مدت قانونی از تاریخ انتشـــار این آگهی با در دست داشتن اصل اسناد و مدارک مثبته به مدیر تصفیه به نشـــانی تهران یوسف‌آباد ـ خیابان بیست و هفتم ـ پلاک۴۸ طبقه۴ واحد ۱۴ مراجعه فرمایند. بدیهی اســـت پس از انقضاء مهلت قانونی هیچگونه ادعایی پذیرفته نخواهد شد.

مدیر تصفیه شرکت هلی‌فلکس ایران
سهامی خاص (در حال تصفیه)
فخرالدین بدریان

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت دوم شرکت تعاونی مسکن ذوالفقار فرحزاد به شماره ثبت ۴۶۲۰۲

بدینوســـیله از کلیه اعضـــای تعاونی دعوت می‌شـــود در تاریخ ۹۲/۱/۱۶ روز جمعه ســـاعت ۱۰ صبح جهت شـــرکت در مجمع عمومی فوق‌العـــاده نوبـــت دوم در محل پروژه (ســـعادت‌آباد، میدان کتاب، خیابان کوهستان، روبروی شهرداری ناحیه ۸ ورودی یک طبقه منفی یک بلوک‌های ۱۹ و ۲۰) حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

۱ـ گزارش مدیر محترم اجرائی پروژه
۲ـ گزارش هیئت مدیره
۳ـ تصمیم‌گیری برای انحلال تعاونی
۴ـ انتخاب هیئت تصفیه در صورت تائید انحلال تعاونی
۵ـ انتخاب محل تصفیه

هیئت مدیره
تعاونی مسکن ذوالفقار فرحزاد

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول شرکت تعاونی سحر گستر اردبیل

بدینوســـیله از کلیه اعضاء و ســـهامداران محترم شرکت تعاونی سحرگستر اردبیل دعوت می‌شود در جلســـه مجمع عمومی فوق‌العـــاده که راس ساعت ۴ بعدازظهر روز چهارشنبه مورخ ۹۲/۱/۱۴ در محل سالن آمفی‌تئاتر بانک کشاورزی واقع در ساختمان مدیریت بانک کشاورزی استان اردبیل تشکیل خواهد یافت حضور بهم رسانید.

دستور جلسه:

۱ـ اســـتماع گزارش بازرسان شـــرکت تعاونی سحرگستر اردبیل
۲ـ تصمیم‌گیری در خصوص وضعیت شـــرکت تعاونی سحرگستر

اعضای هیئت مدیره
شرکت سحرگستر اردبیل

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت تعاونی مسکن پرسنل طرح یا مهدی (عج) شماره ثبت ۷۱۵۷۲ سال تاسیس ۱۳۶۷

بسمه تعالی

به اطلاع کلیه اعضاء محترم شـــرکت تعاونی مسکن پرسنل طرح یا مهدی (عج) می‌رســـاند جهت بحث و بررسی و اخذ تصمیمات لازم راجع به موارد مشروحه ذیل، جلسه مجمع عمومی عادی راس ساعت ۱۳/۳۰ روز دوشنبه ۹۲/۰۲/۰۲ در محل حسینیه صاحب‌الزمان (عج) برگزار می‌گردد.

دستورات جلسه:

۱ـ گزارش هیئت مدیره و بازرس
۲ـ تصمیم‌گیری در خصوص پاداش
۳ـ انتخاب اعضای هیئت مدیره
۴ـ سایر موارد

تذکرات:

۱ـ مجمع با حضور نصف بعلاوه یک اعضاء رسمیت خواهد یافت.
۲ـ تصمیمات متخذه مجمـــع برای کلیه اعضاء اعم از حاضر و غایب نافذ و معتبر خواهد بود و چنانچه حضور عضوی در مجمع میســـر نباشـــد می‌تواند نماینده تام‌الاختیار خود را بصورت مکتوب معرفی نماید.

هیئت مدیره
شرکت تعاونی مسکن پرسنل طرح یا مهدی (عج)

مزایده فروش سهام

تعداد ۷۱،۰۰۰ سهم شرکت خدماتی مجتمع صنایع داروسازی (سهامی خاص) به ارزش اســـمی ۷۱۰ میلیون ریال از طریق برگزاری مزایده عمومی واگذار می‌شود. شرکت مزبور جهت تاســـیس مجتمع کارخانجات صنایع دارویی در محل سهیلیه کرج در سال ۱۳۶۷ تحت شـــماره ۸۹۷۸۶ با سرمایه ۴/۹۰۰ میلیون ریال تاسیس شده است و در حال حاضر فاقد فعالیت می‌باشد و هیات مدیره آن شرکت اقدامات لازم جهت فروش اموال شرکت را در دســـت پیگیری دارد متقاضیان خرید سهام یاد شده می‌توانند به منظور اخذ اطلاعات بیشتر با تلفن شماره ۸۸۷۷۷۴۷۰ تماس حاصل نموده و یا به آدرس تهران ـ میدان آرژانتین ـ خیابان الونـــد ـ کوچه آویز ـ پلاک۵ دفتر مدیریت امور مالی شرکت سرمایه‌گذاری البرز مراجعه فرمایند.

شرکت تولید دارو (سهامی عام)

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول شرکت تعاونی مسکن بانک کشاورزی اردبیل

بسمه تعالی

بدینوســـیله از کلیه اعضا و سهامداران محترم شرکت تعاونی مسکن کارکنان بانک کشـــاورزی اردبیل دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که رأس ساعت پنج بعدازظهر روز چهارشنبه مورخ ۹۲/۱/۱۴ در محل سالن آمفی‌تئاتر بانک کشاورزی واقع در ساختمان مدیریت بانک کشاورزی استان اردبیل تشکیل خواهد یافت حضور به هم رسانید.

دستور جلسه:

۱ـ استماع گزارش بازرســـان شرکت تعاونی مسکن کارکنان بانک کشاورزی اردبیل
۲ـ تصمیم‌گیری در خصوص وضعیت شرکت تعاونی مسکن کارکنان اردبیل

اعضا هیئت مدیره شرکت تعاونی مسکن کارکنان بانک کشاورزی اردبیل

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی فوق‌العاده صاحبان سهام شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر (سهامی خاص)

بدینوســـیله از کلیه ســـهامداران محترم و یا نمایندگان قانونی آنها دعوت می‌گردد تا در جلســـه مجمع عمومی عـــادی فوق‌العاده که با دستور زیر رأس ســـاعت ۱۶ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۲/۱/۷ به آدرس تهران خیابان شهرک غرب ـ بلوار خوردین ـ خیابان توحید ۲ پلاک ۸۰ در محل شـــرکت ســـرمایه‌گذاری صنایع برق و آب صبا تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

۱ـ نقل و انتقال سهام
۲ـ انتخاب اعضای هیئت‌مدیره
۳ـ تصویب بودجه سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲
۴ـ سایر موارد

هیئت‌مدیره
شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر

شرکت توزیع نیروی برق مازندران (سهامی خاص) آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده شرکت توزیع نیروی برق استان مازندران (سهامی خاص)

جلســـه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده شرکت توزیع نیروی برق اســـتان مازندران به منظور بررسی و اتخاذ تصمیم در خصوص دستورجلسه به شـــرح زیر، راس ســـاعت ۲۰ عصر روز سه‌شنبه مورخ ۹۲/۱/۶ در محل شرکت سرمایه‌گذاری صنایع برق و آب صبا (ســـهامی خاص) به آدرس: تهران- شهرک غرب- بلوار خوردین- خیابان توحید۲- پلاک۸۰ تشکیل خواهد شد. از سهامداران محترم دعوت می‌شود راس ساعت مقرر در جلسه حضور یابند.

دستورجلسه:

۱- نقل و انتقال سهام
۲- انتخاب اعضای هیئت مدیره
۳- تصویب بودجه‌های سالهای ۱۳۹۱-۱۳۹۲
۴- سایر موارد

هیئت مدیره

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر (سهامی خاص)

بدینوسیله از کلیه ســـهامداران محترم و یا نمایندگان قانونی آنها دعوت می‌گردد تا در جلســـه مجمع عمومی فوق‌العاده که با دســـتور زیر رأس ســـاعت ۱۵ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۲/۱/۷ بـــه آدرس تهران خیابان شـــهرک غرب ـ بلوار خوردین ـ خیابـــان توحید ۲ پلاک ۸۰ در محل شـــرکت سرمایه‌گذاری صنایع برق و آب صبا تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

۱ـ اصلاح اساسنامه شرکت
۲ـ سایر موارد

هیئت مدیره
شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر

شرکت توزیع نیروی برق مازندران (سهامی خاص) آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت توزیع نیروی برق استان مازندران (سهامی خاص)

جلســـه مجمع عمومی فوق‌العاده شـــرکت توزیع نیروی برق استان مازندران به منظور بررسی و اتخاذ تصمیم در خصوص دستورجلسه به شرح زیر، راس ساعت ۱۹ عصر روز سه‌شنبه مورخ ۹۲/۱/۶ در محل شرکت سرمایه‌گذاری صنایع برق و آب صبا (سهامی خاص) به آدرس: تهران- شـــهرک غرب- بلوار خوردین- خیابان توحید۲- پلاک۸۰، تشکیل خواهد شد. از سهامداران محترم دعوت می‌شود راس ساعت مقرر در جلسه حضور یابند.

دستورجلسه: ۱- اصلاح اساسنامه شرکت ۲- سایر موارد

هیئت مدیره

آگهی مزایده نوبت اول

شـــرکت لیزینگ امیـــد در نظر دارد ملک اداری خود را به شرح جدول ذیل با کلیه امتیازات و با شرایط فعلی از طریق مزایده عمومی و به بالاترین قیمت پیشنهادی بطور یکجا واگذار نماید.

پلاک		متراژ	کاربری		
پلاک فرعی ۵۰۰۵۲	از ۱۱۶	به متراژ ۲۷۸/۹۵	اداری	ششدانگ	به‌انضمام ۱۹ پارکینگ
پلاک فرعی ۵۰۰۲۱	از ۱۱۶	به متراژ ۲۷۸/۹۵	اداری	ششدانگ	
پلاک فرعی ۵۰۰۴۹	از ۱۱۶	به متراژ ۲۷۸/۹۵	اداری	ششدانگ	
پلاک فرعی ۵۰۰۵۰	از ۱۱۶	به متراژ ۲۷۸/۹۵	اداری	ششدانگ	
پلاک فرعی ۵۰۰۵۳	از ۱۱۶	به متراژ ۲۷۸/۹۵	اداری	ششدانگ	
جمعاً		۱۳۹۴/۷۵	مترمربع		

متقاضیان می‌توانند جهت دریافت شـــرایط مزایده و بازدید از ملک فـــوق از تاریخ درج آگهی نوبت دوم به نشـــانی تهران، خیابان خالد اسلامبولی (وزرای ســـابق)، کوچه۱۴، پلاک۱۳، واحد کمیسیون معاملات مراجعه نمایند. متقاضیان می‌بایست پیشنهادهای قیمت خود را وفق شرایط مزایده ارائه نمایند.
۱ـ مهلت تحویل اســـناد به متقاضیان از تاریخ انتشـــار آگهی نوبت دوم، تا روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۲/۱/۲۰ می‌باشد.
۲ـ مهلت قبول پیشنهادها و تحویل به دفتر کمیسیون معاملات بعد از آخرین روز مهلت دریافت اسناد (بند ۱) تا روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۲/۱/۲۷ می‌باشد.
۳ـ زمان و محل گشایش پیشـــنهادها صبح روز شنبه مورخ ۱۳۹۲/۱/۳۱ در محل شرکت به نشانی فوق‌الذکر خواهد بود.
۴ـ سپرده شـــرکت در مزایده معادل ۵ درصد قیمت پیشنهادی می‌باشد (تلفن تماس جهت کسب اطلاعات بیشتر، ۸۸۴۸۰۷۵۰ داخلی ۲۰۶).

شرکت لیزینگ امید

آگهی استفاده از حق تقدم خرید سهام شرکت روناک دارو (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۹۸۲۹۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۰۱۲۰۸

در اجرای مصوبه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۰ شرکت روناک دارو (ســـهامی خاص) در خصوص افزایش سرمایه از مبلغ بیست و ســـه میلیارد و پانصد میلیون ریال از طریق صدور ســـهام جدید از محل آورده نقدی و مطالبات حال شده به مبلغ اسمی هر سهم ۱۰۰۰ ریال و تفویض اختیار انجام آن به هیأت مدیره مراتب ذیل را به آگاهی ســـهامداران محترم شرکت می‌رساند:
۱ـ افزایش ســـرمایه از مبلغ بیست و ســـه میلیارد و پانصد میلیون ریال به مبلغ هفتاد میلیارد و پانصد میلیون ریال منقسم به ۷۰/۵۰۰/۰۰۰ سهم عادی با نام ۱۰۰۰ ریالی می‌باشد.
۲ـ تعداد سهامی که صادر خواهد شـــد ۴۷/۰۰۰/۰۰۰ سهم می‌باشد که هر یک از ســـهامداران به نسبت سهام قبلی خود، حق‌تقدم خرید سهام جدید را دارا می‌باشد.
۳ـ مهلت استفاده از خرید حق تقدم سهام جدید از تاریخ نشر این آگهی به مدت ۶۰ روز (تا پایان وقت اداری روز پنج‌شنبه مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۲۶ می‌باشد. سهامداران شرکت می‌توانند در مهلت مقرر با مراجعه به بانک تجارت گیشا کد ۳۲۸) نسبت به خرید حق تقدم ســـهام خود ضمن واریـــز مبلغ افزایش سرمایه به حســـاب ۰۱۴۳۴۰۶۲۱۰ به نام شرکت روناک دارو (ســـهامی خاص) اقدام نموده و فیش پرداخت وجه افزایش ســـرمایه را به دفتر شـــرکت واقع در خیابان فاطمی خیابان هشت بهشـــت کوچه اردشـــیر پلاک ۱۰ طبقه ۳ به کدپستی ۱۴۱۴۷۱۳۴۶۴ تحویل نمایید.
۴ـ بدیهی است پس از انقضای مهلت مقرر، هیأت مدیره مجاز است سهام باقیمانده را به سایر متقاضیان واگذار نماید.

هیأت مدیره

آگهی تشکیل مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده و مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت تهران نیرو (سهامی خاص) به شماره ثبت ۸۳۲۳۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۷۸۴۵۵

بدینوســـیله از کلیه سهامداران شـــرکت تهران نیرو جهت حضور در جلســـه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العـــاده و مجمع عمومی عادی ســـالیانه در تاریخ ۹۲/۱/۲۰ ســـاعت ۱۲ در مرکز اصلی شرکت واقع در ابتدای بزرگراه شـــهید چمران ـ خیابان الف ـ پلاک ۴ با دستور جلسه، به شرح زیر دعوت به عمل می‌آید.

۱ـ بررسی و تصویب سود و زیان و صورت‌های مالی منتهی به ۹۰/۱۲/۲۹ و ۹۱/۱۲/۳۰
۲ـ انتخاب اعضای هیئت مدیره
۳ـ انتخاب بازرس قانونی برای سال ۹۲
۴ـ تعیین حق‌الزحمه بازرس
۵ـ تعیین حق‌الزحمه مدیران
۶ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار
۷ـ ســـایر موارد که در صلاحدید مجمع عمومی عادی سالیانه و عادی به طور فوق‌العاده باشد.

هیئت مدیره
شرکت تهران نیرو (سهامی خاص)

آگهی افزایش سرمایه شرکت پتروشیمی ارگ (سهامی خاص) به شماره ثبت ۷۷۳۷۴

براســـاس مصوبات مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۲۸ و جلسه مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳ هیئت مدیره شـــرکت، افزایش سرمایه به مبلغ ۶۰ میلیارد ریال در این مرحلـــه (از مبلغ ۵۰ میلیارد ریال به مبلغ ۱۱۰ میلیارد ریال) از محل مطالبات ســـهامداران و آورده نقدی و از طریق صدور ســـهام جدید به نسبت سهام فعلی خود و به مبلغ اســـمی هر ســـهم معادل ده هزار ریال مورد تصویب قرار گرفت. مهلت اســـتفاده از حق تقدم سهام مذکور از تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۷ الی ۱۳۹۲/۰۲/۲۵ تعیین شـــد و مقرر گردید در این خصوص با نشـــر آگهی در روزنامه کثیرالانتشار شـــرکت مراتب به اطلاع سهامداران رسانیده شود که در مهلت مقرر از تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۷ از حق تقدم خود استفاده نمایند.
بدیهی اســـت پس از اتمام مهلت مذکور هیئت مدیره تصمیم لازم را اتخاذ می‌نماید.

هیئت مدیره
شرکت پتروشیمی ارگ (سهامی خاص)

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده صاحبان سهام شرکت گلسار فارس (سهامی خاص)

بدینوســـیله از کلیه ســـهامداران محترم یا نمایندگان قانونی آنان دعوت به عمل می‌آید تا در جلســـه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده که در روز شنبه مورخ ۱۳۹۲/۱/۱۰ رأس ســـاعت ۱۱ صبح درمحل کارخانه واقع در شیراز ـ دو کوهک کیلومتر ۲ جاده قدیم صدرا تشکیل می‌گردد، حضور بهمرسانید.

در ضمن دستور جلسه به شرح ذیل می‌باشد:

۱ـ انتخاب اعضاء هیئت مدیره
۲ـ سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی باشد.

هیأت مدیره
شرکت گلسار فارس

خوزستان؛ سرزمین رشادت و ایثار

***حماسه‌های جاوید رزمندگان اسلام در طول ۸ سال دفاع مقدس یادمان‌های افتخارآمیزی را در تاریخ این کشور رقم زد و جای جای خوزستان یادآور رشادت‌ها و دلاورمردی‌های این مردم خداجو است**

***تالاب بین‌المللی شادگان در زمره جذاب‌ترین جلوه‌های طبیعی خوزستان قرار دارد**

اهواز ـ خبرنگار اطلاعات: گردشگری در نوع وارسته آن، مجموعه کوششی است که افراد برای دیدن جلوه‌های متنوع زندگی در عرصه‌های طبیعی یا مصنوعی آن به فعل می‌رسانند.

چشم‌انداز داشته‌های ما در این زمینه بسیار غنی و غبطه‌انگیز است که بسیاری ممالک دیگر آرزوی چنین موقعیتی را دارند و به‌رغم همه اقدامات هنوز در جلب گردشگران داخلی به نقطه قابل بحثی نرسیده‌ایم بنابراین شاید اصلی‌ترین نکته ضعف تبلیغ باشد.

اگر چه ۸ سال دوران دفاع مقدس و تبعات پس از آن خوزستان را چندین پله از مسابقه عمران و آبادانی کشور عقب انداخت اما ویژگی‌های بسیار ملموس و غیرقابل انکار این استان مستعد، آن را در زمره شاخص‌ترین مناطق کشور قرار می‌دهد.

دسترسی به آب‌های بین‌المللی از طریق خلیج فارس، حاصلخیزی خاک به سبب رسوبات رودخانه‌ای در بخش جلگه‌ای، مرز مشترک ۲۰۰ کیلومتری با عراق، برخورداری از منابع آب، نفت و گاز و استقرار بندرهای مهم کشور چون خرمشهر، آبادان، هندیجان، بندرامام خمینی(ره)، سوابق تاریخی بسیار با ارزش و منحصر به فرد و وجود آثار باستانی ویژه و آثار باقیمانده از جنگ تحمیلی در یک جمع‌بندی خوزستان را استانی مطرح و قابل اعتنا در میان دیگر مناطق کشور قرار داده است.

شهرهای خوزستان

آبادان ـ شاید به خاطر بسیاری از جاذبه‌های قدیمش هنوز آشناترین شهر ایران باشد.

شهری در دهانه ورودی خلیج فارس و همجوار با عراق و کویت. هنوز پالایشگاه وسط این شهر است. شاید اگر حادثه‌ای به نام جنگ تحمیلی اتفاق نمی‌افتاد، آبادان بسیار بزرگتر و پر رونق‌تر از امروز بود، با این همه آبادان هنوز دیدنی است. منظره لنج‌های متراکم کنار آب، بازار کویتی‌ها، مدرسه مهرگان، بقعه خضر، موزه، مسجد رنگونی‌ها، بازار ته لنجی و تفریح روی اروند رود از جاذبه‌های این شهر است.

اندیمشک

این شهر در کنار خرابه‌های شهر باستانی لور واقع است از مناطق گردشگری تاریخی و مذهبی آن سد دز، سد کرخه، منگره، اباره عباس خان، کاروانسرای رزه، دوکوهه، مقبره شهدای گمنام و بقعه امامزاده احمدبن موسی کاظم(ع) را می‌توان نام برد.

اهواز

حدود ۴۰۰۰ سال پیش شهری به نام اوکسین در محدوده شهر اهواز کنونی برپا بوده است. این شهر پس از ویرانی و آبادی مکرر، توسط اردشیر بابکان تجدید بنا شد. در سال ۱۳۰۴ خورشیدی به فرمان پهلوی اول مرکز خوزستان تعیین شد و از همان سال به اهواز تغییر نام داد. پس از آنکه در زمان ناصرالدین شاه قاجار کشتیرانی در رودخانه کارون آزاد شد تجارت و بازرگانی در اهواز رونق یافت.

از آثار مهم و دیدنی اهواز مرقد علی‌بن مهزیار اهوازی، دانشگاه جندی شاپور، پل سفید، پل سیاه، پل کابلی، پل هفتم، پارک لاله، مجموعه معین‌النجار، بازار اهواز و سواحل زیبای کارون به ویژه در ایام شب است.

باغملک

باغملک در ۱۳۵ کیلومتری اهواز واقع است و از مناطق دیدنی آن می‌توان منطقه توریستی مال‌آقا، پل تاریخی بیاره، گور دخمه سنگی، آسیاب‌های سنگی، بنای قلعه تل، رباط حضرت سلیمان(ع)، امامزاده عبدالله(ع)، منجیق، پل تاریخی سنگ و ساروج را نام برد.

بهبهان

در زمان ساسانیان در نزدیک شهر بهبهان فعلی شهر ارجان وجود داشت و پس از زلزله‌ای که در سال ۱۰۸۵ میلادی این شهر رخ داد مردم به محل بهبهان کنونی نقل مکان کردند.

آثار ارجان قدیم، تنگ تکاب، پل ارجان، امامزاده حیدر(ع)، امامزاده شاه‌فضل(ع)، امامزاده بشیر(ع)، قلعه خیرآباد، موزه مردم‌شناسی، حمام بکان، رودخانه مارون، تنگه ماغر و نرگس‌زارهای بهبهان از نقاط دیدنی است.

ایذه

این شهرستان به واسطه قرار گرفتن در حاشیه کوه‌های زاگرس دارای آب و هوای کوهستانی است

شهر ایذه در زمان عیلامیان «آیاپیر» و در زمان هخامنشیان «آتران» نامیده می‌شد.

اشکفت سلمان و کول فرح از جمله نقاط دیدنی این شهر است.

خرمشهر

خرمشهر را بازمانده شهر پیان می‌دانند. این شهر تا پیش از جنگ تحمیلی بزرگترین لنگرگاه خاورمیانه بود.

از دیدنی‌های این شهر پل ارتباطی خرمشهر و آبادان، زیارتگاه سید غریب در جزیره مینو، بنای قدیم هلال‌احمر، مسجد جامع با قدمتی حدود ۱۲۰ سال، موزه جنگ و زیارتگاه شهدای شلمچه است.

دزفول

برخی از آثار کشف شده در این شهر متعلق به دوران قبل از میلاد بوده که بازگوکننده قدرت دیرین این شهر است. بزرگترین رودخانه کشور به نام دز در این شهرستان جاری است.

از آثار به جای مانده بقایای شهر باستانی جندی شاپور واقع در ۱۰ کیلومتری دزفول است که بانی آن شاپور اول ساسانی بوده است.

این شهر باستانی تا حدود سال ۹۸۰ میلادی آباد بود و دانشگاه این شهر نقش عمده‌ای در جوامع علمی جهان داشت.

پل قدیمی دزفول، تپه‌های چغامیش، مسجد جامع، بقعه شاه رکن‌الدین، شاه ابوالقاسم، پیرروبند، آبشارشوی، رودخانه‌های دز و کرخه و بقعه سبزقبا از نقاط دیدنی این شهر است.

شوش

این شهر به عنوان اولین مرکز شهرنشینی جهان است. محوطه باستانی شوش بخش بزرگی به وسعت تقریبی ۴۰۰ هکتار را در بر می‌گیرد که در میان دو رود کرخه و دز واقع شده است.

شادگان

این شهر در جنوب غرب خوزستان قرار دارد و در زمان قباد ساسانی ساخته شده و تا هزار سال پیش شکوهی ویژه داشته است. تالاب بین‌المللی شادگان در زمره جذاب‌ترین جلوه‌های طبیعی این منطقه است.

شوشتر

این شهر در ۹۰ کیلومتری شمال اهواز با آثاری منحصر به فرد از تمدن‌های عیلامی و اسلامی نظیر پل‌ها، شبکه‌ها، آسیاب‌ها، آبشارها، موزه تأسیسات نامیده می‌شود.

قلعه سلاسل، قلعه رستم، آسیاب‌ها، بندمیزان (پل والرین)، بندقیصر، پخشاب داریون، دخمه‌های دال ریز و مسجد جامع و آسیاب‌های شوشتر از جمله دیدنی‌های این شهر است.

رامهرمز

این شهر در ۹۵ کیلومتری شرق اهواز قرار دارد و منصوب به هرمز ساسانی است. بررسی باستان‌شناسی استقرار انسان در دشت رامهرمز را حداقل تا هزاره ششم پیش از میلاد مشخص کرد. علاوه بر کشف آثاری مربوط به دوره عیلامی شواهدی مربوط به شکوفایی منطقه در دوره ساسانی و اسلامی نیز یافت شده است. طاق نصرت، تل برمی، عمارت صمیمی (سپهدار)، قلعه داودختر، بقعه زاهدون، بقعه علمدار، قلعه امیر مجاهد یا منزل بهبهانی

مسجدسلیمان

نام تاریخی این شهر «پارسوماش» است که این نام را پارسیان که از غرب ایران به این مکان آمدند، بدان اطلاق کردند. در دوران قرون وسطی آن را «تلغر» که نام سرزمینی در کنار رودخانه کارون بود، می‌خواندند. بعدها این شهر به نام جهانگیری، نفتون و سپس مسجد سلیمان خوانده شد. در این شهرستان و توابع اطراف آن بالغ بر ۲۰۰۰ اثر تاریخی پیش‌بینی و ۴۰۰ اثر آن شناسایی شده است.

جاذبه‌های دفاع مقدس

حماسه‌های جاوید رزمندگان اسلام در طول ۸ سال دفاع مقدس یادمان‌های افتخارآمیزی را در تاریخ این کشور به جا گذاشته است، جای جای خوزستان یادآور رشادت‌ها و مبارزات این مردم خداجو است.

صنایع دستی خوزستان

استان خوزستان بستر مناسبی برای رشد و شکوفایی صنایع دستی رشته‌های مختلف محسوب می‌شود. نکته قابل توجه اینکه وجود عشایر کوچرو که خود حافظ هنرهای سنتی‌اند موجب تنوع و ازدیاد رشته‌ها و نیز ترویج آنها به دیگر مناطق شده است و تاکنون بیش از ۶۰ رشته صنایع دستی شناسایی شده در خوزستان وجود دارد که شامل: کپو، احرامی، قالی محلی، حصیر، محرق، خراطی، نساجی سنتی، گلیم، عبا، گیوه، ورشو، معرق، گبه (خرسک) تولیدات عشایری، مینای نقره و طلا، گلسازی، نمدمالی و دهها رشته دیگر.

جاذبه‌های طبیعی

محور اهواز ـ شادگان ـ آبادان:

این محور که در جنوب غرب استان خوزستان واقع است، دارای جاذبه‌های طبیعی منحصر به فردی چون تالاب بین‌المللی شادگان است. پس از این تالاب شهرستان آبادان قرار دارد و دو رود اروند و بهمنشیر با عبور از این شهر مناظر زیبایی را خلق کرده‌اند.

همجواری بیش از ۲۰ هکتار نخلستان در کنار این رودها و بهره‌مندی از آب و هوایی مناسب به خصوص در فصل زمستان و بهار شرایط بسیار مناسبی را به جهت جذب گردشگر فراهم آورده است.

یکی دیگر از جاذبه‌های طبیعی این شهرستان وجود آبراه اروند است که با داشتن محیطی بکر طبیعی و زیبا از نقاط دیدنی به شمار می‌رود. در ادامه این محور، جزیره مینو قرار دارد. این جزیره با وسعت ۷۲ کیلومتر مربع در جنوب غرب استان قرار دارد.

۱۵ نهر منشعب از اروند رود در سطح این جزیزه جریان داشته و بیش از ۱۰۰ هزار اصله نخل در این جزیره وجود دارد. سطح جزیره پوشیده از گونه‌های متنوع گیاهی است.

محور کارون ـ دز ـ چغازنبیل

این محور در نواحی شمال غرب استان واقع شده و با رودخانه زیبای کارون آغاز می‌شود.

این رود به وجودآورنده اکو سیستمی خاص در اطراف خود است و از کوه‌های ونک و زردکوه بختیاری سرچشمه گرفته و پس از ورود به خوزستان و عبور از شهرهای ایذه، مسجد سلیمان، شوشتر، اهواز و خرمشهر به خلیج فارس می‌ریزد.

***دسترسی به آب‌های بین‌المللی از طریق خلیج فارس حاصلخیزی خاک، مرز مشترک با عراق، برخورداری از منابع آب، نفت و گاز، استقرار بندرهای مهم و آثار با ارزش تاریخی از توانمندی‌های خوزستان به شمار می‌آید**

منطقه حفاظت‌شده دز

منطقه دز با وسعت بیش از ۱۵ هزار و ۷۸۳ هکتار به صورت دو نوار جنگلی دو طرف رودخانه دز را پوشانده است و در طول این مسیر جنگل‌های دو طرف، سیمای متفاوتی از جنگل‌های انبوه و متراکم تا جنگل‌های تنگ شده را به خود گرفته و چشم‌اندازهای متفاوتی به وجود آورده است.

منطقه حفاظت‌شده کرخه

ترکیب گیاهی این مناطق شامل انواع گونه‌های درختی پده و گز گونه‌های درختچه‌ای سریم، جاز، بید، گلجی، کهورک، تمشک، استبرق و گونه‌های مرتعی شبدر، منداب، خارشتر، ترشک، بنفشه وحشی، آلاله، شنبلیله وحشی است. حیات وحش این منطقه شامل: خرگوش، خارپشت، خفاش، گرگ، شغال، روباه معمولی، راسو، کفتار، گربه جنگلی، سیاه‌گوش، گراز و گوزن زرد ایرانی است. همچنین پرندگان بومی منطقه شامل دراج، کبوتر جنگلی، بوتیمار، حواصیل خاکستری، اردک سبز، فیلگوش وخروس کولی هستند.

محور اهواز ـ کارون ـ گرگر ـ شوشتر

جاذبه‌های طبیعی این محور عمدتاً به صورت ترکیبی کوهستانی ـ جلگه‌ای است. مهمترین جاذبه طبیعی موجود در این محور وجود منابع غنی آب در آن است تا آنجا که اکثر آثار تاریخی موجود در این محور، سازه‌های آبی تاریخی هستند و این امر ارتباط عمیق تاریخ منطقه را با آب نشان می‌دهد. مهمترین شهری که در این محور قرار دارد شهرستان شوشتر و عبور دو شاخه رود کارون از میان آن است. شاخه شمالی آن به نام گرگر پس از عبور بند معروف به بند میزان در داخل شهر چندین آبشار زیبا را تشکیل می‌دهد. عبور این دو شاخه از رود کارون موجب شده که شوشتر و زمین‌های واقع بین دو شاخه رودخانه را به صورت یک جزیره و ایجاد شرایط مناسب برای توسعه تفرج درون شهری در این شهر فراهم آورده است.

قلعه شوش

پل قدیمی دزفول

تالاب شادگان

معبد چغازنبیل

روستای مال آقا

واحدهای مسکونی مهر استان قزوین آماده بهره‌برداری است

قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری قزوین از واگذاری واحدهای مسکونی مهر این استان در آینده‌ای نزدیک خبر داد.

منوچهر حبیبی با اشاره به این که پروژه مسکن مهر در استان قزوین در آستانه بهره‌برداری است اظهار امیدواری کرد دستگاه‌های فعال در این پروژه با تعیین کشیک‌های نوروزی و جلوگیری از ایجاد وقفه در مراحل ساخت آن در اوایل سال آینده زمینه بهره‌برداری از این واحدها را فراهم کنند.

قائم مقام وزیر و مدیرکل راه و شهرسازی استان قزوین در ابتدای این جلسه با ارائه گزارشی از مراحل اجرای مسکن مهر در استان قزوین خواست با پیگیری مصوبات و عمل به تعهدات تعیین شده زمینه بهره‌برداری هرچه سریعتر از واحدهای مسکونی مهر را در استان قزوین فراهم کنند.

محمدنادر محمدزاده یادآور شد: بیش از ۵۵ هزار واحد مسکونی مهر در استان قزوین در دست ساخت است که از این میزان ۱۵هزار واحد آن آماده واگذاری است. مدیر امور مسکن و ساختمان اداره کل راه و شهرسازی استان قزوین هم در حاشیه برگزاری این جلسه گفت: در استان قزوین بیش از ۳۲۰هزار واحد مسکونی وجود دارد که ۲۹درصد مسکن در چند سال اخیر بازسازی و ساخته شده است.

علی محمدپور کریم افزود: طرح مسکن مهر در شهرهای قزوین، آبیک، تاکستان، بوئین‌زهرا و الوند در حال اجراست که ۴۰هزار واحد در مرحله سقف‌زنی و ۳۰هزار واحد در مرحله پایانی است.

اختصاص اعتبار برای آسفالت معابر رامهرمز

رامهرمز ـ خبرنگار اطلاعات: وزارت نفت یک میلیارد تومان اعتبار برای آسفالت معابر رامهرمز اختصاص داد.

دکتر شمس‌الله بهمنی نماینده مردم رامهرمز و رامشیر در مجلس شورای اسلامی با بیان مطلب بالا افزود با توجه به وضع نابسامان خیابان‌های سطح شهر رامهرمز از لحاظ آسفالت و نگرانی مردم از این وضع تلاش کردیم که بخشی از مطالبات این شهرستان را از وزارت نفت پیگیری کنیم که به نتیجه رسیدیم. وی ادامه داد: وزارت نفت در سال ۸۹ اعتباری بالغ بر یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان به شهرداری رامهرمز به منظور روکش آسفالت خیابان‌های این شهر اختصاص داد که متاسفانه شهرداری موفق به جذب کامل آن نشد و بخش عمده‌ای از این بودجه برگشت خورد. نماینده مردم رامهرمز و رامشیر در مجلس شورای اسلامی اضافه کرد: با پیگیری‌های مستمر، خوشبختانه وزارت نفت موافقت کرد که یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان باقیمانده را در اختیار شهرداری رامهرمز قرار دهد تا معضل آسفالت خیابان‌های سطح شهر رفع شود.

او ادامه داد: قرارداد آسفالت با پیمانکار بسته شده و در محل‌های مورد نظر کار آسفالت‌ریزی نیز آغاز شده است.

کمک نیکوکاران استان مرکزی به مددجویان

اراک ـ خبرنگار اطلاعات: یک بانوی خیر ساوه‌ای در جشن نیکوکاری امسال ۵۰دست مانتو و شلوار به مددجویان کمیته امداد هدیه کرد.

محمدتقی جوادی مدیر کمیته امداد امام خمینی(ره) ساوه با اعلام این خبر افزود: این بانوی خیر، خود یکی از مددجویان امداد بوده است که با کمک کمیته امداد و همت خود به توانمندی رسیده و از گردونه حمایتی خارج شده است.

محمدرضا نصیری نیک مدیر کمیته امداد امام خمینی(ره) فراهان نیز گفت: در جشن نیکوکاری امسال، یک خیر فراهانی ۴۰۰۰جفت کفش به نیازمندان کمیته امداد کمک کرد.

وی گفت: این خیر ساکن تهران است و تاکنون کمک‌های قابل توجهی به مددجویان کرده است. او اضافه کرد: در روز نیکوکاری یکی دیگر از خیران فراهانی یک واحد آپارتمان به مددجویان این نهاد اهدا کرد.

داود روشنی مدیر کمیته امداد امام خمینی(ره) شهرستان خمین نیز اعلام کرد: یک بانوی خیر ساکن این شهر ۲۰۰ میلیون ریال در جشن نیکوکاری به این نهاد کمک کرد. او همچنین از اهدای ۱۵۰ سبد غذایی و ایجاد اشتغال برای ۲۰نفر، توسط یکی دیگر از خیران خمین در جشن نیکوکاری امسال خبر داد. یک خیر محلاتی نیز ۲۰۰ میلیون ریال به نیازمندان کمک کرد.

خیر تفرشی هم ۲۰۰ جفت کفش به افراد نیازمند کمیته امداد امام خمینی(ره) هدیه کرد. قاسم مقدم مدیر کمیته امداد امام خمینی(ره) تفرش با بیان این مطلب همچنین از اهدای ۱۱۰ سبد غذایی از سوی یکی دیگر از خیرین تفرشی به افراد نیازمند خبر داد.



جاسوسان در برابر نبرد بزرگ

نوشته: دان راویو – یوسی ملمن ■ ترجمه: مرتضی میرمطهری ■ ۱۷۵

در نیمه ماه سپتامبر سه هفته قبل از آغاز جنگ، یک کارت پستال ظاهراً عادی به ستاد مرکزی موساد در ساختمان «هدر دافنا»[7] رسید. آن کارت از یک نشانی اروپایی فرستاده شده بود. مسئولین توزیع نامه‌ها در موساد، دو روز وصول آن کارت را نادیده گرفته بودند. امّا یک کارمند جوان نسبت به کارت مزبور کنجکاو شد.

این کارت توسط آن کارگر مصری که جاسوس اسرائیل در اسکندریه بود نوشته شده بود. او با زیر پا گذاشتن دستوراتی که به او داده شده بود تا سکوت اختیار کند، در یک چنین وضع مخاطره‌آمیزی مبادرت به برقراری تماس با موساد کرده بود.

پیامی که او نوشته بود، فقط سلام‌رسانی و ابراز ارادت شخصی به یک فرد دروغین بود، اما یک جمله وجود داشت که به مضمون کلی پیام نمی‌خورد. آن کارمند جوان موساد تشخیص داده بود که آن عبارت، رمز مورد توافق درباره «شاخص جنگ» است. کارگر مصری گزارش داده بود که ناوگان کشورش هم‌اکنون پایگاهش را در بندر اسکندریه ترک کرده است.

موساد موضوع را به اطلاع «امان» رساند، اما تحلیل گران ارشد نظامی در «امان» تحت تأثیر گزارش مزبور قرار نگرفتند. تنها کاری که آنها کردند این بود که گزارش را به بخش امنیتی نیروی دریایی ارجاع کردند که این کار به معنی فرستادن گزارش به سطح پایین‌تری از سلسله مراتب بود.

رئیس بخش امنیتی نیروی دریایی به افسران واحد خود و سایر بخش‌های نیروی دریایی گفت: «ما باید خودمان را برای جنگ آماده کنیم!» اما این واحد کوچک به روال همیشگی توسط بقیه واحدهای نیروهای دفاعی اسرائیل مورد بی‌اعتنایی قرار گرفت و فرماندهان عالی‌رتبه ارتش بر پیش‌فرض خود مبنی بر اینکه مصر قادر به حمله به اسرائیل نیست، تکیه کردند.

در مورد هشداری که ملک حسین، پادشاه طرف‌دار غرب کشور اردن و همسایه شرقی اسرائیل شخصاً به اسرائیل داد، چه باید گفت؟

کشور او که در سال ۱۹۲۱ توسط انگلیسی‌ها بطور تصنعی ایجاد شد، ممکن بود که دولتی قدرتمند نباشد، اما ملک‌حسین به عنوان رهبر کشوری که توانسته بود زیر فشار و درگیری و تضادهای بین اسرائیل، فلسطینیان، عراق، سوریه و عربستان سعودی، موجودیتش را حفظ کند، نبض تمام منطقه را در سرانگشتانش داشت.

«سیا» او را یک عامل نفوذی تلقی می‌کرد و از اواخر دهۀ ۱۹۵۰ نامش در فهرست حقوق‌بگیران سازمان «سیا» قرار داده شده بود. او از سال ۱۹۶۳ بطور مکرر اما محرمانه، دیدارهایی با مقامات اسرائیلی داشت.

اما ملک حسین، جاسوس اسرائیل نبود. پدربزرگش ملک عبدالله از صهیونیست‌ها پول گرفته بود و در سال ۱۹۵۱ به خاطر این ارتباط، ترور شده بود. وفاداری ملک حسین، نسبت به اسرائیل نبود، بلکه او نسبت به نظام پادشاهی خودش و خاندان سلطنتی هاشمی وفادار بود. مسئله بقا مطرح بود و این موضوع بعد از مرگ ملک حسین در سال ۱۹۹۹ برای پسرش عبدالله دوم، همچنان به صورت یک اولویت باقی ماند.

حسین با پیوستن به ناصر در آنچه بعداً به جنگ شش‌روزه علیه اسرائیل تبدیل شد، مرتکب اشتباه بزرگی شد. به این ترتیب اردن اماکن مقدسی را در اورشلیم و ساحل غربی از دست داد. به این امید که از طریق گفتگو بتواند سرزمین‌ها و وجهه از دست رفته را بازپس گیرد، ملک‌حسین دیدارهایش را با مقامات بلندپایه، اسرائیلی افزایش داد.

ادامه دارد

7. HADAR DAFNA BUILDING

جهان سیاست در سالی که گذشت

■ بخش سوم

* نشست وزرای دفاع کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) با محوریت افغانستان در بروکسل پایتخت بلژیک برگزار شد. «آندرس فوگ راسموسن» دبیرکل ناتو در این نشست اعلام کرد که روند واگذاری کنترل امنیت افغانستان به نیروهای محلی افغان به خوبی پیش می‌رود و تا پایان سال جاری میلادی (۲۰۱۳) به اتمام می‌رسد. در همین حال سخنگوی وزارت دفاع افغانستان اعلام کرد؛ نیروهای خارجی حاضر نیستند تجهیزات و پایگاه‌های خود را در اختیار نیروهای افغان قرار دهند و این وضع بر نگرانی‌های مردم این کشور بیش از پیش افزوده است.

* **پاکستان**

* در سال گذشته، دیدار غیرمنتظره «آصف‌علی زرداری» رئیس‌جمهوری پاکستان از هند و گفتگو با «مان موهان سینگ» نخست‌وزیر این کشور توجه محافل سیاسی و بین‌المللی را به خود جلب کرد. سران هند و پاکستان در دهلی نو با یکدیگر دیدار و اعلام کردند که دو کشور علاقمند به یافتن راه‌حل‌های عملی و کاربردی برای برخی مسائل هستند که روابط دوجانبه را تحت تأثیر قرار داده است.

* کشته شدن «ابویحیی اللیبی» مرد شماره ۲ القاعده توسط پهپادهای آمریکایی در مناطق قبایلی پاکستان مهمترین رویداد پس از شکار «بن‌لادن» رهبر القاعده برای آمریکا به شمار می‌رود.

* «سید یوسف رضا گیلانی» نخست‌وزیر پاکستان با رأی دادگاه عالی این کشور از سمت خود برکنار شد. دلیل برکناری گیلانی، نپذیرفتن حکم دیوان عالی پاکستان برای گشودن پرونده فساد مالی برای زرداری رئیس‌جمهوری این کشور اعلام شد که نخست‌وزیر به دلیل مصونیت داشتن رئیس‌جمهوری از پیگرد قضایی، از حکم دادگاه تبعیت نکرد و از سمت خود کنار گذاشته شد.

* مسیر تدارکاتی نیروهای ناتو از خاک پاکستان به افغانستان سرانجام پس از هشت ماه تنش بین اسلام‌آباد ـ واشنگتن بازگشایی شد. روابط دو کشور در پی کشته شدن ۲۴ نظامی پاکستان در حملات هوایی نیروهای ناتو به مناطق مرز مشترک افغانستان با پاکستان به سردی گراییده بود که هیلاری کلینتون وزیر خارجه آمریکا با پرداخت یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار کمک به پاکستان یخ‌های روابط دو کشور را ذوب کرد.

* سفر ژنرال «ظهیرالاسلام»، رئیس اطلاعات ارتش پاکستان (آی.اس.آی) به آمریکا با هدف مذاکره با مقامات این کشور درباره تشدید مبارزه با تروریستها و تحولات جنگ افغانستان صورت گرفت. در این سفر ژنرال پاکستانی از مقامات آمریکا توقف حملات پهپادها در خاک کشورش را خواست که با مخالفت کاخ سفید مواجه شد.

* حمله پهپادهای آمریکایی در منطقه وزیرستان شمالی منجر به کشته شدن «بدرالدین حقانی» مرد شماره ۲ شبکه حقانی و فرزند جلال‌الدین، پایه‌گذار این گروه تروریستی و ۲۵ تن از نزدیکان و اعضای خانواده بدرالدین شد.

* حمله افراد مسلح به جلسه حزب حاکم مردم در شهر کراچی پاکستان منجر به کشته شدن هفت نفر و زخمی شدن بیش از ۱۵ تن دیگر شد. همزمان با راهپیمایی خیل عظیم معترضان به حملات هوایی آمریکا به خاک پاکستان، گروهی از زنان آمریکایی نیز مقابل سفارت آمریکا در اسلام‌آباد، اعتراض خود را به حملات پهپادهای آمریکایی در مناطق قبایلی این کشور به نمایش گذاشتند. از سویی اوضاع شهر کراچی به دنبال ترور روحانی برجسته شیعی این کشور به شدت متشنج شد. شهادت علامه «آفتاب حیدر جعفری» توسط افراد مسلح ناشناس اوضاع این شهر را بیش از پیش ملتهب کرد. وضع امنیتی کراچی به حدی بحرانی شد که طی چند روز بیش از ۱۵۰ نفر بر اثر حملات کور جان خود را از دست دادند و در این حال مردم کراچی خواستار دخالت ارتش برای تأمین امنیت شدند.

همزمان ایالت بلوچستان پاکستان‌نیز جولانگاه‌تروریست‌های «لشکر جهنگوی» شد که ترورهای هدفمندی را علیه مردم شیعه این ایالات به راه انداختند. دولت پاکستان جایزه ۲۰۰ میلیون روپیه‌ای (۲/۱میلیون دلاری) برای هر فردی که اطلاعاتی را درباره «احسان‌الله احسان» سخنگوی گروه طالبان پاکستان در اختیار دولت قرار دهد، تعیین کرد. این در حالی است که ۳۵ زائر حرم امام رضا(ع) در راه بازگشت به پاکستان در ایالت بلوچستان پاکستان هدف حمله تروریست‌ها قرار گرفتند و به شهادت رسیدند.

«قاضی حسین احمد» رهبر حزب جماعت اسلامی پاکستان نیز درگذشت. وی از جمله علمای اندیشمند پاکستانی بود که نفوذ و جایگاه ویژه‌ای در جهان اسلام داشت.

ملا فضل‌الله از رهبران ارشد تحریک طالبان پاکستان و فرمانده این گروه در منطقه «مالاکند» نیز در حمله پهپادهای آمریکایی در استان «نورستان» افغانستان به همراه هشت تن از همراهانش کشته شد.

«لشکر جهنگوی» شاخه نظامی گروهک وهابی «سپاه‌صحابه» در یک اقدام تروریستی در مدرسه‌ای در ایالت بلوچستان پاکستان بیش از ۸۰ تن از شیعیان را به شهادت رساند. پس از این حادثه دولت پاکستان بیش از ۸۰ تن از شیعیان را به شهادت رساند. پس از این حادثه دولت پاکستان به ارتش این کشور دستور داد تا سران گروهک لشکر جهنگوی را دستگیر کنند. پس از دستور «راجا پرویز اشرف» نخست‌وزیر پاکستان، «ملک‌اسحق» سرکرده این گروهک به همراه ۵۰ تن از عوامل خود بازداشت شد.

تکفیری‌های «لشکر جهنگوی» در هفته‌های پایانی سال نیز با انفجار حسینیه شیعیان در منطقه «عباس تاون» کراچی در جنوب پاکستان ۵۵ نفر را به شهادت رساندند و ۲۰۰ تن دیگر را مجروح کردند. دو انفجار قوی که مواد منفجره آن در موتورسیکلت کار گذاشته شده بود و از راه دور کنترل می‌شد در خیابان شلوغ و پرترافیک «ابوالحسن اصفهانی» رخ داد که پس از این حادثه مردم سراسر کشور در اعتراض به جنایات تروریست‌ها به خیابان‌ها ریختند و اعمال جنایتکارانه تروریست‌ها و کشتار شیعیان مظلوم پاکستان را به شدت محکوم کردند از دولت خواستند که هر چه سریعتر عوامل تروریستی را به سزای اعمالشان برساند.

* **مصر**

مصر به عنوان دومین کشوری که بعد از تونس شاهد انقلابی بزرگ بود، سالی پرتحول را پشت سر گذاشت. میدان‌التحریر به عنوان قلب تپنده انقلاب مصر و مصری‌ها در ۲۵ ژانویه شاهد برگزاری اولین جشن سالگرد پیروزی اعتراضات و سرنگونی حسنی‌مبارک، دیکتاتور این کشور بود. در آن زمان شورای عالی نظامی به ریاست طنطاوی همچنان عهده‌دار مدیریت کشور بود و این مهم موجبات بروز ناآرامی‌های گسترده‌ای را فراهم آورده بود. در همین رابطه مصری‌ها در قاهره، اسکندریه، سوئز و چند شهر بزرگ بزرگ در چارچوب جشن‌های پیروزی انقلاب خواستار انتقال قدرت از شورای نظامی به دولتی سیاسی شدند.

در آن زمان به نظر می‌رسید که شورای نظامی تمایلی بر انتقال قدرت ندارد و زمینه را برای برگزاری انتخابات مهیا نمی‌دید. در ابتدا شورای نظامی که حتی قصد داشت محاکمه حسنی مبارک را به تأخیر بیاندازد، تحت فشارهای مردمی مجبور شد تا جلسه محاکمه او و چندتن از افراد دخیل در کشتار مصری‌ها در جریان انقلاب را برگزار کند. در ۲ ژوئن، مبارک به همراه دو فرزندش، علا و جمال در کنار حبیب‌العادلی وزیر سابق کشور و ۶ تن از همدستانش از سوی دادگاه جنایی قاهره محاکمه شدند. پس از چند دوره محاکمه، دادگاه حکم حبس ابد برای حسنی مبارک و وزیر کشور رژیم او را صادر و علا و جمال مبارک را تبرئه کرد. شایان گفتن است که برای رسیدگی به اتهامات مبارک ۴۶ بار دادگاه جنایی با حضور او، پسرانش و وزیر کشور تشکیل جلسه داده بود. این در حالی است که، حسنی مبارک پس از اعلام رأی دادگاه زندانی شد، اما به دنبال وخامت حال او، مسئولان زندان وی را بارها به بیمارستان منتقل کردند.

مصر در طی ۱۲ ماه اخیر شاهد حوادث خونباری نیز بود. در اول فوریه حادثه ورزشگاه پورت سعید به وقوع پیوست و طی زدوخوردهای به وجود آمده ۷۴ مصری کشته و حدود ۱۰۰۰ تن دیگر مجروح شدند. از سویی انتخاب الجنزوری به عنوان نخست‌وزیر دولت انتقالی و استعفای عصام شرف موجبات بروز درگیری‌های خونباری را در منطقه العباسیه فراهم آورد. براساس آماری که از سوی شورای نظامی مصر منتشر شد، حوادث این منطقه بیش از ۱۱ کشته و ۳۷۰ زخمی داشت. سرانجام شورای نظامی برای برگزاری انتخابات در مصر چراغ سبز نشان داد و طی روزهای دوم و سوم خرداد انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شد. براساس آرای منتشرشده محمد مرسی و احمد شفیق آخرین نخست‌وزیر رژیم مبارک به مرحله دوم راه یافتند، اما در انتخابات ۲۷ و ۲۸ خرداد مرسی موفق شد با کسب ۵۱ درصد آرا اولین رئیس جمهوری مصر پس از دوران مبارک شود. محمد مرسی پس از پیروزی در ۲۲ مردادماه ژنرال «محمدحسین طنطاوی» را از سمت وزیر دفاع برکنار و «عبدالفتاح السیی» را به عنوان وزیر دفاع جدید تعیین کرد. در این حال مرسی متمم قانون اساسی را که اختیارات گسترده‌ای به ارتش می‌داد نیز لغو کرد. از طرفی مرسی در روز ۲۱ نوامبر با صدور اعلامیه قانون اساسی دستورات رئیس جمهوری را نهایی و قابل اجرا دانست.

صدور این فرمان موجبات نارضایتی گسترده در مصر را فراهم آورد و مخالفان دولت اسلامگرای این کشور، دست به تظاهرات و اعتراضات در شهرهای مختلف زدند. در مقابل طرفداران مرسی نیز در حمایت از فرمان اخیر رئیس جمهوری راهپیمایی کردند که در این میان زدوخوردهایی نیز میان موافقان و مخالفان به وقوع پیوست. از طرفی مرسی همه‌پرسی قانون اساسی را در دو مرحله به رفراندوم گذاشت که ۶۳/۸ درصد از رأی‌دهندگان به قانون اساسی جدید مصر آری گفتند. برخی از قضات مصر در اعتراض به برکناری دادستان از شرکت و نظارت بر روند برگزاری این همه‌پرسی برخی موانع بر سر راه مرسی ایجاد کردند، اما دست آخر این رفراندوم با موفقیت به پایان رسید.

از طرفی مرسی زمان برگزاری انتخابات پارلمانی را اعلام کرد. اعلام زمان برگزاری این انتخابات واکنش جناح‌های مخالف از جمله جبهه نجات ملی را به دنبال داشت و رهبران این جبهه اعلام کردند که انتخابات پیش رو را تحریم خواهند کرد. پیش‌بینی می‌شود که مصر همچنان آبستن تحولات بزرگی باشد، اما امید می‌رود که مصری‌ها به دور از تفرقه تلاش کنند تا جدای از سلایق شخصی یا حزبی، آینده کشورشان را بسازند.

* **عربستان**

عربستان طی ۱۲ ماه اخیر شاهد اعتراضاتی بود که تاکنون در این کشور سابقه نداشت. این اعتراضات که از شرق تا غرب عربستان را فراگرفت موجبات بروز وحشت و دستپاچگی میان خاندان آل‌سعود شد. ریاض به عنوان پایتخت هم شاهد برگزاری تظاهرات‌های گسترده بود. مردم شرق عربستان در مراسم اربعین حسینی سال گذشته با حمل پرچم‌های «یاحسین» و «یاابوالفضل العباس» علیه سرکوبگری‌های آل‌سعود شعار دادند.

این تظاهرات در اعتراض به کشتار دهها تن از شیعیان در شهرهای العوامیه، قطیف و الشرقیه برپا شد. این در حالی است که دستگاه‌های امنیتی سعودی به‌منظور مهار بحران تصمیم گرفتند تا آیت‌الله شیخ باقرالنمر را بازداشت کنند و دست آخر این روحانی برجسته شیعه عربستان پس از اینکه هدف گلوله نیروهای سعودی قرار گرفت، بازداشت شد. همزمان با انتشار خبر بازداشت این روحانی، تظاهرات بزرگی در مناطق شرقی عربستان برپا شد، اما نیروهای رژیم آل‌سعود این اعتراضات را سرکوب کردند. در آن زمان برخی خبرگزاری‌ها از استفاده پلیس عربستان از لگوسدهای جنگی در مواجهه با معترضان خبر دادند. موج کشتار و سرکوب تا آنجا ادامه یافت که رژیم عربستان حتی به کودکان و زنان هم رحم نکرد و با حمله به تحصن آنها بیش از ۳۰۰ تن را دستگیر کرد. پس از دستگیری این معترضان برخی نهادهای حقوق بشری از شکنجه‌شدن کودکان و زنان در زندان‌های آل‌سعود پرده برداشتند.

ادامه دارد



آمریکا، فوق سری

TOP SECRET AMERICA

THE RISE OF THE NEW AMERICAN SECURITY STATE

■ نوشته: دانا پریست – ویلیام.ام.آرکین ■ ترجمه: هرمز همایون‌پور ۱۵۳

به خاطر این موفقیت‌های JSOC در میدان‌های جنگ، وزارت دفاع در چندین مأموریت غیرنظامی نیز نقش بزرگی به آن داد، از جمله در ردیابی گزارش محرمانه پول‌هایی که از بانک‌های بین‌المللی برای تأمین مالی شبکه‌های تروریستی حواله می‌شد.

همچنین به شدت در «عملیات روان‌شناختی»[661] درگیر شد که نام آن بعدها به «اطلاعات نظامی»[662] که رعب‌آوری کمتری داشت تغییر یافت.

JSOC تیم‌های کوچکی از نظامیان خود را با لباس غیرنظامی به سفارتخانه‌های امریکا در سراسر دنیا می‌فرستاد تا به آن چه «مبارزه رسانه‌ای و ارسال پیام»[663] خوانده می‌شد کمک کنند.

فرماندهی عملیات ویژه مشترک (JSOC)، با واحد تولیدی عظیمی که در مقرش در کارولینای شمالی داشت، قادر به راه انداختن وب‌سایت‌هایی بود که تعلق آنها به دولت امریکا گاهی معلوم نبود. همچنین می‌توانست رادیو و تلفن همراه بین نیروهای دوست توزیع کند، مجله و برنامه‌های ویدیویی تولید کند و نیز برنامه‌هایی رادیویی برای پخش در هر کشوری در دنیا از جمله کشورهایی که ارتباطات بیرونی را مختل می‌کردند، راه‌اندازی کند.

وقتی اوباما رئیس جمهوری شد، بلافاصله به این سازمان نخبه دل بست. (از نظر وی، این موضوع که لئون پانتا رئیس سیا پسری داشت که به عنوان افسر ذخیرۀ نیروی دریایی در JSOC خدمت می‌کرد، مسئله‌ای نبود.)

چیزی نگذشت که اوباما حتی بیشتر از سلف‌اش، از JSOC برای انجام مأموریت‌های سری و کشتن هدفمند رهبران القاعده و طالبان در افغانستان و جاهای دیگر، عمدتاً پاکستان و عراق استفاده کرد. از جمله در ۲۰۱۰ بطور محرمانه به سربازان JSOC در یمن دستور داد رهبران القاعده را در شبه جزیرۀ عربستان به قتل برسانند.

ده‌ها سرباز ذخیره در طول شش ماه به آنجا گسیل شدند تا جمعی از افرادی را که در فهرست کشتن JSOC قرار داشتند از پا درآوردند. در میان اینها ۱۵ نفر بودند که دستگاه اطلاعاتی امریکا آنها را به عنوان رهبران ارشد محلی جنگجویان شناسایی کرده بود.

در یمن، JSOC به تیمی از سازمان‌های مختلف از جمله سیا که سفیر امریکا آن را رهبری می‌کرد ملحق شد. سربازان امریکایی در هیچ حمله‌ای شرکت نداشتند اما به طراحی برنامه‌ها، بهبود تاکتیک‌ها و تأمین تسلیحات و مُهمات کمک می‌کردند. آنان همچنین در برخی از حساس‌ترین مراقبت‌های الکترونیکی و ویدیویی مشارکت داشتند و نقشه‌های سه بعدی مناطق را در اختیار تیم مزبور می‌گذاشتند.

همکاری با یمن برای جنگ با تروریسم از زمان حملات ۱۱ سپتامبر سابقه داشت. در آن زمان یعنی سال ۲۰۰۱ بود که تنت، رئیس وقت سیا موافقت عبدالله صالح رئیس جمهوری یمن را جهت همکاری و مشارکت متقابل جلب کرد که اجازه می‌داد سیا و واحدهای نظامی امریکا به اردوهای آموزشی و مراکز تروریست‌های یمنی القاعده حمله کنند.

به گفته یکی از مشاوران رئیس جمهوری یمن، صالح با این امر موافقت کرد چون اعتقاد داشت کشورش ـ سرزمین نیاکان پدر اسامه بن لادن ـ مکان بعدی در فهرست حملات امریکاست. تنت به نیروهای صالح تعدادی بالگرد، تجهیزات شنود و استراق سمع و ۱۰۰ نیروی ویژه برای آموزش یک واحد ضدتروریسم داد.

کماندوهای امریکایی، همچنین مبارزه‌ای رسانه‌ای به راه انداختند تا از صالح چهره‌ای به مثابه یک فعال ضدفساد ترسیم کنند، چهره‌ای که در میانه‌های ۲۰۱۱ وقتی بهار عربی، او را تا حدودی به خاطر دست داشتن در فساد به تبعید فرستاد، نامربوط بودنش ثابت شد.

ادامه دارد

661. "psychological operations"
662. "military information"
663. media and messaging campaigns

شرکت بیمه دانا (سهامی عام)
صورت سود و زیان
برای سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ۱۳۹۰

شرح	یادداشت	سال ۱۳۹۰ (میلیون ریال)	سال ۱۳۹۰ (میلیون ریال)	سال ۱۳۸۹ تجدید ارائه شده (میلیون ریال)
درآمد حق بیمه صادره	۲۶	۴,۶۹۱,۱۸۹		۵,۱۵۲,۱۲۱
افزایش ذخایر حق بیمه	۱۹	(۲۳۶,۲۷۲)		(۳۳۷,۳۳۲)
درآمد حق بیمه			۴,۴۵۴,۹۱۷	۴,۸۱۴,۷۸۹
حق بیمه اتکائی واگذاری	۲۷	۱,۳۲۷,۸۹۳		۱,۴۵۴,۸۲۶
افزایش ذخیره حق بیمه اتکائی واگذاری	۱۹	(۱۲۸,۸۲۵)		(۱۶۹,۶۰۳)
هزینه حق بیمه اتکائی واگذاری			(۱,۱۹۹,۰۶۸)	(۱,۲۸۵,۲۲۳)
درآمد حق بیمه سهم نگهداری			۳,۲۵۵,۸۴۹	۳,۵۲۹,۵۶۶
خسارت پرداختی	۲۸	۳,۵۶۹,۷۸۸		۳,۸۷۵,۲۰۳
افزایش (کاهش) ذخایر خسارت	۱۹	(۷۶,۶۶۹)		۲۹۵,۷۷۵
هزینه خسارت			(۳,۴۹۳,۱۱۹)	(۴,۱۷۰,۹۷۸)
خسارت دریافتی از بیمه گران اتکائی	۲۹	۹۴۸,۴۱۸		۱,۰۶۹,۵۰۹
افزایش (کاهش) ذخیره خسارت معوق بیمه اتکائی واگذاری	۱۹	(۶۶,۹۵۵)		۹۰,۵۲۶
خسارت سهم بیمه گران اتکائی			۸۸۱,۴۶۳	۱,۱۶۰,۰۳۵
هزینه خسارت سهم نگهداری			(۲,۶۱۱,۶۵۶)	(۳,۰۱۰,۹۴۳)
هزینه کارمزد و کارمزد منافع اتکائی	۳۰	۲۷۹,۸۱۱		۲۳۶,۲۹۱
درآمد کارمزد و کارمزد منافع اتکائی	۳۱	(۱۳۲,۷۹۹)		(۱۶۷,۱۳۰)
هزینه کارمزد و کارمزد منافع سهم نگهداری			(۱۴۷,۰۱۲)	(۶۹,۱۶۱)
کاهش (افزایش) سایر ذخایر فنی	۱۹	۷۴,۱۴۰		(۵۶,۶۷۲)
هزینه سهم صندوق تامین خسارتهای بدنی	۳۲	(۴۸,۲۷۷)		(۲۷,۷۷۱)
سایر درآمدها و هزینه های بیمه ای	۳۳	(۱۹۵,۹۴۸)		(۲۷,۴۳۶)
خالص سایر هزینه های بیمه ای			(۱۷۰,۰۸۵)	(۱۱۱,۸۷۹)
درآمد سرمایه گذاری از محل ذخایر فنی	۳۴		۱۰۱,۷۶۴	۱۵۰,۹۸۹
سود ناخالص فعالیت بیمه ای	۴۰		۴۲۸,۸۶۰	۴۸۸,۵۷۲
درآمد سرمایه گذاری از محل سایر منابع	۳۴		۱۰,۰۶۵	۱۴,۹۳۳
هزینه های اداری و عمومی	۳۵		(۵۳۱,۷۴۶)	(۴۵۶,۹۱۹)
سود (زیان) عملیاتی			(۹۲,۸۲۱)	۴۶,۵۸۶
سایر درآمدها و هزینه های غیر بیمه ای	۳۶		۱۴۱,۰۶۳	۲۳,۱۵۳
سود خالص			۴۸,۲۴۲	۶۹,۷۳۹
سود (زیان) هر سهم – عملیاتی	۴۱		(۸۸۰)	۴۴۲
سود هرسهم – غیرعملیاتی	۴۱		۱,۳۳۷	۲۲۰
سود هر سهم	۴۱		۴۵۷	۶۶۲

گردش حساب سود (زیان) انباشته

شرح	یادداشت	سال ۱۳۹۰ (میلیون ریال)	سال ۱۳۹۰ (میلیون ریال)	سال ۱۳۸۹ تجدید ارائه شده (میلیون ریال)
سود خالص			۴۸,۲۴۲	۶۹,۷۳۹
سود انباشته در ابتدای دوره		۱۷,۵۰۴		(۳۶,۶۲۸)
تعدیلات سنواتی	۳۸	(۵۷,۱۸۵)		(۶۲,۳۳۱)
سود(زیان) انباشته در ابتدای سال – تعدیل شده			(۳۹,۶۸۱)	(۹۸,۹۵۹)
سود قابل تخصیص			۸,۵۶۱	(۲۹,۲۲۰)
تخصیص سود :				
اندوخته سرمایه ای	۲۴	۷,۲۳۶		(۱۰,۴۶۱)
سود تخصیص داده شده طی سال			۷,۲۳۶	(۱۰,۴۶۱)
سود(زیان) انباشته در پایان سال			۱,۳۲۵	(۳۹,۶۸۱)

شرکت بیمه دانا (سهامی عام)
ترازنامه
در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۹۰

دارائی ها :	یادداشت	۱۳۹۰/۱۲/۲۹ (میلیون ریال)	۱۳۸۹/۱۲/۲۹ تجدید ارائه شده (میلیون ریال)
موجودی نقد	۳	۱۱۹,۲۹۲	۲۰۸,۳۸۷
سرمایه گذاریهای کوتاه مدت	۴	۳۰۸,۷۲۱	۱۶۲,۹۶۵
مطالبات از بیمه گذاران و نمایندگان	۵	۲,۱۳۸,۷۸۴	۲,۰۳۶,۵۴۱
مطالبات از بیمه گران و بیمه گران اتکائی	۶	۶۵,۲۶۴	۴۴,۹۹۶
سایر حسابها و اسناد دریافتنی	۷	۵۹۱,۵۲۵	۳۶۴,۱۰۴
سهم بیمه گران اتکائی از ذخایر فنی	۸	۱,۲۲۸,۷۴۱	۱,۰۹۰,۴۷۰
مطالبات بلند مدت	۹	۴۲,۹۱۵	۵۶,۷۱۵
سرمایه گذاری های بلند مدت	۱۰	۵۸۳,۵۷۹	۶۰۰,۱۱۶
دارائی های ثابت مشهود	۱۱	۲۷۲,۸۲۵	۲۴۳,۰۵۲
دارائی های نامشهود	۱۲	۱۹,۴۹۳	۱۲,۱۸۳
سایر دارائی ها	۱۳	۳۴۶,۳۹۷	۳۶۶,۰۱۱
جمع دارائی ها		۵,۷۱۷,۵۳۶	۵,۱۸۵,۵۴۰

بدهی ها و حقوق صاحبان سهام :	یادداشت	۱۳۹۰/۱۲/۲۹ (میلیون ریال)	۱۳۸۹/۱۲/۲۹ تجدید ارائه شده (میلیون ریال)
بدهی به بیمه گذاران و نمایندگان	۱۴	۲۲۱,۱۲۱	۱۹۳,۰۶۰
بدهی به بیمه گران و بیمه گران اتکائی	۱۵	۵۴۳,۵۳۴	۶۲۴,۱۲۵
سایر حسابها و اسناد پرداختنی	۱۶	۱,۲۰۶,۷۸۶	۹۵۷,۹۲۴
ذخیره مالیات بر درآمد	۱۷	۲۴۶	۶۰,۷۵۳
سود سهام دولت	۱۸	۳,۷۶۳	۳,۷۶۳
ذخیره حق بیمه	۱۹	۲,۵۵۵,۰۳۹	۲,۳۱۸,۷۶۷
ذخیره خسارت معوق	۱۹	۵۸۶,۰۹۷	۵۴۴,۷۴۴
ذخیره ریسکهای منقضی نشده	۱۹	۵۳,۰۵۷	۹۴,۶۷۸
سایر ذخایر فنی	۱۹	۳۰,۷۵۷	۱۰۴,۸۹۷
حق بیمه سالهای آتی	۲۰	۲۰۱,۹۹۴	۴۷,۱۵۸
ذخیره مزایای پایان خدمت کارکنان	۲۱	۱۶۶,۴۰۱	۱۳۵,۱۷۲
جمع بدهی ها		۵,۵۶۸,۷۹۵	۵,۰۸۵,۰۴۱
حقوق صاحبان سهام			
سرمایه	۲۲	۱۰۵,۴۷۵	۱۰۵,۴۷۵
اندوخته قانونی	۲۳	۱۴,۰۴۵	۱۴,۰۴۵
اندوخته سرمایه ای	۲۴	۲۷,۰۳۳	۱۹,۷۹۷
سایر اندوخته ها	۲۵	۸۶۳	۸۶۳
سود (زیان) انباشته		۱,۳۲۵	(۳۹,۶۸۱)
جمع حقوق صاحبان سهام		۱۴۸,۷۴۱	۱۰۰,۴۹۹
جمع بدهی ها و حقوق صاحبان سهام		۵,۷۱۷,۵۳۶	۵,۱۸۵,۵۴۰

روابط عمومی شرکت بیمه دانا

اخبار کوتاه

اجرای طرح ترافیکی زوج و فرد در مشهد مقدس

مشهد: فرمانده انتظامی خراسان رضوی از اجرای طرح زوج و فرد از امروز تا پایان ۱۶ فروردین ۹۲ درمشهد خبرداد.

سردار بهمن امیری مقدم گفت: در راستای تسهیل رفاه زائرین تدابیر ویژه ترافیکی در روزهای سال تحویل و روز اول سال ۹۲ اجرا می‌شود که طی آن از تردد هر گونه وسایل نقلیه در خیابان‌های منتهی به حرم امام رضا(ع) ممانعت به عمل می‌آید و در صورتی که وسایل نقلیه‌ای وارد طرح شود، برابر قانونی جریمه خواهد شد.

وی افزود: بعد از اجرای طرح زوج و فرد در تعطیلات نوروز معایب و محاسن این طرح بررسی می‌شود و در صورت تایید و کارهای کارشناسی شده این طرح به طور سراسری اجرا خواهد شد.

تصویب کتاب جدید تعرفه‌ها در شورای عالی بیمه

سرپرست وزارت بهداشت از تصویب کتاب جدید تعرفه‌ها در شورای عالی بیمه خبر داد و گفت: کتاب جدید تعرفه‌ها در بیمارستان‌های پایلوت به اجرا گذاشته می‌شود.

دکتر محمدحسن طریقت منفرد در گفت‌وگو با ایسنا، درباره بررسی صورت گرفته برای کتاب جدید تعرفه‌ها در جلسه اخیر شورای عالی بیمه، گفت: کتاب جدید تعرفه‌ها برای اجرا در بیمارستان‌های پایلوت، در شورای عالی بیمه تصویب شد.

وی افزود: بر این اساس مبنای پرداخت در بیمارستان‌های پایلوت، کتاب جدید تعرفه‌ها خواهد بود.

طریقت منفرد همچنین به ایسنا گفت: با اجرای قانون در آینده سعی می‌کنیم تعرفه بالینی را از تعرفه تکنیکال جدا کنیم.

وی با اشاره به افزایش ۱۸ درصدی تعرفه‌های درمان بخش دولتی و ۲۹ درصدی تعرفه‌های بخش خصوصی، گفت: وزارت بهداشت در زمینه افزایش تعرفه‌ها تابع منابع بیمه‌هاست. نمی‌توانیم بیشتر از منابع بیمه‌ها، تعرفه تعیین کنیم؛ چرا که در این صورت تاخیر پرداخت بیمه‌ها افزایش می‌یابد.

تکذیب ورود سرنگ‌های آلوده از چین

رئیس اداره کل تجهیزات پزشکی سازمان غذا و دارو در واکنش به اظهارات اخیر مدیرکل تجهیزات پزشکی هلال‌احمر مبنی بر "ورود سرنگ‌های استریل نشده از چین"، گفت: چنین چیزی صحت ندارد و کذب محض است.

مهندس شاهمرادی در گفت‌وگو با ایسنا، ادامه داد: شخصی که چنین اظهاراتی را اعلام کرده است، باید مدارک ارائه دهد، در غیر این صورت از وی شکایت می‌کنیم.

وی با تاکید بر این که سرنگ‌هایی که وزارت بهداشت ایران مجوز واردات برای آن صادر می‌کند، تمام تاییدیه‌های لازم را دارند و حائز گواهی استاندارد از کشور مبدا هستند، اظهار داشت: علاوه بر این گمرک و موسسه استاندارد هم بررسی‌های لازم را بر روی سرنگ‌ها انجام می‌دهند، زیرا این ها استاندارد اجباری دارند.

شاهمرادی درباره واردات سرنگ از چین، گفت: سرنگ ممکن است از هر جایی وارد شود و محدودیتی ندارد، اما ما به سرنگ‌هایی مجوز می‌دهیم که در داخل کشور به تولید نمی‌رسند و شامل سرنگ‌های سرپیچ‌دار و خاص مثل SAFTY سرنگ‌ها هستند، اما به سرنگ‌های معمولی به این علت که تولید داخل دارند، مجوز نمی‌دهیم.

برخی بیماران با هزینه های درمان به زیر خط فقر می روند

رئیس مرکز تحقیقات سرطان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی گفت: زیبنده نیست که گروهی از مردم به دلیل بیماری، مجبور شوند برای درمان خود زندگی شان را هزینه کرده و به زیرخط فقر بروند.

به گزارش مهر، دکتر اسماعیل اکبری در نشست مشترک روسا و دبیران انجمن های علمی گروه پزشکی با معاون آموزشی وزارت بهداشت که در سالن امام جواد(ع) وزارت بهداشت برگزار شد، اظهار داشت: تدوین راهنماهای بالینی از تاکیدات دکتر طریقت منفرد سرپرست وزارت بهداشت است و انجمن های علمی گروه پزشکی می توانند با انجام این کار تحولی جدید در عرصه علم پزشکی به وجود بیاورند.

اکبری ادامه داد: طراحی گایدلاین ها کمک می کند که مشکلاتی از این دست برای مردم پیش نیاید و جلوی بسیاری از کارهای مازاد و غیرضرور پزشکی گرفته شود. رئیس مرکز تحقیقات سرطان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، انجمن های علمی گروه پزشکی را مناسب ترین حوزه ها برای رشد علمی کشور دانست و گفت: الان کشور در دوره سخت اقتصادی است و جا دارد انجمن های علم با پتانسیل هایی که دارند، مثل همیشه که گروه های پزشکی سردمدار کارهای بزرگ در کشور بوده اند وارد عمل شده و حرکت های جدید علمی را آغاز کرده و به سرانجام برسانند.

لزوم تفاهم مجلس و دولت برای حل مشکلات

قم: مملکت با دو بال مجلس و دولت حرکت می‌کند و تفاهم بین این دو قوه، کشور را به سمت رشد خواهد برد.

آیت‌الله العظمی علوی گرگانی در دیدار رئیس مجلس شورای اسلامی با ایشان با بیان این مطلب افزودند: تذکر علما و مراجع از باب همدردی با مسئولان است چرا که آنان در جامعه، درد مردم را می‌شنوند.

ایشان ابراز داشتند: انتظار داریم مجلس و دولت کمال تفاهم و دوستی را با یکدیگر داشته باشند زیرا در شرایطی هستیم که توطئه و محاصره اقتصادی دشمنان، حفظ و نگهداری مردم در صحنه را دشوار کرده است.

این مرجع تقلید ادامه دادند: با وجود این شرایط، نجابت و تدین مردم را شکر می‌کنیم و مردم با همه مشکلات در ۲۲ بهمن پرشور گوش به فرمان رهبری بودند.

آیت‌الله العظمی علوی گرگانی افزودند: مردم با همه دشواری‌ها مطیع فرمان مقام معظم رهبری هستند، ضمن این که در مسائل اقتصادی باید حسن تدبیر داشته و مراقب ریزش‌های اقتصادی و مخارج بیهوده نیز باشیم.

ایشان اظهار داشتند: برخی همایش‌ها مناسب نظام اسلامی و شرایط اقتصادی کشور نیست و باید جلو هزینه‌های مصرفی در برخی آیین‌ها را بگیریم. بزرگداشت افراد و شخصیت‌های برجسته باید مطالعه شود، البته اگر کشور در شرایط خوبی باشد این یادواره‌ها اشکالی ندارد اما از دولت و مجلس می‌خواهیم در این زمینه‌ها، مطالعه و تبادل نظر صورت بگیرد.

*** جذب سرمایه‌های سرگردان**

رئیس مجلس شورای اسلامی نیز دراین دیدار گفت: برای رفع تورم و رکود اقتصادی در کشور تا آن‌جا که ممکن است باید در فعالیت‌های تولیدی گشایش ایجاد کنیم و سرمایه‌های سرگردان وارد عرصه تولید شود. دکتر لاریجانی افزود: در اوضاع کنونی کشور واجب است تا از محضر علما و مراجع برای بهبود شرایط کشور استفاده شود.

وی اضافه کرد: در شرایط فعلی که پیچیدگی‌هایی در معیشت مردم با مشکلات تورم وجود دارد باید رهنمودهای علما را دریافت کنیم. امیدواریم با راهنمایی مراجع، مسائل کشور در ابعاد مختلف به راه‌حل مناسبی برسد و این در حالی است که اکنون فشارهای بین‌المللی که بر ایران وارد شده، نارسایی‌هایی را در مساله اقتصادی و مشکلات معیشتی بوجود آورده است. وی گفت: با توجه به این‌که لایحه بودجه سال ۹۲ کشور دیر به مجلس رسید، سه دوازدهم آن را تصویب کردیم و البته بررسی بودجه انتخابات ریاست جمهوری را نیز یکشنبه در دستور کار داریم.

دکتر لاریجانی گفت: در برنامه‌های پس از تعطیلات عید در کمیسیون تلفیق قصد داریم با محوریت رایج کردن تولید، شرایط را به سمت آرامش بازار ببریم.

وی تأکید کرد: اگر همه، مسأله تولید را در کشور محور قرار دهند و بزرگان بر این موضوع تأکید کنند، راه ما به سلامت طی خواهد شد.

*** دیدار با آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی**

رئیس مجلس با آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی هم دیدار و گفتگو کرد.

به گزارش ایسنا، دکتر علی لاریجانی در این دیدار با قدردانی از موضع گیری‌های آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی، گزارشی از سفر هند و پاکستان ارائه کرد.

وی همچنین در این دیدار درباره مناسبات ایران و برخی کشورها، وضع بودجه سال آینده و مرحله دوم هدفمندکردن یارانه‌ها گزارشی را به آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی ارائه کرد. در این دیدار، آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی هم درباره وضع گرانی، تورم و مشکل مسکن سؤالاتی از رئیس مجلس مطرح کردند و لاریجانی هم توضیحاتی را در این رابطه ارائه داد.

همچنین رئیس مجلس شورای اسلامی با آیت‌الله العظمی جوادی آملی دیدار و گزارشی درباره عملکرد مجلس ارائه کرد.

به گزارش اداره اخبار مجلس شورای اسلامی؛ آیت‌الله العظمی جوادی آملی در این دیدار با بیان اینکه خداوند به خون‌های پاک شهدا توجه بسیاری دارد، افزودند: به طور حتم این خون‌های پاک نمی‌گذارد که مشکلات کشور این گونه بماند.

این عالم برجسته با اشاره به اینکه گرفتاری‌های کشور به برکت خون شهدا برطرف خواهد شد، گفتند: البته مسئولان هم باید به وظایف خودشان به طور صحیح عمل کنند.

آیات عظام مکارم شیرازی و صافی گلپایگانی هم بر تلاش برای رفع مشکلات اقتصادی مردم تاکید کردند.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی در دیدار رئیس مجلس شورای اسلامی گفتند: با مدیریت صحیح می‌توان نگرانی‌های اقتصادی مردم و سایر دغدغه‌های آنها را برطرف کرد.

ایشان ضمن تاکید بر حفظ وحدت بین مسئولان افزودند: دوستداران نظام و انقلاب باید همواره بر اساس مصالح کشور و حفظ وحدت رفتار کنند چرا که اختلافات به نظام آسیب می‌رساند.

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی هم در دیدار رئیس مجلس شورای اسلامی روابط با سایر کشورها را بسیار مهم ارزیابی کردند و افزودند: دشمن به دنبال منزوی کردن نظام جمهوری اسلامی ایران است و گسترش مناسبات با سایر کشورها این توطئه دشمن را خنثی می‌کند و بخشی از مشکلات اقتصادی مردم را بهبود می‌بخشد. ایشان بر ایستادگی مردم در برابر فشارهای اقتصادی به منظور حفظ نظام تاکید کردند.

دکتر لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی هم در این دیدارها، گزارشی از روند بررسی لایحه بودجه سال ۹۲ و نیز سفر خود به هند و پاکستان ارائه کرد.

همچنین دکتر علی لاریجانی عصر جمعه با آیت‌الله العظمی سبحانی دیدار و گفت‌وگو کرد.

در این دیدار آیت‌الله العظمی سبحانی با یادآوری حوادث و وقایع روز ۲۲ بهمن قم گفتند: این اتفاقات بسیار زشت بوده و هیچ فردی آن را تایید نمی‌کند. از طرف دیگر به طورحتم مسببان اصلی این اتفاق بسیار قلیل هستند.

ایشان افزودند: اگر این اتفاقات در زمان آیت‌الله بروجردی رخ می‌داد به طور حتم عوامل شناسایی شده و از حوزه اخراج می‌شدند از این رو این کارهای هرزه جایش در حوزه نیست.

این مرجع عالیقدرجهان تشیع خطاب به دکتر لاریجانی افزودند: حضرتعالی جزو شخصیت‌های برجسته این نظام هستید لذا کاری که این افراد با شما کردند جزو بدترین کارها بوده است. از طرف دیگر وقوع چنین حوادثی در حرم حضرت معصومه (س) و پرتاب مهر و تربت حضرت سیدالشهدا (ع) در روز یوم‌الله ۲۲ بهمن بسیار کار ناشایستی بوده است.

آیت‌الله العظمی سبحانی با تاکید بر این که دولت پاکستان باید در موضوع کشتار شیعیان آن کشور واکنش جدی نشان دهد، افزودند: چرا ۱۰ سال است این جنایات ادامه دارد و مسئولان پاکستانی می گویند که ما نمی‌توانیم از شیعیان دفاع کنیم. از این رو این اظهارات و ادعاها قابل قبول نیست. این مرجع عالیقدر شیعه به موضوع بررسی بودجه سال ۱۳۹۲ کشور اشاره و بر توجه جدی به موضوع تولید و اشتغال تاکید کردند.

ایشان ادامه دادند: باید در بودجه سال ۹۲ سهم کارخانه ها و صنایع حفظ شود تا در آینده شاهد تعطیلی صنایع و بیکاری کارکنان نباشیم.

رئیس مجلس شورای اسلامی در این دیدار درباره سفر هیات پارلمانی به کشور هند و پاکستان و همچنین وقایع روز ۲۲ بهمن قم گزارشی را به آیت‌الله العظمی سبحانی ارائه کرد.

*** نگاه هزینه‌ای به ورزش**

رئیس مجلس شورای اسلامی دردیدار جمعی از ورزشکاران استان قم نیز گفت: نباید نگاه هزینه ای به ورزش داشته باشیم بلکه باید به عنوان یک سرمایه‌گذاری به ورزش نگاه کنیم. وی همچنین برحل مسأله بیمه ورزشکاران با برنامه‌ریزی مناسب تأکید کرد.

علی لاریجانی درباره مسایل و مشکلات شهری قم افزود: رژیم گذشته بنایی برای آبادانی شهر قم نداشت و توجه تنها به چند شهر مهم بود و به شهرهای مذهبی از جمله قم بی‌اعتنایی می‌شد. وی گفت: با تأکیدات رهبر معظم انقلاب نسبت به قم مسئولین شهر قم و کشور باید نگاه ملی به قم داشته باشند وشاهد نگاهی بلند مدت وسامان یافته به قم باشیم.

رئیس مجلس شورای اسلامی در جمع گروهی از مردم قم در بیت مرحوم آیت‌الله میرزاهاشم آملی گفت: انقلاب اسلامی ایران، انقلاب بزرگی است و باید همه هستی ما در گرو انقلاب باشد.

او با بیان این‌که قم امروز محور تفکر شیعه محسوب می‌شود و برکات مراجع آن برای همه جهان اسلام است، افزود: قم، شهر کریمه اهل‌بیت(س) و مرکز فقاهت است و مردم قم در انقلاب اسلامی ایران، پیشگام و در سخت‌ترین شرایط و همه مقاطع پشتیبان انقلاب و رهبری بوده‌اند.

نشان بین‌المللی برای شهرداری‌های تهران و قزوین

در مراسم اهدای نشان بهترین عملکردهای جهانی که در وزارت امور خارجه برگزار شد، نشان بهترین عملکردهای جایزه بین‌المللی BLP سازمان ملل متحد به شهرداری‌های تهران و قزوین اهد شد.

به گزارش مرکز منطقه‌ای برنامه بهترین عملکردها و راهبری محلی خاورمیانه (MERC–BLP) برنامه اسکان بشر ملل متحد، این جوایز به شهردار قزوین در تقدیر از پروژه لایروبی قنات‌های شمال شهر قزوین و پارک بانوان قزوین و به معاون علم و فناوری مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران به منظور تقدیر از پروژه وب‌سایت مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران اهدا شد.

بنابراین گزارش، برنامه جهانی بهترین عملکردها و راهبری‌های محلی سازمان اسکان بشر ملل متحد به منظور شناسایی بهترین عملکردها در حوزه شهری با تأثیر مثبت بر بهبود کیفیت زندگی تأسیس شد. این برنامه گویای سیاست‌ها و تعهدات جهانی به توسعه پایدار زیستگاه‌های انسانی و حفاظت از محیط زیست بر پایه همکاری متقابل بین‌المللی است.

رضا پوروزیری، مدیر مرکز منطقه‌ای برنامه بهترین عملکردهای جهانی و راهبری محلی خاورمیانه برنامه اسکان بشر ملل متحد در این مراسم گفت: در جایزه جهانی «بهترین عملکردها و راهبری محلی» دوره ۲۰۱۲، بیش از ۸۰ پروژه از منطقه خاورمیانه شامل ایران، عربستان سعودی، پاکستان، افغانستان، عراق، عمان، تاجیکستان، اردن، امارات متحده عربی، کویت، قطر و بحرین به دبیرخانه این جایزه ارسال شد. وی ادامه داد: در این دوره کمیته کارشناسان فنی و شورای هدایت فنی مستقل، کارها را در مقاطع خوب و عالی مشخص و فهرست کوتاهی تهیه کردند. این پروژه‌ها علاوه بر دریافت تقدیرنامه در پایگاه اطلاعاتی برنامه بین‌المللی بهترین عملکردها هم قرار گرفته‌اند.

تشکیل پرونده قضایی برای رانندگان متخلف توسط گشت‌های ویژه پلیس‌راه

سرویس خبر: گشت‌های ویژه پلیس‌راه در نخستین روز فعالیت خود ۲۰۰ دستگاه خودرو رانندگان حادثه‌آفرین را روانه پارکینگ‌ها کردند و ۶۰ جلد گواهینامه این افراد ضبط شد.

سرهنگ محمدرضا مهماندار رئیس پلیس‌راه ناجا با اعلام این مطلب و با اشاره به اینکه گشت‌های ویژه پلیس‌راه برای برخورد با تخلفات حادثه‌ساز و رانندگان پرخطر راه‌اندازی شده است، افزود: این گشت‌ها که در مرحله اول در جاده‌های استان‌های مسافرپذیر مستقر می‌شوند، با تخلفات رانندگان پرخطر برخورد کرده و بر اساس اختیارات ویژه‌ای که در اختیار آنها قرار گرفته است، می‌توانند با توقیف خودرو این دسته از رانندگان نسبت به تشکیل پرونده قضایی برای این افراد و معرفی آنها به مراجع قضایی نیز اقدام کنند.

وی افزود: شناسایی و برخورد با رانندگان پرخطر که دارای نمره منفی به حد نصاب هستند، شناسایی و برخورد با رانندگانی که خودروهای آنها بیش از یک میلیون تومان بدهی جریمه دارند و برابر قانون خودرو آنها باید توقیف شود، برخورد با رانندگان دارای تخلفات حادثه‌ساز که دو تخلف حادثه‌ساز همزمان دارند، اجرای طرح‌های ویژه کنترل رانندگان بخش حمل و نقل عمومی مسافر و بار، برخورد با پلاک مخدوشی‌ها و هرگونه دستکاری پلاک، گواهینامه‌های جعلی و مواردی که در بخش راهنمایی و رانندگی جرم تلقی می‌شود و برخورد با رانندگانی که نظم ترافیک را برهم زده و از شانه خاکی برای تردد استفاده می‌کنند از جمله وظایف اصلی گشت‌های ویژه پلیس‌راه است.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:
- * موضوع پیام ها جنبه های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- * پیام ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن ها خودداری شود.
- * خوانندگان محترم شهرستانی در پیام هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
- * چاپ پیام ها بر اساس نوبت است.

با تشکر - سرویس ارتباطات مردمی

مسئولان و زندگی مردم

رقابت‌های غیراصولی افراد و گروه‌ها و بی توجهی به مسائل بنیادی کشور، به روند صحیح زندگی افراد در جامعه آسیب می‌رساند. مسئولان به وظایف اصلی‌شان برسند بهتر است تا در پی طرح اختلافاتشان با یکدیگر باشند.

تلفن به خط ارتباطی

افزایش ۱۱۵ درصدی تعرفه امدادخودروی سایپا

امداد خودروی سایپا که یک شرکت خدماتی است و ارزبری هم ندارد، در سال گذشته بابت امداد پرایدی مبلغ ۳۶۰هزار ریال و در آذر ماه ۹۱، با توجه به افزایش ۱۸درصدی دستمزد کارکنانش، ۵۶۰هزار ریال و در بهمن ۹۱، ۷۸۵هزار ریال دریافت کرده است. یعنی بیش از ۱۱۵درصد به تعرفه‌های این شرکت در عرض یک سال افزوده شده است، که باید پرسید در این میان نقش سازمان عریض و طویل حمایت از مصرف‌کنندگان و تعزیرات حکومتی چیست؟

حمیدی

وزارت علوم امتحانات دانشگاه‌ها را به تأخیر اندازد

با توجه به این که اعلام شده بود امتحانات پایان ترم دانشگاه آزاد تیرماه سال آینده برگزار خواهد شد، به اتفاق پدر و مادر برای عمره مفرده ثبت نام کردیم که پس از تلاش بسیار توانستیم نوبت اعزام در ۲۷ اردیبهشت ۹۲ را به دست آوریم.

اما حالا وزارت علوم به دلیل برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، تاریخ برگزاری امتحانات دانشگاه‌ها را جلو کشیده و دهه اول خرداد۹۲ اعلام کرده است که در این صورت نه می توانم مدیون پدر و مادر بالای ۷۰ سال و سالمندم شوم و آنان را به زیارت خانه خدا نبرم و نه می‌توانم از شرکت در امتحانات دانشگاه آزاد که حدود ۲ میلیون تومان برایش هزینه کرده‌ام، انصراف بدهم.

از وزارت علوم تقاضا می‌شود، با توجه به تداخل پیش آمده، برگزاری امتحانات دانشگاه‌ها را به تاخیر اندازد و به پس از انتخابات ریاست جمهوری در سال آینده موکول کند.

تلفن به خط ارتباطی

آیا گز هم وارداتی است؟

یک جعبه گز کرمانی را ۸ هزار تومان می‌خریدم، که اخیراً گران و ۱۷ هزار تومان شده است. آیا مواد اولیه گز هم از خارج و با دلار وارد می‌شود که قیمت آن اینهمه افزایش یافته است؟

خانم شهروند

تشکر از کانون سردفتران

برای انجام کاری به اتفاق دوستم به کانون سردفتران و دفتریاران رفتم و از این که در کمترین زمان ممکن به کارمان رسیدگی کردند، متشکرم.

میلان‌زاده

پیشنهاد به بانک مرکزی

در خصوص پیش فروش سکه به وسیله حساب‌های قرض‌الحسنه بانکی و در مقیاس بزرگتر به صورت اوراق مشارکت، پیشنهاد می‌کنم بانک مرکزی جوایزی برای خریداران در نظر بگیرد تا برای پیش خرید سکه بیشتر تشویق شوند.

اصفهان - گودرزی

این بسته بازی به درد بچه‌ها نمی‌خورد

با پرداخت ۲ هزار تومان برای دختر کوچکم یک بسته بازی «تیوباکس» خریدم که اولاً لوح فشرده آن مناسب بچه‌ها نیست و ثانیاً اسباب بازی به درد بخوری هم ندارد.

تصمیم گرفتم موضوع را تلفنی به شرکت سازنده اطلاع دهم، که متوجه شدم روی جعبه آن، تلفنی از تولید کننده چاپ نشده است!

خانم جعفری

نمایشگاه‌های عرضه مستقیم کالا

وقتی اکثریت حقوق بگیران به اصطلاح آهی ندارند که با سودا ناله‌کنند، برگزاری نمایشگاه‌های عرضه مستقیم کالابرایشان چه فایده‌ای دارد؟

باوفا

کاهش قیمت‌ها فقط یک ادعا است

برخی از مسئولان به دروغ از کاهش قیمت میوه و لبنیات و گوشت و برنج خبر می‌دهند، که متأسفانه روزنامه اطلاعات هم چاپ می‌کند و این در حالی است که برخی از افراد گمان می‌کنند روزنامه این حرف‌ها را از جانب خودش چاپ کرده است، که جا دارد به مردم توضیح دهید وظیفه روزنامه‌ها صرفاً چاپ اطلاعات مسئولان امور است و در مورد صحت یا سقم این اطلاعات مسئولیتی ندارند.

خانم شهروند تهرانی

تقدیم به دولت خدمتگزار و عدالت محور!

هزار وعده خوبان یکی وفا نکند

«کسی به ملت خود اینهمه جفا نکند»!

فرهنگی بازنشسته

گلایه از آموزشکده فنی حرفه‌ای

آموزشکده فنی حرفه‌ای کرمانشاه که تحت نظارت وزارت علوم فعالیت دارد، عیدی و حق عائله‌مندی بازنشستگان خود را نپرداخته است.

کرمانشاه - از بازنشستگان آموزشکده

دولت همچنان نظاره‌گر گرانی‌ها است

دولت محترم تاکی می‌خواهد نظاره‌گر گرانی‌هایی باشد که خودش با طرح‌هایی مانند هدفمندسازی یارانه‌ها و پیش‌فروش سکه در ایجاد آن بیشترین سهم را داشته و همواره از تولیدکنندگان در مقابل مصرف‌کنندگان حمایت کرده است؟

تبریز - از اهالی

دقت در قرائت کنتورهای آب

گاهی عجله مأموران سازمان آب موجب اشتباه در خواندن کنتورها می‌شود و در نتیجه قبوض با ارقام غیرواقعی به دست مشترکین می‌رسد، که جا دارد در این مورد تذکرات لازم به مأموران قرائت کنتورهای آب داده شود.

از مشترکین سازمان آب

حفظ ذخائر نفت و گاز برای نسل‌های آینده

در سفر اخیر رئیس جمهوری به استان فارس به گونه‌ای اطلاع‌رسانی شد که چاه‌های نفت این استان در دوران ریاست جمهوری ایشان کشف شده، حال آن که کشف این چاه‌ها به قبل از انقلاب باز می‌گردد و به نظر من بهتر است به جای بهره‌برداری از منابع نفت استان فارس که با هیچیک از همسایگان کشورمان مشترک نیست، منابع مشترک نفت و گاز با کشورهایی مانند عراق، عربستان و کویت و قطر بیشتر مورد بهره‌برداری قرار گیرد و ذخائر داخلی آن‌ها برای نسل‌های آینده حفظ شود.

شیراز - تلفن به خط ارتباطی

گرانی خدمات پستی

برای پست یک نامه ۱۰گرمی به تهران از من ۳۰۰۰ تومان دریافت کردند و پاسخ دادند اگر می‌خواهم نامه را به صورت معمولی پست کنم، آنقدر باید در سطح شهر بگردم تا صندوق پستی پیدا کنم و نامه‌ام را در آن بیندازم!

تبریز - از اهالی

به دلیل تغییر سمت حقوقم را کاهش داده‌اند

با ۲۷ سال سابقه تدریس در پایه اول ابتدایی سال قبل به دلیل بیماری از این کار معاف و به عنوان متصدی سایت مدرسه مشغول به کار شدم.

اما بی‌توجه به بیماری و به بهانه تغییر سمت حدود ۸۸ هزار تومان از حقوقم را کسر کرده‌اند و با ۳۲۰ هزار تومان حقوق ماهانه باقیمانده، نمی‌دانم چگونه زندگی کنم؟

خانم معلم سابق دبستان

خاطرات استاد شهریار

در انتهای خاطرات استاد شهریار که در ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات به چاپ می‌رسد. «ادامه دارد» نوشته می‌شود. که آیا منظور چاپ دنباله مطلب در روز یا هفته‌های آینده است؟

رضایی - خواننده روزنامه اطلاعات

خط ارتباطی: مطالب ادامه دار ضمیمه فرهنگی معمولاً هفته بعد و در شماره آینده آن چاپ می‌شود.

بقیه در صفحه ۹

اخبار کوتاه ورزشی

کسب ۲ مدال برنز در رقابت های بوکس جوانان آسیا

مرحله نیمه نهایی رقابت های بوکس قهرمانی جوانان آسیا با راهیابی سیاوش امیدی به دیدار فینال و کسب دو مدال برنز، برای نمایندگان ایران به پایان رسید.

در چهارمین روز از مسابقات بوکس جوانان آسیا در شهر «سوبیک بی» فیلیپین و در وزن منهای ۸۱ کیلوگرم، سیاوش امیدی ۱۲ بر ۱۱ نماینده چین را شکست داد و به دیدار فینال راه یافت.

دیدار فینال، امروز برگزار خواهد شد و امیدی، باید با نماینده قزاقستان روبرو شود. ایران در وزن منهای ۷۵ کیلوگرم، توسط مبین کهرازه و در وزن منهای ۹۱ کیلوگرم، توسط سینا قلعه بندی به مدال برنز دست یافت.

مدال برنز قلعه بندی در شرایطی بدست آمد که او در روز وزن کشی و قرعه کشی با قرعه استراحت روبرو شد و از آغاز رقابت ها، مدال برنزش قطعی بود.

این مبارزه اولین مبارزه او در این رقابت‌ها بود و در صورت پیروزی، فینالیست می شد، ولی با یک باخت و بدون برد، مدال برنز گرفت!

مهدی مهدوی کیا، کفش هایش را آویزان می کند

مهدی مهدوی کیا، کاپیتان پرافتخار تیم فوتبال پرسپولیس که چند سال پیش از بازی در تیم ملی فوتبال ایران کناره گیری کرد، پس از نشستی با سرمربی پرسپولیس، تصمیم به خداحافظی از فوتبال گرفت.

او که در بیشتر نظرسنجی های سال ۹۱ به عنوان بازیکن و مرد اخلاق ورزش و فوتبال ایران انتخاب شده است، پنجشنبه قبل از اعلام فهرست ۱۸ نفره پرسپولیس برای دیدار با مس کرمان، در نشستی با یحیی گل محمدی سرمربی این تیم، شرکت کرد و پس از آن، تصمیم گرفت که از دنیای فوتبال خداحافظی کند.

براساس مشورت مهدوی کیا با گل محمدی، مقرر شد که وی تا پایان این فصل از لیگ برترفوتبال در تمرینات و اردوهای سرخپوشان حضور داشته باشد و در صورتیکه تیم پرسپولیس به دیدار فینال جام حذفی راه یافت، دقایقی برای این تیم به میدان برود و پس از آن، برای همیشه کفش هایش را آویزان کند.

مهدوی کیا در نیم فصل نخست لیگ برترفوتبال، از تاثیر گذارترین بازیکنان پرسپولیس بود، ولی به خاطر مصدومیتی که از ناحیه کمر داشت، مدتها از میادین دور بود و پس از به دست آوردن سلامتی، دیگر به ترکیب اصلی پرسپولیس، راه پیدا نکرد. او با وجود نیمکت نشینی طولانی مدت، هیچگاه لب به اعتراض نگشود.

تعیین قهرمان لیگ برتر بسکتبال؛ امروز در پنجمین بازی فینال

تکلیف قهرمان فصل جاری لیگ برتر بسکتبال، امروز در پنجمین و آخرین بازی فینال مشخص می‌شود.

چهارمین بازی فینال لیگ برتر بسکتبال، عصر پنجشنبه بین تیم های بسکتبال مهرام و پتروشیمی در تالار بسکتبال مجموعه ورزشی آزادی برگزار شد که شاگردان مهمت بشیرویچ با نتیجه نزدیک ۸۵ بر ۸۳ پیروز شدند تا تکلیف قهرمان این دوره از لیگ برتر بسکتبال به بازی پنجم دو تیم (امروز) کشیده شود.

کوارتر اول این دیدار با برتری ۲۴ بر ۱۳ تیم پتروشیمی به پایان رسید، ولی در کوارتر دوم مهرامی‌ها، بازی هجومی را دستور کار خود قرار دادند تا این کوارتر را با نتیجه ۲۵ بر ۱۱ به سود خود به پایان رساندند. در کوارتر سوم، هر دو تیم بازی نزدیک و پایاپایی را به معرض نمایش گذاشتند و این تیم پتروشیمی بود که دوباره پیش افتاد و با حساب ۲۴ بر ۲۳ پیروز شد. در کوارتر چهارم، هر دو تیم بازی پایاپای را ارائه کردند و تیم برتر میدان، هر لحظه جا به جا می شد تا دو تیم به تساوی ۲۴ بر ۲۴ رضایت دادند. البته در مجموع چهار کوارتر، این تیم مهرام بود که به برتری نزدیک ۸۵ بر ۸۳ رسید تا در ۴ بازی فینالی که برگزار شد، سهم هر یک از دو تیم ۲ برد باشد. بنابراین، برای معرفی قهرمان لیگ برتر بسکتبال، امروز دو تیم در آخرین بازی فینال مقابل هم صف آرایی خواهند کرد.

خوش شانس بودیم و بردیم

سرمربی تیم بسکتبال مهرام، پس از برتری تیمش مقابل پتروشیمی در فینال لیگ برتر گفت: هر تیمی که خوش‌شانستر باشد، قهرمان لیگ برتر می‌شود.

مهمد بچیروویچ، سرمربی تیم بسکتبال مهرام پس از برتری تیمش در چهارمین دیدار فینال لیگ برتر بسکتبال مقابل پتروشیمی بندرامام، تصریح کرد: همانطورکه پیش‌بینی می‌کردیم، بازی سختی بود. البته مانند بازی دوم که پتروشیمی بندرامام شانس آورد و آن بازی را برنده شد، ما هم در این بازی خوش شانس بودیم و بردیم.

وی افزود: در حال حاضر بازی فینال لیگ برتر بسکتبال ۲ بر ۲ مساوی است و در دیدار پنجم هر تیمی که بهتر بازی کند و شانس بیشتری داشته باشند، برنده و قهرمان خواهد شد.

چهارمین دیدار فینال لیگ برتر بسکتبال عصر روز پنجشنبه با برتری ۸۵ بر ۸۳ مهرام مقابل پتروشیمی به پایان رسید تا همه چیز برای مشخص شدن تکلیف قهرمانی این دوره از لیگ برتر بسکتبال به دیدار پنجم دو تیم که امروز برگزار خواهد شد، کشیده شود.

تماشاگران اجاره‌ای

سرمربی تیم بسکتبال پتروشیمی بندرامام با بیان اینکه فدراسیون با جریمه پتروشیمی بندرامام، خودش را جریمه کرد، گفت: تماشاگران ما تماشاگر واقعی هستند و با تماشاگران اجاره‌ای تیم‌ها فرق دارند.

مهران حاتمی، سرمربی تیم بسکتبال پتروشیمی بندرامام، پس از شکست تیمش مقابل مهرام تهران در چهارمین فینال لیگ برتر بسکتبال، تصریح کرد: این بازی ما بهتر از بازی گذشته بود. این پیروزی را به تیم مهرام تبریک می گویم و از شاگردانم به دلیل ارائه یک بازی زیبا تشکر می کنم.

وی در مورد جریمه تیم پتروشیمی بندرامام به دلیل مسائل پیش آمده در دیدار اول فینال لیگ برتر بسکتبال، گفت: این جریمه دشمنان ما را خوشحال و فدراسیون بسکتبال با اینکار خودش را جریمه کرد.

حاتمی افزود: تماشاگران ما تماشاگر واقعی هستند و با تماشاگران اجاره‌ای تیم‌ها فرق دارند. البته مسئولان برگزاری مسابقه فینال در ماهشهر، کوتاهی کردند.

حاتمی در خصوص عملکرد سانی بچیروویچ، گفت: او بازیکن بزرگی است، ولی در دو بازی آخر فینال لیگ برتر در حد و اندازه های خود ظاهر نشد.

حاتمی، تاکید کرد: در دیدار آخر فینال لیگ برتر بسکتبال با همه توان به میدان خواهیم رفت.

بهترین بازیکنان فینال چهارم

امتیاز آورترین بازیکنان دو تیم مهرام و پتروشیمی در چهارمین بازی فینال لیگ برتر بسکتبال معرفی شدند.

چهارمین بازی فینال لیگ برتر بسکتبال، عصر پنجشنبه بین دو تیم مهرام و پتروشیمی در تالار بسکتبال مجموعه ورزشی آزادی برگزار شد و با برتری ۸۵ بر ۸۳ تیم مهرام به پایان رسید. موثرترین بازیکن زمین و امتیاز آورترین بازیکنان دو تیم از سوی کمیته فنی مسابقات معرفی شدند. روزبه ارغوان، بازیکن تیم پتروشیمی بندر امام با کسب ۲۶ امتیاز به عنوان امتیاز آورترین بازیکن معرفی شد. وی، علاوه بر امتیاز آورترین به عنوان موثرترین بازیکن چهارمین بازی فینال نیز انتخاب شد. صمد نیکخواه بهرامی با کسب ۲۲ امتیاز بیشترین امتیاز را برای تیم مهرام بدست آورد و نقش موثری در پیروزی تیمش داشت.

نبود جام قهرمانی در سالن

بازیکنان تیم بسکتبال پتروشیمی پس از پایان مسابقه چهارم فینال به نبود جام قهرمانی در سالن اعتراض کردند.

دیدار تیم های مهرام و پتروشیمی در بازی چهارم فینال لیگ برتر بسکتبال، پنجشنبه در تالار بسکتبال آزادی تهران با نتیجه ۸۵ بر ۸۳ به پایان رسید. بازیکنان پتروشیمی که با برتری در این بازی می توانستند قهرمان لیگ برتر شوند، پس از پایان مسابقه به نبود جام قهرمانی در سالن اعتراض داشتند. برخی معتقد بودند که چون قرار بوده تکلیف قهرمان در بازی پنجم مشخص شود، جام به سالن آورده نشده بود!

اعضای تیم پتروشیمی که در اواخر مسابقه نسبت به عملکرد داوری معترض بودند با تنظیم نامه‌ای به این موضوع اعتراض کردند.

فینال لیگ برتر بسکتبال، ساعت ۱۵ و ۳۰ دقیقه امروز در تالار بسکتبال آزادی تهران برگزار خواهد شد.

جهان فوتبال

بایرن مونیخ - یوونتوس؛ حساسترین جدال لیگ قهرمانان اروپا

قرعه کشی مرحله یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان اروپا، دیروز ظهر در شهر نیون سوئیس انجام شد و براساس آن، بایرن مونیخ - یوونتوس در حساسترین جدال مقابل هم قرار می گیرد.

بر اساس قرعه کشی مرحله یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان اروپا، هشت تیم حاضر در این مرحله، طبق برنامه زیر به مصاف هم خواهند رفت:

مالاگا – دورتموند
رئال مادرید – گالاتاسرای
پاری سن ژرمن – بارسلونا
بایرن مونیخ – یوونتوس

بازی های دور رفت مرحله یک چهار نهایی لیگ قهرمانان اروپا، ۱۳ و ۱۴ فروردین ۹۲ و بازی های دور برگشت ۲۰ و ۲۱ فروردین ۹۲ برگزار خواهند شد.

در رقابتهای مرحله یک چهارم نهایی، برای نخستین بار بعد از ۱۷ فصل، هیچ تیم انگلیسی حضور ندارد. این در حالی است که مالاگا برای نخستین بار در طول تاریخ ۱۰۸ ساله خود در لیگ قهرمانان اروپا حضور یافته و به جمع ۸ تیم برترهم راه پیدا کرده است.

علاقه مندی رونالدو به خواندن قرآن مجید

هافبک آلمانی رئال مادرید، از علاقه کریستیانو رونالدو به یادگیری قرآن کریم خبر داد.

شبکه تلویزیونی رئال مادرید عربی به نقل از سایت اسلامی «باکسبانجام» اندونزی خبر داد که مسوت اوزیل، هنگام تنهایی با رونالدو، برای او قرآن تلاوت می کند و ستاره پرتغالی رئال مادرید به دقت گوش می کند و اینکار را دوست دارد. این سایت اندونزیایی به نقل از اوزیل، نوشت: وقتی که با رونالدو تنها می شوم، برای او قرآن می خوانم و او از اینکار من استقبال می کند. رونالدو، همواره از من می خواهد که خواندن قرآن را به او یاد دهم. او، اکنون بعضی از حروف را از هم تشخیص دهد. او، سوره «فاتحه» را بیشتر از دیگر سوره ها دوست دارد.

برنامه دیدارهای مرحله یک چهارم نهایی لیگ اروپا

مرحله یک چهارم نهایی لیگ فوتبال اروپا، از ۱۵ فروردین ۹۲ با دیدار چلسی – رابین کازان آغاز خواهد شد.

قرعه کشی مرحله یک چهارم نهایی لیگ فوتبال اروپا، بعدازظهر دیروز در شهر نیون سوئیس برگزار شد و هشت تیم برتر این مسابقات، حریفان خود را در مرحله یک چهارم نهایی شناختند.

تیم‌های برتر در مرحله یک چهارم نهایی لیگ فوتبال اروپا، طبق این برنامه به مصاف هم خواهند رفت:

دور رفت، پنجشنبه – ۱۵ فروردین ۹۲

* چلسی انگلیس – رابین کازان روسیه
* تاتنهام انگلیس – اف سی بازل سوئیس
* فنرباغچه ترکیه – لاتزیو ایتالیا
* بنفیکا پرتغال – نیوکاسل انگلیس

دور برگشت، پنجشنبه – ۲۲ فروردین ۹۲

* رابین کازان روسیه – چلسی انگلیس
* اف سی بازل سوئیس – تاتنهام انگلیس
* لاتزیو ایتالیا – فنرباغچه ترکیه
* نیوکاسل انگلیس – بنفیکا پرتغال

مسی، رکورد جدیدی به ثبت رساند

لیونل مسی، نخستین بازیکن تاریخ فوتبال است که در ۱۷ بازی پیاپی لیگ برتر، گلزنی کرده است.

لیونل مسی، مهاجم آرژانتینی تیم بارسلونا اسپانیا با گلی که در دیدار مقابل دیورتیولاکرونیا به ثمر رساند، یک رکورد جدید جهانی در گلزنی در بازی های پیاپی در یک لیگ معتبر از خود به جا گذاشت. مسی در ۱۷ بازی پیاپی لیگ، برای بارسا گلزنی کرده است. رکورد قبلی که گلزنی در ۱۶ بازی پیاپی بود در اختیار «تئودور پترک» بود. پترک در ۱۶ بازی پیاپی لیگ لهستان در فصل ۳۸-۱۹۳۷ موفق شد ۲۲ گل به ثمر برساند.

مسی که اکنون از مرز ۲۰۰ گل در لالیگا عبور کرده است، در این فصل ۴۰ گل در لیگ اسپانیا به ثمر رسانده که این عدد به تنهایی برای کسب عنوان آقای گل لالیگا و جایزه پیچیچی در یک فصل کافی است.

برگزاری استاژ فنی «کن دو» با حضور استاد هایاشی (دان ۸ کیوشی)

استاژ فنی کن دو به ریاست استاد سلیمان مهدیزاده، بنیانگذار و رئیس انجمن کن دو و ایی آی دو ایران با حضور یکی از اعضای برجسته فدراسیون کن دو ژاپن، در سالن شهید کبکانیان تهران برگزار شد.

انجمن کن دو و ایی آی دو ایران که از مدت ها قبل در تدارک برگزاری استاژ فنی با حضور یکی از اعضای برجسته فدراسیون کن دو ژاپن در تهران بود، گردهم آیی بزرگ اعضا و هنر جویان خود را به ریاست استاد سلیمان مهدیزاده، بنیانگذار و رئیس انجمن با حضور استاد تاچواو هایاشی (دان ۸ کیوشی) برگزار کرد.

استاد مهدیزاده درحاشیه استاژ مذکور، گفت: حضوراستاد هایاشی در این استاژ فنی، سطح بالای تکنیکی و حرفه ای کن دو ایران را نشان می دهد. برای برگزاری این استاژ، از چند ماه قبل برنامه ریزی کرده و خوشبختانه با همکاری سفارت ژاپن در تهران، آن را بسیار خوب و پربار برگزار کردیم.

وی افزود: هنرجویان از شهرها و استان های سراسر کشور، مشتاقانه در این سمینار شرکت کردند. امیدوارم شرکت کنندگان در این گردهم آیی، از دانش فوق العاده استاد هایاشی، بهره لازم را برده باشند.

استاد هایاشی نیز درباره این استاژ فنی، گفت: آنچه دیدم، نشانگر سطح بالای آموزش کن دو در ایران است. استاد مهدیزاده به دقت و ظرافت، مباحث آموزشی کن دو اصیل و سنتی را در ایران پایه ریزی کرده است و برپایی این گردهم آیی، نشانه موفقیت برنامه‌ریزی‌هاست.

وی افزود: هنرجویان کن دو ایران با تلاش و آموزش های سطح بالا و اصولی استاد مهدیزاده، از سطح تکنیکی بسیار خوبی برخوردارند. بنده در این استاژ، فقط چند نکته را برای ارتقاء تمرین کن دو کاهای ایران، بیان کردم و امیدوارم، بزودی به ایران باز گردم وچنین تمرین‌هایی را با هنرجویان انجمن انجام دهم.

تساوی پرسپولیس – مس کرمان در ثانیه های پایانی

تیم فوتبال پرسپولیس که هفته گذشته با شکست مقابل راه آهن، اولین باخت خود را با یحیی گل محمدی تجربه کرد، دیروز در هفته سی ام لیگ برتر مقابل مس کرمان به تساوی رسید تا سال ۹۱ را در رسیدن به پیروزی با ناکامی خانگی به پایان برساند.

سومین دیدار از روز نخست هفته سی ام لیگ برتر فوتبال، دیروز با دیدار تیم های فوتبال پرسپولیس – مس کرمان در ورزشگاه آزادی پیگیری شد که شاگردان یحیی گل محمدی نتوانستند از پیروزی ۲ بر یک خود محافظت کنند و در ثانیه های پایانی، گل تساوی را دریافت کردند تا بازی ۲ بر ۲ شود. در این دیدار که در حضور کمتر از ۱۵ هزار تماشاگر برگزار شد، پرسپولیس در نیمه اول توسط مارکو پرویچ(۱۰) به گل نخست رسید، ولی رضا عنایتی مهاجم کهنه کار مس کرمان(۱۷) بازی را به تساوی کشاند تا کار شاگردان گل محمدی برای نیمه دوم سخت شود. اما در دقیقه اول نیمه دوم، میثم نقی زاده(۴۶) سرخپوشان را از حریف کرمانی پیش انداخت.

در ادامه این بازی، هر دو تیم برای رسیدن به گل تلاش زیادی را از خود نشان دادند که سهم مسی ها، بیشتر از همتای تهرانی بود. پرسپولیسی ها در ضد حملات چند موقعیت گلزنی داشتند، ولی نتوانستند از این موقعیت‌ها به خوبی استفاده کنند تا اینکه در وقت های اضافه و چند ثانیه مانده به پایان دیدار، احمد حسن زاده(۹۳) گل تساوی را به ثمر رساند.

پرسپولیس با این نتیجه ۴۳ امتیازی شد و به رده ششم جدول رده بندی بازگشت. مس کرمان با ۴۳ امتیاز در رده هفتم قرار گرفت. تیم علی دایی با همین تعداد امتیاز در رده هشتم جای گرفت.

۲ تساوی در آغاز هفته

دو بازی آغازین هفته سی ام لیگ برتر فوتبال، بین فجرسپاسی – فولاد و ملوان – راه آهن با تساوی به پایان رسید.

دیروز دو دیدار از هفته سی ام لیگ برترفوتبال با تساوی به پایان رسید. فجرسپاسی و فولاد به تساوی یک بر یک و ملوان و راه آهن به تساوی بدون گل رضایت دادند.

در شیراز، فجرسپاسی میزبان شاگردان حسین فرکی بود. این تیم فولاد بود که در دقیقه ۱۲ توسط عباس پورخسروانی به گل رسید. با اخراج ایوب کلانتری در دقیقه ۵۶ که کارت قرمز مستقیم را به دلیل تکل خشن دریافت کرد، تیم فولاد ۱۰ نفره به کار ادامه داد و همین امر موجب فشار تیم فجرسپاسی شد و در دقیقه ۶۰ یک ضربه پنالتی برای فجرسپاسی اعلام شد که نظری از روی نقطه پنالتی، بازی را به تساوی یک بر یک رساند. تلاش دو تیم در ادامه، بی نتیجه بود و بازی با تساوی یک بر یک به پایان رسید. فجر با یک بازی بیشتر نسبت به صبای قم بعلت تفاضل گل بهتر یک رده صعود کرد و در جای دهم ایستاد. فولاد هم ۵۳ امتیازی شد و در جایگاه چهارم باقی ماند.

تساوی در بندر

ملوان در انزلی میزبان راه آهن بود؛ تلاش دو تیم بعد از ۹۰ دقیقه با تساوی بدون گل به پایان رسید. در این دیدار فرزاد آشوبی، هافبک راه‌آهن در دقیقه ۶۱ یک ضربه پنالتی از دست داد تا دو تیم امتیازات را تقسیم کنند.

راه آهن با این نتیجه وبا توجه به یک بازی بیشتر نسبت به پرسپولیس و مس کرمان با ۴۳ امتیاز در جای ششم و ملوان با ۳۹ امتیاز در جای نهم باقی ماند.

تعیین قهرمان لیگ برتر جودو؛ فردا

قهرمان لیگ برتر جودو باشگاه‌های کشور، فردا در حالی تعیین خواهد شد که موسسه مالی اعتباری میزان، راه دشواری برای قهرمانی ندارد و دو تیم برای نایب قهرمانی تلاش می کنند.

نهمین دوره لیگ برتر جودو باشگاههای کشور، فردا با برگزاری شش دیدار، هفته چهارم را به پایان می رساند. در مهمترین دیدارهفته چهارم، دو تیم دانشگاه آزاد و پاس خراسان رضوی که با ۱۸ امتیاز در مکانهای دوم و سوم جدول ایستاده اند، برای کسب عنوان نایب قهرمانی به مصاف هم می روند.

دانشگاه آزاد، قبل از این دیدار مهم باید با تیم شهروند چالوس پیکار کند و پاس خراسان رضوی به مصاف نفت مسجد سلیمان خواهد رفت.

موسسه مالی اعتباری میزان که با ۲۱ امتیاز، صدرنشین است باید با تیم‌های شهروند چالوس و شهدای خوزستان پیکار کند.

میزان در صورت لغزش در یکی از دو بازی، شانس دیگرمدعیان را برای قهرمانی افزایش خواهد داد.

شهید نظر می کند به وجه الله



سال روز شهادت سید سعید **مصطفوی** را گرامی می‌داریم.
ای هموطن هنگام عبور از خاک شهدا سر تعظیم فرود آور.
زیر این مکان جایگاه جوانانی است که وطن را نجات دادند.
روانشان شاد

خانواده شهید

ترحیم

بازگشت همه بسوی اوست

با نهایت تأسف و تألم درگذشت فقیده سعیده **حاجیه خانم زهرا پورزاده فلاح** که از ارادتمندان به حضرت زهرا(س) بوده‌اند را به اطلاع دوستان و بستگان می‌رساند.
به همین مناسبت مجلس ترحیم زنانه و مردانه آن مرحومه در روز یکشنبه ۹۱/۱۲/۲۷ از ساعت ۱/۳۰ تا ۳ بعدازظهر در مسجد الغدیر واقع در بلوار میرداماد منعقد است.
حضور شما عزیزان موجب تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: پورزاده فلاح ـ تحصیلی و سایر وابستگان

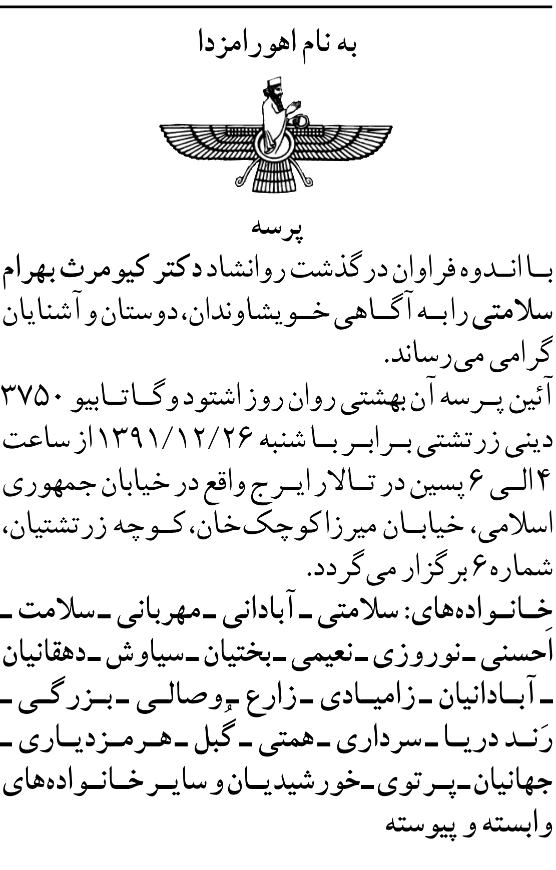
بازگشت همه بسوی اوست

با نهایت تأسف و تألم درگذشت مادری مهربان و خواهری بزرگوار شادروان **حاجیه خانم دکتر طاهره صدوقی** کارمند عالیرتبه بازنشسته وزارت آموزش و پرورش را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان و آشنایان محترم می‌رساند.
به همین مناسبت مجلس ختمی روز شنبه ۹۱/۱۲/۲۶ از ساعت ۱۵/۳۰ الی ۱۷ در مسجد جامع الرسول(ص) واقع در سعادت آباد، میدان کاج برگزار می‌گردد.
حضور سروران عزیز موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی و امتنان بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های سوگوار: صدوقی ـ قوام صدوقی ـ اشرف واقفی ـ واقفی ـ هاشمیان ـ شریعتی ـ مدرس ـ افتخاری ـ هورتاش ـ جلیلی ـ توکلی ـ باقری ـ میرترابی ـ کاشانی و سایر وابستگان.

هوالباقی

با نهایت تأثر و تأسف درگذشت ابوی گرامی **جناب آقای سیدکمال موسوی** کارشناس محترم رسمی دادگستری رشته حسابداری و حسابرسی را ضمن عرض تسلیت به اطلاع همکاران گرامی می‌رساند.
به همین مناسبت مجلس ترحیمی از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ روز شنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۶ در مسجد الزهرا(س) واقع در شهرک غرب فاز ۲ خیابان هرمزان روبروی برجهای تهران منعقد می‌باشد.
حضور سروران گرامی باعث تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.
کانون کارشناسان رسمی دادگستری و هیئت رئیسه گروه ۴ـ امور مالی

به نام اهورامزدا



پرسه

با اندوه فراوان درگذشت روانشاد **دکتر کیومرث بهرام سلامتی** را به آگاهی خویشاوندان، دوستان و آشنایان گرامی می‌رساند.
آئین پرسه آن بهشتی روان روز اشتود و گاتابیو ۳۷۵۰ دینی زرتشتی برابر با شنبه ۱۳۹۱/۱۲/۲۶ از ساعت ۴ الی ۶ پسین در تالار ایرج واقع در خیابان جمهوری اسلامی، خیابان میرزاکوچک‌خان، کوچه زرتشتیان، شماره ۶ برگزار می‌گردد.
خانواده‌های: سلامتی ـ آبادانی ـ مهربانی ـ سلامت ـ اَحسنی ـ نوروزی ـ نعیمی ـ بختیان ـ سیاوش ـ دهقانیان ـ آبادانیان ـ زامیادی ـ زارع ـ وصالی ـ بزرگی ـ رَند دریا ـ سرداری ـ همتی ـ گبل ـ هرمزدیاری ـ جهانیان ـ پرتوی ـ خورشیدیان و سایر خانواده‌های وابسته و پیوسته

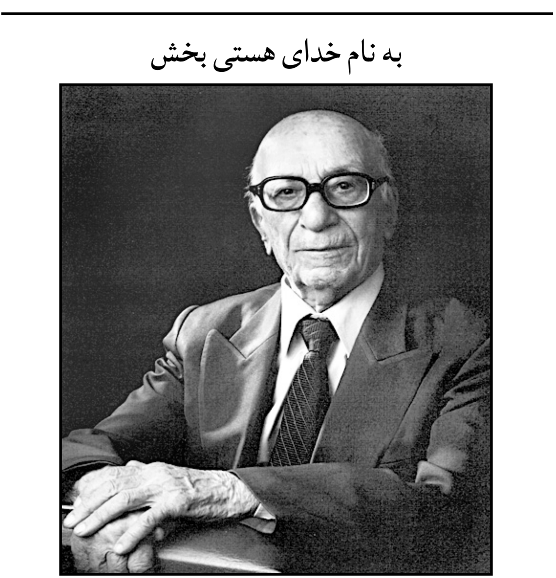
بنام یزدان پاک

درگذشت همکار عزیز و ارجمند **جناب آقای دکتر کیومرث سلامتی** را به خانواده محترم ایشان و اقوام وابسته و دوستان تسلیت عرض نموده آرزوی سلامتی برای بازماندگان و آمرزش آن روانشاد را خواهانیم.
به اطلاع می‌رسانیم مراسم پرسه (یادبود) آن روانشاد روز ۱۳۹۱/۱۲/۲۶ ساعت ۱۶ الی ۱۸ در تالار ایرج واقع در خیابان جمهوری اسلامی خیابان میرزاکوچک‌خان کوچه زرتشتیان پلاک ۶ برگزار می‌گردد.
حضور همکاران محترم و دوستان را گرامی می‌داریم.
هیأت مدیره، پزشکان و کارکنان بیمارستان شهریار

کسی که طعم محبت چشیده می‌داند
مصیبتی به جهان همچو مرگ مادر نیست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت **حاجیه خانم فاطمه شریفیان مادر شهید ناصر پناهی** را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رساند. ضمن عرض تسلیت به همسر محترمشان جناب آقای حاج عباس پناهی که عمری است نوکری آقا امام حسین(ع) را مدال افتخاری برای خود می‌داند و تسلیت به فرزندان عزیز و داغدیده‌اش، به همین مناسبت مجلس ترحیمی در روز یکشنبه ۹۱/۱۲/۲۷ از ساعت ۴ الی ۵/۳۰ بعدازظهر در مسجد ائمه بقیع واقع در شوش شرقی ـ شهرزاد جنوبی برقرار می‌باشد.
حضور فامیل محترم ـ دوستان و آشنایان موجب تسلی خاطر دل بازماندگان خواهد بود.
هیئت حضرت سجاد علیه‌السلام
حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدعلی رضوی ـ حاج محمود حجازی ـ رضا حجازی ـ حاج امیر صالحی ـ حسن احمدی ـ حاج اکبر مشکیان ـ جواد طالبی ـ محسن جوکار ـ علی محسنی ـ حسن باقری ـ مصطفی هاشمی ـ علی افتخاری ـ محمد محمدی قهیازی ـ اسماعیل احمدی ـ حاج علی باقری ـ حسن ایمانی

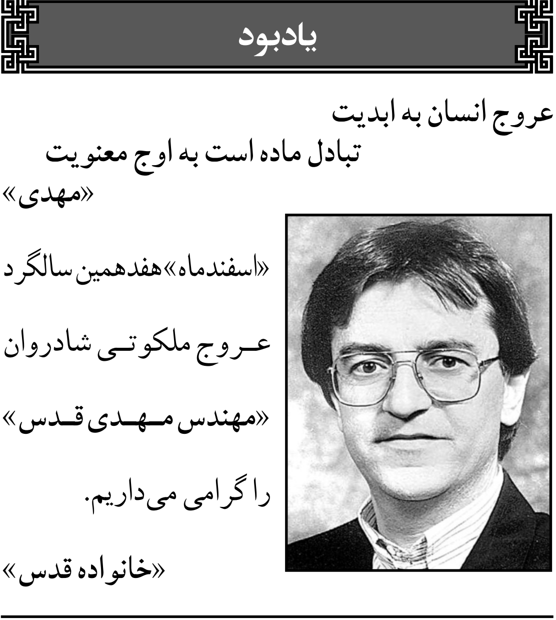
به نام خدای هستی بخش



استاد بزرگ پروفسور **دکتر علی اقبالی** استاد دانشگاه تهران، بنیانگذار آموزش عالی در غرب کشور و اولین دانشکده آموزش عالی آبادانی روستا و عمران و توسعه در ایران جان به جان آفرین تسلیم کرد.
و پی گیری تلاش‌های ۸۰ ساله‌اش برای توسعه کشاورزی و آبادانی و عمران روستایی ایران را به هزاران فرهیخته‌ای سپرد که همگی به پیروی از استاد بزرگ خود، کمر همت به تداوم سربلندی ایران عزیز بسته‌اند.
روانش شاد و راهش پر رهرو باد.
ضمن طلب آمرزش از خدای قادر متعال برای آن مرحوم و عرض تسلیت به بازماندگان محترم، برخود لازم می‌داند که فقدان این استاد دانشمند و حامی ارزشمند را به جامعه علمی و نیز، به جامعه روستایی و کشاورزی کشور تسلیت عرض نماید.
دکتر اسماعیل شهبازی
گروه آبادانی روستا، پارک علمی و تحقیقاتی، دانشگاه شهید بهشتی، پردیس یک و اعضای هیات موسس دانشگاه عمران و توسعه همدان

یادبود

عروج انسان به ابدیت
تبادل ماده است به اوج معنویت
«مهدی»



«اسفندماه» هفدهمین سالگرد
عروج ملکوتی شادروان
«مهندس مهدی قدس»
را گرامی می‌داریم.
«خانواده قدس»

یادمان

تو ای آموزگارم مادر خوبم
دلت خرم ـ روانت شاد
که من دست نیازی سوی کس
هرگز نخواهم برد
و جز روح تو
این روح ز بند آزاد
مرا دیگر پناهی نیست
دیگر تکیه گاهی نیست
(شعر از حمید مصدق)

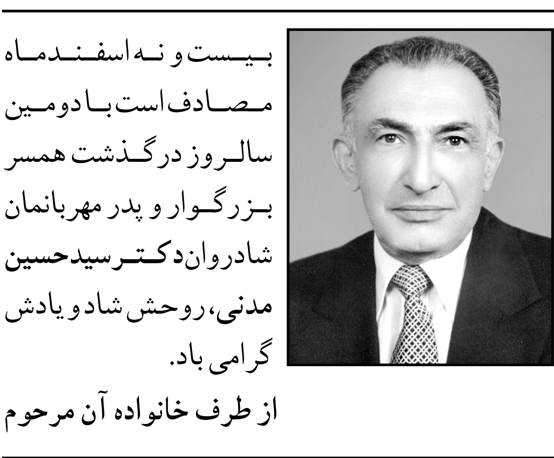
بعد از طی ایام پنج ساله فراق جسمانی مادر عزیزمان شادروان سرکار **خانم لعیا اکبری شرقی (خوانساری)**، هم‌اکنون در آغاز ششمین سال حیات جاودانه و روحانیش، یاد و خاطره آموزگار عشق و نجابت و ایثار را گرامی می‌داریم.
تبریز ـ فرزندانش ـ سید پیمان و سید کیهان خوانساری

از سر این قافله   قافله سالار رفت
سه‌شنبه ششم فروردین ۱۳۹۲ مصادف با چهاردهمین سالروز درگذشت همسر و پدر عزیزمان **سرتیپ مهندس منوچهر معینی** می‌باشد.
یادش را چون همیشه گرامی می‌داریم.
سیمین معینی ـ دکتر علی معینی ـ دکتر حسین معینی

«هوالباقی»

هرچند همچو گل همه بربادرفته‌اند
هرگز گمان مدار که از یاد رفته‌اند

یاد و خاطره مادر عزیزمان **بانو اعظم محمودزاده** همسر زنده یاد **دکتر سیدعلی سعیدی** را در سالروز سفرش روز یازدهم فروردین ۹۲ گرامی می‌داریم.
پانزده سال گذشت اما روزی بی او نگذشت.
دکتر مینو سعیدی (مهرداد)، نسرین سعیدی (بقایی)، دکتر گلپیرا سعیدی (عشقی)، شایسته سعیدی (ساحلی) و مهندس محمدسعیدی

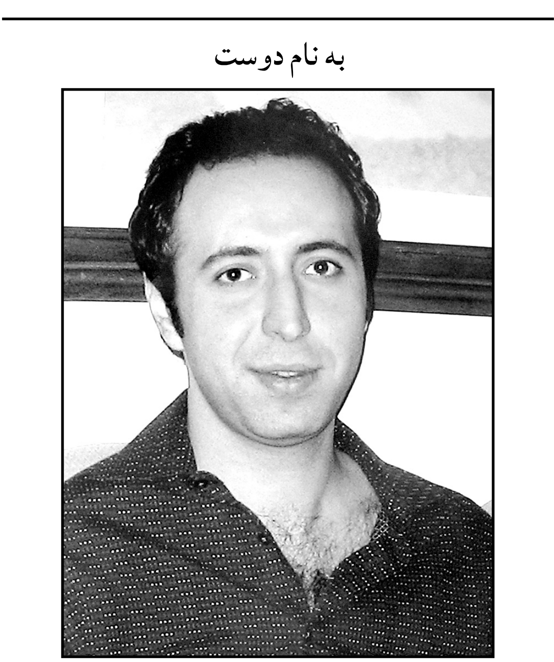


بیست و نه اسفندماه مصادف است با دومین سالروز درگذشت همسر بزرگوار و پدر مهربانمان شادروان **دکتر سیدحسین مدنی**، روحش شاد و یادش گرامی باد.
از طرف خانواده آن مرحوم

یادبود

با نهایت احترام به اطلاع همشهریان محترم زنوزی می‌رساند به مناسبت یادبود درگذشتگان سال ۹۱ مجلس یادبود مردانه و زنانه در روز چهارشنبه ۹۱/۱۲/۳۰ از ساعت ۱۶ الی ۱۸ در حسینیه دریانیها واقع در خیابان ستارخان خیابان پاتریس لومومبا برگزار می‌گردد.
سخنرانان: آقای صفی اقدم شهردار محترم زنوز
آقای دکتر ناصر عابدینی رئیس دانشگاه پیام نور زنوز
آقای حجت خانه‌دان سخنگوی محترم شورای اسلامی شهر زنوز
حضور شما عزیزان زنوزی ضمن آگاهی از اوضاع فرهنگی و عمران و آبادی زنوز باعث تسلی خاطر بازماندگان درگذشتگان سال ۹۱ خواهد شد.
جمعیت اسلامی فرهنگی زنوزی‌های مقیم مرکز
هیات امنای صندوق قرض‌الحسنه زنوزی‌های مقیم کرج

به نام دوست



از روی تو دل کندنم آموخت زمانه
این دیده از آن روست که خونابه فشان است
ای کوه تو فریاد من امروز شنیدی
دردی ست درین سینه که همزاد جهان است

در سوم فروردین ماه ششمین سالروز پرواز ابدی فرزند و برادر دلبند و عزیزمان **علی نورانی پور** یاد و خاطره‌اش را گرامی می‌داریم.
هزینه مراسم صرف امور خیریه گردید.
پدر، مادر و برادر

«هوالباقی»

اختر چرخ ادب و معرفت پروین است
خاطری را سبب تسکین است

چهارده سال از پرواز ملکوتی مادری فداکار و زحمتکش و خیرخواه شادروان مرحومه **پروین هاشمی زنوزی** که آئینه تمام نمای یک زن نمونه ایرانی می‌باشد و همسر انسانی شریف و مهربان زنده‌یاد مرحوم **بهلول رمضانی** می‌گذرد. انسانهای همیشه جاودان که به وجودشان بالیده و خواهیم بالید یادشان گرامی باد.
هزینه مراسم صرف امور خیریه می‌گردد.
رمضانی ـ هاشمی زنوزی

«هوالباقی»

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق
با ما بودی، بی ما رفتی
چو بوی گل به کجا رفتی، تنها رفتی

مهیای بهار بودیم که خزان روزگار خوشبوترین اقاقی زندگی‌مان را بدست اجل سپرده و در حیرتیم که در پس این عروج چگونه افعال زندگی را صرف کنیم بی آنکه مهر مادر بدرقه راهمان باشد.
۱۵ سال از درگذشت مادرم **همایون تاج شهردار** می‌گذرد یاد و خاطره‌اش گرامی باد.
کاوه پورفتحی

تسلیت

همکار محترم جناب آقای عباس راژبام
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت گفته، برای آن مرحومه اجر جزیل و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم.
هیئت مدیره و کارکنان شرکت ماهان‌راه

دوست عزیز جناب آقای اردشیر انصاری
مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض می‌نماییم.
سیار ـ مظلی ـ امامی

جناب آقای امیررضا عسگراولادی
خانواده محترم کمال‌زاده
بانهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده و برایتان از خداوند متعال صبر و شکیبایی آرزومندیم.
فیزیوتراپی فرشته

دوست عزیز و گرامی جناب آقای دکتر شفیعی
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم **آقای دکتر حمیدرضا احمدی** را خدمت جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال صبر و شکیبایی برای کلیه بازماندگان و علو درجات برای آن مرحوم خواستاریم.
شرکت بی‌ان‌ام
محمدحسن مرادی

خانواده محترم زهتاب‌فرد
درگذشت شادروان **رحیم زهتاب‌فرد** آن اندیشمند بزرگ را تسلیت گفته، بقای عمر بازماندگان را آرزومندیم.
(دبی) **زهره و سیامک کیا**

جناب آقای مهندس محمد ایثاری
با اندوه فراوان مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از خداوند صبر و شکیبایی برای حضرتعالی و خانواده محترم مسئلت می‌نماید.
مهندسین مشاور ایران فتوگرامتریست

جناب آقای امرالله شکوهی
بدینوسیله مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نماییم.
دکتر رضا خلج امیری
عبداله خان محمدی

جناب آقای دکتر قاسم عمو عابدینی
معاون محترم پژوهشی دانشگاه تهران
با نهایت تأسف مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، برایتان صبر و شکیبائی آرزومندیم.
دکتر بهروز زندیه دولابی و خانواده ـ آمستردام

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت ناگهانی و جانگداز دوست و همکار عزیزمان «**کاپیتان منصور شهرکی و همسر گرامیشان**» را به حضور خانواده محترمشان و همکاران ارجمند صمیمانه تسلیت عرض می‌نماییم.
مهندسین پرواز جمبوجت ایران ایر

جناب آقای مهندس غلامعلی شهرکی
با کمال تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، برای آن عزیزان جانباخته طلب مغفرت الهی و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر، سلامت و طول عمر آرزو می‌نمایم.
مهدی محیط کرمانی

جناب آقای مهندس محمد ایثاری
با کمال تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم طلب مغفرت الهی و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر، سلامت و طول عمر آرزو می‌نمایم.
مهدی محیط کرمانی

جناب آقای مهندس حمید میرمیران
مدیرعامل محترم مهندسین مشاور نقش جهان پارس
صمیمانه و باکمال تأسف درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت گفته، سلامتی جنابعالی و خانواده محترم را از خداوند متعال خواستاریم.
مهندسین مشاور آتک

جناب آقای علیرضا امینی
با اندوه فراوان مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم صمیمانه تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزدمنان برای آن مرحوم غفران الهی و برای بازماندگان سلامتی و بقای عمر خواستاریم.
شرکت توسعه آب و گاز ایران

جناب آقای دکتر عباس لبافیان
با نهایت تأسف و اندوه فراوان مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم صمیمانه تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزدمنان برای آن مرحومه علو درجات و صبر و بردباری برای بازماندگان خواستاریم.
موسسه چای ادیب

جناب حاج آقا بابازاده
سرکار خانم بابازاده
تسلیت واژه کوچکی است در برابر غم از دست دادن عزیز رفته. مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، آمرزش و غفران الهی برای آن مرحومه از درگاه ایزد منان مسئلت می‌نماییم و برای جنابعالی و سرکار خانم بابازاده و خانواده محترم از خداوند متعال بقاء و طول عمر و سلامتی خواستاریم.
فلکشاهی ـ سرایی ـ گنجی ـ ده‌پهلوان و رضائی

خانواده محترم سلامتی
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما تسلیت عرض نموده و بقای عمر بازماندگان را از خداوند منان خواستاریم.
دکتر آقاخانی ـ دکتر آزموده

خانواده محترم مرحوم دکتر سلامتی
مصیبت وارده را به شما تسلیت عرض نموده و بقای عمر بازماندگان را مسئلت داریم.
دکتر عباسی ـ دکتر حسن‌زاد ـ دکتر حریقی ـ دکتر زواره ـ دکتر صدر

جناب آقای دکتر احمدشفیعی
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض نموده، برای شما و خانواده محترم صبر و بردباری آرزو می‌نماییم.
«هیئت مدیره، پزشکان و پرسنل بیمارستان تهران کلینیک»

خانواده‌های محترم شفیقی و مدنی
با کمال تأثر و تأسف درگذشت شادروان **امیر دریادار بهمن شفیقی** را به آن خانواده‌های محترم خصوصاً به همسرعزیزشان خانم هنگامه و فرزندان دلبندش خشایار، شهریار و شهناز عزیز تسلیت عرض می‌نماییم.
خانواده هلالی

جناب آقای فیروز فریور
مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت می‌گوییم.
کارکنان و اعضای هیئت‌مدیره
شرکت توسعه و ساختمانی آمن

سرکارخانم دکتر مهشید فروغان
درگذشت جناب **آقای دکتر ضیاء قائم مقام فراهانی** همسر گرامیتان و همکار عزیزمان را به شما و همه اعضای خانواده تسلیم عرض می‌نماییم.
اعضای گروه روانپزشکی دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی

هیئت مدیره شرکت تونل سازان ایران
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت نابهنگام شادروان **مهندس قاسم صفوی** مدیریت محترم عامل آن شرکت را تسلیت عرض مینماییم و از درگاه خداوند متعال برای همکاران محترم و خانواده گرامی آن مرحوم صبر و شکیبایی آرزومندیم.
شرکت ساختمانی ویسا

جناب آقای خسرو ایرانپور رئیس جامعه هتل داران مازندران
با کمال تأسف و تأثر درگذشت مادر ارجمندتان را به جنابعالی و خانواده محترم از طرف خود و کارکنان هتل بادله ساری صمیمانه تسلیت می گوییم و از درگاه احدیت علو درجات را برای آنمرحومه خواستاریم.
مصطفی آشوری نایب رئیس جامعه هتل‌داران مازندران

سخنرانی

السلام علیک یا فاطمة الزهرا(س)

به مناسبت فرا رسیدن ایام شهادت و ولادت **حضرت زهرای مرضیه(س)** از تاریخ ۹۱/۱۲/۲۳ الی ۹۲/۲/۲۲ به مدت ۲ ماه مجالس سخنرانی و عزاداری در مسجد حضرت امام زمان (عج) واقع در خیابان ۲۱۱ غربی تهرانپارس بعد از نماز مغرب و عشاء برقرار می‌باشد.
امید اینکه مومنین شرکت نموده و از اجر و ثواب بهره‌مند گردند.
سیدابوالفضل افکاری نجفی

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

اطلاعات

سال هشتاد و هفتم

تقویم اطلاعات

شنبه ۲۶ اسفند ۱۳۹۱
۴ جمادی الاول ۱۴۳۴ ـ ۱۶ مارس ۲۰۱۳

ظهر شرعی	۱۲ و ۱۳ دقیقه
غروب آفتاب	۱۸ و ۱۳ دقیقه
اذان مغرب	۱۸ و ۳۱ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۳۱ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۴۹ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۱۲ دقیقه

توافق انگلیس و فرانسه با ارسال خودسرانه سلاح برای مخالفان سوری

سرویس خارجی: وزیر امور خارجه فرانسه از توافق پاریس و لندن برای مسلح کردن مخالفان دولت سوریه خبر داد.

لوران فابیوس تاکید کرد با این توافق، فرانسه و انگلیس برای مسلح کردن مخالفان دولت سوریه، مستقل از اتحادیه اروپا اقدام می کنند. وی تصریح کرد، پاریس و لندن از اتحادیه اروپا می خواهند تاریخ جلسه بعدی درباره تحریم تسلیحاتی سوریه را به تعویق اندازد. رئیس جمهوری فرانسه نیز گفت در صورت عدم حمایت اتحادیه اروپا، انگلیس و فرانسه به تنهایی از مخالفان سوری حمایت تسلیحاتی خواهند کرد. فرانسوا اولاند اظهار داشت: راه حل سیاسی در سوریه به رغم فشارها شکست خورده است. ما باید اقدامات بیشتری اتخاذ کنیم زیرا برای ما مشخص است که بشار اسد از هر ابزاری برای مقابله با مردم خود استفاده می کند. دیوید کامرون نخست وزیر انگلیس هم در پایان اجلاس سران اتحادیه اروپا، بار دیگر بر لغو تحریم تسلیحاتی شورشیان سوریه تاکید کرد و گفت: انگلیس و فرانسه در این زمینه هم نظر هستند.

این در حالی است که بعد از دو روز بحث و تبادل نظر سران ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا درمورد پیشنهاد بحث برانگیز فرانسه و انگلستان برای لغو تحریم تسلیحاتی سوریه به منظور فراهم شدن زمینه ارسال سلاح برای گروه های مخالف دولت سوریه، آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان به خبرنگاران گفت در این نشست، سران کشورها به هیچ توافقی در زمینه لغو تحریم تسلیحاتی سوریه دست نیافتند. «گیدو وستروله» وزیر امور خارجه آلمان نیز تأکید کرد ارسال سلاح برای معارضان حکومت سوریه باعث ایجاد جنگ تمام عیار در منطقه خواهد شد و باید از ائتلاف معارضان به صورت مسئولانه تری حمایت شود. «میکائیل اشپیندلیگر» وزیر امور خارجه اتریش نیز تأکید کرد تلاش لندن برای تسلیح معارضان سوری و آموزش شورشیان در اردن و کشورهای همسایه سوریه منجر به تجاوز انگلیس به توافقنامه های اتحادیه اروپا و نقض آنها خواهد شد. خبرگزاری رسمی سوریه (سانا) هم در واکنش به اعلام آمادگی لندن و پاریس برای تامین سلاح شورشیان سوری اعلام کرد: وزیر خارجه فرانسه با نقض آشکار اصول و قوانین بین المللی، مقاصد کشورش و انگلیس را در تامین سلاح مورد نیاز گروه های تروریستی در سوریه فاش کرد. وزارت خارجه روسیه نیز نسبت به تلاش فرانسه و انگلیس برای ارسال مستقیم سلاح به گروههای مخالف دولت سوریه، هشدار داد. «الکساندر لوکاشویچ» سخنگوی وزارت خارجه روسیه گفت گروههای تندرویی که در میان مخالفان دولت سوریه حضور دارند، می توانند به این تسلیحات دست پیدا کنند. این در حالی است که ویکتوریا نولاند، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا گفت: ما از تصمیم اخیر فرانسه و انگلیس برای کمک به مخالفان سوری حمایت می کنیم اما همچنان تاکید داریم کمکها نباید نظامی و کشنده باشد.

خبر دیگر اینکه اختلافات قطر و عربستان درباره سوریه وارد مرحله جدیدی شده و دوحه پیش از برگزاری نشست این هفته معارضان سوری در استانبول، مقرر کرده حمایت‌های مالی معارضان سوری را قطع کند و ادامه این کمک‌ها را به برکناری معاذ الخطیب رئیس ائتلاف مخالفان مشروط کرده است.

نگرانی شورای امنیت

شورای امنیت در جلسه ای پشت درهای بسته که برای بررسی گزارش دبیر کل سازمان ملل برگزار شده بود در مورد تیراندازی های اخیر در مرزهای لبنان و سوریه و عملیات های گروگان گیری و قاچاق سلاح ابراز نگرانی کرد. شورای امنیت همچنین از دخالت برخی عناصر لبنانی در درگیری های سوریه ابراز نگرانی و تاکید کرد این مسأله با رویکرد لبنان در مورد بحران سوریه در تضاد است.

از سویی وزارت خارجه سوریه در نامه ای به وزارت خارجه لبنان تاکید کرد خویشتن داری نیروهای مسلح سوریه در عدم برخورد با عناصر تروریستی در خاک لبنان که قصد ورود به خاک سوریه را دارند برای همیشه دوام نخواهد آورد. خبر دیگر اینکه در سانحه واژگونی یک دستگاه اتوبوس حامل آوارگان سوری در لبنان ۹ تن کشته و بیش از ۲۰ تن دیگر زخمی شدند.

ادامه درگیری ها

ارتش سوریه نشست سران دو گروه تروریستی «ارتش آزاد» و «جبهه النصره» در منطقه ادلب در شمال سوریه را هدف قرار داد که براثر آن شماری از سران این دو گروه کشته و زخمی شدند. از سویی اختلاف بین گروه‌های مسلح بر سر تقسیم غنائم ادامه دارد. دو گروه مسلح در جبل الزاویه که از دو قوم آل الخطاب و آل شحود بودند با یکدیگر درگیر شدند که به کشته شدن ۱۲ تن و زخمی شدن چند تن دیگر از عناصر این گروه‌ها منجر شد. دراین حال یک روزنامه یمنی فاش کرد که جماعت اخوان المسلمین سوریه با نفوذ در خانواده‌های یمنی و اغوای مالی آنها، این خانواده‌ها را وادار می کند اعضای خانواده خود را برای جهاد راهی سوریه کنند.

روزنامه یمنی «الیمن الیوم» نوشت: رهبران جماعت اخوان المسلمین سوریه اقدام به فریفتن ده‌ها جوان یمنی برای اعزام آنها تحت عنوان جهاد به سوریه می کنند. در تحولی دیگر ناظران بین المللی حقوق بشر اعلام کردند شورشیان سوری سربازان دستگیر شده ارتش سوریه و کسانی را که مظنون به خبرچینی برای دولت سوریه هستند، می کشند. این ناظران نسبت به افزایش ارتکاب جرائم جنگی از سوی مخالفان سوری هشدار دادند. از سویی روزنامه ایندیپندنت نوشت: بیش از ۱۰۰ انگلیسی در سوریه مشغول جنگ با حکومت اسد هستند. دراین شرایط، منابع خبری لبنانی اعلام کردند سه فروند کشتی نظامی روسیه در آب های ساحلی بیروت پهلو گرفتند. این کشتی ها که ۷۰۰ تفنگدار دریایی در آنها حضور دارند، برای مدت سه روز در آب های ساحلی بیروت لنگر خواهند انداخت. این سه فروند کشتی پس از سه روز، بیروت را به سمت بندر طرطوس سوریه ترک خواهند کرد.

تظاهرات حمایتی

مردم شهر حلب سوریه با برپایی راهپیمایی و تظاهرات گسترده، حمایت خود را از نیروهای ارتش کشورشان در مقابله با تروریست‌ها اعلام کردند. تظاهرکنندگان پرچم‌های سوریه و دست نوشته‌هایی را حمل می کردند که در آن از معارضان خواسته شده بود وارد حل سیاسی بحران سوریه شوند تا وحدت و استقلال کشورشان مصون بماند.

تجلیل انقلابیون بحرین از مواضع رهبر معظم انقلاب

سرویس خارجی: جنبش ۱۴ فوریه از مواضع رهبر عالی جمهوری اسلامی ایران و ولی امر مسلمین آیت الله خامنه ای به خاطر دفاع از حق ملت بحرین در مطالبه آزادی و عدالت قدردانی کرد و گفت: اگر مواضع بی بدیل آیت الله خامنه ای در دفاع از ملت بحرین نبود نیروهای آل سعود و مزدوران آل خلیفه و شبه نظامیان وابسته به آنها جنایاتی بس سنگین تر در حق بحرینی ها مرتکب می شدند.

جنبش هواداران انقلاب ۱۴ فوریه بحرین با صدور بیانیه ای از ملت بحرین به خاطر پاسخ به فراخوان اعتصاب عمومی در اعلام مخالفت با ادامه حضور نیروهای اشغالگر سعودی در خاک کشورشان قدردانی کرد. در این بیانیه آمده است: ما بار دیگر با قدرت تمام اعلام می کنیم که با هر نقشه ای برای الحاق سیاسی بحرین به عربستان مخالفیم و بحرین برای همیشه کشورش مستقل باقی خواهد ماند و ملت آن در برابر نیروهای سعودی مقاومت خواهد کرد. در چنین شرایطی، گروه‌های مخالف بحرینی همزمان با دومین سالروز ورود نیروهای سپر جزیره به کشورشان دست به اعتصاب "کرامت دو" زدند. مخالفان بحرینی در تظاهراتی اعتراضی در ستره، مصلی، اسکان و جدحفص خروج نیروهای عربستان را از کشورشان و مواخذه اعضای سپر جزیره در دادگاه‌های بین المللی به دلیل تجاوزاتی که علیه ملت بی دفاع صورت داده‌اند، خواستار شدند. یک شخصیت سیاسی بحرینی از مشارکت اهالی ۵۵ تا ۶۰ منطقه در سراسر این کشور در اعتصاب عمومی گسترده "کرامت ۲" در سالروز اشغال بحرین توسط نیروهای نظامی آل سعود خبر داد. از طرفی، گروهی از جوانان بحرینی مقیم استرالیا با برگزاری تظاهرات مقابل سفارت سعودی همبستگی خود را با ملت انقلابی بحرین ابراز داشته و بر لزوم خروج اشغالگران سعودی از این کشور تاکید کردند. در چنین شرایطی، کمیسیر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد بر نظارت خود بر وضعیت حقوق بشر در بحرین تاکید کرد و گفت که اقدامات دولت بحرین غیرقانونی است و مسئولان بحرینی از فعالان حقوق بشری انتقام می گیرند.

***عربستان**

کمیسیونر ارشد حقوق بشر سازمان ملل با صدور بیانیه‌ای اعدام هفت نفر در عربستان را به شدت محکوم کرده و آن را ناقض پادمان‌های بین المللی دانسته است. در این بیانیه آمده است که این اعدام‌ها آشکارا پادمان‌های مربوط به اجرای حکم مرگ را نقض کرده است. این هفت نفر به جرم سرقت مسلحانه در ملاء عام تیرباران شدند. ناوی پیلای کمیسیونر ارشد حقوق بشر سازمان ملل در این مورد گفته است: من قویا اعدام این هفت نفر را محکوم می کنم.

واگذاری رسمی پست ریاست جمهوری چین به «شی جین پینگ»

سرویس خارجی: «شی جین پینگ» که در ماه نوامبر سال گذشته به سمت ریاست جمهوری چین برگزیده شده بود، توسط کنگره ملی خلق چین در یک رأی گیری تشریفاتی، رسما مسئولیت پست ریاست جمهوری این کشور بر عهده گرفت. با انتصاب وی به این سمت، روند انتقال قدرت در چین که هر ۱۰ سال یک بار انجام می شود، کامل شد. شی در هشتم نوامبر سال گذشته میلادی، به عنوان دبیرکل حزب کمونیست چین و ریاست کمیسیون مرکزی ارتش، عالی ترین مقام نظامی این کشور انتخاب شده بود و هم اکنون جانشین «هو جین تائو» می شود. شی که ۵۹ سال سن دارد، فرزند یکی از چهره‌های شاخص انقلابی چین است و از سال ۲۰۰۷ عضو کمیته سیاسی حزب کمونیست این کشور بوده است. وی در سخنانی در کنگره ملی خلق چین، خواهان برطرف شدن مشکلاتی مانند رشوه گیری مقام‌های دولتی، فساد و کاغذ بازی اداری شد. بعد از انتخاب رسمی «شی جین پینگ»، نخست وزیر جدید چین هم معرفی شد. کنگره ملی خلق چین «لی کگیانگ» را به عنوان نخست وزیر جدید معرفی کرد. کگیانگ جانشین «ون جیابائو» شد. باراک اوباما در یک گفت و گوی تلفنی، انتصاب شی را تبریک گفت و تاکید کرد که پکن و واشنگتن طی سال‌های گذشته روابط خوبی با یکدیگر داشتند.

پاپ جدید برگزیده شد

سرویس خارجی: چهار شنبه شب گذشته، «خورخه ماریو برگولیو» ۷۶ ساله و تبعه آرژانتین به عنوان اولین پاپ غیر اروپایی و پدر معنوی بیش از یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون کاتولیک جهان، از سوی مجمع کاردینال ها انتخاب شد. وی توانست دو سوم مجموع آرا (۷۷ رأی از مجموع ۱۱۵ رأی) را به خود اختصاص دهد. دود سفید رنگ به نشانه انتخاب پاپ جدید، از دودکش ویژه کلیسای «سیستین» در واتیکان خارج و بدین ترتیب پاپ جدید انتخاب شد. رهبر جدید کاتولیک های جهان که لقب «فرانسیس اول» را برای خود انتخاب کرد، قبل از این سر اسقف کلیسای بوئنوس آیرس، پایتخت آرژانتین بود. ناقوس کلیسا و فریاد شادی جمعیت در میدان «سن پیتر» واتیکان که در انتظار انتخاب پاپ بودند، طنین انداز شد. پاپ جدید جانشین پاپ بندیکت شانزدهم شد که ماه گذشته از سمت خود کناره گیری کرد و گفت که دیگر توانایی کافی برای هدایت کلیسای کاتولیک را ندارد. ۱۱۵ کاردینالی که دو روز در قرنطینه بودند، پیش از انتخاب پاپ جدید در چهار رأی گیری شرکت کردند که هیچ یک از نامزدهای به عهده گرفتن مسئولیت رهبری کلیسای کاتولیک، در آن رأی کافی به دست نیاورند. وی پیش از ظاهر شدن در برابر انظار عمومی، پیشنهاد تصدی مقام تازه را رسما پذیرفت و کاردینال ها در برابر او سوگند وفاداری یاد کردند. او سپس دقایقی را در نمازخانه ویژه پاپ به نیایش پرداخت و لقبی برای خود (فرانسیس اول) انتخاب کرد. واتیکان اعلام کرد که مراسم تحلیف پاپ جدید روز ۱۹ مارس (سه‌شنبه ۲۹ اسفند ماه) برگزار خواهد شد. پاپ فرانسیس، رهبر جدید کاتولیک‌های جهان، نخستین سخنرانی خود را نیزاز بالکن واتیکان ایراد کرد. پاپ فرانسیس اعلام کرد: «همانطور که می دانید وظیفه مجمع کاردینال‌ها این بود که اسقف رم را انتخاب کنند. برادران کاردینال من تصمیم‌شان را گرفتند و اکنون ما اینجا هستیم. من از شما به خاطر این استقبال گرمتان سپاسگزارم. همچنین از کمیته برگزاری در رم و اسقف‌های اعظم سپاسگزارم.» وی افزود: «قبل از هر چیز می خواهم برای پاپ بندیکت شانزدهم دعا کنم. بیایید همگی برای او دعا کنیم تا در پناه خدا و مادر مقدس مراقب او باشد و تقاضا دارم که از خداوند بخواهید مرا متبرک کند. بیایید در سکوت دعا کنیم. دعای شما مرا دربر می گیرد.

واکنش ها

رئیس جمهوری آمریکا از انتخاب «خورخه ماریو برگولیو» آرژانتینی به عنوان پاپ جدید و رهبر کاتولیک‌های جهان، ابراز خرسندی کرد و به نخستین پاپ از قاره آمریکا تبریک گفت. اوباما گفت: انتخاب پاپ فرانسیس به عنوان نخستین پاپ از قاره آمریکا از قدرت و سرزندگی منطقه‌ای حکایت دارد که بیش از پیش بر جهان ما تأثیر می گذارد و ما در آمریکا مانند میلیون‌ها آمریکایی اسپانیولی زبان، به مناسبت این روز تاریخی شاد هستیم. «الکساندر ولکوف»، سخنگوی کلیسای ارتدوکس روسیه گفت که این کلیسا از تصمیم انجمن کاردینال‌های کلیسای رم استقبال می کند و امیدوار است که همچون گذشته روابط بین کلیساهای ارتدوکس و کاتولیک به شکل مثبتی گسترش یابد. ولادیمیر پوتین نیز به پاپ جدید واتیکان به دلیل انتصابش به این پست تبریک گفت. رئیس جمهوری روسیه ابراز اطمینان کرد که همکاری سازنده‌ای بین روسیه و واتیکان در راستای اصول و ارزش‌های مسیحیت ادامه یابد. وی ضمن ابراز خرسندی از این انتصاب گفت: امیدوارم که تلاش‌های مثمر ثمر شما به تحکیم صلح و پیشبرد گفت‌وگو بین ادیان و تمدن‌ها کمک کند. «اکمل الدین احسان اوغلو» دبیر کل سازمان همکاری اسلامی از فرانسیس اول، پاپ جدید خواست برای بهبود روابط بین مسیحیت و اسلام و بازگرداندن دوستی بین پیروان ادیان الهی تلاش کند. احسان اوغلو تاکید کرد: باید از مناسبت انتخاب پاپ جدید برای بهبود روابط بین اسلام و مسیحیت و بازگشت دوستی بین این دو دین الهی استفاده کرد. دبیر کل سازمان همکاری اسلامی با ارسال پیام تبریک به پاپ جدید گفت: امید است که فرانسیس اول به تحکیم امنیت و ثبات در جهان برای همه ملت ها کمک و به دور جدید گفتگوی بین تمدن ها با محبت و همکاری بیشتر نگاه کند. دراین حال، پاپ جدید با ارسال نامه‌ای به خاخام ارشد شهر رم، نسبت به احیای همکاری‌ها با یهودیان ابراز امیدواری کرد. پیش از این شیمون پرز رئیس رژیم صهیونیستی و بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر این رژیم از انتخاب برگولیو ابراز خرسندی کرده و خواستار افزایش همکاری‌ها با کلیسای واتیکان شده بودند. «کریستینا کرشنر» رئیس جمهور آرژانتین نیز در پیام تلویزیونی خود به مناسبت انتخاب کاردینال آرژانتینی به عنوان پاپ جدید کلیسای کاتولیک، ابراز امیدواری کرد که وی بتواند پیامی را به قدرت‌های بزرگ برساند که آن‌ها برای حل مناقشه جزایر مالویناس به مذاکره روی آورند.

«بشار اسد» رئیس جمهور سوریه نیز با ارسال پیامی، انتخاب پاپ فرانسیس اول را تبریک گفت. اسد ابراز امیدواری کرد که پاپ در مسئولیت جدید خود موفق باشد و بتواند مسئولیت‌های فراوان خود را با پیروزی پشت سر بگذارد.

همچنین «هوا چون یینگ» سخنگوی وزارت امور خارجه چین ضمن تبریک به پاپ جدید گفت: پکن امیدوار است پاپ فرانسیس اول، شرایطی مساعد را برای ارتقاء روابط چین و واتیکان ایجاد کند.

۲۵ کشته در انفجارهای نزدیک وزارت دادگستری عراق



سرویس خارجی: شمار تلفات سه انفجار نزدیک وزارت دادگستری در بغداد به ۲۵ کشته و بیش از ۵۰ زخمی افزایش یافت. یک منبع در وزارت کشور عراق اعلام کرد، هفت نفر از کشته شدگان نیروی پلیس، ۱۴ نفر غیرنظامی و چهار نفر دیگر از مهاجمان مسلح هستند. نیروهای امنیتی عراق سه فرد مسلح را که لباس نیروهای پلیس به تن داشتند و به وزارت دادگستری حمله کردند و نیز یک عامل انتحاری را در ورودی این وزارتخانه کشتند.

این منبع تصریح کرد: در این سه انفجار همچنین ۵۰ نفر از جمله ۱۷ نیروی امنیتی عراق زخمی شدند. حاکم الزاملی عضو کمیسیون امنیت و دفاع مجلس عراق اعلام کرد: افراد مسلح با پوشیدن لباس ماموران پلیس به وزارت دادگستری حمله کردند و پس از انفجار چهار خودروی بمب گذاری شده در نزدیکی در اصلی این وزارتخانه که دو انفجار آن همزمان صورت گرفت، وارد ساختمان وزارت شدند و چهار تن از نگهبانان را کشتند و چند نارنجک به داخل ساختمان پرتاب کردند.

در تحولی دیگر، نماینده پارلمان عراق فاش کرد که گروه‌های مسلح تروریست با خرید بخش قابل توجهی از زمین‌های شمال استان «بابل» درصدد تبدیل آن به پایگاهی برای آموزش عناصر خود هستند.

از سویی، مسئول آگاهی و ارشاد آثار بازمانده از جنگ وابسته به جمعیت هلال احمر استان واسط عراق از کشف مقادیر فراوانی مین در یک روستا در شهر کوت خبر داد.

«مصطفی سعد» اظهار داشت: به طور اتفاقی و با هدایت یک کودک، مقادیر فراوانی مین در یک روستای جنوبی در شهر کوت کشف و ضبط شد. خبر دیگر اینکه، برخی منابع دولتی عراق از موافقت یکی از رهبران فهرست العراقیه با برعهده گرفتن سرپرستی وزارت دفاع خبر داد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی «مجلس اعلای اسلامی عراق»، منابع سیاسی نزدیک به دولت خبر داده‌اند که نوری مالکی، نخست وزیر عراق، به «صالح المطلک» از سران العراقیه و معاون خود در امور خدماتی، پیشنهاد داده که سرپرستی وزارت دفاع را برعهده بگیرد.

این منابع افزوده‌اند که مطلک با این پیشنهاد موافقت کرده اما خواستار علنی نشدن آن شده است به خصوص که او به توافق یکجانبه با نوری مالکی متهم شده است.

این در حالی است که، تازه ترین مطالعات دانشگاهی نشان می دهد که آمریکا در جنگ عراق بیش از ۲ تریلیون دلار هزینه کرده که با برآورد هزینه‌های واشنگتن در سالهای آینده، این مبلغ به ۶ تریلیون دلار افزایش خواهد یافت.

در همین رابطه، ۵۳ درصد انگلیسی‌ها می گویند تصمیم مداخله نظامی در عراق اشتباه بوده و خطر حمله به اتباع انگلیس را افزایش داده است.

دبیر کل سازمان ملل دستور استفاده از نام «کشور فلسطین» را صادر کرد

سرویس خارجی: دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد از این پس «تشکیلات خودگردان فلسطین»، «کشور فلسطین» خوانده می شود و این مساله در تمامی اسناد، نشست های رسمی و جلسات سازمان ملل اجرایی خواهد بود.

این دستور در گزارش ویژه‌ای که بان کی مون درباره جایگاه فلسطین در سازمان ملل آورده، مطرح شده است. این گزارش دبیرکل سازمان ملل نشان می‌دهد که فلسطینی ها می توانند از حق خود برای مشارکت در جلساتی که سازمان ملل برگزار می کند استفاده کنند. البته آنها حق رای دادن یا معرفی نامزدهایی از طرف خود برای تصدی پست در سازمان ملل یا آژانس های مختلف آن را ندارند اما قادر خواهند بود برای تصدی پست‌های قضایی در دادگاه‌های بین‌المللی که در خصوص بررسی مسائل حساس تشکیل می شود نامزدهایی معرفی کنند و این مساله نگرانی اسرائیلی‌ها را برمی انگیزد چرا که ممکن است فلسطینی ها از این حق برای تشکیل دادگاه ویژه درباره شهرک‌سازی‌ها استفاده کنند. در گزارش بان کی مون، انتقاد شدیدی از اسرائیل شده و آمده است: ارتقای جایگاه فلسطینی ها در سازمان ملل با اکثریت رای ۱۳۸ کشور نشان از پایان صبر بیشتر کشورهای جهان در قبال اشغالگری طولانی مدت اسرائیل دارد. بان کی مون نسبت به بن بست کنونی در روند صلح میان اسرائیل و فلسطین ابراز نگرانی کرده و اسرائیل را مسئول اصلی این روند با توجه به ادامه شهرک‌سازی‌ها دانسته است. وی تاکید کرده است: پایان اشغالگری و تشکیل دو کشور باید مدت‌ها پیش صورت می گرفت اما اسرائیل این روزها طرحی برای احداث ۱۱ هزار و ۵۰۰ واحد مسکونی جدید آن هم خارج از خط سبز مطرح می کند و این بر خلاف قوانین بین‌الملل است. در تحولی دیگر صندوق بین المللی پول در بیانیه ای با تاکید بر اینکه اقتصاد فلسطینی ها براثر محدودیت های رژیم صهیونیستی و بی ثباتی سیاسی رو به نابودی است، خواستار کمک فوری کشورهای جهان برای احیای آن شد. در این بیانیه با اشاره به وخیم شدن اوضاع اقتصادی در کرانه باختری و نوار غزه طی ماه های اخیر، مشکل بیکاری تقریبا یک چهارم از نیروی کار این مناطق مورد توجه قرار گرفته است. خبر دیگر اینکه نمایندگان پارلمان اروپا تشکیل فوری کمیته‌ای مستقل و منصفانه برای تعیین دلایل مرگ «عرفات جرادات» اسیر فلسطینی در زندان های اسرائیل را خواستار شد. پارلمان اروپا از اسرائیل خواست تحقیقات منصفانه‌ای را برای تعیین دلایل مرگ این اسیر فلسطینی آغاز کند. از سویی رئیس دستگاه اطلاعات نظامی رژیم صهیونیستی اعلام کرد اسرائیل در حال حاضر از چهار طرف در معرض تهدید قرار گرفته، که این وضعیت در تاریخ اسرائیل بی سابقه است: حزب‌الله لبنان، سوریه، غزه و صحرای سینا.

کوتاه از سراسر جهان

سفیر ایتالیا در هند ممنوع الخروج شد

فارس: فرودگاه‌های هند برای جلوگیری از خروج سفیر ایتالیا از این کشور به حالت آماده‌باش درآمدند.

دیوان عالی هند «دانیل مانچینی» سفیر ایتالیا را به دلیل عدم استرداد دو تفنگدار دریایی ایتالیایی توسط رم، ممنوع الخروج کرد. این دو تفنگدار ایتالیایی که دو ماهیگیر هندی را به قتل رسانده بودند، برای شرکت در انتخابات سراسری به کشورشان بازگشته‌اند. سفیر ایتالیا شخصا اطمینان داده بود که این دو تفنگدار به هند بازخواهند گشت، اما دولت ایتالیا اعلام کرد این افراد به هند بازنمی گردند.

بازداشت نماینده یاغی پارلمان انگلیس



فارس: یک نماینده پارلمان انگلیس که سال گذشته هم چهار نفر را در رستوران مجلس عوام مورد ضرب و شتم قرار داده بود، بار دیگر با اتهامی مشابه، بازداشت شد.

«اریک جویس» پس از آن بازداشت شد که در رستوران باشگاه ورزشی و اجتماعی مجلس به زد و خورد پرداخت. این فرد به بازداشتگاه منتقل شده و بررسی ها در مورد درگیری همچنان ادامه دارد.

کره‌شمالی، آمریکا را به حملات خرابکارانه سایبری متهم کرد

ایسنا: کره شمالی پس از دریافت گزارش هایی درخصوص ایجاد اختلال در اصلی ترین پایگاه‌های خبری‌اش، آمریکا را به حملات سایبری علیه سرویس های اینترنتی این کشور متهم کرد. این اتهام درست در زمان افزایش تنش ها میان کره شمالی، کره جنوبی و آمریکا مطرح شده است.

فرانسه آماده خروج نیروهایش از مالی است

ایسنا: رسانه‌های فرانسه گزارش دادند که پاریس آماده است پس از گذشت دو ماه از آغاز مداخله فرانسه در مالی، نیروهایش را از این کشور آفریقایی خارج و زمینه را برای عملیات صلح‌بانان سازمان ملل در ماه ژوئیه هموار سازد.

وزیر خارجه فرانسه تصریح کرد: تصمیم گیری‌ها زمینه را فراهم می کند تا صلح‌بانان جایگزین نیروهای فرانسوی و نیروهای آفریقایی در مالی شوند.

رئیس جمهوری ترکیه: «پ.ک.ک» سلاح را زمین بگذارد

ایسنا: رئیس جمهوری ترکیه از اعضای پ.ک.ک خواست سلاح هایشان را زمین بگذارند و به خشونت‌ها پایان دهند.

گل از آزادی هشت مقام ترک توسط پ.ک.ک استقبال کرد و افزود: اگر سلاح‌ها بر زمین گذاشته شود، به راحتی می توانیم از سیاست‌های امنیتی به سوی اصلاحات حرکت کنیم.

دولت جدید تونس سوگند یاد کرد

ایسنا: اعضای حکومت جدید تونس به ریاست «علی العریض» بعد از دستیابی به رای اعتماد مجلس موسسان، دربرابر «منصف مرزوقی» رئیس جمهوری تونس سوگند یاد کردند. مرزوقی نسبت به موفقیت دولت در انجام وظایفش ابراز امیدواری کرد و از وزیران حکومت قبلی و «حمادی جبالی» نخست وزیر پیشین تشکر کرد. درهمین حال، تشییع جنازه «عادل الحذری» جوان تونسی که در اعتراض به بیکاری خودسوزی کرد، به تظاهرات اعتراض آمیز مبدل شد. شرکت کنندگان در این مراسم شعارهایی را علیه دولت سر داده و آن را به بی توجهی به وضعیت بیکاری جوانان متهم کردند.

تلاش سیا برای کشتن ۵۰ رهبر جهان

فارس: نویسنده و محقق انگلیسی در مصاحبه با صدای روسیه تصریح کرد که سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) تلاش کرده تا ۵۰ تن رهبر خارجی از جمله هوگو چاوز را مسموم کند و از پای درآورد.

«ویلیام بلام» در ارتباط با نقش سیا در مسموم کردن رهبران آمریکای لاتین گفت: سیا تلاش کرده بیش از ۵۰ رهبر خارجی را ترور کند و دستکم در نیمی از موارد موافق بوده است و تعداد کمی از این رهبران به اندازه چاوز مورد نفرت دولت آمریکا بودند، بنابراین دلیلی وجود ندارد که انتظار داشته باشیم سیا طرح کشتن وی را پایه‌ریزی نکرده باشد.

ادای احترام سازمان ملل به هوگو چاوز

ایسنا: اعضای مجمع عمومی در مراسمی برای ادای احترام به چاوز، لحظه‌ای سکوت کردند و سپس در سخنانی، یاد او را گرامی داشتند. دبیر کل سازمان ملل گفت: چاوز یکی از رهبرانی بود که در کشورش، منطقه و دنیا تغییر ایجاد کرد. او همچنین از تعهد وی برای ارتقای سطح زندگی فقرا تقدیر کرد. در عین حال رییس جمهوری موقت ونزوئلا اظهار داشت که احتمال اینکه جسد هوگو چاوز به منظور بازدید دائمی مومیایی شود، بعید است. مادورو گفت: تصمیم برای مومیایی کردن چاوز باید خیلی زودتر گرفته می شد.

آشوب واعتراض در نیویورک

ایسنا: درگیری و زدوخورد میان معترضان و نیروهای ضد شورش پلیس درچهارمین شب اعتراض مردمی به قتل یک نوجوان سیاهپوست، خیابان های منطقه «فلت بوش» این شهر را فراگرفت. نیروهای ضد شورش باردیگر به معترضان حمله کرده و دست کم ۴۶ نفر از آنها را دستگیر کردند. یکی از دستگیر شدگان، خواهر «کیمانی گری» قربانی تیراندازی پلیس بود که قتل وی جرقه اعتراض های چند روز گذشته را زد.

سازمان ملل حملات پهپادهای آمریکا را نقض حاکمیت پاکستان خواند

ایرنا: رئیس تیم تحقیقاتی سازمان ملل در خصوص تلفات حملات هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا در پاکستان اعلام کرد این حملات نقض حق حاکمیت پاکستان محسوب می شود.

«بن امرسان»، مخبر ویژه سازمان ملل در خصوص حقوق بشر و مقابله با تروریسم گفت، دولت پاکستان به طور آشکار برای وی توضیح داده که با این حملات موافق نیست. بیانیه امرسان به دنبال سفر سه روزه‌اش به پاکستان منتشر شد. دولت پاکستان بررسی های انجام شده از ۲۵ حمله هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا را که ادعا شده جان غیرنظامیان را گرفته، در اختیار این محقق سازمان ملل قرار داده است.

سفیر جدید آمریکا در لیبی معرفی شد

فارس: رئیس جمهور آمریکا سفیر جدید این کشور در لیبی را معرفی کرد تا از مجلس سنا رای اعتماد بگیرد. «دبورا جونز» قرار است جانشین «کریستوفر استیونز» سفیر سابق آمریکا در لیبی شود که به همراه سه آمریکایی دیگر در جریان حمله به کنسولگری آمریکا در بنغازی در یازدهم سپتامبر گذشته کشته شدند. نامزد تصدی سرپرستی سفارت آمریکا در لیبی، عضو یک گروه پژوهشی درواشنگتن بوده و در دانشکده نیروی دریایی واشنگتن نیز تدریس کرده است.

تاکید ریاست جمهوری مصر بر تعویق انتخابات پارلمانی

ایسنا: ریاست جمهوری مصر با صدور بیانیه‌ای بر تعویق برگزاری انتخابات پارلمانی تا زمان تدوین قانون جدید انتخابات تاکید کرد. ریاست جمهوری مصر در بیانیه خود تاکید کرد که با وجود اعتراض به حکم دادگاه اداری در خصوص لغو انتخابات پارلمانی اما برگزاری انتخابات تا زمان تدوین قانون جدید و ارائه آن به دادگاه عالی قانون اساسی، به تعویق افتاده است. این بیانیه ریاست جمهوری بر احترام کامل به حکم دادگاه اداری درباره توقف برگزاری انتخابات پارلمانی تاکید کرد و افزود که در راستای اجرای این حکم، کمیته عالی انتخابات تمامی اقدامات خود درباره برگزاری انتخابات را متوقف کرده است.

آماده‌باش نیروهای ناتو در افغانستان

فارس: فرمانده کل نیروهای آمریکایی و ناتو در افغانستان، پس از اظهارات ضد آمریکایی رئیس جمهوری افغانستان از نظامیان تحت امر خود خواست تا در حالت آماده باش کامل باشند.

«جوزف دانفورد» فرمانده کل نیروهای آمریکایی و ناتو به تمامی ژنرال ها و فرماندهان ناتو مستقر در افغانستان هشدار داد که نظامیان آنان، ممکن است هم از جانب طالبان و هم از سوی نیروهای امنیتی افغانستان هدف حمله قرار گیرند.

نوروزنامه

ویژه نامه نوروزی روزنامه اطلاعات شنبه ۲۶ اسفند ۱۳۹۱



با آثاری از:

دکتر اصغر دادبه
دکتر ابوطالب میرعابدینی
زنده یاد دکتر پرویز رجبی
دکتر علی فردوسی
استاد فریدون مجلسی
استاد علی‌اصغر دادگر
استاد سیدرحیم مدنیان
دکتر محمد بقایی ماکان
زنده یاد دکتر حسن حبیبی
دکتر کیانوش کیانی
دکتر غنچه راهب
استاد ادیب برومند
استاد محمد منانی
و الکساندر دوما

بهار آمد بهار آمد سلام آورد مستان را
از آن پیغمبر خوبان پیام آورد مستان را
زبان‌سوسن‌ازساقی‌کرامت های‌مستان‌گفت
شنید آن سرو از سوسن قیام آورد مستان را
زِ اول، «باغ» در مجلس نثار آورد آنگه «نُقل»
چو دید از لالۀ کوهی که جام آورد مستان را



باشد (مانند آیین «سنّت» پسران)، فضاهایی هستند که در آن سوژه از درون و بیرون مشخص می‌شود، به این معنا که طی مناسک آیینی سوژه در ساختن هویّتی دوسویه، هویّتی نسبت به خود و نسبت به گروه، و بیرون از آن، شرکت می‌کند. به این حساب ما در جشن، یا در واقع جشن‌های نوروزی، از چهارشنبه سوری تا سیزده بدر در روایت امروزی آن در ایران، با حقیقتی ایرانی، نسبتی را تجدید می‌کنیم که هم هویّت بیرونی ما و هم افراشتگی درونی ما را می‌سازد. در نوروز، ما، هم در درون، و هم در نگر جمعی، نسبت خود را با حقیقتی کهن تازه می‌کنیم. بنابراین نوروز در ارتباط با سوژه در دو سطح واگشوده می‌شود: درونی و بیرونی.

نوروز، به این ترتیب، سرنام یک حقیقت است. می گویم سرنام آن، برای این که «نوروز» فقط یک روز در یک تقویم نیست، بلکه هم پیشینی و هم غایت تمامی روزهای سال است. جهان با نوروز آغاز می‌شود و همآره به سمت نوروز می‌رود. ما این را در استنباط پیشینیانمان از دوازده روز اوّل سال می‌بینیم: این که هر روزی از این دوازده روز نماد یکی از دوازده ماهی است که کلیّت سال به مثابه واحد زمان گذرا را می‌سازند. نسبت نوروز به دوازده روز پیش از سیزده بدر، همان نسبت دوازده روز است به دوازده ماه: هم یکی از آحاد آن است، و هم نماد آن. به این حساب نوروز روزی است که نماد تمامی سال است. نوروز نام آن حقیقتی است که گردش و نوشوندگیْ ذاتی آن است. به بیان دیگر، «نوروز» در خود حامل مفهومی کلّی است. این مفهوم هم شامل طبیعت می‌شود و هم شامل انسان، هم جمع، هم فرد. نوروز به ذات جهان تعلّق دارد؛ به آنچه «هیولی» (مایه عاری از سامان) را جهان می‌کند. نوروز نه تنها مدخل ما به زمان، نه تنها شکل درک ما از زمان، بلکه صورت آیینی نسبت ما با زمان است.

در اینجا لازم است بار دیگر به سراغ خیّام برویم، یا دقیق‌تر به سراغ «نوروزنامه»، که منسوب به او است؛ به احتمالی ویراسته یکی از شاگردان حکیم، بر اساس یادداشت‌های استاد. تردیدی نیست که مجادله بر سر چیستی نوروز، حکمت خسروانی آن و نسبت آن با اندیشه ایرانشهری، یکی از موضوعات مطرح آن روزگار است (اواخر سده پنجم و اوایل سده ششم هجری). کیست که از حمله امام ابوحامد غزّالی به نوروز خبر نداشته باشد؟ فتوای امام در «کیمیای سعادت»اش صریح و بی‌مماشات است: «اظهار شعار گبران حرام است بلکه نوروز و سده باید مندرس شود و کسی نام آن نبرد.» امّام به درستی نوروز را آیینی پیشا-اسلامی می‌داند، و کاملاً می‌داند که اصل «حکمتی» این آیین با اصل حکمتی تلقّی او از مذهب‌اش نمی‌خواند. از خاستگاه نوروز سامان خاصّی از جهان برمی‌بالد که با آنچه امام ژرف‌بین صواب می‌داند ناهمخوان است. پس امر به اندراس و به فراموشی سپردن آن می‌دهد. «نوروزنامه» نهایتاً پاسخی است به این فتوا، و باید آن را به نوعی در درون این مجادله بر سر ساختار جهان، و بود و نبود تکالیف جهانداری، خواند تا به معنا و اهمیّت آن پی برد. این که کسی در یکی از محافل خیّامی خود را در آن روزگار موظّف به نوشتن رساله‌ای در باب نوروز می‌بیند امری سرسری نیست. این نیست که «خواجه فیلسوف،» آن هم فیلسوفی که در کلام چنین مُمسک است، یا یکی از شاگردانش، همین‌جوری، بی هیچ بستر تاریخی‌ای، یکهو به دلش زده است که رساله‌ای در باب نوروز بنویسد؛ آن هم چنین رساله‌ای که از دریچه نوروز تصویری از جهانی به دست می‌دهد که نمی‌توانسته است خشم امام را، که شامخ‌ترین «روشنفکر دینی» روزگار خودش است، برنیانگیزد. در اینجا فرصت نیست که پا به درون جهان آشکارا ایرانی «نوروزنامه» گذاشت، تا چه رسد به گردشی در آن. «نوروزنامه»، به وجهی که می‌تواند به شکل دوری یادآور «آرمان‌شهر» توماس مور باشد، تصویری آرمانی از جهانی می‌دهد که از همان ابتدا آن را به حقیقت، و به جهانداری ایرانی، نسبت می‌دهد: «در این کتاب که بیان کرده‌آمد در کشف حقیقت نوروز؛ که به نزدیک ملوک عجم کدام روز بوده است...» کاری که این محفل خیّامی می‌کند نهایتاً این است: «کشف حقیقت نوروز» (ناگفته پیدا است که من عنوان نوشته‌ای را که می‌خوانید از این کتاب به وام گرفته‌ام). در همین باب اوّل است که می‌خوانیم: «و بر پادشاهان واجب است آیین و رسوم ملوک به‌جای آوردن از بهر مبارکی و از بهر تاریخ را، و خرّمی کردن به اوّل سال؛ که



هر .... [که] نوروز جشن کند و به خرّمی پیوندد تا نوروز دیگر عمر در شادی و خرّمی گذارد.» نوروز به این حساب نسبتی نمادین و پیشگویانه با روزهای دیگر سال دارد. این را هیچ ایرانی‌ای نیست که نداند. نوروز ذات و گوهر تمامی روزهای سال است، و تعریف کننده نسبت درست ما با روزها، با زمان در چرخش.

آنچه نیز «نوروزنامه» در باب «اندر آیین پادشاهان عجم» می‌گوید خواندنی است، و حکیمانه: «ملوک عجم ترتیبی داشته‌اند در خوان نیکو نهادن هرچه تمام‌تر... و آن همه رسم‌های نیکو ایشان را از بلند همّتی بود؛ و دیگر آیین ملوک عجم اندر داد دادن، و عمارت کردن، و دانش آموختن، و حکمت ورزیدن، و دانایان را گرامی داشتن همّتی عظیم بوده است.» دقّت کنید که در این فهرست اصول جهانداری ایرانی، در فهرست «رسم‌های نیکو»ی ملوک عجم که نشان‌گر «بلندهمّتی» آنان است، جا برای «حکمت ورزیدن» هست، امّا برای غزّالی جایی نیست! می‌شود گمان بُرد که مجادله بر سر نوروز از جمله مجادلات نمادینی بوده است که میان گرایش‌های گوناگون بر سر نسبت امپراتوری سلجوقی با حکمت شهریاری ایرانی از سویی، و سنّت‌های ایلی ترکان سلجوقی از طرف دیگر، و با خلافت - مجادله‌ای که نهایتاً به سود شکل جدیدی از خان‌سالاری انجامید که نام درست آن «سلطانی» است، و نه «استبداد شرقی» - به شدّت در جریان بوده است (مقایسه کنید شکل فزاینده سلطانی حکومت سلجوقیان را با شهریاری دیلمیان، صفّاریان، و به ویژه سامانیان، که ایرانی‌ترین این شهریاری‌هاست). من در جایی دیگر گفته‌ام که باید افکار خیّام، برادران غزّالی، نظام‌الملک، عین‌القضات، سنایی و حتّی پزشک بزرگ اسماعیل جرجانی (صاحب «ذخیره خوارزمشاهی») را در درون چرخشی از اندیشه/سیاست/مذهب خواند که این نام‌ها عنوان‌های شمایلی آنند. یکی از قضایای فرعی این حکم می‌تواند این باشد: برای فهم درست رباعیّات خیّام باید آن را حتماً در مجاورت «نوروزنامه»، در درون یک خوانش میان‌متنی که متن مرجّح آن در این سمت، «نوروزنامه» است، بررسید. بی‌راه‌ترین شکل خواندن خیّام خوانش او است در همان سمت امام غزّالی. نوروز، آشکارا، روزی است که نوعی از چیدمان اجتماعی، نوع خاصّی از «جهانداری»، را تعریف می‌کند، چون آیین خاص تجدید نسبتی ویژه است با آن، که جز تمدّن ایرانی نامی دیگر بر آن نمی‌توان نهاد. خیّام در «نوروزنامه» و از طریق مدخل نوروز، به عنوان ترمی ممتاز، به ایضاح شکل خاصّی از ساختار سیاسی-فرهنگی می‌پردازد. پیش‌فرض «نوروزنامه» این است: اگر می‌خواهید بفهمید که ایران به عنوان کشوری منطبق با نام خود چگونه کشوری است نوروز را بفهمید!

این ما را می‌رساند به مقوله «تمدن». نوروز از ابتدا به عنوان یک امر «تمدّنی» تعریف می‌شود. متون کُهن، متون پایه‌ای تمدّن ما، در این مورد صراحت دارند؛ و اغلب از نوروز به مثابه «شناسه»ی هویّت ایرانی سخن می‌گویند. این را می‌شود در کتابی که بی‌تردید «هندبوک» تمدّنی ما است، یا باید باشد، دید. «شاهنامه»ی حکیم توس را می‌گویم؛ کتاب دیگری که حتماً باید همراه «نوروزنامه» خواند (به راستی کدام کتاب ادبی فارسی است که می‌شود آن را بدون مجاور ساختن آن با «شاهنامه» درست فهمید؟ آیا می‌شود به تأسّی از اریک اُئرباخ در «محاکات»اش گفت که ادب فارسی نهایتاً دیالوگی است با دو کتاب بنیان‌گذار: «قرآن مجید» و «شاهنامه»؟ - تردیدی نیست که نظامی عروضی بر این عقیده بود). ماجرای نهادن جشن نوروز در «نوروزنامه» کمابیش همان است که در «شاهنامه» می‌خوانیم، گرچه بعید است که «نوروزنامه» آن را از این کتاب کهن‌تر برگرفته باشد. در هر دو (همان‌طور که در متون دیگر) «اختراع» نوروز به جمشید نسبت داده شده است. روایت حکیم توس در اینجا حقّاً از آنچه سده‌ای بعد نوشته شده است عمیق‌تر است. در «شاهنامه» جمشید به معنایی مخترع «تمدّن» است، و ساحت اجتماعی به عنوان ساختار تفکیک و تقسیم کار جمعی؛ و نوروز نهایتاً جشن بزرگداشت این اختراع است. جمشید، که خود از یک تقسیم کار بدوی و قریب به صفر می‌آغازد (خودش هنگام بر تخت نشستن هم شهریار است و هم موبد)، جهان را به حرفه‌ها و مشاغل گوناگون تقسیم می‌کند (از جمله جدا کردن سه ساحتی که ژرژ دومزیل، و نیز امیل بنونیست، به اقوام هندواروپایی نسبت می‌دهند - یعنی جنگاوران، آثوربانان یا دین‌کاران، و کشاورزان و پیشه‌وران)، و در این راستا نهادها، جای‌ها، بناها، و ابزار و آرایش‌های خاصّ هر یک را نیز اختراع می‌کند، چون بدیهی است که پیشه‌ها هر کدام با مجموعه‌ای از نوعی «زیرفرهنگ» خاص سازا، کارا، و شناسا می‌شوند. با جمشید انسانْ اجتماعی و متمدّن می‌شود. «نوروزنامه» با فروکاست نوآوری‌های جمشید به فهرستی از چیزها، فرصت بزرگی را برای دادن مبنایی جامعه‌شناختی به دیگر محتویّات خود از دست می‌دهد. برای «نوروزنامه» تاریخ مهّم در دستاوردهای جمشید تاریخ «عقل و تجربه»اند که «روزگار آدمیان بدینجا رسانیده‌اند که می‌بینی». «شاهنامه» و «نوروزنامه» در یک مورد اساسی دیگر نیز با یکدیگر ناهم‌خوانند، و آن چگونگی احداث نوروز است. در «شاهنامه» نوروز جشنی است که مردم به پاس آفرینندگی‌ها و دادودهش‌های جمشید (توصیفی که «نوروزنامه» نیز با آن همراه است) و به عنوان نوعی از ارج و ارزش‌گذاری بر پیروزی‌های او می‌گیرند، و نه جشنی که، بنابه روایت «نوروزنامه»، جمشید خود پس از دستاوردهایش ساخته و نام نهاده، و مردم را بدان فرموده باشد. در «شاهنامه»، جمشید همه چیز را اختراع می‌کند جز نوروز را. نوروز شکل سپاس جهانیان است از شهریاری نیکو، شکل سزاواری بخشیدن به جهانداری درست.

جهان، انجمن شد برآن تخت اوی
- شگفتی فرومانده از بخت اوی -
به جمشید بر گوهر افشاندند؛
مر آن روز را روز نو خواندند.

امّا در یک مورد کلیدی هر دو کتاب با یکدیگر هم‌خوانی خیره‌کننده‌ای دارند: هر دو بلافاصله، و آشکارا به عنوان عبرتی که آن سوی شادمانی نوروزی است، و به گونه‌ای حدّ این جشن را به مثابه آیین کانونی شهریاری ایرانی مشخّص می‌کند، سخن می‌گویند. ترم «فنّی» این حدّ مصیبتی است که هر دو کتاب با رفتن یا شدن «فرّ ایزدی از او» نام می‌برند. «نوروزنامه» با آن نثر موجزش می‌نویسد: «جمشید، در اوّل، پادشاهی سخت عادل و خداترس بود؛ و جهانیان او را دوست‌دار بودند و بدو خرّم. و ایزد تعالی او را فرّی و عقلی داده بود.... چون از مُلک او چهارصد و اند سال بگذشت، دیو بدو راه یافت.... بزرگ‌منشی و بیدادگری پیشه ساخت... جهانیان از او به رنج افتادند، و شب و روز از ایزد تعالی زوال مُلک او خواستند. آن فرّ ایزدی از او برفت!» همین ماجرای عبرت‌آموز را می‌توان به شکلی دراماتیک‌تر، به شکلی بی‌گزاف «دکوپاژ» شده، در «شاهنامه» تماشا کرد. سیصد سال پس از جشن نوروز - که «ندیدند مرگ اندر آن روزگار» - دیو، به عبارت «نوروزنامه»، به جمشید راه می‌یابد؛ و هنگامی که مردم برای رستگاری از دست بیداد او پذیرای ضحّاک می‌شوند مرگ و تیره‌روزی پیشاتمدنی، نوعی از آدم‌خواری، به جهان باز می‌گردد:

چنین تا برآمد برین سالیان
همی‌تافت از فرّ، شاه کیان.
جهان - سربه‌سر - گشته او را رهی؛
نشسته جهاندار با فرّهی،
یکایک به تخت مهی بنگرید:
به گیتی جز از خویشتن را ندید!
ز گیتی سر شاه یزدان‌شناس،
ز یزدان بپیچید و، شد ناسپاس.
گرانمایگان را ز لشکر بخواند؛
-چه مایه سَخُن پیش ایشان براند!-
چُنین گفت با سالخورده مهان
که: «جز خویشتن را ندانم جهان!
«هنر در جهان از من آمد پدید،
«چو من نامور تخت شاهی ندید،
«جهان را به خوبی من آراستم،
«چنان‌ست گیتی کجا خواستم.
«خور و خواب و آرامتان از من است!
«همان پوشش و کامتان از من است!»

سران لشکری و کشوری که سراپا گوش به سخنرانی غرّای شهریار گوش می‌دهند چکار می‌کنند؟ درست همان کاری را می‌کنند که بعدها در مورد «حرام‌زاده سمنگان» کردند (فرزندمان سهراب را می‌گویم): خفقان می‌گیرند.





همه موبدان سرفگنده نگون
«چرا»، کس نیارست گفتن، نه «چون!»

کسی نیست، شاعری، شجریانی، شاملویی، که خیّام‌وار اندازه‌های راستینِ هستی را بر شهریار وابخواند؛ که کرانمندیِ خُرد او در برابر چرخشِ بی‌کرانِ دهر، و تساویِ هستی‌شناختیِ پادشاه و گدا را در دستانِ بی‌هراسِ کوزه‌گر بر او وابگوید:

در کارگه کوزه‌گری کردم رای،
در پایه چرخ دیدم اُستاد به‌پای؛
می‌کرد – دلیر – کوزه را دسته و سر:
از کلّه پادشاه و، از پایِ گدای!

این آسیب‌شناسیِ قدرتِ ایرانی به ما چه می‌گوید؟ می‌گوید: نوروز روز جشن است به شرطی که روز سپاس و روز حدّشناسیِ قدرت نیز باشد؛ به شرطی که شهریار اندازه کارها از دستش نرود، و برافزونیِ میان خدا و انسان را درنَوَردد. اگر درنوردید چه می‌شود؟ جهان از گفت و گو پُر می‌شود. بازهم فردوسی:

چُن این گفته شد، فرّ یزدان ازوی
بگشت‌و، جهان‌پُرشد از گفت‌وگوی.

آیا در اینجا سخنِ فردوسی را می‌فهمیم وقتی از معجونِ «ترس و هوش» حرف می‌زند؛ و از آن تیزهوشانه‌تر: «هراس»ی که در دلِ قدرت می‌افتد، وقتی خود را واجب‌الوجود می‌پندارد:

چه گفت آن سَخُنگویِ با ترس و هوش
که: «خسرو شدی، بندگی را بکوش!
«به یزدان هرآنکس که شد ناسپاس
«به دلْش اندرآید ز هر سو هراس.»

می‌بینیم که هم در «شاهنامه» و هم در «نوروزنامه» حقیقتِ نوروز عمیقاً حقیقتی است حکیمانه، به این معنا که دعوتی است به جشنِ سپاسِ مائده‌هایِ زمینی در درونِ یک عبرت‌آموزی که تَرانوَردِ اینَ سپاس اَست: سهم انسانَ از ابدیّت، لحظه است، و هر که خود و باورهای خود را با ابدیّت اشتباه بگیرد موجبِ ویرانی جهان می‌شود. نوروز، هم، بیانگرِ گنجایشِ انسان اَست، و هم بیانگرِ کرانمندیِ او، و هم نسبتِ ویژه او با ناکران.

در اینجا لازم می‌بینم که برای پرهیز از متهم شدن به «شووینیزم» ملّی کمی به حاشیه بروم. در واقع آنچه قصد طرحِ آن را دارم از مقوله آسیب‌شناسی‌ها است، که در اینجا اساساً برمی‌گردد به نوعی استنباط از «شاهنامه»ی فردوسی و پروژه حکیم توس. در این سده اخیر نوعی کاهش‌گریِ پارس‌گرایانه بَر خوانش فردوسی حاکم شده است که مانندِ هرگونه کاهش‌گری، که نام دیگرِ آن انحصارگری یا انحصارطلبی است، نسبتِ ما را با «شاهنامه» دستخوشِ نوعی کج‌فهمی کرده است که نه برای فردوسی خوب است، نه برای ما ایرانیان، نه برای بشریّت، و نهایتاً حتّی نه برای پارس‌گراها و آریایی‌چی‌ها که اکنون دیگر دهه‌ها است (یعنی از همان هزاره فردوسی در ۱۳۱۳ خورشیدی، اگر نه چند سالی زودتر) نه تاریخ می‌خوانند، و نه ژنتیک. منظورم از این کاهش‌گریِ پارس‌گرایانه چیست؟ این درک از فردوسی که انگار منظورش از زنده‌کردن «عجم» احیایِ «پارس‌ها» است، و زبانِ آن‌ها به مثابه زبانِ قوم پارس. هر که با تاریخ آشنا باشد می‌داند که «عجم» ترمی است بسا موسّع‌تر از «پارس»، و ایرانی‌ها هرگز در سراسرِ تاریخ به هیچ قوم خاصّی فروکاست‌پذیر نبوده‌اند. پارس‌ها و مادها، اگر فقط مثالی بزنیم که هر مدرسه ابتدایی‌ای رفته‌ای می‌داند، نه مثل هم لباس می‌پوشیدند و نه به یک زبان سخن می‌گفتند. اصولاً درخشش اختراع کوروش در امر شهریاری درست در همین بود: ایران به مثابهَ یک چندگانه قومی، زبانی، دینی؛ اتّحادی که در آن این چندگانگی نه تنها در صورتِ نوعی تحمّل‌پذیری، کاهشِ خصومت میانِ همسایگان، از خون و خون‌ریزی بکاهد، و منجر به بالندگیِ اقتصادی شود، بلکه در شکل ایجادِ یک میدانگاهِ چند قومی به بالندگی و شکوه مشترک آنان بیانجامد. کافی است یکبار دیگر بنگرید به هدیه‌آورندگان پلّه‌هایِ تخت جمشید، و به جای ماندن در گِلِ نوعی شهریاری‌ستیزیِ بدوی از نو بپرسید آیا هدف از این به نمایش درآوردن تنوّع قومی، فرهنگی، و اقتصادی چیست. فقط نمایشِ اطاعت، و یا نیز نمایشِ تنوّع؛ نمایشِ چندگانگی به مثابه عالی‌ترین و استوارترین پایه قدرت سیاسی! از این بابت، کورش اصلاً رضاشاه نبود! ایرانِ شاهنامه ایرانِ چند قومی است. فارسی زبانِ «شاهنامه» است، نه زبانِ قهرمانانِ «شاهنامه»! باور کنید که هیچکدام از ما، فارس و ترک و کُرد و لُر و بلوچ، و گیلک به زبانِ رستم حرف نمی‌زنیم. ما همه زبان عوض کرده‌ایم، دین عوض کرده‌ایم، سر و وضع عوض کرده‌ایم. این‌ها که دیگر نباید لازم به گفتن باشد. امّا بعضی‌ها طوری حرف می‌زنند که انگار رستم با لهجه تهرانی فارسی گپ می‌زده است. بعضی‌ها اصلاً به خاطرشان نمی‌گذرد که فردوسی خوب می‌دانسته است، با توجّه به مآخذ و مرجع‌هایش نمی‌توانسته است نداند، که زبان‌هایِ ایرانیان پیش از اسلام همان فارسی شکرینی (به تعبیر جمالزاده) نیست که او «شاهنامه»اش را بدان می‌نوشته است. پروژه فردوسی نهایتاً زنده‌کردن عجم است نه به مفهوم یک قوم (که این روزها برابر شده است با «اتنه»)، بلکه به مفهوم یک سرگذشتِ مشترک؛ به مفهوم اسطوره و تاریخ مشترکَ اقوامی که در یاری و یاوری با هم سَپاه درست مَی‌کردند، به جنگ می‌رفتند، از سرزمین مشترکشان دفاع می‌کردند، و خود را در شکلِ این اتّحاد و اتّفاق، به مثابه نوعی همبایی چندگانه، می‌شناختند. مهم‌ترین موضوع در باب «شاهنامه» زبانِ آن نیست داستان‌سراییِ آن است. نقشِ زبان تبعی است. این فتیشیزم زبانی از خوانشِ ما است، از آنِ فردوسی نیست. خوانشی است جدید که متعلّق است به نوعی از «ملّت‌سازی» که فروغی و حکمت و دیگران (کسانی که کسروی آن‌ها را در این ارتباط «کمپانی بدخواهان» می‌نامد، به راه انداختند) و اگر بخواهیم تاریخی برای ظهورِ آن به دست بدهیم باید بگوییم ۱۳۱۳ خورشیدیِ و جشنِ هزاره فردوسی. در آنجا بود که یک برداشتِ نهایتاً باسمه‌ایَ و مجعول از یک گذشته تاریخی بدفهمیده‌شده در صورتِ نوعی پارس‌گرایی و «سلطانیزم»، به فردوسی نسبت داده شد. اگر زبانِ فارسی در این زمینه نقشی داشته باشد (که دارد) از راهِ همینِ ظرفِ شعور تاریخی مشترک بودنش است: تذکارِ تاریخ به عنوانَ سرگذشتی مشترک در زبانی فراقومی (چونَ فارسی به مثابه زبان عجم زبانی است فراقومی، و نه مُلکِ آبا اجدادی قومی به نام پارس). برای فردوسی گوهر ایرانی یک زبانِ خاص نیستَ بلکه همین انکشافِ مشترکِ تاریخی است، و این انکشافِ تاریخی همان گوهر ایرانی است در شکلِ یک تقدیر مشترک. گوهر مشترک فقط خودش را به شکلِ یک تاریخ مشترک بازمی‌نمایَد. زیرا از منظرِ «دراماتیک»، تنها یک گوهر توان آن را دارد که تاریخ را از نو بیآغازد. ما که امروز در درونِ ساختارهایِ مفاهیمی می‌اندیشیم دیگر لازم نداریم به آن اصلِ زایا بگوییم «گوهر»؛ کافی است بگوییم مشترکات دیرینه فرهنگی، و اقتضائات زیستن در کنار هم در شرایطِ



جمعیّت‌شناختی و اقلیمی‌ای که از ما می‌طلبند تا باهم باشیم.

زیرا اگر با هم نباشیم مضمحل می‌شویم، و تنها در صورتی می‌توانیم با هم باشیم که هرکدام از ما شرط و امکانِ بالندگی آن دیگری باشد، و نه نوعِی از قید و بند بر بالندگی آنَ دیگری. یا ما همه با هم خواهیم بالید، و یا تک تک مضمحل خواهیم شد. این است نهایتِ حرفِ فردوسی. مثلاً (چون این روزها حتّی نمی‌گذارند از امامانمان حرف بزنیم) وقتیِ ایلخانان مغول خواستند که ایرانی بشوند، همان‌گونه که از گنجاندن شبیه‌هایِ خود در مینیاتورهایِ شاهنامه‌هایِ شگفت‌آورشان پیدا است، در داستان‌هایِ شاهنامه بود که خود را بازیافتند. گزینشِ شاهنامه گزینشِ یک زبان نبود، گزینش یک هویّت بود، یک فرهنگ، و نهایتاً، و این است مهم‌ترین نکته، اعلام پیوستن و یکی شدن آنان بود با سرنوشتِ تاریخی مردم این سرزمین. شاهنامه درآوردن، صورتِ مغولی به پادشاه کیانی دادن، یعنی شاه ایران شدن، یعنی گذاشتنِ خود در درونِ تاریخ مشترکی که تا کیومرث می‌رود، یعنیِ ایرانی شدنِ ایلخان. باور کنید ایرانیّتِ اغلبِ ما «نژادی» نیست، از نوعِ همین ایرانیّتِ ایلخانی است! ما همه به ایران گرویده‌ایم، و باید همچنان در این گروندگی پایدار بمانیم. باید این گروندگی را، مثلِ هر گروندگی دیگری، طیِ آیین‌هایی پیاپی نو کنیم.

نوروز، همانگونه که از نامش برمی‌آید، روز نوکردنِ گروندگی ما است به حقیقتی که نامِ آن ایران است.







گفتگو با دکتر محمد بقایی ماکان

نوروز و آفرینندگی



گفتگوی اول

*** نوروز یکی از کهن ترین جشن‌های ایرانی است که هزاران سال است در گستره ایران فرهنگی چهره می‌نمایاند. با آن که این جشن هر ساله در آغاز بهار با آداب و سنن خاصی همراه است و هیچ تفاوتی در مراسم کنونی با آنچه در طول تاریخ برگزار می‌شده دیده نمی‌شود، ولی جای شگفتی است که با این حال نه تنها هیچ‌گاه تکراری نمی‌نماید، بلکه برای همه مردم تازگی دارد، به عقیده شما علت این امر در چیست؟**

** وقتی چیزی ماندگار می‌شود، دلیلش را باید در ذات و چیستی آن جست. نوروز، بنیادش برعشق و محبت و دوستی است. در نوروز همه چیز بوی صفا و مهربانی و عشق می‌دهد و عشق به معنای واقعی منبع لایزالی است که هرگز پایان نمی‌گیرد. رمز تازگی و جذابیت نوروز در همین نکته است. وقتی به چیزی عشق می‌ورزید، همیشه شوق دیدنش را دارید. آیا هیچ فرزندی از دیدن والدینش سیر می‌شود، یا والدین مهرورزی به فرزندشان را کاری تکراری می‌دانند؟ نوروز آئینی است دارای ویژگی‌های دلنشین و مهرانگیز که ذکر همه آنها در این فرصت مختصر ممکن نیست، ولی مهمترینش این است که آدمی را با طبیعت، یعنی با آیینه ذات الاهی پیوند می‌دهد، آن هم در زمانه‌ای که شهرها، به قول معروف، بدل به جنگل آهن شده‌اند، به علاوه قلب‌ها را به هم نزدیک می‌کند. عشق را به دلها می‌نشاند، کینه‌ها را می‌شوید، روح را صیقل می‌دهد، جان را مصفا می‌کند، چشم‌ها را با جلوه‌های زیبای طبیعت نوازش می‌کند. اینها ویژگی‌های اصلی و بنیادین زندگی است که هر انسانی به طور طبیعی طالب آن است.

بنابراین می‌توان گفت که نوروز و حقیقت حیات، پشت و روی یک سکه‌اند و نوروز جوهر زندگی است. تاریخ پیدایی نوروز سر در افسانه دارد و آغاز آن معلوم نیست، ولی می‌توان پنداشت که نوروز با خود زندگی آغاز شده و تا زندگی هست نوروز هم خواهد بود.

*** در خور توجه است که پس از ورود اسلام به ایران دیگر جشن‌های ایرانی مانند مهرگان و سده که تعدادشان را به ۲۵ جشن بالغ دانسته‌اند، در میان ایرانیان مسلمان از رونق افتاد، ولی نوروز نه تنها باقی ماند، بلکه آیین‌ها و مراسم مربوط به آن شدت و قوت یافت.**

** همین طور است. نوروز در میان دیگر جشن‌های ایرانی جنبه‌ای استثنایی دارد که علت ماندگاری و پویایی آن را باید در ذات این جشن ـ که به مهمترین عناصرش اشاره شد ـ جستجو کرد. آن ویژگی‌ها با اصل و حقیقت زندگی پیوند ناگسستنی دارند، به علاوه نوروز ارتباطی با دین و عقاید خاصی ندارد، بنابراین از گذشته‌های دور مورد توجه همه مردم با عقاید مختلف بوده است، حتی خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس هم آن را جشن می‌گرفته‌اند. برخی را عقیده بر این است که چون بعضی از پادشاهان سلسله‌های ایرانی مانند آل زیار، آل بویه، غزنویان و سلجوقیان آیین‌های نوروزی را با شکوه بسیار برگزار می‌کردند و در تقویت آن می‌کوشیدند، بنابراین توانست به حیات خود ادامه دهد، ولی حقیقت این است که آن سلاطین مثل مرداویج زیاری، مسعود غزنوی و عضدالدّوله دیلمی جشن سده را هم باشکوه تمام برگزار می‌کردند، از جمله برگزاری بسیار باشکوه این آیین در فیروزآباد فارس به وسیله مسعود غزنوی که حتی متنبی شاعر معروف عرب قصیده‌ای در آن مراسم در گرامیداشت این جشن سرود و شکوه آن را با بهشت قیاس کرد، یا مراسمی که به همین مناسبت از سوی مرداویج زیاری در ساحل زاینده‌رود برگزار شد که شکوه و جلال آن زبانزد است، ولی با این همه مانند نوروز جلوه نکرد و به دلها راه نیافت، نوروز با تدبیر برمکیان به دستگاه عباسیان که می‌خواستند به روش پادشاهان ایران باستان حکم برانند راه یافت. ولی از آنجا که آنان به جنبه تشریفاتی و ظاهری آن توجه نشان می‌دادند به حقیقت آن راه نیافتند، بخصوص این که آن را براساس تقویم قمری برگزار می‌کردند و از این‌رو گاهی مراسم نوروزی که با اعتدال بهاری معنا می‌یابد در تابستان یا زمستان برگزار می‌شد. این وضع آشفته ادامه داشت تا آن‌که معتضد خلیفه عباسی ـ که در ۲۷۰ هجری به خلافت رسید ـ برای حل این معضل دو نوع تقویم را معمول کرد، یکی تقویم قمری (که چون طبق آیه ۳۷ سوره توبه، جابه‌جایی ماه‌های قمری و مراعات کبیسه «افزایش در کفر» است و تحریم شده) برای امور دینی و یادمان‌های مذهبی در نظر گرفته شد، و دیگری تقویم شمسی که چون رویدادها و یادمان‌های دیگر از جمله نوروز را تا حدی در جای خود نگاه می‌داشت برای امور دنیوی. از این‌رو مراسم نوروزی که در زمان این خلیفه و پس از او برگزار می‌شد به «نوروز عضدی» معروف افتاد. البته ناگفته نماند که نوروز برای خلفای اموی و عباسی بهانه‌ای بوده تا به تقلید از شاهنشاهان ایرانی هدایایی از مناطق مختلف امپراتوری خود دریافت کنند، ولی آنچه به این بهانه اخذ می‌کردند باج و خراجی بود برای افزایش درآمدشان. بنابراین آنچه از سرزمین‌های به اصطلاح «مفتوحه» از جمله ایران به عنوان هدیه در هر نوروز اخاذی می‌کردند به قول امروزی‌ها چیزی جز زورگیری نبود. برای مثال تحمیل این به اصطلاح هدایای نوروزی در زمان معاویه بنا به گفته جرجی زیدان در کتاب تمدن اسلامی که مرحوم جواهرکلام آن را ترجمه نموده، «به پنج تا ده میلیون درم بالغ می‌شد» و حاکمان دست‌نشانده آنان برای آن‌که خود را لایق‌تر نشان دهند، حتی اموال مردم را هم مصادره می‌کردند و آنها را به عنوان هدایای نوروزی به خدمت خلیفه می‌بردند.» ولی شگفت‌آور است که ایرانیان با همه این ظلم‌ها و تنگدستی‌ها از نوروز دل نمی‌کندند، تا آن‌که با قیام چهره‌هایی وطن‌خواه مانند ابومسلم و برمکیان و خاندان سهل، و تشکیل سلسله‌های طاهریان و صفاریان جشن‌های ایرانی بخصوص نوروز در فضایی عاری از ترس و لرز برگزار شد و شاعران پارسی گو زبان به ستایش ارزش‌های مکتوم در این آیین‌ها پرداختند. از جمله دقیقی، فردوسی، فرخی، منوچهری، عنصری، ناصرخسرو، خیام و بسیاری شاعران و نویسندگان دیگر که تا امروز همچنان ادامه دارد و شامل هزاران بیت و کتاب می‌شود. در اینجا بد نیست به نخستین کتاب‌هایی که درباره نوروز نگاشته شده اشاره داشت، از جمله «نوروزنامه» خیام و «اشعار السائره فی النّیروز و المهرجان» از مورخ و محقق ایران‌دوست حمزهٔ اصفهانی مورخ معروف قرن چهارم که تاریخ معتبری در باب ایران باستان دارد.

*** صحبت از «نوروز عضدی» کردید که منطبق است با تقویم شمسی، اگر چنین است تفاوت آن با «نوروز جلالی» چیست؟**

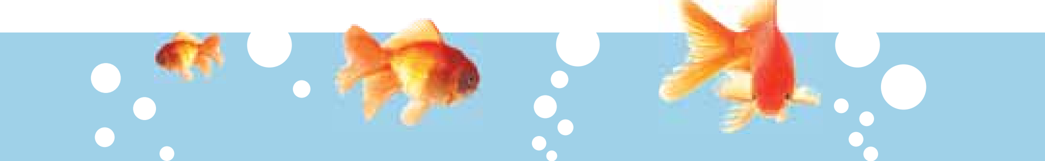
** تقویم شمسی که بعد از معتضد شانزدهمین خلیفه عباسی معمول شد به لحاظ نجومی تقویم دقیقی نبوده و نوروز را دقیقاً در زمان اصلی خود ثابت نگاه نمی‌داشت (علت این امر نیاز به شرحی طولانی و فنی دارد که در حوصله این گفتگو نیست) تا آن‌که جلال‌الدین ملکشاه سلجوقی به تشویق وزیر دانشمندش خواجه نظام‌الملک جمعی از اخترشناسان و ریاضی‌دانان نامی مانند حکیم عمر خیام، عبدالرحمان خازنی، حکیم لوکری، ابن کوشک بیهقی و میمون بن نجیب واسطی را بر آن داشت تا تقویم دقیقی پدید آورند که آن را با توجه به درخواست ملکشاه «تقویم جلالی» نامیدند. براساس این گاه‌شماری قرار شد که در هر چهار سال یک روز به ۳۶۵ روز اضافه شود که آن را کبیسه می‌گویند.

*** این واژه عربی است؟**

** خیر، این واژه اصلاً سریانی است با تلفظ «کبیشتا» که عربی آن چنان که در آیه ۳۷ سوره توبه آمد «نسیء» می‌شود، در این آیه همان‌طور که اشاره شد تأخیر یا تغییر ماه‌ها عملی کفرآمیز دانسته شده و در نتیجه هرگونه اصلاحی در تقویم قمری ممنوع شده.

*** شاید به همین علت است که اکنون تقویم کاربردی کشورهای عربی و اسلامی، بجز ایران، تقویم میلادی است؟**

** دلیلش روشن است چون تقویم قمری عین سیماب لغزنده است و در نتیجه با ایام و فصل‌های واقعی تطبیق ندارد، برای مثال وقتی ربیع‌الاول در زمستان قرار می‌گیرد، معنای خود را از دست می‌دهد، ولی در گاه‌شمار خورشیدی نه تنها روزها و فصل‌ها بلکه حتی لحظه‌ها هم در جای خود قرار دارند. از این روست که نوروز درست در آغاز نخستین روز بهار جشن گرفته می‌شود. باید توجه داشت که نیاز به دستاوردهای فرهنگ غیرخودی زمانی پدید می‌آید که مانند آن در فرهنگ خودی وجود نداشته باشد، ولی ایران با فرهنگ و مدنیت دیرپای خود چنین نیازی نداشت. از همین روست که شیوه تفکر و سررشته‌داری آن با دیگر کشورهای اسلامی تفاوت دارد.





*** آیا نام‌هایی که در تقویم جلالی به کاربرده می‌شـده به همین صورتی بوده که امروز به کار می‌بریم؟**

** خیر زیرا در آن ایام با توجه با حاکمیت عباسیان، گرایش به فرهنگ ایرانی و زبان‌فارسی در محافل رسمی معمول نبود. البته ایرانیـان به‌طور طبیعی نام‌های فارسـی ماه‌های دوازده‌گانه را در گفتگوهای خود به کار می‌بردند، ولی در موارد رسـمی و اداری از اسامی برج‌های فلکی استفاده می‌شد که عبارتند از: حمل، ثور، جوزا، سـرطان، اسد، سـنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی، دلو و حـوت، که اکنون نیز در برخـی از مناطق ایران فرهنگی معمول اسـت. این اسـامی تا سال ۱۳۰٤ یعنی تا پایان حکومت قاجار به کار برده می‌شـد که از آن پس نام‌های ایرانی تقویم یزدگردی که اکنون مصرف می‌شود با تصویب مجلس دوم رسمیت یافت که از فروردین آغاز و به اسفند ختم می‌شود. شادروان محمدتقی بهار در این باره گفته است:

چـون ز مشـروطه چند سـال گذشـت
تـرک شـد سـال ترکـی و تـازی
سـال شمسـی دوبـاره قانـون شـد
فـال ایرانیـان همایـون شـد

این که امروزه گفته می‌شود تاریخ شمسی یا تاریخ خورشیدی در واقع همان تقویم جلالی اسـت که حکیم عمر خیام به یاری دیگر ریاضی‌دانان و اخترشناسان آن را پدید آورد. خیام در نوروز نیز به جای اِسامی ماه‌های یزدگردی از نام برج‌های فلکی استفاده می‌کند، مثلاً به جای فروردین می‌گوید حمل، به عقیده وی انگیزه نام نهادن این ایام به نوروز در این است که «چون بدانستند، آفتاب را دو دور بوده، یکی آنکه در هر ۳۰۵ روز یک چهارم روز از شبانه روز بـه یکمیـن دقیقه حمل باز آید به همان هنگام و روز که رفته بود، بدین دقیقه نتوان آمد که هر سـال از مدت همی کم شـود و چون جمشـید آن روز را دریافت، نوروز نام نهاد و جشن و آیین آورد و پس از آن پادشـاهان و مردم دیگر از او پیروی کردند» که البته همین سخن را فردوسی در شاهنامه بیان می‌دارد.

*** بی‌تردید خیام نیز مثل هر ایرانی به نوروز مهر می‌ورزید، این علاقـه در آثـاری کـه از وی به جا مانده کاملاً مشـهود اسـت، چه در رباعیات او و چه در کتاب معروفش نوروزنامه، ولی خیام اندیشمندی سخت ژرف‌بین است، حتی نگاه او به نوروز هم نگاهی عمیقاً فلسفی است و چشم‌اندازش به این آیین کاملاً متفاوت از دیگران و منحصر به خود اوست. به نظر شما هم چنین است؟**

** دقیقاً همین‌طور است که مطرح کردید. می‌دانید که خیام مثل حافظ بر این عقیده بود که «دمی با غم به سر بردن، جهان یک سـر نمی‌ارزد» بنابراین براساس همین اندیشه گفته است: «انگار که نیستی، چون هستی خوش باش.» از رباعیاتی که دِرباره نوروز دارد و همین‌طور از برخی سطرهای نوروزنامه کاملاً پیداست که نوروز را انگیزه‌ای برای فراموشـی غم‌های زمانه و شـاد زیستن همراه با نشاط طبیعت می‌داند:

چـون لالـه بـه نـوروز قـدح گیـر به دسـت
بـا لالـه رخـی اگـر تـو را فرصـت هسـت
مـی نـوش بـه خرمـی کـه ایـن چـرخ کبود
نـاگاه تـو را چـو خـاک گردانـد پسـت

نکته‌هـای مکتوم در رباعیات خیام بسـیار ظریف و عمیق اسـت، چندان که شـرح و تحلیل هر یک از آنها نیاز به سـاعتی فرصت اسـت، ولی توجه او به نوروز در مجموع سـر در عوامل نشاط انگیز این آیین دارد، شاید از این‌روست که او از میان همه اندیشه‌های ایرانی توجه خاصی به نوروز نموده که نه تنها رساله مسـتقلی درباره این آیین دلپذیر پرداخته، بلکه در سروده‌هایش نیز از آن به عنوان نماد طراوت و زنده دلی و شـادکامی و تلویح و تصریح نام برده:

بر چهره گل نسـیم نوروز خوش اسـت
در صحن چمن بوی دل‌افروز خوش است
از دی که گذشت، هرچه گویی خوش نیست
خوش‌باش و ز دی مگو، که امروز خوش است

**

چـون ابـر بـه نـوروز رخ لاله بشسـت
برخیز و به جام باده کن عزم درست
کاین سـبزه که امروز تماشـاگه ماسـت
تا سـبزه خاک ما تماشـاگه کیست
سـبزه رخ خـود بـه ابر نوروز بشسـت
وین دهر شکسته‌دل ز نو گشت درست
با سبزه خطی به سبزه‌زاری می‌نوش
بر یاد کسی که سبزه از خاکش رست

*به نظر می‌رسد نگاه خیام به شادی‌های زندگی و توصیه‌های مکررش به شادزیستن، نمی‌تواند متأثر از زیرساخت‌های اندیشه ایرانی نباشـد. بن‌مایه‌های چنین تفکـری در متون کهن پهلوی، در گاتاهـا و همین‌طور در سنگ‌نوشـته‌های ایران باسـتان قابل ردیابی اسـت، مثل این جمله معروف در چند کتیبه «هخامنشی» که می‌گوید: «بزرگ اسـت اهورامزدا، که این زمین را آفرید، آن آسمان را آفرید و شادی را آفرید» بسیار جالب است که به شادی تا حد آفرینش همه کائنات اهمیت و شخصیت داده می‌شود.

* بله، قطعاً نمی‌توان تأثیر ریشـه را در پرورش و بالندگی شاخ و برگ نادیده گرفت. خیام در نوروزنامه، آنجا که می‌گوید موبد موبدان در نوروز به نزد شـاه می‌رفت تا رسـیدن سال نو را همراه با هدایایی به وی آفرین و شـادباش گوید، تأکید بسـیار بر زندگی توأم با نشاط و شادی دارد و از زبان موبد موبدان می‌گوید: «به جشـن فروردین و به ماه فروردیـن، آزادی گزین به یزدان و دین کیان، سـروش آورد تو را دانایی و بینایی و کاردانی، دیرزی با خوی هژیر، شاد باش بر تخت زرین، نیکوکاری و روش داد و راستی نگاه دار، سرت سبز باد و جوانی چون خوید سبز، کارت راست چون تیر، پیشت هنرمند و دانا گرامی و درم خوار، سرایت آباد و زندگانیت بسیار.»

نوروز عاملی بسیار مهم در تحکیم وحدت ملی و حفظ تمامیت ارضی ایران دانسته می‌شود، چندان که می‌توان گفت ایران بدون نوروز و نوروز بدون ایران معنایی ندارد. به هرحال این آئین کهن و پر رمز و راز ایرانی که جمشید آن را پی افکند پیوسته مورد ستایش شاعران و نویسندگان بوده

طبیعی است که هیچ‌یک از اینها بدون عنصر شادی معنایی ندارد، نوروز عصاره همه اینهاست. شاید از این روست که ایرانیان از دیرباز در ایام نوروز به یکدیگر می‌گفتند: «هر روزتان نوروز» و به این ترتیب شادمانی دیرپا برای یکدیگر آرزو می‌کردند، زیرا شـادی زیربنای آزادی اسـت، و آفرینندگی و پیشرفت در دامان آزادی بالنده می‌شود.

گفت‌و‌گوی دوم

*** در جلسه قبل صحبت از شعر شد و بهار و نوروز که هر سه با هم قرابت دارند، کمتر شـاعری اسـت که نوروز و بهار در سـروده‌هایش حضور نداشـته باشند. شما به عنوان پژوهشگر حوزه ادبیات فارسی که آثار متعددی در این زمینه منتشر کرده‌اید و تا آنجا که اطلاع دارم آخرین اثرتان هم به نام «از منوچهری تا سـپهری» در دسـت چاپ اسـت، بفرمائیـد که ارتباط این مضامین را با شـعر فارسـی چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

* تقریباً همه شـاعران فارسـی زبان از ایرانی و غیرایرانی از نوروز و بهار سـخن گفته‌اند. اکثر شـاعران ما نقش‌گر طبیعت بوده‌اند مثل منوچهری، فرخی و سعدی. در این اواخر هم سپهری به جمع آنها اضافه شده، ولی در خصوص نوروز می‌باید محتاط‌تر بود. تا آنجا که به خاطرم هست از میان شاعران معتقدم غیر از خیام که به آن اشاره شد، شاعر بزرگ معاصر او که دوست یکدیگر نیز بوده‌انـد در مـواردی از نوروز یاد می‌کند و جالب این که در بیتی همین اصطلاح «نوروز پیروز» را به کار می‌برد که امروزه نیز بعد از هزار سال زبانزد مردم است:

ای گل سرخ نوروزی
دیدنت فرخی و پیروزی

نوروز برای سنایی چندان گرامی است که روی معشوق را به خلاف دیگر شاعران بخصوص شعری که به ماه و خورشید تشبیه می‌کنند، او به درخشندگی صبح نوروز مانند می‌کند:

بـا تابش زلف و رخـت، ای ماه دل‌افروز
از شام تو قدر آید، وز صبح تو نوروز

نیازی به گفتن نیسـت که شـب قدر در اسلام متبرک‌ترین شـب اسـت که آن را از هزار ماه بهتر دانسته‌اند، زیرا قرآن در این شب نازل شده، سنایی در بیتی دیگر نیز همین قدر را برای نوروز قایل می‌شود:

از آن که هست نشاط جهان و زحمت حق
چو روز عید و شب قدر شد صباح و مساش

او از شاعران و اندیشمندان بزرگی است که نوروز را بسیار ستوده. در قصیده‌ای می‌گوید:

رفت کدبانو، کلید اندر کف نوروز داد
رفت خواجه، ده به دست زیرک جیپال داد

(جیپال در اینجا به معنای پادشاه است) در مطلع قصیده‌ای دیگر می‌گوید:

کرد نوروز چو بت‌خانه چمن
از جمـال بـت و بـالای سـمن
شد چو روی صنمان لاله لعل
شـد چو پشت شـمنان شاخ سمن

می‌بینید که او تفاوتی میان نوروز و بهار نمی‌گذارد و نوروز را عامل تحول و زیبایی طبیعت می‌داند. در غزلی می‌گوید:

باز، تابی در ده آن زلفین عالم‌سوز را
بـاز آبی برزن آن روی جهان‌افروز را
لب ز هم بردار یکدم، تا هم اندر تیر ماه
آسمان در پیشت اندر جُل کشد نوروز را

*** چرا تیر ماه؟**

* چون تیر ماه در تقویم قدیم به فصل پائیز گفته می‌شـد. عنصری می‌گوید:

تا همی گردد فصول عالم از گشت فلک
گه تموز و گاه تیر و گه زمستان گه بهار



«در جُـل کشـیدن» هم یعنی هدیه کـردن. به هر حال ذهن سـنایی با نوروز بسیار مأنوس اسـت که پرداختن به همه موارد آن اکنون ممکن نیسـت، ولی از ایـن رباعی او در وصف نوروز نمی‌شود گذشت:

زلفین تو تابوی گل نوروزی است
کارش همه‌ساله مشک و عنبر سوزی است
همرنگ شب است و اصل فرخ‌روزی است
ما را همه زو غم و جدایی روزی است

فرخـی هم در ترجیع‌بنـد معروفش از بهار و نوروز وصفی دلنشین دارد:

ز باغ ای باغبان ما را همی بوی بهار آید
کلیـد باغ ما را ده کـه فردامان به کار آید
کلید باغ ما را فردا هزاران خواستار آید
تو لختی صبر کن چندان که قُمری بر چنار آید
بدین شایستگی جشنی بدین بایستگی روزی
ملک را در جهان هر روز جشنی باد و نوروزی

در دیـوان منوچهـری هـم چنانکـه می‌دانید بسـیاری از جشـن‌های ایران ـ از جمله نوروز ـ وصف شـده، به طوری که مأخذی برای تحقیق درخصوص آئین‌های ایرانی به شمار می‌آید. او در دو مسمط از نوروز سخن می‌گوید:

*** او در واقع خالق قالب مسمط هم هست**

* همین‌طور اسـت. بخصوص مسـمط خزانیه او یکی از زیباترین تابلوهای شـعر فارسی است. در مسمطی هم نوروز را با شیفتگی می‌ستاید:

نـوروز بزرگم، بزن ای مطـرب نوروز
زیرا کـه بود نوبت نوروز به نوروز
بـرزن غزلی نغز و دل‌انگیـز و دل‌افروز
ور نیست تو را بشنو از مرغ نوآموز

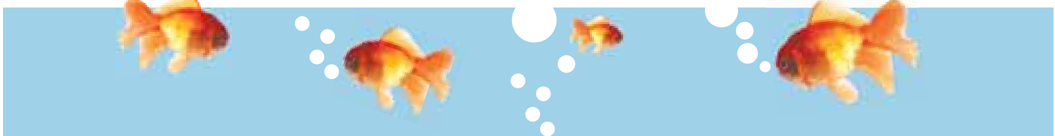
یا در مسمط دیگری می‌گوید:

آمـد نـوروز هـم از بامـداد
آمدنـش فـرخ و فرخنـده بـاد
بـاز جهـان خـرم و خـوب ایسـتاد
مـرز زمسـتان و بهـاران بـزاد

ابوالفرج رونی شاعر لاهوری هم گفته است:

جشـن فرخنـده فروردیـن اسـت
روز بـازار گل و نسـرین اسـت
آب چـون آتـش عوداف‌روز اسـت
باد چـون خاک عبیرآگین اسـت

دو غزل‌سـرای بزرگ شعر فارسی که آنان را خدایان سخن بایـد نامید یعنی سـعدی و حافـظ هم از وصف نـوروز غافل نمانده‌اند. به عقیده سعدی هرکس که نوروز و زیبایی‌های بهار را







فهم نکند هیزم خشک است.

آدمی نیست که عاشق نشود وقت بهار
هر گیاهی که به نوروز نجنبد حطب است

او که سفرهای بسیار کرده و بی گمان بهار و نوروز را در جای‌های مختلف دیده، در نهایت نتیجه می گیرد که:

خوشا تفرج نوروز خاصه در شیراز
که برکند دل مرد مسافر از وطنش

سعدی با بهار طبیعت مأنوس است و از شکوفایی طبیعت به وجد می‌آید و چنان شور و حالی از خود نشان می‌دهد که شبیه آن را در شاعر دیگری نمی‌بینیم:

برخیز که می‌رود زمستان
بگشای در سرای بستان
نارنج و بنفشه بر طبق نه
منقل بگذار در شبستان
برخیز که باد صبح نوروز
در باغچه می‌کند گل افشان
خاموشی بلبلان مشتاق
در موسم گل ندارد امکان
بوی گل بامداد نوروز
وآواز خوش هزاردستان

ولی این احساس را نسبت به بهار و نوروز تا بدین حد در حافظ نمی‌بینیم. زیرا او به طور کلی سرزندگی و عطوفت‌زدگی سعدی را ندارد، نگاه او عمیق‌تر از سعدی است. حتی نوروز را هم مثل خیام اندیشمندانه می‌نگرد:

ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی
از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی
چو گل گر خرده‌ای داری، خدا را صرف عشرت کن
که قارون را غلط‌ها داد سودای زراندوزی
ز جام گل دگر بلبل چنان مست می لعل است
که زد بر چرخ فیروزه صفیر تخت فیروزی
به صحرا رو که از دامن غبار غم بیفشانی
به گلزار آی کز بلبل غزل گفتن بیاموزی

*** و آن بیت معروفش:**

سخن در پرده می‌گویم چو گل از غنچه بیرون آی
که بیش از پنج روزی نیست حکم میر نوروزی

که چقدر رندانه و حافظانه قدرت‌های عاریتی را به سخره می‌گیرد.

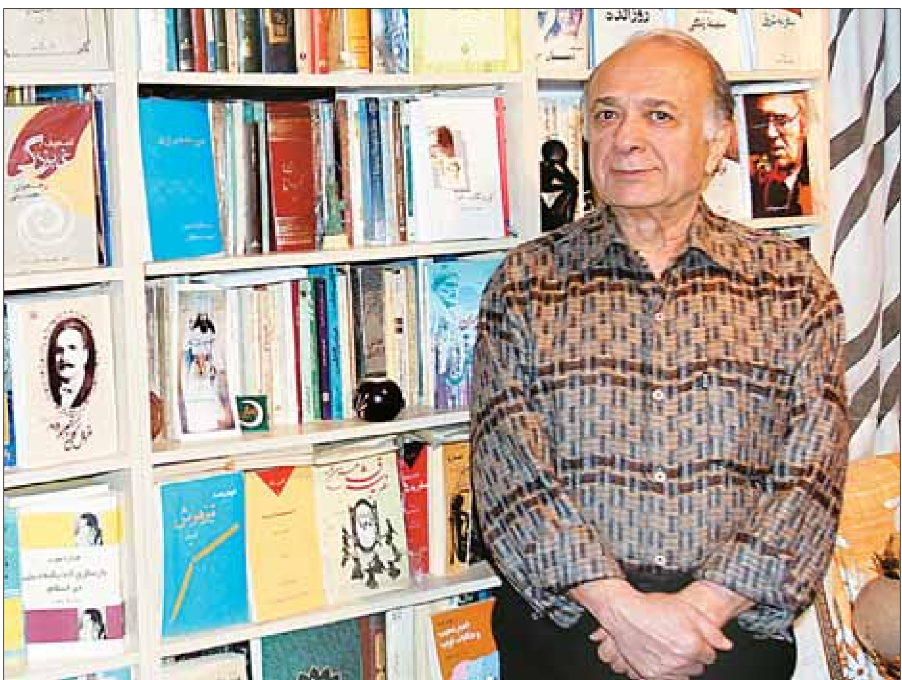
*بله در این جا حافظ ناپایداری و مستعجل بودن هر شوکت و دولتی را یادآور می‌شود. در آیین میر نوروزی، کنایت و اشارتی است برای همه آدمیان. همه صاحبان قدرت و حاکمان که بدانند هیچ شوکت و حکومتی در طول تاریخ برای همیشه نمانده، زیرا اگر می‌ماند نوبت به دیگران نمی‌رسید. آن‌که می‌ماند فقط وجود مطلق است. بقیه امور جهان مُحدَث. قدمی و فانی است. بنابراین هیاهوی مقطعی جماعتی آشفته‌حال و عاطفی که کودکانه فریاد برمی‌آورند و در پی این و آن روان می‌شوند را نباید رکنی رکین به شمار آورد.

میر نوروزی در واقع تجسم این بیت معروف خیام است که:

در طبع جهان اگر وفایی بودی
نوبت به تو خود نیامدی از دگران

***می‌دانم که در خصوص تأثیر بهار و نوروز در شعر فارسی تحقیقی فلسفی و متفاوت انجام داده‌اید که پرداختن به همه آنها در این گفتگوی محدود ممکن نیست، ولی اگر موافق باشید نگاهی هم بیندازیم به همین مضمون در شعر شاعران معاصر و نوپرداز**

*اگر معاصر را از زمان شادروان بهار در نظر بگیریم در دیوان او قصایدی در وصف نوروز و بهار است که از این میان قصیده سپیدرود او که در نوروز ۱۳۱۵ خورشیدی به هنگام سفر به مازندران سروده بسیار معروف است. این قصیده که خواننده را به یاد وصف فردوسی از مازندران می‌اندازد با این ابیات آغاز می‌شود:





هنگام فرودین که رساند ز ما درود
بر مرغزار دیلم و طرف سپیدرود
کز سبزه و بنفشه و گلهای رنگ رنگ
گویی بهشت آمده از آسمان فرود
دریا بنفش و مرز بنفش و هوا بنفش
جنگل کبود و کوه کبود و افق کبود
جای دگر بنفشه یکی دسته بدروند
وین جایگه بنفشه به خرمن تواندرود

دو سال بعد قصیده دیگری در وصف نوروز می‌سراید که آکنده از ظرافت‌های شاعرانه خاص بهار است و از آنجا که در آن سال جنگ جهانی دوم آغاز شده بود در پایان قصیده آموزه‌های انسانی مکتوم در نوروز را قیاس می‌کند با دژخویی جنگجویان. برخی از ابیات این قصیده چنین‌اند:

بهار آمد و رفت ماه سپند
نگارا درافکن بر آذر سپند
به نوروز هر هفت شد روی باغ
بدین روی هر هفت امشاسپند

(هر هفت شد، یعنی هفت قلم آرایش شد). بهار پس از اشاره به فرهنگ غنی آسیا تأسف می‌خورد که اروپای جنگ‌افروز از آن، درس معنوی نگرفت:

دریغا کز این دانش و پرورش
اروپا نیاموخت جز مکر و فند
ز گفتار خویش چه حاصل، چو بود
پسندیده قول و عمل ناپسند

* در اینجا می‌توان به خوبی نتیجه گرفت که شاعر آیینه‌دار زمان خویش است و حتی به هنگام نوروز هم تأثیر زمانه را نادیده نمی‌گیرد.

* ولی از منظر هویت ملی، یک نتیجه دیگر هم می‌شود گرفت و آن این است که ذهن ایرانی در هیچ شرایطی نوروز را فراموش نکرده است، حتی آن زمان که مهاجمان آمدند و کشتند و سوزاندند و بردند، نوروز که جلوه‌گاه فرهنگ و ارزش‌های ایرانی است بذر امید در دل‌ها کاشت و مردم این ملک را به همدلی برای آینده‌ای بهتر فراخواند. البته این پیام در شعر شاعران پارسی از قدیم‌ترین ایام گرفته تاکنون به تلویح و تصریح ابلاغ شده است. از این‌روست که نوروز عاملی بسیار مهم در تحکیم وحدت ملی و حفظ تمامیت ارضی ایران دانسته می‌شود، چندان که می‌توان گفت ایران بدون نوروز و نوروز بدون ایران معنایی ندارد. به هر حال این آئین کهن و پر رمز و راز ایرانی که جمشید آن را پی افکند پیوسته مورد ستایش شاعران و نویسندگان بوده، از میان شاعران نوپرداز شاملو نیز نوروز را به رغم آن‌که بر شعرش هاله‌ای از یأس سایه انداخته، ولی او نیز مثل سنایی و دیگر شاعران این جشن را عاملی برای پویایی، نوطلبی و شادی و فرخی می‌بیند و در شعری با عنوان «نوروز در زمستان» تأسف می خورد که:

سالی نوروز
بی‌چلچله، بی‌بنفشه می‌آید
بی‌جنبش سرد برگِ نارنج بر آب

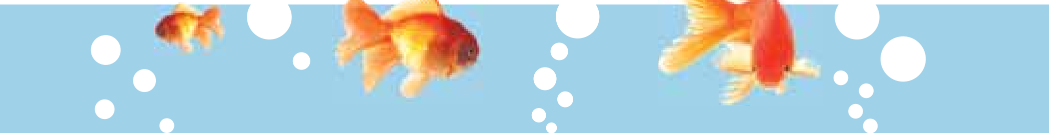
می‌بینید که او نیز مثل بهار نمادهای نوروزی از قبیل بنفشه را در شعرش به کار می‌گیرد که مانند سنبل بر سفره‌های نوروز جای می‌گیرد.

*** از شاعران که بگذریم نویسندگان بسیاری نیز در باب نوروز قلم‌فرسایی کرده‌اند که بی‌مناسبت نیست در اینجا برای تکمیل بحث از مهمترینشان یادی بشود.**

*گرچه بحث در خصوص شاعران ناتمام می‌ماند، ولی همان‌طور که گفتید آثار منثور نیز درباره این جشن فراوان پدید آمده که از مجموع آنها می‌توان دریافت که نوروز گاه سرخوش و خندان و گاه نالان و پریشان چهره نموده. ولی در هر حال ـ چنان که اشاره شد ـ به عنوان نیرویی امیدبخش در ژرفای قلب مردم این خاک به مدد قلمهای استواری که ارزش‌های آن را بیان داشتند، جای داشته است. ابوریحان می‌نویسد «ایرانیان این روز را روز امید نام داده‌اند.» برخی از معتبرترین مورخانی که از نوروز سخن گفته‌اند عبارتند از: ابوریحان بیرونی، ابن ندیم، ابوجعفر نرشخی، ثعالبی، جاحظ، ابن‌بلخی و خوارزمی. البته خیام هم که جای خود دارد. آثاری که درباره نوروز تا سال‌های اخیر نگاشته شده مأخوذ از اطلاعاتی است که در آثار نویسندگان یادشده آمده، از مجموع این نوشته می‌توان دریافت که این آئین به خلاف تاریخچه کوتاهش آکنده از نکته‌های زندگی‌ساز است که هرکس به قدر دانش و آگاهیِ خویش آنها را ادراک می‌کند. یکی از آنها که کمتر ـ و شاید اصلاً ـ به آن نمی‌اندیشم آفرینش انسان ایرانی در آغاز نوروز است که براساس استوره ایرانی براساس آنچه امروزه به آن تکامل گفته می‌شود به وجود می‌آید. به این ترتیب که وقتی کیومرث (جاندار میرا) از عالم مینو به زمین فرستاده می‌شود تا دین اخلاقی خود را به عنوان نماینده اهورامزدا بر زمین به وی ادا کند و یاور او باشد. اهریمن از وجودش آگاه می‌شود و ماده دیوی را مأمور می‌کند تا او را مسموم سازد. کیومرث در سی سالگی از جهان می‌رود و از کالبدش فلزات سودمند پدید می‌آیند. از جمله زر که در دل زمین قرار می‌گیرد. پس از چهل سال از تخمه زر (= جماد) دو ساقه ریواس به هم پیچیده (= گیاه) می‌روید که بعد به تدریج شکل حیوانی می‌گیرند و سرانجام تبدیل به مشیه (آدم) و مشیانه (حوا) می‌شوند. این همان فرایندی است که مولوی دوباره در مثنوی به آن اشاره می‌کند که تقریباً از بر دارند.

منظورتان «از جمادی مردم و نامی شدم / وز نما مردم ز حیوان سر زدم» است؟

بله می‌بینید که این اندیشه اصلاً ایرانی است. در این خصوص به تفصیل در کتاب «سیر حکمت در ایران» توضیح داده‌ام که در اینجا فرصتش نیست، ولی آنچه در اینجا می‌توانم اضافه کرد این است که گره زدن دو گیاه در سیزده‌بدر به وسیله جوان‌های مجرد و باآرزویی که در دل می‌کنند که مبین تولید مثل است سر در همین استوره دارد. تمامی آئین‌های نوروزی دارای رمز و رازهایی هستند که باید آنها را گشود تا به حقیقتشان پی برد. نباید چشم‌بسته و از سر ناآگاهی آنها را نامنصفانه خرافه قلمداد کرد. بر فرض محال که خرافه باشند، خوشا خرافه‌ای که سبب وحدت ملی، حفظ تمامیت ارضی و مهرانگیزی در سرزمینی می‌شود که با هیچ نیرویی نمی‌توان به چنین دستاوردی رسید.





خوانشی متفاوت از غزل‌های حافظ

■ دکتر پرویز رجبی

فغان آرام!

«بلبلی برگ گلی خوشرنگ در منقار داشت
وندران برگ و نوا خوش ناله‌های زار داشت»

امروز هم تفاوت «داشتن» با «چگونه داشتن» مطرح است. اما به گمان من مطلع این غزل خالی از پیشینه‌ای در ذهن لبریز حافظ نیست.

نمی‌دانم اشاره به بلبل، که پرنده زیبایی نیست، به خاطر هم‌قافیه بودن با «گل» است یا به عمد. فرقی هم نمی‌کند. نقش بلبل مهم است. بلبل برای جلب نظر معشوق است که در فغان است، تا هم دل خودش را خالی کند وهم دل سنگ را نرم!

حافظ به قیاس نفس خود، سبب ناله را در عین وصل جویا می‌شود. معلوم می‌شود که او را جلوه معشوق به این کار گمارده است.

مگر می‌شود یک دم بی گل زیست؟ نشانی از گل، نه تنها کفایت نمی‌کند، بیشتر برمی‌انگیزد! به هوای نفس گل که عادت کردی، دیگر هیچ هوایی نیست که هم ممد حیات باشد و هم مفرح ذات. جمال معشوق هم کرامت است و هم کمال. با این همه ذات فروتن حافظ، غیبت معشوق را به دل نمی‌گیرد و با خود می‌گوید:

پادشاهی کامران بود، از گدایان عار داشت

ظرافتی است در این صفت «کامران» که فقط از حافظ برمی‌آید. معشوق بی‌نیاز از «کامروایی» است و ذات کامروا او را بس! بقیه هرچه هست سخاوت است. اما اگر او از درنگرفتن ناز و نیاز خود با حسن دوست در گله نیست، به خرمی آنان که بخت برخورداری از نازنینان را دارند غبطه می‌خورد.

بلبلی برگ گلی خوشرنگ در منقار داشت
وندران برگ و نوا خوش ناله‌های زار داشت
گفتمش در عین وصل این ناله و فریاد چیست؟
گفت مارا جلوه معشوق در این کار داشت
یار اگر ننشست با ما نیست جای اعتراض
پادشاهی کامران بود از گدایان عار داشت
درنمی‌گیرد نیاز و ناز ما با حسن دوست
خرم آن کز نازنینان بخت برخوردار داشت

و بعد برای نشان دادن عظمت جلوه یار، دست به دامن برهان خلف می‌شود:

خیز تا بر کلک آن نقاش، جان افشان کنیم
کاین همه نقش عجب در گردش پرگار داشت

و در فصل دوم غزل دوباره شرارت به تعبیر من وجیه حافظ گل می‌کند:

گر مرید راه عشقی فکر بد نامی مکن!
شیخ صنعان خرقه رهن خانه خمار داشت

پیداست که اگر عطار در منطق‌الطیر داستان شیخ صنعان را نمی‌آورد هم، خواجه هشیار برای در گرو گذاشتن خرقه خود بلاتکلیف نمی‌ماند.

چه خود او در این راه غریبه نبود. هدف او تنها، تنها نبودن در گروگذاری است و به میان آوردن شهادت عطار کبیر در چند و چون نقش جمال یار و نیاز مسلم به از دست دادن دامن خرقه.

وقت آن شیرین قلندر خوش که در اطوار سیر
ذکر تسبیح ملک در حلقه زنار داشت

این بیت به سبک هندی سروده نشده است، بلکه بار سنگین ذخیره واژگان حافظ را بر دوش می‌کشد. می‌خواهی هندیش بخوان. دستت که پر است! حافظ در پیوند با سبک هندی کم سابقه نیست. خال هندو هم سندش!

بیت آخر ساختمانی دیگر در اختیار غزل می‌گذارد. باز هم شرارت در استفاده از برهان خلف حضوری پرغوغا دارد:

چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری‌سرشت
شیوه جنات تجری تحتها الانهار داشت!

حافظ و اگزیستانسیالیسم ایرانی!

«صلاح کار کجا و من خراب کجا
ببین که تفاوت ره کز کجاست تا بکجا»

یادآوری: از روزی که درباره حافظ می‌نویسم، دوستان خوبی راه‌های سودمندی را پیش رویم گذاشته‌اند. از همه این دوستان سپاسگزارم. یکی از ایرادهایی که این دوستان می‌گیرند، متفاوت بودن غزل‌های در دسترس من از غزل‌هایی است که آن‌ها در اختیار دارند. من از نخست این مشکل را می‌شناختم. پیداست که هرکس دیوانی از مصحح برگزیده خود را اصل می‌پندارد و یا به اصل نزدیک‌تر می‌داند. بنابراین از نخست معلوم بود که داستان گزینش بی‌مشکل نخواهد بود. پس برآن شدم تا علی‌الحساب از نسخه قزوینی ـ غنی استفاده کنم. هم به خاطر پیشکسوتی این دو و هم به این خاطر که این نسخه در دهه چهل کتاب درسیم نزد استادم پروفسور والتر هینتس بود. البته در آن هنگام تنوع نسخه بسیار اندک بود.

پیشنهادها را بر روی چشمم می‌گذارم، اما اجازه می‌خواهم در فصل نخست این کار همچنان با قزوینی ـ غنی بمانم. اگر فرصتی باقی بود حتماً برای ویرایش نهایی، منت همین دوستان را خواهم کشید و به کمک آن‌ها از کاستی‌ها خواهم کاست. صادقانه بگویم، اگر پشت گرم یاری‌های دوستانم نمی‌بودم، هرگز شهامت انجام این کار را نمی‌داشتم. زیرا بیم می‌داشتم از تاریکی میدان دیدم و موج‌ها و گرداب‌های حایل.

هنگامی ژان پل سارتر در نیمه قرن بیستم اگزیستانسیالیسم را مطرح کرد و پیشرو فرانسوی این مکتب شد، بی‌گمان با ساختمان فکری حافظ آشنایی ژرفی نداشت. من اگر شعور چنین کاری را می‌داشتم، در آغاز کار خود یادآوری می‌کردم که همه ایرانیان، فارغ از تظاهراتی که درباره جهانبینی خود در مقوله‌های اجتماعی دارند، دست کم در درون خود به گونه‌ای اگزیستانسیالیست هستند!

همین است که ما هیچ‌گاه به انجمن و حزب با دوامی دست نمی‌یابیم. همین است که انجمن‌ها و حزب‌های ما در عمر کوتاه خود همواره دستخوش انشعاب می‌شوند. همین است که ما در شطرنج، شمشیربازی و دیگر رویارویی‌های انفرادی موفق‌تر هستیم. البته پیداست که نقش دیگر عوامل تاثیرگذار مقوله‌ای جداگانه است.

اما حافظ یک اگزیستانسیالیست تمام‌عیار است. ـ فارغ از هر بینشی که ما به سلیقه خود، مانند همین کاری که من‌الساعه می‌کنم، برای او برمی‌گزینیم! اگزیستانسیالیسم مکتبی است که برای انسان «آزاد» این حق را قائل است که معمار حضور خود باشد. ـ خواه در یافتن خود و خواه در گم‌کردن خود.

حافظ بشری است که به گونه‌ای تمام‌عیار معمار حضور خود بوده است. او هم حکیم است و هم عابد، زاهد، عارف و هم پیر برنا. و او هم مراد است و هم مرید و همواره خود خود را در سرمنزل مقصود یافته است. البته با عنایت به دستاوردهای همه پیشینیان و معاصران مورد قبول خود. او حتی در شعر هیچ‌یک از بزرگان پیش از خود را نچشیده و بارنگرفته رها نکرده است. و کمتر شاعر صاحب مکتبی را می‌یابی که نقشی در دل و درون او نیانداخته باشد. اما همواره برای یافتن خود. حافظ در هرگام و منزل، با همه سودی که از دیگران می‌برد، اعلام خودمختاری کرده است و با ملاحت بی‌مانندی زیر بار هیچ آموزگاری نرفته است. او در ساختمان بینش منحصر به فرد خود دیاری را بنده نیست. اگر اظهار عجزی می‌کند، در برابر دستاوردهای خود است. سرانجام این که او در انتظار معجزه نیست، خود اعجاز می‌کند. و او از درک موقعیت عاجز نیست:

صلاح کار کجا و من خراب کجا
ببین تفاوت ره کز کجا تا به کجا!

او تفاوت را در راهی که در درون خود دارد می‌داند و بی‌درنگ در پی چاره می‌افتد. اما او هوای پاک را برای تنفس، خود می‌آفریند. با پرهیز از چاپلوسی و دوری‌جستن از ریا و افشای ریاکاران که برای ناشناس ماندن دست به تلبیس می‌زنند:

دلم ز صومعه بگرفت و خرقه سالوس
کجاست دیر مغان و شراب ناب کجا؟

او دیر مغان و شراب ناب دلخواه خود را در درون خود دارد، اما قدرت آن را دارد که پای دیر مغان و شراب ناب دلخواه خود را به بیرون از خود بکشاند و نغمه رباب را در دیر بشنود. او حتماً ساز هم می‌نواخته است. تسلط او بر اصطلاحات عرصه موسیقی چنین نشان می‌دهند:

چه نسبت است به رندی صلاح و تقوی را
سماع وعظ کجا، نغمه رباب کجا؟

حافظ اگزیستانسیالیست است و خود تصمیم می‌گیرد، که نغمه بی‌ریا و تزویر رباب را برگزیند. زیرا از ریاکاران که او آن‌ها را «دشمنان» می‌خواند انتظار درک ندارد. آن‌ها در حوزه ملک خودمختار او جایی ندارند:

ز روی دوست دل دشمنان چه دریابد؟
چراغ مرده کجا، شمع آفتاب کجا؟

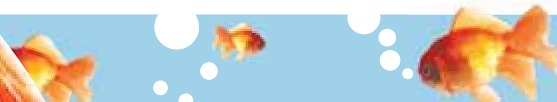
حافظ برای عیاشی به خرابات نمی‌رود، می‌رود تا با نغمه رباب نقش عیش دراندازد! مگر عیش نکوهیده است، اگر ریا نباشد؟ حافظ خرابات را از درون خود به بیرون می‌برد، تا مگر رستگاری را همگانی بکند!...

در فصل دوم غزل، حافظ دوباره برمی‌گردد به زندگی. با تصمیمی اگزیستانسیالیستی:

خمبین به سیب زنخدان که چاه در راه است
کجا همی روی ای دل بدین شتاب کجا!
چو کحل بینش ما خاک آستان شماست
کجا رویم بفرما! ازین جناب کجا؟









او خاک آستان دوست را سرمه و مرحم چشم خود می‌داند و می‌پرسد، از این آستان (جناب) و خانه به کجا روی آورد؟ یعنی حاضر به ترک آستانی نیست که خاکش سرمه چشمش است! و بعد به خود هشدار می‌دهد که فریب سیب زنخدان را نبیند، چاهی را ببیند که در سیب زنخدان حضور دارد. شرارت وجیهی دیگر! برای تبیین هشیاری خود و استقلال حتی در زمان خواستن.

در عین حال به یاد خوش روزگار وصال می‌افتد و کرشمه و عتابی که چشیده است، و برای اثبات پایداری خود، خطاب به دوست (معبود) می‌گوید:

قرار و خواب ز حافظ طمع مدار ای دوست!
قرار چیست، صبوری کدام، خواب کجا؟

مقاله‌های حافظ!

«نه هرکه چهره برافروخت دلبری داند
نه هرکه آینه سازد سکندری داند»

نه، حافظ یک جاده است. ـ جاده‌ای که مانند یک رود راهش را می‌شناسد. ـ جاده‌ای که پیچ و خم هم دارد و جاده‌ای که گمان می‌کنی گاهی درختچه‌هایی در کنارهٔ بادگیرش دارد که بیابان به آن رخنه نکند. در این جاده پستی بلندی‌های مشکل آفرین حذف نشده‌اند، بلکه با مهارت تمام آراسته شده‌اند تا بالاخره در پس سر بمانند و در این جاده گاهی علائمی می‌بینی که از درکشان عاجز هستی و ناگزیری، با شناختی که از دیگر علائم این جاده داری، دست به گمانه‌زنی بزنی!

این جاده آکنده از ایهام است. در این میان شگفت انگیز است که اگر سرگردان می‌شوی، از جاده بیرون نمی‌افتی و سرانجام در چشم‌اندازی نو خود حافظ به دادت می‌رسد.



فکر می‌کنم که در میان غزلیات حافظ به ندرت می‌توان غزلی یافت که حافظ آن را پس از پشت‌سرنهادن بحرانی نسروده باشد. حتی احساس می‌کنی که غزلی در طول بحران در درون او جوشیده است. حافظ راه خروج از بحران را می‌یابد و این راه را در اختیار دیگران می‌گذارد. اما چنین نیست که دیوان او را مانند قابوس‌نامه و گلستان اندرزنامه بخوانیم. اندرزنامه‌نویسی کار یک اگزیستانسیالیست نیست!

حافظ مشکل خود را با صدایی بلند حل می‌کند. تو هم می‌شنوی و می‌توانی از آن پند گیری یا ملال! این بار مشکل او عاشقانه نیست. مشکلی است در پیوند با جامعه‌ای که حافظ در آن زندگی می‌کند.

در این‌جا با یکی از زیباترین غزل‌های جامعه‌شناسانه حافظ روبه‌رو هستیم. ـ غزلی که می‌توان به تنهایی رساله‌ای کاملش خواند. از این‌که برخی از مصرع‌های این غزل استوار با گذشت زمان به صورت ضرب‌المثل درآمده‌اند، پیداست که این غزل جانشین بسیاری از ناگفته‌های مردم شده است:

نه هرکه چهره برافروخت دلبری داند
نه هرکه آینه سازد سکندری داند
نه هرکه طرف کله کج نهاد و تند نشست
کلاهداری و آیین سروری داند

شعر فارسی این استعداد را دارد که مقاله‌ای را در در یک بیت بگنجاند و حافظ متخصص تألیف چنین مقاله‌هایی است. هر مصرعی از چهار بیت بالا عصاره مقاله‌ای بلند بالا است. پیداست که در این جا لبه تیز تیغ حافظ متوجه شهریاران و امیران زورگو است، اما او با مهارتی بی‌مانند دلبران را شریک‌جرم زورگویان کرده است، تا از زهر تیغ بکاهد. در این دو بیت استادی حافظ در گزیدن واژه از میان گنجینه کوچک واژگان خود به گونه‌ای است که فقط می‌توان حیرت کرد.

این «چهار مقاله» سراغ فصلی مکرر از تاریخ اجتماعی ایران رفته است و تقریبا شهریار و امیری نداریم که خود را مخاطب حافظ نبیند. من در سراسر تاریخ ایران هرگز با چنین نبردی روبه‌رو نشده‌ام. حافظ در این‌جا هم سپهسالار است و هم سپاه. او نبرد را آغاز می‌کند و خود از سراپرده سپهسالاری به تماشای نبرد واژه‌ها می‌پردازد. واژه‌ها قلب و مغز دشمن را هدف خود قرار می‌دهند. دشمن تنها می‌تواند به عادت دیرین شهریاران شکست خود را انکار کند.

آیینه و آیینه سکندر و چهره‌برافروختن و تندنشستن و



کج‌نهادن کلاه داستان‌هایی هستند که هرگز در تاریخ ایران، تا به روزگار ما میدان را خالی نکرده‌اند. اما ظاهرا برای نخستین بار است که با این صراحت و شیوایی به آن‌ها اشاره شده است. حافظ آن‌ها را به ثبت تاریخی رسانده است! این داستان آیینه سکندر (جام جم خودمان) و آیینه‌سازی اسکندر از آهن، که نظامی در «شرفنامه» به آن اشاره دارد، گفتاری طولانی می‌خواهد، اما مگر حافظ نگفته است:

هرسخن وقتی و هرنکته مکانی دارد!

اما حاصل این‌که نه زیبایی و دلبری حجت را برای عشق تمام می‌کند و نه پیشه‌وری آیینه‌ساز می‌تواند آیینه سکندر سازد. برای رسیدن به عشق و دست‌یافتن به آیینه سکندر استعدادی لازم است که راه حادث‌شدن و شکل گرفتن را نورانی می‌کند. عشق از بیرون حادث می‌شود و آیینه سکندر در درون شکل می‌گیرد. و برای هریک شرایطی لازم...

سپس حافظ در بیت سوم با لطافتی که از صفات اوست، به مخاطب خود می‌گوبد: تو نیستی منظورمن و یا می‌توانی نباشی:

تو بندگی چو گدایان به شرط مزد مکن
که دوست خود روش بنده‌پروری داند!

بیت بعد را هم می‌توان بسیار ساده دید و هم می‌توان در پی شاهدی بود برای پیچیده کردن آن. معمولا مفسران شاهد را در شعر پیشینیان حافظ می‌جویند. اما من شعر حافظ را با این‌که او علنا از تک‌تک پیشینیان خود سود جسته است، مستقل از پیشینیان می‌دانم. فراموش نکنیم که حافظ قدرت هضم غریبی دارد. هیچ واژه‌ای پیش از دگرگون شدن وارد گنجیه واژگان حافظ نمی‌شود. آرمانشهر واژگان حافظ به واژه‌های ویژه خود نیاز دارد. او اگزیستانسیالیست است و نمی‌تواند، در حال یافتن خود، دستخوش بادهایی باشد که از این سوی و آن سوی می‌وزند.

غلام همت آن رند عافیت‌سوزم
که در گداصفتی کیمیاگری داند

عافیت سوز باید کسی باشد که نزد حافظ سابقه دارد و حافظ شیفته استغنای او در کمال است و پاک‌باخته همتش و او را کیمیاگر سنجش می‌داند.

شگفت‌انگیز است، با این که کیمیاگری هرگز پاسخ نداده است، جایگاهش را در عرصه دانایی و شعور از دست نداده است و مقامی آرمانی یافته است.

سپس خواجه به سادگی و کوتاهی درمان ستمگری را که همگان با آن آشنا هستند وفای به عهد می‌داند که نخست باید اصول آن آموخته شود. پیداست که وفای به عهد «سلیقه‌ای» نیست، بلکه قانونمند است.

در فصل دوم غزل، نگاه حافظ متوجه خودش می‌شود. شاید از سر بزرگواری و برای این‌که تلخی برداشت او جانشین کلام شیرینش نشود:

بباختم دل دیوانه و ندانستم
که آدمی بچه‌ای شیوه پری داند
هزار نکته باریک‌تر زمو این‌جاست
نه هر که سر بتراشد قلندری داند

مدار نقطه بینش ز خال تست مرا
که قدر گوهر یکدانه جوهری داند
به قد و چهره، هر آن‌کس که شاه خوبان شد
جهان بگیرد اگر دادگستری داند
ز شعر دلکش حافظ کسی بود آگاه
که لطف طبع و سخن گفتن دری داند

پیش از باختن دل باید بدانیم که آدمیزاد هم شیوه پریان را می‌داند. نپنداریم که هرکس که به شیوه قلندران، برای گمراه کردن مخاطب خود، موی سرش را می‌تراشد، آیین قلندری می‌داند. بلکه باید هزار نکته باریک‌تر از مو را هم در نظر بگیریم. حافظ می‌گوید: اگر می‌بینی که چرخش و گردش گوی چشم من هماهنگ با خال تست، از این است که قدر گوهر گوهری داند و هزار نکته باریک‌تر از مو رعایت شده است!

با این بیت حافظ نشان می‌دهد که حتی به هنگام نگاه به جامعه و گرفتاری‌هایش، نمی‌تواند از مجرای عشق عبور نکند! اما بعد بی‌درنگ دادگستری را شرط داشتن عنوان شاه خوبان می‌داند، برای کسانی که کارشان به خاطر سیما و بالای بلندشان رونق بازار گرفته است.

همچنان‌که کسی شعر دلکش او را درک می‌کند، باز بان دری و لطافت طبعش آشنا باشد! در این‌جاست که باید صدباره از نقش زبان و قند پارسی در حیرت بود. هنگامی که امروز مردی ساده ظرافت زبان لطیف حافظ را پس از سپری‌شدن شش سده و اندی می‌فهمد، به حسی که تک‌تک واژه‌ها را در خود پیچیده است نزدیک می‌شود. از کنار این «نزدیکی» نمی‌توان به سادگی گذشت: زبان فارسی توان آن را دارد که احساسات بشری از ژرفای سده‌ها را به ما منتقل کند. یکی از ریشه‌های تعیین‌کننده اعتبار ادب شفاهی را باید در همین پویایی زبان فارس جست. ـ زبان فارسی با مهارتی قریب به «هزار نکته باریک‌تر ز موی» توان ماندگاری می‌بخشد و حافظ بیش از هر استادی موفق به کشف این قدرت حیرت‌انگیز شده است.

شاید بتوان با احتیاط از این باور بود که ادب شفاهی بیشتر از دیوان حافظ سبب ماندگاری او در قلب ایرانیان شده است. مانند شاهنامه‌ای که نقالان در سینه دارند.

فکر نمی‌کنم که همین امشب بمیرم!

«شنیده‌ام سخنی خوش که پیر کنعان گفت
فراق یار نه آن می‌کند که بتوان گفت»

...

چند بار دیگر هم گفته‌ام که حافظ هم در راستای زندگی خود، هماهنگ با سن و چگونگی روزگار خود، دگرگونی‌هایی در رفتار و بینش و اندیشه خود داشته است. بنابراین نمی‌توان به وجود ناهمگونی غزل‌ها با یکدیگر بر او خرده گرفت. در این میان تعیین جای غزل‌ها از نطر ردیف سرایش بسیار دشوار است. حافظ بی آن‌که شخصیتی متلون داشته باشد، جا به جا پیداست که بارها تحولی درونی را تجربه کرده است. و همین هنجار سبب شده است که پژوهندگان در تصمیم‌گیری درباره جهان‌بینی و مسلک او دچار سرگردانی شوند.

شگفت‌انگیز است که در همه احوال، گنجینه واژگان او بسیار «جمع و جور» و محدود و کوچک مانده است. من بر این باورم که او هماهنگ با دگرگونی‌های درونی خود، به واژه‌های گنجینه خود نیز نگاهی دیگر انداخته است. درهر حال ما همیشه با در فهم این گنجینه نگرانی‌هایی خواهیم داشت. برای نمونه از درک «پیرمغان» و «خرابات» عاجز خواهیم بود و یا جایگاه نگاه‌های متفاوت حافظ را به‌درستی نخواهیم یافت. به ویژه این‌که برخی از حافظ پژوهان با حجت‌دانستن برداشت خود، به مرور بر دشواری کار افزوده‌اند!

عارف‌پنداران حافظ چنان در درست بودن برداشت‌های خود پافشاری کرده‌اند که این برداشت‌ها، هنوز ثابت نشده، جاافتاده‌اند. به گونه‌ای که حتی گاهی بیم‌داری که بگویی که ممکن است که خواجه عارف نبوده باشد. یا دست کم بگویی که تفاوتی فاحش میان عرفان خواجه و دیگر عارفان نامدار موجود دارد! در این میان نقش مفسران اصطلاحات صوفیه نیز کم نیست. اینان چون گمان می‌کنند که کارت سفید یا سبز دارند، به دلخواه برای واژه‌ها معنایی خاص می‌تراشند و چون سخن تصوف و عرفان در میان است، جرأت نداری نطق بکشی!..





دو روز پیش دوست ادیب و عارف‌مسلکی به من ایراد داشت که چرا در حالی که خودم را حافظ پژوه نمی‌دانم، برداشت‌های خودم را درباره حافظ روی کاغذ می‌آورم! در گفت و گویی که با این دوست داشتم، اگر اشتباه نکرده باشم، چنین دستگیرم شد که گویا تنها حافظ پژوهان هستند که حقیقت غزل‌های حافظ را درک می‌کنند!

من بر این باورم که اگر این نظر درباره همه غزل‌های حافظ درست باشد، آوازه حافظ بسیار بی‌معنی خواهد بود. بدتر این که تقریبا همه حافظ پژوهان بر آنند که دیوان حافظ پس از قرآن مجید محبوب‌ترین کتاب خانواده‌های ایرانی است! اگر چنین است، که هست، پس شیفتگان عامی و بی‌شمار حافظ، بدون حافظ پژوهان چگونه به حافظ دل بسته‌اند و دیوان او را پس از قرآن عزیز می‌دارند؟.. فراموش نکنیم که بیش از چنددهه از صنعت چاپ، نشر در ایران نمی‌گذرد.

در هر حال، من فقط با در میان گذاشتن دغدغه‌های خودم، با همت خواستن از خواجه، به کارم برابر با برنامه‌ام ادامه می‌دهم:

حافظ در غزل حاضر، این نظر «پیر کنعان» را تأیید می‌کند، که «فراق یار» در وصف نمی‌گنجد. در این جا مهم همین نگاه به «فراق» است و اگر کسی حافظ پژوه نباشد، همین نگاه او را بس است! همچنان که برای مردم ساده همین بس است که «اندیشه نیک و کردار نیک و گفتار نیک» پسندیده است و یا «زگهواره تا گور دانش بجوی»! اما پیداست که اگر همین مردم ساده بدانند که «شعار» نخست دکترین آیین زرتشت است و «شعار بعدی» از سخنان پیامبر اسلام، که فردوسی آن را در مصرعی آورده است، بسیار بهتر است.

پس من شاید نخستین خواننده ساده دیوان حافظ هستم که برداشت‌های خودم را بر روی کاغذ می‌آورم، تا صدایی از «ما» نیز درآید، در کنار «حافظ پژوهان». شاید نظر ما نیز آن‌ها را به کار آید و بر خلاف ما صدایشان درنیاید!

شنیده‌ام سخنی خوش که پیر کنعان گفت
فراق یار نه آن می‌کند که بتوان گفت

سپس حافظ پس از تعریف نقش فراق یار در زندگی آدمی، با اشاره‌ای به تعبیر من «شورانه»، به کمک صنعت یا هنر تداعی آفرینی، با یک تیر دو نشان را می‌زند: اعتبار «واعظ» را و ژرفای اندوه «هجران» را.

حدیث حول قیامت که گفت واعظ شهر
کنایتی‌است‌که‌از‌روزگار‌هجران‌گفت

بعد حافظ اندوه خود را چنین می‌تکاند که کسی نشان درستی از یار سفرکرده ندارد و پیک سوار باد صبا نیز جز ایماء و اشاره پریشان چیزی برای گفتن نداشته است:

نشان یار سفرکرده از که پرسم راست؟
که‌هرچه‌گفت‌برید‌صبا‌پریشان‌گفت

این یار «سفرکرده» را هم لازم نیست که همه جهانیان پس از بیش از ششصد سال بشناسند! برای ما هم «یار» آشناست و هم دشواری «سفر یار». اما من «صحبت یاران» را به صورت مفرد برداشت می‌کنم. چنین است که امروز نیز غزل حافظ بر دل می‌نشیند. و کسانی نیز که حافظ پژوه نیستند با آن زندگی می‌کنند:

فغان که آن مه نامهربان دشمن دوست
به‌ترک‌صحبت‌یاران‌خود‌چه‌آسان‌گفت

سپس حافظ، با اشاره به موقعیت رقیب، به درد دوری از یار خومی گیرد و از درمان آن چشم می‌پوشد. امروز هم در روزگار ما اصطلاح «درد بی درمان» بر زبان‌ها جاری است. و امروز هم با فغان. فقط گاهی احساس می‌کنی که دردهای بی‌درمان دیگری جای درد بی‌درمان عشق یا مقصود را گرفته‌اند:

من و مقام رضا بعد از این و شکر رقیب
که‌دل‌به‌درد‌تو‌خو‌کرد‌و‌ترک‌درمان‌گفت

اکنون نوبت می‌رسد به بی‌وفایی باد صبا با سلیمان و ناباوری حافظ به گزارش‌های کم‌پایه این باد:

گره به باد مزن گرچه بر مراد وزد
که‌این‌سخن‌به‌مثل‌باد‌با‌سلیمان‌گفت

در فصل دوم غزل حافظ حرف آخر خود را می‌زند. او هم مانند ما حرف‌های آخر مکرری دارد. حق هم چنین است. هستی را هر روز آغاز دیگری است و حرف آخری دیگر! و در روزگار او هم در چرخه معیوب هستی، فرصت استفاده از همه ظرفیت‌ها و استعدادهای هستی محدود بوده است و پرسش‌برانگیز. و حافظ می‌گوید، هرگز این عجوزه را هوای به کنار نهادن نیرنگ نبوده است و نخواهد بود. اما پیدا نیست که چرا برای «عجوزه» و «نیرنگ» نام‌هایی چون «زال» و «دستان» را برگزیده است. برای این ایهام تنها موی سپید زال کفایت نمی‌کند. در عوض شراب کهنه مسکن درد کهنه است:

به مهلتی که سپهرت دهد زراه مرو
تراکه‌گفت‌که‌این‌زال‌ترک‌دستان‌گفت؟

غم کهن به می سالخورده دفع کنید!
که‌تخم‌خوشدلی‌این‌است‌و‌پیر‌دهقان‌گفت

چنین به نظر می‌رسد که «درمان کردن» متفاوت از «دفع کردن» است. وگرنه حافظ به این زودی فراموش نمی‌کرده است که کمی بالاتر از «ترک درمان» گفته بوده است! لابد که «دفع کردن» اصطلاحی بوده است برای درپی مسکن بودن! یعنی در نظر حافظ می مسکن بوده است و نه درمانگر!

بیت بعدی کمی سرگردانم می‌کند. چون نه با «مسکن» سازگار است و نه با درمان! مگر این که بپذیریم که پذیرفتن حرف جانان آدمی را بی‌نیاز از چانه‌زدن می‌کند و رستگار. و چون قبول نظر حافظ از سرگردانی بی‌نیازم می‌کند، پس تن به تسلیم می‌دهم! و گمان می‌کنم که همه شیفتگان حافظ همین راه را می‌سپرند، تا نیافتد مشکل‌ها!

مزن ز چون و چرا دم که بنده مقبل
قبول‌کرد‌به‌جان‌هرسخن‌که‌جانان‌گفت

و در مقطع غزل، حافظ حرف اول خود را به شیرینی در آخر می‌آورد. زیرا حرف اول و آخر هستی گویا توجه به «مقصود» است و بقیه بهانه:

که گفت حافظ از اندیشه تو آمد باز؟
من‌این‌نگفته‌ام‌،آن‌کس‌که‌گفت‌بهتان‌گفت

شکر که باز هم فرصتی خواهد بود که با حافظ باشم. فکر نمی‌کنم همین امشب بمیرم! تازه بر فرض که چنین باشد. حافظ یک‌بار حجت را تمام کرده است که ماندگار است و ما میلیون‌ها باز ثابت کرده‌ایم که رفتنی هستیم، اما بی‌جانشین نخواهیم ماند!

این سفر کرده کیست؟

«یارب سببی ساز که یارم به سلامت
باز آید و برهاند از بند ملامت»

من با این باور که در روزگار سعدی و حافظ «سفر»، به ویژه برای زنان، مانند امروز چیزی معمول نبوده است، هر گاه در غزلی از حافظ این اصطلاح را می‌بینم درمانده می‌شوم. ما که امروز هر یک به نحوی عزیزی سفرکرده داریم، اغلب با روبه‌روشدن با این لفظ «سفرکرده» بی‌اختیار به یاد «سفرکرده» خود می‌افتیم و با مهر و حال و هوایی دیگر از شعر لذت می‌بریم! یک بار دیگر ناگزیر از این اشاره هستم که سفر در گذشته ویژه سپاهیان بود و بازرگانان و یا راهیان زیارت.

بگذریم از سفر دانشمندان که برای کسب فیض از محضر استادی بار سفر می‌بستند که معمولاً سفری طولانی بود. البته گاهی نیز والیان و حاکمان و امیران دخترک کم سن و سال خود را پیشکش دربارهایی می‌کردند و تحویل



قافله‌اش می‌دادند که سفری بی‌بازگشت بود.

بنابراین نمی‌توانم به آسانی منظور حافظ را از «سفرکرده» درک کنم. در همین جا به این نکته نیز اشاره کنم که در غزل‌های حافظ اصطلاح‌هایی از این دست کم نیستند که ما در حال شیفتگی، بی تامل از کنارشان عبور می‌کنیم...

حافظ در بیت اول، داستان را چنین مطرح می‌کند که گویا یارش به سفری موقت رفته است. پس شاید بتوان به سفری کوتاه و نزدیک و ییلاق و قشلاقی در ملک خانوادگی فکر کرد... و جایگاه اجتماعی حافظ و طبقه معاشرانش... او هفت بار به «یار سفرکرده» اشاره می‌کند که هیچ بارش چیزی دستگیرمان نمی‌کند. «نشان یار سفرکرده از که پرسم باز»؟ یا «آن یار سفر کرده که صد قافله دل همره اوست»!..

گویا سفر یار حافظ را به رفتاری کشانده است که سبب «ملامت» دیگران را فراهم آورده است.

یارب سببی ساز که یارم به سلامت
باز آید و برهاندم از بند ملامت

بیت دوم نیز داستان را روان نمی‌کند. جز این که تصویر زیبای دیگری بر گنجینه نگارخانه حافظ بیافزاید.

خاک ره آن یار سفرکرده بیارید
تاچشم‌جهان‌بین‌کنمش‌جای‌اقامت

حافظ شش جهت پس، پیش، راست، چپ، بالا و پایین خود را بسته می‌بیند که در پشت هر راه بسته‌ای صفتی از یار جلوه می‌فروشد و فریاد او را می‌انگیزد. اما حافظ فاش نمی‌کند که چه کسانی این شش راه را بسته‌اند:

فریاد که از شش جهتم راه ببستند
آن‌خال‌و‌خط‌و‌زلف‌و‌رخ‌و‌عارض‌و‌قامت

او در فصل دوم غزل خود به گونه‌ای مستقیم یار را مخاطب قرار می‌دهد. آن هم با این اشاره که گویا نامه‌هایی نیز میان او و یار رد و بدل می‌شود! صحبت از «تقریر» است. ولی چگونه؟ ناآگاهی ما از روزگار حافظ به گونه‌ای است که گویی کوهی بی عبور در میان داریم و فقط آسمانی مشترک را می‌بینیم! آسمانی گاهی صاف و آبی و گاهی ابری و تیره. گاهی هم رعدی می‌پیچد در دل کوهستان!... و در کوچه‌های دل ما. «صدگونه تماشا» هم کارساز نیست. اما در این میان حکایتی غریب است که کسی اعتراف به فاصله‌اش با حافظ نمی‌کند و ذره‌ای از عمق دوستی کاسته نمی‌شود:

امروز که در دست توام مرحمتی کن
فرداکه‌شدم‌خاک‌چه‌سود‌اشک‌ندامت

ای آن که به تقریر و بیان دم‌زنی از عشق
ما با تو نداریم سخن خیر و سلامت

این بار حافظ، پس از طرح معما، بی‌درنگ وارد فصل دوم داستان می‌شود. یاران را «احبا» می‌خواند و با گله‌ای لطیف از «غرامت» سنگینی سخن به میان می‌آورد که تنها اشاره به بی‌تابش دارد:

درویش مکن ناله ز شمشیر احبا
کاین طایفه از کشته ستانند غرامت

در بیت بعدی، برای حافظ، به روال همیشه، خم ابروی ساقی که باید همان ابروی یار باشد، حرف اول را می‌زند و لابد که او را از به میان کشیدن خرقه زهد منظوری باشد، اما پاسخی نیافتم که چه منظوری باید در پیوند با یار «سفرکرده» باشد.

در خرقه زن آتش که خم ابروی ساقی
بر می‌شکند گوشه محراب امامت

سرانجام خواجه آرام می‌گیرد:

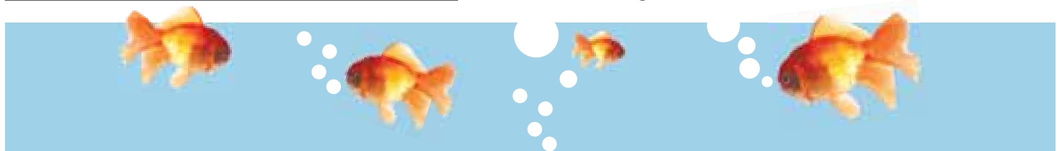
حاشا که من از جور و جفای تو بنالم
بیدادلطیفان‌همه‌لطف‌است‌و‌کرامت

و پای عشقی جاویدان را به میان می‌کشد:

کوته نکند بحث سر زلف تو حافظ
پیوسته‌شداین‌سلسله‌تاروز‌قیامت

باری دیگر باید اعتراف کنم که در میان گلزاری خوشبو قدم زدم و به صد گل سرزدم، اما موفق به چیدن هیچ گلی نشدم. کوتاهی از من نبود. سده هشتم هجری هم به تعبیر من از «سده‌های گمشده» است که در حال نوشتن آن هستم و تازه چهار جلد از آن را پشت سر دارم. من در این چهار جلد مدعی یافتن گمشده‌ای نشده‌ام، اما به نشانه‌های زیادی دست یافته‌ام!









خاطرات زیبایی از روز نو



■ سعید فائقی

امپراطوری ایران متشکل از قوم‌ها و زبان‌های مختلف بوده و چه زیبا فرهنگ فاخر نوروزی آنها را به هم گره زده و پایه وحدت کشور را فراهم نموده است.

نوروز، اقوام ایرانی را با لهجه‌های زیبا، با طنین دلپذیر، نرم و لطیف در کنار هم چیده و موسیقی‌وار، روح اقوام را تلطیف نموده است. آنگاه که کاناوال‌های عمو نوروزی بشارت نوروز را نوید می‌دهند، حس جاودانه‌ای بر تن و جان آدمی رخنه می‌کند و آن اینکه همه شادیم و همراه.

شاید ما تنها ملتی باشیم که عیدمان با شکوفایی طبیعت همراه است و توانسته‌ایم شکوفایی طبیعت را به شکوفه و جوانه زندگی تبدیل کنیم. سنت یاد را بر پا داریم. به یاد هم باشیم، عفو را سرلوحه کار خود قرار دهیم و «العافین عن الناس» باشیم که احسان کرده باشیم. سنت عفو زندانیان از نوروز به اعیاد دیگری تسری پیدا کرده.

در سال ۵۵ «علم» وزیر دربار از شاه تقاضا می‌کند که زندانیان سیاسی را به مناسبت پنجاهمین سال عفو نمایند و ایشان با عصبانیت پیشنهاد را رد می‌کنند. علم از اینکه خاطر مبارک را آزرده کرده اظهار ندامت می‌کند، اما گذر ایام ثابت کرد که عدول از سنت‌های نوروزی جدایی دولت و ملت را فراهم می‌کند. هیچ دقت کرده‌ایم که اوج تفاهم دولت و ملت در سال تحویل و در پیامهای نوروزی اتفاق می‌افتد و راهبرد اصلی و سیاست بنیادی برنامه سالانه در پیام نوروزی به ملت و جامعه تزریق می‌شود و وفاق ملی در اجرای راهبرد اساسی سالانه با نوروز همراه است و سنت دیرینه مفاهمه دولت و ملت در نوروز نهادینه گردیده و می‌گردد.

کدام ملتی از یک چنین غنای فرهنگی برخوردار است؟ هیچ فکر کرده‌ایم نوروز می‌تواند نو شدن مهندسی فرهنگی را سبب گردد! قبول داشته باشیم آیین‌های نوروزی با اقبال عمومی همراه است، پس می‌تواند در صورت همراهی دولت، مقبولیت دولت را فراهم نماید، آنگاه که دولتی بخواهد با آیین‌های نوروزی تقابل ایجاد نماید مقبولیت خود را زیر سوال برده است. از جمله شاهدیم که در مراسم آتش افروزی شب چهارشنبه سوری، بهانه‌ای دست معاندین داده که اگر هشیار باشیم و بتوانیم از این نماد در جهت وفاق ملی بهره برداری کنیم، میسر خواهد بود. شاید تقابل غیر عمد و در بعضی موارد دلسوزانه برای جلوگیری از آثار منفی مراسم، بهانه را برای معاندین تراشیده باشد، در صورتی که چون برگزاری مراسم فراگیر و همگانی است با خود دولت می‌توان آثار تخریبی آن را به حداقل رساند. زمان آن رسیده است که در جهت احیاء، حفظ و اشاعه آیین‌های نوروزی، مهندسی مجددی صورت پذیرد، خیرات و مبرات آن مورد توجه واقع شود. احسان مولا علی(ع) در بخشش مالیات نوروزی، تالیف قلوب ایرانیان را فراهم نمود که تا دنیا دنیاست، پیرو آن حضرتش هستند.

نوروز مهلتی است که بغض‌ها می‌ترکند، هوای دلپذیر نوروزی سایه‌های تردید را می‌زداید، دلهره و اضطراب روزمره را به شوق و شادی بدل می‌کند، سوگواریهایمان را به رباعی مبدل می‌کند، مهلتی است برای نو شدن و دوباره متولد شدن. دست در دست هم نهیم، نوروز ۹۲ را به نو شدن انسانیت انسانی خود بدل کنیم و از این مسیر، ایرانی نو بسازیم و امید که سال ۹۲ سال انتخاب ابر انسانیت باشد.

مرحوم پدرم چند روز مانده به عید، تعدادی کله قند مهیا می‌کردند و این حقیر موظف بودم شب عید مطابق دستور پدر، درب منازل عزیزانی که ایشان فرموده بودند ببرم. یکی از آن عزیزان، امام جمعه شهر بودند، دیگری رئیس اداره پست میانه که بازنشسته شده بودند، سومی عزیزی بود که مغازه شیشه بری داشتند اما همیشه در مغازه مشغول تدریس زبان عربی بودند. مرحوم حضرت آیت الله نیری که عموزاده پدر بودند و افضل و اشرف روحانیان میانه.

خاطرم هست که پدر این سنت حسنه را از پدرشان به ارث برده بودند و پدربزرگمان هم از مرحوم حضرت آیت ا... حجت کوه کمره‌ای که مدتی منشی ایشان بوده‌اند این سنت را یاد گرفته بودند. زیباترین معنی این امر را پدر از پدربزرگمان به نقل از حضرت آیت ا... حجت اینگونه بیان می‌کردند که ارزش کار در این نیست که هدیه حجم و مقدار داشته باشد، بلکه در این است که ولو کم، ولی استمرار داشته باشد که مهم یاد است.

یاد از یادگاران، یاد از ولی نعمتان، یاد از آنهایی که حق تربیتی و انسانی به گردنتان دارند که متاسفانه دو سال است در مورد عزیزی، در مورد بزرگی، در مورد ولی نعمتی اجرای این سنت از حقیر سلب شده.

یادم نمی‌رود عید سال ٦٣ در خصوص انجام این امر در مورد عزیز منظور نظر وقفه افتاده بود و به دلیلی که شرح خواهم داد نتوانسته بودم شب عید تکلیفم را ادا نمایم، وقتی با چند روز تاخیر بر درب منزلشان حاضر شدم، تا صدای مرا از آیفون شنیدند خطاب به همسرشان فرمودند که نه خانم، خدا را شکر فراموش نشده‌ایم و بعد خطاب به حقیر فرمودند که غیبتت را کردم که شما هم ما را فراموش کردید!!

به بزرگوار عرض کردم که یکسال هم در سال ۵۵ این اتفاق افتاد و آن اینکه در سال ۵۵ رژیم سرمست علاوه بر تغییر تقویم از ۱۳۰۰ به ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی و به مناسبت آغاز پنجاهمین سال شاهنشاهی، اجازه داده بودند منسوبین درجه یک زندانیان سیاسی و به قول آنها زندانیان ضدامنیتی، با زندانیان ملاقات حضوری داشته باشند و چون دو روز مانده به عید خبر شدیم، بلافاصله به تهران آمدیم. دیگر نتوانستیم این سنت را شب عیدی به جا بیاوریم. شوق دیدار فرزند بعد از دو سال آن هم حضوری پدر را چنان ذوق زده کرده بود که سنت فراموشش شد. چند روز بعد که خدمت مرحوم امام جمعه میانه رسیدیم آن گلایه که پدر فراموش کرده تکرار شد.

غرض اهمیت سنت‌های حسنه نوروزی است و باز اینکه در ملاقات حضوری برادر مرحومم لیستی به من دادند از زندانیها که کسی ندارند برای ملاقاتشان بیایند لذا در حد وسع برای آنها هم عیدی تدارک شود و برایشان تحویل زندانبان گردد که آنها هم بی‌نصیب نباشند.

شاید تصور شود که زندانیان سیاسی خیلی به رسم و رسومات عید پای بند نباشند اما در همان سال ما از نزدیک شاهد بودیم که هم سفره هفت سین شان به راه بود هم سبزه رویانده بودند و اما سال ٦٣ دو روز مانده به عید خبردار شدم که برادرم احمد در عملیات بدر مجروح گشته‌اند و به شیراز انتقال داده شده‌اند. به شیراز رفتم، بر مرحوم آقای عسگریان پدر یکی از همکارانم وارد شدم. پسرشان دانشجوی رشته پزشکی بود، توسط دکتر عسگریان دانشجوی امروز و دانشجوی آن روز به همه بیمارستان‌های شیراز سر زدیم و اسف انگیز بود که نه لیستی از مجروحین بود و نه کسی اطلاعی داشت. نا امید و سرگشته به آخرین بیمارستان سر زدیم. بیمارستان شهید فقیهی ما را به سالنی هدایت کرند که فکر می‌کنم سالن ورزشی بود و متجاوز از یکصد مجروح، کتابی کنار یک دیگر چیده شده بودند، چنین صحنه‌ای را فقط در فیلم‌های جنگ جهانی دوم مشاهده کرده بودم.

باورم نمی‌شد که حتی لیستی هم در سالن مذکور وجود نداشت و می‌بایستی یک یک عزیزان را که اکثرا با سر و صورت باند پیچی شده بودند، تنها از طریق صدا می‌توانستی گم شده ات را پیدا کنی. بر اساس ضرب‌المثل معروف «جوینده، یابنده است»، احمدمان که ما را دیده بود صدایمان کرد. هنوز به نزدش نرسیده بودم که خطاب به همرزمانش گفت نگران نباشید برادرم آمده و سور و سات شب عید را آماده خواهد کرد. معلوم بود در آن غربت و در آن حال حراجت به فکر برگزاری مراسم شب عید بودند.

فکر می‌کنم تحویل سال حدود ساعت ده شب بود، ما ساعت چهار یا پنج بعدازظهر آنجا بودیم و چند ساعتی به شب عید نمانده بود. اکثریت خواستار آب متبرک تحویل سال حضرت شاه چراغ بودند و مرحوم آقای عسگریان از خادمین شاه چراغ، آقازاده شان دکتر عسگریان رفتند که تدارک آب تحویل سال را انجام دهند و این حقیر هم برادرم را دیده ندیده به دنبال تدارک بساط هفت سین رفتم. شب به یاد ماندنی بود، درست در لحظه تحویل سال هواپیماهای دشمن حمله کردند. چراغها خاموش شد و زیبایی صحنه در کنار نور شمع‌های هفت سین میلیونها برابر، علی الخصوص که طنین یا مقلب القلوب مجروحین خسته تا عرش اعلی به آسمان می‌رفت.

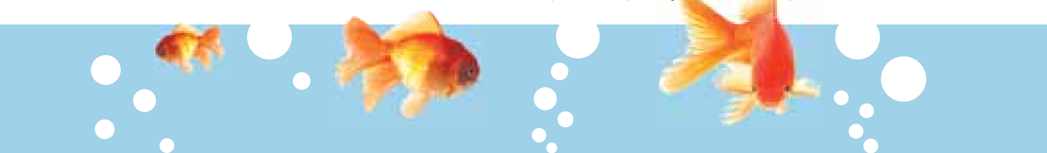
رزمندگانی که چند روز قبل صدای الله اکبرشان رعشه بر تن صدامیان انداخته بود، آن شب، یا محول الحول والاحوالشان، حول حالنایی را موجب شده بود که همه کادر بیمارستان و حتی مریضان عادی بیمارستان را به سالن سوله‌ای که مجروحین بودند کشانده بود. تحویل سال به آن زیبایی به یاد ندارم. آب متبرک حضرت شاه چراغ را قطره چکانی بر لبانشان می‌ریختند و هر کدام به دیگری تعارف می‌کردند. همانهایی که در جبهه برای شهادت از همدیگر گوی سبقت می‌ربودند اینجا به عکس در خوردن آب پا پس می‌کشیدند که آخرین نفر باشند. در مداوا هم همین بود، دکتر بر بالین هر کدام می‌رفت، او همرزمانش را اولی‌تر از خود می‌دید و از دکتر می‌خواست اول بر بالین او برود و به دلیل کمبود امکانات آنها که درصد مجروحیت کمتری داشتند، پرستاری چند همرزم خود را بر عهده گرفته بودند. خدایا کجا رفت آن فرهنگ؟ چه بر ما رفت و چه شد و چرا اینگونه شد؟ بیماران عادی آن روز هدایایشان را با جانبازان تقسیم کردند و جانبازان با رشادتشان، با شجاعتشان در نبرد حق علیه باطل و مهرشان و وفایشان در حفظ و حراست از نمادها و آیینها سنگ تمام گذاشتند و ما متأسفانه نتوانستیم پاسداران خوبی از آیین‌هایمان باشیم.

در سالهایی که افتخار خدمت در ورزش را داشتم بارها اتفاق افتاده بود که مسابقات بین‌المللی با ایام عید تلاقی داشت و قهرمانان ما ناچار بودند ایام عید را در اردو باشند. چه در داخل و چه در خارج از کشور. آنگاه که در داخل کشور بودند، پیشاپیش برای این امر تدارکات لازم انجام می‌گرفت اما آنگاه که در خارج کشور بودند، سرپرست تیم‌ها یکی از مهمترین اقداماتشان مهیای ابزار و لوازم مخصوص ایام بود و بارها شاهد بودم که قهرمانان ما صله ارحام را فراموش نمی‌کردند و پیشاپیش و قبل از فراقشان، آداب و رسوم را به جا می‌آوردند.

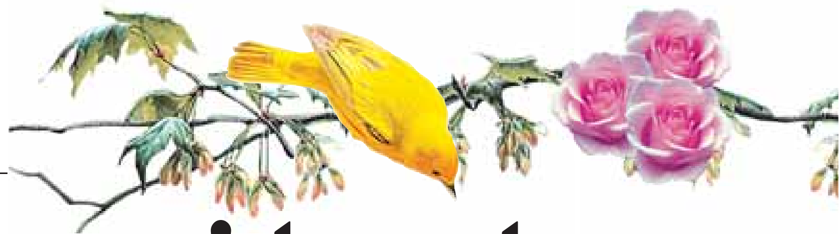
زیباترین کارها در پایان سال در پست، ساری و جاری است، آن سالها که وظیفه نامه‌رسانی مردم عزیزمان را داشتم تنها ارگانی که حتی در روز اول فروردین به خدمت مشغولند، نامه رسانانند که در این روزها پیام آوران شادی هستند و تمام تلاشان را مبذول می‌دارند که کارتهای تبریک را قبل از تحویل سال به دست گیرندگان برسانند.

دهه پایانی اسفند در پست بسیجی برپاست، کلیه امور شبانه‌روزی است. همه ایام شب تجزیه مرسولات صورت می‌پذیرد و تمام روز توزیع آن. بخش امانات پستی بسیار فعال است، خاطرات زیبایی را نامه رسانان در این ایام نقل می‌کنند. یکی از این خاطرات که مرحوم پدرم نقل می‌کردند و آن اینکه در یکی از سالها یکی دو ساعت قبل از تحویل سال حاج احمد آقای خادمی از طرف مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی به اداره پست مراجعه می‌کنند و از طرف ایشان به هر کدام از همکاران پستی، اسکناس ده ریالی هدیه می‌کنند و مراتب تشکر آن حضرت را به پستی‌ها اعلام می‌دارند و از اینکه در طی سال مرسوله‌های دفتر ایشان را بی‌کم و کاست به مقصد رسانده اند، تشکر می‌نمایند. در طی خدمتم در پست بسیار تلاش نمودم که بلکه یکی از آن اسکناس‌ها را پیدا کنم ولی متأسفانه مقدور و میسر نشد.

امیدوارم عزیزی آن را داشته باشد و به موزه پست اهدا کند تا یادگاری باشد از عنایت بزرگان ما در پاسداشت آیین نوروز.







باز هم بهار!

■ فریدون مجلسی

یک قصه بیش نیست غم عشق و این عجب
کز هر زبان که می‌شنوم نامکرر است!

در زندگی دو اتفاق تفکر انگیز پیوسته و دایره وار رخ می دهد! یعنی زایش و مرگ، که نه بر آمدنش اراده‌ای حاکم است و نه رفتنش، یا شاید بهتر باشد بگویم نرفتنش، را چاره‌ای چاره ساز! ورودی دارد و خروجی و پیوسته دور می زند! هر بار داستانی مکرر می سازد، که بیانش و تکرارش نا مکرر است! هر بار با رفتنی هشدارها می دهد که‌هان! نوبت تو نیز فرا خواهد رسید! و با هر زایشی امیدها بر می انگیزند که چه‌ها خواهد کرد و چه‌ها خواهد شد! قانونی است که کل نظام طبیعت نیز در هر سطحی به آن مشغول است. از هر تنابنده گرفته تا کل سیاره و کل منظومه و کل سحابی و کل جهان تابع این دایره‌اند، منتها شعاع دایره و سرعت گردش و نوع تغییرات و زمان هرکدام متناسب به ابعاد خودش است! بهره ما انسان‌ها نیز در همین حدی است که در آن توان ایفای نقشی داشته باشیم! اگر آغاز را برای ما نقشی و پایان را برای گریزی نیست، آنچه در این میان می ماند در اختیار ماست! تکرار نامکرر وصف بهار نیز از همین امید حکایت دارد!

دایره‌ای چرخ خودش را خورده است و به پایان رسانده است، اما پایان را پذیرا نیست! گردش و چرخش هست اما پایان ناپذیر. می گوید که این گردش همانا زندگی است! می گوید که حیات آور است و شکوفنده و شکوفا! بشر در هر زمان دو خصوصیت متناقض دارد، یکی نگاه به گذشته و امید و اعتقادی به توشه گذشتگان، که هرچه بود در آن بود، و دیگر نگاهی خود محورانه و بی‌اعتنا به گذشتگان که خودش را بهتر و برتر و آگاه‌تر از آن و از آنان می‌پندارد! که هرچه هست اکنون است! و این نیز تکراری از تکرارهاست. گاهی تصوری می کنیم که گذشتگان ما هنری متفاوت نشان داده و طبیعت را نگریسته و برای خودشان تقویمی عقلانی بر مبنای گردش هستی بخش زمین و پیدایش سال و ماه ابداع کرده و در پایان، سالی نو آغاز کرده و نوروزش دانسته و آن راپاس داشته و به شادی‌اش شادمان شده اند. و گاه می‌بینیم که گذشتگان در شمارش روزها و فصول به خطا رفته و آغاز را گم کرده‌اند! در گذشته‌ها بارها شاهد اصلاح تقویم بوده‌ایم! کسری سال‌ها را حساب کرده و با احتساب کبیسه بی حسابش کرده ایم. با این حال، برای اینکه بدانیم چگونه دیگران نیز همچون ما بر همین پایه آغاز کرده‌اند، به مشابهتی و تفاوتی میان تقویم رایج جهانی با تقویم اصلاح شده خودمان اشاره می کنم. در تقویم فرنگی که اکنون جهانی به حساب می آید، ماه‌ها با همین دگرگونی بهاری آغاز می شده و ماه یکم و دوم تا دوازدهم بوده است. نام برخی ماه‌ها را به افتخار بزرگانشان مانند یولیوس سزار به ماه یولی (ژوئیه =جولای) و یا به احترام آگوستوس نخستین امپراتور روم به ماه آگست (اوت) تبدیل کردند، اما هنوز ماه‌های سپتامبر و اکتبر و نوامبر و دسامبر با همان نشانه‌های شماره خورده باقی است. منتها وقتی در طول زمان متوجه عقب ماندن ماه‌ها از بهار آغازین شدند، در زبان‌های خودشان معنی شماره‌ها را عوضٍ کردند! سپتامبر شد ماه نهم (درحالی که سپت به معنی هفت و سپتامبر تقریباً معادل مهر یعنی ماه هفتم ماست) و اکتبر شد ماه دهم (در حالی که اُکت یا اُختا یعنی هشت و اکتُبر تقریباً معادل آبان یعنی ماه هشتم ماست) و نوامبر شد ماه یازدهم (در حالی که نُوا یعنی نُه و نوامبر تقریباً معادل آذر یعنی ماه نهم ماست) و دسامبر شد ماه دوازدهم (در حالی که تقریباً معادل دیماه یعنیِ ماه دهم ماست) که در واقع در طی زمان نسبت به تقویمِ اولیه، که قاعدتاً و به استناد همین اسامی در آغاز بهار بوده است، تدریجاً دو ماه و چندین روز عقب مانده است! گرچه آنان نیز با اصلاحاتی برای تثبیت تقویم خود اقدام کرده و کبیسه را منظور داشته اند، منتها با توجه به اینکه خودشان را با سنت‌های مسیحی تطبیق داده بودند، در واقع در تقویم اصلاح شده گریگوری، سال را با رعایت همین سنت‌ها، مانند کریسمس یا میلاد میسح تطبیق و تثبیت کرده‌اند.

و در همین باب نیز در فرقه‌های مختلف تفاوت‌هایی وجود دارد که گویی شب یلدا یا میلاد خودمان حد میانه و معدل سنت‌های آنان محسوب می‌شود!

باری بهار یاد آور آن است که در همه مراحل زندگی و جوامع خزان‌ها و زمستان‌ها نیز تکرار می‌شوند، اما باز به بهار می‌رسند! لابد خواجه حافظ عاشق و امیدوار نیز چنین احساسی از بهار داشته است که نوید می‌دهد:

گر بهار عمر باشد باز بر تخت چمن
چتر گل در سر کشی؛ ای مرغ خوشخوان، غم مخور
دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت
دایماً یک سان نباشد حال دوران غم مخور



بهار در وزیرستان

بهمن فروتن

جنگ را تنها تو از بهر بهم بد کردن مخلوق می‌خواهی
تا توانی از راه آن سود خود جویی
تو چرا بر لب نیاوردی (زبانم لال)
که کنون در زیر سنگی، گرسنه خفته ست طفلی



بهار وقتی می‌آید خفته‌گان بیدار می‌شوند، هوا عطر و رایحه دیگری به خود می‌گیرد و به جرأت می‌توان گفت همه چیز تغییر می‌کند. در کشور ما روز اول بهار، سال‌ها نو می‌شوند و عیدها، قد و قامت دیگری به این فصل می‌دهند. سال‌های نو و عید از سنت‌های دیرینه بشری است که در دل تاریخ به جای مانده و تا ابد به جای خواهد ماند. نمی‌دانم! موی آدم‌ها پس از بهاران زیاد سفید می‌شود و در پس هر موی سفید، تجربه‌ای است که فلسفه‌ای به همراه دارد که آن را فلسفه زندگی می‌نامند.

مشاهده، ادراک و حافظه از ارکان اساسی تجربه است و همین تجربه در ساده نگرترین انسان‌های روی کره خاکی، فلسفه‌ای می‌سازد که زندگی نام دارد. بهاران زیادی آمده‌اند و رفته‌اند و همه این بهارها در زمان خاص خودشان یک شکل بیرونی داشته‌اند و یک شکل درونی که همیشه و همیشه، این اشکال در تضاد با یکدیگر بوده‌اند، در حقیقت می توان گفت که برون بهار شکل و شباهتی به درون آن ندارد و به همین دلیل تعریف، تصویر و تعبیر بهار، هر نویسنده‌ای را گرفتار تضاد و تناقض می نماید که ناخودآگاه این سوال مطرح می شود، بهار در کدام زمان و کدام حال؟ از بوی بوته‌ها، شکوفه‌های گیلاس، بهار نارنج، پرنده‌های خوش‌صدا، خرگوش‌های بازیگوش خوشحال، از بوی عیدی و کاغذ رنگی باید نوشت یا از سقوط و نبود ارزش‌ها؟ کدام قصه را باید گفت؟ قصه‌ای برای خوابیدن یا قصه‌ای برای بیدار ماندن؟ نویسندگان زیادی در جوامع بشری وجود دارند که بنا به مسئولیت اجتماعی‌شان، قصه‌ای برای خوابیدن تعریف نمی کنند و بر این اعتقادند که فصل، تعیین کننده خوبی‌ها و خوشی‌ها نیست و حق هم دارند که چون کارگری که برف پارکینگ کارخانه سیتروئن را در سرمای زیرصفر پارو می کند، مطمئن از یک خوشحالی نسبی برخوردار است نسبت به زمانی، مثلاً بهار و در زیر درخت گیلاسی که به دلیل خوابیدن تولید، بیکار شده است و نمی‌داند که خرج زن و بچه‌اش را چگونه باید تامین کند؟

به واقع، بهار با همه رایحه‌های دل انگیزش در روزگار کج رفتار که خوارشدگی انسان‌ها را به همراه دارد، نمی‌تواند به شکل مجرد تعریف، تصویر و تعبیر شود چون نویسنده‌ای که قلم به دست می گیرد تا از بهار بنویسد.

مطمئناً به ارتباط‌های عاطفی، تعقلی و اندیشوارگی خود متوسل می‌شود و وقتی با آرزوهای واپس زده، دلواپسی‌ها و دل شوریدگی‌های مردم روبرو می‌شود، قلمش قفل می‌کند و دیگر هیچ رایحه معطری به مشامش نمی‌خورد تا از آرزوهای نجیب و باورهای گرانقدر مردم بنویسد.

به این شکل، نویسنده مردد می‌شود که از بیرون بهار بنویسد یا از درون آن؟

اگر از بیرون بنویسد غیر مسئول می‌شود و اگر از درون بنویسد به پریشان گویی و سیاه نمایی متهم می گردد. چکار باید کرد؟

در جوامع مترقی هر دو می‌نویسند، عده‌ای این می‌خوانند و عده‌ای آن، انگی و مُهری هم زده نمی‌شود و شک و پرسشی هم به وجود نمی‌آید و تنها در این حالت خاص است که اسطوره‌های کهن و خیالات جدید در خدمت بشریت قرار می گیرند تا در معماری جامعه، یکپارچگی، معنی و مفهوم اصلی خود را پیدا کند و در نتیجه، معنای بیرونی بهار با معنای درونی آن همخوانی پیدا کند.

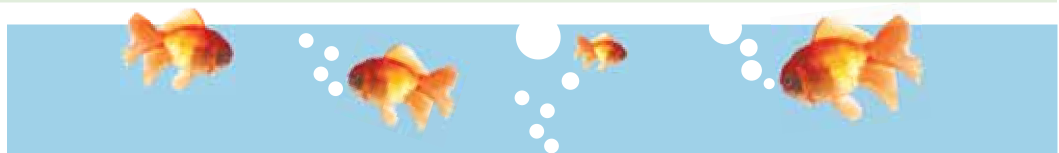
بهار ۲۰۱۳، بهار زمانه‌ای فقیر و مفلس است، زمانه‌ای که برای مردم و دولت‌ها خرج جنگ می‌شوند تا تخریب جهان، در مقاصد شوم افرادی قرار گیرد که هیچ نشان و نشانه‌ای از آن‌ها نیست جز سران دولت‌هایی که قیافه جنگ طلبانه ندارند. در بهار ۲۰۱۳ این سیاست‌ها در کدام دفاتر شکل می گیرند؟ سیاست‌هایی که به غیر از تخریب، کُشت و کشتار و ترور هیچ مقصد و مقصود دیگری ندارند.

کجا هستند سیاستمدارانی که بتوانند در دوران یأس و ناامیدی و بی سپاسی به ملت‌ها یاری رسانند تا به دنیایی بهتر، زیباتر، دنیایی که در آن زندگی کردن معنا و مفهومی تازه‌تر داشته باشد دلبستگی پیدا کنند و به این ترتیب آن حس انسانی را دوباره بیابند تا به وسیله آن شکل بیرونی بهار را ببینند و موجودیتش را لمس نمایند؟

جهان امروز به سیاستمدارانی احتیاج دارد که با قدرت و اقتدار، حرص بیشتر خواهی و بیشتر داری را به نفع مستضعفان جهان سرکوب نمایند، چون در غیر این صورت هرچه از رفاه و صلح جهانی دور شویم به فقر، ترور و در نتیجه جنگ و تخریب نزدیک‌تر می‌شویم و این آن چیزی است که افراد بی شکل و صورت برای بشریت در نظر گرفته‌اند، در حقیقت و در پی معضلاتی که ره آورد سیاست‌های غلط جهانی است، هزاران سد ممنوعه در زندگی روزمره انسان‌ها به وجود آمده است که مردم را به سوی کلافه گی و اختناق سوق می‌دهد که اینجا و آن جا هم ندارد. اینجا، مثل آن جا و آن جا مثل اینجا، مردم کلافه‌اند و بیچاره و بی پناه.

در برلین، کودکان زیادی سر بی‌شام به زمین می گذارند، در پاریس، لندن، نیویورک، وزیرستان و هرات هم به غیر از این نیست. در اثر سیاست‌های نابخردانه جهانی، کشور ما هم با معضلات بسیاری روبرو شده است. خوشبختانه مردم ما مقاوم و با صبر و حوصله هستند و در همین حالت هم عیدی را که با بهار می‌آید جشن می گیرند.

عیدی که مطمئناً بوی عیدی می‌دهد.



از یاد رفته

■ پیام ابراهیمی

روز اول – اول فروردین

ساعت ۱۱ از خواب بلند شدم. صورتم را شستم. از هیچ جا صدایی نمی‌آمد. سری به اتاق پدر و مادر زدم. سری به اتاق خواهرم. یک سر به اتاق برادرم. هیچکس خانه نبود. یادم افتاد ساعت ۷ قرار بود حرکت کنیم. پدر می‌گفت هرچه زودتر راه بیفتیم، کمتر به ترافیک می‌خوریم. نه! مطمئناً آنها من را فراموش نکرده بودند. شاید با هم رفته‌اند میوه و شیرینی بخرند، یا وسایل مورد نیاز برای سفر. نه! مطمئنم که من را فراموش نکرده‌اند. خیلی زود برمی‌گردند.

روز دوم – دوم فروردین

من را فراموش کرده‌اند. به همین سادگی. من را، فرزند وسط خانواده‌شان را فراموش کرده‌اند و رفته‌اند سفر. تمام درها را هم از پشت قفل کرده‌اند. وسایلشان را بسته‌اند. توی ماشین گذاشته‌اند. راه افتاده‌اند و رفته‌اند. بدون اینکه به فکرشان برسد یک پسر دیگر دارند. همه چیز را برده‌اند. چمدان‌ها، مدارک، پول، وسایل مورد نیاز توی مسیر، فلاسک، شکلات، آب‌نبات... همه چیز و همه چیز را برده‌اند. هیچ چیز را از قلم نینداخته‌اند، به جز یکی از فرزندانشان را. بهشان زنگ نخواهم زد. یادشان نمی‌اندازم پسری هم دارند که او را جا گذاشته‌اند، عوضش تا می‌توانم از نبودشان استفاده می‌کنم. حالا آزادم هرکاری دلم می‌خواهد بکنم. البته توی همین چهاردیواری که در آن گیر افتاده‌ام.



روز سوم – سوم فروردین

ساعت ۱۲ از خواب بلند شدم. دوباره خوابیدم تا ۲. باز کمی خوابیدم تا ۳. کمی خوردنی از توی یخچال آوردم و گذاشتم کنار دستم و مشغول بازی‌کردن شدم. هیچکس نبود که بگوید اول صبحانه‌ات را کامل بخور، هیچکس نبود که بپرسد مگر کار و زندگی ندارم، هیچکس نبود که با تلویزیون کار داشته باشد و مجبور باشم بخاطرش بازی‌ام را متوقف کنم. تا شب آنقدر بازی کردم که دیگر حالم از بازی کردن به هم خورد. بعد دست کردم توی



قفسه و چند فیلم درآوردم و مشغول فیلم دیدن شدم. هیچکس نبود که بگوید صدای تلویزیون را کم کن، وقت خواب است، یا اینکه بگوید فیلم را قطع کن می‌خواهم اخبار ببینیم. کنار تلویزیون خوابم برد.

روز چهارم – چهارم فروردین

حدود ساعت ۱۲ بود که برق قطع شد. یادم می‌آید مادر، بارها در مورد پرداخت قبض‌ها به پدر هشدار داده بود و او هم هربار پشت‌گوش انداخته بود. بابا را بخاطر همین بی‌خیالی‌اش دوست داشتم. همیشه مطمئن بود فردایی هم برای انجام کارها هست و به همین خاطر هیچوقت خودش را برای انجام کاری به دردسر نمی‌انداخت. بدون برق دیگر از فیلم و بازی و حتی اینترنت هم خبری نبود. احساس می‌کنم فلج شده‌ام. مانده‌ام قبل‌ترها که ادیسون هنوز برق را اختراع نکرده بود، کسانی که تنها توی یکی چهاردیواری گیر می‌افتادند چکار می‌کردند؟ از سر اجبار سراغ قفسه کتاب رفتم. «اعترافات» اثر ژان ژاک روسو. با خودم فکر کردم احتمالاً خواندن اعترافات یک نفر باید هیجان‌انگیزترین چیزی باشد که بشود خواند. امیدوار بودم از شیطنت‌های دوران جوانی و دون‌ژوان‌بازی‌اش هم چیزی نوشته باشد. ولی هیچ خبری از این حرف‌ها نبود. حوصله‌ام سر رفت. کتاب را کنار گذاشتم.

روز پنجم – پنجم فروردین

با صدای زنگ تلفن از خواب بلند شدم. عمو بود. زنگ زده بود برای تبریک عید. حال پدر و مادر را پرسید و من هم گفتم که سلام می‌رسانند و الان دستشان بند است و هر وقت آزاد شدند می‌گویم تماس بگیرند. گفت می‌خواهند بیایند عیددیدنی. گفتم قدمشان روی چشم. کلی دلم برایشان تنگ شده. دماغم سی سانتی متر دراز شد. هرکاری کردم سرجایش برنگشت. با عمو خداحافظی کردم. رفتم جلوی آینه. خوب که نگاه کردم دیدم حتی از سی سانتی متر هم بیشتر بود. با خط‌کش اندازه‌اش گرفتم. سی و شش سانتی‌متر و هشت میلی‌متر. باید حواسم را جمع کنم تا دیگر دروغ نگویم. یک دماغ سی و شش سانتی‌متری را می‌شود یک جوری تحمل کرد، اما با یک دماغ یک و یا دو متری نمی‌شود کاری کرد. اگر چنین می‌شد مجبور بودم دماغم را بدهم کس‌دیگری برایم تمیز کند. شب، ته مانده غذاهای باقیمانده را خوردم. از فردا غذا هم نخواهم نداشت.

روز ششم – هشتم فروردین

نمی‌دانم چه شد. چشمم را که باز کردم دیدم تقویم هشتم را نشان می‌دهد. دو روز تمام خوابیده بودم؟ بعید نبود. شدیداً احساس گرسنگی می‌کردم. سراغ یخچال رفتم: خالی. فریزر: از آن‌هم خالی‌تر. نگاهی به دور و اطراف کردم. چشمم افتاد به سفره هفت‌سین. تخم مرغ تخم مرغ تخم مرغ... هیچ خبری از تخم مرغ نبود. یادم می‌آید خودم یک تخم مرغ رنگ کرده بودم و توی سفره گذاشته بودم. شکمم بدجور قار و قور می‌کرد. نگاهم خیره به سفره هفت‌سین ماند. با خودم فکر کردم، ما که این‌همه سبزی می‌خوریم، پس خوردن سبزه عید هم کار عجیب و غریبی نخواهد بود. شکمم باز هم صدایی داد.

روز هفتم – نهم فروردین

واقعاً چنین کاری اخلاقی است؟ برای سلامتی ضرر ندارد؟ اصلاً تاثیرش چقدر است؟ خون... من از خون می‌ترسم، نکند خون زیادی فوران کند؟ پدر و مادر چه می‌گفتند؟ خواهرم و برادرم؟ کافی بود بفهمند تا خبرش را در سر تا سر دنیا پخش کنند. دستی به سبیلم کشیدم. سه تا تار سبیل داشتم. بلند و کشیده. نگاهی به دستم انداختم. پنجه‌های کشیده‌ای پیدا کرده بودم. ناخن‌هایم توی نور برق می‌زد. آره؟ نه؟ آره؟ نه؟ آره؟ نه؟ شکمم مانند یک ارکستر سمفونیک سر و صدا می‌کرد. چشمانم را بستم، دستم را کردم توی تنگ، هر دو تا ماهی را درآوردم و یکجا بلعیدم. بعد آب تنگ را تا ته سر کشیدم تا مزه ماهی‌ها را بشوید. این ژاپنی‌ها هم واقعاً غذاهای مسخره‌ای می‌خورند.

روز هشتم – ششم فروردین

اصلاً سر در نمی‌آورم. مطمئنم هشتم و نهم فروردین را گذرانده‌ام، نمی‌فهمم چرا باید به ششم برگردم. این تقویم بدجوری با من شوخی‌اش گرفته. به سبزه‌ها آب می‌دهم و غذای ماهی‌ها را می‌دهم. شکمم بدجور سر و صدا می‌کند. تسلیم می‌شوم. دیگر وقتش شده به پدر و مادر زنگ بزنم و یادشان بیاورم یک



پسری دارند که توی خانه جا گذاشته‌اندش. تلفن را برمی‌دارم. قطع است. یادم می‌آید مادر چند وقت پیش به پدر تاکید می‌کرد که یادش نرود قبض تلفن را پرداخت کند. وسط بازی فوتبال بود. دقیقاً یادم است. پدر گفت: «چشم خانم، چَش...ای بزن دیگه .... چار تا تک به تک تا حالا نزده» سراغ تلفن همراهم می‌روم. آن لعنتی هم طبق معمول شارژش تمام شده. تشنه‌ام. می‌روم سر یخچال. هیچ بطری آبی در یخچال نیست. دخل همه بطری‌ها را آورده‌ام. شیر آب را باز می‌کنم. هرچه منتظر می‌مانم تنها ذرات گازی شکل اکسیژن و ئیدروژن است که از شیر بیرون می‌آید. انگار سازمان آب یادش رفته ذرات را باهم ترکیب کند. یادم می‌آید مادر چند وقت پیش درباره قبض آب هم توصیه‌ای به پدر کرده بود و پدر در جواب گفته بود: «پنالتی بود. پنالتی!»

سری به سفره هفت سین زدم. سبزه، سنجد، سمنو، سمبل، سکه، سیر، سرکه. با خودم فکر می‌کنم: سوسیس، سیب‌زمینی، سس، سالاد، سیب، سون‌آپ، صورت‌حساب لطفاً! سنجدها را یکی - یکی می‌اندازم بالا. بعد نوبت سمنو می‌شود. با خرده نان‌های مانده از روزهای قبل ته بشقاب سمنو را درمی‌آورم. خیلی تشنه‌ام. نگاهی به ظرف سرکه می‌اندازم، چشمانم را می‌بندم و جام زهر را تا ته سر می‌کشم.

روز نهم – هفتم فروردین

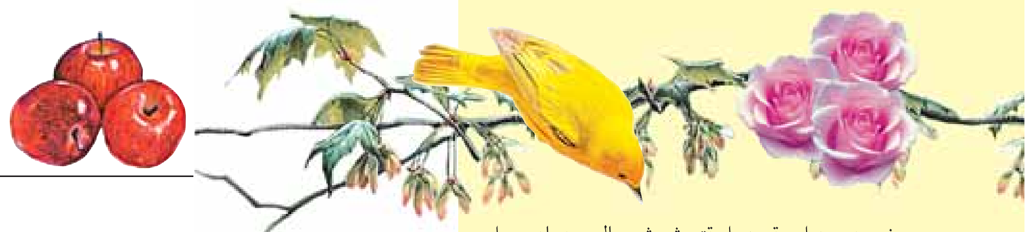
عمو و خانواده‌اش آمدند عید دیدنی. چند لیوان آب‌میوه ریختم برایشان، گفتم ببخشید. چای نداریم، آبمان هم قطع است. زن عمو گفت اشکالی ندارد، دو دقیقه آمدیم خودتان را ببینیم و دید و بازدیدی کنیم. بعد عمو شروع کرد پرسیدن از سن و سال اینکه چند ساله‌شده‌ام و وضعیت تحصیلی و اینکه اصلاً در دانشگاه چه خوانده‌ام و مگر نقاشی هم شد رشته و حالا با بیکاری چه می‌خواهم بکنم و حالا کی می‌خواهم ازدواج کنم و رفت توی مشکلات زندگی و کرایه‌خانه و کرایه‌تاکسی و قیمت میوه و آجیل و گوشت و مرغ و نان و همینجور که می‌گفت یکهو شب شد و وقت شام. زن عمو هر دو دقیقه می‌گفت که اصلاً راضی به زحمت نیست و آمده دو دقیقه خودم را ببیند و صدای ارکستر سمفونیک شکم‌اش هشدار می‌داد که «بیار اون شام رو»

آشپزخانه را زیر و رو کردم. هیچ چیز تویش نبود. یکباره یاد تخم مرغ عید افتادم. قبل از عید برده‌بودمشان توی اتاق تا از اثر هنری‌ام عکس بگیرم. هنوز هم باید توی اتاق باشد. پریدم توی اتاق. توی کیف دوربینم پیدایش کردم. روغن را ریختم ته ماهی‌تابه و تخم مرغ را نیمرو کردم. ماهی‌تابه را گذاشتم روی میز. قبل از اینکه تعارف بزنم، شیپور ارکستر سمفونیک شکمم اولین نُت‌اش را با قاطعیت تمام نواخت. یادم افتاد خودم هم از دیشب هیچ چیز نخورده‌ام. نگاهی به عمو و زن عمو و بعد به تک تخم مرغ توی ماهی تابه انداختم. چشمانم را گذاشتم روی هم، کمی تمرکز کردم و عمو و زن‌عمو را همانطور که آمده بودند انداختم بیرون. حالا من مانده بودم و یک پرس غذای شاهانه.

روز دهم – یازده فروردین

سقف اتاق چکه میکند. صدای ریختن قطرات آب بدجوری روی اعصابم ورجه ورجه می‌کند. یک ساعتی طول کشید تا دماغ سی و شش سانت و هشت میلی‌متری‌ام را با دستمال تمیز کردم. گرد و خاک زیادی رویش نشسته بود. بعد رفتم سراغ ناخن‌های پنجه‌ام. سوهان را برداشتم، صدا ارکستر سمفونیک شکمم را بلند کردم و مشغول سوهان کشیدن شدم. همین‌طور که به دست‌هایم خیره شده بودم یاد قصه‌ای که توی بچگی شنیده بودم افتادم. مردی که سی روز وسط اقیانوس گیر کرده بود و در این مدت برای اینکه زنده بماند یک دست و یک پایش را بریده





و خورده بود. این قصه را وقتی شش سالم بود مادرم برایم تعریف کرده بود. یادم نیست نتیجه اخلاقی که میخواست از قصه بگیرد چه بود، ولی نتیجه‌اش این شد که از آن‌موقع به بعد دیگر هیچوقت سراغ قصه نرفتم. چشمانم کم کم داشت سیاهی می‌رفتم. تنها ۲۷ سال سن داشتم و خیلی زود بود برای اینکه بخواهم بمیرم. آرزوهایم را مرور کردم. نه! باید زنده می‌ماندم. به هر قیمتی شده. سراغ جعبه ابزار رفتم. اره را برداشتم. راست یا چپ؟ قطعاً راست. اره را برداشتم و رفتم توی حمام. ده دقیقه بعد با یک تکه از دستم برگشتم. از آرنج به پایین قطع‌اش کردم. همان بهتر که قطع شد، این اواخر خیلی درد می‌کرد. خیلی اذیت میشدم. از قدیم هم گفتند دستی که درد می‌کند را باید برید و خورد. دستم را انداختم توی قابلمه و گذاشتم‌اش روی گاز. کبریت کبریت کبریت... گاز روشن نمی‌شد. یادم افتاد چندوقت پیش مادر در مورد قبضِ گاز به پدر توضیحاتی می‌داد که پدر هم در جواب گفت: «اَه. گندت بزنن»

دو روز است نشسته‌ام توی تخت دارم و برای خودم قصه‌پردازی می‌کنم. نتیجه‌اش همین قصه بالا شد. نگویید که همه‌اش را باور کرده‌اید؟

روز یازدهم- دوازده فروردین

آخرهای شب صدای چرخیدن کلید را توی در شنیدم. توان بیرون آمدن از تخت را نداشتم. حتی توان صدازدنشان را هم نداشتم. وارد خانه شدند. هنوز هم متوجه من نشده بودند. آرام وارد شدند. بعد رفتند و خوابیدند. بله، خوابیدند!

روز دوازدهم – سیزدهم فروردین

نیمه شب بود که صدای فریادی بلند شد. پدر بود. یکی ـ دو ساعت خوابیده بود و بعد بلند شده بود تا مسابقه فوتبال ببینید. پدر داد زد: «نهایتاً زرد داشت. با یک نفر کمتر عمراً از پس‌شون برنمیان» و بعد «یک نفر کمتر» طنین عجیبی توی خانه انداخت. یک نفر توی دستشویی، حمام، آشپزخانه، پذیرایی و تک تک اتاق‌ها فریاد زد «یک نفر کمتر، یک نفر کمتر». همه از خواب بیدار شدند. شاید هم بیدار نشدند. بیشتر شبیه این بود که توی خواب راه بروند. دست‌هایشان را جلویشان گرفته بودند تا به جایی برخورد نکنند. مسیر مشخص بود: اتاق من!

یکباره چراغ روشن شد. مادرم فریاد زد: پسرم! و بعد پدرم گفت: پسرم! خواهر و برادرم هم به نوبه خود گفتند: اِ، تو!

سوار ماشینم کردند. مرا بردند بیمارستان. شش-هفت تا سِرُم وصل کردند بهم و بالای سرم نشستند و قربان صدقه‌ام رفتند و از اینکه مرا فراموش کرده‌بودند عذرخواهی کردند. ظهر که شد یک بوقلمون کامل برایم آوردند تا دلی از عزا در بیاورم. بعدش هم سه لیتر آبمیوه و پشت‌بندش هم ده- دوازده نوع دسر و... بعد دکتر آمد، گفت تا آخر شب باید همانجا بمانم تا مطمئن شوند سالم هستم. به پدر و مادر گفت می‌توانند بروند و سیزده‌ای به در کنند و برگردند و شب مرا ببرند. آنها هم همین کار را کردند. مطمئنم شب می‌آیند و مرا می‌برند. این‌بار دیگر من را فراموش نمی‌کنند. مطمئنم. البته تقریباً مطمئن.

گزارشی از گفتگو با دکتر ابوطالب میرعابدینی

مفهوم شادی در شعر فارسی واکاوی نشده است

دکتر ابوطالب میرعابدینی (متولد ۱۳۰۸) یکی از برجسته‌ترین استادان زبان و ادبیات فارسی و دانش‌آموخته دانشگاه تهران است. وی در زمینه ادبیات بیش از چهل کتاب را تصحیح و پدیدآورده و در زمینه عرفان‌پژوهی کتاب‌ها و مقاله‌هایی نگاشته است که برای بازخوانی و بازشناسی عرفان ایرانی بسیار سودمند است.

***

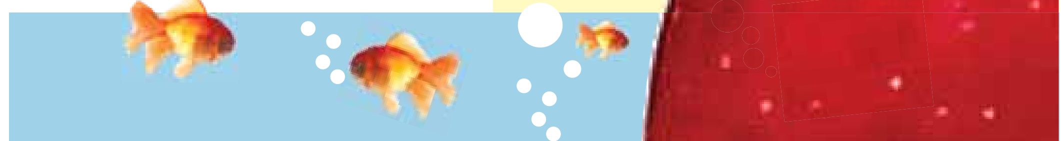
نوروز و گذشته تاریخی یک ملت

نوروز همان طور که از اسمش پیداست خبر از روز نو می‌دهد و وقتی خبر از روز نو می‌رسد انسان در انتظار تحولات تازه است تا امروز را متفاوت از گذشته بسازد. هر واژه ای یک بار معناییِ خاصی دارد، بار خاصی که یک واژه دارد سن آن را نشان می‌دهد. واژه‌های کهن معمولاً معانیِ گوناگونی دارند، واژه‌ها در گذر تاریخ و در زندگیِ انسان‌ها تغییر پیدا می‌کنند، حتی ممکن است کاربرد آنها فرق پیدا بکند، و این نهایتاً به یک ادبیات جدید منتهی می‌شود. شعر، عواطف درونی و افکاری که برای انسان پیش آمده را در قالب واژه‌ها شکل می‌دهد. طبیعی است که بعضی از واژه‌ها نمی‌توانند معانیِ روز را به خود بگیرند، آدم‌ها تجربه‌های تازه پیدا می‌کنند و می‌خواهند این تجربه‌ها را با واژه‌هایی بیان کنند که مانند واژه‌های دیروز نباشد، وقتی می‌گوییم نوروز، به یک شروع نو و تازه می‌اندیشیم. از این لحاظ عواطف همه مردم در بر گرفته می‌شود، چون هر آدمی دلش می‌خواهد هر روزش نو باشد و معنای زندگی نیک این است که انسان بتواند هر روز را بهتر از دیروز بسازد. این مفهوم خوب زندگی است که روزها را به صورتی بگذرانیم که همراه با تحول و تغییر مثبت باشد. در پی این نگرش، تنوع هم پیدا می‌شود. در این مواقع انسان‌ها با رنگ شناسانده می‌شوند، رنگی که به ظرفیت درون آنها مربوط می‌شود، مثلاً بالاترین رنگ‌ها، رنگ محبت و رنگ عشق است، در شعر فارسی می‌توان برای این منظور با یک بررسیِ واژگانی، آمار و بسامدی تهیه کرد تا دریابیم که نوروز (از زمان رودکی) تا به حال چه بارهایی را به دوش گرفته است. شکفتگی زبان را در شعر می‌توان دید. وقتی مردم خوشحال هستند نوروز با شادی همراه است، گاهی که مردم خوشحال نیستند نوروز پرورش پیدا نمی‌کند، در شعر فارسی و در دوره‌های مختلف این را می‌توان به وضوح دید و بررسی کرد. مثلاً مفهوم شادی در شعر فردوسی، متفاوت با شعرهای سروده شده در دوره‌های بعدی است. آدمی در دوره‌های مختلف و در وضعیت‌های مختلف، متناسب با همان زمانه است که با زبان شعر خودش و احوال اش را بیان می‌کند. ما در زبان فارسی با توجه به قدمتی که دارد با یک دنیا تجربه روبرو می‌شویم. گاهی این تجربه‌ها ملال آور است و پشت انسان را خم می‌کند، آدم فهمیده کسی است که در مقابل دیگران لبخند بر لب دارد، وقتی کسی از انسان بپرسد؛ حال شما چطور است؟ و جواب بشنود؛ بد هستم! فوراً اخم طرف مقابل دیده می‌شود، چون این جواب انسان را به لایه‌هایی که در این واژه‌ها و عباراتِ «بدم» یا «بد نیستم» می‌بَرَد. وقتی نوروز می‌آید و گل و بلبل و سمنو و سبزه و حاجی فیروز و... می‌آید نشانه‌های کنار گذاشتنِ غم‌ها و اندوه‌ها نیز به میان می‌آید، چون فصل زندگی از راه می‌رسد. انسان زندگی را دوست دارد و نوروز را به این دلیل دوست دارد که نوروز، روز آغاز است. سده گذشته، تولد تاریکی و روشنی و شب یلدا (تولد نور) گذشته، و زندگی به سمت یک تعادل پیش می‌رود. مفهوم تعادل در نوروز بسیار مهم و اساسی است. نوروز گذشته تاریخی ملت ایران را نشان می‌دهد.



بهاریه‌ها

گاهی دانشجویان در کلاس درس می‌پرسند که بهترین شعرهای نوروزی از نظر شما کدام شعرها هستند؟ پاسخ دادن به این سوال خیلی سخت است. هر بهاریه ای که شاعری می‌سراید، دلیلی دارد، تا زمانی که آدم به روانکاوی آن شعر نپردازد، نمی‌تواند درست قضاوت بکند. اگر کسی روی این شعر یا آن شعر دست می‌گذارد، نظر خودش را می‌گوید. شعر، عواطف و پیچیدگی‌های درونی بشر را نشان می‌دهد، شعر خوب باید بتواند اینِ درونیات را هنرمندانه ارائه کند، و دیگران را متأثر سازد. مثلاً بهاریه‌هایی که در زمان فرخی سیستانی سروده شده را در نظر بگیریم، می‌توانیم بفهمیم که آدم‌ها در آن دوره شاد بوده اند. بهاریه‌های دوره غزنوی بهاریه‌های قشنگی هستند، چون شرایط هم مساعد بوده که آن طور شعر بسرایند، اما بهاریه‌هایی که روحیه عمومی و اوضاع و احوال مردم زمانه را نشان بدهد در آن دوره وجود دارد؟ اگر از من سؤال شود، تا نفهمم و تا ندانم که وضع سیاسی، اجتماعی و اخلاقی مردم در آن دوره چطور بوده، نمی‌توانم بهار را در این سروده‌ها به درستی احساس بکنم. بهار برای من جدا از مردم و زندگی مردم معنا ندارد. شاعران در دوران گذشته و در هنگام بهار به مدح پادشاهان می‌پرداختند. اینکه کسی در مدح شاهان شعری بسراید و پول خوبی هم بگیرد ذوق اش دوچندان می‌شود. وقتی شوق و ذوق در کسی پدیدار شود همه چیز را زیبا می‌بیند، اما اطراف خود را هم باید ببیند که دیگران چگونه زندگی می‌کنند و در چه وضعیتی قرار دارند. بنابراین اگر بخواهم بگویم کدامیک از این بهاریه‌ها خوب است فکر می‌کنم ادبیات را به قصیده محدود کرده‌ام. بهاریه‌ها همه با مدح افراد خاصی سروده شده اند. اگر بهاریه‌ها به این صورت باشد که دل‌ها را شاد کند، و غم را از دل‌های ناشاد دور کند، برای من قابل احترام است. اما اگر بهاریه برای محمود غزنوی سروده شود تا محمود هم مثلاً دو تا اسب به شاعر ببخشد، این بهاریه خاصیتی ندارد. من دردِ مردم را در آن دوره بیشتر احساس می‌کنم... شاید آشنایی با جَلال آل احمد هم در دوره‌ای بر من بی تأثیر نبود. جلال معتقد بود، یعنی چه که ما وقتی سر کلاس حاضر می‌شویم به بچه‌ها می‌گوییم؛ درباره بهار بنویسید! برای انسانی که در وضعیت دشواری زندگی می‌کند و در فقر روزگار می‌گذراند، بهار چه معنایی می‌تواند داشته باشد! او باید بتواند زندگی اش را بسازد و از این وضعیت ناخوشایند رها شود تا بعد بتواند بهار را بفهمد و لمس کند. در حالی که ما در کلاس می‌گفتیم درباره بهار بنویسید! این نوع حرف‌ها و گفته‌ها در من بیداری بوجود آورد.





بررسی و پژوهشی درباره سه تفنگدار

گفتگوی هفته نامه فرانسوی لُوپوئن (دسامبر ۲۰۰۹) با خانم سیمون برتی یر (SIMON BERTIERE) تاریخنویس معاصر فرانسوی

■ ترجمه قدرت‌الله مهتدی

پرسش: موفقیت رُمان سه تفنگدار آیا در تاریخ ادبیات فرانسه جایگاهی ویژه دارد؟

پاسخ: در نظر آورید که قهرمانان نوجوانِ فیلم میلیونر زاغه‌نشین ـ بر و بچه‌های بی‌سوادِ آلونکی در شهر بمبئی ـ خودشان را در جمع خویش «سه تفنگدار» می‌نامند. بنابراین، در سال ۲۰۰۸ و در هندوستان تفنگدارانِ آلکساندر دوما هنوز زنده‌اند! آری، این است فرجام باور نکردنیِ این داستانی که در نیمهٔ سدهٔ نوزدهم در فرانسه نوشته شد: صد و شصت و پنج سال موفقیتِ فراگیر جهانی و بی‌وقفه! وانگهی، از همان سال بعد از انتشارش این رمان به بیش از ده زبان ترجمه شد ... که این در آن عصر یک استثناست.

اوج اهمیت این قضیه در آنجاست که نویسنده اثر در خیال و اندیشه همه چیز بود مگر اینکه رمان‌نویس بشود.

او به ضرورت رمان‌نویس می‌شود. آخر، رُمان «ژانر» و گونه‌ای است که دوما از آن نفرت داشت... مانند همه معاصرانش! این جوان شهرستانی در پاریس رحل اقامت می‌افکند و در حالی که سخت مصمم است تا از راه قلم زندگی کند در وادی شعر طبع آزمایی می‌کند... که نتیجه آن مصیبت‌بار است. اما به عنوان نمایشنامه‌نویس دیری نمی‌گذرد که به موفقیتی فراسوی و هم و گمان دست می‌یابد. نمایشنامه‌های دوما را اکنون در عصر ما به کلّی به فراموشی سپرده‌اند اما در آن عصر حتّی از نمایشنامه‌های ویکتور هوگو بیشتر دوست می‌داشتند. هانری سوم و دربارش، نخستین درام رمانتیکی که در زبان فرانسه به روی صحنه رفت یک پیروزی راستین است... معدن طلایی که یکباره از آسمان بر سرش می‌بارد! خُب، دوما هم که یک نوکیسه است، و بی‌درنگ عاداتی ناپسند اختیار می‌کند: به زندگیِ پرتجملی می‌پردازد، زنان و معشوقه‌ها و کودکان مشروع و نامَشروع را نگهداری می‌کند و پول خود را پخش و پَلا می‌کند.. زیرا که دست و دلباز است. اما قریحه‌اش در نمایشنامه‌نویسی رُمانتیک چندان نمی‌پاید و کیسه دوما ته می‌کشد. پس، برای اَستوار داشتن آن زندگانی پُرتجمّل می‌بایست به چیز دیگری دست یافت. در همان زمان، اوژن سو (EUGENE SUE) با رُمانِ «اسرار پاریس» خود که به صورت پاورقی در مطبوعات منتشر می‌شود موفقیت و پول شایان توجهی بدست می‌آورد... آنوقت، آلکساندر دوما با شور و شوق خویشتن را بر روی آن «ژانر»ی که حقیرش می‌شمرد پرتاب می‌کند... که دلیل‌اش هم ساده است: تا که نانی بدست آورَد!

و البته به تنهایی در آن راه گام نمی‌نهد... مگر نه این است که سه تفنگدار و آن دو اثر دیگری که دنباله آنند [یعنی بیست سال بعد و ویکونت دوبراژلون] دو نام دوما ـ ماکه را در پای خود دارند؟

در آغاز، آگوست ماکه (AUGUST MAQUET) به عنوان دستیار دوما در فراهم آوردن اسناد تاریخی به کار می‌پردازد، اما راستش نقش او بسیار سریع فراتر از آن می‌رود. به موازات انتشار پاورقی‌های دنباله‌دار، این دو مرد طرح و اسکلت داستانها را با کمک یکدیگر گسترش می‌دهند و کارها را بین خود تقسیم می‌کنند: سهم ماکه بسط نکات تاریخی می‌شود و سهم دوما صحنه‌های کلیدی و گفتگوها. ماکه پیشنهاداتی می‌دهد و همچنین آنها را به روی کاغذ می‌آورد، اما همواره این الکساندر دوماست که تمامیت کار را نگاهی دوباره می‌افکند، بسط می‌دهد، زیر و بالا می‌کند و در سیاق عبارات آخرین دست را می‌بَرَد. متن داستانها راه میان پاریس و سن ژرمن ـ آن ـ لای، محل اقامت دوما، را می‌پیماید و باز می‌پیماید، آن دو مرد به طور بسیار منظّم با یکدیگر دیدار می‌کنند. این رفت و برگشت شگرفِ دلیجانها در آن مسیر هفت سال به درازا می‌کشد و در آغاز اگوست ماکه در نیامدن نام خویش در پای آن پاورقی‌ها هیچ چیز آزاردهنده‌ای نمی‌بیند. حتّی از کار کردن برای آن نمایشنامه‌نویس بلندآوازه بسیار سرفراز است. اما در سال ۱۸٤۸ جریان امور به گوَنه‌ای دیگر می‌شود: الکساندر دوما را در این زمان سیاست مُباهی و مفتخر می‌سازد... آنوقت در همان حالی که برای اغوا کردنِ رای‌دهندگانِ شرکت‌کنندهِ در انتخابات [جمهوری دوّم و کوتاَه‌مدت فرانسه که نهایتاً به ریاست جمهوری لوئی ناپلئون می‌انجامد اما وی سه سال بعد با کودتا به عمر جمهوری پایان می‌دهد و خود را «امپراتور، ناپلئون سوّم» می‌نامد] به سخنرانی می‌پردازد، که تازه به نفع او رای هم نمی‌دهند، کارِ تحویلِ دستنوشته‌های پاورقی‌ها به روزنامه برحسب ضرورتَ ادامه مَی‌یابد... و آنوقت این گوست ماکه است که به این امر اهتمام می‌ورزد. آن نویسنده اصلیِ نامرئی در این هنگام احساس می‌کند که بال درآورده استِ... پس، به معاملهٔ مستقیم با مدیران روزنامه‌ها می‌پردازد و سرانجام کار را به جایی می‌کشاند که دوما را به دادگاه می‌کشاند. وی پولِی دستش را می‌گیرد اما سهم او از شهرت همانی نیست که قبلاً مطالبه می‌کرد.

این که ناعادلانه است!

آری و نه! پارهِای از «طرحهای نخستین» سه تفنگدار را که تنها با دست ماکه نگاشته شده است بازیافته‌اَیم. در نگاه نخست، با خود می‌گوییم که همه چیز را در خود دارند، اما وقتی از نزدیک به آنها می‌نگریم درمیٍ‌یابیم که متن بیروح و بدون جذّابیت است. جزئیاتی که دوما بعداً می‌افزود و یا تغییراتی که می‌داد به نوشته‌ها رنگ و بویی چشم‌نواز و شورانگیز می‌بخشید. وانگهی، ماکه بعدها حکایات دیگری تنها زیر نام خود منتشر کرد و آن رُمانها به هیچ نمی‌ارزند... در این زوج غریب، این دوماست ـ و تنها دوماست ـ که می‌توان نویسنده‌اش خواند.

شما هم می‌نویسید، و این نوشته‌ها هم در اوج است، و در عین حال تخیّلی هم در آنها راه ندارد!

این را من نمی‌گویم، بلکه مارسل پروست است که گفته است! درست هم گفته است، می‌گوید: دوما ناتوان از این است که با هر سند و مدرک تاریخی جهانی را ابداع کند و شخصیت‌هایی را بیافریند... یعنی همان کاری را بکند که اوژن سو می‌کرد. دوما نیازمند یک نقطه اتکاء و موقعیتی برای آغاز به کار است، و به همین سبب از تاریخ استفاده می‌کند. اما همینکه به چنان موقعیّتی دست می‌یابد، آنوقت است که قریحه‌اش می‌شکفد و می‌تواند که تا بی‌نهایت به کارش شاخ و برگ و آب و تاب بدهد. زیرا ـ بیایید انصاف داشته باشیم ـ وی دارای تخیلی است که خاصِ خودِ اوست: تخیلی که جزئیاتی ملموس و حکایاتی نغز و دلنَشین می‌آفریند و همینهاست که به داستان چاشنی و شور و حال می‌بخشد. او همچنین دارای قریحه‌ای بس والا برای نشانیدن خنده بر لبان خوانندگان آثار خویش است.

شخصیّت دارتن یانِ چگونه زاده می‌شود؟

این شخص واقعاً وجود داشته است. او تفنگداری بود که مأمور دستگیری نیکولا فوکه (NICHOLASFOUQUET) [پیشکار کُلِّ دارایی فرانسه در زمان لویی چهاردهم] گردید، در جریان یک جنگ کشته شد. در زمانِ آلکساندر دوما چیز چندانی درباره‌اش نمی‌دانستند. او الهام‌بخشِ شخصی به نام کورتیلز دو ساندراس (COURTILZ DE SANDRAS) ـ در تالیف یک خاطرات ساختگی که اقتباس بسیار آزادی از زندگی دارتن یان به شمار می‌رفت ـ گردید. آلکساندر دوما این کتاب را از کتابخانه مارسی به امانت می‌گیرد تا در طی مسیر سفرش به پاریس خود را سرگرم کند. او این کتاب را هرگز به کتابخانه باز پس نمی‌دهد! آخر، نامه‌های آن کتابخانه مبنی بر مطالبه کتاب را کسانی دیده‌اند!...

یعنی یک ماجرای «عشق و شیفتگی در نخستین نگاه؟»

آری، آلکساندر دوما با این شهرستانیِ جوان که بدون پَشیزی در جیب وارد پاریس می‌شود و تنَها ساز و برگش معرفی‌نامه‌ای است که امیدوار است همه درها را به رویش باز کند بیدرنگ احساس همدلی می‌کند. او خودش هم دقیقاً به همان گونه وارد پایتخت می‌شود. تو گویی دلش نمی‌آید از این پرسوناژ نیمه افسانه‌ای که آنهمه با او همانند است، بهره نگیرد... پس بر آن می‌شود که در دارتن یان خودش بسیاری از درون ـ مایهٔ خویش را به ودیعت بگذارد:



شادمانگی، روحیه ماجراطلبی و عمل گراییِ آن تفنگدار جوان... اینها ویژگیهای خاص خودِ اویند. الکساندرَ دوما دارتن یان را به مثابهٔ مردی توصیف می‌کند که هیچگاه دلتنگ نمی‌شود، و وقتی با خود، تنهای تنها، خلوت می‌کند برای خویش قصه‌پردازی می‌کند و از آن به خنده می‌افتد. باری، نشانه‌ها و گواهی‌هایی که یادآورِ شخصیت دومایند همین را می‌گویند. در رُمان ویکونت دوبراژلون، هنگامی که دارتن یان از کارش در دربار پادشاه استعفا می‌دهد، در اساس، همان چیزی را به لویی چهاردهم می‌گوید که در زمانهای پیشین الکساندر دوما در نامه‌اش به لویی فیلیپ، به هنگام تقدیم استعفا، خطاب به او نوشته بود! این بدان معناست که ببینید یکسان‌سازی تا به کجا پیش می‌رود... و هنگامی که مدیر روزنامه قاطعانه می‌خواهد که نویسنده سرانجام دارتن یان را بمیراند ـ رُمانِ ویکونت دوبراژلون که بخش سوّم تریلوژی سه تفنگدار است درَ حقیقت دارد آن حال و هوای نخستین‌اش را از دست می‌دهد ـ خُب، دوما سر باز می‌زند! او از کشتن قهرمان خویش ناتوان است. پس، این اگوست ماکه است که دارتن یان را به نیابت از طرف الکساندر دوما، می‌کُشد.

یعنی الکساندر دوما دیگر قهرمانان‌اش را به سهولت سر به نیست می‌کند؟

اوه! نه! پسر الکساندر دوما یکروز که وارد دفترکار پدر می‌شود نویسنده را گریان می‌یابد. دوما اعتراف می‌کند: «همین یک لحظه پیش پورتوس را کشتم» ... وانگهی، ژرار دونروال (GERARD DE NERVAL نویسنده و شاعرِ فرانسوی، ۱۸۰۸ـ۱۸۵۵) دوست خود آلکساندر دوما را ترجیحاً در سیمای چاق و فربه و دست و دلبازِ پورتوس می‌دید. اساساً، هرچند که دوما خویشتن را خاصه درَ وجود دارتن یان باز می‌شناخت اما همه آنان را [یعنی آگوس و پورتوس و آرامیس را نیز] دوست داشت و اندکی از خویشتن را در وجود هر کدام‌شان به ودیعت نهاد. این نویسندهٔ سرزنده و سیری‌ناپذیر که پدیدآورنده شماری باورنکردنی از رمان‌هایی که همزمان می‌نوشت بود با این چهار تفنگدار به رؤیایی نامحتمل جامه عمل می‌پوشانَد: به این رؤیا که فردیّت جمعی به فردیّت یکتا کاهش یابد!

«یکی برای همه، همه برای یکی» شعار تفنگدارانِ راستین بود؟

نه! شعار کانتون‌های سویس بود! بی‌شک، دوما به هنگام سفری به سویس آن عبارت کلیشه‌ای را اختیار کرده است. من خودم می‌دانم که این شعار بسیار غلط‌انداز است.

«سه تفنگدار»! و حال آنکه چهارتایند... آدم همیشه از خود می‌پرسد چرا؟

بی‌شک به این سبب که خوش‌طنین‌تر از «چهار تفنگدار» است! دوما مردِ تآتر است، دارای این حس است که چیزی به گوش خوشایند هست یا نیست، حکایات او برای این پرداخته شده‌اند که با صدای بلند گفته شوند. وانگهی، «سه تفنگدار»، در شب‌نشینی‌ها بسیار خوانده شده است. دوما به مسئول روزنامه گفته بود: صِرف اینکه چهارتایند، از مزخرف بودن عنوان نمی‌کاهد، اما همین طور که هست بزرگترین موفقیت را برای رُمان نوید می‌دهد». کمترین چیزی که می‌توان گفت این است که او حق داشت...

توضیح مترجم: خانم سیمون برتی‌یر، بانوی مورخی که گفتگویش با هفته‌نامه فرانسوی را به نظرتان رساندیم متولد سال ۱۹۲٦ است و از او تألیفات زیر شایان ذکراند:

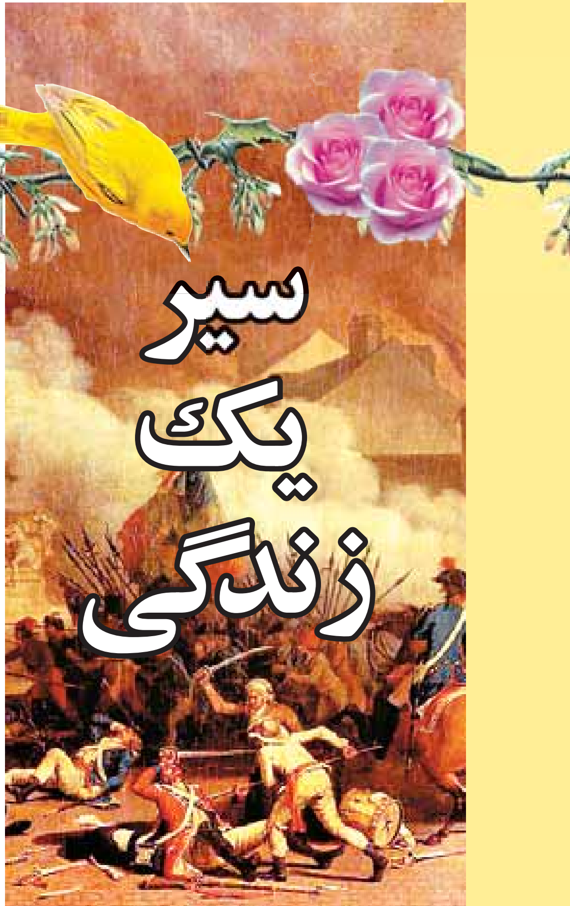
ـ «دوما و تفنگداران، تاریخچه یک شاهکار»

ـ «ماری آنتوانت، تسلیم‌ناپذیر»

ـ «دو نایب‌السلطنه زن»







سیر یک زندگی

از مقدمه برگردان ایتالیایی ویکونت دو براژلون از انتشارات GRANDI TASCABILI ECONOMICI به سال ۱۹۹۳، رم ـ ایتالیا

***

شمه‌ای از پیشینه خانوادگی و درخشش دوما در محافل ادبی پاریس، آشنایی‌اش با بزرگان ادب زمانه، دیدگاه آندره مورواً، سترگ ادیب فرانسه درباره او، و اشاره به پاره‌ای آثار و سفرهای او

■ ترجمه و تلخیص: مریم مهتدی



آلکساندر دوما که از پرکارترین و محبوب‌ترین رمان‌نویسان فرانسوی و صاحب سبک در زمینه‌ی آثار نمایشی و درام در اروپای قرن نوزدهم بوده و دارای سفرنامه، مقالات و رساله‌ها، کتابهای خاطرات و مباحثات قلمی است، هنوز امروز هم یکی از پرخواننده‌ترین نویسندگان جهان به شمار می‌رود... هر چند که، البته به ناحق، به لحاظ نقد رسمی و آکادمیک و فاخر در زمره‌ی ستوده‌ترین نویسندگان جای ندارد. مجموعه‌ی کامل آثار او که بین سال‌های ۱۸٤٦ و ۱۸۷۷ منتشر شده ۳۰۱ مجلد را دربر می‌گیرد. آندره موروا چاپ نفیس و زیبایی از سه‌گانه (تریلوژی) سه تفنگدار فراهم کرده است. وی که خود نویسنده‌ی زندگینامه‌ی مهمی از همه‌ی خانواده‌ی دوما است قویاً بر این نظر است که یک نسل ممکن است به یک اثر یا نویسنده‌ای که شیفته‌اش کرده است به ناحق گواهینامه‌ی اعتبار و ماندگاری ابدی اعطا نماید...

آندره موروا سپس اضافه می‌کند که پنج یا شش نسل به دشواری می‌شود همچنان دستخوش چنان اشتباهی گردند. و آقای جووانی ماکیا (Giovanni Macchia) فرانسه‌مآب بزرگ ما هم تصدیق کرده است که دوما شخصیتی خارق‌العاده است و حاصل کار او آثاری بسیار وسیع را تشکیل می‌دهد و به گونه‌ای است که حتی بدخواه‌ترین ناقدان را نیز درمانده می‌سازد.

آلکساندر دوما روز ۲٤ ژوئیه ۱۸۰۲ در شهر کوچک ویلرکوترت از پدری به نام توماس آلکساندر دوما داوی دولا پایتری (Thomas A. D. Davy de la Pailletterie) ـ ژنرال برجسته‌ی جنگهای عصر انقلاب کبیر فرانسه ـ و از مادری موسوم به ماری لوییز لامبر (Marie Luise Lambert) که دختر فرمانده گارد ملی فرانسه بود متولد شد. پدرش فرزند نامشروع صاحب‌منصبی از توپخانه‌ی شاهی بود. وی گویی دقیقاً متولد شده بود تا در آینده به مقام ژنرالی برسد، زیرا زاییده‌ی طبقه‌ی اشرافی مغروری بود که در عصر لویی چهاردهم به افتخارات و ثروت دست یافته بودند. آن کوچولوی نامشروع و حرامزاده از پدر نام تعمیدی او یعنی «آلکساندر» را به ارث برد، و نه نام خانوادگی‌اش را.

باری، پدر آلکساندر دوما شغل نظامی اختیار می‌کند، در تمام دوره‌ی جنگهای انقلاب کبیر می‌درخشد و در طول نبردهای ناپلئون در ایتالیا و مصر شانه به شانه‌ی او می‌جنگد اما چون بشدت دارای مشی جمهوری‌خواهی بود با او به هم می‌زند و بدون کمترین حقوق بازنشستگی مجبور به کناره‌گیری می‌شود و در ویلرکوترت اقامت می‌گزیند. بدان سبب که مدتی را در زندان بوربون‌ها گذرانیده بود، قوای بدنی‌اش به تحلیل رفته بود و زندگی‌اش را صرف شکار و امور خانواده می‌کرد و سرانجام در ۲٦ فوریه ۱۸۰٦ جان سپرد و آلکساندر کوچولو را یتیم و بی‌پدر برجای گذاشت.

آلکساندر جوان و نویسنده‌ای آینده که الزامات مالی خانواده ناگزیرش کرده بود تا در جایی استخدام شود، در حالی که هنوز پانزده سال کامل نیز نداشت با حقوقی ناچیز نزد یکی از سردفترهای اسناد رسمی به کار گمارده شد. اما چندان دیری نپایید که بی‌قرار و ناراضی از موقعیت خود و در حالی که از همان دم دلبستهٔ هنر تأتر گردیده بود در سن هجده سالگی به پاریس آمد و در آنجا با توصیه و پشتیبانی یکی از نظامیان که دوست مادرش بود، در پاله رویال و در دفتر دوک دورلئان ـ که بعدها با نام لویی فیلیپ پادشاه فرانسه شد ـ شغلی آبرومند به دست آورد.

به سال ۱۸۲۵ در پاریس، شبی در تأتر تصادفاً با شارل نودیه نویسنده‌ی فرانسوی و مسئول کتابخانه‌ی بزرگ یکی از نهادهای وابسته به ارتش آشنا شد و بدین ترتیب پایش به محافل و مجالس ادبی پاریس باز شد و از سال ۱۸۲۹ فرصت یافت که با شخصیت‌هایی چون آلفونس دولامارتین و ویکتور هوگو و آلفرد دووینیی و آلفره دوموسه و تئوفیل گوتیه و سنت بوو و بسیاری دیگر از نویسندگان از نزدیک آشنا شده و به مباحث ادبی بپردازد. از این سال‌ها به بعد سالشمار زندگی و آثار آلکساندر دوما به اختصار به شرح زیر است:

۱۸۲۸-۱۸۲۹: دوما تصمیم می‌گیرد که وقت و همت خود را صرف تأتر و نمایشنامه‌نویسی کند. در ۱۸۲۸ درامی منظوم به نام کریستین در فونتن‌بلو می‌نویسد که مورد قبول آکادمی فرانسه قرار می‌گیرد اما دوما آن را ـ به احترام نمایشنامه‌ی دیگری به نام کریستین اثر فردریک سولیه ـ پس می‌گیرد. در همان سال هانری سوم و دربارش را می‌نویسد که یکی از نخستین درام‌های رمانتیک تأتر فرانسه تلقی می‌شود و در ۱۸۲۹ با موفقیت به روی صحنه می‌رود. در همین حال وظایفش در نزد شاهزاده و دوک دورلئان به پایان می‌رسد.

۱۸۳۱-۱۸٤۳: در حالی که با خلق اثری به موفقیت دست یافته است تصمیم می‌گیرد که مسافرت‌هایی به ایتالیا و اسپانیا و الجزایر بکند و مجلداتی را به عنوان برداشت‌هایی از چند سفر، علاوه بر آثار تأتری و روایی و رمان منتشر می‌کند.

۱۸٤٤-۱۸٤٦: این سال‌ها در زندگی دوما بسیار مهم هستند، زیرا شاهد انتشار نخستین رمان‌های بزرگ تاریخی او هستیم که در میان آنها می‌توان از سه تفنگدار، ملکه مارگو، بیست سال بعد، کنت دومونت کریستو، شوالیه دومزون روژ، خانم دومونسورو یاد کرد.

۱۸٤۷: با ژول میشله که به تازگی شروع به انتشار تاریخ انقلاب کبیر فرانسه‌ی خود کرده است و همچنین با تئوفیل گوتیه روابط دوستانه‌ای می‌یابد.

۱۸٤۸: ویکونت دوبراژلون، آخرین رمان از سه‌گانه سه تفنگدار را منتشر می‌کند.

۱۸٤۹-۱۸٥۱: با وجود موفقیت آثار تأتری و رمان‌هایش بشدت بدهکار است. مجبور می‌شود تأتر تاریخی را تعطیل کند. علیه کودتای دسامبر ۱۸٥۱ ناپلئون سوم موضع می‌گیرد. به بلژیک پناهنده می‌شود و در آنجا دوستش ویکتور هوگو را پیدا می‌کند... به نگارش خاطرات می‌پردازد.

۱۸٥۲-۱۸٥۳: بسیار سفر می‌کند و از انگلستان و سوییس و اتریش و روسیه و ترکیه دیدن می‌کند. در ۱۸٥۳ قادر به بازگشت به فرانسه می‌شود. در آنجا دوستانش به راحتی از ناپلئون سوم قول گرفته‌اند که در قبال دوما بی‌طرف بمانند... همچنین برای پرداخت بدهی‌هایش مهلت گرفته‌اند. در اواخر همین سال روزنامه‌ی عصر تفنگدار را تأسیس می‌کند.

۱۸٥٤-۱۸٥۸: به فعالیت‌های روزنامه‌نگاری خود می‌افزاید و آنها را در کنار رساله‌نویسی، نمایشنامه‌نویسی و رمان‌نویسی ادامه می‌دهد و در عین حال به دادن کنفرانس‌ها و ایراد سخنرانی هم می‌پردازد. وضع مالی‌اش رفته‌رفته بهبود می‌یابد اما هنوز خیلی مانده است که به شکوفایی و رونق برسد. به دنبال تعطیل روزنامه‌ی تفنگدار هفته‌نامه‌ی مونت کریستو را تأسیس می‌کند که تماماً به رمان و تاریخ و سفرنامه و شعر اختصاص دارد.

۱۸٥۹-۱۸٦٥: به دفعات، شروع به مسافرت به ولایات می‌کند و در فواصل آن به انگلستان و سوییس و بلژیک و ممالک باسک نیز سفر می‌کند. در ۱۸٦۰ به دنبال جوزپه گاریبالدی، آزادیخواه ایتالیایی می‌رود و به سرپرستی موزه‌ی ناپل منصوب می‌گردد. روزنامه‌ی لین دیپندنته (L'Indipendente) را به طرفداری از گاریبالدی تأسیس می‌کند که به زبان‌های ایتالیایی و فرانسوی منتشر می‌شود.

۱۸٦٦-۱۸۷۰: در انگلستان پناهنده می‌شود. رمان‌های والتر اسکات را دوباره می‌خواند که بر آخرین مرحله از نویسندگی‌اش تأثیر می‌بخشند. روز پنجم دسامبر ۱۸۷۰ در ناحیه‌ی دی‌یپ (Dieppe) و در کنار پسرش می‌میرد... و این در حالی است که پروسی‌ها به میهن او، فرانسه هجوم آورده‌اند.









راستی این روبسپیر چگونه آدمی بود؟



آغاز کار او
برگرفته از فصلی از کنتس دوشارنی
چهارمین رمان از چهارگانه
(«تترالوژی») خاطرات یک پزشک
آلکساندر دوما

■ ترجمه: قدرت‌الله مهتدی

ماکسیمیلیان روبسپیر وکیل دعاوی‌ای خرده‌پا اهل آراس بود که مصادرِ امور در جامعه‌ی سیاسی او را با اوصاف ناخوشایندی چون لَحن و صدایی ضعیف و زننده، چهره‌ای لاغر و غم زده، پیشانی‌ای چسبیده به جمجمه مانند پوست ـ نبشته‌ای به زردی گراییده، چشمانی تیره و کدر با نگاهی همچون شعله‌ای مایل به سبزی اما بی‌دوام،و... می‌شناختند. وقتی که او با این اوصاف به نمایندگی از زادگاهش به جمع نمایندگان «مجلس طبقات عمومی» (ETATS.GENERAUX) ـ و «مجلس موسسان بعدی» (ASSEMBLEE NATIONALE CONSTITUANTE) ـ پیوست، با آن قیافه‌ی خسته و دژم از یک زندگی سختی که با یک یتیم شدگی زودهنگام آغاز شده بود، و با آن یکتا لباس زیتونی رنگ‌اش ـ اگر هم در آن مجلس نخستین آدمی عادی و متعارف می‌نمود ـ در این مجلس و نهاد بعدی و در جمع اشخاص برجسته و بعضاً ثروتمند و پر زرقی چون میرابو (MIRABEAU) بارنا و (BARNAVE) و سی‌یس (SIEYES) که افزون بر مزایای ظاهری سخنوران و نطّاقان چیره‌دستی هم بودند وصله‌ای ناجور می‌نمود. خانواده روبسپیر ایرلندی الاصل بودند که اجدادشان در قرن شانزدهم از پاره‌ای مدارس مذهبی و صومعه‌ها سر در آوردند و در آنجاها زیر دست کشیشان و راهبان یسوعی («ژزوئیت») تربیت می‌شدند و از جمله آموزش‌هایی که می‌دیدند آموختن فن و ترفند پرگویی در مسایل، بگو مگو کردن و از پا درآوردن حریف با سفسطه‌هایی مستدل‌نما بود. آنان پدر و پسر به شغل سردفتری و مُحَرّی اشتغال داشتند. شاخه‌ای از خانواده که این روبسپیر ما ـ واین گیوتین باز قهّار «دوره ترور و وحشت» در انقلاب کبیر فرانسه و این کَسی که سرهای بسیار کسان، از اشراف و انقلابیون و مردم وضیع و فرودست، را با سردی تیغ آن ماشین مخوف آشنا کرد به آن تعلّق داشت در آراس، که می‌دانیم مرکز بزرگ نجیب‌زادگان عُرفی و دینی بود، رحل اقامت افکند. ماکسیمیلیان روبسپیر، به سال ۱۷۵۸ در آن شهر به دنیا آمد. آقا و خانم روبسپیر چهار فرزند داشتند و پدر خانواده همسرش را از دست داد و آنگاه، در زیر بار اندوه، دست از شغل وکالت برداشت و برای فراموش کردن آن غم جانکاه به سفر کردن پرداخت و هیچگاه به شهر و دیارش باز نگشت و آنوقت ماکسیمیلیان نگونبخت و یازده ساله همینکه دست چپ و راستش را شناخت خود را رئیس خانواده و سرپرست یک برادر و دو خواهر یافت. و باید انصاف داد که این کودک تیره روز بیدرنگ وظیفه‌اش را درک نمود و عجباکه مرد شد... در چشم بر هم زدنی که یک بیست و چهار ساعت پیش نبود همان چیزی که تا به آخر نیز بماند: چهره‌ای که گاهی لبخند می‌زند، با روح و جانی که هرگز نخندید.

بهترین شاگرد کالج‌اش شد، بورس تحصیلی گرفت و به «کالج لوئی کبیر» رفت.

تنها وارد پاریس شد. توصیه‌اش را به کشیشِ کلیسای جامع نوتردام کردند که اتفاقاً در همان سال مُرد. تقریباً در همان زمان کوچکترین خواهرش که عزیزترین هم بود در آراس از دنیا رفت. سایه سنگین یسوعیون که به تازگی از فرانسه مطرودشان کرده بودند هنوز بر «کالج لوئی کبیر» حکمفرما بود. دوره‌های تحصیلی آن کالج که تیره و بی‌فروغ می‌نمود و همچون زندان باستیل سهمگین بود شاداب‌ترین چهره‌ها را هم از رنگ و رو می‌انداخت. چهره‌ی روبسپیر جوان رنگ پریده بود و آنوقت آن دوره‌های درسی خفه و دلمرده‌اش هم گردانیدند. بچه‌های دیگر گهگاه پای از کالج به بیرون می‌گذاشتند و برایشان روزهای یکشنبه و جشن و سروری هم در سال بود. برای این یتیم «بورسیه»ی بی‌یار و یاور همه‌ی روزها یکجور بود. در حالی که شاگردان دیگر هوای خانواده را هم تنفس می‌کردند او هوای انزوا و اندوه و دلتنگی را در نای و ریه‌های خود فرو می‌برد... و کیست که نداند آن سه تیره ـ نفس در دل و روح آدمیان آتش حسرت و نفرت می‌افروزند و از جانها گل و گلبرگ شادمانگی و سرزندگی به تاراج می‌برند. پس، چنان نا مبارک نفس زندگی‌سوزی این نوجوان را پژمرده گردانید و از او جوانی خنک و بی‌مزه بساخت و بپرداخت... چندان که بعدها کسی باورش نمی‌شد که بالاخره زمانی «پرتره» یا تصویری از روبسپیر در سن بیست و چهارسالگی بوده است که وی را با گل سرخی در یک دست و دست دیگر بر سینه و همراه با این شعار: «این همه برای دلدارم!» نشان می‌دهد... خب، آخر او با دختر جوانی پیوند زناشویی بسته بود و در آن روزها بود که خودش را در آن حالت به دست نقاشی سپرد تا تصویری از او بکشد!

آری، پدر روحانی آبه‌سن واآست (SAINT-WAAST) که آن بورس تحصیلی در کالج لوئی کبیر را برایش گرفته بود همچنان حامی او باقی ماند و بورسی هم برای برادرش در همان کالج گرفت و برای خود روبسپیر هم در دادگاه جنایی شغل قضاوت دست و پا کرد. آن زمان، پرونده‌ای را برای صدور حکم به پیشش آوردند: مجرم یک قاتل بود. آنوقت روبسپیر پشیمان از اینکه اختیار جان آن شخص را، که تازه دو قاضی دیگر قبلاً جنایت‌اش را محرز دانسته بودند، به دستش داده‌اند استعفای خود را تقدیم کرد و به کار وکالت دعاوی پرداخت... بالاخره باید زندگی می‌کرد و شکم خواهرش را سیر می‌ساخت. هنوز نام خودش را در فهرست وکلای دعاوی کاملاً به ثبت نرسانیده بود که روستاییانی از او خواهش کردند که وکالت‌شان علیه اسقف آراس را برعهده بگیرد. حق هم با آنان بود و روبسپیر که از حقانیت ایشان، پس از مطالعه و بررسی مدارک، متقاعد شده بود به دفاع از ایشان پرداخت و برنده هم شد... و آنوقت در گرما گرم آن موفقیت به «مجلس ملّی» فرستاده شد. در آن مجلس، او خود را از دو سو درگیر یافت: «از یک سو دشمنی کشیشان نسبت به وکیل مدافعی که جرأت به مدافعه علیه اسقف آراس یافته بود، و از سوی دیگر نفرت و بیزاری نجیب‌زادگان ولایت آرتوا (ARTOIS) ـ که آراس مرکز آن بود ـ در حق آن «عدلیه‌چی» که از برکت احسان و صدقه برکشیده شده و به جایی رسیده بود... باری، البته نخستین نطق او در آن مجلس که به طرفداری از «طبقه‌ی سوم» [یعنی «طبقه عوام‌الناس»، در مقابل «طبقه‌ی نجیب‌زادگان» و «طبقه روحانیون»] ایراد کرد هرچند که رسا می‌نمود، اما حاکی از آینده‌ای برای او نبود...

تا می‌رسیم به ماه اکتبر ۱۷۸۹. نمایندگانی از زنان پاریس از سوی موکلان خود به مجلس ملّی آمدند تا دربارهٔ گرسنگی ایشان و نیاز فوری به نان داد سخن بدهند. همه اعضای آن مجلس به صندلی‌های خود چسبیدند و خفقان مرگ گرفتند. روبسپیر، این وکیل دعاوی کوچک، اما نه تنها تب و تابی بیش از دیگران نشان داد بلکه تهوری بسیار از خود بروز داد. همه آن به اصطلاح مدعیانِ دفاع از مردم لب از سخن بسته بودند، و در این حال روبسپیر دوبار قد عَلَم کرد و به دفاع از آن زنان نگونبخت که، نالان از قحطی، نان می‌خواستند سخن گفت. روبسپیر را که بعدها با عنوان «فساد ناپذیر» نیز نامیده شد به دشواری می‌توان انگ سازشکاری زد و به خودفروشی متهمش کرد. تازه چه کسی حاضر می‌شد او را که همه خنده‌دارش می‌یافتند بخرد؟ وی دستکم در آن مراحل پیش از «دورهٔ ترور و وحشت» آدمی انگشت‌نما بود و همگان مایه خنده‌اش می‌دیدند. میان نجیب‌زادگان «ژاکوبن» مجلس توافقی ضمنی شده بود که «آقای روبسپیر مردم مضحک مجلس باشد که همه را سرگرم کند... و باید هم سرگرم کند... و همه حق دارند تقریباً مسخره‌اش کنند. آخر، مجالس گاهگاهی حوصله‌شان سر می‌رود.

پس، باید آدم خُل و چلی باشد که نمایندگان را گاهی بر سر حال بیاورد و شادبگرداند. گاهی دوستانش با لبخندهای زیر جُلکی او را به جفای دشمنان تسلیم می‌کردند و آنوقت دشمنانش وقتی سخن می‌گفت او را هو می‌کردند و بلندبلند می‌خندیدند. آنگاه که صدا بلند می‌کرد هرکسی غریو و فریاد برمی‌آورد... سپس آنگاه که به سود یک حق و همواره در دفاع از یک «پرنسیپ» سخنرانی‌ای می‌کرد که هیچکس به آن گوش نکرده بود، تازه یک عضو گمنام مجلس ـ در حالی که نگاه چپ‌چپ سخنران یکدم بر روی او ثابت می‌ماند ـ با لحنی طعنه‌آمیز و از روی طنز خواستار ثبت و چاپ آن سخنرانی می‌شد. گویا تنها یک نفر از همه آن نمایندگان منظور او را فهمیده بود و جدّی‌اش می‌گرفت... و او کسی جز میرابو سخنران شهیر و بلیغ انقلاب کبیر فرانسه نبود که روزی درباره روبسپیر با شگفتی به فردی گفت: او کسی خواهد شد، زیرا به هر چه می‌گوید باور دارد...

***

روبسپیر سرانجام روز ۲۷ ژوئیه سال ۱۷۹۴ و پس از دورانی از ترور و وحشت که خود با آن همگان را به ستوه آورده و بسیاری از یاران سابق را به گیوتین سپرده بود سرنگون شد و روز بعد دَم سرد همان گیوتین بر گردنش فرود آمد و گروه بسیاری را که تا او زنده بود برجان خویش ایمن نبودند را وحشت برهانید.





یادی از استاد مرتضی ثاقب‌فر

■ علیرضا افشاری



۱. استاد مرتضی ثاقب‌فر (۹ مـرداد ۱۳۲۱ ـ تهـران)، مترجـم نامیِ آثـار تاریخی و جامعه‌شـناس، صبح دوشنبه یازدهم دی‌ماه در بیمارسـتان رسـول اکرم درگذشت. او، از دو روز پیش از آن، در پی سکته مغزی ناشی از فشار خونِ بالا در هنگام ورزش صبحگاهی، در بخش مراقبت‌های ویژه آن بیمارستان بستری بود. پذیرشِ مرگ او برای دوست‌دارانش و کسـانی که بیشتر در فضاهای انجمنی شـاگرد او بودند و حتی تـا چند روز پیش با او در ارتباط بودند، بسیار سخت و شوکه‌آور بود. هر چند معدودی از دوسـتان نزدیک که در این اواخر با او دیدار داشـتند تا حدودی از انبوه مشکلاتی که داشت و اُفتِ سلامتی‌اش آگاه بودند، اما آنها هم هیچ آمادگی چنین وضعیتی را نداشـتند. مرگ به سرعت روی داد و همه آنانی که این مرد شجاع را می‌شناختند در اندوه فرو برد.

شـادروان مرتضی ثاقب‌فر دارای مدرک کارشناسـی ارشـد جامعه‌شناسـی از دانشگاه سـوربن فرانسه و یکی از مترجمـان پرکار در حوزه‌ی ایران‌شناسـی بود. بیشـتر ترجمه‌های ثاقب‌فر در زمینه‌ی تاریخ هخامنشـی اسـت و شماری از منابع و مراجع اصلی در زمینه هخامنشی پژوهی به دست او به فارسی ترجمه شد؛ ضمن این‌که با سبکی، خاص خود، و با شیوه دقیق به ترجمه این آثار پرداخت. او با توجه بـه مؤلف بودن خودش در زمینه ایران‌شناسـی، بر خلاف بسـیاری از مترجمان که خود را در برابر خواننده مسـؤول نمی‌دانند هرجا که نوشتار اصلی را دچار خطا و یا بی‌انصافی می‌دید، در پاورقی یا مقدمه ایرادها را یادآوری می‌کرد.

۲. از ویژگی‌های اخلاقی استاد بسیار می‌توان گفت و امیدوارم دوسـتانی که در این سـال‌ها از خوانِ «مهر فراوان او بـه ایـران» بهره بردنـد خاطره‌هایی را که از او داشـتند ثبـت کنند: از خضوع و افتادگـی‌اش در برابر توانایی‌های دانشـی دیگران و هم‌چنین از بی‌ریایی و بی‌غل‌وغشـی او در نقدِ دیگران، حتی دوسـتانِ نزدیـک؛ از وقت و نیرویی که برای همراهی با نسلِ جوان و کوشش‌های میهن‌پرستانه می‌گذاشـت، با وجودِ آن‌که بسیار بیشـتر از دیگر استادان تنگی وقت داشت؛ از نقدی که بر هر گونه تندروی داشت، به‌ویژه در پژوهش‌های ایران‌شناسـی، و تأکیدی که همیشه بر این نکته داشت که تاریخ و فرهنگ ایران بسیار افتخارآمیز اسـت و اصلاً نیازی به جعل ندارد و مبادا اکنون که جامعه روی به آن آورده اسـت آن را به‌گونه‌ای بنمایانیم که باعث سرخوردگی شود

۳. اسـتاد هر چند به خاطر نیاز مالی‌اش به‌شدت به کار سرگرم‌بود، امابی‌تردیدنقش‌روحیه‌مقاوم‌وخستگی‌ناپذیرش در اجرای این برنامه سـنگین با زمان‌بندی‌ای دقیق ــ آن‌هم برای زمانی بسیار طولانی ــ بسیار مؤثر بود: صبح خیلی زود ــ حدود سـاعت ٤ ــ بیدار می‌شـد و در محل زندگی‌اش، شهرک اکباتان، نیم‌ساعتی را می‌دوید؛ پس از خوردن صبحانه مشغول به ترجمه می‌شد با یک فلاکس آب‌جوش در اتاق؛ رأس ظهر، پس از صرف ناهار، سـاعتی را می‌خوابید و باز به کار می‌پرداخت تا سـاعت ۵؛ یعنی، دسـت‌کم ۹ ساعت کار بی‌وقفه. می‌توان گفت که این انضباط درونی را از استاد و الگوی بزرگش فردوسـی فرا گرفته بود که قطعاً او نیز با برنامه‌ای دقیق و رفتاری منضبط توانسـته بود آن گام بزرگ فرهنگـی را بردارد. اما هـم او و هم ما دریغ می‌خوردیم که کمتر می‌توانست به آنچه دوست دارد بپردازد.

با نگاهی گذرا به مجموعه مقاله‌هایش در حوزه‌ای که مدرک دانشگاهی داشت ــ جامعه‌شناسی ــ و کتاب‌هایی کـه در این زمینه ترجمه کـرده بود و هم‌چنین نقدهایی که به جامعه‌شناسـان برجسته داشت، به جرأت می‌توان گفت کـه حرف‌های نویی داشـت که اگر سـرِ فرصـت به آنان می‌پرداخت می‌توانسـت به ایده‌ای ملی در این حوزه ختم شـود. هم‌چنان‌که با پیدا کردنِ اندک فراغتی در دورانی که کاری به او رجوع نمی‌شد توانست نظریه‌اش درباره سقوط ساسانیان را به کتابی عمیق تبدیل کند؛ کتابی که در عین حال می‌توان آن را جزو پژوهش‌های برجسته در زمینه شاهنامه قرار داد (شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران).

بـا این حال، بـا نگاهی به آثارش می‌تـوان نتیجه این سخت‌کوشـی‌ها را دیـد؛ تألیـف و ترجمه بیـش از هفتاد جلـد کتاب، که اکثر آن‌ها جـزو کتاب‌های مرجع در حوزه جامعه‌شناسی و تاریخ و فرهنگ ایران به شمار می‌آیند. برخی ترجمه‌های او ــ از دو زبان فرانسوی و انگلیسی ــ عبارت‌اند از: شماری از جلدهای «یونانیان و بربرها» (امیرمهدی بدیع)، مجلـدات «تاریـخ کمبریج»، مجموعـه ١٤ جلدی «تاریخ هخامنشیان» دانشگاه خرونینگن هلند و «اخلاق پروتستانی و روح سـرمایه‌داری» ماکس وبر، تاریخ پزشـکی در جهان (جلد ۸، از فرانسـه)، خلاصه زندگی‌نامه علمی دانشوران، روان‌شناسی جدید، رساله‌ای درباره آزادی‌ها، جامعه‌شناسی معاصر آلمان، فرهنگ و دموکراسی، جامعه‌شناسی و فلسفه، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی، ایدئولوژی‌های مدرن سیاسی، کـوروش بزرگ (ژراژ ایسـرائل)، ایران باسـتان (جوزف ویزه‌هوفر)، از ایران زرتشتی تا اسلام، ایران در دوره پهلوی (لنچوفسکی)، رضاشاه و شـکل‌گیری ایران نوین (استفان کرونیـن)، شاهنشـاهی ساسـانی (دکتر تـورج دریایی)، شاهنشاهی اشکانی (یوزف ولسکی)، شاهنشاهی هخامنشی (جیمز مائول کوک)، مقالات سیاسی و ایران‌شناسی تقی‌زاده، تاریـخ هـرودوت (جلد ۱ و ۲)، دین مهر در جهان باسـتان (دومین کنگره مهرشناسی تهران)، شهریار، جلدهای ۳ و ۷ تاریخ عمومی آفریقا،...

٤. اسـتاد، در این سـال‌ها، با همه مشکلاتی که داشت در همراهـی با جوان‌ها کوتاهی نمی‌کرد؛ هر چند خودِ من پس از آن‌که آشـنایی‌مان بیشـتر شد و از فشردگی و شدت کارش آگاه شـدم کمتر وی را به جهتِ سـخنرانی دعوت یا در همایشی مهمان می‌کردم، مگر در مواردی مهم. ای کاش ناشرانی که آثار او را، به خاطرِ نیازش، پیش‌خرید می‌کردند کمی روادارانه برخورد می‌کردند و از چاپ‌های پرشمارگانِ سالانه‌ای که از آن آثار می‌زدند درصدی را هم به مترجمش می‌دادند.

و باز با وجود مشـکلاتِ عدیده و کار زیادش، ذره‌ای از مسؤولیتش غافل نمی‌شد؛ تا آن‌جا که یک‌بار ــ با وجودِ نیاز شدیدش به کار و تنگی وقتی که اشاره شد ــ در اقدامی شگفت از ناشرش، به‌دلیل آن‌که از چاپ مقدمه و پانویس‌های وی در کتاب خودداری کرد، شکایت کرد؛ پانویس‌هایی که توجه خواننده را به نگاهِ ایران‌سـتیز و غیرعلمی و نادرستِ نویسنده جلب کرده و با آوردن آگاهی‌ها و منابعی از گمراه شدنِ او جلوگیری می‌کرد. ناشر پس از آن‌که ناگزیر شد آن پانویس‌هـا و پیش‌گفتار را حفظ کنـد در آغاز کتاب چنین متنی را گذاشـت: «ناشـر وظیفه خود می‌داند اعلام کند که بـه رغم تأیید برخی از مطالب مطرح‌شـده در پیش‌گفتار و پانوشت‌های مترجم محترم، با لحن و ادبیات به‌کار رفته در آنها موافق نیسـت؛ با این حال، در چاپ کتاب با احترام به خواسـته مترجم و اصرار ایشـان، از حذف یا ویرایش آن‌ها خودداری کرد. خوانندگان گرامی می‌توانند مطمئن باشـند که ترجمه متن کتاب، چون دیگر آثارِ این انتشارات، به تأیید ویراستاران [؟] مؤسسه رسیده و به متن اصلی کتاب وفادار اسـت»، که بند دوم اهانتی به استاد بود که خود سرویراستار آن انتشـارات به شـمار می‌رفت و بارها در گفت‌وگوهای خصوصی از چنین برخوردی اظهار نارضایتی کرده بود.

و مهم‌تر از همه او هیچ‌گاه از اندیشیدن به ایران بازنماند. خبرهـا را پی‌گیری می‌کرد، درباره مسـائل بحث می‌کرد و بی‌پـروا حاضـر بود تن به هر کاری برای سـرافرازی ایران بدهـد؛ او هم تجربه مبارزه داشـت و هـم آگاهیِ آن را؛ از جهانِ چپ، با کوله‌باری از خوانشِ دقیق و فهم متن‌ها، آمده بود و با تجربه زیسـتِ دانشـگاهی در غرب و هم‌کلامی با بزرگانِ جامعه‌شناسی، تن به دریای بی‌کران فرهنگ ایرانی سپرده بود.

۵. در ماه‌های پایانی زندگی استاد آنچه قابل پیش‌بینی بود رخ داد؛ او دچار بیماری چشـمی‌ای شـد که به توقف ناگزیـرِ کار انجامیـد؛ بیمـاری‌ای که نه تنها بـرای وی که پس‌اندازی نداشـت به خودی خود فاجعه‌ای بود، بلکه به معنای پرداختِ هزینه‌های بالای پزشـکی نیز بود. هر چند اندکی بخت با او یار بود و به تازگی بیمه شـده بود، اما این کمـکِ تأثیرگذاری نبود. و در این دورانِ سـخت، ضربت روحیِ سخت‌تری هم بر وی وارد آمد...

٦. نمی‌توان سخن درباره استاد را به پایان برد و از همسر گرامی‌اش ــ که در تمام این سال‌ها استاد هنگام سخن گفتن از او، از همراهی‌هـا و بزرگواری‌هایش به نیکی یاد می‌کرد ــ سـخن نگفت. امیدوارم صبورانه بتواند مشـکلات را از سـر بگذراند؛ هر چند چنین کاری را به‌تنهایی انجام دادن ــ آن‌هم پس از سـال‌ها زندگی عاشـقانه و داشتنِ شریکی هم‌دل و همراه ــ کاری اسـت به‌غایت سـخت. او می‌داند آنچه نوشـته‌ام تنها از این روسـت که کسانی چون مرتضی ثاقب‌فر متعلق به سـپهر فرهنگی تمدنِ غنیِ ایران‌زمین‌اند؛ هر چند این تمدن پیر نتواند آن‌گونه که شایسته است پاسخ مهر ثاقب‌فرها را در دورانِ زندگی‌شان بدهد اما آنچه به آنها می‌بخشد همانا آن چیزی است که همگان خواهانش هستند ولی کمتر کسی به آن دست می‌یابد؛ خرداد و امرداد... رسایی و جاودانگی.







معنای ناب خودشکوفایی

■ دکتر غنچه راهب



فرآیند زندگی انسان‌ها، عرصه‌ای است که هر فرد نقش‌های گوناگونی را در پهنه هستی، به اختیار یا جبر، بر عهده می‌گیرد. از این رو، انسان‌ها در آفرینش هر نقش دوباره متولد می‌شوند. اما آیا انسان واقعاً خود آفریننده نقش‌های خویش در طول زندگی است و یا مقهور دست گذشته، تقدیر و نظامهای از پیش ساخته شده‌ای است که از پیش تعریف کرده‌اند. به نظر می‌رسد که نظام آفرینش و خلقت از قوانینی همسان تبعیت می‌کند، با اندکی دقت در طبیعت فصل‌ها می‌توان به رازهای خلقت، رستن و نو شدن دست یافت اما شاید بزرگترین تفاوت انسان با هر آنچه در طبیعت می‌زید، زیبنده آفریده شدن او با توان تفکر، اراده و اختیار است.

بی‌شک در لاله‌گون شدن دشت‌ها، دوباره نفس کشیدن شاخه‌های بید و جوانه زدن دوباره بوته‌های سنبل از دل خاک در بهار و در تولد انسان با تمامی توان بالقوه وجودی نقش‌آفرینی یگانه معبود هستی متجلی است اما گرفتار آمدن یک انسان در گودال تنگ و مخوف اعتیاد، نفس کشیدن یک فرد در هوای افسردگی و حرکت یک انسان در عرصه رشد، شکوفایی و بالندگی در شجاعت با اراده زیستن و یا گرفتار آمدن در زوال اندیشه، اختیار و اراده رنگ می‌گیرد. پس به نظر می‌رسد انسان در تولدهای پیاپی خویش، زیستن به معنای واقعی و رشد و تجلی وجودی، نقشی بی‌همتا دارد که خود آفریننده آن است. برای دستیابی به این هدف انسان می‌بایست خود را به عنوان مرکز زندگی خویش درک کند و به نوعی خالق و مخلوق خویشتن خویش باشد، شناختی عمیق از خود و دنیای پیرامون کسب کند، به پرورش توانمندی‌های خود بپردازد و با باوری مستحکم و کنترلی درونی مسیر زندگی خویش را هدایت کند. امروزه حرفه‌های یاورانه و علوم روانشناختی با نگاهی مثبت به زندگی و ارج نهادن بر آزادی شخصی، حرکتی نوین را در پرورش توانمندی‌های درونی آغاز کرده‌اند که دستیابی انسان‌ها را به خودسازی و خودشکوفایی میسر می‌سازد.



دنیایی که انسان‌ها برای خود می‌سازند و براساس آن به قضاوت در مورد خود و دیگران می‌پردازند در بسیاری از مواقع ساخته و پرداخته «افکار» آنهاست؛ بخشی از این افکار رسوبی است از هر آنچه در گذشته رخ داده است و یا خطاهایی که در برداشتشان از واقعیت حاصل شده است، به عبارتی این افکار به مانند عینک رنگی است که ما بر چشم زده‌ایم و مانع از درک درست واقعیت‌ها می‌شود. بنابراین گام اول برای خوب زیستن، درک درست واقعیت‌هاست. برای دستیابی به این هدف، تمرین برای داشتن حضور ذهن و در زمان حال زیستن از اهمیت بسزایی برخوردار است. به عقیده «ربکا کرین» حضور ذهن نوعی قابلیت بالقوه در انسان برای رهایی از رنج است (ربکا کرین، ۲۰۰۸). بسیاری از رنج‌ها و دردهای انسان‌ها ناشی از ناتوانی آنها در کنترل افکار و توجه است. شاید در گفتگو با افرادی که مبتلا به مشکلات روانشناختی هستند این واژه بسیار شنیده شود «گذر این افکار دست خودم نیست» در حالی که انسان‌ها به‌خوبی قابلیت کنترل و هدایت افکار خویش را دارند اما به دلیل اینکه بیرون آمدن از پوسته کهنه در خود فرو رفتگی و ایجاد تغییر نیاز به شناخت، شجاعت، پویایی و خلاقیت دارد بسیاری از افراد فرو رفتن به بستر سکون، راکد و کهنه پیشین را ترجیح می‌دهند؛ حتی اگر این بستر آغشته به درد و اندوه باشد. آنچه دردناکتر است و همچون مرضی مهلک بر پیکر یک جامعه ضربات سهمگین وارد می‌سازد رسوخ این رکود در بطن جامعه و پناه بردن مردم یک جامعه به این چاه تنگ و تاریک غم و اندوه است، در این هنگام است که دریچه‌های نفس کشیدن، بالیدن و شجاعانه ره پوییدن بسته می‌شود و روح انسان‌ها در تاریکی و آلودگی طرحواره‌های غم خواهد مرد. چنین مردمانی در عادت‌های پیشین خود وامانده‌اند و به واکنش گرانی شرطی بدل شده‌اند که اندیشیدن و اراده‌مند پیش رفتن از آنها سلب شده است. حضور ذهن و آگاهی منجر به این توانایی می‌شود که انسان‌ها علیرغم تجربه افکار و احساسات منفی، آنها را درونی نکنند و ابعاد گوناگون زندگی خویش را با آن همانند نپندارند. به عبارتی، بتوانند از حالات و افکار منفی خویش جدا شوند و به توسعه آگاهی، ایجاد تغییر در زندگی و سلامت روان دست یابند. حال شاید این سؤال در ذهن خواننده ایجاد شود که چگونه می‌توان به این اهداف دست یافت.

بی‌شک تولد دوباره و دوباره انسان و دست‌یابی به سلامت روان در عرصه پرورش انسان توانمند که شکوفایی کامل توانایی‌های بالقوه‌اش را بزرگترین وظیفه خویش می‌داند، محقق می‌شود. انسان توانمند و خود شکوفا در آزادی و اختیار در تصمیم گیری پرورش می‌یابد، انسانی که خاستگاه انگیزه‌های زیستنش از انگیزه‌های بیرونی به انگیزه‌های درونی مبدل می‌شود، انسانی که منابع کنترل او از عوامل بیرونی به درونی تغییر می‌یابد.

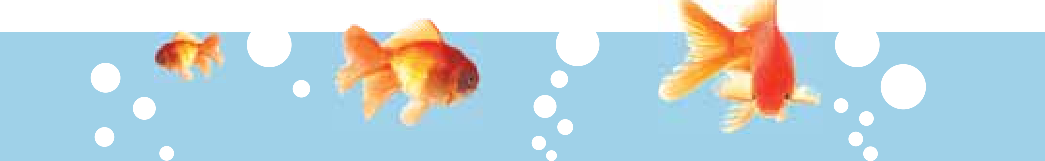
بین انگیزه‌های درونی و بیرونی تفاوت وجود دارد. انگیزه‌های بیرونی، ما را به انجام دادن کارهایی برمی‌انگیزاند که نتایج آنها برایمان خوشایند است به طور مثال خوب درس می‌خوانیم چون به دنبال کسب نمره عالی هستیم و یا به دیگری محبت می‌کنیم چون به دنبال کسب محبت از سوی او هستیم، اما انگیزه‌های درونی ما را به تلاش ترغیب می‌کنند، چون ما به خود آن کار عشق می‌ورزیم و آن فعالیت را عملی ارزشمند می‌دانیم و با معنا تلقی می‌کنیم به طور مثال خوب درس می‌خوانیم چون دانستن برای ما با اهمیت است به دیگران مهر می‌ورزیم چون مهر ورزیدن عملی شایسته و لذت بخش است. بی‌شک انگیزه‌های درونی هستند که بستر شکوفایی و بالندگی پایدار را در انسان متبلور می‌سازند، انسان براساس انگیزه‌های درونی می‌تواند حرکتی پویا، مستمر و امیدبخش را داشته باشد زیرا براساس انگیزه‌های درونی هیچ عامل بیرونی نمی‌تواند مانع حرکت انسان شود و امید و آزادی را از او سلب نماید. در چنین شرایطی است که انسان می‌تواند خود کنترل زندگی خویش را به دست گیرد و منابع کنترل بیرونی مانع از حرکت او نمی‌شوند، ویلیام گلاسر، در کتاب خود با عنوان نظریه انتخاب می‌نویسد «بذر تقریباً تمام بدبختی‌های ما در سال‌هایی کاشته می‌شود که با آدم‌هایی سرو کار داریم که معتقدند نه تنها دریافته‌اند چه چیزی برای خودشان درست است بلکه صلاح دیگران را نیز می‌دانند و بنابراین تفکر دیگران را مجبور می‌کنند کاری را که از نظر آنها درست است، انجام دهند» (۱۹۹۸) معنای این تفکر و رفتاری که به دنبال دارد کنترل بیرونی است، این کنترل می‌تواند به ظرافت یک نگاه مخالفت‌آمیز یا به صراحت یک تهدید باشد اما هرچه هست تلاشی برای مجبور کردن ماست تا کاری را انجام دهیم که ممکن است نخواهیم انجام دهیم، فرض عملیاتی اینگونه پرورش دادن انسان‌ها آن است که اگر پاداش دهی یا تنبیه کنی فرد مقابل را می‌توانی هدایت کنی، بی‌شک لازمه کنترل درونی قدرت یافتن برای رهایی از این نظام پاداش و تنبیه و رهایی از بازی‌های نهفته و آشکار در دست دنیای پیرامون ماست. راسل می‌گوید «برخی در درون خود زندگی می‌کنند و برخی دیگر، فقط آیینه‌هایی هستند برای نمایاندن آن چه دیگران در مورد آنان می‌گویند و می‌اندیشند، اینان هیچگاه نمی‌توانند به راستی دلیر باشند، زیرا نیازمند ستایش دیگران و همواره در بیم از دست دادن آنند» بنابراین برای آزاده بودن و حرکت به سمت شکوفایی انسان می‌باید «خود بودن» خود را درک کند، یعنی اینکه چگونه فردیت خویش را در عین همبستگی با گروه و در آمیزی با جامعه حفظ کند و جرأت خود بودن را در همه ابعاد زندگی داشته باشد و حرکت از داشتن به سوی بودن را تجربه کند، منظور از بودن به معنای زنده بودن و پیوند اصیل با جهان هستی است و گذر از داشتن به معنای گذر از «رابطه مالکیت و تصاحب» است که انسان سعی بر آن دارد که همه کس و همه چیز را جزو دارایی و مایملک خود نمایند و بر آن فرمانروایی کند. تحقیقات نشان داده است، انسان‌هایی که به تعامل عمیق با هستی پیرامون خود دست یافته‌اند و هدف‌هایی معنادار در راستای فضایل انسانی «خرد»، «شجاعت»، «انسانیت»، «عدالت»، «میانه‌روی» و «تعالی» را داشته‌اند از احساسات مثبت و سلامت روان بالاتری برخوردار بوده‌اند.

تاکنون عواملی همچون بالا بردن سطح شناخت و آگاهی، دستیابی به انتخاب و آزادی شخصی برای چیرگی بر محیط، رشد شخصی خود و خود بودن و انتخاب اهداف متعالی در زندگی را عواملی مؤثر برای شکوفایی و حرکت دانستیم اما توجه به داشتن روابطی مثبت با دیگران، توجه به عواطف و نیازهای خود عوامل دیگری است که می‌تواند به سلامت روان انسان کمک نماید و شکوفایی انسان را به دنبال داشته باشد. انسان خود مسئول زندگی خویش است و اوست که می‌بایست خود را مسئول شناخت استعدادها و توانائی‌هایش بداند و در راستای پرورش آنها پوینده و کوشا گام بردارد. به شناخت در مورد نیازهای وجودیش از ابعاد گوناگون دست یابد و در راستای برآورده ساختن آنها منطبق با منطق و واقعیت‌های بومی جامعه گام بردارد، اوست که می‌بایست عواطف خویش را شکوفا سازد و به لحظه‌های ناب بروز عواطف مثبت دست یابد و عواطف منفی خویش را کنترل و مدیریت کند.

زندگی انسان‌ها در اجتماع و در تعامل با دیگران معنا می‌یابد و هرچه انسان از شبکه حمایتی گسترده‌تری در تعامل مثبت با سایرین برخوردار باشد، از بهداشت روانی بالاتری برخوردار است. داشتن شبکه ارتباطی قوی با توانائی‌های ارتباطی افراد مرتبط است. ارتباط مثبت و بهینه، ارتباطی است که در آن درک و همدلی، پیوستگی و دلبستگی، عشق و رویش، امنیت، اعتماد و احترام، شکوفایی طرفین رابطه، امید و آفرینندگی نقش دارد. چنین رابطه‌ای به دور از هرگونه روابط سلطه‌گری و سلطه‌جویی است، انسان‌ها در چنین روابطی احساس بالندگی، امید و گرمی را تجربه می‌کنند و به همه سالاری دست می‌یابند، چنین روابطی شادی‌آفرین است و احساس امنیت و گرمی را با خود به دنبال دارد. بی‌شک چگونگی ارتباط انسان با عالم معنا و اعتقاد و باورهای معنوی عامل دیگری است که انسان خلقت خویش را معنادار ارزیابی می‌کند. پیوستگی و توکل به یگانه خالق هستی، دنیای پیرامون فرد را برای او امن و سراسر معنا می‌سازد، باوری که می‌تواند انسان را از گام نهادن به پوچی و بی‌پناهی دورسازد.

امید و خوش‌بینی ازجمله عوامل دیگر مؤثر بر داشتن احساسات مثبت، شادمانی و خودشکوفایی است که بی‌شک در حرکت و پویایی انسان‌ها نقشی بسزا دارد، امیدوار بودن با توانایی ما برای پرورش این باور در خود که توانایی مدیریت زندگی خود و روبرو شدن با ناملایمات را داریم مرتبط است. افراد امیدوار گفتگوی درونی «من از عهده‌اش برمی‌آیم» یا «تسلیم نخواهم شد» را دارند، این افراد وقتی در رسیدن به اهدافشان با موانعی روبرو می‌شوند هیجان‌های منفی را با شدت کمتری تجربه می‌کنند زیرا برای دستیابی به هدف‌های خود مسیرهای جایگزین انتخاب می‌کنند و یا با انعطاف هدف‌های قابل دسترس‌تر را برمی‌گزینند، خوش‌بینی نیز به عنوان یک صفت شخصیتی و یک سبک تبیینی مفهوم‌سازی شده است که در آن علل رویدادهای منفی به جای عوامل درونی ثابت و کلی به عوامل بیرونی گذرا و خاص نسبت داده می‌شود (آلان کار، ۲۰۰۸).

انسان‌ها برای ساختن خود و دستیابی به خودشکوفایی می‌بایست به درک درستی از واقعیت وجودی خویش دست یابند و با هدایت افکار، عواطف و رفتارهای خویش نه تنها ساختار وجودی خویش را به سمت پویایی، تعالی و کمال هدایت نمایند بلکه خود را مسئول در مقابل جامعه و همنوعان خود بدانند و با بالا بردن سطح سلامت اجتماعی به یکپارچگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی پذیرش اجتماعی و در نهایت «خود شکوفایی» دست یابند.





تأملاتی در باب مفهوم «خودسازی»

پی یر هدو/ ترجمه: نازنین اردوباز ارچی



پی یر هدو Pierre Hadot (۲۰۱۰-۱۹۲۲) فیلسوفی فرانسوی و تاریخ دان فلسفه بود. تخصص وی در فلسفه باستان و خاصه در فلسفه نوافلاطونی بود. وی نخستین کسی بود که فلسفه ویتگنشتاین را وارد جریان فلسفی فرانسه کرد.

وی همچنین «تدبیر نفس» را که مفهومی بود در فلسفه باستان بالیده، تحلیل کرد و در این راه، مباحث فوکو را در جلدهای دوم و سوم «تاریخ جنسیت» دنبال کرد. این مقاله در کتابی چاپ شده که حاوی آراء فیلسوفان مختلفی در باب فلسفه فوکو است.

(این کتاب با نام «فوکوی فیلسوف» بزودی توسط نشر پایان و با ترجمه بنده به چاپ خواهد رسید.) هدو در این مقاله به همان مفهومی پرداخته که نقطه تلاقی اش با فوکو است یعنی همان «تدبیر نفس». هدو با تحلیل این مفهوم فلسفه باستانی سعی در رسیدن به انسان مدرن و دسترسی به و استفاده اش از خرد و شعور دارد. اینکه چگونه میتوان به خویشتن خویش نزدیک شد!

فوکو در مقدمه «کاربرد لذت» (l'Usage des plaisirs) و در فصلی از «نگرانی از خود» (Souci du soi) به مقاله‌ای از من اشاره می کند با نام «تدبیر نفس» (Exercices sprituels) که در کتاب «تمارین معنوی و فلسفه باستانی» من آمده است (این کتاب ابتدا در سال ۱۹۸۱ و با ویرایشی جدید در سال ۱۹۸۷ چاپ شد). ظاهراً نظر فوکو، هم به سمت شرحی جلب شده که از فلسفه باستان بعنوان هنر، شیوه و راهی برای زندگی، در آن مقاله ارائه داده‌ام و هم سعی‌ام در توصیف چرایی یکه‌تازی فلسفه مدرن در مباحث تئوری و عدم اعتنای آن به این سنت باستانی؛ و همینطور نظریه‌ای که در آن مقاله اجمالاً مطرح کردم و در کتاب «تدبیر نفس» بسط دادم مبنی بر اینکه مسیحیت، تدبیر نفس خاصی را که در دوران باستان به انجام می‌رسیده در جهت اهداف خود بکار گرفته است.

مایلم در اینجا چند نکته را به منظور شفاف‌سازی بیشتر این مواجهه میان من و فوکو و تفاوت‌های موجود در تفسیر و نهایتاً انتخاب فلسفی‌ای که ما را از هم جدا کرد ذکر کنم، انتخابی که می‌توانست پایه‌ای باشد برای گفتمانی که متأسفانه مرگ نابهنگام فوکو خیلی زود مانع آن شد.

فوکو در «نگرانی از خود» چیزی را که «تدبیر خویشتن» می‌نامد-امری که توسط رواقیون اشاعه داده شد-به دقت توصیف می‌کند: تدبیر خویشتن که تنها می‌تواند زیر نظر یک مراد تحقق یابد، توجه به تن و جان که مستلزم توجه به خویشتن است، تمرین ریاضت، آزمودن ضمیر، از صافی گذراندن بازنمایی‌ها و در آخر، گرایش به خویشتن، تملک خویشتن. فوکو این تدبیر را «هنر هستی» و «فنون خویشتن» می‌دانست. به عقیده من، شیوه‌ای که فوکو چیزی را که من «تدبیر نفس» می‌نامم توصیف می‌کند و تمایل دارد آن را «فنون خویشتن» بنامد، بیش از حد بر روی خویشتن و یا حداقل درک خاصی از خویشتن، تمرکز دارد.

فوکو اخلاقیات دنیای یونانی-رومی را اخلاق لذتی می‌داند که در خویشتن درک می‌شود: «به جای این گونه از لذت خشن، نامحتمل و موقتی، دسترسی به خود قادر به جانشینی گونه‌ای از لذت است که شخص می‌تواند در کمال آرامش و برای همیشه در خود درک کند.» فوکو برای توضیح این نظریه به نامه بیست وسوم سنکا اشاره می‌کند که در رابطه با لذتی است که در درون شخص یافت می‌شود. اما در رابطه با این موضوع به واقع باید بگویم در بیان او نوعی عدم دقت وجود دارد. سنکا در نامه بیست و سومش بوضوح لذت (voluptas) و خرسندی (gaudium) را در تقابل با هم می‌بیند و دیگر کسی نمی‌تواند در باب موضوع خرسندی به مثابه «گونه دیگری از لذت» صحبت کند، یعنی کاری که فوکو کرد. اختلاف بر سر الفاظ نیست، اگرچه رواقیون اهمیت زیادی برای الفاظ قائل بودند و تمایز دقیقی میان hedone و eupatheia، یعنی دقیقاً میان شادی و لذت قائل بودند (این تفاوت بعدها توسط فلوطین و برگسون که شادی را با خلاقیت مرتبط می‌دانست، مطرح شد). نه، بحث تنها بر سر لغات نیست، اگر رواقیون اهمیت زیادی برای لغت شادی قائل بوده‌اند دقیقاً به این دلیل بوده که از وارد ساختن اصل لذت در زندگی اخلاقی سرباز می‌زدند. برای آنها خوشی در لذت نبوده بلکه در تقوایی بوده که خود پاداش خود است. پیش از کانت، رواقیون حریصانه خواستار حفظ معصومیت تمایلات ضمیر اخلاقی بودند.

رواقیون شادی را در خویشتن نیافتند بلکه همانطور که سنکا می‌گفت «در بهترین بخش خویشتن»، در «نیکی راستین» یافتند یعنی در «سوق دادن خودآگاهی به سمت تمایلات نیکی که موضوعی غیر از تقوا ندارند، اعمال صحیح-که سنکا عقل کامل می‌نامید، که نهایتاً به معنای عقل اولوهی است چرا که نزد وی، عقل انسانی تنها عقل کمال‌پذیر است. بهترین بخش خویشتن، خویشتنی است به غایت متعالی. سنکا شادی را تنها دردرون خود نمی‌یابد بلکه در تعالی آن، با دریافتن اینکه در درون خود دارای عقل است، بخشی از عقل جهانی که در تمامی انسان‌ها و در خود جهان نیز وجود دارد.

در حقیقت، تمرین‌های رواقیون در فراتر رفتن از خویشتن، در تفکر و کنش در وحدت با عقل جهانی وصف می‌شود. سه عملی که توسط مارکوس اورلیوس و به تبعیت از اپیکتت توضیح داده شده‌اند در این زمینه اهمیت خاصی دارند: تصمیم‌گیری عینی موافق با عقل درونی، کنشی مطابق با عقلی که در تمامی انسان‌ها مشترک است، قبول سرنوشتی که از طرف عقل جهانی برای ما تعیین شده است. برای رواقیون یک عقل در اینجا وجود دارد و آن همان خویشتن حقیقی انسان است.

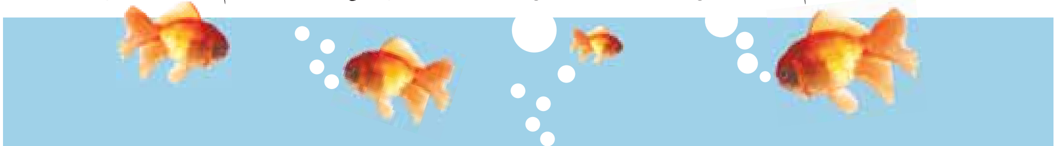
من دلیل فوکو را در مهم جلوه دادن این جنبه‌ها درک می‌کنم، چرا که به خوبی از آنها آگاه بوده است. توصیف او از تدبیر خویشتن تنها یک بررسی تاریخی نیست، بلکه عرضه شیوه‌ای از زندگی است برای انسان امروزی (که فوکو آن را زیبایی‌شناسی هستی می‌نامید). اکنون و با اتکا به گرایشی عمومی در تفکر مدرن- گرایشی که غریزی‌تر از آن است که تصور می‌شود -مفهوم «عقل جهانی» یا «سرشت جهانی» دیگر معنای چندانی ندارند. پس بجاست اگر آنها را در گیومه قرار می‌دهیم.

از نقطه‌نظر تاریخی دشوار است بپذیریم آداب فلسفی رواقیون و افلاطونیان تنها در رابطه با خویشتن، خودسازی و رسیدن به لذتی که در خویشتن نهفته بوده است. به نظر من محتوای روانشناختی این تمارین چیز کاملاً متفاوتی است و اساسی‌ترین رکن آن احساس تعلق به یک تمامیت است: تعلق به تمامیت جامعه انسانی، تعلق به تمامیتی کیهانی. سنکا آن را در چهار کلمه خلاصه کرده: خود را در تمامیت جهان فروبردن (Toti se inserens mundo). گروتیزن در کتاب تحسین‌برانگیزش «مردم‌شناسی فلسفی» این خصایص بنیادین را به خوبی شناسایی کرده است. حال، دورنمای کیهانی این طبیعت، احساسی را که شخص ممکن است نسبت به خود داشته باشد از بنیاد دگرگون می‌کند.

فوکو زیاد از اپیکوریان صحبت نمی‌کند چرا که اخلاق اپیکوریان اخلاقی بیقاعده است، اخلاقی خودسامان که در طبیعت یافت نمی‌شود، اخلاقی بر پایه احتمال که به معنای دقیق کلمه با تفکر مدرن همخوانی دارد. دلیل سکوت فوکو را می‌توان در دشواری درآمیختن لذت گرایی اپیکوریان در چارچوب کارکرد لذتی که فوکو مطرح می‌کند، جست. در هر حال اپیکوریان نیز تدابیر معنوی خود را داشته‌اند مثل آزمودن ضمیر. اما همانطور که اشاره کردم این تدابیر در قواعد طبیعت و عقل جهانی یافت نمی‌شوند چرا که نزد اپیکوریان جهان حاصل یک تصادف است. این تدبیر معنوی نمی‌تواند تنها در معنای خودسازی یا رابطه سطحی خویشتن با خود یا لذتی که می‌توان در درون هر شخصی یافت، انجام شود. اعتراف به نیاز به چیزی سوای خود به منظور ارضای امیال و بدست آوردن لذت، یک اپیکوری را نمی‌ترساند، او به غذا نیاز دارد، به لذت عشق و همینطور نظریه‌ای مادی از جهان تا بتواند بر ترس از خدایان و مرگ غلبه کند. او نیازمند همراهی سایر اعضای فرقه‌اش است تا شادمانی را در احساسات متقابل بیابد. و در آخر به فهمی خیالی از بی‌کرانی جهان نیازمند است تا چیزی را که لوکرتیوس لذت و وحشت الهی (divina voluptas et horror) می‌نامد احساس کند. این غوطه‌ور شدن خرد اپیکوریان در کیهان به خوبی توسط مترودوروس، یکی از مریدان اپیکور وصف شده است: «به یاد داشته باشید که با فانی زاده شدن و در اختیار داشتن زمانی محدود برای زندگی، خود را از تفکر در باب طبیعت به سمت تفکر در باب ابدیت و لایتناهی سوق داده‌اید و هرآنچیزی را که بوده است و خواهد بود، دیده‌اید.» تناقض جالبی در دورنمای تفکر اپیکوریان وجود دارد که دقیقاً به این دلیل است که هستی در نظر آنها تصادف محض است، یگانه‌ای محتوم که زندگی را در مقام یک معجزه و هدیه‌ای نامنتظر و سخاوتمندانه از جانب طبیعت پذیرا می‌شود و هستی را چونان جشنی شگفت می‌انگارد.

در اینجا مایلم برای روشن‌تر کردن تفاوت میان تفاسیر مختلف از توجه به خویشتن، مثال دیگری بیاورم. فوکو مقاله جالبی دارد با عنوان «نوشتن در باب خود» که از متنی در مورد ارزش درمانی نوشتن -که من در «تمارین معنوی» نیز بدان پرداخته‌ام- آغاز می‌کند. همانطور که در این متن آمده آنتونی، راهبی مشهور بوده که به مریدان خود توصیه می‌کرده اعمال و حرکات روحی شان را در نوشته‌هایشان ذکر کنند چنان که گویی درصدد آگاه کردن سایرین از آنها هستند، او می‌گفت: «بگذارید نوشته‌ها جای چشم‌های دیگران را بگیرند». این حکایت فوکو را بر آن داشت تا در باب گونه‌هایی که در دوران باستان، «نوشتن در باب خود» خوانده می‌شدند و گونه ادبی hypomnemata که می‌توان دفترچه روحانی نامید و تفکرات نویسنده در آن نوشته می‌شد تا به کار تعلیم دیگران بیایند، اندیشه کند. فوکو هدف از اینکار را اینگونه بیان می‌کند: هدف، حفاظت از هر آنچیزی است که قبلاً گفته شده، جمع‌آوری خوانده‌ها و شنیده‌های فرد، و نتیجه چیزی کمتر از ساختن خود نیست. سپس فکر می‌کند







چگونه شخص می‌تواند به کمک مکالمه‌ای فاقد زمان و مکان در حضور خویشتن قرار بگیرد. پاسخ این است: این تمرین برای ممکن ساختن بازگشت به گذشته است، سهم این دفترچه این است که وسیله‌ای باشد برای برکندن روح از دغدغه آینده و سوق دادن آن بسوی تمرکز بر گذشته. او فکر می‌کند در اخلاق رواقی و اپیکوری، امتناع از پذیرفتن حالتی از ذهن که نظر به آینده دارد و تمایل به ارج نهادن بر تملک گذشته‌ای را که می‌توان بدون بذل توجه و به‌طور مطلق از آن لذت برد یافته است. به نظر من خطایی در این تفسیر وجود دارد. درست است که اپیکوریان و تنها آنها، خاطرات لحظات لذتبخش گذشته را اساسی‌ترین منبع لذت می‌دانند اما این موضوع هیچ رابطه‌ای با تمرکز بر آنچه سابقاً گفته شده که در دفترچه نیز تمرین شده، ندارد. همانطور که در مقاله‌ای که در مجله دیوژن در سال ۱۹۸۶ داشتم بیان کرده‌ام، رواقیون و اپیکوریان در ضرورت ایجاد حالتی که شامل آزادسازی خویشتن از نگرانی آینده و خلاصی از بار گذشته به منظور کسب توانایی تمرکز بر اکنون- چه لذت بردن از آن و چه کنش در آن- باشد، توافق دارند. از این نقطه‌نظر، نه رواقیون و نه حتی اپیکوریان ارزشی برای گذشته قائل نبوده‌اند، رویکرد فلسفی بنیادین در زیستن در اکنون خلاصه می‌شده، در تملک حال و نه گذشته. این حقیقت که آنها اهمیت زیادی برای تفکرات اسلافشان قائل بوده‌اند مسئله دیگری است. اما دفترچه تنها بر آن چیزی که گفته شده- که فقط چیزی است متعلق به گذشته- اثر گذار نبوده، بلکه این گفته‌ها (در کل، آراء بنیانگذاران مکتب) می‌توانند چیزی را که اکنون گفته خواهد شد تأیید کنند و این بدان خاطر است که در آراء اپیکور و کریسیپوس ارزشی وجود دارد که همیشه حاضر است خاصه به این دلیل که منبعث از خردانَد. به عبارت دیگر، غریب نیست که شخص با نوشتن، افکار خود را بسازد، شخص از فرمول‌هایی استفاده می‌کند که به نظرش برای بوجود آوردن اکنون و زنده کردن هر آن چیزی که در منطق نویسنده حضور دارد، مناسب‌اند.



به عقیده فوکو، این تمرین کاملاً التقاطی است و مستلزم گزینه انتخاب شخصی نیز هست، انتخابی که مفهوم «ساختن خود» را شرح خواهد داد. نوشتن به مثابه تجربه‌ای شخصی که از ورای خود و برای خود است هنر حقایق ناهمگون است، دقیق‌تر اینکه راهی است برای آمیزش قدرت سنتی «آنچه گفته شده» با یکتایی حقیقتی که در آن تصدیق شده و ذات خاص موقعیت‌هایی که کاربرد آن را مشخص می‌کنند. اما به واقع، حداقل برای رواقیون و اپیکوریان، انتخاب شخصی در التقاط گرایی قرار ندارد. التقاط گرایی تنها برای هدایت تازه واردان استفاده می‌شود. فوکو مثالی از التقاط گرایی را در نامه‌ها»ی لوسیلیوس می‌یابد که سنکای رواقی در آن، جملاتی از اپیکور را ذکر می‌کند. هدف هدایت لوسیلیوس بوده برای آغاز یک زندگی اخلاقی. این استفاده اپیکور تنها در نخستین نامه انجام می‌شود و خیلی زود محو می‌شود. برعکس، در حقیقت انتخاب شخصی خاصه در پیوند با گونه‌ای از زندگی (رواقی یا اپیکوری بودن) قرار دارد که با منطق سازگار است. با آکادمی نوین- به عنوان مثال سیسرون- بود که انتخاب شخصی مطابق با آن چیزی که منطق در برهه خاصی صحیح می‌دانست انجام می‌شد.

پس همانطور که فوکو تصور می‌کرد، با خواندن و نوشتن افکار التقاطی نیست که فرد هویت معنوی خود را پدید می‌آورد. همانطور که دیدیم اولاً این افکار التقاطی نیستند و به دلیل انسجامشان انتخاب شده‌اند، دوماً- و مهمتر از همه- هدف ایجاد هویتی معنوی از ورای نوشتن نیست بلکه هدف آزادسازی فرد از فردیت خود است و رساندن او به جهانشمولی. در نتیجه صحبت از نوشتن برای خود بجا نخواهد بود، نه تنها به این دلیل که نوشته شخص تنها در مورد خود وی نیست بلکه به این دلیل که نوشتن، خود را نمی‌سازد، بلکه سطح خود را تغییر می‌دهد، آن را جهانشمول می‌کند. معجزه این تمرین که در تنهایی تجربه می‌شود این است که به جهانشمولی منطقی‌ای راه می‌برد که در زمان و مکان ممکن می‌شود. ارزش درمانی نوشتن نزد سنت آنتونی خاصه در این قدرت جهانشمول‌سازی نهفته است. آنتونی می‌گوید نوشتن جایگزین چشم دیگری می‌شود و به نویسنده نوعی احساس زیر نظر بودن می‌دهد، او دیگر تنها نیست بلکه جزیی از جامعه انسانی است که در سکوت حاضر است. با نظام‌مند کردن طریقه‌های نوشتن شخص، او بدل به رابطی میان عقل، منطق و جهانشمولیت می‌شود.

خلاصه اینکه آنچه فوکو در رواقی و افلاطون‌گری، تدبیر خود می‌خواند با جریان گرایش به سوی خود مطابقت دارد، یکی دیگری را از ظواهر نجات می‌دهد، از وابستگی‌های احساسی به موضوعات بیرونی و به لذائذی که با خود می‌آورند. شخص خود را زیر نظر می‌گیرد تا دریابد آیا در این تمرین پیشرفتی داشته است، می‌خواهد مراد خود باشد، خود را در تملک آورد و شادی را در آزادی و استقلال درونی بازیابد. من با تمام این نظریات موافقم. اما به نظر من این جریان درونی‌سازی به طور جدایی‌ناپذیری با جریان دیگری که در آن خود را به مرحله روانی بالاتری منتقل می‌کند مربوط است، مرحله‌ای که گونه دیگری از بیرونی‌سازی، از ارتباط با بیرون، از درجهان بودگی را که مستلزم آگاه بودن شخص از جایگاه خود به مثابه جزیی از طبیعت و جهان عقلانیت است دوباره کشف می‌کند. پس از آن، فرد دیگر در جهان عادی و مرسوم انسانها زندگی نمی‌کند بلکه در جهان طبیعت می‌زیید. در جای دیگری هم اشاره کرده‌ام، شخص به تمرین فیزیک می‌پردازد در مقام تمرینی نفسانی.

در معنایی دقیق‌تر، شخص خود را با دیگری‌ای که همان طبیعت و عقل جهانی است که در هر فردی حضور دارد، بازمی‌شناسد. تحول بنیادینی در این موضوع نهفته است، بعد جهانی و کیهانی‌ای که فوکو- البته به نظر من- به اندازه کافی بدان نپرداخت، درونی‌سازی به طریقی فراتر از خود می‌رود که به جهانیت می‌انجامد.

تمامی ملاحظاتی که تا بدین جا انجام دادم تنها در چارچوب تحلیل تاریخی فلسفه باستان نبوده‌اند و رو به سوی تعریفی از نمونه اخلاقی‌ای داشته‌اند که انسان مدرن می‌تواند در دوران باستان بیابد. دقیق‌تر بگویم هراسانم از اینکه فوکو با تمرکز تفاسیرش در این حجم وسیع و خاصه بر مفهوم خودسازی با دغدغه و گرایش به خویشتن و با تشریح نمونه اخلاقی خود به عنوان اخلاق هستی، گونه زیبایی‌شناختی نابی از مفهوم خودسازی به دست دهد- بهتر بگویم از گونه جدیدی از قرتی بازی، مدل اواخر قرن بیستمی‌اش ترس دارم. اما این موضوع می‌بایست بیشتر از آن چیزی که در اینجا انجام دادم بررسی شود. من به سهم خود- شاید از روی سادگی- به فرصت انسان مدرن نه برای بهره‌گیری از شعور- بخش اعظمی از باستانیان به این فرصت اعتقادی نداشتند- بلکه تمرین نحیفی از شعور در گونه سه‌گانه‌ای که اورلیوس مطرح می‌کرد، باور دارم: تلاش در تمرین عینیت قضاوت، تلاش در زیستن مطابق عدالت در خدمت جامعه بشری و تلاش در آگاهی از موقعیت تعلق‌مان به جهان (کنش در اساس تجارب زیسته شده‌مان در مقام انتزاع، زیستن و درک چیزها). این تمرین شعور می‌تواند تلاشی باشد در گشودن خویشتنمان به روی جهان.

به عقیده من، انسان مدرن قادر به انجام ریاضت‌های فلسفی باستانی هست در حالیکه آنها را از گفتمان‌های فلسفی یا اسطوره‌ای که همراه دارند، متمایز می‌کند. در حقیقت این تدبیر نفس می‌تواند به طریقی انتزاعی در چارچوب گفتمان‌های فلسفی کاملاً متفاوتی توجیه شود، گفتمان‌هایی که تلاش‌های مذبوحانه‌ای بوده‌اند برای توجیه تجارب درونی، تراکم وجودی‌ای که نهایتاً تمامی تلاش‌های در راستای نظریه‌پردازی و ساختاردهی به خود را رد می‌کنند. به عنوان مثال، رواقیون و اپیکوریان به دلایل کاملاً متفاوتی از شاگردانشان می‌خواستند توجه خود را تماماً به لحظه موجود منعطف کنند و خود را از قید گذشته و آینده برهانند. هر آن کسی که این تمرین را انجام داده باشد دنیا را با نگاهی نو خواهد دید، گویی برای نخستین بار آن را می‌بیند. او در لذت اکنون مطلق، رازآمیزی و شکوه هستی را می‌یابد و به گفته نیچه پس از آن است که ما می‌توانیم «نه تنها به خود بلکه به هستی» آری بگوئیم. در نتیجه لزومی ندارد برای انجام این ریاضت‌ها به طبیعت و عقل جهانی رواقیون باور داشته باشیم، در انجام آنهاست که فرد به طریقی انتزاعی مطابق با خرد می‌زید (اورلیوس می‌گفت: «حتی اگر همه چیز به سوی احتمال و تصادف گرایش داشته باشد شما نمی‌بایست به آن سمت بروید.») و انتزاعاً به جهانشمولی دورنمای کیهانی و حضور رازآلود و شکوهمند جهان می‌پیوندد.

منبع:

Michel Foucault philosophe, sous la direction de François Ewald, Edition de Seuil, 1989, P. 220-226, Pierre Hadot, “Réflexions sur la notion de culture de soi”.

گفت‌وگو با مجید صادقی، پژوهشگر و روانشناس

روانشناسی رنگ‌ها و رمزِ تغییر فصول

حامد طباطبایی: فصل بهار شاید بهترین فرصت برای تغییری نیک و سازنده در زندگی ما باشد تا در امتدادِ نوشدن فصل قدری در چند و چون زندگی خود بیندیشیم و با خودشناسی و بهره‌گیری از دانش روانشناسی بتوانیم نشاط و شادی را در زندگی خود مستقر ساخته و کیفیت زندگی خود را بهبود بخشیم... در ادامه گفت و گویی که به مناسبت فرارسیدن فصل بهار با روانشناس و پژوهشگر محترم، آقای مجید صادقی، انجام شده از نظر شما می‌گذرد. در این گفتگو موضوعاتی مانند پیام طبیعت در فصل بهار، روانشناسی رنگ‌ها، میل به جاودانگی و... به بحث گذاشته شده است.

***

طنّازی و دلربایی طبیعت را می‌توانیم در شکوه و زیبایی رنگ‌ها به وضوح ببینیم، از سویی تغییر و تحولات بهار بر این زیبایی می‌افزاید، که گویی آدمی را ملزم به تغییراتی در زندگی‌اش می‌کند. شما این تغییر و نوشدن فصل را چگونه می‌بینید؟

بهار همان طور که می‌دانیم فصل نوشدن است. در این فصل، طبیعت هم حال و هوای تازه‌ای می‌یابد. طراوت بیشتری در طبیعت چشم نوازی می‌کند. بارندگی تا اندازه‌ای بیشتر می‌شود، هوا به سمت تعادل می‌رود و اینها همه دست به دست هم می‌دهند تا احساسی تازه در انسان شکل بگیرد. احساسی متفاوت از فصل سردِ زمستان و تغییری ناگهانی در آغاز بهار را شاهد هستیم که نشانه وداع با فصل سرما و سکوت است. افسردگی و غم و اندوه پایان می‌پذیرد و طراوت و نشاط بهاری از راه می‌رسد:

بر چهره گل، نسیم نوروز خوش است
در طرف چمن، روی دل افروز خوش است
از دی که گذشت هر چه گویی خوش نیست
خوش باش و ز دی مگو که امروز خوش است

از سویی رنگ‌ها در فصل بهار غوغا می‌کنند. بهار و تابستان در مبحث روانشناسی رنگ‌ها در یک مقوله تعریف می‌شوند، و پاییز و زمستان هم در یک مقوله. معمولاً وقتی ما به آمارهایی که در زمینه تخصصی خودمان وجود دارد نگاه می‌کنیم، به روشنی می‌بینیم که آمار افسردگی در فصل زمستان افزایش محسوسی پیدا می‌کند. حالت افسردگی در افراد بیشتر دیده می‌شود و در کسانی هم که از افسردگی رنج می‌بَرَند، این حالت تشدید می‌شود. اما در آستانه بهار و در امتداد آن، یعنی تا پایان فصل تابستان، که نور خورشید هم در ساعات بیشتری از شبانه روز وجود دارد، از میزان افسردگی افراد کاسته می‌شود. سرسبزی طبیعت، عطر گل‌ها، نور درخشان خورشید، طراوت باغ‌ها، میوه‌های خوشرنگ، هوای معتدل و... باعث می‌شود که خلق و خوی انسان به شادابی بیشتر میل داشته باشد. به تعبیر استاد سخن، سعدی شیرازی:

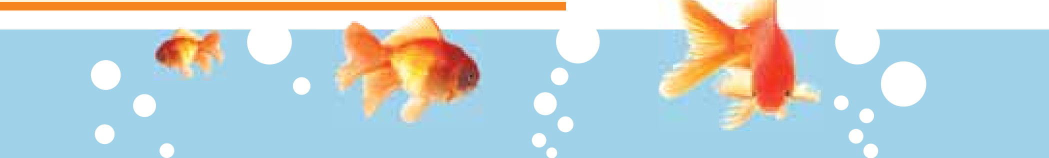
خاموشی بلبلان مشتاق
در موسم گل ندارد امکان

به این ترتیب و با این روالی که توضیح دادید با دو وضعیت مواجه می‌شویم؟

بله، این چرخه مرتب تکرار می‌شود، البته اگر منظور از سوال شما، دگرگونی‌هایی باشد که در طبیعت رخ می‌دهد.

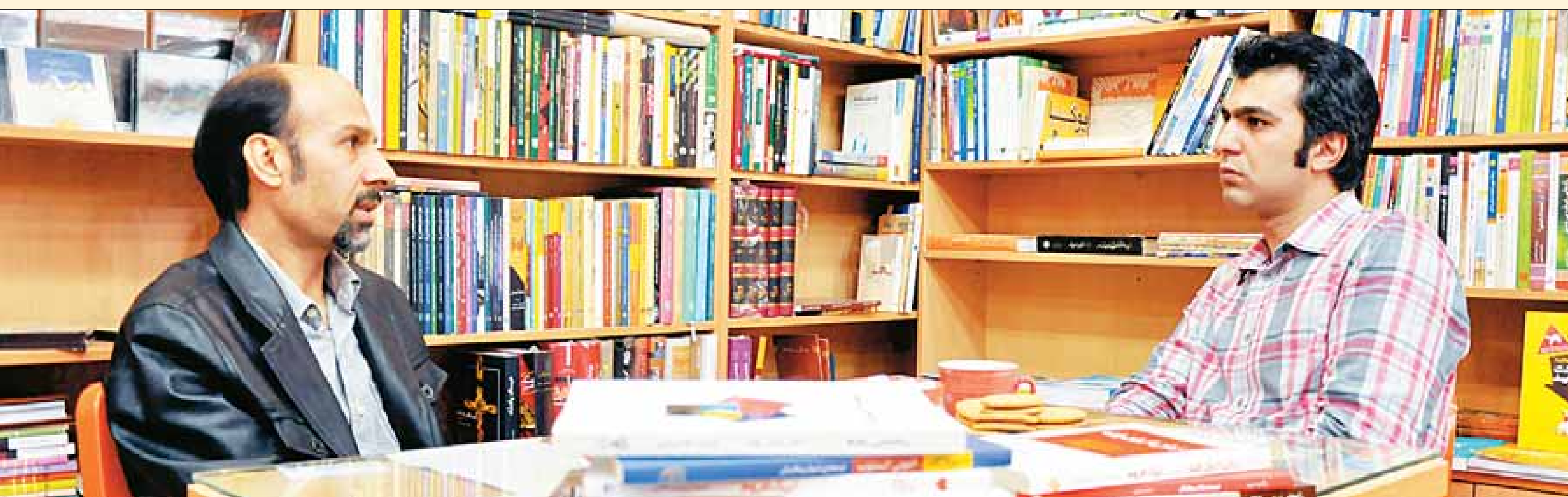
مایلم این گفتگو را با مبحث روانشناسی رنگ‌ها ادامه بدهیم چون در فصل بهار با یک رنگین کمان در طبیعت مواجه می‌شویم، رنگی بر رنگی دیگر سلطه ندارد، این رنگین کمان بیش از هر چیز سلطه شادی بر طبیعت و جهان را می‌رساند. یعنی در بهار نظاره‌گر همه رنگ‌ها هستیم، در روانشناسی رنگ‌ها این پدیده چگونه ارزیابی می‌شود؟

شاید با یک بحث کلاسیک آغاز کنیم مطلوب‌تر باشد. معمولاً چشم در برابر «الکترومگنتیک» حساسیتی دارد که آن









را نور قابل رویت می‌خوانند. اگر ساده بخواهم این را توضیح بدهم آن را به صورت طول موج می‌بینیم. این طول موج از قرمز شروع می‌شود که بالاترین طول موج را دارد، بعد طول موج‌ها کاهش پیدا می‌کند، به ترتیب نارنجی، زرد، سبز، آبی و بنفش می‌شود، که این را در رنگین کمان به وضوح می‌توانیم ببینیم. معمولاً طول موج‌های کمتر، یک خمیدگی‌های بیشتری دارند که در طیف رنگ‌ها پایین‌تر قرار می‌گیرند. سیصد سال قبل، نیوتن، وقتی که عبور نور خورشید از منشور را مشاهده کرد که به صورت نوارهای رنگی نمایان می‌گردید، از همان جا متوجه شد که رنگ‌ها وضعیتی دارند که در حالت عادی نمی‌توان آنها را مشاهده کرد. در چشم ما یک اندامی وجود دارد که حسی است و رنگ‌ها تأثیر خود را بر آنها می‌گذارند، قسمتی از چشم شبکیه است که در انتهای چشم قرار دارد و به نور حساس است. نور از مردمک که می‌گذرد به آنجا می‌رسد، آنجا سه لایه وجود دارد، یک لایه متشکل از یک سری یاخته و سلول است، یاخته‌هایی که به شکل مخروط و میله هستند. مخروط‌ها به رنگ‌های فامی یا بهتر بگوییم نورهای فامی و غیر فامی حساسیت نشان می‌دهند رنگ‌های فامی مثل قرمز و سبز و زرد و آبی و رنگ‌های غیرفامی طیفی از رنگ‌های بین سفید تا سیاه را در بر می‌گیرد. مخروط‌ها در روز فعال اند، و میله‌ها در نور کم و در تاریکی. در لایه دوم، که یاخته‌های دوقطبی هستند سیناپس می‌کنند و اینها را به لایه سوم انتقال می‌دهند، لایه سوم هم اعصاب هستند و متشکل از یاخته‌هایی هستند که عصب بینایی را تشکیل می‌دهند. بعد به مغز رفته و این احساس در مغز به ادراک تبدیل می‌شود. این یک بحث کلاسیک است که نور چگونه و با چه طول موج‌هایی وارد چشم می‌شود، و سرانجام رنگ‌های مختلف دیده می‌شود. بحث دیگری هم وجود دارد که غیر کلاسیک است و خواننده‌ها به آن علاقه مند هستند برای مثال اینکه اگر کسی رنگ قرمز را دوست دارد چه خصوصیاتی دارد. اما این طور نیست که بگوییم کسی که به رنگ سبز علاقه دارد شخصیتش را این گونه می‌توان تبیین و تشریح کرد چون عوامل مختلفی دخیل هستند از جمله احساسات، عواطف، یادگیری، فرهنگ، خانواده و... پس موضوع چندان هم ساده نیست و من هم نمی‌خواهم بحث را تقلیل بدهم. آدم از دوره کودکی با رنگ‌ها آشنا می‌شود، در جوانی انقلاب فکری در آدم به اوج می‌رسد و رنگ دلخواه انتخاب می‌شود، اما با وجود اینها علاقه به رنگ‌ها در طول زندگی می‌تواند تغییر کند. این نشان می‌دهد که عقاید انسان ثابت نیست، عوض می‌شود، در تفکر خود تجدیدنظر می‌کند، و اینها همه موثر هستند. اما وقتی علاقه ما به یک رنگ به طور ناگهانی عوض می‌شود، نشانه آن است که آدم به تغییر در محیط خود نیاز دارد یعنی دوست دارد محیط خود را تغییر بدهد، زمانی رنگی را دوست داشته و زمانی دیگر آن رنگ به اصطلاح دل او را می‌زند این نشانه آن است که تغییری باید در زندگی اش رخ بدهد تا آن مساله تعدیل شود. درباره رنگ‌ها می‌توانید نوشته‌هایی را در کتاب‌ها و مقالات بخوانید که البته اینها سمبلیک است و بسیاری از جوامع بر سر آن توافق دارند. می‌نویسند رنگ سفید رنگ صلح است یا رنگ آرامش است. سبز را رنگ طراوت معرفی می‌کنند. سیاه را رنگ عزا و ماتم می‌دانند. قرمز را رنگ هیجان و آبی را رنگ آرامش می‌خوانند. می‌گویند به همان صورت که یک دشت زیبا، وسیع و سرسبز را می‌بینیم و تازه می‌شویم وقتی به دریا هم بنگریم همان احساس خوب در ما شکل می‌گیرد. اینها کلی هستند اما در این باره تحقیقاتی هم صورت گرفته.

ممکن است در این باره بیشتر توضیح بدهید؟

بله، حتماً، می‌گویند افرادی که رنگ آبی را می‌پسندند کنترل بیشتری بر خود دارند، افرادی هستند که طرف مقابل را با رفتارشان وادار می‌کنند که به آنها احترام بگذارند، هیجان خودشان را کنترل می‌کنند. افرادی که سبز را می‌پسندند معمولا افراد معقولی هستند و با تفکر و تعقل زندگی می‌کنند. باز گفته می‌شود رنگ زرد رنگ ضعف است، و کسانی که رنگ بنفش را می‌پسندند معمولاً بر خلاف زیبایی ظاهری آن، غمی درونی بر روح و روان آنها حاکم است. افرادی که قرمز را می‌پسندند هیجانی هستند و در عشق ورزی هم آتشین عمل می‌کنند، در عین حال که خیلی خوش قلب هستند ممکن است خودپرست باشند و همین طور عجول. البته در نظر داشته باشید این اظهارات در رابطه با رنگ‌ها نیز کلی است. می‌گویند کسانی که رنگ قهوه‌ای را می‌پسندند، خیلی قابل اطمینان هستند، کسانی که رنگ خاکستری را می‌پسندند معمولاً یکنواخت‌اند و آرامش خاصی دارند و در پی لذت بردن و شادی نیستند و خود را به افراد کهنسال نزدیک‌تر می‌بینند.

می‌توانم بگویم زبان رنگ زبان بین‌المللی است؟

عرض کردم، انسان در کودکی با رنگ‌ها آشنا می‌شود و کم‌کم فهم او تکمیل می‌شود. کودکان به رنگ‌های روشن بیشتر علاقه دارند، رنگ آبی را از نقاشی‌های کودکان نمی‌توانید حذف کنید، چون یک آسمان آبی بالای سر همه هست. با بلوغ و با انقلاب فکری رنگ موردنظر برای یک جوان انتخاب می‌شود. اما این انتخاب یک بار و برای همیشه نیست، در طول زمان و در گذر زمان، عقاید و نگرش‌های انسان تغییر می‌کند و این کاملاً عادی و طبیعی است. روانشناسان می‌گویند در اطراف کودکان یعنی در مدارس، در مهد کودک و در اتاق آنها در خانه، رنگ‌های روشن و شاد قرار بدهید (هرچند که خودشان هم انتخاب گر هستند) تا اینها افرادی با نگاه مثبت بار بیایند و این حس مثبت در آنها نهادینه شود. معمولاً رنگ‌های روشن حس خوبی به انسان منتقل می‌کند. رعایت این گونه توصیه‌های علمی و محققانه از سوی خانواده‌ها می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود چون یادگیری و تربیت در دوره کودکی با هیچ دوره‌ای از زندگی یک انسان قابل قیاس نیست و اگر خانواده‌ها در این دوره حساس و مهم (کودکی) بنابر آنچه دانش روانشناسی و دانش تعلیم و تربیت توصیه می‌کند رفتار کنند، چه بسا فرزندان ما در آینده در وضعیت بهتر و مطلوب‌تری روزگار بگذرانند.

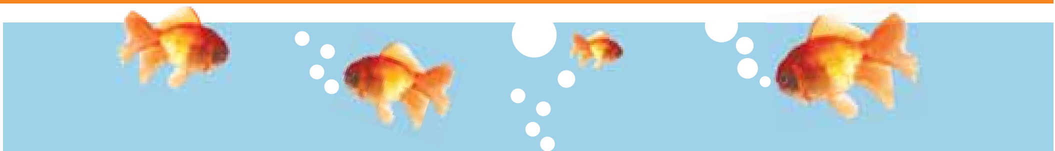
به مبحث نوروز برگردیم. پیروزی گرما و طراوت بهار بر رکود و سرمای زمستان. به نظرتان در این تغییر فصل انسان چگونه می‌تواند به خودشناسی دست یابد؟

ویلیلم گلاسر یکی از مشهورترین روانشناسان آمریکایی است، او می‌گوید افراد هر چه هستند آن را انتخاب کرده اند، با انتخاب خودشان بوده که این طور شکل یافته اند، برای شما جالب است که بگویم به نظر او حتی کسانی که دچار بیماری‌های روانی و اختلالات روانی هستند هم این را خود انتخاب کرده‌اند! گلاسر می‌گوید اگر می‌خواهید به خودشناسی برسید باید در درجه اول از آنچه در پیرامون تان می‌گذرد مطلع باشید، و به حال و هوای خود تسلط داشته باشید. منظور او این است که ما با حواس پنج گانه خود در تماس و ارتباط باشیم و بدانیم که هر لحظه در چه وضعیت و شرایطی هستیم. از این منظر و با این مقدمه می‌خواهم به سوال شما جواب بدهم، وقتی ما به فصل بهار می‌رسیم، یک عده‌ای هستند که خلق و خویی خاص دارند، بیشتر به نوشیدن و خوردن و استراحت می‌پردازند و نیازهای جسمی خود را تأمین می‌کنند و عده‌ای هم به صورتی دیگر رفتار می‌کنند. البته جغرافیا را هم در نظر بگیرید مثلاً در کشورهای اسکاندیناوی مردم به دلیل وضعیت خاصی که بر آنجا حکمفرماست قدری منزوی‌تر از دیگر نقاط هستند. هوای ابری، نور اندک خورشید و سرمای هوا عواملی هستند که در آن نقطه از کره زمین و در شکل بخشیدن به روحیات مردم آن سرزمین مؤثر هستند. در شمال کشور فنلاند چون هوا ابری‌تر است مردم در خود فرو رفته‌تر هستند تا جنوب کشور، چون در جنوب فنلاند، به نسبت شمال آن کشور هوا کمتر ابری است. این دقیقاً نشان می‌دهد که ساز و کار طبیعت، جغرافیا و آب و هوا بسیار تعیین کننده اند. بهار که از راه می‌رسد، ما فعال‌تر، بانشاط‌تر و خوشحال‌تر می‌شویم و از زندگی بیشتر لذت می‌بریم پس برای اینکه این احساسات خوب همیشه در ما ماندگار شود لازم است حال و هوای خودمان را هر لحظه بهاری کنیم، خلق و خویی بهاری برگزینیم، و حتی در زمستان هم بهار را بیافرینیم، حالا هرکس با روش خودش، یکی با مطالعه، یکی با هنر (نقاشی، موسیقی و...) یکی با شرکت در فعالیت‌های انجمن‌هایی که به کارهای اجتماعی مشغول هستند و... خودشناسی باید مقدمه‌ای برای حرکت در ما بشود. نوروز از زیباترین جشن‌های جهان است، ما وقتی این سنت‌های خوب را داریم، باید بدانیم بهار و خزان ما کجاست و بیش از سایرین به تأمل در هستی بپردازیم. روانشناسان انسان گرا معتقدند که روانشناسی چیزی جز خودشناسی نیست.

به نظر شما راز و رمز ماندگاری بهار در چیست؟

یکی از خصوصیات آدم‌ها این است که می‌خواهند جاودانه بمانند به تعبیر نویسنده‌ای بزرگ، درد جاودانگی دارند. اسم پدرشان را بر فرزند خود می‌گذارند و کارهایی شبیه به این انجام می‌دهند، تا اثری از آنان باقی بماند. بناهایی می‌سازند، کتاب می‌نویسند، شعر می‌سرایند و... بهار هم فصل زایش است، تخم گلی که به شکوفایی کامل رسیده بوده از آن جدا شده و در همان جا یا جایی دیگر می‌روید و همان روند رشد را طی می‌کند، و دوباره زندگی را می‌سازد، پس میل به جاودانگی در طبیعت هم هست. این گونه مشاهدات با روحیه آدمی سازگار است چون دلبسته زندگی است. انسان بهار را دوست دارد چون می‌خواهد مانند بهار جاودانه باشد. معمولاً انسان‌ها دوست ندارند به پایان برسند دوست دارند دوباره شروع کنند و برویند، مانند گل‌ها در فصل بهار که دوباره با عطر و زیبایی خود طبیعت را می‌آرایند.







گزارشی از
گفتگو با امیرحسین مهدی زاده

سال نو با نیکولا کوچولو





داستان‌های «نیکولا کوچولو» برای بسیاری از ایرانیانِ دوستدار کتاب، داستان‌هایی خواندنی و لذت بخش هستند. این داستان‌ها شرح حال یک کودک ایده آل در دهه ۵۰ میلادی فرانسه است. اولین سری از کتاب‌های نیکولا کوچولو به تاریخ ۲۹ مارچ ۱۹۵۹ باز می‌گردد که توسط آقای رنه گوسینی به رشته تحریر درآمد و تصویرگری آن بر عهده آقای ژان سامپه بود که هر دو فرانسوی هستند. همکاری این دو تن باعث شد که آثارشان با نام سامپه-گوسینی نیز شناخته شود. داستان هر کتاب توسط اول شخص و قهرمان داستان، یعنی نیکولا کوچولو نقل می‌شود. اتفاقات عجیب و خنده‌دار این کتاب باعث شد تا عنوان کتابی برای کودکان هفت ساله تا پیرمردان هفتاد ساله در پشت جلد آن نقش ببندد. کتاب‌های نیکولا کوچولو وقتی در فرانسه منتشر می‌شود صف‌های طولانی علاقه‌مندان برای تهیه آن تشکیل می‌شود که خود نشان‌دهندۀ جذابیتِ این اثر ارزشمند برای هموطنانِ سامپه و گوسینی می‌باشد. در ایران نیز این داستان‌ها به فارسی ترجمه و منتشر شده‌اند که استقبال مردم را هم در پی داشته است. آنچه در ادامه می‌خوانید گزارشی از گفت و گو با آقای امیرحسین مهدی زاده، مترجم چیره دستِ داستان‌های نیکولا کوچولو است که در این سال‌ها با کوشش و جدیت به ترجمه این اثر متفاوت پرداخته است.

***

گوسینی و سامپه

رنه گوسینی نویسنده طنزپرداز بزرگ فرانسوی در ۱۹۲۶ در پاریس به دنیا آمد. مدتی بعد خانواده‌اش به آرژانتین مهاجرت کردند و او در بوئنوس آیرس به مدرسه رفت. خودش می‌گوید: در مدرسه یک دلقک تمام عیار بودم. ولی از آن‌جا که درسم خوب بود اخراجم نکردند. او کار حرفه‌ای‌اش را در نیویورک شروع کرد و اوایل دهه ۵۰ میلادی آن را در فرانسه پی گرفت. گوسینی نویسنده خلاق و پرکاری است و برخی از مهمترین شخصیتهای داستانی را خلق کرده است. از جمله آثار او یکی همین مجموعه داستانها و ماجراهای نیکولا کوچولو است که ابتدا به صورت هفتگی در مجله‌ها منتشر می‌شد. داستانهای آستریکس یکی دیگر از آثار اوست که همراه با مجموعه لوک خوش شانس شهرت جهانی دارند. او بعدها بخشی از داستانهای نیکولا را در قالب پنج کتاب منتشر کرد که از محبوبیت بالایی برخوردار شد، محبوبیتی تا حالا بعد از حدود پنج دهه همچنان حفظ شده است. گوسینی در ۱۹۷۷ از دنیا رفت ولی قهرمانهایی که آفرید همچنان زنده و محبوب و پرطرفدارند. سامپه، نقاش مجموعه نیکولا کوچولو، در ۱۹۳۲ متولد شد. او دانش آموز با انظباطی نبود و از مدرسه اخراج شد. بعد به کارهای مختلفی روی آورد تا بالاخره به طراحی و نقاشی پرداخت. طراحی مجموعه نیکولا کوچولو نقطه عطف مهمی در زندگی او به شمار می‌رود. او در سالهای اخیر و بعد از حدود چهار دهه از انتشار نخستین مجموعه نیکولا کوچولو برای مجموعه داستانهای منتشرنشده نیکولا هم نقاشی کرد. نقاشی‌های سامپه در فضای داستانی نیکولا نقش انکارنشدنی دارند.

فروش چهارصدهزار نسخه در کمتر از ۲۴ ساعت

از انتشار پنج جلد نخست این مجموعه در فرانسه بیشتر از پنجاه سال می‌گذرد. در همه این سالها این کتابها پی‌درپی تجدید چاپ شده‌اند و تقریبا همه از کودک و پیر آنها را خوانده‌اند. به‌علاوه این داستانها به بیش از سی زبان ترجمه شده‌اند. در دهه اول قرن بیست و یکم دختر گوسینی به جمع آوری و انتشار مجموعه‌ای از داستانهای نیکولا همت گماشت که پیشتر در مجلات مختلف چاپ شده بودند ولی به صورت کتاب درنیامده بودند. حاصل این تلاش که با نقاشی‌های سامپه و در حال و هوای همان مجموعه اولیه منتشر شد، نه جلد دیگر در ترجمه فارسی است. مجموعه داستانهای منتشرنشده نیکولا هنگام انتشار با استقبال بی‌نظیری روبه‌رو شد و در کمتر از بیست و چهار ساعت چهارصدهزار نسخه از آن در فرانسه به فروش رفت که نشان‌دهنده شدت علاقه مردم به این داستان‌هاست. در ایران هم این قصه‌ها خیلی پرطرفدار بوده‌اند. در اوائل دهه پنجاه شمسی بعضی از داستانهای نیکولا به فارسی ترجمه شده و در مجلاتی به چاپ رسید و گویا تعدادی از آنها هم در قالب کتابی. من این ترجمه‌ها را ندیده‌ام ولی از مرحوم منوچهر احترامی شنیدم که این طور بوده و خود او هم داستانهایی را ترجمه کرده بوده. در اواسط دهه هفتاد هم انتشارات سروش تعدادی از این مجموعه را منتشر کرد. من آن وقت ازین ترجمه اطلاعی نداشتم و سالها بعد آن را دیدم.

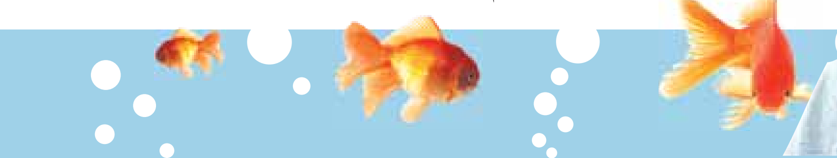
ترجمه نیکولا کوچولو به فارسی از زبان پدرخوانده

من سال ۱۳۷۶ بود که به یک جلد از این مجموعه برخوردم و علاقه‌مند شدم و ترجمه کردم و بعد ادامه دادم. این کار به تناوب ده سالی ادامه داشت. چون بعد از مجموعه اول دو مجموعه مفصل از داستانهای منتشر نشده از راه رسید و زندگی مشترک من و نیکولا کوچولو ادامه پیدا کرد. من البته به خلاف حرف دوستانم بابای نیکولا کوچولو نیستم ولی شاید پدرخوانده‌اش در نسخه فارسی به حساب بیایم. در تمام این سالها که داستانهای نیکولا پی‌درپی منتشر شده و کوچکترها و بزرگترها استقبال شایانی از آن کرده‌اند، تشویق‌های دلگرم‌کننده خوانندگان همیشه برقرار بوده است. داستانهای نیکولا طنز قوی منحصر به فردی دارند. طنزی که قابل تقلید نیست و اصالت دارد. این طنز در سراسر داستان پراکنده است. تند یا کند نمی‌شود. مثل بوی خوش مدامی است که در هوا پراکنده باشد.

به علاوه خیلی صمیمی و واقعی هستند. آدم انگار شخصیت‌های داستان را می‌شناسد، دیده است، اما در عین حال نمی‌تواند آنها را پیش‌بینی کند. اصولاً پیش‌بینی فرجام داستان‌های نیکولا ممکن نیست و او در هر داستان، با همه سادگی‌اش ما را غافلگیر می‌کند.

شخصیت‌های دیگر قصه هم هر کدام با ویژگی‌های خود و ماجراهایی که ایجاد می‌کنند ما را یاد یکی از دوستان فعلی یا گذشته‌مان می‌اندازند. بچه‌های بازیگوشی که سرخوشی و نشاط روزهای خوش مدرسه را همیشه تازه نگه‌می‌دارند. ناظمی که مثل اغلب ناظمها اخموست و معلمی که از شیطنت بچه‌ها بی طاقت می‌شود. داستانهای نیکولا به خاطر خصوصیات انسانی و جذابی که شخصیت‌هایش دارند هرگز کهنه نمی‌شود. هر یک از ما یا یک نیکولای شیطان در درون خودمان داریم یا آرزو داریم کاش یکی می‌داشتیم.









کافه کتاب

تازه های نشر از نگاه اهالی فرهنگ و اندیشه



گفتگو با کافکا

■ نگین شیدوش

«موجودیت بشری، باری است که بر دوش ماسنگینی می کند. این است که می خواهیم دست کم در خیال، از آن رهایی پیدا کنیم.» از متن کتاب

«گفتگو با کافکا» ـ آنطور که از نامش پیداست ـ شامل گفتگوهای «گوستاو یانوش» با کافکا است؛ گفتگوهایی که اغلب در محل کار کافکا و پس از فراغت او از کار صورت گرفته‌اند. یانوش در این کتاب که حاصل چهارسال گفتگو است، با کافکا از همه‌چیز صحبت می کند: ادبیات، سیاست، اخلاق، هنر، دین، مرگ؛ و کافکا سنجیده و ژرف‌اندیشانه با وی به گفتگو می نشیند. جزء جزء این کتاب سرشار از تفکر و اندیشه است، همه آن‌چه که خودِ کافکا قصد دارد در نوشته‌هایش منتقل کند، این‌جا بی‌واسطه در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد. حتی حرکات بدنی کافکا برای یانوش جذاب است: فرانتس کافکا حرکات را دوست دارد. بدین جهت در استفاده از آن‌ها امساک می کند. در خلال صحبت‌ها، هر اتفاق کوچکی می‌تواند دست‌مایه بحثی طولانی شود؛ و یانوش به خوبی از این موضوع آگاه است.

گردآوری این یادداشت‌ها در قالب یک کتاب، کار ارزشمندی است که یانوش به خوبی از عهده آن برآمده است. این جا ما تنها با کافکای نویسنده روبه‌رو نیستیم، فردِ صاحب اندیشه‌ای در برابر ماست که می‌تواند با ظرافت هرچه تمام‌تر، دیدگاه‌مان را نسبت به چیزهایی که پیش رو داریم، متحول کند.





اثری سترگ از رابرت گریوز

■ محمد حسن علیپور

کتاب «عیسای پادشاه» نوشته رابرت گریوز تاریخ نگار برجسته و اسطوره شناس بزرگ انگلیسی است که برای دین پژوهان و تامل در زندگی و زمانه عیسی مسیح مهم است. کسانی که علاقه مند هستند در باره ادیان یهودی و مسیحی و ریشه‌های تاریخی و آداب و سنن دینی و باورها و اعتقادات این دو دین کهن شناخت پیدا کنند، این کتاب دارای رویکردی تحقیقی و پژوهشی است و برای دست یابی به شناختی مستقل و عمیق کمک می کند. خواننده با مطالعه کتاب عیسای پادشاه به ریشه بسیاری از باورها و اعتقادات دینی خواهد رسید. اگر چه با گذشت چندین قرن، سنت‌های تاریخی موجود در هر یک از ادیان، تفاوت‌ها را همچنان حفظ می کند.

رابرت گریوز نویسنده کتاب با بررسی عمیق از زندگی عیسا مسیح و زمینه‌های تاریخی تاسیس دین مسیحیت سعی کرده بدون جانبداری از اعتقادات خاصی که در میان شاخه‌های دینی مسیحیت مطرح است پژوهش خود را به انجام رساند. حتی در جاهایی که برخی باورها مورد پرسش و سوال قرار می گیرند، نگرش پژوهشی او دچار تردید و خدشه نمی‌شود. در صورتی که کتاب‌هایی که در باره تاریخ ادیان نوشته شده‌اند، کمتر از این اشکال دور هستند و کم و بیش باورها و اعتقادات نویسندگان این گونه کتاب‌ها در نوشته‌های تاریخی شان دیده می‌شود. کتاب عیسای پادشاه که در قالب رمان تاریخی نوشته شده، توسط فریدون مجلسی ترجمه شده و نشر پایان آن را چاپ و منتشر کرده است.







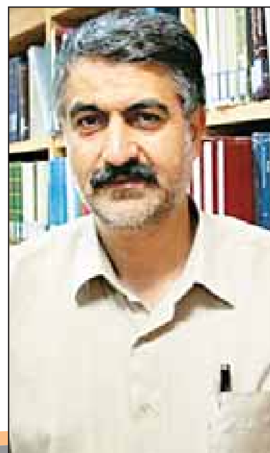
درسنامه‌ای به نام روزها

■ حسین مسرت

گهگاهی، کتابی گرانسنگ در این خموش بازار کتاب، درخششی ویژه یافته و حلاوت سخن نو را بر دهان مشتاقان کتاب‌های تازه می نشاند. روزهای آسایش نوروز، فراغتی را حاصل آورد تا همنشین کتاب خوب «روزها» نوشته نویسنده توانا دکتر محمّد علی اسلامی ندوشن باشم، بوی بهار و بوی کتاب نو، لحظاتی دلنشین و فراموش ناشدنی را برایم پدید آورد که با نگاهی تازه، کتابی تازه را از دیده بگذرانم.

«روزها» آمیخته‌ای است از خاطره و تجربه، قیاس و سنجش حال و گذشته، مروری درس‌آموز بر خاطرات گذشته. هدفمندی این بازگویی‌ها در جای‌جای کتاب منعکس است. دکتر اسلامی، هوشمندانه کلمات را در قالب ترکیب‌هایی بدیع و نو ریخته و اساس نثر معاصر را برای آیندگان باز می‌نمایاند. یک نمونه از خاطره تجربه‌های او آورده می‌شود.

اسلامی ندوشن در این کتاب، تنها راوی خاطرات نیست، مدرّسی دلسوز، جامعه‌شناسی آگاه و آینده نگری مدبّر است. بی پرده آنچه را که روزی برایش مقدّس بوده و بعدها به تجربه، خلافش ثابت شده، در پیش روی خوانندگان می گذارد. «روزها» در ورای بازگویی خاطره‌ها، درسنامه‌ای است از تجربیّات یک نسل، نسلی که اوج و فرودها را دیده، قدرت‌ها و ذلت‌ها را دیده، و سرد و گرم‌ها را چشیده، در گام به گام تاریخ پرفراز و نشیب ایران، همراه با مردم بوده، و در کنارشان. «روزها» خاطراتی از دورانی محدود و منحصر به یک شخص نیست، تاریخنامه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران، ما بین سال‌های جنگ جهانگیر نخست و دوم است و رهنمودنامه‌ای است برای آیندگان. بازگوینده آزموده‌ای نسلی است که اکنون آموزگار نسل کنونی است، نسلی که می‌خواهد رهنماینده نسل‌های بازپسین باشد.





تاریخ و ادبیات به روایت سایه

■ احمد عباسی

کتاب «پیر پرنیان اندیش» که به تازگی به چاپ دوم هم رسیده را خیلی پسندیدم. کتاب از دو بخش تشکیل شده؛ بخشی درباره خاطرات سیاسی و اجتماعی است و بخشی به شعر و شاعری، دیدارها و... می‌پردازد. هوشنگ ابتهاج (سایه) با این مصاحبه‌ها سکوت خود را شکسته است.

در این کتاب اطلاعات زیادی به خواننده داده می‌شود، مخصوصاً برای نسل امروز، نسلی که سایه را زیاد نمی شناسد و در حد یکی دو دفتر (تاسیان و سیاه مشق) از اشعار او را خوانده، این کتاب مفید است. آشنایی او با شاعران، نویسندگان و خاطرات او از آنها قسمتی از تاریخ ادبیات ما را روشن می کند و ما را با دیدگاه‌های او درباره آنها آشنا می‌کند. کار خوبی است که سایه در این کتاب اظهارات خود را درباره موضوع‌های مختلف و افراد سرشناس و فرهنگی بیان کرده و حرفش را برای جایی دیگر و زمانی دیگر نگذاشته است. به تعبیری می‌توانم بگویم، بگذار بدانم و بمیرم تا اینکه ندانم و بمیرم! من که عمری با دفترهای شعرش زندگی کرده‌ام خاطراتش را هم با عشق می‌خوانم و می‌آموزم. خواندن این کتاب برای نسل کنونی، نسل جوان، به نظرم ضروری است زیرا این کتاب هم به نوعی تاریخ ادبیات معاصر است و هم اینکه وضعیت سیاسی و اجتماعی دوره‌هایی را نیز نمایان می‌کند.

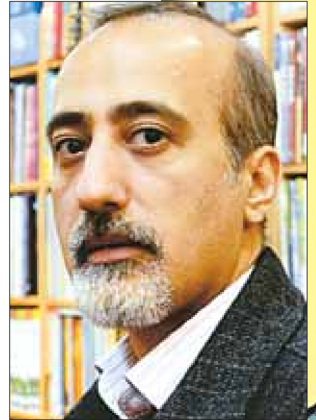






یاد شاعری که در بهار زاد و در بهار...

■ مسعود اعرابی



کپی بهار را کوبیده ام به دیوار
تابلوی نفیسم
به سرقت رفته است!

****

ماهی‌ها در تُنگ
سیرها و سنجدها در پلاستیک
بهار..... در دوردست‌ها

****

بوی تند سبزی پلو و ماهی
تشدیدی پررنگ
روی تنهایی من!



این‌هایکووارههـای نـوروزی کـه بـی ملاحظه تعریف‌هایکـو، نه خیال و خاطـره‌ای خوابناک که بیان مفاهیمی کم و بیش غمناکند، بهانه شد تا مکتوب بهاری امسـال کمی متفاوت از سـالِ پار باشـد. یادکردی باشد از آنهـا که کمتر یاد می‌شـوند. بهار و نـوروز به موازات مفاهیمی سرخوشانه و شادیانه همچون نوشدن و زایش و رویـش، در ذات خـود غمـی پنهـان دارد از یاد یاران ازدسـت رفته و بی بازگشت. دریغی نشسته در چشمان مردمان دیده می‌شود که گاهِ تحویل سال، میل به سرازیر شدن دارد.

خاطرمان خسته از کوچ بستگانی است که رَسته‌اند و رنجور از جوار ما و جهان جسته اند. خاصه آنکه کوچنده خود بهار زاد باشد؛ خاصه آنکه کوچنده خود در بهار عمر و فرزانگی بوده باشـد. خاصه آنکه کوچنده خود در بهار کوچیده باشد. خاصه آنکه کوچنده سرو بلند قامت همواره سبزی باشد به نام سید حسن حسینی.

شـاعری که در یکمین روز از بهار سـال سی و پنج زاده شـد و در نهمین روز از بهار سـال هشتاد و سه، دفتر ناتمام شـعر خود را بسـته دید. آنانکه با آینه ناگهان شعرِ فارسـی،قیصر امین پور، آشنا بودند، نام بلند سید حَسنَ حسـینی را به عنوان مراعات‌النظیـر او –تعبیری از خود سـید– می‌دانسـتند. هر دو زاده بهار دهه ۳۰ بودند. سیّد: یکم فروردین ۳۵؛ قیصر: دوم اردیبهشت ۳۸. هر دو در ۴۸ سالگی عمر خود جهان را ترک کردند. هردو انقلابی‌ترین جریان‌های شـعری پس از انقلاب –همچون شعر دفاع و شـعر اعتراض– را سـال‌ها زودتـر از درک و دریافت دیگران آغاز کردند.

هـر دو در روزگاری بـی فریـاد، طعم گس طرد و انـزوا را از بـه اصطـلاح اهل صلاح دریافتنـد. هر دو تا عالی ترین درجات علمی ادبیات و کسب فیض از استادان بنام دانشـگاه را پیش رفتند تا شـعر کارگاهی را غنی از معلوماتی دانشگاهی کنند. و بالاخره هر دو ناامید نسبت به آرمان‌های از دست رفته و آمال کمال جویانه، غمنامه‌های اعتراض و انزوا سرودند.

بـا این تفاوت که قیصر جلوه جمالی شـعر تعهد و اعتراض بود و سیّد، جلوه جلالی آن. آن یک دندان صبر بر جگر پر درد می‌نهاد و این دیگری فریاد خشم و تلخند خود را جاری جریان‌های ناجور می‌کرد. گرچه در نهایت توفیری در سرنوشت مشترکشان نداشت که دچار دردی مشـترک بودند. –دق مرگی– پایان غم انگیز این هر دو سـرو راسـت کردار بود که به هنگام افتادن سبز بودند و گرم–. قیصر مسـیحی مهربان بـود زیر نام پرطمطراقش بـا زبانـی نرم و نـازک و حتی گاه کودکانه بود؛ و سـیّد، خود قیصری بود نشسـته بر تخت باشـکوهی از بیان و زبان شـکوهمند و مطنطن (دسـت کم در شاخص‌ترین آثار سـپیدش همچون گنجشک و جبرئیل و در ملکوت سکوت).

قیصر می‌سرود:

اگر خنجر دوستان گُرده ایم
اگر دشنه دشمنان گردنیم

و سیّد همین معنا را چنین می‌سرود:

اگر دشنه آذین کنی گرده مان
نبینی تو هرگز دل آزرده مان
و یا :
مردی بودنم بی هیاهو
و همواره
زیر تازیانه اصوات
درعذاب
مردی که
بیش از وسع شانه هایش
میزبان
دشنه های تشنه بود

سید حسـن حسینی را می‌بایسـت شاعری تجربه گراتر از قیصر دانسـت. نگاهی به مجموعه آثار منتشـر شـده و در انتظار نشـر او در سـه حوزه تحقیقات ادبی – خلق آثار و اشعار و نیز در پهنه ترجمه، علاقمندان آثارش را برخـوردار از حظ تماشـا و تفرجی نـاب و نایاب در عرصه‌های مختلف ذوقی و ادبی کرده است.

«بُرادهها» بعد از اولین مجموعه شعر او که «همصدا با حلق اسـماعیل» نام داشـت، عنوان شـاعرانه‌ترین و انتقادی‌ترین گُزین گویه‌های شاعری انقلابی است که با برخورداری از طنزی تلخ و آبدار روانه بازار شد:

*موعظـهٔ اخلاقی بـرای هنرمندی که با فسـاد به شـهرت رسیده، مثل برشـمردن فواید گیاهخواری برای یک گرگ کهنه کار است.

*نقـد در هنـر مثـل آینهٔ جلـوی اتومبیل اسـت. راننده(هنرمند) باید به کمک آن مواظب پشـت سـرش باشد ولی یکسره در آن نگاه نکند، چرا که در این صورت انحراف از جاده و خطر تصادف در کمین اوست.

*یک شعر بد مثل یک عطسهٔ بلند ممکن است توجه دیگـران را به خود جلب کند ولی تحسـین کسـی را بر نمی‌انگیزد!

«گنجشـک و جبرئیل» نام دفتر مختصر شـعری از اولین آثار اوست که به جرأت می‌توان گفت نمونه‌ای بی نظیر و یگانه در حوزه شـعر و ادب آیینی است. نمونه‌ای عالی از ترکیب ذوق و عشق و ادب که بی گمان تا سالیان دیر و دور چنین مجموعه فاخری در شـعر مذهبی یافت نخواهد شد.

نمونه‌ای کوتاه از این مجموعه:

اگر حنجره مقدس تو نبود
عقل هیچ گلویی
به فریادهای بلند
قد نمی‌داد!

«بیدل؛ سـهراب و سـبک هندی» عنوان پژوهشی دقیق و نکته‌یاب از سیّد است در باب پیوندهای جانی و زبانی میان دو شاعر نامی. درک و دریافت عمیق حسینی از زیبایی شناسـی سـبک هندی و فتح باب او به دنیای مضمون پردازی‌های شگفت و پر رمز و راز سبک هندی و به ویژه بیدل در جوار تلاش‌های پیشـین و پسـین به رواج و رونق بیدل خوانی در میان ادب دوسـتان ایرانی منجر شد.

«مشـت در نمای درشت» کتابی از سید است درباره





پیوندهای ساختاری ادبیات و سینما. و معرف وجه دیگری از توانایی‌های او در عرصه هنر و فرهنگ. و البته ارائه‌دهنده پیشنهادهایی برای هر دو گروه فیلمساز و شاعر. «نوشداروی طرح ژنریک» تجربه‌ای است متفاوت. ساده و درعین حال سخت. شیرین و توأمان تلخ. شعرهایی به شدت انتقادی با شخصیت‌های ثابت (شاعر و تاجر) در بستری از زبانی سپهری وار:

تاجری مجلس تفسیر گذاشت
ابتدا
فاتحه بر قرآن خواند!

****

شاعری شعری گفت
صله‌ای صیقل خورد
گِرده‌ای جایزه زخم گرفت!

جز «حمام روح» و «نگاهی به خویش» که شامل ترجمه‌های سید حسن حسینی و به اعتراف بسیاری از بزرگان ترجمه، از بهترین نمونه‌های ترجمه آثار شعری از زبان عربی است، دو مجموعه شعر نو وکلاسیک به همت قیّم آثارش –قیصر امین پور– با نام‌های «در ملکوت سکوت» «سفرنامه گردباد» منتشر شده است.

«در ملکوت سکوت» سرشار از تصاویر سوررئالی و شگفت و ترکیب‌ها و عبارات شگرف و حیرت آوری است که در بسیاری لحظات بی آنکه واجد معنایی صریح باشد، مسحورکننده و حیرت آور است. میل به شناور شدن در افسون این مجموعه بیشتر از رسیدن به نقطه فهمی ثابت و پیامی مشخص، به خواندن و بازخواندن وادارمان می‌کند:

بخش پایانی همین کتاب به هایکوواره‌های نوروزی– اختصاص داده شده که خود تجربه‌ای متفاوت از زبان اصلی مجموعه –در ملکوت سکوت– می‌باشد. هایکوواره نامی است که خود شاعر با آگاهی از اینکه این سروده‌ها نمی‌توانند واجد همه ویژگی‌های یک هایکو باشند، بر آنها نهاده است. هایکوواره‌های نوروزی ابتدا در وبلاگ شاعر توسط خودش نوشته شد. هایکوواره‌ها ظاهراً آخرین سروده‌های سیّد –چندروزی پیش از مرگ او– می‌باشند. هایکوواره‌های نوروزی سیّد حسن حسینی مثل همه آثار طنز و جدی او دربردارنده اعتراض همیشگی و جان عدالت طلب او و البته روح ناسازگار او با شرایط موجود می‌باشد. او پیش از این نیز بارها و بارها از بهار سروده بود. بهاریه‌های کوتاه کتاب نوشدارو... از جنس شاعرانه‌هایی خوش آهنگ، با تعبیرهای تروتازه است:

بو سعید نفس کیست که از راه رسید؟
باد بر پنجره می‌کوبد:
چشم را باز کنیم
بوی گل
پشت در است!

****

گُل باز می‌شود
سیر و سلوک رایحه
آغاز می‌شود!

معروفترین غزل حسینی روایت گر مرگ بهار است با مطلع:

شاهد مرگ غم انگیز بهارم چه کنم ابر دلتنگم اگر زار نبارم چه کنم

و ابیات بلند و فاخری از این دست:

از ازل ایل و تبارم همه عاشق بودند سخت دلبسته این ایل و تبارم چه کنم
یک به یک با مژه‌هایت دل من مشغول است میله‌های قفسم را نشمارم چه کنم

اما در بهارهایکوواره‌ها بوی تلخ طنز و طعنه‌های اجتماعی به گوش می‌رسد:

کاری از دست زنگ‌های انشا برنمی آید
بچه‌ها
لباس نو می‌خواهند
و تخم مرغ‌های رنگی!

****

دلواپسی‌های موروثی
خطوط برجسته کاغذ
و کاریکاتوری از بهار در اطراف!

دغدغه‌های روزمره یک تهرانی در نوروز ۵۸ و تصاویر پیرامون او مثل برف اولین روز فروردین که از زمستان جامانده بود دست از سرزمین و بهار برنمی‌داشت بخشی از این هایکوواره‌ها را رقم زده است:

ایام نوروز
پایتخت خلوت و دستش خالی
و پل هوایی
یتیمی از فلز!

****

این پارازیت زمستان است
یا بهار در نی لبک سبزش
سرفه می‌کند؟!

صبغه و سابقه اجتماعی سیّد و بازخورد رنج‌های او از جامعه‌ای که دلخواهش نبود در هایکوواره‌هایی که سال ۵۸ سروده بود نیز مشهود است. نمونه‌های زیر یادآور برخی مسائل سیاسی داخلی و خارجی آن روزگار است:

زمستان دست بردار نیست
صبح نخست نوروز
برف می‌بارد
شاید صلاحیت بهار رد شده است!

پیش از پایان این نوشته و مرور نمونه‌هایی دیگر از بهاریه‌های متفاوت او حسن ختام را سخنی از قیصر امین پور نقل می‌کنم که در مقدمه یکی از کتاب‌های سیّد آورده است:

«اگر از نخستین سیاه مشق‌های نوجوانی او، یعنی شعرها و طرح‌های کوتاهی که در هفده سالگی (۱۳۵۲) تا آخرین شعرهایی که در فروردین ۱۳۸۳ سروده است، دو نمونه مناسب در اینجا نقل کنیم، و مثلاً از شعرهای نخستین، این بهاریه کوتاه را بیاوریم:

بهار را دنبال می‌کنم
به دست‌های تو
می رسم

و از آخرین شعرها که از قضا خودش نیز آنها را «هایکوواره‌های بهاری» نامیده است، این یکی را:

بهار، مسیحای فصل‌ها
درمانده از شفا دادن
به جیب‌های جذامی!



آنگاه جای آن است که از خود بپرسیم، راستی گلی که درست در اول فروردین ۱۳۳۵، شکفته و در آغاز چهل و هشتمین بهار زندگی اش (۱۳۸۳) پرپر شده است، یعنی شاعری بهاری و بهارزاده باید بهار را هم خزان زده ببیند؟

و چرا باید زندگی نامه خود را اینچنین خلاصه کند:

مادرم
پرسشی زایید سرگردان
که چهل پاییز بی پاسخ چرخید
و پیش پای تو افتاد.»

****

شرقی ام به هر حال
آرامشم به هایکو رفته است
و اضطرابم به قصیده!

****

آجیل‌ها و تقویم
به بهار گواهی می‌دهد
اما در این میان
تکلیف بخاری
روشن نیست!

****

نام تو را می‌برم
و دهانم
به آنی
جهانی می‌شود!

****

بهار
ساغری شکسته است
و خون تو صهبای سروهای بی شکست!

****

برگ‌های تقویم چهارنعل می‌تازند
در بادی که می‌وزد
از دوردست‌های ازل!

****

ملافه‌ای سفید از برف
روی نعش درازکشیده دشت
زمستان به رحمت خدا پیوست!

****

آهسته قدم برمی دارم
دیوارهای نازک –برای همسایه–
پلی است از رویا به کابوس!

****

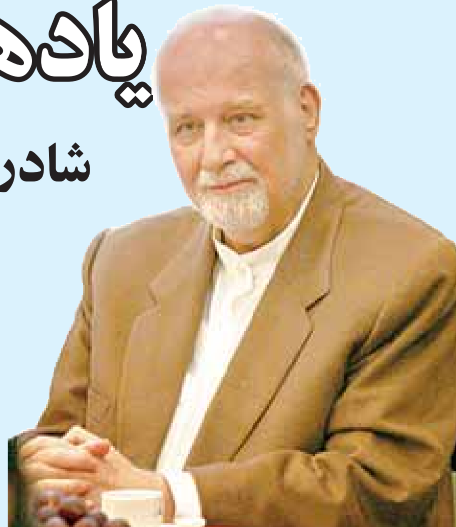
روز دوم هم می‌گذرد
دو چروک
بر پیشانی سال جدید!





یادهای ماندگار

شادروان دکتر حسن حبیبی





آخرین سروده دکتر حبیبی

دوست ما را خواند و گامی پیش برد
دست ما بگرفت و نزد خویش برد
دفتر اعمالمان را باز کرد
امر خود با این حکم آغاز کرد:
«هان، بخوان در نامه اعمال خویش
ماجرای جمله حال و قال خویش»
حکم او بر دیدگان بگذاشتیم
بازخواندیم آنچه خود بنگاشتیم
سر به سر این دفتر پر رمز و راز
سوء حال ما عیان می‌کرد باز
آنچه را نامش «حسن» بنهاد باب
دوستار حُسن بود و عشق ناب
دیو نفس از جملهٔ حسنش ربود
بردش اندر حجرهٔ سودا و سود
شرمسار از این هبوط ناپسند
بازگشته است این فقیر دردمند
کشتی‌اش بشکسته، ساحل ناپدید
لیک از «رَوح»ات نباشد ناامید
بسته است اینک به امید قبول
خویشتن بر کشتی آل رسول
بندی احسان به محضر آمده است
آبله بر پای، بر سر آمده است
این رهی بار گنه دارد به دوش
در گذارش ای حبیب عیب‌پوش





در دوره‌های اخیر، جامعهٔ ما از دیدگاه روان‌شناختی و جامعه‌شناختی با آسیب شگفت‌آوری روبرو شده و آن بی‌اعتنایی و در بسیاری از اوقات فراموشکاری در خصوص ارزشهای انسانی اشخاص و زحمات و خدمات آنهاست. نه تنها دانشمندان و بزرگان گذشته را کمتر می‌شناسیم و یا اصلاً نمی‌شناسیم، بلکه جوانان و نوجوانان ما بزرگان سده‌های اخیر جامعهٔ بزرگ جهان اسلام و جامعهٔ ایران را هم به خوبی و درستی نمی‌شناسند و از حال و روزگار و مآثر و آثار آنها بی‌اطلاع و یا کم‌اطلاعند؛ اما در مقابل، هم بزرگان و دانشمندان و دانشمندنمایان غربی و هم هنرمندان و مقلدان و دلقکان هنری بیشتر و بهتر نزد آنها شناخته شده‌اند. علت چیست؟

چند علت عمده و اساسی که جنبه و جهت سیاسی و روان‌شناختی دارد، می‌توان برای این امر برشمرد. برخی از این علتها به مرور از طریق تصمیم‌گیران و خط مشی‌سازان در متن جامعه نفوذ کرده و برخی دیگر که در متن جامعه بوده، از طرف حکومتگران تشویق شده و درنتیجه گسترش و عمق یافته و هر دو گروه از علتها، وجه جامعه‌شناختی به خود گرفته‌اند.

۱ـ در هر دوره به خصوص ادوار گذشته، حکومتها کوشش داشته‌اند که نام و یاد دانشمندان گذشته کمتر تکرار شود و در نزد عامهٔ مردم بدانها اشاره و استناد نگردد؛ از آن‌رو که حکومتها همواره آثار دانشمندان را هم، همانند کارها و اقدامات عمرانی و غیر آن حاصل کار و نتیجهٔ حکومت خود می‌دانسته‌اند؛ بنا بر این به هیچ‌وجه مایل نبوده‌اند که با ذکر جمیل دانشمندان سلف در واقع یاد حکومتهایی که از میان رفته‌اند، زنده شود. حکومتها صرف‌نظر از عمارتهایی که از میان برده‌اند و یا آثار هنری که بر روی آنها گچ کشیده‌اند، حتی برای آنکه گذشتگان را ضایع کنند، از روی چشم و هم چشمی، عمارتی را برای پهلو زدن بر عمارتی بنا کرده‌اند که نامش در یاد مردم بوده است. همچنین این ماجرا را چندین بار در تاریخمان داریم که حاکمی گفته است در پایتخت من و یا در دربار و بارگاهم صد شاعر برتر از فلان شاعر هست و نیز دستور ساختن فتح‌نامه و ظفرنامه و شاهنامه داده‌اند تا نام شاهنامه را یکسره به طاق نسیان بسپارند و نام رفتگان را به زشتی یاد کنند.

شگفت‌انگیز است که در ادبیات ما، ادیبان و شاعران کمتر توانسته‌اند از تشویق و تمجید و تجلیل صاحبان فضل سخن بگویند و بیشتر دردمندانه خواسته‌اند که از گذشتگان به بدی یاد نشود نام نیک رفتگان ضایع مکن / تا بماند نام نیکت پایدار.

۲ـ در ادوار اخیر، تحت تأثیر لائیسیسم غرب و بی‌توجهی به دینداری، اتفاق شگفت‌انگیزی در برخورد با تاریخ علمِ و فرهنگ ما رخ نموده است؛ بدین معنی که:

اولاً: در خارج از حوزه‌های علمیه، از دانشمندان بزرگ که در فقه، اصول، تفسیر، حدیث و رجال، حتی کلام سرآمد بوده‌اند، کمتر سخن رفته است و نه تنها مردم باسواد، بلکه فرهیختگان نیز ـ جز در موارد معدود ـ از این بزرگان اطلاعی ندارند و از مقام علمی و عظمت کارهای تحقیقی آنها بی‌اطلاعند.

ثانیاً: در شرح حال و روزگار دانشمندان و بزرگان علم و فلسفه و شاعران، ادیبان و مورخان هم کمتر به وجههٔ دینی و اطلاعات مذهبی آنها که مبنا و اساس کارهایشان است، پرداخته شده، و برعکس گه‌گاه نیز در اثبات نوعی بی‌اعتنایی و احیاناً لاابالی‌گری آنها تلاشهای خنده‌آوری صورت پذیرفته است!

می‌توان گفت که جوّ حاکم بر محیط علمیی که شرح‌حالها و گزارشهای علمی گذشته را فراهم می‌آورده، به گونه‌ای بوده است که باید سخن از دین و مذهب و روحانیت به میان نیاید تا دین‌ستیزی زادهٔ جدال جریانهای قرون‌وسطایی غرب و جهت‌گیری نوزایش که گرایش به کناره‌جویی از دین و انفکاک دین از دنیا را مدنظر داشته است، بتواند در جریانهای روشنفکری شرق اسلامی و ایرانی نیز به کرسی بنشیند و فرهنگ و تمدن غرب، نفوذ خود را تمام عیار سازد. در این خصوص راهی جز این پیش پای نویسندگان تاریخ فرهنگ و تمدن نبود که تا آنجا که ممکن است، در هر دو مورد، بخصوص در مورد عالمان روحانی کار را به سکوت برگزار کنند. بدین ترتیب نسلهای اخیر از زندگانی و شرح خدمات و کتابها و آثار این گروه از عالمان کمتر آگاهی دارند.

۳ـ در کنار این توطئهٔ سکوت، با عرضهٔ شرح‌حال و آثار غربیان مواجه هستیم؛ در حدی که نام متفکران و شبهِ‌متفکران و نویسندگان ادیب فرنگی بر سر زبانها بیفتد و طبعاً روشهای آنها مورد توجه و تعریف و تمجید واقع شده است. البته متدین بودن برخی از آنها مورد توجه قرار نگرفته و در این زمینه مطالب مهم به سکوت برگزار شده است؛ اما در مقابل، برخی از مسائل فرعی و جنبی زندگی شخصی آنها که هیچ‌گونه بار علمی یا اطلاعاتی نداشته، صرفاً برای سرگرمی و درنتیجه جلب توجه جوانان مورد بحث قرار گرفته و یا با هدف و منظور مشخص یعنی القای یک شیوهٔ رفتار انحرافی، با آب و تاب از آنها یاد شده است. نتیجهٔ این دو برخورد، کم اثر کردن توجه ایرانیان مسلمان به میراث گرانقدر فرهنگی و تمدنی‌شان بوده است و بیش و کم هنوز هم هست، و حاصل این امر، ناتوانی ریشه‌های هویت جامعهٔ ایرانی است که متأسفانه زمینه‌ساز هجوم فرهنگی و تمدنی بیگانه است.

٤ـ حسادت که در دوره‌های پیش از پیروزی انقلاب دامن‌گستر شده بود، موجب شد برخی از دانشمندان سده‌های اخیر مورد توجه نباشند و نامی از آنها برده نشود، مبادا جای برخی از عالمان یا عالم‌نمایان دوره‌های نزدیک به ما را بگیرند و یا جلوه و جلای آنها را کم کنند!

۵ـ کمال‌طلبی که نیکوست، غالباً به صورت لفظی و حرفی و بیشتر اوقات به عنوان پوشش برای عقدهٔ حسادت به کار گرفته شده است. این شیوهٔ رفتار که با ظاهر کمال‌طلبانه و باطنی حسودانه وجودش را عرضه می‌کند، علت دیگری برای فراموشی‌هاست. حاصل این امر آن است که جامعه یا آنهایی که باید به معرفی دانشمندان و محققان ارزشمند برخیزند، یا هیچ عالمی را در مرتبه‌ای نمی‌بینند که شایستهٔ تجلیل باشد، و یا می‌ترسند که مبادا پس از تقدیر و تجلیل، این عالم راه ناصوابی را در پیش بگیرد و قدرشناسان خود را به زحمت بیفکند! بدین‌سان عالمان تا هنگامی که در قید حیاتند و حضورشان می‌تواند در نسل جوانتر مؤثر باشد، مورد تجلیل قرار نمی‌گیرند. تقدیر و تجلیل پس از مرگ نیز برای جوانانی که نیازمند الگو و نمونه‌اند، فایده‌ای نخواهد داشت.

این مشکلات را باید از سر راه برداشت تا جامعه بتواند از فواید و برکات شناساندن بزرگان خود به نسل جوانتر بهره بگیرد. در واقع این شناساندن‌ها و تقدیرها و تجلیل‌ها برای دانشمند و محقق واقعی نفعی در بر ندارد و در وی تأثیری نمی‌گذارد و یا تأثیرش بسیار کمتر از آن است که غیرعالمان می‌پندارند. نفع و فایده این تجلیل‌ها، عاید جامعه و به‌ویژه جوانان می‌شود و به آنها می‌فهماند که اگر راه درست را برگزینند، در نهایت جامعه، شخص آنان و زحمات و خدماتشان را به حساب می‌آورد و نامشان را در تاریخ خود جاوید می‌سازد. کمال‌طلبان واقعی نیز باید صف خود را از صف بداندیشان و حسودان جدا کنند و با احتمال اینکه مبادا از میان صد تن، دو یا سه تن در آینده‌ای که جز خداوند از آن آگاه نیست، اندکی یا یکسره از راه راست منحرف شوند، نباید از نفع عامی چشم بپوشند که تشویق و تجلیل و تقدیر بیش از نود و چند تن در بر دارد.

علاقه‌مندان به پیشرفت جامعه و تربیت جوانان با رفتار درست خود، و تجلیل به قاعده از زحمات و خدمات دانشمندان و هنرمندان، بی‌آنکه شیوهٔ مبالغه‌آمیز مرسوم را به کار بگیرند، می‌توانند جامعه را در جریان خوبیها قرار دهند. در این زمینه اگر درست عمل شود و مبالغه‌ای در کار نباشد، بسیاری از نگرانیهای مربوط به انحرافهای احتمالی بعدی از میان می‌رود؛ چون در تجلیل و تقدیر واقعی خیر، علم، دانش و هنر، سختکوشی شخص و نه خود شخص، بزرگ شمرده می‌شود و این حقایق و مفاهیم هیچ‌گاه کوچک نمی‌گردند و از مسند خود فرو کشیده نمی‌شوند.

٦ـ ما از توجه به وجه اخلاقی و معنوی تربیت استادان و ارتباط نزدیک میان استاد و شاگرد در نظام تعلیمی و تربیتی کهن خود غفلت کرده‌ایم و یا آن‌سان که باید بدان نپرداخته‌ایم. تعلیم‌یافتگان حوزه‌های علمیه که خوب درس خوانده و مدت معتنابهی در حوزه بوده و استاد دیده‌اند، هنگامی که به یادآوری چگونگی درس و بحث خود می‌پردازند، به نکته‌هایی بسیار ظریف و در عین حال مهمی اشاره می‌کنند که در حوزه‌های دانشگاهی کمتر و یا به هیچ وجه با آنها روبرو نمی‌شویم.

تربیت‌یافتگان حوزه همواره از نفوذ و حضور توانمند و پرمایهٔ یک یا چند تن از استادانشان در فکر و ضمیر خود یاد می‌کنند و به صراحت یا به اشارت آنچه را از اخلاق و علم دارند، از دولت فکری و معنوی آنها می‌شمارند. قطعاً روش تدریس، دانش استاد و چگونگی ارتباط علمی او با شاگرد در این حضور و نفوذ، از عناصر اساسی است؛ اما مهمتر از آن، روش و شیوه‌های رفتار استاد است که این گروه از تربیت‌یافتگان را تحت تأثیر مداوم خود دارد. نکته‌های عمیقی که از استادان بزرگ و بنام حوزه‌های علمی و فلسفی دورانهای اخیر نقل می‌شود، قابل گردآوری و بحث و تحلیل و نتیجه‌گیریهای تربیتی و جامعه‌شناختی مهم است.

البته پیشنهاد من آن نیست که کتابی تحت عنوان «لطایف و ظرایف بزرگان» و یا «در سایه‌سار تعالیم مربیان بزرگ» و نظایر این عناوین و با طراحی عجولانه و بدون ارتباط مباحث و فصول به گونه‌ای آشفته تدوین شود و یا نکته‌هایی ذکر گردد و در ذیل هریک، چند نکته با لحنی تحکمی و نصیحت‌گرانه و مستقیم گفته شود. تحلیل مبانی و اصولی که این شیوه‌های رفتار و کلمات و جملات مربیان مورد بحث بر آنها استوارند، حال و روزگار شخصی آنها، ارتباط این رفتارهای متفرد با یکدیگر و با کل زندگی ایشان، موقعیت اجتماعی آنها، سابقهٔ آن نزد استادان این مربیان، ارتباط این رفتارها و مبانی آنها با سیرهٔ معصوم و عقاید اسلامی، آثاری که این شیوه‌های رفتار بر شاگردان گذاشته، تأثیری که در جو تربیتی حوزه نهاده است، همگی باید بدون تعارف و تمجید بیان گردند. تمجیدها و تعریفهای بی‌فایده و توخالی خواننده و شنونده را از اصل مطلب و ماجرا دور می‌کند و دیگر بار آنها را به دنیای مادی و پرهیاهوی تعارف و تملق باز می‌گرداند.







سینمای ایران در سال ۱۳۹۱

سینمای اندیشمند در راهبندان اختلافات



■ محمد سلیمانی

سینمای ایران در سالی که آخرین روزهای آن را پشت سر می گذاریم، نه برای مخاطبانش و نه برای فعالان آن، سالی امید بخش و به یاد ماندنی نبود.

در این سال، بیش از ٥٤ فیلم در سینماهای تهران و شهرستان‌ها به نمایش درآمد که از میان آن‌ها، فقط پنج فیلم در جدول فروش تهران توانستند به رقم فروش بیش از یک میلیارد تومان دست پیدا کنند فروش ١٥ فیلم، زیر یکصد میلیون متوقف شد و فروش بقیه، بین یکصد تا یک میلیارد در نوسان بود که با توجه به افزایش بهای بلیت سینماها به نسبت سال قبل، نشان از کاهش تعداد تماشاگران سینما و قهر عمومی مردم با سالن‌های سینما داشت.

از سوی دیگر، نوع فیلم‌های تولید شده و به نمایش درآمده در سال ٩١ و مجموعه سیاستگزاری‌های اعمال شده در حیطه تولید و به ویژه اکران، شرایطی را پدید آورد که گویی گریزی از این سرنوشت غم‌انگیز نبود.

در سال ١٣٩١، برای اولین بار یکی از نهادهای فرهنگی، هنری که سینماهای متعددی را هم در تهران و شهرستان‌ها در اختیار دارد، اعلام کرد که برخی فیلم‌های دارای مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را به دلیل ترویج موضوع خیانت در خانواده و به تصویر کشیدن برخی ضد ارزش‌ها در سینماهای خود نمایش نمی‌دهد.

حوزه هنری که سینما آزادی را هم به عنوان مهم‌ترین و پرفروش‌ترین سالن سینمای پایتخت در اختیار دارد، در اقدامی استثنایی، مانع نمایش برخی فیلم‌ها در سینماهای خود شد و در مقابل، شورای صنفی نمایش هم با هماهنگی تهیه‌کنندگان سینمای ایران تصمیم گرفت از ارائه حواله نمایش فیلم به سینماهای حوزه هنری خودداری کند! و حوزه هنری مجبور شد در سینماهای خود فیلم تکراری نمایش دهد تا زمانی که مشکل به طریقی حل شود. ولی با وجود برگزاری جلسات متعدد بین مسئولان سازمان سینمایی حوزه و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نتیجه‌ای ویژه‌ای حاصل نشد و همچنان برخی فیلم‌های سینمای ایران، قربانی اختلافات شدند. شاید اگر این اتفاق رخ نمی‌داد، به تعداد فیلم‌های باشگاه میلیاردی‌های سینمای ایران ـ فارغ از کیفیت آثار ـ افزوده می‌شد.

ولی به هر روی، سینمای ایران، امسال این اتفاق تلخ را تجربه کرد و به همین دلیل تعداد زیادی از مخاطبان بالقوهاش را از دست داد؛ مخاطبانی که ترجیح دادند در شرایط کنونی، مشتری پروپاقرص آثار مجاز و غیرمفید نمایش خانگی باشند.

تجمع معترضان

اوضاع بحرانی سینمای ایران در سال ٩١ از زمانی تشدید شد که برخی فیلم‌های دارای مجوز ارشاد و اکران شده در جشنواره سال قبل، با اعتراضات و تجمع‌های ویژه در مقابل وزارت ارشاد روبرو شدند و به این ترتیب اکران برخی فیلم‌ها از جمله «گشت‌ارشاد» و «خصوصی» نیمه‌تمام ماند و برخی فیلم‌ها از پرده سینماها پایین کشیده شدند.

منتقدان هم روی خوش نشان ندادند

در کنار همه مشکلات و معضلات اقتصادی موجود، به نظر می‌رسید فیلم سال ٩١، سوای مشکل به وجود آمده و استقبال نکردن مخاطبان عام، مورد توجه منتقدان هم قرار نگرفته‌اند در میان بیش از ٥٤ فیلم به نمایش درآمده در سال ٩١، شاید به تعداد انگشتان دو دست هم فیلم‌هایی که بتوانند برای مدتی در ذهن مخاطب باقی بمانند، دیده نشد.

مروری بر اسامی این فیلم‌ها، بیانگر این واقعیت انکار نشدنی است که یکی از دلایل استقبال نکردن مخاطبان از سینمای ایران در سال ٩١، کیفیت خود فیلم‌ها بوده است. البته مراد از این مخاطبان، سینما دوستان فرهیخته‌ای است که فیلم معمولی و یا زیر متوسط، هیچ‌انگیزه‌ای در آنها برای تماشای فیلم در سینما ایجاد نمی‌کند.

پرفروش‌های ضعیف

پرفروش‌ترین فیلم سینمای ایران در سال ٩١ یعنی «کلاه‌قرمزی و بچه‌ننه» اگر چه در مقایسه با آثار هم رده خود فیلم بهتری است، ولی اشکالات فیلم‌نامه‌ای و ساختاری آن، هیچ‌گاه نمی تواند آن را در ردیف آثار به یاد ماندنی سینمای ایران قرار دهد. مضمون شاد و فضای کمیک این اثر که با هدف جذب خانواده‌ها ساخته شده بود، در مقایسه با دیگر آثار سال ٩١ سینمای ایران، باعث شد که بتواند با تکیه بر هنرمندان سرشناس و عروسکی و زنده خود، عنوان پرفروش‌ترین فیلم را در سال ٩١ به خود اختصاص دهد.

«خوابم می‌یاد» دیگر فیلم پرفروش سال ٩١ هم مضمونی کمدی دارد ولی بازهم در مقایسه با آثار کمدی شاخص سینمای ایران، نمی‌تواند جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص دهد. دیگر فیلم‌های پرفروش امسال، مضامین سیاسی و اجتماعی داشتند که یکی از آن‌ها «من مادر هستم» و جزو فیلم‌های تحریمی حوزه هنری بود که باعث شد به واسطه برانگیخته شدن حس کنجکاوی مخاطب، به چهارمین فیلم پرفروش امسال تبدیل شود.

«گشت ارشاد» هم فیلمی بود که در کنار فیلم خصوصی به دلیل برپایی تجمع‌ها و اعتراض‌ها، از پرده سینما پایین آمد.

بررسی ساختاری پنج فیلم پرفروش سینما ٩١ نشان می‌دهد که هیچکدام نمی‌توانند یک خصیصه مثبت به کارنامه سینمای ایران اضافه کنند و به نظر می‌رسد، همچنان پسند مخاطبان عام سینمای ایران با آنچه که از سینمای خوب پر مخاطب می‌شناسیم ـ و در سینمای خودمان هم سوابق ویژه‌ای دارد ـ فاصله بسیاری دارد و بازهم به نظر می‌رسد سطح سلیقه و پسند این مخاطب، به ویژه در چند سال اخیر ارتقای قابل توجهی نداشته و حتی رشته‌های سال‌های نسبتاً دور ارتقاء سطح سلیقه مخاطبان به ویژه در دهه ٧٠، در سال‌های اخیر پنبه شده است.

کاملاً واضح است که اوضاع و احوال اکران در سینمای سال ٩١ بیماری‌های طولانی مدت و فراوانی داشته است که همه این‌ها باعث شده‌اند اتفاق مهم در این سینما رخ ندهد.

استقبال نسبی

در جدول اکران فیلم‌های سال ٩١، فیلم‌هایی مانند «بوسیدن روی ماه» «بغض»، «یک عاشقانه ساده»، «یکی می‌خواد باهات حرف بزنه»، «زندگی خصوصی آقا و خانم میم»، «میگرن»، «آیینه‌های روبرو» هم بودند که اگرچه با استقبال چشمگیری روبرو نشدند، ولی هر کدام صاحب ویژگی‌هایی بودند که شاید در شرایط طبیعی اکران، می‌توانستند توجه مخاطبان بیشتری را به خود جلب کنند. این فیلم‌ها با استقبال نسبی منتقدان روبرو شدند ولی این استقبال هم در حدی نبود



که بتوانیم از بین این آثار، فیلم‌ویژه و کاملی را به کارنامه آثار برتر سینمای ایران اضافه کنیم.

سینمای مستقل

در جدول اکران امسال سینمای ایران، همچنان ردپای اندکی از سینمای مستقل با مخاطبان خاص دیده می‌شد، ولی اغلب فیلم‌های متفاوت جدول اکران امسال، در سانس‌ها و سینماهای محدود به نمایش درآمدند و به دلیل اطلاع رسانی نامناسب ظاهرا با شکست تجاری روبرو شدند در حالی که معضلات اکران در سینمای ایران، سبب اصلی استقبال نکردن مخاطبان از این آثار بود.

جشنواره سی و یکم و جوانان در نبود پیشکسوتان

جشنواره سی و یکم فیلم فجر که از ١٢ تا ٢٢ بهمن سال ٩١ برگزار شد، یک امکان ویژه به برخی از فیلم‌سازان جوان و مستقل داد تا آثارشان را در عرصه رقابتی جشنواره فجر به نمایش بگذارند که شاید تنها ویژگی جشنواره امسال بود.

امسال، بسیاری از سینماگران با تجربه که با یک آمارگیری اولیه، تعدادشان به حدود ٣٠ نفر می‌رسد! به دلایل متعدد و متفاوتی ترجیح دادند فیلمی در جشنواره نداشته باشند و در عوض، انبوهی از فیلم‌سازان جوان، فیلم به دفتر جشنواره ارائه کردند که تعدادی از آن‌ها در بخش اصلی و فیلم اولی‌ها پذیرفته و برخی از آن‌ها در جشنواره با استقبال خوبی روبرو شدند.

ولی با این همه، اگر آثار به نمایش گذاشته شده در جشنوارهٔ فیلم فجر امسال را ملاک ارزیابی وضعیت اکران در سینمای سال آینده بدانیم به نظر می‌رسد وضعیت اقتصادی سینمای ایران در این سال به مراتب وخیم‌تر از سال ماضی خواهد بود و صرف‌نظر از چند استثناء، دیگر فیلم‌ها تماشاگر انبوهی را جذب سالن‌های سینما نخواهد کرد.

سینمای ایران در شرایط کنونی نیازمند ایجاد فضایی به دور از سوء‌تفاهم‌ها و چالش‌های بیهوده‌ای است که تنها کاربردشان راه‌بستن بر فضایی است که سینمای اندیشمند در آن امکان رشد و بالندگی خواهد داشت.

سینمای ایران باید بتواند در هر شرایطی مخاطبان گوناگون خود را با تولیدات متفاوت جذب کند. بسیاری از ژانرها از جمله دفاع مقدس و کودک و نوجوان در سال‌های اخیر به رغم اهمیتشان و تلاشی که برای تشخص و اعتبار بخشی به آنها شده است، در عمل محصول چشمگیری برای عرضه نداشته‌اند.

یادی از درگذشتگان

در این مجال کوتاه مروری داریم برنام و نشان هنرمندان سینما و تلویزیون ایران که در سال ١٣٩١ دارفانی را وداع گفتند: حمید سمندریان، پروین دخت یزدانیان، ایلوش خوشابه، مجید میرزاییان، ایرج قادری، شاپور قریب، علی کسمایی، نادیا دلدار گلچین، فهیمه راستکار، مسعود بهنام و... یادشان گرامی





نگاهی به تئاتر ایران در سال ۹۱

روز از نو روزی از نو

■ زهره زاهدی کرمانی



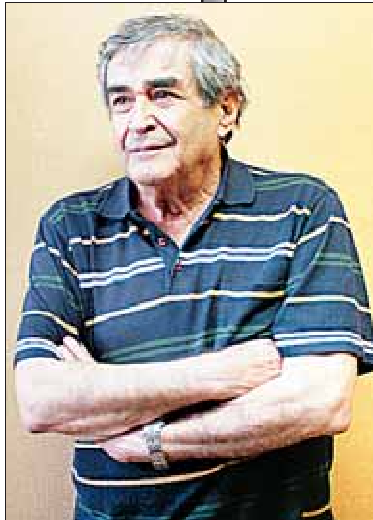
نوروز یک آیین است و آیین، سرچشمه هنر نمایش. ما قرن‌هاست با برگزاری این آیین به طور اخص، و مراسم‌های متنوعی که همجوار آن برگزار می کنیم، همچون مراسم چهارشنبه سوری و سیزده‌بدر، نمایشی کامل را در جشن آفرینش دوباره طبیعت به اجرا می گذاریم. نمایشی که از مرگ و نیستی زمستان شروع، و در طبیعت و سرسبزی ختم می‌شود. به گمان من آنچه به این نمایش، درام را می‌افزاید و آن را به هنر تئاتر تبدیل می کند، کشمکش ما و ذهن ماست. خاطراتی که در ذهن خود تا لحظه تحویل سال حمل می کنیم ولی با تحویل سال، قلب‌هایمان می‌ریزد و خاطرات را فراموش می کنیم.

هنرمندان تئاتر و حتی علاقه‌مندان به این عرصه، خاطرات بسیاری را تا لحظه تحویل سال با خود به دوش می‌کشند. اما اینکه در این کشمکش کدام طرف پیروز می‌شوند و آیا این خاطرات فراموش می‌شوند یا خیر و باز هم دردی می‌شود افزوده بر دردهای آینده را دیگر خدا می‌داند.

* ۲۱ تیر ۱۳۹۱ چهارشنبه بود. در شرایطی که هنرمندان پیشکسوت تئاتر کشور در سال‌های اخیر با مشکلات فراوانی در زمینه بیماری‌ها و هزینه‌های درمانی خود دست و پنجه نرم می کردند، موسسه هنرمندان پیشکسوت در راستای پاسداشت شأن و منزلت هنرمندان با سابقه کشور در حوزه‌های متعدد هنری و تکریم مقام آنان، راه‌اندازی و سیدعباس عظیمی نیز با حکم معاون امور هنری وزیر فرهنگ وارشاد اسلامی به عنوان مدیر عامل موسسه هنرمندان پیشکسوت منصوب شد.

خانه هنرمندان پیشکسوت یک ساختمان استیجاری است که پیش از این در اختیار مرکز هنرهای نمایشی بوده و دو اتاقش را به این موسسه اختصاص داده‌اند، این خانه به گفته سیدعباس عظیمی که مدیریت آن را بر عهده دارد هنوز بودجه و اعتباری ندارد اما قرار است، فعالیت‌های زیادی را انجام بدهد.

عزت‌الله انتظامی در جریان بازدید از موسسه هنرمندان پیشکسوت اظهار امیدواری کرد: این موسسه در حد یک اسم نباشد و بتواند فعالیت‌های اجرایی انجام دهد.



* ۲۲ تیر ۹۱، پنجشنبه بود. ساعت شش صبح خبر رسید که استاد حمید سمندریان، مترجم و کارگردان پیشکسوت تئاتر کشور پس از تحمل سال‌ها بیماری چشم از جهان فرو بست. دردی که هنرمندان تئاتر هنوز آن را فراموش نکردند.

* ۱۹ شهریور ۱۳۹۱ یکشنبه بود. در شرایطی که هنرمندان و علاقه مندان به هنر تئاتر چشم انتظار بودند که پس از مدت‌ها بتوانند شاهد اجرای اثری از یکی از بزرگان تئاتر کشور باشند، اما دکتر علی رفیعی که آخرین تمرینات نمایش «یرما» را پشت سرمی گذاشت، اعلام کرد: «به دلیل عدم توافق بر سر ساعت اجرا با تالار وحدت، اجرای نمایش «یرما» منتفی است.»

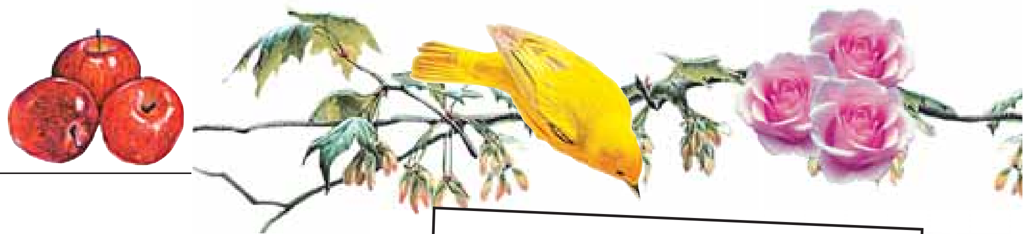
* ۱۲ دی ۱۳۹۱، سه شنبه بود. مهدی نصیری، رئیس جدید کانون ملی منتقدان تئاتر اعلام کرد که جشن این کانون که از سال ۸۷ تاکنون به دلیل مشکلات مالی برگزار نشده است، سال آینده برگزار شود. او در این باره گفت: در تلاشیم تا این جشن را در هفته تئاتر، اردیبهشت سال آینده، برگزار کنیم که در آن ۱۵ اثر برگزیده در بخش‌های مختلف تئاتر معرفی می شوند. درصورتی که مسائل مالی از طریق پرداخت مطالبات عقب افتاده حل نشود، از نهادها و سازمان‌های دیگری برای برپایی این جشن کمک خواهیم گرفت.

* ۲ بهمن ۹۱، دوشنبه بود. آغاز سی و یکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر و کنجکاوی علاقه مندان به هنر نمایش برای شرکت در این جشنواره و تماشای آثاری که حاصل دسترنج یک ساله هنرمندان تئاتر به شمار می‌رفت. کنجکاوی که در نهایت به نا امیدی انجامید و سالن‌هایی که در میانه اجراها از تماشاگر خالی می‌شد، نشان‌دهنده نارضایتی مخاطبان تئاتر بود.

زمانی که مشکلات طولانی می‌شوند و وعده‌ها عملی نشده باقی می‌مانند، بزرگ‌ترین تخریبی که بر بدنه یک هنر وارد می‌شود، پایه‌های آن است و آن اعتماد هنرمندان به وعده‌دهندگان یا به بیانی دیگر مسئول آن هنر است. زمانی که بی اعتمادی ریشه می‌دواند، مشکلات مختلف از هر سو حرکت را برای تخریب کامل آغاز می کنند.

مشکلات مالی اهالی تئاتر و وعده‌هایی که مسئولان برای حل این مشکلات و حداقل پرداخت دستمزد اجرای این هنرمندان به ایشان داده بودند، در سال ۹۱ باز هم اجرا نشده باقی ماند و در سال آینده با توجه به انتخابات پیش رو و تغییرات قطعی که در دایره مدیران پیش خواهد آمد، معلوم هم نیست کی به نتیجه برسد.

در سال جدید و در آستانه تحویل سال نو، سالی آرام و به دور از تشویش برای اهالی تئاتر آرزو می کنم تا این هنرمندان که همیشه بیش از دیگران زحمت می کشند و کمتر متوقع هستند، بتوانند به راه خود ادامه دهند.



اتفاقات آهنگین سال ۹۱

■ هومن ظریف

آغاز سال یک هزار و سیصد و نود و دو!



خیـر. اشـتباه نکنیـد، به گیرنده‌هـای خـود، منظـور چشـمان مبارکتان است، دست نزنیـد. ایـن جمله کـه آغاز هر انجامی اسـت و سال گذشته را با یک سـری اصوات به دسـت گذشـته می‌سپارد و از سـال نوین خبر می‌دهـد، برای گفتار ما، شـاهدی از غیب است که هر سال، دم تحویل سال، می رسد و می‌رسد و می‌رسد.

و آنـگاه، پس از این خبر که مثل بمب یا همان توپ، در خانه‌های نوروزین مردم ایران و برخی کشورهای فارسی زبان می‌شکفد، تنها صداست که باقی می‌ماند. چه صوت این خبر، چـه صدای توپ و خندیدن بچه‌هایی که با توپ‌های رنگین بازی می‌کنند و چه آن سـرنای معروف.... اینها شاهدان پاک این جمله‌اند که مولانا نیز فرمود:

نالـه سُـرنـا و تهـدیـد دُهـل
چیزکـی مانـد بـدان ناقـور کل
پـس حکیمـان گفته‌اند ایـن لحن‌ها
از دوار چـرخ بگرفتیـم مـا
بانگ گردش‌های چرخ است اینکه خلق
می‌سـرایندش به تنبور و به حلق
مؤمنـان گوینـد کآثـار بهشـت
نغـز گردانیـد هـر آواز زشـت

و چنین است که موسیقی قدیم است، ای آدم، اگر بویی از آدمیت برده‌ای گوش‌هایت را در نسـیم این چرخ چرخان چرخنده، رها کن، تا از صدای کهکشـان و «آن» نشـان، آنی، بهره ببری.

از سـیر انفس بگذریم و از سـیر آفاق هم، که گزارش وضعیت موسیقی در سال میلادی گذشته، بر عهده رسانه‌های مرعوب غرب بماند که کم نیستند و چه بسا، همین انفعال در شـنیدن یا نشنیدن موسـیقی، این هنر الهی، باعث شده است که فرزندان این بوم و بر، چشمشـان به گیتار روشـن‌تر است و سـنتور و تار و سـه تار را فقط شنیده‌اند، که، شنیدن کی بود مانند دیدن!

زیارت اهل بهشت

نخست، بر رسم و آیین قدیم، چراغ و برات می‌بریم بر سـرای برین و بهشت درگذشتگان سال گذشته شمسی، که شـانزده نفر از هنرمندان اعم از آهنگساز، خواننده، نوازنده و رهبر ارکسـتر، صدای ناقوس مرگ را به خوش نامی به صدا درآوردند ورفتند.

از ایـن میان، اکبر لقا ملقب بـه اکبر جقه، از خوانندگان پیشکسـوت موسیقی اصفهان بود، امیرحسین ملک، نوازنده جوان ارکستر سمفونیک تهران، بهرام سارنگ، خواننده آواز و از شاگردان استادان محمود کریمی و اسماعیل خان مهرتاش که خداوند هرسه ایشان را بیامرزاد و حسن کسایی که آبروی نای ایران بود و هست که خوشبختانه نشان داد که با برگه‌ای کاغـذ نیـز می‌توان آن صدای ناله هجـران را دمید و دماند و نیز حسـین سـمندی، نوازنده چیره دست دوتار، سراجدین باشقره از دیار ترکمن، عبدالله سرور احمدی و فرج‌اله امینی، هردو، نوازنده دوتار یکی از تربت پاک شـیخ جام و دیگری از شهرسـتان‌های بردسکن و کاشمر، و صدای سبز فریدون پوررضا گیلک، قاسـم جبلی عزیز که انگار سـالها چهره‌اش دریغ شـده بـود، محمد بیگلری‌پور، هنرمنـد محترم صداو سـیما، محمدرضا روح بخش، از نوازندگان تار ایران زمین، محمدرضا گرگین‌زاده، چهره‌ای فرهنگی و مولف، محمدعلی شرفایی، هنرمند خطه بم، ملاغلامحسین افکاری از قوچان و هنرمند موسیقی اصیل ایران جناب همایون خرم‌مکان و حمید سمندریان، هنرمندی که به لطف هارمونی موسیقی، تئاتر ایران را پدری نوین بود، درگذشت و جناب پرتو اشراق، پژوهشگر، مترجم متون سینمایی و هنری چنداثر موسیقی مرجع.

اتفاقات مهم

و اما از اتفاقات آهنگین سـال گذشـته، به غیر از آنچه همانند سال‌های گذشته مسکوت مانده یعنی بی‌تفاوتی رسانه ملی به آلات موسـیقی همچون تار و سـه‌تار و سرنا، به رغم علاقه‌مندی این رسـانه به صدای آنها، حتی در لحظه تحویل سال، باید به موارد درپی، اشارتی می‌کردیم که می‌کنیم:

۱ـ دومین جشـنواره موسیقی شمسه ٤ اسفند با معرفی گروه‌های برتر موسیقی در سالن همایش‌های برج میلاد برگزار شد. جشنواره‌ای پربار که کانون جذب و حمایت استعدادهای آینده موسـیقی ایران به شـمار می‌رود و صـد البته در دیگر شهرهای ایران باید و باید چنین اتفاقات زیبا و دلگرم‌کننده‌ای بیافتد. زیرا که در شهرستان‌ها اگر استعدادی، قد علم می‌کند، بسی شکوهمندتر است. می‌دانید که از چه حرف می‌زنم. به اتفاق بعدی رجوع کنید!

۲– پدیده مراسـم پایانی جشـنواره موسیقی فجر سال گذشـته، تارا پیرزاده نوازنده ۱۰ ساله تار بود، کسی که پیشتر بی‌ذکر نام، توسط حسین علیزاده معرفی شده بود، هنرنمایی



کرد.

هنرنمایی این نوازنده کم سـن و سـال تار که در طول جشـنواره هم یک بار اجرا کرده بود، به شدت مورد استقبال و تشـویق حاضران این مراسم قرار گرفت او از شهر همدان آمـد و به همه درس خود بـاوری داد. پدرش درباره او گفته اسـت: « ٤ سـال قبل از اینکه تار را شـروع کند، تنبک را کار می‌کرده و حالا فقط ۱۹ ماهه که روی ساز تنبک متمرکز شده. او گفت که تارا ساز تنبک را در مقطع فوق عالی تمام کرده، ۲ دستگاه ردیف آوازی را حفظ است و خوب می‌خواند. خیلی از ردیف‌های تار را هم در این مدت کوتاه حفظ کرده و ۱۰۰۰ بیت شعر از شاعران بزرگ ایرانی را حفظ کرده است.»

۳– وبازهم جشـنواره فجر و انتقـادی مهم که می‌توان گفت، صدای نیمی از موسـیقیدانان و هنرمندان این رشـته است. فقدان بخش موسیقی بانوان در جشنواره موسیقی فجر سـالی که پشـت سـر می‌گذاریم و انتقاد سرکار خانم سهیلا پورگرامـی: «پس از اینکه خبر حذف بانوان را از جشـنواره موسیقی شنیدم با آقای ریاحی تماس گرفتم و گفتم مگر چند گروه موسیقی بانوان وجود دارد که از آنها حمایت نمی‌شود و چرا این گروه‌های محدود هم از جشنواره موسیقی فجر باید حذف شوند؟ اما او گفت که تعداد گروه‌های بانوان زیاد است و جشـنواره بودجه ندارد. او ادامه داد: چنین اقداماتی روح و روان هنرمند را نابود می‌کند.»

٤ ـ و این بار برای آخرین بار، باز هم جشـنواره فجر و نخستین تجربه اکران مستندهایی که درباره موسیقی هستند. به بانیان آن باید تبریک گفت که این دغدغه چند دهه هنرجویان را، چنین زیبا و مفید پذیرا بودند.





دربارهٔ نوروز*

■ کیانوش کیانی هفت‌لنگ

اشاره: سرانجام تلاش‌های چندین ساله، فرهنگ‌مداران و فرهنگ‌دوستان، به ثمر نشست و نوروز ایرانی به عنوان میراث فرهنگی بشری در سازمان علمی، فرهنگی یونسکو به ثبت رسید و در مجمع جهانی سازمان ملل نیز در شمار روزهای رسمی تقویم سازمان ملل قرار گرفت. پذیرش این میراث معنوی مشترک توسط مراکز مهم علمی و فرهنگی و حتی سیاسی جهانی حکایت از ظرفیت و توان قدرتمند فرهنگ ملی ایرانیان و این روز پراهمیت در تاریخ زندگی ملت‌هایی دارد که نوروز ایرانی را گرامی می‌دارند و آن را ارج می‌نهند.

ضمن تبریک به مناسبت فرا رسیدن نوروز باستانی به همه هموطنان عزیز در سراسر جهان و بویژه کشورهای حوزه فرهنگی ایران، مختصری دربارهٔ نوروز این جشن باستانی و ملی با استفاده ازمنابع گوناگون از جمله کتاب نوروز پرویز اذکایی از نظر گرامیتان می‌گذرد:

مختصری دربارهٔ نوروز

واژهٔ نوروز: «نوروز» واژه‌یی است که بر نخستین روز از نخستین ماه سال خورشیدی، آنگاه که آفتاب به برج حمل انتقال می‌یابد، اطلاق می‌شود و در اصطلاح بر جشن سر سال پارسی ـ ایرانی، که در روز نخست فروردین ماه برابر با ۲۱ مارس، مسیحی ـ آغاز فصل بهار ـ برگزار می‌شود، گفته می‌شود.

اصل پهلوی این واژه «نوک‌روچ (Nok Ro...)» یا «نوگ‌روز» (Nogroz...) بوده است، چنانکه در برخی از «فارسیّات» ابونواس آمده است:

بحق المهرجان و نوک روز
و فرخ روز ابسال الکبیس
و النّوک روز الکبار
وَ جشنُ گاهنبارَ

«بیرونی» گوید: «از رسم‌های پارسیان نوروز چیست؟ نخستین روز است از فروردین ماه، و زینجهت روز نو نام کردند، زیراک پیشانی سال نو است. آنچ از پس اوست از این پنج روز همه جشنهاست.»[۱]

«نوروز» در زبان عربی، به ریخت فارسی آن بکار رفته و هم معرَّب آن بگونهٔ «نیروز» چنانکه در بیتی از جَریر خَطفی آمده است:

عَجَبتُ لفَخر التَّغلَبی وَ تَغلَبُ
تؤدّی جَزی النَّیروز خضعاً رقابها[۲]

پیدایی نوروز: بیشتر تاریخ‌نویسان و صاحبان فرهنگها، «جمشید» پادشاه پیشدادی را پایه‌گذار نوروز دانسته‌اند، «مسعودی» گوید:

«بیشتر مردمان بر این اعتقادند که نوروز در روزگار او پدید آمد و در پادشاهی‌اش آیینی شد.»[۳]

اگرچه در کهن‌ترین کتاب ایرانی، یعنی اوستا از نوروز نامی نیست، لیکن از جمشید «یم Yima» یاد شده است و به نوآوری‌های او اشاراتی رفته است.

همچنین در تاریخُ الاُمَم وَ المُلوک محمّد بن جریر طبری و ترجمهٔ آن از ابوعلی محمّد بن بلعمی وزیر آمده است:

«...و علما را بفرمود (جمشید) که آن روز که من بنشستم به مظالم شما نزد من باشید تا هرچه در او داد و عدل باشد بنمایید تا من آن کنم و آنروز که به مظالم نشست روز هرمز بود از ماه فروردین پس آن روز (رسم) کردند...»[۴]

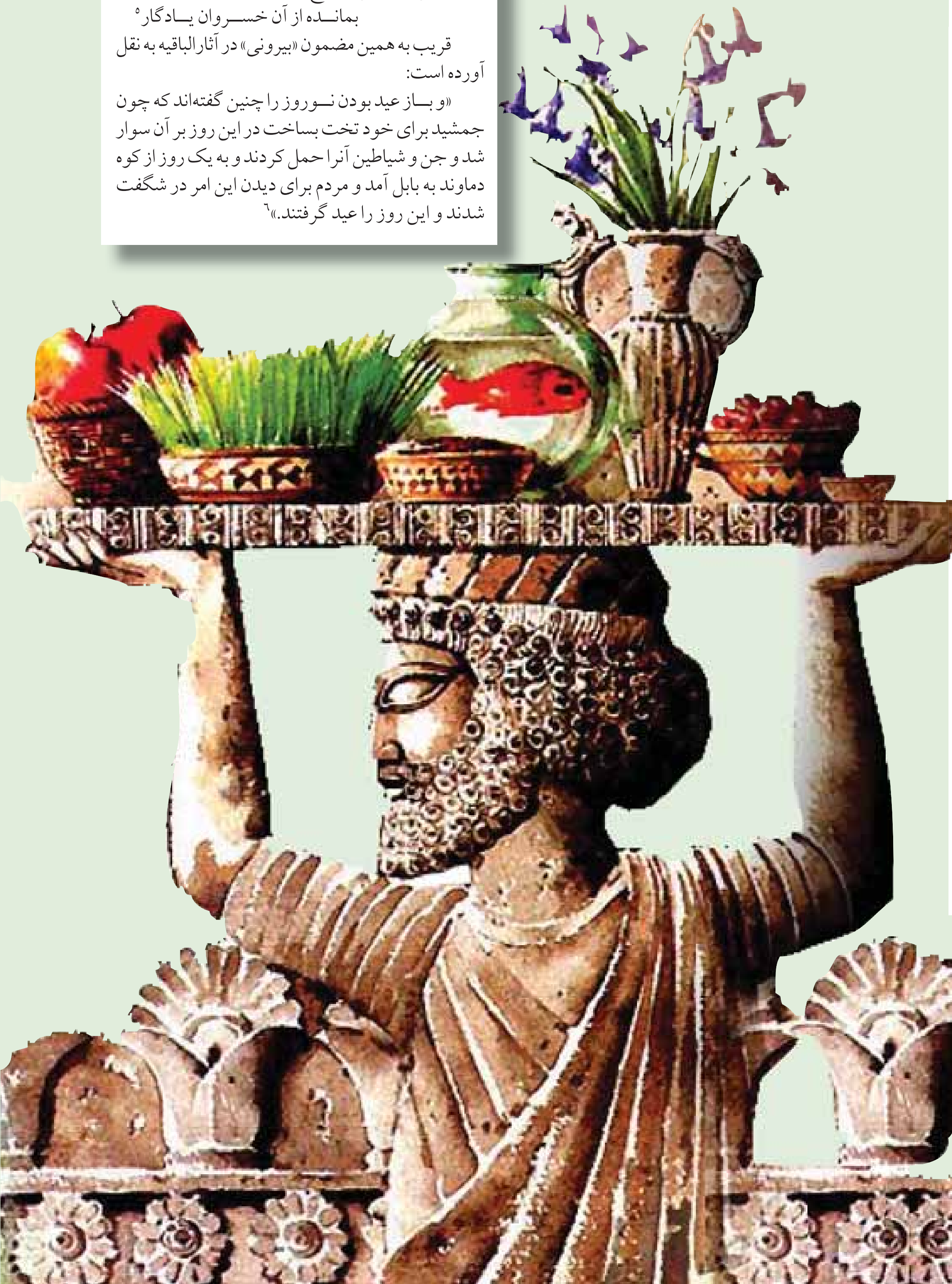
شاعران ایرانی در دورهٔ اسلامی بسیار مکرر کرده‌اند که نوروز از جمشید یادگار است، چنانکه استاد حکیم فردوسی آورده است:

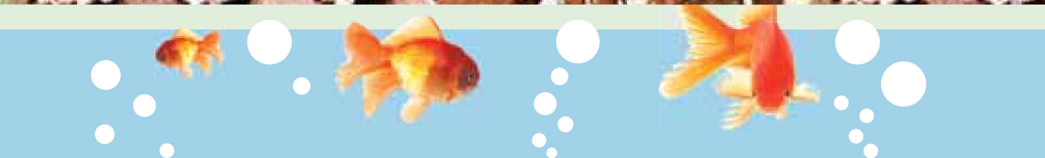
«چو آن کارهای وی آمد بجای
ز جای مهی برتر آورد پای
به فرّ کیانی یکی تخت ساخت
چه مایه بدو گوهر اندر نشاخت
که چون خواستی دیو برداشتی
ز هامون بگردون برافراشتی
چو خورشید تابان میان هوا
نشسته بر او، شاه فرمان روا
جهان انجمن شد بر تخت اوی
شگفتی فرو ماند از بخت اوی
به جمشید بر گوهر افشاندند
مر آن روز را، روز نو خواندند
سر سال نو، هرمز فرودین
برآسوده از رنج تن، دل زکین
به نوروز نو، شاه گیتی فروز
بر آن تخت بنشست فیروز روز
بزرگان به شادی بیاراستند
می و رود و رامشگران خواستند
چنین جشن فرّخ از آن روزگار
بمانده از آن خسروان یادگار»[۵]

قریب به همین مضمون «بیرونی» در آثارالباقیه به نقل آورده است:

«و باز عید بودن نوروز را چنین گفته‌اند که چون جمشید برای خود تخت بساخت در این روز بر آن سوار شد و جن و شیاطین آنرا حمل کردند و به یک روز از کوه دماوند به بابل آمد و مردم برای دیدن این امر در شگفت شدند و این روز را عید گرفتند.»[۶]









هر چند این گفته‌ها براساس روایات افسانه‌ای و اساطیری بازگویی شده است و به قول بیرونی «هیچ عقلی آنها را نمی‌پذیرد...، ولی مقصود ما آن است که تواریخ را بدست آوریم نه آن که آن گفته‌ها را انتقاد کنیم.»[7]

چگونگی جشن نوروز: جشن که به فارسی امروز به معنای عید و روز شادمانی عمومی و ملی است، از واژهٔ «یَسن / یَسنه» اوستایی به یادگار مانده است. هم این واژه در پهلوی «یَزشن» به معنای ستایش و پرستش است، زیرا اصولاً تمام اعیاد ایرانیان باستان، دینی بوده است. نظیر این جشن در سایر ادیان قدیم و جدید نیز موجود است که آنرا عید اموات گویند.

شرح این عید به اختصار چنین است:

ایرانیان باستان عقیده داشتند که «اهورامزدا» پیش از پدید آوردن جهان مادی، جهان مینوی را آفرید و در آن، صور انواعی از جهان هستی بوجود آورد.

اهورامزدا این جهان را به یاری شش مهین فرشته (= امشاسپندان) اداره می کند که خود در رأس آنان قرار دارد. پس از این امشاسپندان یا «یزت»ها =ایزدان، «فروشی»ها یا مینوی‌های نگهبان هستند که تعدادشان زیاد است و سراسر آسمان ایران را این فرشتگان فرا گرفته‌اند.»

«فره‌وشی» در اوستا و «فرورتی» پارسی باستان و «فَرَه‌وَهر / فروهر» در پهلوی، به معنای نگاهدارنده و پوشاننده، جوهری ازلی است که پیش از آفرینش هر آفریده‌یی، از سوی اهورا مزدا مأمور نگهداری آن آفریدهٔ جهان خاکی گردیده و این غیر از «روان» است.

«پیش از آنکه اهورامزدا جهان خاکی را بیافریند، فروهر هر یک از آفریدگان نیک این گیتی را بنوبهٔ خود برای نگهداری آن آفریدهٔ جهان خاکی فرومی فرستد و پس از مرگ آن آفریده فروهر او دیگر باره به سوی آسمان گراید و به همان پاکی ازلی بماند. اما هیچگاه کسی را که به وی تعلق داشت فراموش نمی کند و هر سال یکبار بدیدن وی می آید و آن هنگام جشن فروردین است، یعنی روزهایی که برای فرود آمدن فروهرهای نیاکان و پاکان اختصاص دارد.»[8]

پس هنگام فرود آمدن این فروهرها به زمین و مدت توقف آنها را جشن فروردگان نامند که یکی از شش جشن سال و آخرین «گاهنبار» و در آیین مزدیسنا اوقات خلقت بشر است، چنانکه در اوستا آمده:

«فروهرهای نیک توانای پاک مقدسین را می‌ستاییم که در هنگام هَمَسپَتمَدُم از آرامگاه‌های خود بیرون شتابند و در مدت ده شب پی در پی در اینجا برای آگاهی یافتن بسر برند.»[9]

گاهنبارها: در برهان قاطع نوشته است:

«گاهنبارها... و گاهنبار، این دو لغت یک معنی دارد و آن شش روزی است که خدای تعالی عالم را آفرید و اول هر گاهی نامی دارد و در اول هر گاهی جشنی سازند.»[10]

همانطور که در دین‌های سامی، آفریدگار، جهان هستی را در شش روز می‌آفریند، در دین ایرانیان کهن نیز اهورامزدا نیز آفرینش جهان مادی را در شش گاهنبار به انجام رسانده است.

بهیزک: ایرانیان قدیم، هر یک از دوازده ماه سال را سی روز تمام به شمار می‌آورده‌اند و هر یک از روزهای ماه را به نام یکی از ایزدان می‌خوانده‌اند. و چون سال خورشیدی، ۳٦۵ روز و ربعی است، پنج روز زیادتی سال را (۵=۳۰×۱۲–۳٦۵) کبیسه می گرفته‌اند. این کبیسهٔ سال را در عربی «خمسّ مسترقه» و در فارسی پنجهٔ دزدیده و در پهلوی بهیزک و «وهیجک» پنجه‌وه، اندرگاه نامیده‌اند.

فروردگان: هر یک از جشنهای ششگانهٔ گاهنبارها پنج روز به طول می‌انجامیده است و آخرین روز هر گاهنبار مهمترین روز هر جشن بوده است. ششمین گاهنبار و انجامین آنها ـ گاهنبار ـ همسپتمدم ـ که گاه آفریده شدن آدم و نیز هنگام فرود آمدن فروهرهای پاکان در گذشته است، مصادف بوده است با روزهای بهیزکی (پنجروزهٔ مکبوسهٔ پایان سال). در پی آخرین روز این گاهنبار و بهیزک (= وهیشتواشت گاه ـ روز) آغاز فروردین ماه بوده است، و وجه تسمیهٔ فروردین به مناسبت موافقت میان این اسم با فروردگان، هنگام نزول فروهران که گونه‌ای از واژهٔ «فره‌وشی» ـ ایزد نگهبان آدمی است.

اما جشن فروردگان برخلاف پنج جشن گاهنباری دیگر ـ که هر یک پنجروز بوده ـ در ده روز برگزار می‌شده است، چنانکه بیرونی در آثارالباقیه گوید:

«و در این روز ایرانیان با یکدیگر اختلاف دارند، برخی می گویند که آن اندرگاه است که خمسهٔ لواحق آبانماه و آذرماه باشد و چون اختلاف در آن زیاد شد و تنازع در آن نمودند برای احتیاط هر دو را عید گرفتند. زیرا یکی از ارکان دین ایشان می‌باشد. پنج روز اول را فروردگان اول گفتند و پنج روز آخر را فروردگان دوم، و این فروردگان از اولی بهتر است.»

همچنین «به توسط مورخین نیز می‌دانیم که این جشن ده روز بوده است، خسرو انوشیروان در مدت ده روز جشن فروردگان سفیر امپراطور روم ـ ژوستین ـ را نپذیرفت، چه مشغول بجای آودن اعمال عید بود.»[11]

بنابراین این جشن «= یسن» یعنی ستایش و نیایش، عیدی مذهبی بوده است، منتها به مناسبت اتفاق آن با نخستین روز اعتدال ربیعی و رویدادهای دیگر از سایر جشنهای ششگانه گاهنباری و از دیگر جشنهای چهارگانهٔ فصلی و دوازده‌گانهٔ شهوری و خلاصه از سایر اعیاد مذهبی، برتری و شکوه بیشتری داشته است، که اکنون نیز همان ویژگیها را نسبت به دیگر جشنها داراست.

اما سرور و شادمانی این جشن ده روزه، در پایان آخرین روز آن (= آخرین روز پنجه‌وه و گاهنبار هَمَسپَتمَدُم)، یعنی از نخستین روز سال نوین که «هرمزروز» ـ اول فروردین ماه ـ باشد آغاز می گردیده، چه اینکه ده روزهٔ فرودگان اوقات فرود آمدن فروهران در گذشتگان و دیدار آنها از بازماندگان و هنگام «یسن» و سوگ بوده، چنانکه بیرونی در آثارالباقیه»[12] می گوید:

«و پنج روز آخرین این ماه، اول آن روز اشتاد است که فروردگان نام دارد و در این روز در نواویس مردگان طعام و شراب در پشت خانه‌ها می گذاشتند و چنین گمان می کردند که ارواح مردگان از جایگاه ثواب و عقاب خود بیرون می‌آمدند و از آن طعام و شراب می‌خوردند و در خانه‌های خود سن دود می کردند تا آنکه مردگان از بوی آن بهره‌مند شوند و می گفتند ارواح ابرار گذشته به خانواده و اولاد و اقارب در این روز توجهی می کنند و مباشر امور در آنها می‌شوند، اگرچه آن ارواح را نبینند.»

«خشوم ـ (ماه دوازدهم سغدی) در آخر این ماه اهل سغد بر مردگان پیشین خود گریه می کنند و بر آنان نوحه می‌زنند و رویهای خود را می‌خراشند و برای مردگام طعام و شراب می‌برند، چنانکه ایرانیها در فرودگان بهمین طریق رفتار می کرده‌اند و سبب اینکه در آخر این ماه این کار را می کرده‌اند، این است که پنجه دزدیدهٔ اهل سغد چنانکه در پیش گفته شد در آخر این ماه است....»[13]

نوروز در زمان هخامنشیان: گرچه اطلاعات دقیقی از نوروز در این دوره از تاریخ ایران در دست نیست، لکن در اینکه آیین‌های این جشن در روزگار آنان مرسوم بوده است تردیدی نیست. از تحقیقاتی که در تطبیق نوروز ایرانی و نوروز قبطی (= مصری) و تأثیر و تأثر آن دو، به عمل آمده، برمی‌آید که نوروز ایرانی در زمان داریوش اول هخامنشی و هم به وسیلهٔ او در مصر رایج گردید. و هم می‌دانیم که برخی اصول گاهشماری مصری را ایرانیان اقتباس کردند. و در مقابل، آیینهای نوروز ایرانی تأثیر فراوانی در مراسم نوروز قبطی، به احتمال قریب به یقین از زمان همو به جای گذارده است.

از همین جا توان دانست که نوروز و برگزاری آداب و رسوم آن در زمان هخامنشیان رونقی داشته است و همین داریوش شاه، بطوری که از آثار بابلی برمی‌آید در نوروز هر سال به معبد «پل» مردوک ـ خدای بزرگ بابلی ـ می‌رفته است.[14]

شاهان این سلسله در نوروز به بار عام می‌نشستند و از اطراف و اکناف کشور هدایایی به نزد آنان آورده می‌شد.[15]

نوروز در زمان اشکانیان: از چگونگی آیینهای نوروزی در روزگار اشکانیان، خبری در دست نیست. ولی از اجرای مراسم مهرگان می‌توان پی‌برد که نوروز، بویژه در میان عموم مردم به وسعت و با اهمیت، جشن گرفته می‌شده است. برخی اشارات در منظومهٔ ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی که متن آن مربوط به عهد اشکانی است، مبین این موضوع است. به ویژه آنکه گویا در اثر عقب افتادن کبیسهٔ سالها، جشن نوروز از موضع طبیعی ـ نجومی خود خارج گردیده بوده است:

چو گردشهای ایشان را بدیدند
ز آذرماه روزی برگزیدند
کجا آنکه ز گشت روزگاران
در آذرماه بودی نو بهاران[16]
منم آذار و تو نوروز خرم
هر آیینه بود این هر دو با هم[17]
سر سال و خجسته روز نوروز
جهان پیروز گشت از بخت پیروز[18]

نوروز در روزگار ساسانیان: از این دوره اخبار و اطلاعات فراوانی در دست است، که علاوه از برخی متون پهلوی، منابع عمده و مهم همانا، کتابهای ادبی و تاریخ عربی است، مانند آثار «جاحظ» و جز او.



نوروز پس از اسلام:

پس از ورود اسلام به ایران، نوروز همچنان به عنوان یک جشن ملی مورد تأئید ضمنی قرار گرفت و بر محتوای معنوی آن نیز افزوده شد. این یادگار ملی و مذهبی به عنوان میراثی ارزشمند امروزه نیز از جایگاه رفیعی در بین جشنهای دیگر ملل برخوردار است. و با آئین ها و آداب و رسوم خاص سوری تا سیزده بدر همراه است. از آیین‌های دلپذیر جشن نوروزی، پیش‌کش کردن ارمغان‌هاست. به قول جاحظ شگفت نیست که: «ارمغان، دوستی ببار می‌آورد و مهر می‌کارد و کینه می‌زداید و پریشانی و پریشیدگی را برمی‌اندازد و مردمان را مهر ورز و گران دلان را نرم دل می‌کند.»

نوروزتان پیروز
هر روزتان نوروز

* برگرفته از سایت مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی

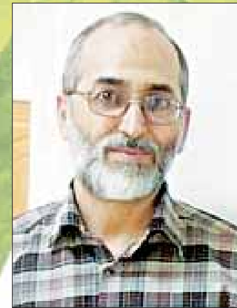
پی‌نوشت:

۱. التفهیم لاوائل صناعةالتنجیم، ویرایش استاد جلال همایی، ص ۲۵۳.
۲. دیوان جریر، ص ۵۳ به نقل از دکتر الصیاد، النوروز، ص ۱٤.
۳. مُرُوجُ‌الذَّهَب، ج ۱، ص ۲۲۳.
٤. ترجمهٔ تاریخ طبری، ص ۲۱–۲۲.
۵. شاهنامه، چاپ بروخیم، ج ۱، ص ۲۵ و شاهنامه به کوشش جلال خالقی مطلق
٦. الآثارالباقیه، ترجمهٔ فارسی داناسرشت، ص ۲٤۲.
۷. همان، ص ۱۳۳.
۸. یشتها، ج ۱، ص ۵۸۲–٦۰۲.
۹. فروردین یشت، فقرهٔ ٤۹، ج ۲، یشتها، ص ۷۱.
۱۰. برهان، ج ۳، ص ۱۷۷۲–۳.
۱۱. پورداود، یشتها، ج ۱، ص ۵۸٦.
۱۲. الآثار، ترجمهٔ فارسی، ص ۲۵۵.
۱۳. ترجمهٔ الآثارالباقیه، ص ۲٦۹.
۱٤. تقی‌زاده، گاهشماری، ص ۱۳۱.
۱۵. الصیاد، النوروز، ص ۱۱۵ به بعد
۱٦. ویس و رامین، ص ۳۳.
۱۷. همان، ص ۲٦۹.
۱۸. همان، ص ۳۸۹.



نوروز در روایات اسلامی

محمدحمید یزدان‌پرست



ابوریحـان بیرونی (۳۶۰ـ ۴۴۰ق) در آثارالباقیه می‌نویسد: اولین ماه پارسیان فروردین است. نخستین روز آن نوروز است که اولین روز سـال نو اسـت و این روز با دخول خورشـید به برج سرطان... مطابق بود... [همراه با] نزول باران و برآمدن شـکوفه‌ها و بـرگ‌آوردن درختان تا هنگام رسیدن میوه‌ها و تمایل حیوانات به تناسـل و آغاز نو. این بود که نـوروز را دلیل پیدایش و آفرینش جهان دانسـتند و گفته‌اند: در ایـن روز بـود که خداوند افـلاک را... به گردش درآورد و سـتارگان را... متوقف گردانید و خورشید را... آفرید... و آغاز شـمارش از این روز شـده و گفته‌اند خداوند عالم سـفلی را در این روز آفرید و کیومرث در این روز به شـاهی رسـید و این روز جشـن او بود که به معنای عید اوست. و نیز گفته‌اند: خداوند در این روز خلق را آفرید و این روز و مهرگان تعیین کنندهٔ زمان هستند...

عبدالصمد بن علی در روایتی که آن را به جد خود ـ ابن عباس ـ می‌رسـاند، نقل می‌کند که: در نوروز، جامی سـیمین کـه پر از حلوا بود، برای پیغمبر(ص) هدیه آوردند. حضرت پرسـید که: «این چیسـت؟» گفتند: «امروز روز نوروز است.» پرسید که: «نوروز چیست؟» گفتند: «عید بزرگ ایرانیان است.» فرمود: «آری، در این روز بود که خداوند عسکره را زنده کرد.» پرسـیدند: «عسکره چیسـت؟» فرمود: «عسکره هزاران مرده بودند که از ترس مرگ ترک دیار کردند و سر به بیابان نهادند و خداوند به آنان گفت: بمیرید و مردند، سپس آنان را زنده کرد و ابرها را فرمود که به آنان ببارد؛ از این روست که پاشیدن آب در این روز رسم شده است.» سپس از آن حلوا تناول کرد و جام را میان اصحاب خود قسـمت کرد و گفت: «کاش هر روزی برای ما نوروز بود!» (ترجمه آثارالباقیه، ص ۳۲۴ و ۳۲۵).

در متون دیگر، این حکایت (بدون بخش آب‌پاشـی) به امام علی(ع) نسبت داده شده است؛ از جمله مناقب آل ابی طالب (ج ۱، ص ۳۷۸). الحطاب الرعینی (م ۹۵۴ق) در مواهب الجلیل (ج ۶، ص ۵۰۰ و ۵۰۱) می‌نویسد: «النیروز هو اول یوم من السنهٔ القبطیه و السُریانیه و العجیمه و الفارسیه و معناه الیوم الجدید...: نوروز نخسـتین روز از سال قبطی، سُریانی، عجمی و پارسی است، به معنای روز نو که نزد پارسیان شش روز است. نخستین روزش آغازین ماهِ سال است و آن را نوروز خاصه می‌نامند و ششمین روز را نوروز عامه و نوروز بزرگ.» فقعانی (م ۸۵۵ق) هم می‌نویسد: «نوروز فُرس روز نزول خورشید در برج حَمَل است و پیوسته میان دوازدهم و سیزدهم آذار قرار دارد.» (الدر المنضود، ص ۱۸). شـهید ثانی و جمعی دیگر نیز می‌نویسند: «نیـروز الفرس، یوم نزول الشـمس فی الحمل و هو الاعتدال الربیعی.» (شرح اللمعه، ج ۱، ص ۶۸۶) و...

در تاریخنامهٔ طبری آمده اسـت: «چون جمشـید مُلکِ جهان بگرفت و همه خلق او را فرمانبردار شدند، ... تاج بر سر نهاد، داد به میان خلق بگسـترد و بر دین ادریس بود. و چنین گویند که سـلاح کردن او آورد... کرباس او آورد و ابریشـم و قـز و رنگهـای الوان. و دیوان را فرمـود تا گرمابه‌ها نهادند و غواصـی کردند و گوهرهـا از دریاها برآوردند و مردمان را بیاموخت و راهها نهادند از شهر به شهر. و این گچ و سپیداب و رنگها آورد، و این اسـپرغم‌ها و بویها ـ چون عود و مشـک و کافور و غالیه ـ رسـم او آورد. و همه مردمان را چهار گروه کـرد... و چنین روز که به مظالم بنشسـت، روز هرمزد بود از ماه فروردین، پس آن روز «نوروز» نام کردند و تا اکنون سنت گشـت.» (تاریخنامه طبری، ج ۱، ص ۹۰ و ۹۱). از ابن‌عباس روایت شده که: قرار حضرت موسی(ع) با جادوگران مصر در روز نوروز بود. (تاریخ مدینه دمشق، ج ۶۱، ص ۶۵) از ابوهریره روایت شده که انگشتر گمشدهٔ حضرت سلیمان(ع) [که سبب تمکین موجودات از او می‌شـد،] در روز نوروز پیدا شد: کان الیوم الذی رد الله تعالی الی سلیمان خاتمه، یوم النیروز. (تاریخ مدینه دمشق، ج ۳۲، ص ۲۶۱). و اینک اخباری چند:

۱ـ احمـد بن حنبل (م ۲۴۱ق) به نقل از انس [بن مالک] می‌نویسـد: هنگامی که پیامبر(ص) وارد مدینه شـد، آنها دو روزِ [مهم و عید] در عصر جاهلیت داشـتند که در آن به بازی می‌پرداختند. حضرت فرمود: «انّ الله تبارک و تعالی قد اَبْدَلکم بهما خیراً منهما: یوم الفطر و یوم النحر: خداوند متعال این دو را با دو چیز بهتر برایتان عوض کرد: روز فطر و روز قربان.» (مسند احمـد، ج ۳، ص ۱۰۳) و نیز: جامـع الصغیر (ج ۲، ص ۲۵۳)، کنزالعمال (ج ۸، ص ۵۴۸).

در برخـی روایات به جـای «یوم النحر»، «یوم الاضحی» آمده که باز به همان معنی است: سنن ابی‌داود (ج ۱، ص ۲۵۳)، مستدرک حاکم (ج ۱، ص ۲۹۴)، عون‌المعبود (ج ۳، ص ۳۴۱). در برخی روایات گویندهٔ بخش نخست خبر نیز خود حضرت است؛ مثلاً الجامع الصغیر (ج ۲، ص ۲۵۳) و جایی هم دارد که حضرت از مردم مدینه می‌پرسـد: «این روز چیستند؟» پاسخ می‌دهند: «در عصر جاهلیت (یعنی پیش از اسلام) در آن بازی می‌کردیم.» (مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۲۹۴)

۲ـ منـاوی (م ۱۳۳۱ق) در فیض‌القدیر که شـرح جامع الصغیر اسـت، در توضیح این دو روز می‌نویسـد: «هما یوم النیـروز و المهرجان: این دو روز، نوروز و مهرگان هسـتند.» (ج ۴، ص ۶۶۹). پیـش از او عظیم‌آبـادی (م ۱۳۲۹ق) نیـز در عون المعبود که شرح سنن ابی‌داوود است، همین گونه نوشته و تعبیـر کـرده اسـت (ج ۳، ص ۳۴۲). در روایتی که صاحب مستدرک‌الوسـائل (ج ۶، ص ۱۵۳) به نقل از قطب راوندی در لب‌لبـاب آورده، به نظر می‌رسـد این توضیـح جزئیِ از متن حدیث قرار گرفته باشـد: عن رسول‌الله(ص): «ان الله اَبدلکم بیومین، یومین: بیوم النیروز و المهرجانِ، الفطر و الأضحی».

۳ـ در متوِن متعددی آمده اسـت که در نَوروز برای امام علی(ع) هدیه بردند و حضرت پذیرفت و سـبب را پرسـید؛ از جمله ابن‌سـیرین می‌گوید: اتی علی(رض) بهدیهٔ النیروز. فقـال: «ما هذه؟» قالـوا: «یا امیرالمؤمنین، هذا یـوم النیروز»، قال: «فاصنعوا کل یوم نیروز: هر روز را نوروز کنید.» (السـنن الکبری، ج ۹، ص ۲۳۵) و من لایحضره الفقیه (ج ۳، ص ۳۰۰) که به صورت «اصنعوا لنا کل یوم نیروزا» آورده است و عیناً در وسائل‌الشیعه (ج ۱۷، ص ۲۸۸).

۴ـ امـام بخـاری (م ۲۵۶ق) روایـت می‌کنـد که برای حضرت فالوذج (پالوده) بردند و این پرسـش و پاسـخ شـد کـه فرمـود: «فنیروزا کل یوم: هر روز را نوروز کنید.» (التاریخ الکبیـر، ج ۴، ص ۲۰۱) و بـه صورت «نیروزنا کل یوم: هر روز را برایمان نوروز کنید» هم آمده اسـت؛ از جمله در کنزالعمال (ج ۱۴، ص ۱۸۰)، وسائل‌الشیعه (ج ۱۲، ص ۲۱۴) و به‌صورت «نوروزنا...» وسائل‌الشـیعه (ج ۸۷، ص ۲۸۸). عبارت قبلی در میزان‌الحکمه (ج ۳، ص ۲۱۹۷) با این افزوده آمده است: «و کل یوم لایعصی الله فیه، فهو یوم عید: و هر روزی که در آن نسبت به خداوند سرکشی نشود (یعنی گناهی انجام نگیرد)، آن روز عید است.» جمله آغازین حضرت به این صورت هم گزارش شده است: «لیکن کل یوم نیروزا: باید که هر روز نوروز باشد.» (الفایق، ج ۳، ص ۱۲۰۳).

مرحـوم قاضی نعمـان (م ۳۶۳ق) مضمون فوق را به این شـکل روایت کرده اسـت: «فنیروزا ان قدرتـم کل یوم: اگر می‌توانید، هر روز را نوروز کنید.» و بعد خودش توضیح داده اسـت: «یعنی تهادوا و تواصلوا فی الله: برای خدا به هم هدیه بدهید و پیوند برقرار کنید.» (دعائم الاسـلام، ج ۲، ص ۳۲۶). ابن ابی‌الحدید بدین صورت روایت کرده که: حضرت خندید و فرمـود: «نوروزا لنا فی کل یوم ان اسـتطعتم: اگر می‌توانید، هـر روز را بـرای ما نوروز کنید.» (شـرح نهج‌البلاغه، ج ۱۱، ص ۲۴۸).

۵ ـ خطیب بغدادی (م ۴۶۳ق) از قول اسماعیل بن حماد نوه فقیه مشهور اهل سنت، ابوحنیفه ـ پسر نعمان بن ثابت بن نعمان بن مرزبان ـ «من ابناء فارس الاحرار: از پارسـی زادگان آزاده» (یعنی ایرانی) می‌نویسد: «جدم (ابوحنیفه) در سال ۸۰ دنیا آمد. ثابت خردسـال بود که نزد علی بن ابی‌طالب رفت و او بـرای ثابـت و فرزندانش دعا کرد و برکت خواسـت و ما امیدواریم که خداوند دعای او را در حق ما برآورده باشد.»

خطیب می‌افزاید: نعمان بن مرزبان همان کسـی اسـت کـه در روز نـوروز به علی ابن ابی‌طالب فالوده هدیه کرد و او فرمـود: «نوروزنا کل یوم: هـر روز را برایمان نوروز کنید.» و گفته می‌شود که نعمان در روز مهرگان چنین کرد و او فرمود: «مَهْرجونـا کلّ یوم: هـر روز را برای ما مهرگان کنید.» (تاریخ بغدادَ، ج ۱۳، ص ۳۲۷)، تهذیب‌الکمال (ج ۲۹، ص ۴۲۳) و سیر اعلام‌النبلاء (ج ۶، ص ۳۹۵). همین ماجرا به صورت خلاصه‌تر و با عبارت «نیروزنا...مهرجونا...» در المستفاد (ج ۲، ص ۱۲۳) آمده است و به صورت «نوروزنا... مهرجونا» در الانساب (ج ۲، ص ۳۷) و تنهـا به صورت «مهرجونا کل یوم هکذا: هر روز را همین گونه برای ما مهرگان کنید»، در حاشیهً ردالمحتار (ج ۱، ص ۶۸) آمده است. در تمام نهج‌البلاغه (ج ۵، ص ۴۴) با مآخذ متعدد می‌آورد که حضرت پس از این فرمایش، انگشـتش را در ظـرف فرو برد، سـپس بیـرون آورد و از آن نخورد و تنها انگشتش را به دهان برد و آن را چشید و فرمود: «طیّبٌ طیبٌ، و مـا هـو بحرام، و لکن أکـرهُ ان اُعَوّدَ بما لـم اُعودْها: خوب اسـت خوب اسـت، حرام نیست؛ امّا دوست ندارم خود را به چیـزی عادت دهم که به آن عادت ندارم.» نیز در الحیاۀ (ج ۲، ص ۲۶۳)، بحارالانوار (ج ۴۰، ص ۷۲۳) و (ج ۳۶، ص ۳۲۳) با اندکی تفاوت، مستدرک‌الوسائل (ج ۶۱، ص ۹۹۲)، مناقب آل ابی‌طالب (ج ۱، ص ۸۶۳)، حلیهٔ‌الابرار (ج ۲، ص ۳۳۲) و...

۶ـ ابن عساکر (م ۵۷۱ ق) می‌نویسد: نوروز یا مهرگان بود که علی به رحبه (جایی در کوفه) آمد و عده‌ای از دهگانان (= دهقانان، ملّاکان، خوانین) آمدند و هدایایی آوردند. قنبر گفت: «ای امیرمؤمنان، تو مردی هسـتی که پول در دستت نمی‌ماند، در حالـی کـه خانواده‌ات نیز از این امـوال بهره‌ای دارند. من در یک گونی چیزهایی برای شـما گذاشته‌ام.» پرسید: «چی؟»



گفت: «برو ببین چیست.» حضرت وارد خانه شد، دید جوالی است پر از ظرفهای زرین و سیمین و آب طلا داده شده. گفت: «مادرت به عزایت بنشیند! می خواستی آتش بزرگی به خانه‌ام بیندازی.» سپس آنها را وزن کرد و به هر رئیس طایفه‌ای بهره‌ای داد و بیتی خواند و فرمود: «لاتغرینی، و غرّی غیری: [ای دنیا،] فریبم مده و کسی جز من را بفریب!» (تاریخ مدینه دمشق، ج۴۲، ص۴۷۷ و ۴۷۸) و کنزالعمال (ج۱۳، ص ۱۸۱ و ۱۸۲).

۷ـ با این همه، بخاری از قول دینار می نویسد: «ان علیاً کان لا یقبل هدیهٔ النیروز: علی هدیه نوروزی نمی پذیرفت» (التاریخ الکبیر، ج۱، ص۴۱۴). البته ممکن است منظور بخاری هدیه شخصی و داوطلبانه نباشد، بلکه چیزی در رده باج و خراج باشد که در این صورت درست گفته؛ چنان که یک بار که زرتشتی ها چنین هدایایی آوردند، حضرت آنها را پذیرفت و به عنوان جزیه آنها محاسبه کرد. (مناقب آل ابی‌طالب، ج۱، ص۳۷۹)؛ چرا که از خود ایشان روایت شده: «اهدی کسری للنبی(ص) فقبل منه: کسری برای پیامبر هدیه فرستاد و حضرت از او پذیرفت.» (من لایحضره الفقیه، ج۳، ص۳۰۰) و نیز: وسائل الشیعه (ج۱۷، ص۲۹۱)، بحارالانوار (ج۱۶، ص۳۷۳) و تهذیب المقال (ج۴، ص۳۴۱)؛ اما طبیعی است که علی(ع) راضی نمی شد که بر مردم علاوه بر زکات یا جزیه، مالیات دیگری هم ببندد؛ برعکس معاویه که دستور داده بود برایش هدایای نوروزی و مهرگان ببرند. (ترجمه تاریخ یعقوبی، ج۲، ص۱۴۵) تا اینکه عمر بن عبدالعزیز خلیفه شد و جلوی این کار را گرفت. (الطبقات الکبری، ج۵، ص۳۷۴) و المصنف ابن ابی‌شیبه (ج۷، ص۵۹۳) و ترجمه تاریخ طبری (ج۹، ص۳۹۷۱).

روایت انکارآمیزی را هم که ابن شهرآشوب در مناقب از امام کاظم(ع) آورده، می توان در همین راستا تفسیر کرد. او می نویسد که منصور [دومین خلیفه عباسی] امام موسی بن جعفر(ع) را پیش داشت تا جلوس کند: «...بالجلوس للتّهنیهٔ فی یوم النیروز و قَبض ما یُحملُ الیه: مردم برای شادباش نوروز بیایند و آنچه [عیدانه] نزدش می آورند، بگیرد.» امام فرمود: «من در اخبار جدم پیامبر(ص) جستجو کردم و از این جشن خبری نیافتم. و انّه سنهٔ الفرس و محاها الاسلام و معاذالله ان نحیی ما محاه الاسلام: این روش ایرانیان بوده که اسلام از بینش برده و پناه بر خدا که چیزی را زنده کنیم که اسلام از بینش برده است!» منصور گفت: «ما این کار را به رعایت حال سپاهیان [که بیشتر ایرانی‌اند،] انجام می دهیم و به حق خدای بزرگ خواهش می کنم که جلوس کنی.» حضرت نشست و امرا و سپاهیان آمدند و هدایایی آوردند. خادم منصور هم آنجا ایستاده بود و آمار می گرفت. آخر سر پیرمردی آمد و گفت: «من مردی درویشم و ارمغانی جز این سه بیت نیاورده‌ام که درباره جدت حسین بن علی سروده‌ام...» حضرت فرمود: «هدیه‌ات را پذیرفتم.» آنگاه رو به خادم کرد که: «نزد [منصور] برو و از این اموال آگاهش ساز و اینکه با آن چه باید کرد؟» رفت و برگشت و گفت: «می گوید: همه هدیه به شماست، هرچه می خواهید، بکنید.» حضرت به پیرمرد فرمود: «همه را بردار که هدیه من به توست.» (مناقب آل ابی‌طالب، ج۳، ص۴۳۳).

مرحوم مجلسی پس از ذکر این خبر، آن را با روایت معلی بن خنیس که موثق‌تر می داند، در تعارض می بیند و با احتمال «حمل بر تقیه» آن را توجیه می کند. (بحارالانوار، ج۵۶، ص۱۰۱)؛ اما اگر نهی و نقد امام کاظم(ع) را متوجهٔ باج نوروزی و مهرگانی بدانیم، نیازی به توجیه مرحوم مجلسی نیست. هدایای نوروزی رعایا برای پادشاه، چنان که در تخت‌جمشید مشاهده می شود، در اصل بیش از آنکه باج و خراج باشد، نوعی تبرک یافتن از دست پادشاه بود؛۱ چنان که بعدها در دوران اسلامی در میان رعایای ایرانی و دهگانان (یا همان اربابان روستانشین و مالکان و زمینداران بزرگ) تداوم یافت و راوی در پرسش خود از امام صادق(ع) تصریح می کند: «مردم به قصد تقرب و بی آنکه اجباری داشته باشند، در نوروز و مهرگان برای آنها هدیه می برند»؛ اما متأسفانه همچون بسیاری از بدعتها، شاید در عصر اموی به صورت نوعی مالیات اضافه بر سازمان درآمد تا اینکه عمر بن عبدالعزیز روی کار آمد و این رسم را برانداخت.

۸ـ شیخ صدوق (م۳۸۶ق) از ابراهیم کرخی روایت می کند که: از امام صادق(ع) درباره مردی که کشتزار پهناوری دارد [و دهگان است]، پرسیدم که: «در روز مهرگان و نوروز، [رعایا] برایش هدایایی می برند، بدون اینکه مجبور باشند، بلکه می خواهند بدین وسیله به او نزدیک شوند.» فرمود: «الیس هم مُصلّین: آیا آنها نمازخوان نیستند؟» گفتم: «چرا، هستند.» فرمود: «فَلْیَقْبل هَدیّتهم و لْیُکافِهم: باید هدیه‌شان را بپذیرد و تلافی کند.» (من لایحضره الفَقیه، ج۳، ص۳۰۰). در روایت شیخ کلینی این افزوده نیز هست: «زیرا پیامبر(ص) فرمود: اگر مسلمانی پاچه‌ای به من هدیه کند، می پذیرم و این از دین است؛ اما اگر کافر یا منافقی شتری هم هدیه کند، نمی پذیرم و این هم از دین است.» (الکافی، ج۵، ص۱۴۱). عیناً شیخ طوسی در تهذیب‌الاحکام (ج۶، ص۳۷۸)، وسائل الشیعه (ج۱۷، ص۲۹۰) و مشکاهٔ‌الانوار (ص۳۸۶).

۹ـ مرحوم ابن فهد حلی (م۸۴۱ق) از معلّی بن خُنَیس روایت می کند که امام صادق(ع) فرمود:

ـ انّ یوم النوروز هو الیوم الذی اخذ فیه النبی(ص) لأمیرالمؤمنین(ع) العهد بغدیر خم، فأقروا له بالولایه... و هو الیوم الذی وجه فیه رسول‌الله (ص) علیاً(ع) الی وادی الجن،



فاخذ علیهم العهود و المواثیق. و هو الیوم الذی ظفر فیه باهل النهروان و قتل ذالثدیه. و هو الیوم الذی یظهر فیه قائمنا اهل البیت و ولاهِٔ الامر و یظفره الله تعالی بالدجال، فَیصلبُه علی کُناسَهِٔ الکوفه. و ما من یوم نوروز۲ الا و نحن نتوقّع فیه الفرج. لانّه من ایامنا حفظه الفُرس۳ و ضیّعتموه. ثّم انّ نبیاً من انبیاء بنی اسرائیل سأل ربه ان یحیی القوم «الذین خرجوا من دیارهم و هم اُلوف حَذَرَ الموت» فأماتهم الله تعالی، فأوحی الیه أن صبّ علیهم الماء فی مضاجهم، فصبّ علیهم الماء فی هذا الیوم؛ فعاشوا و هم ثلاثون الفا، فصار صبّ الماء فی یوم النیروز سنهٔ ماضیه لا یعرف سببها الا الراسخون فی العلم و هو اول یوم من سنهٔ الفرس:

نوروز روزی است که پیامبر(ص) در آن برای امیرمؤمنان(ع) در غدیر خم بیعت گرفت و آنها به ولایت او اقرار کردند ... و آن روزی است که پیامبر(ص) علی(ع) را به وادی جن فرستاد تا از آنها عهد و پیمان بگیرد. و آن روزی است که بر خوارج پیروز شد و ذوالثدیه۴ را کشت. روزی است که در آن قائم ما اهل‌بیت و کارگزاران ظهور می کنند و خداوند متعال او را بر دجال پیروز می کند و او وی را در زباله‌دان کوفه بر دار می کشد. و هیچ نوروزی نیست مگر اینکه ما در آن چشم به راه فرج و گشایش هستیم؛ زیرا آن از روزهای ماست که ایرانیان نگاهش داشتند و شما از دستش دادید.

سپس فرمود: پیامبری از پیامبران بنی‌اسرائیل از پروردگارش خواست زنده کند آن «قومی را که هزاران نفر بودند و از بیم مرگ از سرزمینشان بیرون رفتند» و خداوند آنها را میراند.۵ پس به او وحی کرد که: بر ایشان در خوابگاهشان آب بریزد. او در این روز بر آنها آب ریخت و آنها که سی هزار تن بودند، زنده شدند و از آن پس آب‌پاشی در نوروز رسم شد؛ اما جز ریشه‌داران در دانش کسی از آن آگاه نیست و آن نخستین روز از سال پارسیان است. (المهذب البارع، ص۱۹۴ و ۱۹۵).

۱۰ـ همچنین از معلی روایت شده است: صبح روز نوروز نزد اباعبدالله [امام صادق](ع) رفتم. فرمود: «ای معلی، آیا این روز را می شناسی؟» گفتم: «نه، اما روزی است که ایرانیها بزرگش می شمارند و در آن تبرک می جویند.» فرمود: «نه، به آن خانه کهنی که در دره مکه است، سوگند که این روز جز برای امری کهن نیست. برایت روشن می کنم تا از آن آگاه شوی.» فرمود:

ـ یا معلّی، یوم النیروز، هو الیوم الذی اخذ الله فیه میثاق العباد ان یعبدوه و لا یشرکوا به شیئاً، و ان یدینوا برُسله و حججه و اولیائه: ای معلی، نوروز روزی است که خداوند از بندگان پیمان گرفت که او را بپرستند و چیزی را با او انباز نگیرند و به پیامبران و حجت‌ها و اولیای او بگروند.

و هو اول یوم طَلَعت فیه الشمس، و هَبّت فیه الریاحُ اللواحق، و خُلقت فیه زَهرهُٔ الارض: و آن نخستین روزی است که خورشید در آن تابید، و بادهای بارورکننده وزیدند، و گیاهان زمین در آن آفریده شدند.

و هو الیوم الذی استوَت فیه سفینهٔ نوح(ع) علَی الجودی: و آن روزی است که کشتی نوح(ع) بر کوه جودی نشست.

و هو الیوم الذی احیا الله فیه القوم الذین خرجوا من دیارهم و هم اُلوف حذر الموت. فقال لهم الله: موتوا، ثم احیاهم: و آن روزی است که خداوند قومی را که هزاران تن بودند و از ترس مرگ از سرزمینشان بیرون رفته بودند، زنده کرد. خداوند به آنها گفت: بمیرید و سپس زنده‌شان کرد.

و هو الیوم الذی هَبَطَ فیه، جبرئیل(ع) علی النبی(ص): و آن روزی است که جبرئیل(ع) بر پیامبر ـ که درود خدا بر او و خاندانش باد ـ فرود آمد.

و هو الیوم الذی کَسَرَ فیه ابراهیم(ع) اصنام قومه: و آن روزی است که ابراهیم(ع) در آن بتهای قومش را شکست.

و هو الیوم الذی حمل فیه رسول‌الله(ص) امیرالمؤمنین علیاً(ع) علی مَنکِبه حتی رَمَی اصنامَ قریش من فَوق البیت الحرام و هَشَمها: و این روزی است که پیامبر(ص) امیرمؤمنان(ع) را





به دوش گرفت تا بتهای قریش را از فراز کعبه به زیر افکند و خرد کرد... [خبری است طولانی] (مهذب البارع، ص١٩٦).

مرحوم مجلسی نیز تلفیقی از این دو حدیث یا به سندی دیگر را با تفاوتهایی در جزئیات در بحارالانوار (ج ٥٦، ص ٩٢ و ٩٣) و (ج ٥٦، ص ١١٩ و ١٢٠) می‌آورد که در کشف اللثام (ج ١، ص١٤٤) و کتاب الطهاره شیخ انصاری (ج ٢، ص٣٢٨) نیز می‌یابیم. آن بزرگوار موارد بسیاری را با توجه به علم هیئت و تاریخ تطبیق می‌دهد و نقل‌قولها را حک و اصلاح می‌کند و مطابقت عید غدیر (١٨ ذیحجه) سال ١٠ هجری را با نوروز نشان می‌دهد (ص ١٣٧) و قولی مبتنی بر انطباق مبعث (٢٧ رجب) با نوروز را رد می‌کند و توضیح می‌دهد که در حدیث تنها به «فرود آمدن جبرئیل بر پیامبر» اشاره شده، نه بر آغاز بعثت (ص ١٣٨) و بت‌شکنی کعبه را به ماجرایی که در نوجوانی امام علی(ع) رخ داده، ارتباط می‌دهد؛ چنان که در مسند احمد بن حنبل (ج ١، ص٨٤ و ١٥١) آمده، نه بت‌شکنی اصلی که پس از فتح مکه انجام شد (ج٥٦، ص١٣٨).

١١ـ شیخ حر عاملی به نقل از مصباح‌المتهجد از معلّی بن خُنَیس روایت می‌کند که: امام صادق(ع) فرمود: اذا کان یوم النیروز، فاغتسل و البس أنظف ثیابک، و تطیب بأطیب طیبک، و تکون ذلک الیوم صائما. فاذا صلّیت النوافل و الظهر و العصر، فصل بعد ذلک اربع رکعات، تقرأ فی اول کل رکعة فاتحه الکتاب، و عشر مرات «انا انزلناه فی لیلة القدر» و فی...: چون نوروز شد، غسل کن و پاکیزه‌ترین جامه‌ات را بپوش، و خوشترین عطرت را به کار بر و این روز را روزه باش. چون نماز ظهر و عصر و نافله‌هایشان را خواندی، چهار رکعت نماز بگزار: در رکعت اول پس از حمد، ده مرتبه سوره قدر، در رکعت دوم پس از حمد، ده بار «قل یا ایها الکافرون»، در رکعت سوم پس از حمد، ده بار «قل هو الله احد»، و در رکعت چهارم پس از حمد، ده بار سوره «فلق» و «ناس» را بخوان و چون فارغ شدی، سجده شکر به جا بیاور و دعا کن که گناه پنجاه ساله‌ات آمرزیده می‌شود. (وسائل الشیعه، ج٨، ص١٧٢ و ١٧٣). این روایت به‌صورت خلاصه در (ج ١٠، ص ٤٦٨) آمده است؛ چنان که در کشف اللثام (ج ١، ص ١٤٤)، الحدائق الناظره (ج ٤، ص ٢١٢)، چاپ قدیم کتاب الطهاره شیخ انصاری (ج ٢، ص٣٢٨) و بحارالانوار (ج٧٨، ص ٢١). استحباب غسل این روز در شرح اللمعه (ج ١، ص٦٨٦)، الجامع للشرایع (ص٣٣)، قواعدالاحکام (ج ١، ص١٧٨)، منتهی المطلب (ج ١، ص ١٣٠) و ... آمده است.



١٢ـ از مراسم کهن نوروز، پاشیدن آب به هم بوده که امروزه تقریباً برافتاده است و گویا تنها در میان ارمنی‌ها رواج دارد؛ اما در گذشته رایج بود و برایش دلیل و توجیهی دینی داشتند؛ چنان‌که ابوریحان می‌نویسد: «برخی از حشویه می‌گویند: چون سلیمان انگشتر خویش را گم کرد، سلطنت از دست او بیرون رفت؛ ولی پس از چهل روز بار دیگر انگشتر خود را بیافت و پادشاهی بر او برگشت و مرغان بر دور او گرد آمدند. ایرانیان گفتند: نوروز آمد؛ یعنی روزی تازه بیامد و سلیمان باد را امر کرد که او را حمل کند؛ پرستویی در پیش روی او پیدا شد که می‌گفت: ای پادشاه، مرا آشیانه‌ای است که چند تخم در آن است. از آن سوتر رو که آشیان مرا در هم نشکنی. سلیمان راه خود را کج کرد و چون از تخت خود که بر باد حرکت می‌کرد، فرود آمد، پرستو با منقار خویش قدری آب آورد و بر روی سلیمان پاشید و یک ران ملخ نیز هدیه آورد. از اینجاست که مردم در نوروز به یکدیگر آب می‌پاشند و پیشکشی‌ها به نزد هم می‌فرستند.» (آثارالباقیه، ص٣٢٥ و ٣٢٦).

این مطلب در متون دیگر نیز آمده است؛ از جمله: تاریخ مدینه دمشق (ج٢٢، ص ٢٦١ و ٢٦٢)، شجره طوبی (ج ٢، ص٤١٤ و ٤١٥) و بحارالانوار (ج٥٦، ص ١٣٩) و مآخذ دیگر؛ اما متونی که سبب این آب‌پاشی را زنده شدن مردگان به دعای حضرت حزقیال نبی(ع) می‌دانند، بسیار زیاد است که در بخش قرآنی همین مجموعه آمد. این در حالی است که اسطوره پژوهان آب‌پاشی را تشویق طبیعت به بارش محسوب می‌کنند؛ چنان که آتش‌افروزی در چهارشنبه‌سوری را نیز تشویق جهان به گرم شدن به شمار می‌آورند.٦

١٣ـ شاذان بن جبرئیل قمی (م٦٦٠ق) از پیامبر اکرم(ص) روایت می‌کند که: «لعلی سبعةُ عشر اسماً... اسمه عند العرب علی، و عند امّه حیدرة، و فی التوراة الیا، ...و عند الفُرس نیروز...، و عند المسلمین وعد، و عند المنافقین وعید، و عندی طاهر مطهر...: علی هفده نام دارد... نزد عرب علی است، نزد مادرش حیدره (شیر)، در تورات الیا، نزد پارسیان نوروز، نزد مسلمانها نوید، نزد منافقان بیم، نزد من پاک و پاکیزه...» (الفضائل، ص١٧٥)

١٤ـ به‌رغم بزرگداشت نوروز در متونی که آمد، برخی متون اهل سنت مطالبی در نقد آن و نکوهش بزرگداشتش دارند؛ از جمله ابوحفص حنفی می‌گوید: «اگر کسی در نوروز تخم‌مرغی به مشرکی هدیه کند و قصدش گرامیداشت این روز باشد، کافر شده است. پیشینیان در این روز تأکید بر اعتکاف در مسجد داشتند.» (فیض‌القدیر، ج ٤، ص ٦٦٩) انس می‌گفت: «این روز را به‌رغم مشرکان روزه بگیرید که در نظر من برابر با روزه دو سال است.» (تذکرۀالموضوعات، ص١١٩). عبدالله بن عمر هم از تشبه به عجمان در نوروز و مهرگان برحذر می‌داشت. (فیض‌القدیر، ج٦، ص١٣٦). علاءالدین حفصکی نیز گفتار الزیعلی را شرح می‌دهد که: «بخشش در نوروز و مهرگان جایز نیست؛ یعنی هدیه دادن در این روز حرام است و اگر قصد فرد بزرگداشت این روز باشد، کافر است. ابوحفص الکبیر می‌گوید: اگر مردی پنجاه سال خدا را بپرستد، سپس روز نوروز تخم‌مرغی به مشرکی هدیه بدهد و قصدش بزرگداشت این روز باشد، کافر شده و اعمالش برباد رفته است؛ ولی اگر بدون این قصد به مسلمانی هدیه بدهد، کافر نشده است، اما به این قصد اگر چیزی بخرد که پیشتر نخریده، کافر شده است...» (الدرالمختار، ج٧، ص ٣٤٥ و ٣٤٦).

ناگفته پیداست که چنین واکنش تندی از یک‌سو نشان‌دهندۀ رواج گستردۀ مراسم نوروز در مناطقی بسیار وسیع است، و از سوی دیگر احتمالاً برخی در این مراسم چنان تندروی می‌کردند و چه بسا مرتکب محرماتی می‌شدند که متعصبان و بلکه متدینان را به خشم می‌آوردند؛ رفتارهایی که هنوز برخی انجام می دهند و اعتراضاتی را برمی‌انگیزند؛ مثلاً زیاده‌رویهایی که در چهارشنبه سوری پیش می‌آید و یا اینکه گفته می‌شود چند سال پیش عده‌ای در وقت تحویل سال یکباره در مسجدالحرام شروع به سوت کشیدن و کف زدن کردند و طبیعی است که موجبات خشم متدینان و نفرت بی‌خبران از موضوع را فراهم آوردند.

مهرگان

ابوریحان بیرونی می‌نویسد: «شانزدهم مهر عید بزرگی است و به مهرگان معروف است. این عید مانند دیگر اعیاد برای عموم مردم است... می گویند سبب اینکه این روز را ایرانیان بزرگ داشته‌اند، آن شادمانی و خوشی است که مردم شنیدند فریدون خروج کرده، پس از آنکه کاوه بر ضحاک خروج نموده بود و او را مغلوب ساخته بود، مردم را به فریدون خواند.... و نیز گفته‌اند در این روز فرشتگان برای یاری فریدون آمدند و در خانه‌های پادشاهان در این ماه رسم شده که در ضمن خانه، مرد دلاوری هنگام طلوع خورشید می‌ایستد و به آوازی بلند می‌گوید: «ای فرشتگان، به دنیا پایین بیایید و شیاطین و اشرار را قلع و قمع کنید و از دنیا آنان را دفع نمایید.» و می گویند در این روز خداوند زمین را گسترانید و کالبدها را برای آنکه محل ارواح باشد، آفرید....

سلمان فارسی می‌گوید: ما در عهد زرتشتی بودن می‌گفتیم: خداوند برای زینت بندگان خود یاقوت را در نوروز و زبرجد را در مهرگان بیرون آورد و فضل این دو بر ایام، مانند فضل یاقوت و زبرجد است به جواهر دیگر.

اما آن دسته از ایرانیان که به تأویل قائلند، مهرگان را دلیل بر قیامت و آخر عالم می‌دانند؛ به این دلیل که هرچیزی که دارای نمو باشد، در این روز به منتهای نمو خود می‌رسد و مواد نمو از آن منقطع می‌شود و حیوان در این روز از تناسل باز می‌ماند؛ چنان‌که نوروز را آنچه در مهرگان گفته شد، به عکس است و آن را آغاز عالم می‌دانند. و برخی مهرگان را بر نوروز تفضیل داده‌اند؛ چنان که پاییز را بر بهار برتری داده‌اند... در ملوک خراسان این‌طور مرسوم گشته که در روز مهرگان به سپاهیان رخت پاییزی و زمستانی می‌دهند.

روز بیست و یکم مهرگان بزرگ باشد و سبب این عید آن است که فریدون به ضحاک ظفر یافت و او را به قید اسارت درآورد... سپس بفرمود تا او را بند کردند و در کوه دماوند حبس نمودند و مردم از شر او راحت شدند و این روز را عید دانستند.» (آثارالباقیه، ص٣٣٧ تا ٣٣٩).

بلعمی می‌نویسد: «افریدون روی به ضحاک نهاد و کاوه سپهسالار بود... و حرب کردند و افریدون ظفر یافت و ضحاک را بگرفت... همان روز کاوه تاج بر سر افریدون نهاد و جهان بدو سپرد، و آن روز مهر بود از مهرماه. و آن روز عید مهرگان خوانند و عید مهرگان از آن گرفته‌اند. و چون افریدون بنشست، داد و عدل بگسترید و داد و مهر او اندر جهان منتشر شد.» (تاریخنامه طبری، ج ١، ص١٠٤ و ١٠٥).

در متون اسلامی از نوروز و مهرگان به کرّات یاد شده است؛ اما از آنجا که موارد متعددی را در مبحث نوروز آوردیم، از ذکر تمامی آنها خودداری می‌ورزیم و به نمونه‌هایی بسنده می‌نماییم.

١ـ بیهقی (م ٤٥٨ ق) در کتاب فضائل الاوقات (ص٣٠٣) با اسنادش می‌نویسد: آنگاه که پیامبر(ص) وارد مدینه شد، مردم دو روز داشتند که در آن به بازی می‌پرداختند.

حضرت فرمود: «ان الله عزٍ و جل قد ابدلکم بیومین هذین یومین خیراً منهما: الفطر و الاضحی: خداوند به جای این دو روز، دو روز دیگر را که بهتر از آنها هستند، برایتان قرار داد: فطر و قربان.» به صورت «الفطر و النحر» در کنزالعمال (ج٨، ص٥٤٨) و متون دیگری آمده است در فتح‌الباری (ج ٢، ص٣٦٨) هم این مضمون تکرار شده. مرحوم محقق نوری در مستدرک‌الوسائل (ج٦، ص١٥٣ و ١٥٤) همین معنی را متفاوت‌تر روایت کرده است: «ان الله ابدلکم بیومین یومین: بیوم النیروز و المهرجان، الفطر و الاضحی:... به جای نوروز و مهرگان فطر و قربان.»

٢ـ در روایت نوه ابوحنیفه که پیشتر آمد، خواندیم که جد ابوحنیفه ـ نعمان بن مرزبان ـ در روز مهرگان به [امام] علی [(ع)] فالوده هدیه کرد. فرمود: «مهرجونا کل یوم هکذا: هر روز همین‌گونه برای ما مهرگان بگیرید.» (حاشیه رد المحتار، ج ١، ص٦٨) واقعه‌ای که برخی آن را هم درباره نوروز و هم درباره مهرگان ذکر کرده‌اند: مثلاً بدون واژه «هکذا» در تاریخ بغداد (ج ١٣، ص٣٢٧)، تهذیب الکمال (ج٢٩، ص ٤٢٣)، سیر اعلام النبلاء (ج٦، ص ٣٩٥)، الفهرست ابن ندیم (ص ٢٥٥)، الانساب سمعانی (ج ٣، ص ٣٧) و تاج العروس (ج ٤، ص٨٥) که بدون ذکر نعمان بن مرزبان حکایت را آورده و به جای فالوده، حلوا نوشته است.

٣ـ از ابراهیم کرخی روایت شده که از امام صادق(ع) پرسیدم: «مردی آبادی بزرگی دارد [و دهگان آنجاست] فاذا کان یومُ المِهرَجانِ و النیروز...: روز مهرگان یا نوروز که می‌شود، برایش هدایایی می‌برند، بدون آنکه مجبور باشند و به این وسیله تنها می‌خواهند که خود را به او نزدیک کنند. [حکم این هدایا چیست؟]» فرمود: «مگر آنها نمازگزار نیستند؟» گفتم: «چرا، هستند.» فرمود: «فلیقبل هدیتهم و لیکافهم: هدیه‌شان را بپذیرد و تلافی کند.» (الکافی، ج ٥، ص ١٤١)، من لا یحضره الفقیه (ج٣، ص ٣٠٠)، تهذیب الاحکام (ج ٦، ص ٣٧٨)، وسائل الشیعه (ج ١٧، ص ٢٩٠)

٤ـ در آیۀ شریفه ٩٦ سوره بقره می خوانیم که در سرزنش یهودیان می‌فرماید: «مسلماً آنها را آزمندترین مردم به زندگی و [حتی حریص‌تر] از کسانی که شرک می‌ورزند، خواهی یافت. یَوَدُّ احدُهم لو یُعَمَّرَ ألفَ سَنه: هریک از ایشان آرزو دارد که کاش هزارسال عمر کند...» در ذیل این آیه از ابن‌عباس روایت شده است: «هو قول الاعاجم: هزار سال نوروز و مهرجان!» (تفسیر ابن کثیر، ج ١، ص ٢٢٤) یا «هو قول احدهم لصاحبه [این سخن یکی از آنها به رفیقش است]: هزار سال سرور مهرجان بخور.» (المستدرک حاکم، ج ٢، ص ٢٦٤) و مصحح در پاورقی نوشته: «یعنی تمتع الف سنه کمثل عید مهرجان هو یوم عید لهم.» در تفسیر زادالمسیر (ج ١، ص ١٠١) آمده است: «عش الف نیروز و الف مهرجان»؛ یعنی هزار نوروز و هزار مهرگان بزی! و عیناً در تفسیر مجمع‌البیان (ج ١، ص٣١٣). طبری در جامع‌البیان (ج ١، ص ٦٠٣) به نقل از مجاهد از ابن عباس: «هو قول الاعاجم سأل زه نوروز مهرجان.» در تفسیر روح‌البیان (ج ١، ص١٨٦): «عش الف سنه و الف نوروز و الف مهرجان. و هی بالعجمیه: زی هزار سال!» در غرائب القرآن (ج ١، ص ٣٤٠): «المجوس کانوا یقولون لملوکهم: عش الف نیروز و الف مهرجان. و عن ابن عباس: هو قول الاعاجم:





زی هزار سال!» در تفسیر منهج الصادقین آمده: «تحیت مجوس وقتی که به هم می‌رسند، این است که: عش الف نیروز و الف مهرجان! کما قال ابن عباس و هو قول الاعاجم منهم لمن عطس: بزی هزار سال!» (عجم‌ها وقتی عطسه می کنند، می گویند...) نیز الکشاف (ج ۱، ص ۱٦۸) در الکشف و البیان (ج ۱، ص ۲۳۸): «هو تحیهٔ المجوس فیما بینهم: عش الف سنه و الف نیروز و مهرجان!» و متون دیگر.

٥ ـ در برخی دوره‌ها عده‌ای از فقهای اهل سنت گمان می‌کردند زرتشتی‌ها در نوروز و مهرگان روزه می گیرند؛ از این روی روزه گرفتن در این دو روز را برای آنکه قبل و بعدش هم روزه بگیرند، مکروه یا حرام می‌شمردند، از جمله در البحر الرائق (ج ۲، ص ٤٥۰)، حاشیه رد المحتار (ج ۲، ص ٤۱۳)، المغنی (ج ۲، ص ۹۹)، الشرح الکبیر (ج ۳، ص ۱۰۷) بدائع الصنائع (ج ۲، ص ۱۷۹)، کشاف القناع (ج ۲، ص ۳۹٦) و...

برخی نیز چنین روزه‌ای را مکروه نمی‌شمرند؛ همچون مغنی المحتاج (ج ۱، ص ٤٤۷). البته اینها در حالی است که زرتشتیان اصلا روزه نمی گیرند؛ چون گمان می کنند که به بدن زیان می‌رساند. هر چند ممکن است در آن روزگار تحت تأثیر مسلمانها در بزرگداشت برخی روزها روزه می گرفتند!

٦ـ همچنین برخی فقهای اهل سنت هدیه دادن در نوروز و مهرگان را به‌ویژه اگر به نیت بزرگداشت این دو روز باشد، ناروا و بلکه حرام می‌دانستند؛ از جمله در: الدر المختار (ج ۷، ص ۳٤۷). با این همه از ابن‌سیرین نقل شده که چند خانواده ایرانی به آموزگار فرزندانشان در این دو روز هدیه می‌دادند و حق‌شناسی می کردند. (المصنف ابن ابی شیبه، ج ٥، ص ۹۸) و ابی برزه به خانواده‌اش سپرده بود که هدیه مجوسیان در این دو روز را اگر میوه بود، بگیرند و گرنه پس بدهند. (همان، ج ٥، ص ٥٤۸) و (ج ۷، ص ٥۸۷).

۷ـ سیوطی از بیهقی نقل می کند که: کان زبید الیامی و جماعهٔ اذا کان یوم النیروز و یوم المهرجان، اعتکفوا فی مساجدهم: زبید یامی و گروهی چون نوروز و مهرگان فرا می‌رسید، در مساجدشان معتکف می‌شدند و می گفتند: «آنها (مجوس) در کفرشان اعتکاف کرده‌اند و ما (مسلمانان) در ایمانمان اعتکاف می کنیم.» (الدرالمنثور، ج ۱، ص ۲۰۲)؛ اما بعید است که زرتشتیان چنین مراسمی داشته باشند.

۸ـ با وجود این نگرش، برخی فقهای اهل سنت تعیین نوروز یا مهرگان را به عنوان موعد پرداخت دین و معامله جایز نمی‌شمرند؛ چه، این وقت می‌بایست مشخص و شناخته شده باشد، وگرنه تعیین اوقاتی همچون هنگام وزش بادها، آمدن باران، آمدن فلانی یا مردنش، وقت درو، آمدن حاجیان، روز نوروز و مهرگان درست نیست. (بدائع الصنائع، ج ٥، ص ۱۷۸)، المبسوط الرضی (ج ۱٤، ص ۲۸)، البحر الرائق (ج ٦، ص ۱٤٥). زید بن علی (ع) (م ۱۲۲ق) نیز در مسند (ص ۲٦٤) همین ناشناختگی را دلیلی بر نادرستی آن به‌عنوان وعده‌گاه می‌نویسد؛ اما غالباً «تأقیت بالنیروز و المهرجان» را روا شمرده‌اند؛ از جمله: فتح العزیز (ج ۹، ص ۲۳۱)، المجموع نووی (ج ۱۳، ص ۱۳٦)، روضهٔ‌الطالبین (ج ۳، ص ۲٤۸)، مبسوط شیخ طوسی (ج ۲، ص ۱۷۱)، (ج ۳، ص ۲٥٦)، «لانّه معلوم عندالعامه» (مبسوط، ج ۲، ص ۱۷۱)، تذکرهٔ‌الفقهاء (ج ۱، ص ٥٤۸)، ایضاح الفوائد (ج ۱، ص ٤٦٤)، جامع‌المقاصد (ج ۳، ص ۲۳۰)، الدروس شهید اول (ج ۳، ص ۲۰۳) که می نویسد: «یجوز التأجیل بشهور العجم اذا عرفناها وبالنیروز و المهرجان اذا علماها...» (ج ۳، ص ۲٥٥) و... معمولاً هم دلیلش را این آورده‌اند که «لانّه معلوم عند العامه» (مبسوط، ج ۲، ص ۱۷۱) و «لانّه مشهور فیما بین المسلمین کشهرته بین اهل الذمه» (ج ۳، ص ۲٥٦). برخی توضیح زمانی‌اش را هم داده‌اند؛ از جمله مرحوم علامه حلی که می‌نویسد: «یجوز التأقیت... بالنیروز و المهرجان لانهما یطلقان علی وقت انتهاء الشمس الی اول بُرجَی حَمَل و المیزان: نوروز و مهرگان به هنگام رسیدن خورشید به برج حمل (فروردین) و میزان (مهر) اطلاق می‌شود.» (قواعد الاحکام، ج ۲، ص ٥۱). شهید اول می نویسد: «النیروز و المهرجان... عبارتان عن یومی الاعتدالین بانتهاء الشمس الی اول نقطه من الحَمَل و المیزان.» (الدروس، ج ۳، ص ۲٥٥) و محقق کرکی نیز به اعتدال بهاری و پاییزی اشاره می کند و می‌نویسد: «النیروز وقت انتهائها الی الحمل و هو الاعتدال الربیعی. و المهرجان وقت انتهائها الی المیزان و هو الاعتدال الخریفی...» (جامع المقاصد، ج ٤، ص ۲۳۱). نووی هم کلیات را درک کرده، اما به اشتباه می‌نویسد: «عید النیروز و هو نزول الشمس برج المیزان و المهرجان نزولها برج الحمل!» (المجموع، ج ۱۳، ص ۱۳۸). و البهوتی به نقل از زمخشری می‌نویسد: «المهرجان، الیوم التاسع عشر من الخریف.» (کشف القناع، ج ۲، ص ۳۹٦)؛ اما به لحاظ زمانی دقیق‌تر از همه الخطاب الرعینی (م ۹٥٤ق) می‌نویسد که البته آن را با نکته غریبی درمی‌آمیزد و آن را زادروز حضرت یحیای پیامبر (ع) به‌شمار می‌آورد و به جشن شش روزه‌اش هم اشاره می‌کند و می گوید: «المهرجان... هو مولد یحیی علیه‌الصلاهٔ والسلام و هو عید عظیم الشأن عند الفرس و هو الیوم السادس من شهر مهر ماه ـ سابع اشهر السنه الفارسیه ـ و هو سته ایام: و الیوم الاول الذی هو سادس عشر مهرماه یُسمّی «مهرجان العامه»، والیوم السادس الذی هو حادی عشرینه یُسمّی «المهرجان الکبیر للخاص». (مواهب الجلیل، ج ٦، ص ٥۰۱).

۸ـ همچنان که آمد، ایرانیان از دیرباز در این روز برای بزرگان هدیه می‌بردند و خواندیم که زرتشتی‌ها برای حضرت امام علی (ع) هدیهٔ مهرگانی آوردند و ایشان ضمن پذیرش و تقسیمش میان مردم، آن را در شمار جزیه آنها محاسبه فرمود. (مناقب آل ابی‌طالب، ج ۱، ص ۳۷۸) و تاریخ مدینه دمشق (ج ٤۲، ص ٤۷۸)؛ اما بعدها معاویه دستور داد که هدیه‌های نوروز و مهرگان را به نزدش بفرستند. (تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۸) و سیر اعلام النبلاء (ج ۳، ص ۱٥۷). این روش ادامه یافت تا اینکه عمر بن عبدالعزیز در دوران کوتاه حکومتش آن را برانداخت. (الطبقات الکبری، ج ٥، ص ۳۷٤)، انساب الاشراف (ج ۸، ص ۱٤۷)، تاریخ الطبری (ج ٦، ص ٥٦۹) و تاریخ الیعقوبی (ج ۲، ص ۳۰٦)؛ اما در دوران بنی عباس به سبب نفوذ ایرانیان دوباره رواج یافت (المجموع، ج ۱۳، ص ۱۳۸) و همچنان تا حمله مغول رونق داشت و از آن پس رو به کاستی گذارد و امروزه جز در میان زرتشتیان معمول نیست؛ گرچه در سالهای اخیر رویکردی احساسی به آن نشان داده می‌شود؛ اما در میان عربها به سبب حکومت طولانی عباسیان هرچند امروزه جشنی بدان مناسبت برگزار نمی‌شود، ولی به هر جشنواره‌ای «مهرجان» گفته می‌شود: المهرجان القومی (جشن ملی)، المهرجان الشعبی (جشن مردمی)، المهرجان العالمی (جشنواره جهانی)، مهرجانات الادبیه (جشنهای ادبی)، المهرجان الألفی لابی‌العلاء (جشنوارهٔ هزارهٔ ابی‌العلاء) و... که همگی نشان‌دهندهٔ پیشینهٔ رواج این جشن در دیار آنهاست و باز شگفتا که با وجود اهمیت بیشتر نوروز، به نظر می‌رسد شعرهای مهرگانی در ادبیات عربی فراوانتر باشد و اینک نمونه‌هایی تلخیص شده:

ـ تقلون ان نادی لروع مثوب/ و انتم غداهٔ المهرجان کثیر
(تاریخ دمشق، ج ۸، ص ۳۲۰ و تهذیب‌الکمال، ج ۲، ص ۰۱٥)

ـ عللانی بالراح و الریحان/و اسقیانی فی غرهٔ المهرجان
(همان، ج ٤۳، ص ۲٦۹)

ـ احسن من یوم مهرجان/ و یوم اضحی و یوم فطری
(همان، ج ٥۷، ص ۱۰٥)

ـ ظللنا نسبح فی المهرجان/ فی ادوار حسن جاماتها
(همان، ج ٦٥، ۳۲۷)

ـ و احظ بالمهرجان و ابل جدید/ الدهر فی نعمهٔ بغیر زوال
(ذیل تاریخ بغداد، ج ٤، ص ۱۸۷)

ـ بکر الناس بالهدایا علی اقدار هم/ فی صبیحهٔ المهرجان
(همان، ج ٥، ص ۱٥۳)

ـ و اعجب من ذاک توقیعه/ لخمس خلون من المهرجان
(معجم البلدان، ج ٤، ص ۲۱٦)

شاعری در مهرگان می‌سراید:...
لیت شعری مهرجت یا دهقان/ و قدیماً ما مهرج الفتیان
دیگری در پاسخ می گوید:
هم تجاوز بیوت کرکین شبرا/ این منک النوروز و المهرجان؟
(معجم‌البلدان، ج ٤، ص ٤٥۳)

ـ لا تقل بُشری و لکن بشریان/ غرهٔ الداعی و یوم المهرجان
(البدایه و النهایه، ج ۱۱، ص ٥٥)

ـ صل الندمان یوم المهرجان/ بصاف من معتقهٔ الدنان
بکاس خسروانی عتیق/ فان العید عید خسروانی
(الکلینی و الکافی، ص ۲٥۹)

از این موارد مکرر می‌توان در متون ادبی یافت و جالبتر اینکه در متون حدیثی و تاریخی به افراد زیادی برمی‌خوریم که نامشان مهرجان (و در اصل مهرگان) است؛ از جمله: زکریا المهرجانی (السنن الکبری، ج ۱، ص ٤۳)، حسن المهرجانی (همان، ص ۹۰)، احمد بن المهرجان (حلیهٔ‌الابرار، ج ۲، ص ۱۳۱)، احمدبن یعقوب المهرجان (نهج‌السعاده، ج ۱، ص ۳۱۰)، حسن بن محمد المهرجانی (المستدرک حاکم، ج ۱، ص ۲٤۹)، محمد بن اسحاق المهرجانی (همان، ج ۳، ص ۱٦۱)، یعقوب بن اسحاق المهرجانی (همان، ج ۳، ص ۳٥۱) و از همه جالبتر: عبدالله بن مهرجان المهرجانی البغدادی! (الانساب، ج ٥، ص ٤۱٥).

پی‌نوشت:



۱. دکتر مهرداد بهار، از اسطوره تا تاریخ، ص ۲۸۱.
۲. نیروز
۳. «ایامنا و ایام شیعتنا حفظته العجم...» بحارالانوار، ج ٦٥، ص ۳۹.
٤. ذوالثدیه: به معنی پستان‌دار، ویژگی مردی ناقص‌الخلقه بود که بخشی از یک دستش همچون پاره‌ای گوشت بود که نوکی چون پستان زنان داشت و مویی چند بر آن رُسته بود. پیامبر (ص) نشانی چنین فردی را در لشکر خوارج داده بود و کشتن او نشانه‌ای اطمینان‌بخش از درستی جنگ با خوارج بود که مردمی ظاهرالصلاح و سختکوش در عبادت بودند. ر.ک: مسند احمد بن حنبل (ج ۱، ص ۸۳، ۸٦ تا ۸۸، ۹۲، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱٤۱ و ۱٤۷)، صحیح مسلم (ج ۳، ص ۱۱۲ تا ۱۱٦) و سنن ابی‌داود (ج ٤، ص ۲٤۳ تا ۲٤٥).
٥. اشاره است به داستان حضرت حزقیال نبی (ع) در سوره بقره، آیه ۲٤۳.
٦. ر.ک: دکتر مهرداد بهار، از اسطوره تا تاریخ، ص ۳۳۰.





نوروز در پیچ و خم‌های تاریخ

■ میلاد سراج



نوروز، این عید کهن سال که گنجینه‌ای از سنّت‌های دل‌پذیر است تاریخی بس دراز و عبرت‌انگیز دارد. از روزگاران بسیار قدیم که تعیین تاریخ آن حتی از عهده تاریخ هم بیرون است تا امروز این عید با تمام سنتها و آداب و رسوم خود همچنان در فراز و نشیب تاریخ و از خلال حوادثی عظیم راه خود را بازکرده و دنیای افسانه‌ای قدیم را به عصر دانش امروز پیوسته است.

«این عید در طی تاریخ طولانی خود نه تنها در تاریخ ایران بلکه در تاریخ همه ملت‌هایی هم که با فرهنگ ایرانی آشنا شده‌اند آثار بسیاری از خود به جای گذارده است، و آثاری که از آن در تاریخ و ادبیات عربی برجای مانده کم نیست. از نخستین دوره‌ای که دولت خلفا تشکیل شد نام «نوروز» هم پیوسته با آن قرین بود زیراکه این روز در همه دوره‌های اسلامی همچنان آغاز سال خراجی و محور عملیات دیوان خراج باقی ماند. و در طی صدها سال که این عید به وسیله دبیران دیوان و وزیران ایرانی در دستگاه خلافت و مخصوصا در دوره عباسی با فرّ و شکوه خاص گرفته می‌شد، شعرا و نویسندگان عرب یا عربی‌زبان در تهنیت این عید چکامه‌ها سروده و سنّتهای آن را به طرق گوناگون ستوده و توصیف کرده‌اند. ازاین‌رو این عید، هم در تاریخ سیاسی و اجتماعی اعراب، و هم در تاریخ ادبیات زبان عربی اثر بارزی داشته است».



این مقدمه‌ای بود به فارسی بر مقاله‌ای به عربی با عنوان «النیروز عبر التاریخ و فی الادب العربی» که در نوروز سال ۱۳۳۹ هجری خورشید- درست سی و یک سال پیش- برای نشر در مجله دو زبانی الدراسات الادبیهٔ نشریه کرسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لبنان نوشته بودم، و در همان زمان هم در شماره یکم سال دوم آن مجله در بیروت منتشر گردید.

آنچه در این جا می آید نه ترجمه آن مقاله و نه تکرار هیچ یک از مطالب آن است، بلکه ذکر برخی از آیینهای این عید است که از دیرباز در میان همه مردمی که با این عید سروکار داشته‌اند معمول بوده و دوره‌های مختلفی را به خود دیده ولی در همه دوره‌ها یکسان نمانده است. بلکه به همان گونه که در بسیاری از دوره‌ها باعث شادی و نشاط، و نشانی از لطف و مهربانی بوده در برخی از دوره‌ها هم بعضی از آن‌ها باعث دردسر و مایه رنج مردم شده است؛ و ذکر این آیینها هم در این جا نه به منظور وصف آن مراسم و سیر تاریخی آن‌ها بلکه برای توجه دادن به نکته‌ای است که توجه به آن از لحاظ تحقیق در تاریخ ایران و اسلام هردو مفید به نظر می‌رسد، و آن پیوندی است که نوروز و آیینهای آن در دوران اسلامی با فراز و نشیبهای اندیشه و علم در جهان اسلام داشته است، بدین گونه که در دوره‌های شکوفایی علم و اندیشه، نوروز هم در جهان اسلام فر و شکوهی داشته و در دوره‌های دیگر چنان نبوده. و در آنچه هم به رابطه آن با اسلام و احکام آن بازمی گشته، در دوره‌هایی که سروکار مسلمانان با کسانی بوده که چهره اسلام را در سرچشمه‌های اصلی آن صاف و بی‌غل و غش می‌دیده‌اند، و این دین را چنانکه در اصل بوده سهل و سمح یعنی آسان گیر و پرگذشت می‌شناخته‌اند، نوروز و آیینهای آن هم همچنان روشن و بی‌غل و غش می‌نموده، ولی در دوره‌هایی که سروکار مسلمانان یا طایفه‌ای از آن‌ها با کسانی می‌افتاده که خود در قید و بند مجادلات مذهبی و تعصبهای ناشی از آن گرفتار بوده، و اسلام را هم از خلال همان مجادلات و تعصب‌ها دینی ستیزه‌جو و ناسازگار می‌شناخته‌اند، نوروز و آیینهای آن را هم گردی از همان تعصبها می‌پوشانده و چهره آن را کدر می‌ساخته است؛ و آن را هم پدیده‌ای ناسازگار با اسلام می‌پنداشته‌اند.

از این آیینها آنچه در این جا برای این منظور از آن‌ها سخن می‌رود، یکی هدیه نوروزی است و دیگر تبریک و تهنیت این عید، و برای این‌که سابقه این مراسم از پیش از دوران اسلامی هم تا حدی روشن باشد به برخی از آنچه راجع به آن دوران در منابع اسلامی انعکاس یافته نیز اشاره‌ای می‌شود:

در کتاب المحاسن و الاضداد در جایی که جاحظ از هدیه نوروزی در ایران پیش از اسلام سخن می‌راند، گوید: «دبیر مخصوصی نام هدیه‌کنندگان و پاداشی را که شاه برای هریک در نظر می‌گرفته یادداشت می‌کرده تا در دیوان نوروز ثبت شود. و هم او در کتاب التاج فی اخلاق الملوک در این‌باره گوید: «آیین ایرانیان چنین است که در نوروز هرکس از آنچه خود دوست دارد هدیه‌ای به شاه تقدیم دارد. اگر از طبقه بزرگان باشد و مشک دوست دارد تنها به همان بسنده کند، و اگر دوستدار عنبر است عنبر هدیه کند، و اگر اهل لباس است پوششی برگزیند، و اگر از دلاوران و سوارکاران است، آیین چنین است که اسبی یا نیزه‌ای یا شمشیری پیشکش کند، و اگر از تیراندازان است تیر و پیکان هدیه کند، و اگر از توانگران است زر یا سیم هدیه کند، و اگر از کارگزارانی است که از سال گذشته بدهی برعهده دارد همه را جمع کند و در بدره‌های ابریشم چینی با شرّابه‌های سیمین و رشته‌های پشمین نهد و با عنبر آن‌ها را مهر کند و به دیوان فرستد. شاعر هم شعری، و خطیب هم خطبه‌ای، و ندیم هم تحفه و طرف یا نوبر یکی از سبزی‌های نورسته بهاری را هدیه کند».

جاحظ پس از آنکه در همین کتاب نوع هدیه‌های زنان رسمی و کنیزکان شاه را هم ذکر کرده، گوید: «حق نزدیکان و خواص شاه بر او این است که این هدیه‌ها بر او عرضه گردد و آنگاه به بهای عادلانه قیمت شود، و اگر بهای هدیه به ده‌هزار درهم رسید آن را در دیوان خاص ثبت کنند. و اگر هدیه‌دهنده انتظار پاداشی داشته باشد و در طی سال اتفاقی برای او بیفتد که نیازمند کمک گردد مانند این که بلیّه‌ای بر او برسد، یا ساختمانی بسازد، یا مهمانی بزرگ و ولیمه‌ای بدهد یا پسر زن دهد یا دختر به شوی فرستد، و هدیه او ده‌هزار درهم بوده، دو برابر آن را به عنوان کمک به او بدهند. ولی اگر هدیه او چیز کوچکی بوده، مانند پیکانی یا سیبی یا ترنجی و مانند آن‌ها، بر شاه است که در هنگام نیازمندی او به اندازه‌ای که اخلاص و وفاداری هدیه‌دهنده مقتضی آن و خیلی بیش از اندازه هدیه او باشد او را پاداش دهد. و اگر کسی از این افراد در هنگام نیازمندی کمکی به او نمی‌رسید مکلف بوده است که این امر را به دیوان اطلاع دهد، و از زنده نگه‌داشتن این آیین غفلت نکند. و اگر اطلاع نمی‌داد کیفر می‌یافت زیرا این کار توهین به شاه و نشانه‌ای از بی‌اعتنایی به او تلقی می‌شد».

و اما خطابه که هدیه خطیبان در جشن نوروز بوده، هرچند درباره آن آگاهی درستی نداریم، ولی از آنچه در شرح حال چند تن از خطیبان و واعظان معروف قرن اوّل و دوم اسلامی و پیشینه کار آن‌ها در دوران ساسانی آمده می‌توان درباره آن اگرچه به اجمال هم باشد اطلاعات سودمندی به دست آورد.

این خطیبان کسانی بوده‌اند از خاندان ابان رقاشی که سه تن از آن‌ها به نامهای فضل پسر عیسی بن ابان و پسرش عبد الصمد و عمویش یزد بن ابان در زمان خودشان در وعظ و خطابه شهرتی بسیار و مقامی والا داشته‌اند، آن‌چنان‌که در مجلس حسن بصری و فقیهان زمانشان به وعظ و تذکیر می‌پرداخته‌اند، و جاحظ آن‌ها را به عنوان سخنورترین مردم زمان خودشان ستوده و از سخنان آنان هم عبارات عبرت‌انگیزی که چون مثل سایر بر سر زبان‌ها بوده است آورده. و در بیان علّت سخنوری این خاندان از زبان ابو عبیده که از راویان آگاه و مورد اعتماد او بوده نقل کرده که اینان سخنوری را از پدران خود که سخنوران دربار پادشاهان ایران بوده‌اند به ارث برده بودند، و چون آن‌ها به اسارت افتادند و در سرزمین اسلام و جزیرهٔ العرب زاد و ولد کردند، از آنجا که عرق (جوهر) سخنوری در آن‌ها بود در این زبان (-عربی) هم همان مقامی را یافتند که در آن زبان (-فارسی) داشتند. و این عرق همچنان در این خاندان باقی ماند تا وقتی که از راه زناشویی با بیگانگان درآمیختند و این عرق در آن‌ها سستی گرفت و زائل شد».

در دوران اسلامی در آیین نوروزی در میان ایرانیان دگرگونی روی نداد ولی از لحاظ رسمی و در دستگاه خلفا و کارگزاران ایشان در عراق بی‌تغییر نماند.

توضیح آنکه چون نظام دیوانی ایران در آنچه به امر مالیات و جمع خراج و سایر امور مالی بازمی گشت در دستگاه خلفا هم با همان سازمان و تشکیلات و با همان زبان فارسی که داشت ادامه یافت، ازاین‌رو گاه شماری ایرانی هم که با نوروز آغاز می‌شد همچنان در دیوان خراج باقی ماند، و پس از آنکه در دهه هشتاد هجری دیوان عراق از فارسی به عربی برگردانده شد «۲»، باز هم گاه‌شماری ایرانی به عنوان سال خراجی در دیوان‌ها به کار می‌رفت. بنابراین نوروز هم به عنوان آغاز سال خراجی برای حاکمان عرب ناشناخته نبود، ولی از میان همه آیینهای آن تنها هدیه نوروزی بود که نظر آن‌ها را جلب می‌کرد و به هوای همان هم انتظار نوروز را می‌کشیدند. زیرا آن‌ها هدیه نوروزی را هم مانند مالیات و خراج از مردم مطالبه می‌کردند، و نخستین‌بار هم این رسم به وسیله کارگزار خلیفه عثمان در







عراق، ولید بن عقبه رسم شد و پس از سعید بن العاص کارگزار دیگر عثمان این هدیه را آن‌چنان با زور و فشار مطالبه می‌کرد که مردم به عثمان شکایت بردند و او هم سعید را از آن کار بازداشت، ولی این رسم متروک نگردید.

در خلافت علی (ع) و اقامت آن حضرت در کوفه نه تنها این رسم بلکه بسیاری از رسمهای ناروا از میان رفت و هدیه نوروزی هم‌چنان‌که در بین مردم بود در محضر خلیفه هم لطف و زیبایی خود را بازیافت. در یکی از عیدهای نوروز که علی (ع) در کوفه بود چندتن از بزرگان و دهقانان ایرانی طبق آیین دیرین خود که در روز عید به دیدار بزرگان می‌رفتند به خدمت آن حضرت شتافتند و ظرفی از طلا یا نقره محتوی شیرینی مخصوص عید به عنوان هدیه نوروزی تقدیم کردند، و آن حضرت پس از آگاهی از مناسبت آن دیدار هدیه را با خوشرویی پذیرفتند. خود از آن تناول نمودند و به حاضران نیز ارزانی داشتند و برای خوش آمد هدیه‌کنندگان این عبارت را هم که در تاریخها نقل شده:

"نوروزنا کلّ یوم» (یعنی هرروز ما را نوروز گردانید) به آن‌ها فرمودند، و برای این هم که افزون بر آنچه بابت خراج سالیانه بر عهده آن‌ها می‌بود مالی بر آن‌ها تحمیل نشود دستور دادند که آن ظرف را قیمت کنند و قیمت آن را از خراج سالیانه ایشان کسر نمایند. در تاریخ بغداد و برخی از مراجع دیگر که این خبر نقل شده آمده است که بزرگ آن دهقانان و کسی که آن هدیه را تقدیم داشت نعمان، جدّ ابو حنیفه نعمان بن ثابت فقیه معروف و صاحب مکتب فقه حنفی بوده است.

ولی این مورد در تمام این دوران موردی یگانه و بی‌همتا بود. خلافت علی (ع) دولتی مستعجل بود که دیری نپایید، و به زودی خلافت به معاویه رسید و به دستور او هدیه نوروز و مهرگان در ردیف خراج قرار گرفت و به سختی مطالبه شد. و در سال نخست مبلغ ده میلیون درهم از این بابت وصول گردید، و به تدریج بر آن افزوده گشت تا هم‌سنگ خراج شد.

به نوشته صولی در زمان معاویه مبلغ خراج سواد (=عراق) پنجاه میلیون درهم و هدیه نوروز و مهرگان هم پنجاه میلیون درهم بود و این امر به صورت سنّتی پایدار درآمد تا خلافت عمر بن عبد العزیز که او کارگزار خود را از این کار بازداشت. ولی ظاهرا هیچ‌یک از این بازداشتن‌ها اثری در برانداختن این رسم نداشت. و آنچه براندازی آن را دشوار می‌ساخت این بود که عایدات خراج از آن بیت المال بود، ولی آنچه به نام هدیه نوروز و مهرگان وصول می‌شد به خلیفه و کارگزاران او تعلق می‌گرفت و از عایدات شخصی ایشان به شمار می‌رفت.

در دوران عباسی که دستگاه خلافت به پایمردی وزیران و دبیران ایرانی می گشت جشن نوروز دوباره در دربار خلافت رونق گرفت، و هدیه نوروزی ارزش معنوی خود را بازیافت، و به جای آنکه وسیله‌ای برای کسب اموال باشد نشانه‌ای از لطف و ذوق گردید، و شاعران و نویسندگان در تبریک و تهنیت این عید و همچنین جشن مهرگان اشعار نغز سرودند و نامه‌هایی پراحساس و زیبا به دوستان نوشتند، و دبیران دیوان و شاعران دربار نیز به همین گونه نسبت به خلفا ادای احترام کردند. و بدین ترتیب باب تازه‌ای در ادبیات عربی گشوده شد و برخی از مؤلفان و ارباب ذوق و هنر به تألیف کتابهایی در این زمینه‌ها پرداختند:

مانند کتاب النیروز و المهرجان تألیف علی بن‌هارون، و کتاب الاعباد و النواریز تألیف موسی بن عیسی کسروی. حمزه اصفهانی هم مجموعه‌ای در همین زمینه پرداخت به نام «الشعار السائرۀ فی النیروز و المهرجان» و در آن بهترین شعرهایی را که در این مناسبتها به کار می‌رفت و به سبب زیبایی آن‌ها بر سر زبان‌ها بود جمع‌آوری کرده بود.

درباره اینها در همان مقاله‌ای که در آغاز این نوشته بدان اشاره شد مطالبی به اجمال یا تفصیل آمده است. آنچه در آنجا نیامده و در این‌جا به مناسبت موضوعی که در آن مطرح است به نوشته‌های سابق در این باب افزوده می‌شود مطلبی است درباره سیّد رضی و قصائدی که او در تبریک و تهنیت نوروز و مهرگان برای بهاء الدوله پادشاه دیلمی، و یکی دو بار هم برای خلیفه عباسی سروده است. این مطلب از آن‌رو درخور توجه است که سیّد رضی هرچند شاعری بوده است پرمایه و توانا، ولی شاعری ستایشگر نبوده. مردی عالی‌نسب و بزرگ‌منش و پیش از خودش پدرش هم «نقیب الاشراف» زمان خود بوده و با پنج پشت به امام جعفر صادق (ع) می‌رسیده و از علمای بزرگ شیعه به شمار می‌رود، و کتاب پرآوازه نهج البلاغه را او از خطبه‌های علی (ع) فراهم آورده است. و با این‌که در قصیده‌ای برای القادر بالله خلیفه عباسی خود را کمتر از او نمی‌داند و خطاب به او گوید:

عطفا امیر المؤمنین فانّنا
فی دوحۀ العلیأ لانتفرق

باز در قصائد متعددی که او در ستایش بهاء الدوله و برخی از شاهان خاندان آل بویه و هم‌چنین در تهنیت نوروز و مهرگان سروده آن‌ها را به گونه‌ای ستوده است که گویی حشمت و بزرگ‌منشی خود را فراموش کرده است. و با کمی دقت در آن قصائد می‌توان فهمید که غرض اصلی در آن‌ها نه صرفا ستایش است بدانگونه که شیوه ستایشگران بوده، بلکه بیان احساساتی است ناشی از سپاسگزاری و حق‌شناسی که این را شیمه بزرگان و اهل معرفت شناخته‌اند، و برای پی‌بردن به علت این گونه سپاسگزاری باید به این مطالب توجه نمود:

سید رضی «نقیب الأشراف» زمان خود بود و چنان‌که گفته شد پیش از او هم پدرش ابو احمد طاهر ملقب به ذی المنقبتین این سمت را می‌داشت، و پس از سید رضی هم این سمت در همین خاندان هم‌چنان باقی ماند، ولی در هیچ زمانی این مقام به قدرت و اعتباری که در زمان سید رضی یافت نرسید. در روزگار عضد الدوله دیلمی و فرمان‌روایی او بر بغداد که پدر سید رضی عهده‌دار این مقام بود به سببی عضد الدوله بر او خشمناک شد و او را از این سمت برکنار ساخت و از بغداد به فارس برد. ولی پس از مرگ عضد الدوله پسرش شرف الدوله که جانشین او شده بود پدر شریف رضی را با خود به بغداد آورد و او را دوباره به کار سابقش بازگردانید و به تکریم او پرداخت.

در این زمان سید رضی شانزده ساله بود و چون طبعی روان و زبانی گویا داشت، قصیده بلندی در ستایش شرف الدوله و سپاس از نیکی های او درباره پدرش بدین‌مطلع:

احظی الملوک من الأیام و الدّول
من لا ینادم غیر البیض و الأسل

بساخت که بسیار به جا افتاد. (دیوان، ج ۲، ص ۶۱۰).

پس از شرف الدوله که روزگار سلطنتش دیری نپایید برادرش بهاء الدوله در سال ۳۷۹ هجری در بغداد به سلطنت نشست و در سال ۳۸۰ هم سیّد رضی به جانشینی پدرش لقب «نقیب الاشراف» یافت. در این هنگام خلیفه عباسی الطائع باللّه بود، ولی یک سال بعد او از خلافت خلع شد و القادر بالله جای او را گرفت، و چون این خلیفه با سیّد رضی میانه خوبی نداشت، او را از این سمت برکنار ساخت ولی بهاء الدوله او را به مقام خود بازگردانید و او را در حمایت خود گرفت، و تا پایان عمر همچنان او را مشمول حمایت و مورد اعتماد خویش داشت، و پیوسته بر رفعت مقام و قدرت او می‌افزود تا جایی که وقتی در سال ۳۸۸ به سفر واسط و بصره و اهواز رفت نیابت سلطنت خود را در بغداد به سیّد رضی تفویض کرد، و در همین سال او را به لقب «الشریف الأجلّ» و در سال ۳۹۲ به لقب «ذی المنقبتین» و در سال ۳۹۸ به لقب «الرضی ذی الحسبین» ملقب ساخت و در سال ۴۰۱ هجری فرمان داد که نامه‌های رسمی او همه با عنوان «الشریف الأجلّ» صادر شود. و در سال ۴۰۳ هجری سرپرستی تمام علویان را در سراسر کشور به او واگذار نمود، و او را به لقب «نقیب النقباء» خواند و این مقامی بود که تا آن زمان کسی به آن مقام نرسیده بود.

چنان‌که گذشت شریف رضی شاعری توانا بوده و به مناسبتهای مختلف قصائد و اشعار بسیاری در مضامین معمول زمان خود از فخر و مدح و رثاء و عتاب و اغراض دیگر سروده، ولی بهترین اشعار او را قصائدی دانسته‌اند که در ستایش و سپاس بهاء الدوله سروده که پربارترین دوران عمر خود را در زمان سلطنت او و در حمایت او سپری کرده است. نوشته‌اند کمتر سالی می گذشته که شریف رضی به مناسبتهای مختلف مانند جشن نوروز یا مهرگان یا دریافت لقب یا مقامی جدید در مدح بهاء الدوله قصیده‌ای نسراید و در اوقاتی هم که بهاء الدوله در بغداد نبوده برای او نفرستد.

شریف رضی در اشعار خود غالبا بهاء الدوله را با صفاتی همچون قوام الدین یا ملک الملوک خطاب می‌کند. در دیوان شریف رضی که در دو جلد به چاپ رسیده بیست و هفت قصیده بلند در مدح بهاء الدوله دیده می‌شود و آنچه در این قصائد نظر ناقدان را به خود جلب کرده این است که شریف رضی گاه آن‌چنان تحت‌تأثیر احسان و انعام بهاء الدوله و پادشاهان دیلمی قرار گرفته که در سپاس از آن‌ها چنانکه گذشت حشمت و بزرگ‌منشی خود را که در اشعار دیگرش حتی در آن‌ها که در مدح خلفا سروده پیوسته در مد نظر داشته است در این جا فراموش کرده و اشعاری از این دست سروده است:

انا عبد انعمک الّتی نشطت
أملی و أنهض عزمها مننی

که در قصیده‌ای با این مطلع آمده:

ملک الملوک نداء ذی شجن
لو شئت لم یعتب علی الزّمن

(دیوان، ج، ص ۸۳۷) با خواندن قصائد بلندی که سید رضی در ستایش یا در تهنیت پادشاهان دیلمی سروده این سؤال هم به ذهن می‌رسد که آیا به جز سپاسگزاری شخصی، امر دیگری هم باعث بوده است که سید رضی را به سرودن چنان قصایدی وادارد؟ قصائدی که گویی همگی از دل برخاسته و حکایت از سپاسی ریشه‌دارتر از مسایل شخصی می‌کند؟ این سؤالی است بجا و درخور تأمّل که باید پاسخ آن را در پاسخ دیگری جست‌وجو کرد که با کمال اهمیت آن نه تاکنون چنانکه باید بدان توجه شده و نه در این جا فرصت پرداختن به آن هست، بنابراین ناچار باید به اجمال از آن گذشت.

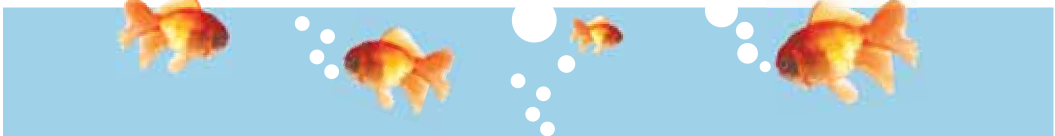
سؤال این است که آیا با این‌که عنوان «شریف» و جمع آن «اشراف» در عرف اعراب به کسانی گفته می‌شده از آن نوع که در کتاب بسیار مفصل و چند جلدی انساب الاشراف نوشته بلاذری از مؤلفان قرن چهارم هجری نام و نسب و اصل و تبار و سرگذشتشان به تفصیل آمده و معمولا خاندان‌هایی همچون بنی امیه و آل مروان و خاندان زبیر و حاکمانی که ریشه‌های شناخته شده در جاهلیت داشته‌اند و همردیفان آن‌ها را، دربر می گیرد، چه عامل یا عواملی باعث گردید که در مفهوم و مصداق «شریف» و «اشراف» آن‌چنان دگرگونی پدیداید که در تمام جهان اسلام به خاندان پیغمبر (ص) یعنی به علی (ع) و اولاد او از فاطمه زهرا، اختصاص یابد، با علم به این‌که در تمام دوران اموی نام علی جز با ناسزا یا بی‌احترامی برده نمی‌شد که این خود در تاریخ مشهود است، و عباسیان هم هرگز میانه خوشی با آن خاندان نداشتند؟ نوشته‌اند منصور خلیفه دوم عباسی پیوسته از مردم کوفه بد می گفت چون آن‌ها را مایل به طالبیان (یعنی اولاد علی ع) و بدخواه دولت خود می‌دانست و به همین‌سبب هم برای کندن خندق آنجا هرمردی از آن‌ها را به پرداخت چهل درهم ملزم ساخت و به همین‌سبب هم بوده که عباسیان هیچ‌گاه در کوفه اقامت نگزیدند، و تا بنای بغداد یا درهاشمیه یا در انبار می‌زیستند و پس از بنای بغداد هم وقتی که‌هارون الرشید خواست در حیره در مجاورت کوفه مقیم شود و در آنجا به ساختن عمارات پرداخت، مردم کوفه که همجواری او را خوش نداشتند به نشانه مخالفت قیام کردند و او ناچار آنجا را ترک گفت و با این ترتیب مسلّم است که چنان عاملی را که باعث گردیده تا در این عنوان چنین دگرگونی بنیادی صورت پذیرد و در متن خلافت عباسی مقامی همچون «نقیب الاشراف» به وجود آید که اعترافی ضمنی به اختصاص این عنوان به خاندان پیغمبر و اولاد علی است نمی‌توان در درون خلافتهای اموی و عباسی یافت، بلکه آن را باید در جای دیگر جست‌وجو کرد تا پایه‌های اعتقادی آن را در گرایش اسلامی ایرانیان و پایه‌های اجتماعی و سیاسی آن را هم در قدرت حکومت آل بویه به دست آورد. و بدین‌گونه است که می‌توان دریافت که چرا سید رضی چنان قصائدی در تهنیت نوروز و مهرگان، مراسم ایرانی می‌سروده و آل بویه را هم با ابیاتی این‌چنین می‌ستوده است:

آل بویه أنتم الأعناق و الکواهل
فیکم ینابیع النّدی و الدّلح الحوامل
و الناس انتم و سواکم باقر و جامل
ما فی الرجاء بعدکم و لا البقاء طائل

که در قصیده‌ای در تهنیت نوروز سال ۳۹۹ هجری با این مطلع آمده:

أین الغزال الماطل بعدک یا منازل

(دیوان، ج ۲، ص ۶۱۲)





قصائدی را که سید رضی در تهنیت نوروز و مهرگان برای بهاء الدوله و یک بار هم برای خلیفه عباسی الطائع بالله گفته از جشن مهرگان واقع در رمضان سال ۳۷۷ هجری تا نوروز واقع در شعبان ۴۰۲ هجری گاه با فاصله و گاه بی‌فاصله ادامه داشته و از نظر تاریخی بدین‌گونه است:

در سال ۳۷۷ هجری تهنیت جشن مهرگان در قصیده‌ای خطاب به الطائع بالله، خلیفه عباسی (دیوان، ج ۲، ص ٦٦)؛ در سال ۳۸۸ هجری تهنیت نوروز در قصیده‌ای خطاب به بهاء الدوله (دیوان، ج ۲، ص ۷۸۳)؛ در سال ۳۹۹ تهنیت نوروز به بهاء الدوله (دیوان، ج ۲، ص ٦۱۲)؛ در سال ۴۰۰ تهنیت مهرگان به بهاء الدوله (دیوان، ج ۱، ص ۴۲)؛ در سال ۴۰۱ تهنیت نوروز به بهاء الدوله (دیوان، ج ۲، ص ٥٤٤)؛ در سال ۴۰۲ تهنیت نوروز به بهاء الدوله (دیوان، ج ۲، ص ٦۲۳)؛ در سال ۴۰۳ در تهنیت ابو شجاع فنا خسرو پسر بهاء الدوله که پس از مرگ پدر در ارّجان فارس به جای او نشسته بود (دیوان، ج ۱، ص ٤٥٦)؛ و آخرین قصیده‌ای که او در ستایش فناخسرو سرود در سال ٤٠٤ هجری بود (دیوان، ج ۱، ص ٥١٧) که آن آخرین قصیده‌ای بوده که سید رضی در این زمینه‌ها گفته است.

از این دوران تا زمان تألیف کتاب کیمیای سعادت به وسیله غزّالی هنوز یک‌صد سال نمی‌گذشت، ولی در ظرف همین مدت جهان اسلام اگر هم دوران شکوفایی فرهنگی را پشت‌سر نگذاشته بود، ولی می‌رفت به دوره‌هایی گام نهد که در آن‌ها پیشرفت علم و اندیشه نخست کند و آنگاه متوقف شود و سپس به انحطاط بینجامد. شکوفایی علم و اندیشه را در جهان اسلام مقارن دانسته‌اند با دوره‌هایی که از یک‌سو اثر خلافت عربی در ایران رو به ضعف و سستی گذارده و از سوی دیگر هم هنوز قبایل ترک از مرزهای شرقی به داخله ایران راه نیافته بودند و اداره سرزمینهای شرقی خلافت را حکومتهای محلی ایرانی برعهده داشتند و گذشته از مرکز خلافت در مناطقی از ایران هم مانند فارس و ری و طوس و نیشابور و خراسان و بعضی جاهای دیگر مراکز علمی مستقلی به وجود آمده بود که اثر بسیاری در حرکت علمی و فکری جهان اسلام داشتند.



محققان تاریخ علوم را عقیده بر این است که در این دوره که قدرت سیاسی و اداری در دست این دولتها بود و مراکز علمی ایران هم در حمایت آن‌ها رونق داشت زمینه برای پیشرفت علمی و فکری در جهان اسلام از هرزمان دیگر آماده‌تر بود. خصوصیات این دوره را از نظر فکری و روحی، یکی تعدد مراکز علمی مستقل و دیگری آزادی نسبی عقل و فکر را خارج از حدود تعصبها و تنگ‌نظری‌های ناشی از آن شمرده‌اند. و نماینده این دوره را در بهترین صفات و مزایایش دو شخصیت عظیم و هم‌روزگار یعنی بیرونی و ابن سینا دانسته‌اند؛ که هرچند از لحاظ صفات و طرز فکر با هم تفاوت داشتند ولی در داشتن روح علمی که آن‌ها را به بحث و تحقیق و احترام به تمدن‌های گذشته وامی‌داشت یکسان بودند.

در دوران جدید که غزّالی نماینده فکری و روحی آن شمرده شده جهان اسلام با چند رویداد مهم روبه‌رو بود که آن را از دوره‌های سابق متمایز می‌ساخت: از نظر سیاسی روبه‌رو بود با پیشرفت ترکان سلجوقی و تشکیل یک دولت واحد متمرکز که نتیجه آن از میان رفتن حکومتهای محلی ایرانی و مراکزی بود که به وسیله آنان حمایت می‌شد، و از نظر مذهبی روبه‌رو بود با گسترش و تقویت یک مذهب رسمی سنّی، و حمایت بی‌دریغ از آن به وسیله نظام‌الملک وزیر مقتدر سلجوقیان، و تأسیس مدارس خاص برای تقویت همان مذهب، که غزّالی هم چندین سال از مدرسین معروف آنجاها بود و نتیجه آن شدت یافتن مجادلات مذهبی و مشغول شدن بی‌اندازه افکار بود به آن و انصراف تدریجی علما و متفکران از زمینه‌های دیگر علمی و فکری که جهان اسلام را به دوره‌های رکود فکری و علمی می‌برد. و از نظر فکری روبه‌رو بود با مبارزه شدید غزّالی با فلسفه و نظام فکری آن و تشکیک او در قدرت عقل در یافتن راه صواب و تمییز حق از باطل.

ابو حامد محمد غزّالی از علمای بزرگ عالم اسلام به شمار است، انقلاب روحی او در نیمه‌های عمر و آراء و نظریات ناشی از آن از زمان خودش تاامروز پیوسته بحث‌انگیز و جدل‌خیز بوده، زیرا خود او هم نه تنها اهل جدل و مناظره بوده بلکه یکی از عوامل مؤثر در اشاعه مجادلات و مناظرات در این عهد به شمار می‌رفته و از جمله عواملی هم که وی را منظور نظر خواجه بزرگ یعنی نظام‌الملک گردانید یکی هم این بود که او در لشکرگاه سلطان ملکشاه و در حضور نظام‌الملک با عالمان و فقیهان نامدار مناظره کرد و بر آن‌ها فائق آمد و در این راه تشویقها دید. وی در کلام و جدل کتابها و رساله‌ها تألیف کرد و بر فلاسفه و فرقه‌های دیگر ردّیه‌ها نوشت که در بسیاری از آن‌ها نه به صورت یک دانشمند حقیقت‌یاب، بلکه به شکل عالمی متعصب جلوه می‌کند که جز مذهب و طریقه خود هرمذهب و طریقه‌ای را باطل و پیروان آن‌ها را مستوجب عذاب می‌داند. با وجود سیر و سلوک عرفانی او که خود آن‌ها را در کتاب المنقذ من الضلال شرح داده و با وجود آنکه به تعبیر خود او «بر سر مشهد ابراهیم خلیل الله صلوات الله علیه عهد کرد که هرگز... مناظره و تعصب نکند» (نقل از نامه او به سلطان سنجر) باز در مواردی از کتاب کیمیای سعادت که پس از آن‌ها نوشته آثار آن مناظرات و تعصبها همچنان آشکار است.

و چون در این جا غرض نه بحث و بررسی درباره غزّالی و آراء و عقاید او، بلکه وجه به مطالبی است که او در کتاب کیمیای سعادت درباره آیینهای نوروزی نوشته آن هم به عنوان مثال برای مطلبی که در آغاز این گفتار گذشت، یعنی پیوندی که نوروز و آیینهای آن در دوران اسلامی با فراز و نشیبهای علم و معرفت در جهان اسلام داشته از این رو تنها به همین مطلب اشاره می‌شود.

غزّالی در کیمیای سعادت در باب منکرات بازارها، خرید و فروش چیزهایی را که در جشنهای نوروز برای بازی کودکان می‌ساخته‌اند، مانند صورت حیوانات و سپر و شمشیر چوبین و بوق سفالین و مانند اینها را- که در نفس خود حرام نیستند- برای این منظور حرام و مخالف شرع شمرده و نوشته است که «افراط کردن در آراستن بازارها به سبب نوروز و قطایف بسیار کردن و تکلفهای نو افزودن برای نوروز هم نشاید» و حتی از گروهی از سلف هم نقل کرده که نوروز روزه باید داشت تا از آن طعامها خورده نیاید.

حال اگر آنچه در این کتاب درباره منع از خوردن طعام نوروز آمده با آنچه درباره برخورد ملاطفت‌آمیز علی(ع) با کسانی که شیرینی مخصوص نوروز را به آن حضرت هدیه برده‌اند و آن حضرت با خوشرویی از آن شیرینی تناول فرموده‌اند مقایسه شود، و همچنین مطالبی را که در این‌جا درباره حرمت آیینهای دیگر این عید از آن‌رو که شعار گبران است ذکر شده با عمل علما و ادبای سلف در طی چندین قرن گذشته و آن‌همه اشعار و قصائد و قطعه‌های ادبی که در تبریک و تهنیت این عید گفته شده و از آن جمله قصائد سید رضی که در مجالس خلفا و پادشاهان و علمای نامدار هرزمان خوانده شده و مورد قبول و استحسان همه قرار گرفته، و برای شهرت این عید شعاری بالاتر از آن‌ها نبوده و هیچ‌کس هم آن‌ها را زنده‌کننده شعار گبران نخوانده است سنجیده شوند، خواه‌ناخواه همان نتیجه حاصل می‌آیند که در آغاز این گفتار ذکر شد. و آن این که در دوره‌هایی که سروکار مسلمانان با کسانی بوده است که اسلام را در سرچشمه‌های اصلی آن صاف و بی‌غش می‌دیده‌اند چهره نوروز و آیینهای آن هم صاف و بی‌غش می‌نمود. و در دوره‌هایی هم که کسانی اسلام را از خلال مجادلات مذهبی و تعصبهای ناشی از آن دینی سخت‌گیر و بی‌گذشت می‌پنداشته‌اند همان‌ها هم چهره نوروز را تیره و کدر می‌دیده‌اند. و از آن به جای وسیله‌ای برای ایجاد انس و الفتها و کاهش رنجش‌ها عاملی برای ایجاد بدگمانی‌ها و بددلی‌ها می‌ساخته‌اند.

شاید بی‌مورد نباشد که در پایان این مقال بازتاب برون‌مرزی این عید و رسالت جهانی و انسانی آن را هم از زبان یکی از صاحب‌نظران خارج از این مرز و بوم بشنویم. کمتر کسی است که با تاریخ معاصر مصر و ادب و فرهنگ آن آشنا باشد و نام استاد فقید عباس محمود العقّاد را نشنیده باشد و از اثر سازنده وی در رشد اندیشه سیاسی و اجتماعی نسل معاصر عرب آگاه نباشد. آن مرحوم را در بزرگداشت انقلاب سال ۱۹۵۲ مصر- که بدان دل‌بسته بود و آن را آغاز عصر جدیدی برای مصر می‌شمرد- قصیده‌ای بلند و پرآوازه است با عنوان «عید النیروز» که با این بیت آغاز می‌شود:

اهلا بنیروز ولید
اهلا بمیلاد سعید
یوم جدید قلت، بل
عهد علی مصر جدید

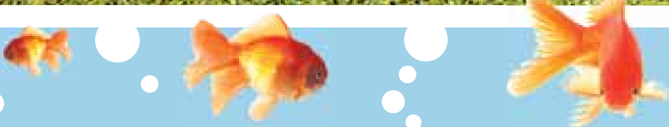
که در آن پس از اشاره به بسیاری از مسایل سیاسی و اجتماعی و ملّی مصر به وصف نوروز به عنوان جشن بهار پرداخته و آن را همچون عیدی جهانی و انسانی ستوده و گوید: این عید از ایران برخاست و بر نقاط دور جهان نیز پرتو افکند. چه بسیار در مصر که خاطره آن را همچنان حفظ کردند و هندیان که آن را زنده نگه داشتند و چه فراوان ادبیات عربی در قصیده‌ها و سروده‌ها از شعر بحتری گرفته تا نثر ابن العمید بدان مترنم شده است.

این دو بیت هم در پایان این وصف درخور تأمل است.

امم یؤلف بیننا
من حیث فرقها الحدود
ما أحوج الدنیا اذا
اختلفت الی عید وحید

یعنی: نوروز ملت‌هایی را به هم نزدیک و آشنا می‌سازد که مرزها آن‌ها را از یک‌دیگر جدا ساخته است. چه بسیار نیازمند است جهان دستخوش جدایی‌ها به عیدی واحد.







نگاهی به نوروز در ایران دورهٔ قاجاریه



■ محمدهاشمی

سرزمین ایران با قدمت هزاران سال تمدن و فرهنگ خاستگاه سنتها و رسوم مختلفی بوده است. گاه این رسوم و سنتها مرزها را نیز در نوردیده و به سرزمینهای مجاور و حتی نقاط دیگر عالم نیز منتقل می شدند. از سوی دیگر این رسوم و سنتها گاه از فرهنگها و تمدنهای دیگر نیز تأثیر پذیرفته و به مقتضای زمان دچار تغییر و تحولاتی نیز شده‌اند. یکی از مهمترین قسمتهای مربوط به آداب و رسوم ایرانیان برگزاری جشن آغاز سال نو می باشد که به جشن نوروز معروف است.

برگزاری مراسم نوروز قدمتی هزاران ساله در ایران دارد و به یکی از درخشان‌ترین و برجسته‌ترین سبکهای فرهنگ ایران زمین تبدیل شده است و علی رغم تمام هجومها، بلایای طبیعی و سختیها و مصائبی که بر پیکر این سرزمین وارد آمد، نوروز کماکان به عمر خود ادامه داد و ایرانیان هر سال با آغاز زندگی دوباره طبیعت و رسیدن بهار جشن نوروز را برگزار می کردند.

ایرانیان باستان جشن نوروز را جشنی برای آغاز زایشی طبیعت و پیروزی نوروز زندگی برتاریکی و مرگ می‌دانستند و با گذشت سالیان آداب و رسوم مختلفی را بر جشن نوروز افزودند. مذهب اسلام نیز جشن نوروز را به رسمیت شناخت و به واسطه مسلمان شدن ایرانیان در این مراسم تغییراتی به وجود آمد و نوروز هم در میان مردم و هم در میان حکومتهای ایران اسلامی با علاقه و اشتیاق فراوان برگزار می شد یکی از نمادهای استقبال ایرانیان از بهار را می توان در اشعار شعرای ایرانی به خوبی مشاهده کرد. از منوچهری و فرخی سیستانی تا صائب تبریزی و ملک الشعرای بهار در وصف هوای دل‌انگیز بهاری و آمدن نوروز اشعار زیبایی سروده‌اند.

ایران دوره قاجاری نیز به مانند دیگر دوره‌های تاریخی ایران شاهد فرا رسیدن هرساله بهار و برگزاری مراسم نوروزی آن بوده است. ادوارد براون که مقارن با ایام نوروز به شهر شیراز رسیده بود منظره نوروزی شیراز از تنگه الله اکبر بی نظیر و باعث حیرت توصیف می کند و می نویسد:

«... هرکس که اولین‌بار به شیراز می رود و از این نقطه اولین نگاه را به شهر می‌اندازد منظره زیبایی می‌بیند که حیرت‌زده فریاد الله اکبر سر می‌دهد. زیر پاهای ما، جلگه‌های سرسبز و حاصلخیزی دیده می‌شد که توسط کوههای کم ارتفاعی به رنگ بنفش احاطه شده بود و روی بعضی کوههای بلندتر هنوز برف مانده بود. نیمی از دشت از باغهای سروپوشیده بود که در میان آنها گلهای رز و درختان ارغوان و انواع گلهای رنگارنگ به چشم می خورد که در این وقت از بهار همراه با سقف پوشیده از سبزه بازارها و گنبدها و مناره‌های فراوان بسیار زیبا و دلربا می‌نمود... از تنگه الله اکبر به بعد جاده‌ای عریض و مستقیم تا دروازه شهر امتداد دارد. برای رسیدن به دروازه باید از روی پل عریض و خوش‌ساختی بر بستر رودخانه که حتی در بهار هم آب نسبتاً کمی درآن جریان دارد و فقط بعد از بارندگی‌های شدید، آب آن زیاد می‌شود در تابستان به کلی خشک است عبور کرد، این بخش از جاده موجی از سرزندگی و خوشی درما دمید، به دلیل وجود صدها نفر مردم خوشی و خرم که در این فصل سال با لباسهای نو و تمیز برای استفاده از هوای عطرآگین و سبزه زارهای زیبا از شهر خارج شده بودند.

(یک سال در میان ایرانیان، ادوارد براون، ترجمه: مانی صالحی علامه، تهران، اختران، ۱۳۸۶،صص ۲۸۸-۲۸۷)

دیگر مناطق ایران نیز مقارن با نوروز از همین مناظر و هوای فرحبخش برخوردار بودند. همین امر سبب شادی و تحرک مردم شده، انگیزه‌ای برای پالایش جان، تن و محیط زندگی در جامعه پدید می آورد. از دو سه ماه قبل ازآغاز سال نو فراهم آوردن مقدمات جشن عید شروع می‌شد و شیرینی‌های تولید شده در اصفهان، یزد و... به منظور استفاده در مراسم عید نوروز توسط کاروانها به نقاط مختلف کشور حمل می شد بنا به نوشته پولاک هنگام عید درخانه تمام ایرانیان از غنی تا فقیر شیرینی بر سر سفره هفت‌سین قرار می گرفت و از میهمانان عید با شیرینی پذیرایی می شد. کیفیت شیرینی عید بنا به موقعیت اقتصادی، اجتماعی خانواده‌ها متفاوت بود ولی مهم این مطلب بود که ایرانیان سال را با شیرینی آغاز کنند. همچنین در دوره قاجاریه با تکنیکهای ویژه‌ای بعضی میوه‌ها نظیر انار، گلابی، سیب، انگور و خربزه نگهداری می شد تا به هنگام جشن عید بتوان از این میوه‌ها بهره برد. سبزه در مراسم نوروزی از ارزش بسیاری برخوردار بود و خانواده‌ها در بشقابی جو، گندم و عدس را سبز می کردند تا سبزه را بر سرسفره هفت سین بگذارند. سبزه تا روز سیزده به در در خانه نگهداری می‌شد و در روز سیزده به در سبزه را به بیرون خانه می انداختند. در روز عید همه افراد خانواده لباس نو در بر می کردند و در کنار سفره هفت سین می‌نشستند و در زمان تحویل سال افراد خانواده یکدیگر را درآغوش کشیده، سال نو را به یکدیگر تبریک می گفتند و برای هم آرزوی سلامتی و شادی می کردند صفا و صمیمت و سادگی این مراسم برای تمام سفرنامه‌نویسان و بیگانگانی که به ایران آمده و خاطرات خود را یادداشت کرده‌اند و از نزدیک شاهد مراسم آغاز سال نو بوده‌اند قابل توجه بوده است.

به مناسبت فرا رسیدن نوروز هر ساله در پایتخت جشن عمومی برگزار می شد و شیرین کاران، تردستان، بندبازان، دلقکها و افرادی که در پوست شیر و خرس می رفتند به سرگرم کردن مردم می پرداختند. در این مراسم حیوانات وحشی نظیر شیر، ببر، پلنگ، فیل و زرافه را به نمایش می گذاردند و تعدادی از نمایشگران با میمون برای مردم نمایش می‌دادند. یکی از مراسم پر طرفدار این روز به جدال انداختن قوچها با یکدیگر بود. همچنین نمایشی با شمشیر و سپر نیز از مراسم جشن عید به شمار می آمد. علاوه بر آنکه این نمایشها به صورت رسمی به نمایش در می آمد در بعضی از خانه‌ها نیز به صورت محدودتری این مراسم اجرا می شدند:

در خانه‌ها تردستان و دلقکها باهنرنماییهای خود مردم را شاد و مسرور می کنند؛ عنتریهای شیرازی هنرنماییهای حیوانات خود را به منصهٔ ظهور می‌رسانند یا به همراهی ساز و ضرب آواز می‌خوانند... بزرگانی که مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند از طرف لوطیها به باد مسخره گرفته می‌شوند.

لوطیها لباسی شبیه لباس آنان را بر عنترها می‌پوشانند و به بازی و نمایش خود ادامه می دهند. مثلاً من خود دیدم که پسر صدر اعظم تبعیدی را به کمک عنتری نشان می‌دادند و آن عنتر خود قبائی از شال پوشیده و قمه‌ای در کمرگاه خود فرو کرده بود. شیرها، فیلها، ببرها و پلنگهای اهلی را به خانه‌ها می‌برند و بچه‌ها بدون ترس به اینها نزدیک می‌شوند و تا به حال از حادثه‌ای بدچیزی در این مورد شنیده نشده است»(سفرنامه پولاک، یاکوب ادوارد پولاک، ترجمه کیکاووسی جهانداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۸/ص ۲۶۳)

جیمز موریه نیز که در زمان برگزاری جشن نوروز در تهران بوده از آداب و رسوم مردمی در جشن نوروز سخن می گوید و می‌نویسد که مردم در این روزهای عید لباسهای نو در بر می‌کردند و عید را به هم تبریک می گفتند و مردم توانمند به تهیدستان کمک می کردند. جیمز موریه از انجام ورزشهای گوناگون در روزهای جشن سخن می گوید.(سفرنامه جیمز موریه، جیزم موریه، ج ا، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس، ۱۳۸۶، صص ۲۴۲-۲۴۱) از جمله ورزشهایی که در ایام عید نوروز برگزار می‌شد، کشتی پهلوانی بود. پهلوانها که به مدت یک سال در زورخانه‌ها مشغول تمرین بودند، تا برای چنین روزی آماده باشند، برای کسب مقام پهلوانی پایتخت به رقابت می‌پرداختند. مراسم کشتی در میدان توپخانه در حضور درباریان، مردم و سفرای خارجی برگزار می‌شد. کشتی گیران با بکارگیری قدرت‌بدنی و با اجرای فنون جالب و زیبای کشتی به رقابت با یکدگیر می پرداختند و هر پهلوانی که بر تمام رقبا غلبه می کرد، صاحب بازوبند پهلوانی پایتخت می شد.

مراسم اسب دوانی یکی دیگر از مراسم حکومتی مربوط به ایام نوروز بود. در روزهای نهم یا دهم نوروز این مراسم در بیرون شهر با تشریفات بسیار برگزار می‌شد و اسبهای با نژاد اصیل که از اصطبلهای دربار و یا شاهزادگان و امرا آورده می‌شدند به رقابت با یکدیگر می‌پرداختند و فردی که برنده مسابقه می‌شد جایزه‌ای را که در کیسه قرار داشت می گرفت و بر سر می‌نهاد و از میدان مسابقه خارج می‌شد.(سفرنامه پولاک،همان، صص ۲٦٤-۲٦۳)

مراسم نوروز در دوره قاجاریه با مذهب شیعه و عقاید مذهبی مردم امتزاج زیادی داشت چنانکه ایام نوروز مقارن با آغاز حکومت امام علی(ع) و تعیین آن امام به امامت مسلمین در نظر گرفته شده بود. قاآنی شاعر درگاه فتحعلی شاه قاجار در این‌باره چنین سروده است:

رساند باد صبا مژده بهار امروز
زتوبه، توبه نمودم هزار بار امروز
رسد به گوش دل این مژده‌ام ز هاتف غیب
که گشت شیر خداوند شهریار امروز

گروهی از مردم در این دوره به هنگام تحویل سال نو به امامزاده‌ها و بقاع متبرکه می‌رفتند تا به هنگام آغاز سال جدید در مکانی مقدس باشند و از خداوند بخواهند که سالی همراه با سلامتی و شادی نصیبشان نماید و آنها را از زشتی‌ها و بدی‌ها دور کند و از نیکان و پاکان گرداند.



حتی حکومتگران دوره قاجاری نیز در ایام عید نوروز به زیارت اماکن مقدس می‌رفتند. اعتماد السلطنه که یکی از پرنفوذترین رجال سیاسی ایران در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه بود در کتاب روزنامه خاطرات خود نوشته که روز اول سال را به زیارت حضرت عبدالعظیم رفته است و سپس اضافه می کند. «روز اول سال را به آداب دین گذراندم. در سال یک روز دین اقلا لازم است.»(روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵، ص ۱۵۹) در این روزهای نوروزی مردم به زیارت اهل قبور و همچنین دیدار از بزرگان خانواده، استادان، علما، رجال محلی و دیگر افراد سرشناس می‌رفتند و فرا رسیدن نوروز و سال جدید را به آنها تبریک گفته و برای رفتگان به هنگام تحویل سال نو طلب آمرزش می کردند. صله ارحام و الترحام برای اموات از وظایف دینی و اخلاقی مردم در ایام نوروز به شمار می آمد.

پایان مراسم نوروز به مانند سنت گذشتگان در روز سیزدهم نوروز بود که بدان سیزده به در اطلاق می‌شد ایرانیان در دوره قاجاری نیز مراسم مربوط به روز سیزده به‌در را با سنتها و آداب و رسوم مختلف در دامن طبیعت به انجام می‌رساندند. بنابر پنداری که از روزگار باستان سرچشمه گرفته است ایرانیان بر این باورند که جهت رهایی از خطرها و نا مبارکی‌ها روز سیزدهم سال می‌بایست به طبیعت پناه ببرند. لذا خانواده‌های ایرانی به باغها و نواحی سرسبز اطراف شهرها می‌رفتند تا روز سیزده را به همراه یکدیگر در کنار سبزه و گل با شادی سپری کنند:

«سیزدهم نوروز عید ورزش و تفرج بود. روز یا شب پیش، هرکس به قدر وسع و لزوم تدارکی برای این روز می‌دید. از صبح این روز خانواده‌های شهری با سماورهای کوچک و بقچه بسته‌هائی که در آن خوراکی روزانه را بسته بودند، خیابان‌هایی را که به بیرون شهر می‌رفت پر می کردند. دسته دیگر که سیزده به در را فقط برای عصر گذاشته بودند. از دو سه ساعت بعد ازظهر به این خیابانها رو می‌آوردند. از شهر که بیرون می‌رفتند، هر دسته‌ای کنار نهر آب و سبزه‌زاری می‌نشستند، ناهار را در زیر طاق آسمان و اگر چند درختی گیر آورده بودند، در زیر سایه کم‌آن صرف می کردند. آجیل و شیرینی هم چه قبل از ناهار و چه بعد از ناهار داشتند، به علاوه عصری کاهو با سرکه یا سکنجبین و یا سرکه‌شیره حکماً باید بخورند. بعضی از خانواده‌های نسبتاً تواناتر رشته بریده و نخود و لوبیای پخته و اسفناج خرد کرده شسته در دو سه کیسه و دوغ و کشک در کی کوزه و مقداری پیاز و روغن همراه برده و در



یورتی که برای خود گرفته بودند، آش رشته‌ای هم ضمیمه سایر خوراکی‌ها می‌کردند» (شرح زندگانی من، عبدالله‌مستوفی، ج ا، تهران، زوار، ۱۳٤۱، ص ۳٦٤) علاوه بر آنکه مردم در این روز به خوردن غذا و تنقلات در دامن طبیعت می‌پرداختند ورزش و بازی‌های مختلف نیز از جمله ویژگی‌های این روز شاد مردم به حساب می‌آمد.

مراسم نوروز برای شاهان قاجاری نیز از اهمیت زیادی برخوردار بود، آقا محمدخان قاجار در نوروز سال ۱۱۷٤ هـ.ش تاجگذاری کرد و تهران را به عنوان پایتخت خود برگزید. جشن نوروز در دوره سلطنت فتحعلی شاه نیز از اعتبار زیادی برخوردار بود. شاه قاجاری که هنوز خصلت ایلیاتی خود را حفظ کرده بود و از سوی دیگر سال‌های زیادی از سلطنت خود را به نبرد با روسیه گذراند، برای انجام مراسم عید به بیرون شهر می‌رفت و در آنجا اردو می‌زند و اعیان شهری و بزرگان لشکری و کشوری نیز به اردوی سلطنتی می‌پیوستند. در همان مراسم تحویل سال نو هدیه‌ها و پیشکشهای ولایات مختلف از نظر شاه گذرانده می‌شد و از سوی شاه به افرادی که مورد توجه بودند خلعت داده می‌شد. همچنین تیره‌های مختلف عشایر موظف بودند که بنابر استعداد و توانایی نظامی خود مقداری نیروی نظامی جهت قشون ایران بفرستند. از این روی نمایندگان قبایل در عید نوروز به اردوی شاه می‌رفتند تا مشخص کنند که آیا در سال جدید سپاه ایران به کمک نظامی آنها نیاز دارد و تا زمان کسب تکلیف و گرفتن اجازه برای بازگشت در اردوگاه سلطنتی باقی می‌ماندند. (جیمز موریه، همان، صص ۲۷۱ ـ ۲۷۰) در زمان سلطنت ناصرالدین شاه مراسم نوروز در دربار برگزار می‌شد و اعتماد السلطنه در خاطرات خود سال‌های پایانی سلطنت ناصرالدین شاه را به خوبی وصف کرده است. وی هر سال از وضعیت نامنظم مراسم سلام عید شکوه می‌کند و توصیفات وی به خوبی نشان می‌دهد که وضعیت دربار قاجاری به چه میزان آشفته بوده است و به تبع آن مشخص می‌شود که قاجارها در این زمان حتی در اداره یک جشن درباری نیز دچار مشکل بودند چه برسد به اداره کشور که در وضعیت ناگواری قرار داشت.

گاه مراسم نوروز مقارن با وقایع سیاسی می‌شد و حکومتگران و مردم از ایام نوروز برای پیش‌بردن مقاصد سیاسی خود استفاده می‌کردند. حکومت قاجاری که عهدنامه ترکمانچای را حدود یک ماه پیش از نوروز با روسیه تزاری منعقد کرده بود. در ایام عید این عهدنامه را علنی کرد تا در زمان دید و بازدیدهای عید این خبر در میان عامه پخش شود و شادی روزهای عید از خشم عمومی مردم از بابت این قرارداد کاهش یابد و از طغیان عمومی علیه این قرارداد جلوگیری شود، از سوی دیگر در سال‌های پایانی سلطنت سلسله قاجاریه و در سال ۱۲۹۰هـ.ش مراسم رسمی نوروز در اعتراض به قرارداد استعماری ۹۰۷ام میان روس و انگلیس برگزار نشد و نوروز عزای ملی اعلام شد.

در مجموع نوروز در دوره قاجاریه از اعتبار بسیاری برخوردار بود و طبقات مختلف اجتماعی در سرتاسر ایران مراسم نوروز را به عنوان جشن آغاز سال گرامی می‌داشتند و آن را جزئی از آداب، رسوم و فرهنگ خود و نمادی از هویت ایرانی خود به حساب می‌آوردند.







وجه تسمیه نوروز و تأثیر آن در شعر فارسی

■ سیدعلی اصغر دادگر
استاد دانشکده معارف قرآن و عترت اصفهان

چکیده:
ادبیات هر ملت متأثر است از فرهنگ آن ملت، ادب و رسوم و اعیاد که در بین ایرانیان رواج داشته است. در نثر و نظم فارسی تأثیر داشته است. این تأثیر یادآور زنده شدن طبیعت و نوزائی و حیات و شادابی و خوشی و سرسبزی و اعتدال است. جالب است که در شبه قاره هند که آغاز بهار با سرزمین ایران همزمان نیست، شاعران پارسی گو از بهار و نوروز به همان شکلی متأثر شده‌اند که شاعران در داخل ایران زمین.

در این مقاله ضمن بیان دیرینه جشن نوروز، گوشه‌ای از تاثیرپذیری شاعران از نوروز مورد بررسی قرار گرفته است که اکثر آنان از اعتدال و گرایش به دادگری و جشن و خوشی و خوشکامی و شادابی از آن یاد کرده‌اند.

کلید واژه: (نوروز، بهار، شعر، شادی)

وجه تسمیه نوروز و تأثیر آن در شعر فارسی

نوروز نمادی از پیروزی عنصر نیک در نبرد فصلهاست، نمادی از بیداری طبیعت است، و زمستانی که به رستاخیز حیات می‌انجامد، نوروز اولین روز فروردین ماه است که خورشید به برج حمل می‌رسد و اعتدال ربیعی است. مردم ایران‌زمین این روز را جشن می‌گیرند، نوروز به معنی روز نو و تازه است که درباره وجه تسمیه آن نظرات گوناگون ابراز شده است. «در عهد تهمورث آیین و مذهب صائبیه رواج یافت و رونق تمام داشت. چون شاهنشاهی به جمشید رسید تجدید آیین ایزدپرستی کرد ... این روز را نوروز نامید و عید گرفت (انجمن آرای عباسی).

ابوریحان بیرونی می گوید «نخستین روز است از فروردین‌ماه وزین جهت روز نو نام گرفت زیرا که پیشانی سال نو است.» التفهیم ص ۲۵۳) در آثار الباقیه ابوریحان آورده است که «برخی از حشویه می گویند چون سلیمان بن داوود انگشتر خویش را گم کرد سلطنت از دست او بیرون رفت ولی پس از چهل روز بار دیگر انگشتر خود را یافت و پادشاهی و فرماندهی بر او برگشت و مرغان بر او گرد آمدند ایرانیان گفتند نوروز آمد.»

در کتاب‌های پهلوی هرگاه از گاه شماری بحث شده است از نوروز هم نام برده شده است. آخرین گاهنبار که گاهنبارهای سالگردهای پنج روز آفرینش جهان در آیین ایرانیان باستان است سالگردی از آفرینش انسان می‌دانند. این جشن به فَروَهرها نیز مربوط است. فروهر، گونه‌ای از روان، نوعی همزاد انسان است که به اعتقاد ایرانیان باستان و زردشتیان فروهر در این روز به سرکشی بازماندگان می‌آید از این روی ایرانیان پنج روز پیش از نو شدن سال و پنج روز پس از نو شدن میزبان او هستند، چنانکه خانه‌تکانی می‌کردند و آشامیدنی و خوراکی برای فروهر می‌گذاشتند. (فرهنگنامه ادب فارسی) هنوز هم در قبل از عید نوروز مردم به خانه‌تکانی می‌پردازند و در روز عید عده زیادی به زیارت اهل قبور می‌روند و برای شادی روح مردگان میوه و شیرینی توزیع می‌کنند و به زیارتگاه‌ها می‌روند.

«نوروز به معنی روز نو است و آن دو باشد یکی نوروز عامه دیگری نوروز خاصه، نوروز عامه روز اول فروردین ماه است که آمدن آفتاب به نقطه اول حمل باشد و رسیدن به آن نقطه اول بهار است گویند خدای تعالی در این روز عالم را آفرید و آدم نیز در این روز خلق شد.» (برهان قاطع و آنندراج)

«نوروز اول فروردین که رسیدن آفتاب به برج حمل است و ابتدای بهار است و این روز را نوروز کوچک و نوروز صغیر گویند و نیز ششم فروردین ماه روز خرداد که نوروز بزرگ و نوروز خاصه گویند». (فرهنگ رشیدی) در شعر عنصری و ظهیر فاریابی به نوروز بزرگ اشاره شده است و دیگر شعرای پارسی‌زبان به نوروز به صورت عام اشاره کرده‌اند و از آن متأثر شده‌اند و احساس خود را با توجه به شرایط طبیعت و آداب و رسوم نوروزی و اعتدال طبیعت به زیبایی بیان کرده‌اند.

نوروز بزرگ آمد آرایش عالم
میراث به نزدیک ملوک عجم از جم
(عنصری)

میمون و خجسته باد بر تو
نوروز بزرگ و روز تحویل
(ظهیر فاریابی)

به نوروز چون برنشستی به تخت
به نزدیک او مؤبد نیک بخت
(فردوسی)

هم آتش بمردی به آتشکده
شدی تیره نوروز و جشن سده
(فردوسی)

همیشه عید بادت روز نوروز
همی تا تازه باشد عید مختار
(عنصری)

از پس خویشت بدواند همی
گه سوی نوروز گهی زی خزان
(ناصرخسرو)

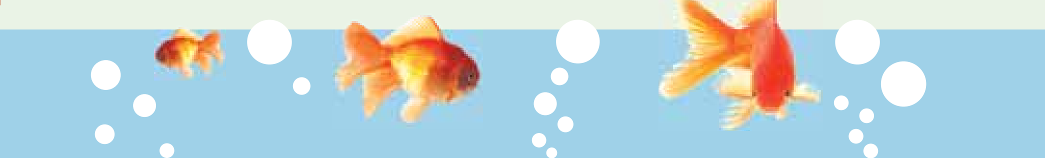
روز نوروز همی گفتم با من باشی
ای همه‌روزه‌چو نوروز دلفروز پدر
(سوزنی سمرقندی)

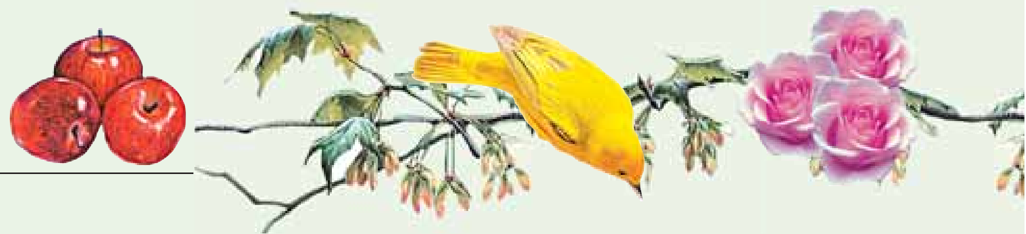
جشن نوروز با عید نوروز یا جشن فروردین یا جشن بهار یا بهارجشن، بزرگترین جشن ملی ایرانیان است که از نخستین فروردین ماه سال شمسی آغاز می‌شود (دهخدا) صبا که ابوالفرج رونی نیز به جشن فروردین که روز بازار گل نسرین است اشاره کرده است و فردوسی از آن به جشن کیان نام می‌برد:

به ماه و مه خورشید کرد آفرین
به جشن کیان هرمز فرودین
(فردوسی)

جشن فرخنده فروردین است
روز بازار گل و نسرین است
(ابوالفرج رونی)

در اکثر کتب تاریخی و ادبیات فارسی این جشن را منسوب به جمشید می‌دانند «... چون [جمشید] به آذربایجان رسید فرمود تخت مرصعی بر سر نهاده بر آن تخت نشست همین که آفتاب طلوع کرد و پرتوش بر آن تاج و تخت افتاد شعاعی در غایت روشنایی پدید آمد مردمان از آن شاد شدند و گفتند این روز نو است و چون به زبان پهلوی شعاع را (شید) می گویند این لفظ را بر حکم افزودند و او را جمشید خواندند و این جشن عظیم کردند و از آن روز این رسم پیدا شد و نوروز خاصه روزی است که نام آن روز خرداد است و آن ششم فروردین ماه باشد و در آن روز هم جمشید بر تخت نشست و خاصان را طلبید و رسم‌های نیکو گذاشت و گفت خدای تعالی بعد از گرویدن ایرانیان به اسلام «این باور را پراکندند که روز نوروز خلافت حضرت علی(ع) در غدیرخم برابر است» (فرهنگنامه ادب فارسی جلد دوم) همچنین در این زمان اصحاب با ایشان بیت کردند و حدیثی از قول حضرت صادق(ع) یاد کرده‌اند که نوروز روزی است که حق تعالی در آن روز پیمان بندگان را گرفت «همان» در





این روز ایرانیان در سر سفر هفت سین قرآن قرار می‌دهند و دعاهایی نیز می خوانند از آنجمله... «یامقلب القلوب و الابصار یا مدبرلیل و النهار یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال»

قا آنی در شعری که در منقبت حضرت علی(ع) سروده اشاره به جانشینی ایشان نموده است:

رساند باد صبا مژده بهار امروز
ز توبه توبه نمودم هزار بار امروز
رسید به گوش دل این مژده‌ام ز هاتف غیب
که گشت شیر خداوند شهریار امروز
به جای خاتم پیغمبران به استحقاق
گرفت خواجه کروبیان قرار امروز
(قاآنی)

نوروز در طول تاریخ ادب پارسی بر آثار ادیبان تأثیر گذاشته است. بخصوص در شعر که نوروز یادآور زیبائی و نوزائی طبیعت و شادابی و خوشی و خوشخواری بوده است فردوسی جهان را به میمنت قدوم نوروزی چون باغ مصفا و سرسبز توصیف می‌کند.

چو خورشید سر زد سر از پشت زاغ
جهان شد از و همچو نوروز باغ
(فردوسی)

رودکی مهندس شعر فارسی اشاره به نوروز می‌کند که بر سرمای بهمن ماه می‌تازد تا بزم نوروزی فراهم آید.

چون سپرم نه به میان بزم به نوروز
در مه بهمن بناز و جان عدو سوز
(رودکی)

در شعر فخرالدین اسعد گرگانی تقریباً با همین مضمون نوروز عامل شادی و طرب شده شب رهروان را به روز رخشان تبدیل می‌سازد

ز روی رهروان شب روز گشته
ز شادی روزشان نوروز گشته

دقیقی اشاره به سرمای سخت زمستان کرده که سپاه نوروزی را شکست داده است.

سپاهی که نوروز گردآورید
همه نیست کردش زناگه شجام
(دقیقی)

شما را خلق کرده است باید که بر آبهای پاکیزه تن بشوئید و غسل نمائید و به سجده رفته به شکر او مشغول باشید و هر سال در این روز به همین دستور عمل نمائید و این روز را بنابراین نوروز خاصه نامید (برهان قاطع – آنندراج)

در شعر فارسی نیز اشاره به جمشید و نوروز زیاد مشاهده می‌شود

به جم و فریدون گر جشن ساخته رواست
چنین بوده ره و آئین خسروان کبار
(مسعود سعد سلمان)

عید است برخیزای صنم
پیش آو پیش از صبحدم
در بزم جمشید زمان
جام جم اندر جام جم
(سلمان ساوجی)

بادمیمون و مبارک صد هزاران جشن جم
برخداوندی که چون جم بنده دارد صد هزار
(امیر معزی)

فردوسی نیز پایه‌گذار آئین نوروز را جمشید پیشدادی می‌داند چنانکه در شاهنامه ذکر کرده است.

جهان انجمن شد بر تخت اوی
فرومانده از فره بخت اوی
به جمشید بر گوهر افشاندند
مر آن روز را روز نو خواندند
سرسال نو هرمز فرودین
برآسوده از رنج تن دل زکین
بزرگان به شادی بباراستند
می و جام و رامشگران خواستند
چنین روز فرخ از آن روزگار
بمانده از آن خسروان نامدار

فردوسی در وصیت دارا به اسکندر پس از آنکه روشنک دخترش را به اسکندر سپرد آرزو می‌کند که از او و فرزند او که به دنیا می‌آید حمایت کند و دین زردشتی و جشن‌های ایرانی و نوروز را جاوید گرداند.

مگر زو ببینی یکی نامدار
کجا نو کند نام اسفندیار
ببار آید این آتش زرد هشت
بگیرد همی زند و استا به هشت
نگهدار و این ف رو جشن سده
همان فر نوروز و آتشکده
(فردوسی)

در کتاب محاسن الاضداد جا خط نیز ذکر شده است که نخستین کسی که نوروز را به وجود آورده جمشید بود که روز پادشاهی خود را نوروز نام نهاد و اضافه می‌کند که نوروز یادگار جم و مهرگان یادگار فریدون است و نوروز دو هزار و پنجاه سال پیش از مهرگان برپا بوده است.

در اشعار منوچهری نوروز برلشگر زمستان می تازد و فاتحانه پیروز می‌گردد:

برلشگر زمستان نوروز نامدار
کرده است رای تاختن و قصد کارزار
(منوچهری)

آمدن کوکبه منیر نوروز به عقیده او میمون و مبارک است و این آمدن خجسته باد و اشاره می‌کند که در نوروز دشت لاله‌زار می‌گردد و گل سرخ زینت بخش زمین است:

نوروز فرخ آمد نغز هژیر
با طایر مبارک و با کوکب منیر
(منوچهری)

آمد نوروز هم از بامداد
آمدنش فرخ و فرخنده باد
(منوچهری)

نوروز درآمد ای منوچهری
با لاله لعل و با گل حمری
(منوچهری)

امیر معزی شاعر قصیده سرا آرزو می‌کند پادشاه که فرو شکوهش مایه آراستگی بزم گل است همه روز ممدوح چون نوروز و روزش خوش باشد.

خوش باد همه روز تو چون عید و چو نوروز
کز فرّ تو هرروز گل بزم بیار است
(امیر معزی)

میخک ترمذی اشاره دارد به آمدن نوروز و رستن گل بنفشه و آن را برخود فرخنده بر دیگران شیرین آرزو می‌کند.

آمد نوروز و بر دمید بنفشه
بر ما فرخنده باد و برتو فرخشه
(میخک ترمذی)

باد نوروزی سحر آفرین است با وزش آن شکوفه‌ها و گلها بر شاخسار پدیدار می‌شوند:

باد نوروزی همی در بوستان سامر شود
تا به سحرش دیده هر گلبنی ناظر شود
(منوچهری)

با آمدن نوروز جای سکونت در کاخ نیست باید قدم در باغ نهاد و بار دیگر همراه با تحول و زنده‌شدن طبیعت زندگی از سر گرفت

ای بلند اختر نام‌آور تا چند به کاخ
سوی باغ آی که آمد گه نوروز فراز
(منوچهری)

آمدت نوروز و آمد جشن نوروزی فراز
کامکارا کارگیتی تازه از سر گیر کار
(منوچهری)

فرخی سیستانی به هنگام روز نو و ماه نو و سال نو دعوت می‌کند که با دوستان به شادی و طرب و خوشی بنشینند که وقت بهار است و گل و کامکاری

اینت نو سالی و نوماهی و نوروزی
به نشاط و طرب و خرمی آبستن
(فرخی)

سال نو ماه نو و روز نو
وقت بهارست و گل کامکار
(فرخی)

نوروز و نوبهار دلارام را
با دوستان خویش به شادی گذار
(فرخی)

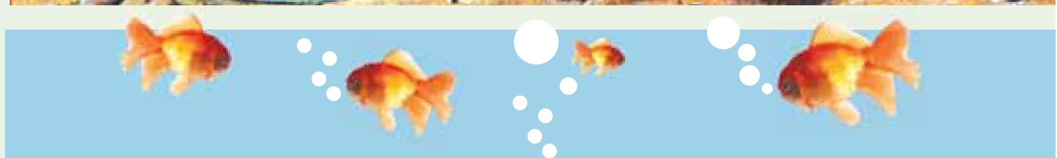
در این روز خجسته خرم باید از عمر گرانمایه و بخت جوان بهره برد و فرخی برای خسرو عادل پیروزی و سعادت آرزو می‌کند:

برخور از نوروز خرم برخور از بخت جوان
برخور از عمر گرامی برخور از روی نگار
(فرخی)

از این فرخنده فروردین و خرم جشن نوروزی
نصیب خسرو عادل سعادت باد و پیروزی
(فرخی)

عنصری گلایه می‌کند که چرا نقش و نگاری که بر پیکر درختان به برکت نوروز پدیدار شده بود باد خزان از بین برد. همچنین در آخر قصیده خود که بر دعای ممدوح پرداخته به نوروز و جشن مهرگان اشاره می‌کند.







نگاری که نوروز کرد از درختان
چرا باز بسترد و باد خزانش
(عنصری)

تا به نوروز اندرون باشد نشان نوبهار
تا سپاه تیرماه آرد نشان مهرگان
(عنصری)

حکیم نظامی هم وزش باد نوروزی را عامل باروری گوناگون درختان می‌داند و جشن نوروز را سبب از بین رفتن غم‌ها دانسته و آرزو می‌کند که جمال محبوب همیشه مجلس افروز باد و روز او چون نوروز قرین شادی و شب او مثل شب معراج باد.

زبس نارنج و نار مجلس افروز
شده در حقه بازی باد نوروز
(نظامی)

به جشن فریدون و نوروز جم
که شادی سترد از جهان نام غم
(نظامی)

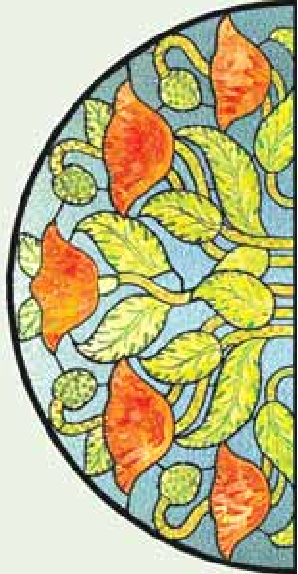
جمالش با درائم مجلس افروز
شبش معراج باد و روز نوروز

خیام نشابوری وزش نسیم نوروزی را عامل سرخوشی گل دانسته و در صحن چمن با زیبارویان عامل خوشی:

برچهره گل نسیم نوروز خوش است
در صحن چمن روی دلفروز خوش است
(خیام)

خاقانی شروانی دور افتادن از یاران را تشبیه کرده است به فاصله افتادن بین نوروز و پائیز و این دوری را چون فصل خزان و چهره یاران را به نوروز مانند کرده است. در بیتی دیگر برای هدیه نوروزی سرمرغ شب را می‌برد و به پادشاه کامکار تقدیم می‌کند.

خیز به شمشیر صبح سر ببر این مرغ را
تحفه نوروز ساز پیش شه کامیاب
(خاقانی)



حافظ نسیم نوروز را که از کوی یار می‌آید جان بخش می‌داند و بهره بردن از آن سبب شادی است و چراغ دل برافروخته می‌گردد.

زکوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی
از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی
(حافظ)

عماد کرمانی نیز موسم نوروز و شب عید را برای شادی و نشاط مناسب دانسته است.

بیا که موسم نوروز خاصه در شب عید
مناسب است که رسم طرب کنیم بنیاد
(عماد کرمانی)

از دید سعدی با برافراشتن رایت نوروز لشکر سرما و فسردگی از بین می‌رود و در بامداد نوروز که اعتدال ربیعی رخ می‌دهد تفرج در دامن صحرا و دیدن بهار خوش است. در بهاران انسانی که عاشق نشود آدم نیست و گیاهی که به طلیعه نوروز رشد و بالندگی و تحرک نداشته باشد هیزم است.

علم دولت نوروز به صحرا برخاست
زحمت لشکر سرما ز سر ما برخاست
(سعدی)

بامدادان که تفاوت نکند لیل و نهار
خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار
(سعدی)

آدمی نیست که عاشق نشود فصل بهار
هرگیاهی که به نوروز بجنبد حطب است
(سعدی)

در اشعار متأخرین نیز نوروز با توجه به شرایط زمانه تأثیر خاص اجتماعی و سیاسی دارد. ملک‌الشعرای بهار درود بر نوروز خجسته می‌فرستد که به نعمت آن فتنه و آشوب از بین می‌رود.

رسید مرکب نوروز و چشم فتنه غنود
درود باد براین مرکب خجسته درود
(بهار)

میرزاده عشقی به طبقهٔ کارگران نوروز را شادباش می‌گوید

ای کارگر این خجسته نوروز
عیدست و مبارک است و فیروز
(میرزاده عشقی)

فرخی یزدی خوشبخت می‌داند کسانی که چون او آزاده‌اند و حیات جاوید یافته‌اند و توصیه می‌کند به هنگام بهاران و نوروز باید بر صحن چمن شادی کرد.

خوش آنکه چو من حیات جاوید گرفت
وزدولت جام جای جمشید گرفت
هنگام بهار روز نوروز به باغ
در سبزه و گل غلت زد و عید گرفت
(فرخی یزدی)

هوشنگ ابتهاج نیز با توجه به شرایط زمان خود انتقاد می‌کند که چرا بهار آمد ولی خورشید هدایت نوروزی گل نکرد و آرزو می‌کند تا نوروز دیگر شاهد موفقیت باشد.

چرا خورشید فروردین فرو خفت
بهار آمد گل نوروز نشکفت
به نوروز دیگر هنگام دیدار
به آئین دگرآئی پدیدار
(هوشنگ ابتهاج)

شعرای پارسی گوی متأثر از اعتدال نوروزی در اول بهار شده‌اند. مولوی از درختان که برف دی‌ماه حله سفید برف برتن آنها کرده است می‌خواهد که از اعتدال نوروزی دادخواهی کنند و سرسبزی خود را باز یابند.

بیائید ای درختانی که دی تان حله‌ها بستند
بهار عدل باز آمد کز و انصاف بستانید
(مولوی)

ناصرخسرو قبادیانی توصیه می‌کند که به عدالت رفتار کن تا در بهشت سبزپوش باشی چنانکه زمین در سایه اعتدال سبزپوش می‌گردد و جوان می‌شود و جور دیماه که نرگس و گل محمدی را ناپدید ساخت عدالت فروردین ماه به آنها جان می‌بخشد جور و جفا و ستم چهره جهان را زشت و نازیبا می‌کند، خداوند در سایه عدل خود همانطورکه دشت را دیبا پوش کرده وعده جامه دیبا به عدل پیشگان داده است.

عدل کن باخویشتن تاسبزپوشی دربهشت
عدل از میرا خاک را می سبز چون مینا کند
چون به نقطه اعتدالی باز گردد روز و شب



روزگار این عالم فرتوت را برنا کند
نرگس و گل را که ناپیدا شوند از جور دی
عدل فروردین نگر تا چون همی پیدا کند
گرمی و سردی ترا هر دو مثالی است از ستم
زان همی هر یک جهان را زشت و نازیبا کند
آنچه ایزد خواهد کرد با تو آنجا روز عدل
با جهان گردون به وقت اعتدال اینجا کند
دشت دیباپوش گردد از اعتدال روزگار
زان همی بر عدل ایزد وعده دیبا کند
(ناصرخسرو)

جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی به اغراق اعتدال نوروزی را متأثر از عدالت ممدوح می‌داند:

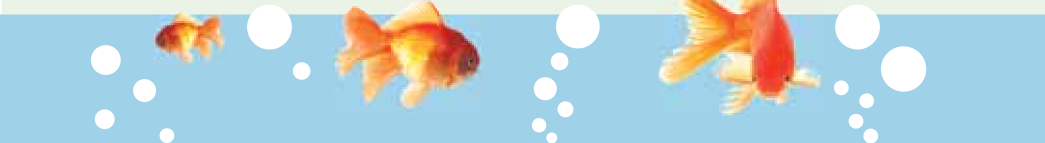
شمه‌ی خلق توست باد صبا
اثر عدل توست فروردین
(جمال‌الدین عبدالرزاق)

قدر او اندوخته بی‌مایگان را اقتدار
عدل او آموخته نوروزها را اعتدال
(جمال‌الدین عبدالرزاق)

خلاصه آنکه نوروز از دید شعرای پارسی گوی یادآور شادکامی و خوشی و مظهر زیبائی وقت گل و سبزه و زنده شدن هیبت و تغییر در حال و رفتار و ایجاد ارتباط حسنه همچنین روز اعتدال و یادآور هدایت و دادگری.

فهرست منابع

۱ـ التفهیم لاوائل صناعة التجیم. ابوریحان محمدبن احمد بیرونی با تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران، شرکت مطبوعات، ۱۳۱۶
۲ـ آنندراج، محمدپادشاه، به کوشش محمد دبیر سیاقی ۱۳۳۵
۳ـ برهان قاطع محمدحسین بن خلف تبریزی به کوشش محمدمعینی، تهران، امیرکبیر ۱۳۶۲
٤ـ دیوان امیر معزی به تصحیح ناصرهیری، تهران انتشارات مرزبان ۱۳۶۲
۵ـ دیوان حافظ تصحیح بهاء الدین خرمشاهی، تهران، نیلوفر، ۱۳۷۳
٦ـ دیوان حکیم سوزنی سمرقندی به کوشش ناصرالدین شاه حسینی، تهران ۱۳٤۲
۷ـ دیوان خاقانی شیروانی، تصحیح ضیاءالدین سجادی تهران، انتشارات زوار ۱۳۷۳ چاپ چهارم
۸ـ دیوان خواجه کرمانی به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، انتشارات پاژیک، مرکز کرمان شناسی ۱۳۷٤
۹ـ دیوان رودکی
۱۰ـ دیوان ظهیرالدین فاریابی به اهتمام حاج شیخ احمد شیرازی ـ تهران، انتشارات فروغی ۱۳٦۱
۱۱ـ دیوان عماد فقیه کرمانی به تصحیح رکن‌الدین همایون فرخ، تهران، ابن سینا ۱۳۲۸
۱۲ـ دیوان عنصری بلخی، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، انتشارات سنایی ۱۳٦۳
۱۳ـ دیوان فرخی سیستانی به کوشش محمددبیر سیاقی، تهران، انتشارات زوار ۱۳۷۱
۱٤ـ دیوان قاآنی شیرازی به تصحیح ناصرهیری تهران، انتشارات گلشایی و ارسطو ۱۳٦۲
۱۵ـ دیوان مختاری غزنوی به کوشش رکن‌الدین همایون فرخ، تهران، انتشارات علمی ۱۳۵٦
۱٦ـ دیوان مسعود سعد سلمان ساوجی به کوشش مهدی نوریان، اصفهان، انتشارات کمال ۱۳٦٤
۱۷ـ دیوان ملک‌الشعرای بهار، تهران، انتشارات امیرکبیر ۱۳۲۵
۱۸ـ دیوان منوچهر دامغانی، به کوشش محمددبیر سیاقی تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۵۰
۱۹ـ دیوان ناصرخسرو قبادیانی، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۲
شاهنامه فردوسی، چاپ ژول مول ۱۳۷۲
۲۰ـ عالم آرای عباسی، اسکندربیک ترکمان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۰ چاپ دوم
۲۱ـ فرهنگنامه ادب فارسی به سرپرستی حسن انوشه، سازمان چاپ و انتشارات ۱۳۷٦
۲۲ـ لغت‌نامه دهخدا، زیرنظر محمد معین، تهران، سازمان لغت‌نامه ۱۳۳۷
۲۳ـ مثنوی مولوی، جلال‌الدین محمدبلخی چاپ رینولد ایهن نیکلسون، تهران، انتشارات موئی ۱۳٦۵





کتاب و کتابخوانی در سالی که گذشت

■ مسعود والهی



در یکی از کتابفروشی‌های مجتمع چهارباغ در اصفهان کنار قفسه کتابها بودم و مشغول نگاه کردن به کتاب‌های داخل قفسه و گشتن کتاب مورد نظری که مدتهاست به دنبالش هستم. چند نفری هم جز من آنجا حضور داشتند و آنها هم در حال بررسی و جستجوی کتاب مورد نظرشان بودند و من با مشاهده آنها نوعی حس رضایت از اوضاع فرهنگی داشتم که برایم بسیار با اهمیت بود، چند دقیقه‌ای نگذشته بود که یکی از این افراد با چند عنوان کتاب سراغ فروشنده رفت و شروع به چانه زنی و درخواست تخفیف نمود، من که هنوز در افکار گذشته‌ام بودم این سر و صدا توجهم را جلب کرد و به آنها نزدیک شدم. مشتری محترم همچنان چانه می‌زد و با نوعی منت گذاشتن بر فروشنده (مثل اینکه او اهل کتاب است و دیگر کمتر پیدا می‌شود کسی که مانند او اهل خرید کتاب باشد) و عالم فرهنگ، فقط حرف خودش را می‌زد و می گفت: من همیشه از همه کتابفروشی‌ها تخفیف گرفته ام و شما هم باید به من تخفیف بدهید. مگر می‌شود کتاب شامل حال تخفیف نشود؟ بعد از این حرفها فروشنده کوتاه آمد و مجبور به درصدی تخفیف به او شد. بعد از رفتن آن فرد با کتابی که در دست داشتم مبلغ را پرداختم و شروع به درد دل با کتاب فروش کردم؛ به قول خودش: دیگر به برخورد با اینجور افراد عادت کرده و چاره‌ای نیست. او گفت: «بیشتر کسانی که کتاب می‌خرند به ما بعنوان یک کاسب معمولی نگاه می‌کنند و فکر می‌کنند ما فقط در حال پول درآوردن هستیم. آنها نوع کار ما را فرهنگی نمی‌دانند و تصورشان این است که سود کتاب، ما را به نان و نوایی رسانده، البته همه شان اینجور نیستند و بیشتر گران‌تر شدن قیمت کتاب که متأثر از تورم کاذب بر تدارک کتاب می‌باشد باعث چانه زنی مشتریان بر سر قیمت می‌باشد هرچند که بسیاری هم هستند، بدون هیچ حرفی اوضاع و شرایط ما را درک کرده و با ما برخورد فرهنگی تری دارند، حتی با اعتمادی که به ما دارند خرید می کنند و برخی هم رابطه را به نوعی مرافقت فرهنگی نزدیک کرده‌اند.»

البته این مورد ذکر شده فوق از نظر اکثر مخاطبان خرید کتاب در جاهای دیگر هم مشاهده شده، حتی در نمایشگاه بزرگ کتاب تهران که همه ساله برگزار می‌شود و ناشران اقدام به فروش کتاب همراه با تخفیف ویژه می کنند، باز هم هستند افرادی که چانه زنی کنند و درصد بیشتری تخفیف طلب نمایند. کتاب یک کالای اساساً فرهنگی است و همه بار فرهنگ را به عهده دارد و فرهنگ آن چیزی است که همه ابعاد زندگی بشر را در بر گرفته و انسانها را در مسیر حیاتشان با تمایزات و تفاوت‌های بین‌شان به یکدیگر پیوند زده و شناخته‌ها و ناشناخته‌ها را نمایان کرده و آنچه در اطراف بشر می گذرد، برجسته و متکثر می‌نماید. (درباره فرهنگ تعاریف متعدد و مختلفی در مباحث علوم فرهنگی شده است.) جایگاه فرهنگی کتاب در همه جوامع می‌تواند باعث بسط و گسترش معنای زندگی برای بشر باشد و به بهتر زیستن افراد چه در خلوت خود و چه در کنار دیگران کمک نماید.

آنچه درباره ارتباط فرهنگ با کتاب هست، مطالب و گفته‌های بسیار قبلاً نقل و مطرح شده است. ولی از سویی دیگر می‌توان گفت، از زمانی که صنعت چاپ اختراع شد و در ادامه آن بشر دست به نوآوری‌های روز افزون آن زد این عنصر مهم فرهنگی گامی فراتر نهاده و علاوه بر اهمیت نقش فرهنگی آن در اجتماع حواشی بیشتری بر آن افزوده شد. در واقع این تولید کاغذی وارد مقوله‌ای از حوزه فرهنگ و اقتصاد گردید، و در موقعیت کالایی در آمد که چرخه‌ای اقتصادی با خود به همراه داشته و به طور کاملاً طبیعی صنعت نشر در جهت گسترش و نیاز بازار برای آن بوجود آمد. به گفته یکی از کتابفروشان که سالها پیش با او برخوردی داشتم: «هر چیزی که بر روی آن قیمت مشخص درج گردد تبدیل به کالایی برای فروختن و خریدن شده، پس این کالا نیاز به بازار دارد،چون مورد مصرف می‌باشد؛ و هنگامی که برای آن کالا بازاری مشخص گردد پس این کالا محصول صنعت می‌باشد که یک جریان اقتصادی‌ای را در بر گرفته است.»

امروزه در اغلب کشورهای توسعه‌یافته ناشرانی هستند که با استفاده از جریان صنعت نشر کتاب به سودهای کلانی دست یافته‌اند و همچنان قدرتمندانه به مسیر خود ادامه می‌دهند، به همین منوال نویسندگان آثار هم از قبل این جریان اقتصادی صنعت نشر حائز دریافت حق و حقوقی هستند تا جایی که بسیاری از آنها سود و نفع اقتصادی‌شان بیش از حتی ناشران هم شده است. مانند: جی کی رولینگ و یا پائولو کوئلیو، سالینجر، گابریل گارسیا مارکز، جبران خلیل جبران و... که در این سالها از طریق فروش آثارشان ثروتمند شده‌اند. و در ایران هم هستند به ندرت ناشرانی که در میان انبوه ناشران دیگر،به نسبت توانسته‌اند با تدبیر و ذکاوت اقتصادی با نگاه فرهنگی شان به مقوله کتاب حداقل روی پای خود بایستند و همچنان با جدیّت فرهنگ و اقتصاد را در حیطه نشر مورد مداقه و نظر خویش قرار دهند.

پس با این وجود جریان فرهنگی در مورد کتاب بسیار وابسته به تداوم فعالیت ناشر و کسب موفقیت این کالا در بازار عرضه و تقاضا است. یعنی اینکه صنعت نشر با اتکا به وجود بازاری برای کتاب، برحسب نیاز مخاطب و میزان استقبال از آثار چاپ شده توان ادامه حیات و حرکت مستمر فرهنگی موثر در جامعه را داشته و به عنوان کانال ارتباطی میان مخاطب و نویسنده اثر به ارایه و تکثیر کتاب می‌پردازد.

جدا از مباحث و نظریه‌های متعدد در مورد فرهنگ و اقتصاد توسط نومارکسیست‌ها به سادگی می‌توان این دو مقوله را به عنوان مکمل یکدیگر در دوران مدرن و همه جوامع بررسی کرد. و به این نتیجه دست یافت که در مورد کتاب نقش فرهنگ موثر در جامعه بوده و اقتصاد تعیین کننده تداوم و پویایی آن می‌باشد.

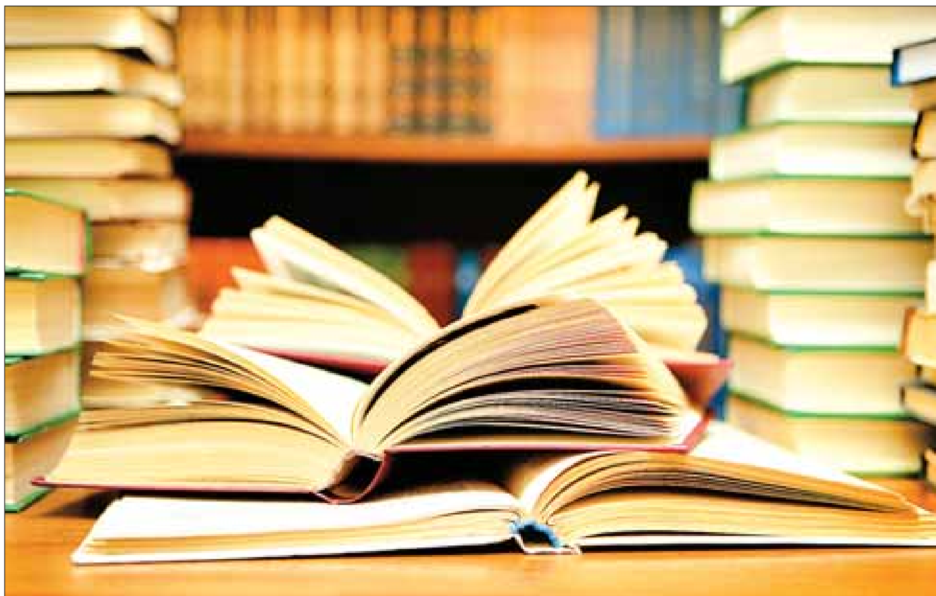
چندی پیش با یکی از ناشران به صحبت در این باره نشستیم، او از وضع موجود نگران بود و دلخور از عدم استقبال مخاطب از کتاب به عنوان یک محصول فرهنگی. او تاکید داشت که گرانی بیش از حد کاغذ و افزایش هزینه‌های مراحل فنی چاپ، نشر و آماده‌سازی کتاب، بسیاری از ناشران را دچار مشکل در تحمل این اوضاع کرده و چه بسا باشند ناشرانی که دست از کار کشیده و اقدامی در جهت ادامه فعالیت ننمایند.

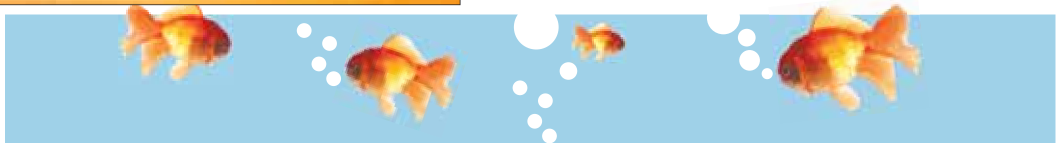
پس از آن با آقای نوری که چند سالی است به شغل کتاب فروشی مشغول است و نگاهی کاملاً فرهنگی به کتاب دارد گفتگو کردم، او وضعیت فعلی کتاب در بازار و استقبال از آن را این گونه توصیف کرد: «ظاهراً کتاب جزو ضروریات زندگی امروزی مردم نیست، بلکه با توجه به اوضاع اقتصادی و گرفتاری‌های بیش از حد مردم این مقوله از فرهنگ در زندگی کم‌رنگ‌تر شده و حتی افرادی که بخشی از وقت خود را صرف مطالعه می کردند در این روزها کمتر اقدام به خرید کتاب می‌کنند مگر کتب درسی یا کتبی که بر حسب اجبار باید خریده و مطالعه شوند. مدتی پیش شنیدم که یکی دو کتابفروشی قصد تغییر در زمینه شغلی دارند؛ یا اینکه قصد دارند به سمت فروش کتابهای درسی و دانشگاهی بروند.»

کتابفروش دیگری در مجتمع کتاب اصفهان نسبت به این موضوع لبخند تلخی به من زد و گفت: «ای بابا دل خوش سیری چند؛ کتاب که چیز واجبی نیست، مردم وقتی نیازهای اولیه و ثانویه و ضروری زندگی‌شان را برطرف کردند، و تازه اگر اهل مطالعه باشند و وقتش را داشته باشند و پول اضافی‌ای هم در ته جیب، شاید گذرشان به ما هم بخورد و یه سرکی هم به قفسه‌ها و کتاب‌های ما بزنند.»



بعد از آن در کتابفروشی فرهنگ سرای اصفهان با یکی از مشتریان حرفه‌ای کتاب آشنا شدم. او درباره وضعیت کتاب و عدم توجه عموم نسبت به مطالعه در جامعه نگاه دیگری داشت، اصرارش بر ناآگاهی جامعه نسبت به کتاب و گریزان بودن بسیاری مردم از مطالعه بود برای او استقبال مردم از نمایشگاه‌های موقت - دائم و حتی کاذب خیابانی موضوع جالبی بود، مثلاً هنگامی که در یکی از پارکها یا معابر عمومی محلی تحت عنوان نمایشگاه کتاب برگزار می‌شود شاهد استقبال مردم هستیم هرچند بیشتر اینگونه نمایشگاه‌ها اقدام به فروش کتاب‌های بازاری و سطحی می کنند که خود همین‌ها باعث پایین آمدن سطح سلیقه مخاطب شده و از طرفی کاهش انتظارات مردم نسبت به خصوصیات فرهنگی کتاب را شامل می‌شود. او با تاکید بر اینکه اگر سطح سلیقه مخاطب کتاب بالا رود و شناخت جامعه نسبت به اثر گذاری کتاب خوب بیشتر شود، به همان نسبت آگاهی و شعور جامعه بالا رفته و مردم سعی در مطالعه خواهند داشت، وی دلیل عمده رکود در بازار را ناآگاهی و واپسگرایی مخاطب نسبت به مطالعه دانست و تاکید کرد: عامل اقتصادی صرفاً دلیل بر سردی بازار کتاب نیست، بلکه بیشتر گریزانی مردم از فرهنگ مطالعه و کتابخوانی است. اگر کسی پول برای خرید کتاب ندارد از کتابخانه‌ها می‌تواند تهیه کند اما ما در کتابخانه‌ها هم شاهد این رخوت و رکود نسبت به مطالعه هستیم. هر عملی برای انسان بهایی دارد، اگر کسی به دنبال یافتن چیزی باشد زیر سنگ هم قرارش دهی آن را به دست می‌آورد. چه رسد به کتاب که می‌توان به راحتی به آن دست یافت.







چرا اطلاعات را دوست دارم؟

■ امیررضا پوررضایی

می‌گویند آنچه آدمی بدون فکر و دلیل می‌پذیرد، با هیچ دلیل و منطقی از ذهنش پاک نمی‌شود. گاهی لازم است که آدم سلائق و علائقش را انبارگردانی کند تا حداقل برای خودش معلوم شود که آنچه را می‌پسندد، قبول دارد یا سلیقه‌اش به آن سمت مایل است، از نوع اول، یعنی بی‌دلیل است یا از نوع دوم، یعنی با دلیل و منطق...

این عمل می‌تواند آدمیزاد را از خطر خشکی و انجماد فکر برهاند و این اطمینان را برای شخص ایجاد کند که در خطر جمود و تحجر نیست. آنچه به عنوان سلیقه و باور در سر دارد، فکر شده و متکی به دلیل و منطق است و آنچه را که نمی‌پسندد بی‌علت نیست و برایش پشتوانه‌های نظری دارد.



به همین دلیل نویسنده این سطور هم تا حدی عادت دارم که در زندگی، زمان‌هایی می‌ایستم و به پشت سرم نگاه می‌کنم و سعی می‌کنم تا آنجا که توان یک انسان عادی اجازه می‌دهد از خودم فاصله بگیرم و به خودم نگاه کنم. ببینم به چه چیزهایی علاقه دارم و چرا؟ و به چه چیزهایی بی‌علاقه‌ام و چرا؟ و چه چیزهایی برایم بی‌تفاوت است یا اصلاً به آنها فکر نکرده‌ام... و چرا...؟

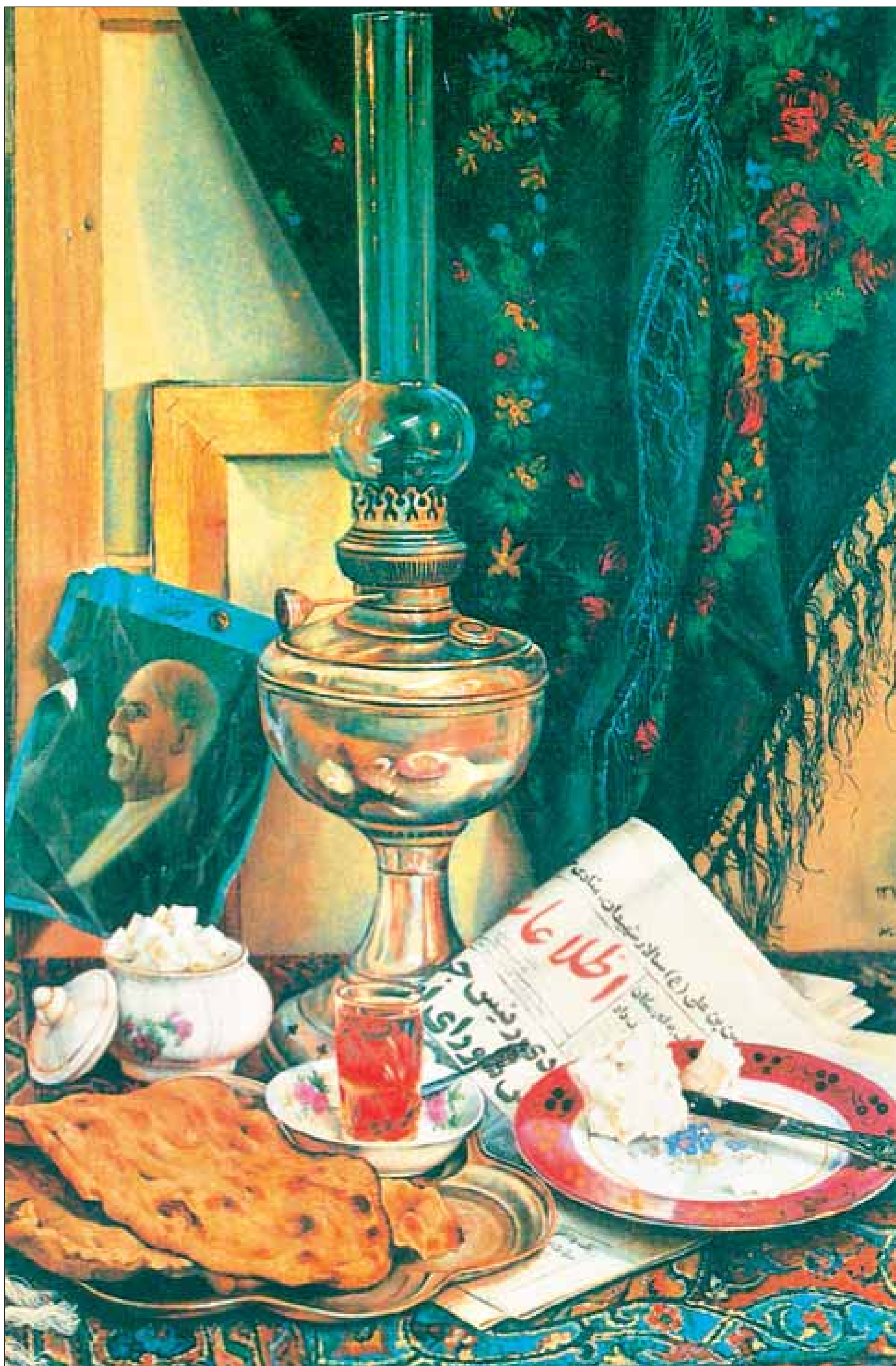
از جمله علاقه‌مندی‌هایم روزنامه اطلاعات است. چه برای اینکه بخوانم و چه برای اینکه بنویسم. اما چرا...؟ این سؤالی است که بسیاری از دوستان و نزدیکان هم از من می‌پرسند.

اصلی‌ترین دلیل علاقه‌ام این است که به نظر من اطلاعات، فرهنگی‌ترین روزنامه کشور است. چیزی به نود سالگی‌اش نمانده و گویی این «روزنامه صاحبقران» به پشتوانه این تجربه گرانسنگ، دریافته که مهمترین و ماندگارترین خدمتی که به یک جامعه می‌توان انجام داد، خدمت در جهت رشد و ارتقاء فرهنگ است.

همین جا ادای احترام و ابراز علاقه و ارادت می‌کنم به تمام رسانه‌های کشور که در هر جهتی و با هر نوع سلیقه و گرایشی در حال کار و فعالیت هستند. ناگفته پیداست علاقه‌ام به اطلاعات، دلیل بی‌علاقگی‌ام به هیچ رسانه دیگری نیست. برای نویسنده این سطور به عنوان یک علاقه‌مند و ارادتمند به حوزه فرهنگ، همه دوست داشتنی و عزیزند.

اطلاعات، به عنوان یک نامیک [برند] در بین رسانه‌های جامعه سیاست‌زده ما، که در هر تاکسی یک میزگرد سیاسی با حضور کارشناسان در جریان است، با تحمل هزینه‌های بسیار و پذیرش ریزش گروهی از خوانندگانِ هیجان‌زده، سعی داشته خودش را از هیاهوی بسیار بر سر هیچ، دور نگه دارد.

برخی از فعالیت‌ها همواره باید از تجارت و هیجان‌های تجاری، دور باشند و از آن جمله به نظر من فعالیت فرهنگی و به تبع آن روزنامه‌نگاری و رسانه‌ای است. فعالیت‌هایی مثل طبابت، قضاوت، وکالت و حکومت. مشاغلی از این دست گرچه شغل هستند و شاغلین به این حرفه‌ها از این محل گذران زندگی می‌کنند، ولی منطق تجارت و داشتن سود و طرفدار بیشتر هرگز نباید اساس تصمیمات در



این‌گونه مشاغل باشد. کسانی که این نوع مشاغل را انتخاب می‌کنند همواره باید به خاطر داشته باشند که داشتن سود بیشتر، از هر نوعی که باشد، در این مشاغل یا اصلاً نباید در تصمیم‌ها دخالت داشته باشد و یا از اولویت‌های نزدیک به آخر است. روزنامه‌نگاری نیز باید دوری خود را از تجارت و سود و گفتن و نوشتن براساس سلیقه مشتری عمومی و یا حتی سلیقه یک گروه خاص، حفظ کند و تنها آنچه را که درست می‌داند انعکاس دهد. این دوری، روزنامه‌نگاری را از خطر سقوط در سوءاستفاده از القاء هیجان به جامعه نیز حفظ می‌کند و باعث خواهد بود خبری یا تحلیل و مقاله‌ای را به قصد جلب توجه و مشتری نیاورد.

اطلاعات به درستی سعی می‌کند که بگوید جامعه ما اگر کاستی‌هایی دارد، این کاستی‌ها، فرهنگی است و نتایج و پیامدهای آن کاستی‌های فرهنگی است که ما به شکل مشکلات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی می‌بینیم.

نمونه‌های بسیاری از این دست داریم. مشکلات اقتصادی ناشی از عدم انجام تعهدات مالی از سوی افراد، به نظر می‌رسد که دلیلش سخت‌گیرانه نبودن قانون چک است. آن‌را عوض می‌کنند. فقط تعداد زندانی اضافه می‌شود.

به نظر می‌رسد علت رشد عجیب و غریب طلاق، پایین بودن مهریه است، مهریه‌ها می‌شود سکه، که تورم بر آن تأثیر نداشته باشد و آن هم به میمت و مبارکی چندهزار تا، ولی نتیجه‌اش می‌شود رشد تعداد زندانی و پائین آمدن نرخ ازدواج.

به نظر می‌رسد علت رشد و پائین آمدن سن مصرف مواد مخدر سختگیرانه نبودن قانون یا سهل‌انگاریِ نیروی انتظامی است به نیروی انتظامی فشار می‌آورند، قانون هم سختگیرانه‌تر می‌شود. نتیجه‌اش رشد تعداد زندانی است.

جلوتر می‌رویم و می‌بینیم همه، مشکلات فرهنگی هستند که هر روز با شکل و لباسی جدید بر سر راه جامعه ما قرار می‌گیرند. پس برای حل آنها هم نمی‌توان سراغ اقتصاد و سیاست و قانون‌گذاری رفت.

یکبار برای همیشه با خودمان توافق کنیم که مسائل و مشکلات فرهنگی فقط راه‌حل فرهنگی دارد.

اطلاعات را برای این دوست دارم که در این مسیر حرکت می‌کند و پذیرفته است که این مسیر را گرچه طولانی و سخت است بپیماید. به خوبی می‌داند که قطار فرهنگ جامعه منتظر نمی‌ماند تا ما با تأخیرهای بسیار به ایستگاه برسیم، بلکه مسافری را که حاضر و آماده در ایستگاه باشد سوار می‌کند. شاید ذکر یک نکته همین جا ضروری باشد





و آن اینکه کار فرهنگی را مبادا که با تبلیغ اشتباه بگیریم. همواره به خاطر داشته باشیم که تبلیغ در بسیاری از موارد و اجبار در همه موارد، از نگاه فرهنگی و در بلندمدت اثر عکس دارد.

در هر جریانی اگر طرفدار یک نفر باشیم و برضد یک نفر دیگر، یکی به ما بد و بیراه می‌گوید و یک نفر هم از ما تعریف و تمجید می‌کند. اما اگر در مسیر واقعی رشد حرکت کنیم. گاهی مورد بی‌مهری چندطرفه قرار می‌گیریم و برای اینکه بتوانیم این سردمهری‌ها را تاب بیاوریم و به جایگاهی که شایسته است برسیم، باید استحکام و سابقه روشنی داشته باشیم. اطلاعات روزنامه آنهایی است که نه سودای وزارت و وکالت دارند و نه سودای نام و نان. از ترس و طمع به یک اندازه دورند و در فکر کاشتن نهال‌های فرهنگی هستند که امیدوارند روزی به بار بنشیند و اقتصاد و سیاست را هم تغذیه کند و فردایی بسازد که از امروز بهتر باشد.

مشی اعتدالی و به دور از جنجال و تخریب، دلیل دیگری برای علاقه‌مندی‌ام به اطلاعات است. یادم نمی‌آید که دیده باشم یا شنیده باشم که اطلاعات با چاپ مقاله‌ای یا بزرگنمایی خبری در جهت تخریب شخصی یا گروهی حرکت کرده باشد. بلکه برعکس همواره در جهت مصالحه ملی و ایجاد فضای سالم و سازنده گام برداشته. بی‌طرفی را در حد یک روزنامه ملی حفظ کرده و سعی نموده صدای افراد یا گروه‌هایی را که به نظر می‌آید در حاشیه قرار گرفته‌اند به گوش برساند و مانع جداشدن آنها شود. اگر به عقب برگردیم و روزهایی را که تازه جنگ تمام شده بود به یاد بیاوریم، منظورم روشن‌تر می‌شود. روزهایی که از تخت‌جمشید هم در روزنامه ها مطلبی دیده نمی شد چه رسد به دکتر مصدق...

حتی در دوره‌ای صفحه ترحیم روزنامه اطلاعات محلی بود که در آن آگهی ترحیم کسانی به چاپ می‌رسید که این امکان شاید در جای دیگری نبود. آگهی‌های ترحیمی که بیش از نیم صفحه روزنامه، نام امضاءکنندگان عمدتاً شناخته شده آن بود.

علت دیگر علاقه‌ام بزرگانی هستند که شاید بتوان گفت بیشتر مقالاتشان را برای چاپ به اطلاعات می‌دهند و این روزنامه فرهنگی را در بین روزنامه‌های کشور، اگر نخواهم بگویم بهترین ولی برای چاپ مقاله‌هایشان مناسب‌ترین تشخیص داده‌اند. بزرگانی که حضور هریک از آنها به تنهایی، برای یک روزنامه مایه نهایت آبرو و اعتبار است.

استاد باستانی پاریزی، سیدحسین نصر، مهدی محقق، استاد بهاءالدین خرّمشاهی، محمدعلی اسلامی‌ندوشن، عباس زریاب‌خویی و بسیاری بزرگان دیگر که نه عمده مقالات، اما برای تعدادی از مقالاتشان اطلاعات را برگزیده‌اند. بطوری که علاقه‌مندان به مقالات سطح بالا، هر روز با انتشار اطلاعات منتظر یک مقاله معتبر و خواندنی در صفحه شش هستند.

شاهد این مدعا را به راحتی می توان از طریق یک جستجوی ساده اینترنتی یافت. بیشتر مقاله‌هایی که در صفحه شش روزنامه چاپ می‌شود. چند روز بعد می‌توانید در محوطه‌ها [سایتها]ی دیگر ببینید. البته، با توجه به اینکه این مربوط به آنهایی است که اخلاق رسانه‌ای را رعایت کرده و منبع را ذکر می‌کنند. آن مواردی که غیر از این باشد و یا از مقالات فقط برداشت صورت گیرد، به سختی قابل ردیابی است.

بله این روزنامه‌ای که گروهی معتقدند پیر است یا اینکه روزنامه پیرمردهاست، نشان داده که دود از کنده بلند می‌شود. البته بنده جزء علاقه‌مندان این روزنامه هستم و متولد دهه پنجاه؛ و هنوز افتخار ندارم که پیرمرد به حساب بیایم، ولی با افتخار می گویم آنچه را که می گویند پیرمردپسند یا به قول انگلیسی‌ها old fation، دوست دارم.

البته برای اینکه خدای نکرده به خانم‌ها برنخورد بهتر است که بگوییم پیران.

پیران، آنچه را واقعاً ارزشمند باشد دوست دارند. کمتر اسیر هوی و هیجانند. حتی با یک زندگی معمولی، تجربه بسیار اندوخته‌اند و براساس یافته‌های روانشناختی آنچه که آنرا هوش هیجانی یا هوش عاطفی [Emotional Intelligence] می‌نامند و توان شناخت و مدیریت انسان بر احساسات خود و دیگران است، در آنها بالاتر است و شاید به کمک همین‌هاست که اهمیت فرهنگ را دریافته‌اند.

اگر مثلث اقتصاد، سیاست و فرهنگ را در نظر بگیریم، رشد هیچکدام از اضلاع این مثلث بدون دو ضلع دیگر امکان‌پذیر نیست. برای داشتن یک جامعه توسعه‌یافته، نیاز به رشد مناسب و بهنجار این اضلاع است. رشد مداوم، آهسته و واقع‌بینانه. اما نویسنده این سطور فکر می‌کنم این رشد لازم است که از فرهنگ شروع شود.

به عبارت دیگر فرهنگ در هر نقطه‌ای که هست ابتدا اندکی رشد کند و پس از آن سیاست همان اندازه رشد داشته باشد و در مرحله بعد اقتصاد و مجدداً نوبت به رشد فرهنگ برسد و این چرخه سالم همواره ادامه داشته باشد.

به نظر می‌رسد رشد اگر با این ترتیب نباشد، یا اصلاً اتفاق نمی‌افتد و یا اینکه اگر اتفاق بیفتد همه‌جانبه و بادوام نخواهد بود.

پیداشدن نفت را به عنوان یک جهش اقتصادی در نظر بگیریم. برای بعضی جوامع که زیرساخت رشد یافته داشتند نعمت بود و برای جوامعی که زیرساخت فرهنگی و سیاسی قابل قبول نداشت مایه نفوذ خارجی و دعوای داخلی به قصدِ بهره بردن بیشتر. حتی برخلاف آنچه در ابتدا به نظر می رسد می‌توان گفت پیداشدن نفت باعث تأخیر و اختلال در رشد اقتصادی نیز در این جوامع شده است.

حتی در جامعه‌ای مثل هلند زمانی که درآمد نفت بدون برنامه‌ریزی دقیق وارد اقتصاد شد، مسائل و مشکلاتی ایجاد کرد که پس از آن اشتباه با دقت واکاوی و بررسی شد و نتایج آن به صورت مدوّن درآمد و امروز این بیماری اقتصادی ناشی از ورود ناگهانی درآمد نفتی به اقتصاد را با نام «بیماری هلندی» می‌شناسیم. در مقابل نروژ درآمد ناگهانی نفت را به دقت مدیریت کرد و نه تنها از اینکه این سرمایه خدادادی باعث برهم خوردن نظم پولی و مالی شود جلوگیری شد بلکه امروز شاهد هستیم که این کشور دارای بالاترین، یا یکی از بالاترین درآمدهای سرانه جهان است.

منظورم از آوردن این نمونه‌ها این بود که نه‌تنها برای رسیدن به رشد اقتصادی نیاز به پایه و زیرساخت قابل قبول فرهنگی و به تبع آن سیاسی وجود دارد، بلکه بدون داشتن این زیرساختها درآمدهای شانسی و اتفاقی هم بجای اینکه باعث پیشرفت شود مایه دردسر خواهد بود.

از دیگر دلایل علاقه‌مندیم به اطلاعات بزرگوارانی است که در اطلاعات هستند. اما از کسی نام نمی‌برم و ذکر تقدیر و تشکری نمی کنم چرا که نگرانم نتوانم حق مطلب را ادا کنم. فقط به این جملات اکتفا می‌کنم که اگر کار تک‌تک آنها سرشار از عشق و شایستگی و سواد علمی سطح بالا نبود، هرگز اطلاعات جایگاه امروز خود را نداشت. روزنامه، به‌عنوان ساقه اصلی این درخت کهنسال و تک‌تک ضمیمه‌ها، ضمیمه فرهنگی، ضمیمه اجتماعی، ضمیمه ادب و هنر و نشریات وابسته مثل اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی یا اطلاعات حکمت و معرفت، هریک دارای مخاطب فرهیخته و دارای شأن و اثرگذاری قابل تقدیر در جامعه هستند.

خواندن اطلاعات سال‌های دور، علاوه بر لذت بسیار، شکل نوین و قابل اعتمادی از «تاریخ‌نگری» است و شاید به همین دلیل آنچه که امروز نیز در این روزنامه نوشته می‌شود، نوعی «تاریخ‌نگاری» به حساب آید، که در امتداد آن تاریخ نگری است. و با اطمینان می توان گفت، قابل اطمینان‌ترین شکل تاریخ نگری است که تا به امروز سراغ داشته‌ایم.

حتی شکل بسیار روشنی از تاریخ نثر معیار فارسی. بررسی دوره‌های روزنامه، نشان از چهار دوره نثری دارد. در سال‌های اول انتشار، نثر قاجاری با گرایش عربی، سپس نثر دوره پهلوی با گرایش مدرن و غربی، نثر دوره انقلاب و جنگ، و نثر امروز که فارسی پیشرفت چشمگیری کرده و کلمات نوساخته‌ای چون راهبرد، بهینه، برون‌رفت، یارانه، ره آورد و بسیاری دیگر، بر غنا و زیبایی فارسی افزوده است.



نفس وجود یک روزنامه با قدمت حدود نود سال، برای یک جامعه آبروی فرهنگی است و چه بهتر که امروز اطلاعات در جایگاه شایسته‌ای نیز قرار دارد. امیدوارم اطلاعات تا رسیدن به افق ۱۴۰۴ که صد ساله خواهد شد، سال به سال ثمره کار و تلاش خود را ببیند و درخت تناور فرهنگ کشورمان از این آبیاری‌های فرهنگی سرافرازتر و پربارتر گردد.







باغ خاطره

■ جلال رفیع

تو باغ خاطره‌ای با بهار می‌آیی*
درخت وار، شکوفه سوار می‌آیی
غبار غربت و غم را به چشم می‌روبم
کز انتهای غریبِ غبار می‌آیی
به سبزه‌زار، از آن زار می‌زنم چون ابر
که مثل بوی خوش سبزه‌زار می‌آیی
تو را ز باد بیابان سراغ می‌گیرم
که چون نسیمِ خوشِ انتظار می‌آیی
هزار عکس در آیینهٔ دلت پیداست
زلال چشمه‌ای از کوهسار می‌آیی
صدای غُلغُلِ می را ز جوی می‌جویم
ترانه‌ای به لبِ جویبار می‌آیی
به هر چه می‌نگرم آب و خاک و آتش و باد
تویی که از همه سو جانشکار می‌آیی
تو با گلوی پرستو سرود می‌خوانی
هزار چلچله‌ای با هَزار می‌آیی
صدای عشق و پرستش، نوای بنده‌نواز
تو از گلوی خداوندگار می‌آیی
بریز بر سرم از اَبرِ زلفْ آویزت
که با سخاوت یک آبشار می‌آیی
چگونه با تو سحرگه قرار بگذارم
که چون نسیم سحر بیقرار می‌آیی
جوانهٔ چمنی سبز می‌شوی گاهی
و گاه در گلِ سرخِ انار می‌آیی
به سایه‌سار، کنی تا نمی به باغ نثار
ز پیچ و تابِ پر و بالِ سار می‌آیی
تو قاف قلّهٔ عشقی، تو بال سیمرغی
پیامِ یاری و از آن دیار می‌آیی
تو موج ساحلِ آرام‌بخشِ مهتابی
که با تلاطم دریاکنار می‌آیی
شرابِ هستیِ خود تا به ما بنوشانی
به جام می‌روی و خوشگوار می‌آیی
زبیکرانهٔ پرواز با پرستویان
پُر از پرستش پروردگار می‌آیی
بهار و فصل زمستان، خزان و تابستان
همیشه از دل این هر چهار می‌آیی
به برقِ دیدهٔ معناشکار می‌بینم
تویی که از همه سو آشکار می‌آیی

---

* به یاد «او» که ۱۷ فروردین با بهار آمد و ۷ فروردین در بهار رفت.

راز دل

■ محمدطاهری

نوروز رسید و خبر از یار نشد
یک غنچه ز خواب ناز بیدار نشد
با این همه آشفتگی و شیدایی
از راز دلم کسی خبردار نشد

بهار

■ ابوالقاسم قاسم‌زاده

ما را به خزان بشناس
که
از
فصل فصل بهاران گذشته‌ایم
سبز و زرد و سپید
سه رنگ عمر بود
ای خوش آن بهاران
که دشت‌های سبز را
تا
انتهای سپیدیها
مهاجر باشد
و
در عبور از رنگ‌ها
نیمرنگ نیارد
زندگی رنگ است
از
سبز تا سپیدی
و
از
نیرنگ تا سیاهی
هان
سبز بهاران را دریاب
تا
تورا
با سپیدی
به بی‌نهایت هجرت دهد
خوش باد
این بهار سبز
به هر زرد رنگ
در انتظار سپیدی

«تشنه»

نوروز

■ استاد ادیب برومند

نوروز باستانی ایران فرا رسید
ابر بهار پرچم ایثار بر کشید
باریدگه به تندی و گاهی به اعتدال
بر کوه و دشت، چون که خور آمد بیارمید
صحرا و باغ پوشش رنگین به بر نمود
تا فرِّ فرودین سپسِ دی به بر رسید
سر سبزی از در آمد و آویخت بر درخت
زیبنده حلّه‌ای که ز نوروز مَهْ خرید
باد بهاری از سوی «خوارزم» شد وزان
و ز بوی مهر، خطّه «ری» را بیاکَنید
جشنی گرفت گلبن و رقصی نمود بید
آنگه که از شکوفه، دل باغ بشکُفید
ابر بهار بر سر کهسار خیمه زد
وز خرگهش به کوه گهر ها پراکَنید
آذینه بند کرد «بخارا» ز چار سوی
تا بانگ پا، ز قاصد نوروز بشنوید
زرّین ز یاسِ زرد نگر ساحتِ چَمَن
کاندر کنار سنبُلِ نوخیز، بر دمید
از «بامیان» و «بلخ» به شاباشِ فرودین
گوش بهار نغمه ی شور و نوا شنید
سَنج از «هرات» بانگ بر آورد و بوق و کوس
کآمد عروس گلرخِ نوروز، برجهید
زیبا تَذَرْو[1] بر سرِ بادام بُن نشست
وز بانگ دلنواز به دل شادی آفرید
اکنون گلِ همیشه بهار است خنده روی
کاین نام را کدام گل آرا به من نهید؟
بانگ چکاوک از زبر سرو مژده داد
کامد به دست، باغ «سمرقند» را کلید
سارنگ چون ز باره ی «دربند» پر گشود
یک سر به سوی گلشن شیراز پَر کشید
آهو به نغز گونه خُرامی به مرغزار
با بچگان چو میش به امن و امان چرید
از «ایروان» و «گنجه» بر آمد نوای عیش
تا شد ز دور، موکبِ نوروز مَهْ پدید
ایرانیان کُرد به «ترکیه» و «عراق»
سرگرم جشن و جمله خوش از دید و بازدید
از «تیسفون» ز درگهِ نوشیروان به گوش
آمد نوای «باربَدی» ز آن چه می سَزید
رختِ نشاط بر تن «تاجیک» جلوه کرد
چون باغ و راغ، فرشِ سَمَن خیز گسترید
شد شاد باغبانِ «قراباغ» چون که دید
خوش رُسته اند سوسن و سوری و شنبلید
نوروز چون صلای طَرَب داد، از سُرور
در «شیروان» ز نغمه دلِ مرد و زن تپید
جوقی ز مرغکان مهاجر ز «اورگنج»
از عشق «زنده رود» سوی اصفهان پرید
«کارون» از آبهای «میانرود» مژده یافت
کز شوقِ عید اشک ز رُخسار ما سُرید
دلشاد گشت مادر میهن از آن پیام
کامد ز سوی مردم «بحرین» با نُوید
نوروز، جشن ملّی ایران ز دیر باز
اقوام را به دامن تحبیب پرورید
شادا و خرّما دل این ملّت هژیر
کاین جشنِ ویژه را به این روز برگزید
باید به زر نوشت چنین نغز چامه را
کز خامه ی ادیب بر اوراق زر چکید

---

۱ ـ تَذَرْو: مرغی خوش آواز و زیبا

هفت سین

■ استاد محمد منانی

منان ترا که گفت بیا هفت سین بچین
سین کهنه گشت بیا هفت شین بچین
اول شعور آور و بالای سفره نه
باشد شعور از همه سین های کهنه به
دوم شجاعت آور و در جنب آن گذار
این خصلتی است مانده ز اجداد یادگار
سوم شهامت آور و بگذار طرف آن
بگذر ز ما و من که روی سوی لامکان
چهارم بیار شادی و کن شور با وِداد
تا دوستان ترا به نشاط آورند یاد
پنجم بگوی شکر خداوند را به جان
زین جمله موهبات خداوند مهربان
امضا شود شرافت انسان در این مسیر
زین ره تویی و قرب خداوند بی نظیر
اینجا جمال و چهره شاهد شود عیان
زین ره ز قرب حضرت حق آوری نشان
عیدت سعید و شاد از این طرفه ابتکار
منان ز هفت شین بنوشتی تو یادگار

اتفاق تازه

■ دو شعر از مسیح اسماعیلی

بی‌تو بهار
گرگی‌ست در لباس میش

***

بهار
خودش را
به دامنی گلدار آویخته
و باد
می دود
بر سنگفرشِ هیچ
به انتظار اتفاق تازه‌ای
می بوسد گونه‌های زمین را
بی بهانه‌ی گریستن
می‌خواند
از جنس باران
در ته مانده‌های روز







کرمان

وسکوت رمزآلود کویر

وقتی صحبت از کرمان می‌شود و حرف مراکز و مناطق دیدنی آن به میان می‌آید، ناخودآگاه جاهایی مانند حمام گنجعلیخان، ارگ بم، باغ شاهزاده ماهان، گنبد جبلیه، ... برای انســان تداعی می‌شـود، اما کمتر حرفـی از طبیعـت زیبا، آب و هــوای متنوع، کوه‌ها، آبشارها و غارهای کرمان به میان می‌آید.

در کرمـان، منطقـه‌ای که به اسـتان چهار فصل معروف اسـت در هـر فصل از سـال می‌توانید تمام فصـول را تجربه کنید، در اوج گرمای مرداد در حالی کـه در جیرفت لحظه‌ای نمی‌توانید به دور از خنکای کولرهای گازی نفس بکشید، به فاصله بسیار کمی از آن در منطقه‌ای به نام «ده‌بکری» شاید در سرمای شبانه آتشی روشن کنید تا گرم شوید.

یادم می‌آید چند سـال قبل در اواسـط فروردین سـفری به جیرفت داشتیم گرما طاقت‌فرسا بود، عصر همان روز به «سـاردوئیه» در منطقه جیرفت رفتیم از شـدت سرما کسـی جرأت نداشـت از ماشین پیاده شـود. همینطور در اوج سرمای زمستان می‌توانید در مناطقی مانند شـهداد، جیرفت، کهنوج شاهد هوایی بسیار مطبوع باشید.

اگـر از طرفـداران طبیعـت بکر و زیبـا و کویر باشید کلوت‌های شهداد با کاخ‌های افسانه‌ای، منطقه گنـدم بریان به عنـوان گرم‌ترین نقطه زمین، رودخانه شـور، طبیعت اعجاب‌انگیز و سکوت رمزآلود کویر می‌تواند بسیار جذاب باشد؛ در کمپ کویری شهداد هم می‌شود ساعتی استراحت کرد.

چرا دوبی؟! همین نزدیکی

اگر اهل شـن‌نوردی باشید می‌توانید با کمترین هزینه در فاصلـۀ ۱۰ کیلومتری کرمـان در دل هفت باغ به منطقه سافاری پارک بروید، گروه افرا با ماشین‌های مجهز شما را به دل تپه‌های شـنی می‌برند تا لحظاتی هیجان و اضطراب را تجربه کنید.

در مسـیر زیبای هفت باغ می‌توانید به باغ فلامینگو یا باغ پرندگان بروید. مکانی بسـیار زیبا و رویایی و اگر اهل غذاهای فَسـت‌فود هستید تنها رستوران تمام گردان ایران در دل شـب‌های هفت باغ آماده پذیرایی اسـت، اگر اهل غذاهای سـنتی باشید می‌توانید در همان مسیر به دیزی‌سرا بروید. دیدنی‌های مسیر هفت باغ سفر شما را خاطره‌انگیز می‌کند.

اگر مایل به بازدید از مناطق تاریخی باشـید می‌توانید در شـهر کرمـان از مجموعه ابراهیم‌خان (بـازار زرگرها، مدرسـه ابراهیم‌خان، حمام ابراهیم‌خان با کاشیکاری‌های بسـیار باشـکوه) دیدن کنید، مجموعۀ حاج‌آقاعلی هم که مربوط به دوران قاجار اسـت و شامل مسجد حاج‌آقاعلی، بازار حاج‌آقاعلی، آب‌انبار حاج‌آقاعلی است، بسیار دیدنی است.

ـموزۀ دفاع مقدس با ۲۳هزار مترمربع و زیربنای ۲۵۵۰ مترمربع از مراکز دیدنی کرمان و یادآور ۸ سال دفاع مقدس است.

ـباغ موزه هرندی: بانی این باغ زیبا عدل‌السلطان است، این باغ که به دلیل توقف تاریخی رضاخان در مسیر آخرین سـفر تبعیدی‌اش اهمیت تاریخی پیدا کرده اسـت، حدود ۱۰۰ سال قدمت دارد.

بخشـی از این موزه به سازهای بومی و سنتی این دیار تعلق دارد که دیدن آن خالی از لطف نیست.

اما اگر فرصت سـفر به دیگر شهرسـتان‌های اسـتان را داشـته باشـید قطعاً از دیدن مناطقی که نام برده می‌شود پشیمان نخواهید شد:

ارگ راین

بزرگ‌ترین بنای خشتی بعد از ارگ بم با مساحتی بالغ بـر ۲۲هزار مترمربع در جنوب غرب شـهر راین بر بلندی تپه‌ای قرار گرفته است.

ارگ راین شـامل بازار، مسجد، زورخانه و عامه‌نشین است و قدمت آن به دوره ساسانیان می‌رسد.

شـهر راین در ۱۰۰ کیلومتری جنوب شـهر کرمان قرار دارد؛ اگر به راین سـفر کردید فراموش نکنید کارد و چاقوی سـاخت صنعتگران راین هم بسیار معروف و مشهور است. یکی از زیباترین آبشارهای استان هم در فاصله ۱۴ کیلومتری شهر راین قرار دارد.

روستای صخره‌ای میمند

روستای تاریخی میمند در فاصله ۳۶ کیلومتری شمال شرق شهر بابک واقع شده، این روستا با قدمتی چند هزار سـاله مجموعه‌ای با ۴۰۰ واحد دسـتکند به نام کیچه در مجموع بیش از ۲۰۰۰ اتاق را شـامل می‌شـود و دارای مسجد، حسینیه، حمام قدیمی و مدرسه است که تمام آنها در دل کوه کنده شده است.

شهربابک در فاصله ۲۴۷ کیلومتری غرب استان کرمان واقع اسـت غار ایوب هم از دیدنی‌های منطقه شـهر بابک اسـت که در دل کوه ایوب از رشـته‌کوه‌های مرکز ایران در جنوب شـرق شهر «دهج» با ارتفاعی حدود ۳۳۰۸ متر قرار دارد.

خانه حاج آقاعلی رفسنجان

ایـن خانه یکـی از بزرگترین و زیباتریـن خانه‌های خشـتی جهان اسـت که با ۷۰۰۰ مترمربع زیربنا در شـهر رفسنجان سبک معماری خاصی را به خود اختصاص داده است. طراحی تالارها، اتاق‌ها، گچبری اتاق‌ها، طاق‌نماهای باشـکوه، کلاه فرنگی و آجرنماهای حیاط بسـیار دیدنی و جذاب است. این مجموعه متعلق به ۱۳۰ سال پیش است. اگر به رفسنجان سفر کردید دیدن موزۀ مردم‌شناسی رفسنجان با مجسمه‌های مردان و زنان قدیم رفسنجان، ظروف قدیمی، کتاب‌های دسـت‌نویس و نوشته‌های تاریخی خاطره‌انگیز خواهد بود.

غار طرنگ ـ بافت

شـاید بـه جـرأت می‌توان گفـت یکـی از غارهای حیرت‌انگیز و اسـرارآمیز ایـران در منطقه بافت قرار دارد. غار طرنگ طولانی‌ترین غار استان با دالان‌ها و تالار خفاشان می‌توانـد هـر بیننده‌ای را مجذوب کند، در مسـیر این غار شگفت‌انگیز از روسـتای زیبای طرنگ با دره‌ای سرسبز و پوشیده از درختان گردو، چنار و بادام کوهی می‌گذرید، از این غار حتماً باید با حضور راهنما دیدن کنید.

اگر به منطقه بافت سـفر کردید دیـدن غار جفریز در روسـتای جفریز گوغر کـه در دامنه تپه‌ای آهکی قرار دارد می‌تواند جالب باشد.

پناهگاه حیات وحش خبر و روچون

این پناهگاه در فاصلۀ ۶۷ کیلومتری بافت واقع شده و از مناطق کمیاب و نادر کشور است. در این منطقه گونه‌های جانوری بسیاری زندگی می‌کنند و زیستگاه حیواناتی چون پلنگ، گربه، کَل و بز، قوچ و میش، شغال، کفتار، گراز، گرگ، آهو، خرگوش و ... اسـت. انواع شکاری‌ها از جمله عقاب طلایـی، کرکس و همچنین پرنـده جیرفتی که از پرندگان کمیاب محسوب می‌شود در این پناهگاه زندگی می‌کنند.

موزه باستان‌شناسی جیرفت

در این موزه اشیایی منحصر به فرد از سنگ کلوریت در معرض دید گذاشته شده است. این اشیا از نظر تزیین کم‌نظیر و متعلق به دوره‌های مختلف تاریخ است.

* مسجدجامع دقیانوس (جیرفت)

این مسجد که قدمت آن به اوایل سده سوم برمی‌گردد در حاشـیه هلیـل‌رود در محوطـه شـهر تاریخی جیرفت (دقیانوس) قرار دارد. مسـجد با صحنی به وسـعت ۲۰۰۰ مترمربع دارای محراب، گچبری‌های منقوش، وضوخانه، یک مدار با قطر ۴متر و شبستان است.

کرمان ـ بتول ایزدپناه



یزد

دیار بادگیرها و نخستین شهر خشت خام جهان

یـزد ـ خبرنگار اطلاعات: اسـتان یـزد با حدود ۱۳۱هزار و ۵۷۵ کیلومترمربع وسـعت چهارمین استان وسـیع کشوراست که درقسـمت مرکزی فلات ایران درحاشیه دشت‌های کویر لوت قراردارد.

این استان کویری از نظر آب وهوایی در کوهستان شـیرکوه معتدل و در دیگر نواحی گرم و خشک است و از نظر بافت اجتماعی آنچه در این اسـتان جلب نظر می‌کند همزیسـتی مسالمت‌آمیز مسلمانان و زرتشتیان در کنار یکدیگر است.

دراستان یزد تاکنون ۶۵۰۰ اثر تاریخی شناسایی و بیش از ۱۴۰۰ اثر به ثبت ملی رسیده است.

یزد، شـهر مقـدس وآفریننده خوبی‌هاسـت که همـواره بـه عنوان صاحـب یکی از درخشـان‌ترین میراث‌هـای فرهنگـی در ادوار مختلف تاریخی ایران مطرح بوده و نخسـتین شهرخشت خام و دومین شهر تاریخی جهان اسـت. محله‌های بافت قدیمی این شهر که در فهرسـت آثار ملی به ثبت رسـیده شامل: فهادان، خرمشاه، سرجمع، میرقطب، یعقوبی و شش بادگیری است درمیان این محله‌ها، فهادان قدمت بیشتری دارد.

درایـن بافت خانه‌هـای دوره ایلخانی همچنان پا برجامانده‌اند و همچنان مسکونی هستند. از ویژگی‌های مهم این خانه‌ها می‌توان به داشتن حیاط مرکزی، تالار، اتاق‌های سـه‌دری و پنج‌دری، دیوارهای بلند، آرایش و سـازماندهی فضاهای گوناگون دور تا دور حیاط و نماسـازی زیبای آنها اشاره کرد. خانه محمودی، خانه لاری‌ها، خانه عرب‌زاده، خانه تقدیری و خانه مرتاض از خانه‌های قدیمی یزد به شمار می‌آیند.

آب انبارها:

یکی از شاخص‌ترین نشانه‌هایی که منظر عمومی شـهر یزد را از دیگر شهرهای کشـور متمایز می‌سازد آب‌انبارهای این شهر است. عمده‌ترین مصالح ساخت این انبارها(دیمه)شامل ترکیبی از آهک، خاکستر و ماسه بادی است. این آب‌انبارها که عموماً در مرکز محله‌ها به چشم می‌خورند شـامل خزینه، گنبد و بادگیر هستند. از جمله آب‌انبارهای معروف این منطقه کویری می‌توان به آب‌انبار هفت بادگیری عصرآباد در شهرستان صدوق و آب‌انبار شش بادگیری یزد اشاره کرد.

بادگیرها:

شهر یزد را شـهر بادگیرها نیز می‌نامند؛ بادگیرها درواقع سیستم تنفسی شهر هستند که بیشتر در فضاهای مسـکونی و قدیمی به چشـم می‌خورند. چهار بخش عمده بادگیرها شامل: بدنه، قفسه، تیغه‌ها و سقف است.



بدنه بادگیرها به صورت مکعب‌مسـتطیل یا منشـور و قائده آنها اغلب به شکل مربع، مستطیل و یا هشت‌ضلعی است که مهمترین آن بادگیر باغ دولت‌آباد است.

ویژگی‌های طبیعی اسـتان یزد برای جهانگردان و مردم غیربومی بسیار جذاب و پرکشش است این استان طبیعتـی چند وجهی و کاملاً متفاوت دارد. از یک‌سـو پهنه‌های بیابانی و تپه‌های ریگ روان و از سـوی دیگر و به فاصله‌ای نزدیک ارتفاعات زیبا و سرسبز شیرکوه، دره و دامنه‌های آن جلوه‌های زیبای طبیعت را به نمایش می‌گذارند.

در این اسـتان نوسان دما در تابستان وزمستان حتی درشـب و روزبسیار زیاد اسـت و می‌توان گفت دارای دوفصل اسـت فصل بلند گرما (ازاسفند تامهر) و فصل کوتاه سرما (از آبان تا اواخر بهمن)

بناهای تاریخی:

یـزد باتوجـه به وجود بناهای قدیمـی و بی‌مانند، گنجینه‌ای از هنر، فرهنگ و تمدن ایرانی است. از جمله این بناها می‌توان از مدرسـه ضیائیه (زندان اسـکندر)، بقعه شـیخ احمد فهادان، مسجدچهل محراب، آتشکده زرتشـتیان، گنبد مصلی عتیق، قبه دوازده امام، مسـجد یعقوبی و بقعه سیدشمس‌الدین نام برد.

اسـتان یزد که عنوان مانـدگار (دارالعباده) را یافته است، مردمانی پایبند به فرهنگ غنی و سنت‌های زیبای ایرانی ـ اسلامی را در خود پرورانده‌است. جالب آنکه این بافت اجتماعی فرهنگی ـ مذهبی مورد توجه گردشگران داخلـی وخارجی قرار گرفتـه به‌طوری که احترام بدین فرهنگ اصیل همان‌طور کـه انتظار می‌رود مورد توجه گردشگران نیز است.

مسجد جامع فهرج که قدیمی‌ترین مسجد کشور به شمار می‌آید دراین استان واقع است.

این بنای خشـت و گلی که از صدر اسلام به همان صورت اولیه باقی مانده است، در ۳۰ کیلومتری شرق یزد قرار دارد. از دیگر مسـاجد استان یزد می‌توان به مسجد جامع کبیر یزد اشاره کرد که از نظر سیر تحول تاریخی، شـیوه سـاخت و تزیینات از اهمیت بالایـی برخوردار است.

از دیگر مساجد تاریخی و مهم این استان می‌توان به:

> *** در استان یزد ۱۴۰۰ اثر تاریخی به ثبت ملی رسیده است**
> *** بادگیرها سیستم تنفسی یزد هستند و بیشتر در فضاهای مسکونی قدیمی به چشم می‌خورند**
> *** پهنه‌های بیابانی و تپه‌های ریگ روان از یکسو و ارتفاعات زیبا و سرسبز شیرکوه از سوی دیگر، جلوه‌های زیبای طبیعت را در این شهر به نمایش می‌گذارند**

مسجد ملا اسماعیل، مسجد امیر چخماق، مسجد ریگ و مسجد چهارمنار اشاره کرد.

از دیگر مراکز مذهبی شهر یزد می‌توان به: امامزاده جعفر(ع)، امامزاده سیدمحمدجعفر(ع)، شاهزاده فاضل، سـیدرکن‌الدین، آرامگاه شهید صدوقی (مسجد روضه محمدیه) نام برد.





یخچال‌های خشتی:

یخچال‌های خشتی نیز از بناهای تاریخی استان یزد به شمار می‌آیند که مردم استان یزد در گذشته در فصل زمستان از این یخچال‌ها برای ذخیره یخ برای فصل گرما استفاده می‌کردند. این یخچال‌ها که بیشتر در ابرکوه،



صدوق و میبد به چشم می‌خورد و قدمت آنها به دوره قاجاریه می‌رسد، متشکل از دیواره‌های سایه‌دار، حوض یخ‌بند، مخزن یخچال و گنبد هستند.

میراث طبیعی:

به راستی طبیعت از بی‌ادعاترین و پرثمرترین آیه‌های خداست؛ سرچشمه‌ای که همواره انسان را درآغوش گرفته و از وجود بی‌پایان خود لبریز کرده است. میراث طبیعی استان یزد شامل: درخت سرو ابرکوه از دیدنی‌های کم‌نظیر دنیا است که در قسمت جنوبی این شهر قرار گرفته و عمر آن به بیش از ۴۰۰۰ سال می‌رسد. ولی بنا به گفته دانشمندانی از ژاپن و روسیه که از این درخت دیدن کرده‌اند، عمر آن را تا ۸۰۰۰ سال تخمین زده‌اند. ارتفاع این سرو شگفت‌انگیز ۲۵متر و دور تنه آن ۱۱/۵ متر است. شکوه و آزادگی این سرو پیر واقعاً دیدنی است.

چنار تنگ‌چنار:

یازدهمین اثر ثبت شده در فهرست آثار طبیعی ملی، چنار تنگ‌چنار است. چنار ۱۲۰۰ساله‌ای که در تنگه طبیعی مهریز یزد قرار گرفته و از دو طرف در محاصره



کوه است. این چنار تک‌پایه با ۱۹متر ارتفاع و ۳متر قطر، ۱۱ شاخه فرعی دارد، رشد این درخت به‌تازگی کُند شده و در قسمت درونی تنه خسارت نوعی چوب‌خوار یا موریانه مشهود است.

چنار کرخنگان:

چنار کرخنگان سرمایه ۱۵۰۰ ساله شهرستان خاتم است. این درخت نشان از قدمت و استقرار تمدن کهن در منطقه مذکور دارد و از این رهگذر که در نزدیکی حیات وحش و رویشگاه جنگلی زاگرس قرار دارد، همچنین آنکه استفاده از بذر آن در تحقیق، تکثیر و سازگاری گونه «استفاده ژنتیکی» بسیار مناسب است و در بررسی‌های زیست‌محیطی و اکولوژیکی نیز کاربرد دارد، مورد توجه ویژه قرار گرفته و به عنوان دهمین اثر در حافظه میراث طبیعی کشور به ثبت رسیده است. ارتفاع چنار کرخنگان به ۲۰متر می‌رسد.

سرو منگاباد:

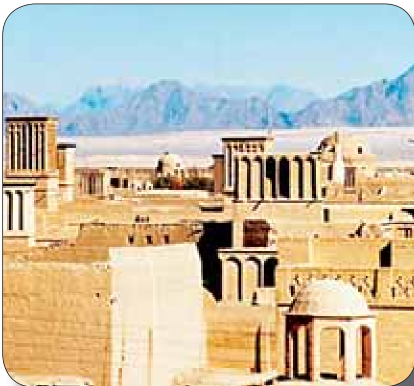
در شهرستان مهریز استان یزد، سرو ۱۴۰۰ ساله‌ای است که هنوز مورد توجه مردم است و از آن به عنوان یک اثر مقدس مربوط به دوره ساسانی نگهداری می‌شود. این درخت کهنسال نهمین اثر طبیعی ثبت شده در فهرست آثار ملی است.

سرچشمه هرات:

هفتمین میراث طبیعی ثبت شده در شهرستان خاتم، سرچشمه هرات است. قدمتش به بیش از ۱۰هزار سال پیش می‌رسد. این چشمه حاصل نفوذ آب باران و برف به داخل پوسته قابل نفوذ زمین و در نهایت خروج آن براثر برخورد با لایه سنگی وغیر قابل نفوذ زیرین است.

موزه‌ها:

موزه‌های شاخص استان عبارتند از: موزه آینه و روشنایی یزد، موزه زیلو و پلاس میبد، موزه



مردم‌شناسی ابرکوه، مهریز، تفت، میبد و اردکان، موزه سکه و مردم‌شناسی حیدرزاده یزد، موزه رجال اردکان، موزه سفال و سرامیک میبد، موزه اسناد و نسخ خطی میرزامحمد کاظمینی یزد، موزه آب؛ فرش وعلوم یزد.

صنایع دستی استان یزد:

یزد به عنوان یکی از قدیمی‌ترین کانون‌های کار و تلاش و خلاقیت و ابتکار از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. پیشینه یزد به دوران یزدگرد ساسانی می‌رسد آکنده از تلاش پیگیر مردمانی پارسا و سختکوش است که به‌رغم طبیعت گرم وخشک این دیار، کمر همت بسته و عزم را جزم کرده‌اند تا به برکت پشتکار، خلاقیت و ذوق هنری خدادادی، نام شهر و دیار خود را بلندآوازه گردانند.

در گذشته‌ای نه چندان دور، به علت غلبه سنت‌ها و رسم پیشینیان بر زندگی مردم، کمتر خانه‌ای در یزد وجود داشت که در آن یکی از حرفه‌های نساجی دستی یافت نشود.

استمرار تولید در خانه موجب شده بود که تجربیات و اطلاعات حاصله به سادگی، از نسلی به نسلی دیگر انتقال یافته و اشتغال به صنایع دستی به‌صورت یکی از ارکان اقتصاد خانوار درآید. هرچند که امروزه در نتیجه تغییر شیوه زندگی و رویکرد جوانان به مشاغل و حرفه‌هایی به غیر از کارپدری، کمتر صدای دفتین دستگاه‌های بافندگی در خانه به گوش می‌رسد، ولی با این همه، هنوز هم ذوق و هنر صنعتگران یزدی را در تولیداتی به شکل سجاده، روتختی، پتو، احرامی، شال، دستمال ابریشمی، پارچه‌های ترمه و مخمل می‌توان یافت.

نوروز در یزد

■ حسین مسرّت

یزد دیرپایِ دیرزی پرجاذبه چونان که در عرصهٔ هنر و معماری دیاری جاودان و تاریخی است و از پس هزاره‌های تاریخ همچنان در برابر رخدادهای سهمگین تاریخ و تاخت و تازهای سپاهیان بیگانه پایدار و سرافراز ایستاده است و چون نگینی درخشان بر تارک تاریخ ایران زمین می‌درخشد و به اندازهٔ صدها شهر کهن، بناهای تاریخی دارد، در عرصه‌های فرهنگ و ادب نیز دلبسته و وابسته به فرهنگ قوی پیشینیان خود برجای مانده است، هنوز زنان یزدی، پگاه که از خواب برمی‌خیزند، در خانه را آب و جارو می‌کنند، که هماره گذر خضر پیر تر باشد، دم دالان و ترپاس خانه اسفند می‌آویزند، و پشت سر مهمان آبی و سبزه می‌اندازند، که سفرش سبز و راهش سفید باشد. و دهها سنّت زیبا و ارزنده که در عروسی‌ها و تولدها و دید و بازدیدها به کار می‌رود.

یزدی کویرزاده که آب برایش کیمیا و سبزه را چون نور چشم خود عزیز می‌دارد، نوروز برایش نوید روزهای خوش می‌دهد. از اینرو خوش می‌پوشد و خوش می‌نوشد و خانه را به بوی خوش آذین می‌دهد. چهارشنبهٔ آخر سال که می‌شود، آش چهارشنبهٔ آخر سال می‌پزد و از صبح در تدارک هیزم چهارشنبه‌سوری است که در گرگ و میش هوای عصر چهارشنبه، آتشی برپا کند و به امید سپردن زردی روی خود و گرفتن سرخی، آتش روی آن بپرد و بخواند زردی من از تو / سرخی تو از من.

مراد از یزدی در اینجا هر دو گروه قومی ساکن یزد اعم از مسلمانان و زرتشتیان است. زیرا که هر دو وامدار سنت‌های نیاکان خود هستند. بسیاری از آداب و رسوم این دو گروه مشترک هست آن یکی به نیّت اعتقادات قلبی‌اش قرآن و نهج‌البلاغه می‌گذارد و این یکی کتاب اوستا که آن هم کتاب آسمانی است می‌گذارد. هر دو برای سربلندی ایران و ایرانی بر سر سفره می‌نشینند و دعا می‌کنند. یکی از زیباترین سنت‌های نوروز دید و بازدید بزرگان است، بهانه‌ای است برای بسیاری از تجدید دیدارها، از هم باخبرشدن‌ها و جویای حال هم شدن‌ها. که خود انگیزه‌ای بسیار نیک و سفارش شده در ادیان گوناگون است. البته برندهٔ اصلی بچه‌ها هستند که پول خوبی در این روزها به جیب می‌زنند و هر چه خواستند می‌خرند. خانه‌تکانی و لباس نو پوشیدن و پاک بودن، باز میوهٔ خوب نوروز است. بویژه نزد ما ایرانی‌ها که اتفاقاً سال نو و روز نو ما همزمان با دگرگونی و دگردیسی و نوشدن طبیعت است.



سبزه کاشتن که جای خود دارد. گندم، جو، عدس، نخود، ماش را در بشقابی نهادن و به امید سبز شدن آن نشستن، شیرینی دارد که خانم خانه بیش از همه کس طعم آن را دوست دارد. و چون سیزده روز از سال گذشت، خانواده رهسپار دشت و بیابان می‌شود. تا ناشگونی این روز را به دشت بسپارد. همراه با سبزه تمام غم و نکبت‌های خانه را نیز جمع می‌کند و به دست باد می‌سپارد. پیر و جوان، دختر و پسر، همه به امید گره‌گشایی کار و بخت خود به گردن سبزه گرهی می‌زنند، تا در سال نو گشایش باشد برایشان، کار و کسب‌شان را رونق بدهد. فرزندان را به خانهٔ بخت بفرستند و دختران هم شویی دلپسند گیر آورند و سال دیگر در دامان همین صحرا بچه به دوش باشند.

در دامان طبیعت می‌خوانند:

سیزده بدر، چارده به تو، سیزده را کردم تو کودو
درشا گرفتم با جودو
کودو = کدو ـ جودو = صمغ

بی‌گمان به یادماندنی‌ترین روزها برای یزدیها، ایام خوش نوروز است که به دور از همه گرفتاری‌های روزمره و دشواری‌های زندگی، زمانی پرشگون را در کنار خانواده و خویشان و دوستان به سر می‌برند.



گیلان

نگین زمردین ایران زمین

رشت ـ خبرنگار اطلاعات: گیلان با داشتن فرهنگی دیرینه و طبیعتی زیبا، دارای ظرفیت‌های گردشگری ویژه‌ای همچون تالاب‌ها و سواحل زیبا، ییلاق‌های سرسبز، آثار و بناهای تاریخی و فرهنگی، زیارتگاه‌ها، بازارهای محلی، غذاهای محلی متنوع، آداب و رسوم و بسیاری جاذبه‌های دیگر، جزو ۱۰ منطقه و استان برتر کشور است.



گیلان نگین گردشگری در کشور است که به دلیل شرایط تاریخی و اکولوژیکی استعدادهای فراوانی در زمینه گردشگری دارد. برخورداری این استان از جنگل، میراث فرهنگی و وجود سواحل زیبا و آب و هوای معتدل، تعداد گردشگران از این استان را افزوده است و هر سال شمار زیادی از مسافران و گردشگران داخلی به این استان می‌آیند و از نقاط مختلف و جاذبه‌های طبیعی و دیدنی آن دیدن می‌کنند.

نیم‌نگاهی به استعدادهای گیلان

استان گیلان یکی از استان‌های شمال کشور با مساحت ۱۴هزار و ۴۲ کیلومترمربع است که در دامنه شمالی کوه‌های البرز که با ارتفاع متوسط ۳۰۰۰ متر همانند دیواری در باختر و جنوب گیلان کشیده شده است قرار دارد. کمترین فاصله کوه از دریای خزر در حویق نزدیک به ۳کیلومتر و بیشترین فاصله آن از دریا در امامزاده هاشم(ع) حدود ۵۰ کیلومتر است.

این استان از شمال به دریای خزر و جمهوری آذربایجان از غرب به استان اردبیل از جنوب به استان زنجان و قزوین و از شرق به استان مازندران محدود می‌شود.

شهرستان‌های این استان عبارتند از آستانه اشرفیه، آستارا، املش، بندرانزلی، تالش، رشت، رودسر، رضوانشهر، رودبار، سیاهکل، شفت، صومعه‌سرا، فومن، لاهیجان، لنگرود و ماسال.

استان گیلان دارای جاذبه‌های تاریخی و طبیعی کم‌نظیر است. جنگل‌های انبوه شالیزارهای وسیع، زیستگاه‌های پرندگان، آبگیرها، رودها و سواحل چشم‌نواز دریای خزر، پارک‌ها و انواع گیاهان زیبا و کمیاب از جاذبه‌های ارزشمند طبیعی این استان به شمار می‌روند که از دیدگان بسیاری از دوستداران تاریخ و طبیعت به دور مانده است.

صنایع دستی

هنرهای سنتی و صنایع‌دستی گیلان از قدمت و تنوع زیادی برخوردار است که می‌توان به چادر شب‌بافی، بامبوبافی، نمدمالی، منبت گره چینی، سفالگری، حصیربافی، رشتی‌دوزی، لباس محلی، شال‌بافی، گلیم‌بافی، چموش‌دوزی، معرق، صنایع دستی چوبی و مروارید بافی را نام برد. آهو چره لافندبازی و کشتی گیله‌مردی از بازی‌های بومی و محلی این سرزمین هستند.

رشت یا دارالعماره

شهر رشت به عنوان مرکز استان در جلگه مرکزی گیلان واقع شده است. دو شاخابه از رودخانه سفیدرود به نام‌های سیاهرود و گوهررود از سوی خاور و باختر شهر رشت در جریان است و سرانجام به تالاب انزلی می‌ریزد. در دوران صفویه مرکز گیلان از بیه‌پس فومن، به رشت منتقل شد و این امر موجب افزایش اهمیت بیش از پیش این شهر گردید.

رشت را در گذشته «دارالعماره» یا دارالمرز نیز می‌نامیدند. این شهر در قدیم تنها راه ارتباطی و بازرگانان ایران از طریق بندرانزلی به اروپا به شمار می‌آمده و از زمان شاه عباس دوم تا آخر حکومت قاجاریه شهر رشت مرکز تجاری بزرگی بوده است و کاروان‌هایی در شهر برای خرید ابریشم توقف می‌کردند. در حال حاضر ساکنان این شهرستان با گویش گیلکی و لهجه «بیه‌پس» تکلم می‌کنند.

از جاذبه‌های گردشگری و تاریخی می‌توان به عمارت کلاه‌فرنگی، عمارت شهرداری، عمارت پست، موزه رشت، خانه قدیری، کتابخانه ملی رشت، خانه ابریشمی، کاروانسرای لات، موزه میراث روستایی گیلان، خانه جهانگردی، پارک قدس، بوستان ملت، پارک دانشجو و کلیسای ارامنه اشاره کرد. مقبره خواهر امام از نوادگان موسی کاظم(ع) بقعه امامزاده هاشم بن‌محمد از نوادگان امام علی(ع)، مساجد صفی و حاج صمدخان، بقاع متبرکه آقاسیدابراهیم و آقاسیدعباس، مقبره دانای علی، بقعه بی‌بی‌رقیه، آرامگاه میرزاکوچک‌خان جنگلی رشت، گنجینه شهدا، موزه تاریخ طبیعی، موزه جانورشناسی و حشرات و موزه آبزیان دانشکده علمی ـ کاربردی میرزاکوچک‌خان در رشت در تمام فصول سال پذیرای زائران و گردشگران هستند. از مناطق نمونه گردشگری می‌توان «حاجی بکنده»، سپیدرود، سراوان، عینک، امین‌آباد و حاشیه سفیدرود را نام برد.

*** برخورداری گیلان از جنگل، میراث‌فرهنگی و وجود سواحل زیبا و آب و هوای معتدل تعداد گردشگران را از استان، افزوده است**

*** صنایع‌دستی گیلان همواره یکی از جاذبه‌های بسیار مهم برای مسافران به شمار می‌آید**

فرهنگ تمدن گیلان

کاوش‌های باستان‌شناسی در نقاط مختلف گیلان و کشف دست‌ساخته‌های چندهزار سال قبل گیلانیان، مقام ممتاز این سرزمین را از نظر تمدن و فرهنگ روشن می‌سازد.

آثار پیدا شده در دل خاک‌های گیلان نمودار تمدن عالی این سرزمین و نیز تبحر و تسلط و ذوق سرشار هنرمندان و صنعتگران گیلانی است.

برای صنایع دستی گیلان آغازی نمی‌توان تعیین کرد و به احتمال زیاد نخستین دست‌ساخته‌های گیلانیان نیز مانند سایر نقاط از سنگ و استخوان حیوانات بوده و شاید همزمان با آن‌ها وسایلی نیز از پوست و پشم حیوانات تهیه می‌شده است. کمترین فاصله ما با آن دوران حدود ۱۲هزار سال است که مربوط به عصر حجر میانی است.

صنایع دستی استان گیلان همواره یکی از جاذبه‌های بسیار مهم برای مسافرین بوده و خواهد بود. تنوع تولید و مصرفی بودن آن به همراه وجود مواد اولیه بومی از شاخص‌های اصلی این رشته بومی و سنتی استان است. از رشته‌های فعال و شاخص استان می‌توان به چادر شب‌بافی، نمدمالی معرق‌کاری، قلم‌زنی، زیورآلات سنتی، لباس محلی قاسم‌آبادی، دیلمانی و تالشی، چهل تکه دوزی، قلاب دوزی، قلاب‌بافی، طراحی سنتی، صندوق بولاکی، چلنگری، چاقوسازی، چموش‌دوزی، گره چینی، کاشی معرق، شال‌بافی، چوب‌تراشی، منبت خراطی، بامبوبافی، حصیربافی، مروارید بافی، جاجیم‌بافی، صنایع‌دستی



چرمی، رودوزی‌های سنتی، سفالگری سرامیک، تراش شیشه، نقاشی روی شیشه، نقاشی روی سفال، قالیبافی، مُشبک‌کاری، دست‌بافت‌های سنتی، گیوه‌بافی، نگارگری و گلیم‌بافی اشاره داشت.

بازار بزرگ میوه و تربار و ماهی‌فروشان نیز یکی از بازارهای معروف دیدنی و پرجنب و جوش شهر رشت است. این بازار به دلیل تنوع محصولات بومی، محلی و ماهیان متنوع مورد توجه شهروندان به ویژه مسافرین و گردشگران داخلی بوده و از رونق اقتصادی خوبی برخوردار است.

پیام نوروزی استاندار به مسافران

استاندار گیلان درباره موقعیت و استعدادهای گیلان در زمینه جذب توریسم و گردشگر و نقش مهم این صنعت در ایجاد اشتغال و اهمیت آن در رشد و توسعه اقتصادی گیلان، گفت: این صنعت نقش مهمی در ایجاد اشتغال و پویایی اقتصادی دارد.

کیهان هاشم‌نیا در ادامه صنعت گردشگری را با اهمیت خواند و گفت: این صنعت نقش فعال و موثری در ساختار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشورها بازی می‌کند.

وی در ادامه با اشاره به این که گردشگری اهمیت بسزایی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه دارد، گفت: کشورهای در حال توسعه برای رشد و توسعه اقتصادی به صنایع و صنعتی شدن توجه ویژه دارند و پیشرفت را مترادف با صنعتی شدن می‌دانند.

او در ادامه افزود: گردشگری از سوی سازمان ملل به عنوان صنعت شناخته شده است تا در کشورهای جهان سوم یا در حال توسعه از مزایایی که برای این صنعت قائل



هستند برخوردار شوند.

او در ادامه مهمترین ویژگی‌های این صنعت را برشمرد و گفت: پایداری و ثبات آن در برابر نوسان‌های اقتصادی به ویژه در مواردی است که تولیدات صنعتی با کاهش مواجه می‌شود.




جدول نوروزی: پس از حل جدول حروف خانه‌های شماره دار را به ستون پایین منتقل کنید تا به رمز جدول دست یابید.



۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
اثری از استاد مطهری	پیام تبریکی به شما عزیزان	روز آشتی با طبیعت		خدمتگزار / شهر و تیم فرانسوی	لنگه / کلمه پرسشی		گچ خیاطی		حرف اول الفبای یونانی	دومین بخش معده گاو	پیام آور نوروز / عید دیدنی	
	۱						۳		نام دخترانه			
۵				۱۹		پیچیدن / دعای زیرلب			حواس پرت / نوعی قطع کتاب		۹	
واقعه / کشتی جنگی	۲۹						از روی قصد / دکان کوچک					
۲۱			سرپیچی / ماه زمستانی			۲		جمع حرف	۲۶		۳۰	
کلاه جنگی / پارسایی		۱۸		وسلیه احتیاطی / حرف آخر				کشور عربی شمال آفریقا	۲۸			
روشن و آشکار کردن					۴	جداگانه تلفظ کردن حروف کلمه	۲۵			واحد مساحت / پول اسپانیا		۱۰
۲۴												
هوای متحرک / جنس مذکر	۱۵									سد خوزستان / او		۳۱
		عید باستانی ایرانیان										از آیین های نوروزی
صحبت صمیمانه / پول ژاپن										همان دختر است		
	۳۴	۲۲								قایقران قهرمان کشورمان	لقب آرش پهلوان حماسی	
امتحان لباس / پرحرفی			هواپیمایی ملی افغانستان	۱۷	فن / ورقه			گشاده / خدای خورشید مصریان	همراه چین / سوره مردم			
زیارت کنندگان			۲۷		لیست نمرات دانش‌آموز			۲۰			۶	
سران / ضمیر جمع				۳۲			خوی ها و خصلت ها / بسیار بخشنده		۱۳			
۸		یک خودمانی / شهر کعبه			ضمیر خارجی / شهر تاریخی خوزستان			بخشی از ظرفشویی / هر طرف ترازو				۷
				بسیار شک کننده / مروارید درشت			۳۳		طپانچه	گام بی انتها / جهت		
پیشینیان	خانه زنبور عسل	۱۶		۱۲		سفره ایام نوروز				۱۱		
از آیین های نوروزی					۲۳							۱۴

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴

طراح جدول:غلامحسین باغبان



یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر اللیل و النهار
یا محول الحول و الاحوال حوّل حالنا الی احسن الحال

سخن سردبیر

آیینه و چراغ

علیرضا خانی

پستوها و دهلیزهای تودرتوی زیستگاه آدم‌های این عصر، چه خصوصی و چه عمومی، به طور بی‌رحمانه‌ای با جادوی رسانه‌ها، حجاب برافکنده و بی‌رخت، در معرض و مرآی عالم و آدم، رخ نمایی می‌کند.

رسانه‌های به غایت مدرن و پیچیده، همه حصارهای بشر را شیشه‌ای و شفاف کرده و از پس آن، آنچه خوبی و بدی است را یکجا عیان کرده‌اند. این اتفاق بزرگی است که آن سرش ناپیداست اما همین سویش که نمودار است، آثار و عواقبی سخت و خراشناک نصیبمان کرده است.

جهان شیشه‌ای، آن‌گاه خوب و نیکو و سازنده است که آیینه‌های مدوّر لنز دوربین‌ها و مسطح کاغذِ روزنامه‌ها، پژواک پاکی و انعکاس انسانیت و بازتاب پندارهای پاکیزه و کردارهای کریمانه و گفتارهای حکیمانه آدمیان تکامل یافته و بزرگ شده را به گوشه‌گوشه زمین و آسمان مخابره کند، نه تصویر و صوت پلشتی‌ها و بی‌رحمی‌ها و جنایت‌ها و شقاوت‌ها و نفاق‌ها و کین‌توزی‌های موجودات دوپایی که خود را اشرف مخلوقات می‌دانند و گرگ و گراز صحرا از یادآوری کارهاشان شرم دارد.

رسانه‌ها، در جهان امروز (که به گونه حیرت‌زایی مدرن و توانا شده‌اند) بی‌اغراق، بیش از آنکه تصویر انسانی از بشر بازتاب دهند، صحنه‌های پلید و زجرآور و شرم‌بار را منعکس می‌کنند.

گفته می‌شود طبع و طبیعت بشر است که به این‌سو تمایل بیشتری دارد. برای همین است که صفحات حوادث روزنامه‌ها بیش از صفحات فرهنگی خواننده دارد و فیلم‌های جنایی بیش از فیلم‌های انسانی، بیننده.

رسانه‌ها نیز، ضرورتاً برای اینکه پاسخی به طبع و خواست مخاطبان بدهند، به این سو رو می‌آورند تا نامی به کف آرند و نانی. اما شک و شبهه مهم‌تر آن است که این «طبع» را چه کسی خلق کرده است. مگر نه اینکه این طبع را همین رسانه‌ها، به بینندگان و خوانندگان خود تحمیل و تزریق کرده‌اند تا نامی به کف آرند و نانی!

رسانه‌ها، از اوان کودکی، با بازی‌های دیجیتالی و فیلم‌های اکشن، چهره سفاک بشر را به عنوان نماد انسان عصر حاضر برای ما جا می‌زنند و این است که هر شبکه را که باز می‌کنیم پیش از آنکه اخبار تولد را بگوید، آمار مرگ می‌دهد. فرقی نمی‌کند در کجا باشد. عراق، افغانستان، سوریه، مالی، سومالی یا هر آبادی و ویرانه دیگر. بعد، بلافاصله اخبار تهدیدها را مخابره می‌کنند که بوی مرگ می‌دهد. فرقی نمی‌کند که تهدید آمریکا باشد توسط کره شمالی یا القاعده باشد توسط آمریکا، ایران باشد توسط غرب یا شیعیان پاکستان و آوارگان افغانستان و... همین‌طور بعد از اخبار تهدید، تحلیل‌های «تهدیدهای بالقوه» می‌آید، یعنی اتفاقاتی که در آینده ممکن است منجر به تهدید شود و آنگاه تهدید منجر به جنگ و آنگاه قتل و جنایت و آدم‌کشی و سبوعیت...

این چهره «رسانه‌های جهانی» امروز است. مرگ و جنگ و جنایت، برتری مطلق و بلامنازعی دارد بر زندگی و صلح و انسانیت. تا جایی که این روش و رویّه، به عنوان اصول حرفه‌ای رسانه‌ای در دنیا شناخته شده است و در مدارس روزنامه‌نگاری تدریس می‌شود. رسانه‌های ما نیز از این اصل و مشی، مستثنی نیستند. کافیست، فارغ از هرگونه سوگیری و پیشداوری، ترتیب و اهمیت و اولویت خبرها را ببینید. آشکار است که اخبار فساد بر درستی اولویت دارد و اخبار اختلاس بر پاکدستی و اخبار جنگ بر صلح و اخبار دزدی و شرارت، بر آرامش و سلامت.

ما، به عنوان یک رسانه، نمی‌توانیم این قرار و قاعده را در رسانه‌های عالم برهم زنیم و این رویه و روش را، حتی از رسانه‌های هم‌دیارمان باز گیریم. آنچه می‌توانیم این است که خود، به این راه ناراست و مشی مخاطره‌انگیز که بدی‌ها و پلشتی‌ها را در ذهن و روح نسل‌های نو، عادی و طبیعی جلوه می‌دهد، تن ندهیم.

بر همین اصل و اساس است که اگر خوانندگان می‌بینند که اخبار رویدادهای دردناک، چه جنایتی باشد در دل شب، در دهلیز کوچه‌ای تاریک، چه خطابتی باشد در دل روز، در صحن مجلسی روشن، کمتر و کمرنگ‌تر بر صحیفه جریده‌مان بازمی‌تابد، بر ما خرده نمی‌گیرند که رسانه باید کبوتر پیام‌آور صلح باشد و قاصدک خبررسان بهارِ دل‌انگیز و معطر و زندگی‌بخش و مهرآفرین تا جغد بی‌یُمن و بدشگون سیاهی و تباهی.

یک سال، همه تلاش و جهدمان بر استقرار این باور و برداشت در روزنامه اطلاعات بود؛ تا اخبار هول‌انگیز را، فقط تا آن حد که ضرورت هشدار و انذار است بازتابانیم و رویدادهای روح‌انگیز را تا آن مقدار که کامبخش روح خسته و تشنه بشر معاصر و جامعه امروز است، مقابل آیینه و چراغ بگذاریم. و این آموزه پیامبر و پیامبران است که نیکی‌ها را بگویید و باز گویید و سیاهی‌ها را، خاک بپاشید و بپوشانید.

درباره نوروز، سخنی نمی‌گویم که هزار بار بهترش را ادیبان و عالمان و سخنوران، در صفحات پیش رو گفته‌اند و مادر طلیعه سال، این سخن‌های نرم و نغز را برایتان ارمغان آورده‌ایم. فقط یک کلام که: نوروز هر چه نباشد، برای اطفال لذت رخت نو و برای جوانان، رؤیای بخت نوست... و روز نو، برای همه ما امید و نوید روزگار نوست؛ روزگاری که نشاید با چشم‌های شیفته منتظر آن بمانیم بلکه باید با دست‌های هنرمندمان معمار آن باشیم.

عدالت و فرهنگ ایرانی

■ دکتر اصغر دادبه

تعریفی را که قدما، در فرهنگ ایرانی–اسلامی از عدالت به دست داده‌اند گویاتر از گویاست؛ عدالت، نهادن هر چیز است در جای خود و لاجرم ظلم، نهادن چیزهاست نه در جای خود. وقتی آزادی کسی سلب می‌شود، وقتی مال مردم ربوده می‌آید، وقتی کسی را که شایسته مقامی نیست در آن مقام قرار می‌گیرد، وقتی بیشتر از آنکه باید، یا کمتر از آنکه باید به کسی امکانات داده می‌شود، جمله، نهادن چیزهاست، نه در جای خود و ظلم است و پایمال شدن عدالت. و اگر عکس آن تحقق یابد عدالت است. بنابراین عدالت، بنیاد تمام ارزش‌های انسانی است که در اعلامیه حقوق بشر بدانها توصیه و بر آنها تاکید شده است. جنگ‌های خانمان سوز هم که به نام تحقق عدالت صورت می‌پذیرد، غالب آنها یکسره بی‌عدالتی است و مردم آزاری. اصطلاحی هست در فرهنگ و ادب فارسی موسوم به «کم آزاری». «کم» در این ترکیب، در برابر «بیش» نیست؛ بلکه پیشوند منفی کننده است یعنی «بی‌آزاری» و نیازردن مردم، که من در جایی گفته‌ام و نشان داده‌ام، اساس اخلاق ایرانی است (سخنرانی یادروز سعدی، شیراز، اول اردیبهشت ۱۳۸۸) و توصیه به آن، توصیه به تحقق و گسترش عدالت است و تحقق تمام حقوق انسانی. در سلسله‌الذهب جامی می‌خوانیم؛ به امر هرمز بن کسری منادی ندا می‌کرد که:

عنان در کف هوس منهید
پای در کشتزار کس منهید
فی المثل هر که خوشه‌یی شکند
پر کاهی ز خرمنی بکند
همچو خوشه به تیر دوزندش
خرمن از برق تیغ سوزندش

و چون سپاه از کنار تاکستان گذر می‌کرد و غفلت یکی از سپاهیان موجب شد تا اسب او خوشه غوره یی از تاک برکند یا شاخه یی را بشکند:

صاحب باغ برگرفت فغان
کای برافتاده از تو کیش مغان
اصل دین مغان کم آزاری است
جستی آزارم، این چه دینداری است

اصل «کم آزاری» که اساس اخلاق در فرهنگ ایرانی است در یکی از غزل‌های کم مانند حافظ به مطلع:

بنال بلبل اگر با منت سر یاری است
که ما دو عاشق زاریم و کار ما زاری است

این گونه بیان شده است:

دلش به ناله میازار و ختم کن حافظ
که رستگاری جاوید در کم آزاری است

و در غزلی دیگر به مطلع:

جز آستان توام در جهان پناهی نیست
سر مرا به جز این حواله گاهی نیست

این سان، هنرمندانه، گزارش شده است:

مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن
که در شریعت ما غیر از این گناهی نیست

در نگاه حافظ و دیگر فرهیختگان و سخنگویان فرهنگ ایران، کلید گنج سعادت و عدالت، همانا کم آزاری است و اگر این امر تحقق یابد عدالت، تحقق می‌یابد و با تحقق عدالت، هر کس، چنانکه باید، به حق خود می‌رسد. از حق آزادی و انتخاب باور گرفته تا حق مالکیت و سایر حقوق. به همین سبب که حافظ مصراعی بلند از استاد سخن و حکمت، سعدی، در گلستان وام می‌کند تا از بابت نداشتن زور مردم آزاری، خدای را سپاس گوید. بیت سعدی که خود نظریات اخلاقی خویش را بر بنیاد اصل «کم آزاری» پرداخته است، چنین است:

چگونه شکر این نعمت گزارم
که زور مردم آزاری ندارم

و بیت حافظ، چنین:

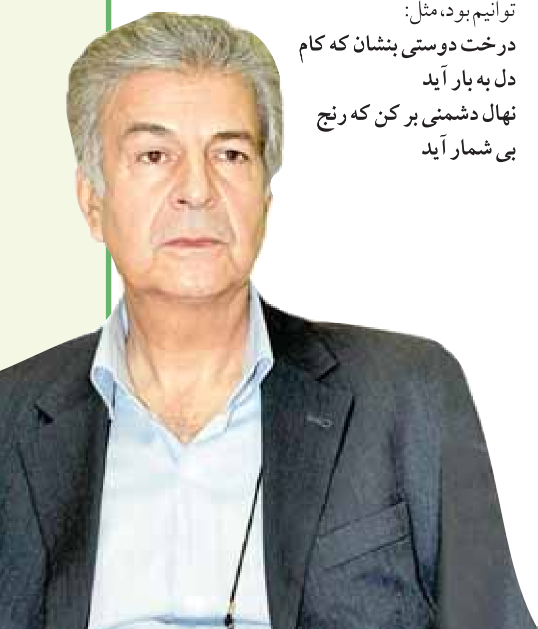
من از بازوی خود دارم بسی شکر
که زور مردم آزاری ندارم

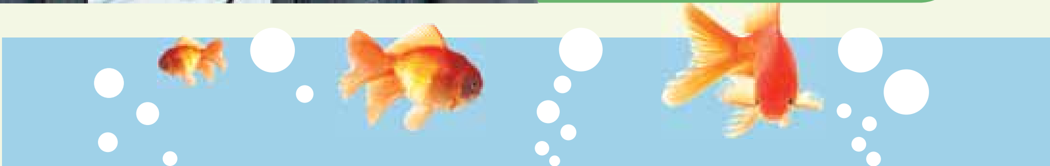
تاکید حافظ در بیت «دلش به ناله میازار...» بر این معنا که هرگونه آزردن، حتی آزردن دل کسی با ناله و زاری، کم آزاری و مردم آزاری است و رستگاری جاوید در گرو پرهیز از هرگونه آزردن و آزار دادن است، نشان می‌دهد که دنیای آرمانی حافظ که همانا دنیای آرمانی در فرهنگ ایرانی است، دنیایی است آکنده از عدل و داد و تهی از ظلم و بیداد که در آن هر کس به حق خود می‌رسد. لازمه کم آزاری مهرورزی است. اساس فرهنگ ایرانی و فلسفه ایرانی، که فلسفه اشراقی و عرفانی است، عشق و مهرورزی است؛ عشق، هم بنیاد هستی است، هم ابزار معرفت و هم مادر فضایل. با مهرورزی و عشق می‌توان به معرفت و به کمال رسید. کسی که عاشقی کند و مهر بورزد و به دیگران به چشم مهر بنگرد، مردم آزار نیست، کم آزار است، نسبت به خود و نسبت به دیگران مهربانانه و مهرورزانه رفتار می‌کند و به فضایلی دست می‌یابد که لازمه سعادت فرد و جامعه است، فضایلی که لازمه تحقق پیام‌های انسانی است که در تمام بیانیه‌های انسانی در طول تاریخ و از جمله در اعلامیه حقوق بشر آمده است «جنگ هفتاد و دو ملت» که به گفته حافظ حاصل ندیدن حقیقت و نتیجه کج اندیشی است، پایان می‌گیرد و آیین مهر و مذهب عشق بر روابط مردم سایه می‌افکند چرا که:

آنجا که کار صومعه را جلوه می‌دهند
ناقوس دیر راهب و نام صلیب هست
در عشق خانقاه و خرابات فرق نیست
هر جا که هست پرتو روی حبیب هست

در چنین حال و هوایی که ارزش‌هایی چون نوعدوستی و تساهل و تسامح و مدارا و... حاکمیت می‌یابند؛ ارزش‌هایی که جای جای در سخن حافظ شاهد آن توانیم بود، مثل:

درخت دوستی بنشان که کام
دل به بار آید
نهال دشمنی بر کن که رنج
بی شمار آید







توصیه‌های ایمنی و نوروزی فرمانده انتظامی استـــان یـــزد



فرمانده انتظامی استان یزد سرتیپ ۲ پاسدار منوچهر امان اللهی

آمدن بهار، حیات دوباره طبیعت را نوید می‌دهد که بی‌شباهت به روز موعود نیست، آن هنگام که دوباره متولد می‌شوند و در محضر حضرت دوست نظاره‌گر نتیجه اعمال خویشند، چه زیباست که قبل از رسیدن به آن روز اکنون همراه شویم با آواز دل‌انگیز بهار و پرندگان غزلخوان و از خدای خویش بخواهیم که ای مقلب القلوب دلهامان را از نور ایمان و عشق به خودت و همه آفریدگانت لبریزگردان، ای مدبر الیل و النهار روزگار و زندگیمان را چنان تدبیر کن که خود می‌پسندی، و ای محول الحول و الاحوال حالمان را چنان دگرگون کن که به جز تو به هیچ نیاندیشیم و حالتی بیابیم که قادر باشیم صفات رذیله را از خود دور کرده و صفات نیک را کسب نماییم.

بی‌شک آنچه از منظر اینجانب بعنوان خدمتگزار کوچک مردم استان دارالعباده یزد حائز اهمیت و تاکید ویژه است مقوله امنیت پایدار و تلاش همه جانبه برای صیانت از این موهبت الهی است که در پرتو نظام مقدس جمهوری اسلامی محقق شده است، این مهم تحقق نیافته است مگر با مشارکت حداکثری مردم و تلاش فرزندان آنها در لباس مقدس پلیس. اکنون که درآستانه یک رویداد سنتی و بزرگ قرار گرفته‌ایم و معتقدیم که صله ارحام در این زمان بیشتر از هر زمان دیگری در طول سال پررنگ‌تر می‌شود و بدینوسیله دیدارها تازه و جان‌ها آسوده می‌گردد ما با بکارگیری تمامی توان نخواهیم گذاشت که فرصت‌طلبان گرگ صفت از این فرصت استفاده و سفر میهمانان و هموطنان عزیز را تلخ نمایند. اما در این خصوص لازم است شهروندان با بکار بستن توصیه‌های پلیس در قبل، حین و بعد سفر امکان سوءاستفاده را به سودجویان ندهند.

اهم توصیه‌های ما به شرح زیر است:

آداب سفر

تعطیلات سال نو در پیش است و عده‌ی بسیاری از هم‌وطنان عزیز به سفر می‌روند، چه مسافرت‌های دیداری و صله‌ی رحم، چه برای زیارت و چه به قصد تفریحات سالم، که هر سه نوع آن پسندیده است.

بسیار سفر باید، تا پخته شود خامی

مسافرت فواید بسیاری دارد که کسب تجربه و پختگی، آشنایی و ارتباط‌های جدید، از آن جمله‌اند.

سفر، آزموده کند مرد را
هم از دل براند غم و درد را
ز گیتی بدو نیک، بنمایدش
وز آن گنج دانش بیفزایدش

آداب سفر طبق تعالیم دینی:

۱ ـ خداحافظی کردن از خانواده و بستگان از سوی مسافر، بدرقه کردن کسی که به سفر می‌رود از سوی اهالی و بستگان
۲ ـ شروع کردن سفر با «صدقه» جهت سلامتی و رفع و دفع بلاها
۳ ـ خواندن دو رکعت نماز، دعا کردن (جان و مال) و خانواده را به خدا سپردن و بر او توکل کردن
۴ ـ خواندن این دعا «بسم‌الله، آمنت بالله، توکلت علی‌الله، لاحول ولا قوه‌الابالله)
۵ ـ رعایت اخلاق خوب با همسفر در طول مسافرت
۶ ـ مراعات حال همسفر را نمودن در صورتی که خسته یا مریض باشد
۷ ـ همکاری در کارها، بر عهده گرفتن کارهای سنگین در مسافرت
۸ ـ گوش دادن به حرف بزرگترها

هشدارهای انتظامی جهت کنترل وسیله نقلیه قبل از سفر

۱ ـ حتماً سطح آب رادیاتور را بازرسی نمائید.
۲ ـ مخزن شیشه‌شوی را بررسی و آب درون آن را تا نقطه معین پر نمائید.
۳ ـ لاستیک‌ها را از نظر فرسودگی بررسی نمائید و در صورت فرسوده بودن و نداشتن آج کافی آنها را تعویض کنید.
۴ ـ تنظیم باد لاستیک‌ها از عوامل مهمی است که حتماً باید بررسی شود، کم یا زیاد بودن باد لاستیک‌ها باعث بالا رفتن مصرف سوخت و کشیدگی فرمان اتومبیل به طرفین می‌شود.
۵ ـ درست عمل کردن سیستم ترمز و ترمز دستی از موارد بسیار مهمی است که شما باید حتماً به آن توجه کنید زیرا در جاده‌ها و آزادراه‌ها به دلیل اینکه سرعت وسیله نقلیه از مناطق داخل شهر بیشتر است ایمنی و سلامت سیستم ترمز از اهمیت خاصی برخوردار است. اگر لنت‌های وسیله نقلیه به خوبی عمل نمی‌کنند سعی کنید قبل از آغاز سفرتان آنها را تعویض کنید.
۶ ـ فرمان خودروی خود را از نظر (نداشتن خلاصی) و روان بودن و نداشتن پوسیدگی در قسمت‌های جعبه‌فرمان بررسی نمائید.
۷ ـ بررسی تمام سیستم‌های روشنایی از قبیل چراغ‌های ترمز، دنده عقب، دینام، چراغ‌های عقب و جلو، نور پائین و بالا، راهنما، چراغ‌های پشت صفحه کیلومتر بسیار اهمیت دارد، خرابی هر کدام از این قسمت‌ها می‌تواند در طول مسیر شما را دچار مشکل کند.
۸ ـ بوق، برف‌پاک‌کن، کیلومتر شمار، دور سنج موتور، درجه بنزین و آب را چک نمایید.
۹ ـ همیشه لاستیک زاپاس را چک نمائید، جک و جعبه آچار و کمک‌های اولیه و کپسول آتش‌نشانی که از مهم‌ترین وسایل ضروری در وسیله نقلیه می‌باشد را فراموش نکنید.
۱۰ ـ به همراه داشتن پتو، چراغ‌قوه، طناب، شیشه‌آب، لوازم یدکی خودرو می‌تواند هنگام بروز مشکل یاری‌گر شما باشد.
۱۱ ـ قبل از سفر وضعیت راه‌ها را از طریق رسانه‌های جمعی جویا شوید.

هشدارهای انتظامی رعایت انضباط اجتماعی و ترافیکی و پیشگیری از حوادث در سفر

۱ ـ از اسکان در محل‌های متفرقه و اماکن ناشناس خودداری نمایید.
۲ ـ به هنگام سوار شدن در وسایل نقلیه شماره و کد خودرو را حتماً به خاطر بسپارید.
۳ ـ اشیای گران‌قیمت و با ارزش خود را حتماً نزد مسئولین اقامتی سپرده و رسید دریافت نمایید.
۴ ـ به اشخاص بیگانه و ناشناس در نگهداری وجوه و یا اشیای خود به خصوص در مکان‌های شلوغ اعتماد نکنید.
۵ ـ از دادن اطلاعات شخصی و مهم به افراد ناشناس خودداری نمایید.
۶ ـ اجازه سبقت به سایر رانندگان را نشانه ضعف خود ندانید.
۷ ـ استفاده از کمربند ایمنی ضامن سلامت شماست.

هشدارهای پیشگیری از سرقت خودرو:

ـ خودروی خود را به وسایل و تجهیزات ایمنی نظیر قفل فرمان، قفل پدال، و دزدگیر تجهیز نمایید.
ـ هنگامیکه از خودرو پیاده می‌شوید خودرو را حتی برای لحظه‌ای روشن نگذارید.
ـ هنگام خرید خودرو مشخصات کامل از قبیل شماره موتور، شماره شاسی، اتاق، رنگ و مدل آن را با اسناد و کارت خودرو دقیقاً مطابقت داده و آدرس محل سکونت و کار فروشنده را بخواهید.
ـ با اطمینان از اینکه فرزند خردسال شما در خودرو نشسته اتومبیل را رها نکنید، زیرا احتمال وقوع هرگونه حادثه ناگواری وجود دارد.
ـ از قرار دادن سند، کارت و دیگر اوراق شناسایی خودرو در داخل آن جداً خودداری نمایید.
ـ به هنگام سوار نمودن مسافر مشکوک به مقصد خارج از شهر و مناطق خلوت شهر در شبها دقت بیشتری نمایید.
ـ بعد از خریدن خودرو از افراد ناشناس نسبت به تعویض قفلهای درب و تجهیزات ایمنی آن اقدام کنید.
ـ از پارک کردن اتومبیل در نقاط خلوت و کم نور خودداری نموده و حتی‌الامکان در پارکینگ پارک نمایید.

هشدارهای پیشگیری از سرقت داخل خودرو:

ـ از قرار دادن کیف دستی و اشیاء قیمتی و وجه نقد در داخل خودرو خودداری نمایید.
ـ به هنگام دریافت وجوه نقد از بانک از قراردادن آن در داخل خودرو در زمان ترک خودرو و حتی برای یک لحظه جدا خودداری نمایید.
ـ ممکن است پس از خروج از بانک لاستیک اتومبیل شما توسط سارقین پنچر شود، در این صورت ابتدا نسبت به بالا بردن شیشه‌ها و قفل کردن درب خودرو اقدام و سپس شروع به تعویض لاستیک نمایید.
ـ اگر پنل ضبط خودروی شما قابل جدا شدن است حتماً بعد از خروج از خودرو آن را به همراه خود ببرید.
ـ به هنگام ترک خودرو از قرار دادن اسناد و مدارک مهم و همچنین اجناس با ارزش در داخل خودرو و صندوق عقب بپرهیزید.
ـ چشم سارقان به دنبال اجناس و وسایل گرانبهایی است که شما با عدم توجه به هشدارها داخل اتومبیل و صندوق عقب قرار می‌دهید.

هشدارهای پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات ف.ا.ا.یزد بمنظور جلوگیری از وقوع جرائم در فضای مجازی:

ـ برای پیشگیری از برداشت غیرمجاز حساب‌های بانکی، از مراجعه به کافی‌نت‌ها برای رصد کردن حساب‌هایتان پرهیز کنید.
ـ اطلاعات مربوط به حساب‌های بانکی خود را بر روی رایانه ذخیره نکنید.
ـ در برخی وب‌سایت‌ها مطالب و تیترهایی تحت عنوان ترفندهای افزایش شارژ آورده شده که با پیشنهاد و اجرای آن کاربران را با افزایش سه برابری شارژ تلفن وسوسه می‌کند. که این ترفندها کاملاً نادرست بوده و با وسوسه افزایش شارژ باعث انتقال شارژ تلفن همراه به تلفن فرد کلاهبردار خواهد شد.
ـ برای مصون ماندن از آسیب‌های اینترنتی از ارائه اطلاعات شخصی در فضای مجازی خودداری کنید
ـ نرم‌افزارهای فیلتر شکن و فیلتر شکن‌های رایگان، نشر اطلاعات شخصی شما را برای عموم آزاد می‌سازد به هیچ عنوان از آنها استفاده نکنید.
ـ از ذخیره اطلاعات شخصی خود بر روی رایانه‌هایی که با آن‌ها مستقیماً به اینترنت متصل می‌شوید، خودداری نمایید.
ـ اطلاعاتی را که نشان دهنده هویت شماست، ارسال نکنید و نام واقعی، شماره تلفن، نشانی و کلمه عبور را برای دوستان آنلاین به نمایش نگذارید و یا در صفحات اینترنتی شخصی و یا عمومی، ثبت نکنید.
ـ خانواده‌ها با آموزش به کودکان از فرزندان خود بخواهند در حوزه مجازی به درخواست کاربرانی که نمی‌شناسند پاسخ ندهند و تحت هیچ عنوان اطلاعات شخصی و مالی خود را برای افراد ناشناس ارسال نکنند.

قائم مقام وزیر و مدیرکل راه و شهرسازی استان یزد خبر داد:

تأمین سفری امن و ایمن برای مسافران نوروزی استان یزد

اشاره ...

سفر از طریق جاده و در مقایسه با سایر بخشهای حمل و نقل و بنا به دلایل متعددی نظیر انعطاف پذیری، سهولت دسترسی به وسیله نقلیه ، امکان بهره مندی مستقیم و غیر مستقیم از جاذبه های موجود در طول سفر همواره جذاب و مورد استقبال عموم بوده است.

هرچند تمامی دستگاههای ذی ربط در استان نظیر اداره کل راه و شهرسازی ،سازمان حمل و نقل و پایانه ها، نیروی انتظامی ،پلیس راه، جمعیت هلال احمر واورژانس هرساله در ایام تعطیلات نوروزی بسیج می شوند تا به مبارزه ای قاطع با حوادث رانندگی بپردازند اما به نظر می رسد کاستن از آمار حوادث رانندگی و در نتیجه کاهش تلفات و مصدومان این حوادث جزدر سایه همت ملی وعزم عمومی میسرنیست.

به همین مناسبت با آقای مهندس **غلامرضارضایی** قائم مقام وزیرو مدیرکل راه و شهرسازی استان یزد در خصوص توصیه های مهم و قابل توجه ایشان که رعایت آنها موجب افزایش ایمنی تردد در شبکه راههای کشور و استان یزد خواهد شد، گفت وگویی انجام داده ایم که پاسخ های ایشان به سوالات رادر زیر می خوانید.

* * * * *

یزد به دلیل واقع شدن در ناحیه مرکزی ایران و قرار گرفتن در محور های بین المللی ، همواره از نظرحمل و نقل جاده ای از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است .

مهندس رضایی با بیان این مطلبو تبریک سال نو به هم میهنان عزیز گفت: این استان در حال حاضر دارای ۱۰۶۱۱کیلومتر راه می باشد که از این مقدار۵۵۶کیلومتر بزرگراه و ۱۰۰۷کیلومتر راه اصلی و ۱۸۰۷کیلومتر راه فرعی و۲۳۵۳کیلومتر راه روستایی آسفالته است .

وی اضافه کرد: به جهت افزایش ایمنی در محور های مواصلاتی استان اقدامات بسیاری صورت گرفته است که بدون شک با رعایت قوانین و مقررات توسط رانندگان و مسافران محترم ، انشاا... تعطیلات نوروزی عاری از هرگونه حادثه و یا اتفاق ناگواری را برای هموطنان عزیز در محور های مواصلاتی خواهیم داشت که مهمترین اقدامات شامل ترمیم آسفالت جاده هابه صورت لکه گیری و انجام روکش حفاظتی ، شانه سازی و اصلاح شیب شیروانی محور ها، نصب علائم و تجهیزات ایمنی ،خط کشی وایجاد شیار های لرزاننده در حاشیه راهها و نصب دوربینهای نظارتی از جمله مواردی است که انجام شده است.

وی افزود: علاوه بر اقدامات انجام گرفته مورد اشاره در بالا ،برگزاری و شرکت در جلسات هماهنگی جهت اجرای مطلوب طرح نوروزی ۹۲ با حضور سایر دستگاههای مرتبط با طرح، از جمله جلسه مشترک بین روسای ادارات راه و شهرسازی و فرماندهان پلیس راه استان در جهت تعامل و همکاری بیشتر درایجاد سفری امن برای مسافران نوروزی ، استقرار اکیپهای راهداری و گشتهای نوروزی درمحور های مواصلاتی و پر تردد استان، از برنامه ریزیهایی بوده که این اداره کل انجام داده است . همچنین تهیه و توزیع بروشورهای آموزشی و نصب بنر های راهنما در محلهای ورودی و خروجی شهر و پایانه های مسافربری راه آهن و فرودگاه که باعث اطلاع رسانی و افزایش سطح آگاهی مسافران محترم میگردد، از جمله اقدامات این اداره کل بوده است.



وی در ادامه ،توصیه های راهداری برای رانندگان محترم را به شرح زیر بر شمرد:

-راهداران فرشته های نجات شما در جاده ها هستند و باید به توصیه های آنها توجه جدی کرد و من از هموطنانمان در خواست دارم با راهداران ما همکاری صمیمانه داشته باشند .

-علائم و تجهیزات ایمنی برای تامین سلامت رانندگان نصب شده اندباید به آنها توجه نمود و در نگهداریشان کوشا باشیم.

-مردم باید آگاه باشند که حریم راهها فضایی است برای کمک به حفظ ایمنی ترافیک عبوری ، انجام عملیات راهداری و ارتقاء سطح خدمت راه در آینده بنابراین باید از ریختن زباله و یا تجاوز به حریم راهها خودداری شود .

-به مسافران و رانندگان گرامی توصیه می شود قبل از مسافرت از وضعیت مسیر و محور مورد نظر خود به وسیله سامانه **۱۴۱** مرکز مدیریت راههای کشور و یا از طریق مرکز مدیریت راههای استان با شماره تماس **۸۲۸۶۹۶۰** کسب اطلاع نمایند .همچنین اخطارهای هواشناسی را نیز پیگیری نمایند



-روابط عمومی اداره کل راه و شهرسازی استان نیز آماده دریافت نظرات ، پیشنهادات و انتقادات شما عزیزان می باشد که می توانند از طریق سامانه پیام کوتاه **۱۰۰۰۳۵۱۱۴۱** یا پایگاه اطلاع رسانی www.yazdroud.irنظرات خودرا منعکس نمایند .

وی اضافه کرد: همکاران من در اداره کل راه و شهرسازی استان با تلاش شبانه روزی خود می کوشند تا بستر مناسبی را برای عبور و مرور مطمئن برای مسافران نوروزی فراهم کنند. در طرح نوروزی ۹۲ اکیپهای امدادی و راهداری این اداره کل با امکانات کامل در طول راهها حوزه استحفاظی استان از تاریخ ۹۱/۱۲/۲۵ تا ۹۲/۱/۱۶ برای کمک رسانی به مسافران محترم مستقرند.

مهندس رضایی در پایان افزود: بی تردید تلاش مضاعف همکارانم در طول تعطیلات نوروزی صرفا جنبه اخلاقی و نوع دوستی داشته و هدف ، تامین رضایت عزیزان مسافر می باشد تا زمینه ای فراهم شود که مسافران گرامی با اطمینان خاطر بیشتری به سفر خود ادامه دهند . راهداران ما به محض اطلاع از بروز نقص فنی در وسایل نقلیه مسافران به کمک آنها خواهند شتافت و در طول مسیر راهدارخانه های ما می توانند پناهگاهی امن برای مسافران در راه مانده باشند. در پایان ضمن آرزوی تعطیلاتی خوش، سفری بدون خطر را برای همه مسافران نوروزی و شادکامی را برای هموطنان عزیزمان از خداوند باری تعالی خواهانم.

مقدم میهمانان عزیز نوروزی را به استان یزد خوشامد می‌گوییم



سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای
اداره کل حمل و نقل و پایانه های استان یزد

مدیر کل حمل و نقل و پایانه های استان یزد تشریح کرد:

جایگاه حمل و نقل جاده‌ای استان یزد و تدابیر نوروزی



اشاره...

استان یزد با جمعیتی بیش از ۱۱۰۰۰۰۰ نفر ومساحت ۱۳۱۵۷۵ کیلومتر و بیش از ۳۴۹۴ کیلومتر راه اصلی وفرعی وبزرگراه با ۱۱ شهرستان به عنوان یکی از استانهای پیشرو درامر توسعه اقتصادی واجتماعی در مرکز ایران واقع گردیده است. استان یزد در بخش حمل ونقل جاده ای علی رغم گستردگی مناسب شبکه ریلی به لحاظ قرارگیری در کنار محورهای ترانزیتی و کریدور شمال جنوب و شرق و غرب از موقعیت خاصی برخوردار می باشد. وجود بیش از ۱۸۰۰۰ نفر راننده شاغل در بخش حمل و نقل جاده ای استان و سرمایه گذاری تعداد ۱۴۰۰۰ دستگاه کامیون توسط بخش خصوص در این زمینه و تردد روزانه ۱۷۵۴۲۶ دستگاه خودرو در محورهای مواصلاتی استان از جمله شاخصهای مثبت حمل ونقلی استان بشمار میرود.

عملکرد حمل ونقل جاده ای استان در بخش مسافر

محمد رضا بشیری ، مدیر کل حمل و نقل پایانه های استان یزد که بمناسبت فرا رسیدن سال نو با خبرنگار ما گفت و گو می کرد، بیان داشت : در یازده ماهه سالجاری بالغ بر ۱/۷۴۰/۰۰۰ نفرمسافرازمبدااستان به سایرنقاط کشورجابجا شده است. درحال حاضر تعداد ۴۱ شرکت وموسسه با تعداد ۷۵۵ دستگاه ناوگان اعم ازاتوبوس، مینی بوس و سواری کرایه در بخش حمل و نقل مسافری درسطح استان مشغول به فعالیت می باشند . گفتنی است، فروش بیش از ۴۲ درصداز بلیت های مسافری در خارج از پایانه مسافربری ازطریق فروش بلیت اینترنتی ودفاترسطح شهر، وب سایت های اختصاصی ومشترک صورت می گیرد.

وی افزود: ضمنا درسال گذشته اجرای طرح همنامی ۴ شرکت مسافربری،ایجادوتوسعه دفاترفروش بلیت درسطح شهر،ایجادوب سایت اختصاصی ومشترک شرکت مسافربری ، نوسازی ناوگان برونشهری،فروش بلیت از طریق وب کیوسک و اجرای طرح همنامی شرکتهای مسافربری به مقصد تهران، نصب تلفنهای GSMدر اتوبوسهای بین شهری، رتبه بندی شرکتها، انتقال دفاتر شرکتهای مسافربری از محل ترمینال به سطح شهر و ساماندهی نمایش فیلمهای سینمایی ونصب کتابخانه درداخل اتوبوسها وصدور صورت وضعیت «بر خط» در دستور کار اداره کل حمل ونقل وپایانه های استان قرارداشته ودارد .

تدابیر نوروزی

مهندس بشیری ، اهم اقدامات اداره کل حمل ونقل و پایانه های استان یزد در ایام نوروز ۹۲ را به شرح زیر اعلام کرد:

۱- اجرای طرح نوروزی از تاریخ ۹۱/۱۲/۲۴ لغایت ۹۲/۱/۱۶

۲- پیش فروش بلیت اینترنتی از تاریخ ۹۱/۱۱/۲۳ لغایت ۹۱/۱۱/۳۰ به صورت اینترنتی و ازتاریخ ۹۱/۱۲/۱ به بعد به صورت (حضوری و اینترنتی)

۳- هماهنگی با کلیه تشکلهای صنفی و شرکتهای مسافربری سطح استان به منظور عدم ارائه سرویس دربستی در روزهای ۹۱/۱۲/۲۴ لغایت ۹۲/۱/۱ و همچنین ۹۲/۱/۱۲ لغایت ۹۲/۱/۱۶

۴- هماهنگی با مراکز آموزشی و پادگانها جهت ارائه برنامه زمانبندی شده جهت اعزام دانشجویان و سربازان به مقاصد خود

۵- هماهنگی با کلیه دستگاههای مرتبط استانی در ارتباط با توزیع به موقع صورت وضعیت –تامین سوخت ناوگان مسافربری-کنترل و نظارت بر نرخ و همچنین کنترل و نظارت بر ترمینال از نظر بهداشتی

۶- هماهنگی با شرکتها و موسسات مسافربری و تشکلهای صنفی در خصوص انجام نظارتهای لازم بمنظور بکارگیری ناوگان دارای استاندارد فنی و ایمنی به ویژه بکارگیری ناوگان دارای عمر ۵ سال و کمتر در ارتباط با بازدید از مناطق جنگی در قالب کاروانهای راهیان نورو اعزام دانشجویان جهت اردوهای زیارتی و سیاحتی

۷- با عنایت به موافقت مقام عالی وزارت و بمنظور جبران بخشی از زیان ناشی از تردد یکسر خالی ناوگان مسافربری در ایام نوروز و کاهش زیان اقتصادی فعالان این بخش در جهت ایجاد انگیزه لازم برای ارائه خدمات مطلوب و سریع نرخ جابجایی مسافر در ایام طرح نوروزی به میزان ۲۰ درصد افزایش می یابد وپس از اتمام دوره طرح نوروزی نرخ به حالت اولیه خود بر می گردد

۸- هماهنگی با کلیه ادارات سراسر کشور بمنظور تامین ناوگان جایگزین و دارای استاندارد با هماهنگی شرکتهای طرف قرارداد خود در این استان

۹- تشکیل جلسه با کلیه شرکتهای مسافربری سطح استان بمنظور برنامه ریزی و هماهنگی های لازم و ایجاد تمهیدات در خصوص سرویس دهی مناسب و ارائه خدمات و تسهیلات هر چه مطلوبتر به مسافرین محترم

۱۰- تشکیل جلسه با اعضاء کمیته حمل و نقل استان (اعم از شورای ترافیک-راهنمائی و رانندگی-فرودگاه-صنعت، معدن و تجارت-تاکسیرانی-قطارهای مسافربری رجاء نمایندگی یزد و اتوبوسرانی) بمنظور برنامه ریزی و هماهنگی های لازم در خصوص ارائه خدمات مطلوب به مسافرین

۱۱- توزیع فرم نظرسنجی پست جواب قبول (با هماهنگی تشکلهای صنفی و کلیه شرکتهای مسافربری) در داخل ناوگان اتوبوسی تحت پوشش شرکتهای مسافربری

۱۲- با توجه به اعلام انجمن صنفی کارفرمائی شرکتهای مسافربری مبنی بر معرفی سایت فروش و رزرو بلیت اطلاع رسانی لازم در ارتباط با معرفی سایت : www.yazdmosafer.ir جهت انجام خدمات لازم در جهت رزرو بلیت اینترنتی به تعداد ۱۷ شرکت مسافربری

۱۳- ابلاغ دستورالعمل ۳۰ ماده ای جهت کلیه شرکتها وموسسات مسافربری و تشکل های صنفی



۱۴- تعیین بیش از ۳۵ دفتر فروش بلیت در سطح شهر جهت ارائه خدمات رزرو بلیت به صورت حضوری

۱۵- تعداد کل ناوگان (۷۵۵ دستگاه) به تفکیک : اتوبوس ۴۰۰ دستگاه-مینی بوس ۸۰ دستگاه و سواری کرایه ۲۷۵ دستگاه

۱۶- بازدید از مساجد ، نمازخانه ها و اماکن بین راهی به همراه گروه بازدید مشترک با دستگاههای ذیربط

۱۷- تکثیر و توزیع cd های مربوط به پخش فیلم های دارای مجوز وزارت ارشاد در داخل اتوبوس در راستای ساماندهی نمایش فیلم در داخل اتوبوسها

عملکرد حمل ونقل جاده ای استان در بخش مرکزمدیریت راهها

وی در پایان اضافه کرد: در سال ۸۹ بمنظور کنترل ترافیک جاده ها تعداد ۱۰ دستگاه دوربینهای نظارت تصویری و ۱۰دستگاه دوربینهای پیشرفته ثبت سرعت ثابت در محورهای مواصلاتی استان نصب گردیده . همچنین بمنظور کنترل رفتار ترافیکی و براورد میزان تردد، تعداد ۵۰دستگاه ترافیک شمار الکترونیکی در سطح محورهای استان نصب گردیده است .

ضمناً، روابط عمومی این اداره کل نیز آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات همشهریان محترم با سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۱۴۳ و پایگاه اطلاع رسانی www.yazdrmto.ir به صورت شبانه روزی می باشد.






پیام‌نوروزی شهردار خرم‌آباد:

به‌خرم‌آباد دیار فلک الافلاک و مهد تمدن خوش آمدید

شهرداریها سازمان‌های محلی و منتخب مردم هستند که در چارچوب قوانین و مقررات مربوطه از محل درآمدهای محلی، امور خدماتی و عمران شهری را اداره می‌کنند لذا نگاه شهرداریها برای انجام وظایف و مسئولیت‌های خود به دست مردم است تا در پرداخت دیون شهروندی خود شامل عوارض سالانه، عوارض ساختمانی، عوارض نوسازی و... سهل انگاری نکنند.

شهرداری خرم‌آباد در سالی که گذشت با همت و تلاش پرسنل زحمت‌کش شهرداری و همکاری وهمیاری اعضای محترم شورای اسلامی‌شهر، تغییراتی اساسی و چشمگیر را در سطح شهر خرم‌آباد ایجاد و چهره شهر را تا حدود زیادی دگرگون کرده است و به همین خاطر، در سال جدید گردشگران و میهمانان و مسافران نوروزی چهره جدیدی از خرم‌آباد را مشاهده خواهند کرد و شاهد اجرای فعالیت‌های عمرانی و توسعه مبلمان شهری خواهند بود که این امر نشانگر تلاش مسئولان و مدیران شهری و مشارکت و توجه جدی مردم در پرداخت به موقع عوارض است.

اینجانب به‌عنوان شهردار خرم‌آباد برخود لازم می‌دانم، فرارسیدن سال نو و ایام نوروز سال ۱۳۹۲ را به همه همشهریان و مردم فهیم، نجیب و میهمان نواز و قدرشناس خرم‌آباد و نیز کلیه گردشگران، مسافران نوروزی و میهمانانی که از سراسر کشور عزیزمان ایران به لرستان و به ویژه شهر تاریخی و زیبای خرم‌آباد سفر می‌کنند، تبریک عرض نمایم.

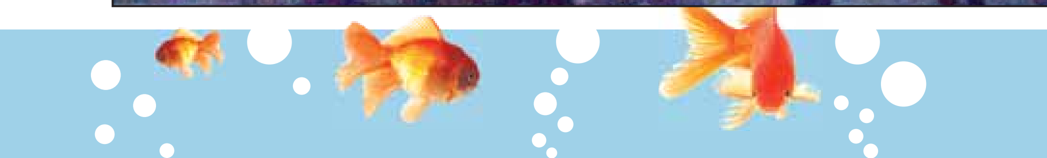
خداوند منان را شاکر و سپاسگزاریم که در ایام نوروز توفیق خدمت و میهمان نوازی از میهمانان عزیز و گرامی و مسافران نوروزی را به ما عطا فرمود تا با همه وجود و تمام توان و امکانات موجود به شما عزیزان خدمات مناسب ارائه دهیم و بستر و زمینه آسایش و راحتی سروران گرامی و میهمانان عزیز را فراهم آوریم تا از آثار و جاذبه‌های متنوع تاریخی، فرهنگی و گردشگری و طبیعت دل‌انگیز شهر خرم‌آباد بازدید کرده و لذت ببرید.

گامهایتان را به شهر خرم‌آباد (دیار فلک الافلاک) گرامی می‌داریم و امیدواریم که در پایان سفر با خاطراتی خوش و به یاد ماندنی خرم‌آباد را ترک نمایید.

هرمز نصیری
شهردار خرم‌آباد











پیام‌نوروزی رئیس شورای اسلامی شهر خرم‌آباد:

به شهر کهن و تاریخی خرم‌آباد خوش آمدید

شـهرداری‌ها در حقیقت حلال مشکلات زندگی اجتماعی در جوامع شـهری تلقی می‌شوند و مردم انتظار دارند محیط زندگی آنها پاکیزه، سـیمای شـهر و خانه‌هایشـان زیبنده‌شأن، مقام و منزلت اجتماعی سـاکنانش باشد و سـطح رفاه و آسایش مردم متناسـب با نیازهای روز ارتقاء پیدا کند، لذا ارائه خدمات بهتر و مطلوب‌تر به شهروندان، اجرا و پیشبرد فعالیت‌های عمران شهری، زیباسازی و نوسازی مبلمان شهری و بالابردن سرانه فضای سبز شهرها مستلزم پرداخت به موقع عوارض و مطالبات شهرداری‌ها از سـوی مردم شهرنشین، شرکت‌ها و نیز دستگاه های اجرایی و دولتی است.

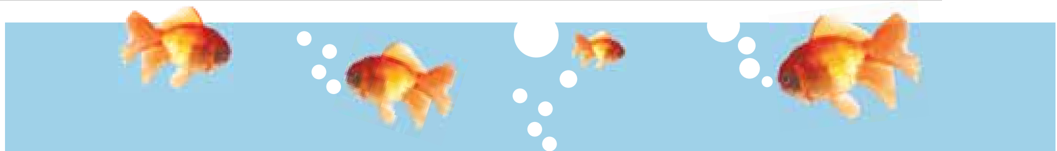
اینجانب به‌عنوان رئیس شـورای اسلامی شهر و به نمایندگی از طرف اعضای محترم شـورای اسلامی شهر خرم‌آباد نوروز ۹۲ و ایـام دگرگونـی طبیعت و بهار طبیعت را به همه همشـهریان فهیم، نجیب، قهرمان و میهمان نواز خرم‌آباد و نیز همه مسافران، گردشـگران و میهمانان نوروزی که از اقصی نقاط میهن اسلامی ایران به لرسـتان و به ویژه شـهر کهن و تاریخی خرم‌آباد سـفر می‌کنند تبریک و شادباش عرض می‌نمایم.

امیدوارم که مسـافران و میهمانان نوروزی از نزدیک از مناظر و طبیعت زیبا و نیـز اماکن مذهبی، تفریحی و تاریخی خرم‌آباد دیدن نمایند و در طول اقامتشان در این شهر کهن و تاریخی به آنها خوش بگذرد و با خاطراتی شاد و شیرین و به یادماندنی دیار فلک الافلاک را ترک نمایند.

محمد جعفر همت‌پور
رئیس شورای اسلامی شهر خرم‌آباد









پیام نوروزی حسین مقصودی شهردار سبزوار

هوالمصور

برآمد باد صبح و بوی نوروز — به کام دوستان و بخت پیروز
مبارک بادت این سال و همه سال — همایون بادت این روز و همه روز

اکنون که دست کردگار بر پهنه ی هستی طرح طراوت و نقش مهر نگاشته است ، به درگاهش سجده شکر و به آستانش دست دعا بر افراشته ایم تا برایتان سالی سراسر عزت، نشاط و تندرستی طلب نماییم ، امید است لحظات سال تحویل را در کنار خانواده تان با بهره گیری از منویات مقام معظم رهبری (مدظله) به احسن حال دریابید.

شهرستان سبزوار دروازه ی غربی استان خراسان رضوی است که سالانه افتخار میزبانی میلیونها نفر از زائران و مسافران را بر عهده دارد. شهری که پایگاه نهضت حماسی سربداران است ، نهضتی که با مقاومت و پایداری خود اولین حکومت شیعی به پایتختی سبزوار را بنیان نهادند. شهری که خاستگاه عالمان و دانشوران نامداری در تاریخ ، فرهنگ، علم و ادب همچون فیلسوف بزرگ حاج ملاهادی سبزواری ، مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت الله سید عبدالاعلی سبزواری ، مورخ نامدار ابوالفضل بیهقی ، ملا حسین واعظ کاشفی ، اندیشمند فرزانه دکترعلی شریعتی ، شاعر آرمانگرای انقلاب استاد حمید سبزواری و..که با خدمت علمی و فرهنگی خود مایه ی افتخار ایرانیان گردیده اند می باشد. بر همین اساس تمامی مسولان و مردم، همت و تلاش خود را در پرتو وحدت وهمدلی جهت عمران و آبادانی این شهرتاریخی گماشته اند .

شهرداری سبزوار نیز با سیاست گذاری شورای محترم اسلامی شهر و به پشتوانه ی حمایت های بی دریغ معاون محترم استاندار و فرماندار شهرستان ، نمایندگان خدوم مردم در مجلس شورای اسلامی و همراهی همشهریان عزیز با تلاش در تمامی حوزه های عمرانی ، خدماتی ، پژوهشی ، فرهنگی ، رفاهی و.. سعی خود را برآن داشته است تا دستاوردهایی در خور شان این دیرینه و جایگاه کسب نماید. که بعنوان مثال از تخریب و تملک ۹۰ باب واحد مسکونی و تجاری جهت بهسازی ورودی شهر و مسیر تردد مسافران، تملک ۷۵ درصد از اراضی کمربند شرقی، پروژه ی احداث باغ ایرانی با مساحت ۱۲ هکتار، احداث پارک و مسیر پیاده روی ۷ هکتاری سلامت ، پروژه ی احداث



شهربازی جدید سبزوار، تغییر چهره ی شهر با نصب المان هایی از مفاخر و مشاهیر نامدار شهرستان، احداث بیستمین کارخانه ی کمپوست کشور در سبزوار، کسب رتبه برتر در اولین دوره مسابقات بین المللی و پنجمین دوره کشوری در حوزه پژوهش و نوآوری در مدیریت شهری، آسفالت ریزی بیش از ۲۵۰ هزار متر مربع از خیابان های سطح شهر، بهسازی معابر و آیلندهای سطح شهر و ... میتوان یاد کرد. همچنین مفتخریم با کوشش و تلاش همکاران در شهرداری سبزوار برای استقبال از نوروز و مسافران با نصب ۶۰ المان و ماکت زیبای نوروزی، نورپردازی خیابان ها و معابر سطح شهر، اجرای برنامه های هنری در پارکها و اقامتگاه مسافران و راه اندازی کارناوال های آیینی و شادی بخش درایام عید سال ۱۳۹۲ از تمامی هموطنان عزیز دعوت نماییم تا در سال جدید با سفر به این شهر سر سبز، تاریخی و دیدنی بهاری به یاد ماندنی را در دفتر خاطرات خود ثبت نمایند. پیشاپیش سال جدید را به همه ی هم میهنان تبریک عرض نموده و حضورتان را در شهر سبزوار خیرمقدم عرض می نماییم .

حسین مقصودی
شهردار سبزوار

سبزوار شهر دیرینه های پایدار و جاذبه های گردشگری





مناره خسروجرد: مناره خسروجرد یا میل خسروگرد بنایی آجری است، برافراشته بر کناره راه ابریشم و به فاصله کمی از جاده سبزوار-تهران قرار دارد. به عنوان راهیاب و راهنمای مسافران بوده که در این مسیر تردد می کرده اند. این بنا در سال ۵۰۵ هـ . ق با ارتفاعی بیش از ۳۰ متر از آجر ساخته شده است و بدنه آن با آجر نمای تراش و قالبزده در اشکال و فرم های متعدد و متنوع زینت یافته است.

بقعه امام زاده یحیی بن موسی بن جعفر(ع): این بنا در محل تلاقی خیابان اسرار و خیابان بیهق در مرکز شهر واقع شده و مشتمل بر ایوان ورودی، راهروهای منتهی به داخل بنا و گنبد خانه است. پلان این بنا مربع و از نوع یک ایوانی بوده که به شیوه ی معماری قرن ۶ و۷ هجری قمری ساخته شده و دارای گنبدی به ارتفاع ۱۴ متر و مناره های ورودی اصلی آن به ارتفاع ۲۹ متر باعث شده تا بنا با شکوه و زیبا شود.

بقعه امام زاده شعیب بن موسی بن جعفر(ع): این بنا در حاشیه خیابان طبرسی واقع گردیده است. مجموعه معماری امامزاده دارای یک





صحن، ایوان ورودی و گنبدخانه است. پلان گنبد خانه براساس اسناد در سفرنامه ها حداقل از اواخر تیموریان است. امامزاده دارای دو مناره به ارتفاع ۲۵ متر است که از قدمت بیشتری نسبت به فضاهای نوساز برخوردار است.

مصلی تاریخی سبزوار: بنای آجری معروف به مصلی در جنوب میدان شهدا واقع است. این بنا جهت برگزاری نمازهای جمعه و اعیاد مورد استفاده قرار می گرفته شامل: ایوانی بزرگ و برافراشته است که رویه پایه های طرفین ایوان به وسیله قابهای آجری زینت یافته و یک چهار طاق در انتها ی ایوان است. بنای مصلی متعلق به قرن ۸ هجری قمری و دوره سربداران است.

مسجد جامع سبزوار: این بنا در حاشیه جنوبی خیابان بیهق واقع گردیده و حدود ۴۰۰۰متر مربع وسعت دارد. در ضلع جنوبی ایوان قبله محراب قرار دارد. بر بالای آن کتیبه ای به تاریخ ۱۲۹۲ هـ .ق و بر راس این ایوان دو مناره آجری دیده می شود. در دالان سمت شرقی ایوان شمالی مسجد،کتیبه هایی به صورت سنگ نوشته از دوران صفویه به تاریخ های ۹۷۹ و ۱۱۳۶ هـ.ق درباره مراعات سکنه سبزوار و دستوری از شاه طهماسب صفوی ثبت می باشد.

مسجد پامنار: این بنا در اواسط خیابان بیهق قرار دارد و قدیمی ترین مسجد سبزوار، آدینه یا پامنار است که سنگ بنای آن به اواسط

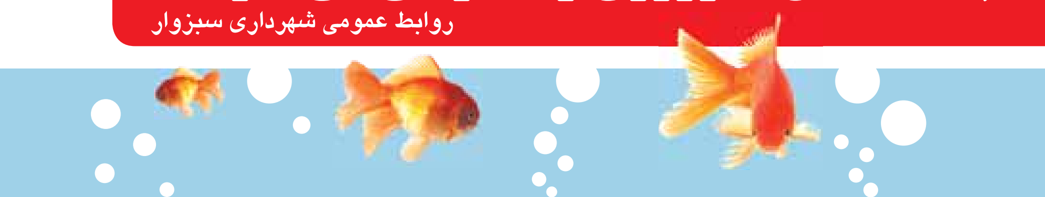


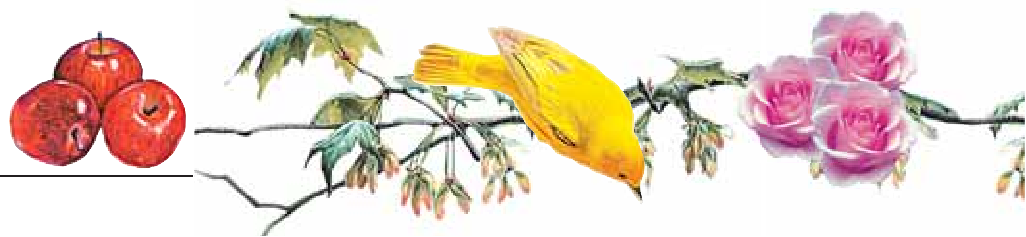


قرن ۳ هـ . ق بر می گردد. دارای مناره ای در گوشه شمال غربی مسجد با ارتفاع بیش از ۲۰متر است. مناره آجری، دارای تزئینات کاشیکاری؛ کتیبه آجری و جنبان می باشد.

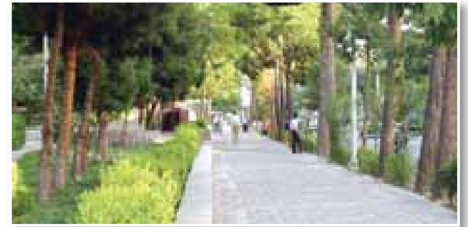
آرامگاه حاج ملا هادی سبزواری: هم اکنون در جبهه جنوبی میدان کارگر واقع شده است بنای آرامگاه فیلسوف بزرگ حاج ملاهادی سبزواری ملقب به اسرار (۱۲۸۹-۱۲۱۲ هـ .ق) از وی آثاری نظیر: منظومه در فلسفه ،شرح منظومه در منطق، شرح لیالی،حاشیه بر تجرید و ... بر جای مانده است.

آرامگاه کاشفی: مولانا کمال الدین حسین کاشفی متوفی سال ۹۱۰ هـ . ق از فضلای نامی اواخر دوران تیموری و معاصر با سلطان حسین بایقران و امیر علی شیرنوایی بود و بخش عمده عمر خود را در هرات گذرانید. این بنای یادبود در سال ۱۳۵۴ شمسی توسط انجمن آثار ملی احداث شد که در حاشیه خیابان شهدا قرار دارد. اگرچه شالوده بنا با استفاده از مصالح جدید ساخته شده، اما به جهت به کار گیری معماری سنتی و رعایت کاربرد طاق ها و فرم های معماری اسلامی به گونه یک اثر معماری اصیل و زیبا جلوه می کند.





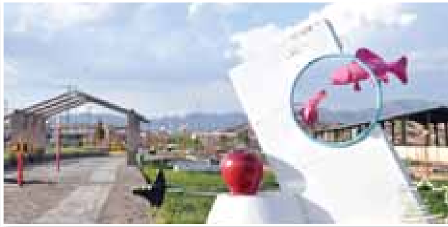
مراکز تفریحی سبزوار در قاب تصویر



بـاغ ملـی
وسعت:۲/۲ هکتار
موقعیت: خیابان اسد آبادی- میدان حکیم سبزواری مجاور با مسجد سبزواری
امکانات: وسایل بازی کودکان، کتابخانه کودک، انتظامات، سرویس بهداشتی



پارک زائـر
مساحت:۱/۸
هکتار موقعیت: حاشیه شمالی کمر بندی سبزوار - مشهد امکانات:کمپ های متعدد، نمازخانه، سکوی نشیمن، سرویس بهداشتی ، انتظامات



پـارک سلامت
مساحت: ۷ هکتار
موقعیت: حاشیه بلوار کشاورز - جاده توحید شهر
امکانات: سالن مدیریت بحران، آمفی تئاتر روباز ، آلاچیق، تجهیزات ورزشی، مکان بازی کودکان، آب نما و فضای سبز، فروشگاه، سرویس بهداشتی



پارک لاله(شهر بازی سابق)
وسعت:۶۳ هکتار
موقعیت: حاشیه بلوار پاسداران
امکانات: وسایل ورزشی، پارک بانوان، فضاهای تفریحی سرویس بهداشتی، نمازخانه، انتظامات



مجتمع فرهنگی، زیارتی وگردشگری شهدای گمنام
موقعیت: بلوار توحید شهر، بالاتر از بیمارستان واسعی
امکانات: فضای سبز، سرویس بهداشتی، وسایل بازی، انتظامات، فروشگاه



بوستان بهمن
وسعت:۲۰ هکتار
موقعیت: حاشیه جنوبی کمربندی سبزوار - مشهد
امکانات: نماز خانه ، وسایل ورزشی ، سرویس بهداشتی فروشگاه



مدیر کل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری خبر داد:

برگزاری تورهای یکروزه گردشگری و طبیعت گردی ایام نوروز در استان زنجان



مدیر کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان گفت: امسال براساس برنامه ریزیهای صورت گرفته در ستاد تسهیلات نوروزی تورهای یکروزه گردشگری و طبیعت گردی برای علاقمندان و گردشگران نوروزی در استان زنجان برگزار می شود.

دکتر مسعود بیات افزود: توریکروزه گردشگری از سلطانیه –معبد داش کسن- چشمه شاه بلاغی با همکاری بخش خصوصی برای علاقمندان و مسافران جاذبه های تاریخی که به شهر سلطانیه سفر می کنند و تور یکروزه طبیعت گردی نیز برای شهرستان طارم (هندوستان ایران) پیش بینی شده تا گردشگران بتوانند از آب و هوا و طبیعت بکر و دلپذیر طارم که از نظر موقعیت جغرافیایی از جایگاه ویژه ای در کشور برخوردار است بهره مند شوند و گردشگران شرکت کننده در تور از خدماتی که در طول مسیربا هماهنگی میراث فرهنگی پیش بینی شده است برخوردار خواهند شد.

رئیس ستاد تسهیلات نوروزی استان از اجرای طرح نظارت ویژه بر تأسیسات گردشگری از طریق سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۷۳۲۴۱ در ایام نوروز خبر داد و گفت: امسال برای نخستین بار كلیه تأسیسات گردشگری، دفاتر خدماتی، واحدهای پذیرایی ، هتل ها، مهمانپذیرها و مجتمع های خدماتی بین راهی کدگذاری و کد های آنها در داخل و ورودی مجموعه نصب شده تا مسافران بتوانند پیشنهادات، انتقادات و شکایات خود را در زمینه وضعیت و کیفیت خدمات ارائه شده در آن واحد پذیرایی به سامانه ارسال کنند.

این مقام مسئول افزود: سازمان میراث فرهنگی در این طرح، نظارت را همگانی کرده تا مسافران بتوانند به راحتی نظرات خود را ارائه کرده وخودشان بر عملکرد اماکن عمومی نظارت داشته باشند.

دکتر بیات با اشاره به اینکه امسال جشنواره ملی صدای بهار همزمان با سراسر کشور در استان زنجان برگزار می شود گفت: در بخش اول این جشنواره از ۲۸ اسفند ماه بمدت یک هفته با همکاری استانهای همجوار جشن های شادی، موسیقی ملی و آئین های مختلف برگزار می شود و بخش دوم جشنواره نیز از ۶ فروردین همزمان با ایام فاطمیه آغاز می شود که به احترام این ایام بخش دوم جشنواره بصورت نمایشگاهی از جاذبه های گردشگری، صنایع دستی و محصولات مناطق مختلف استان برگزار می شود.

استقبال ویژه از مسافران ورودی

مدیر کل میراث فرهنگی، استقبال ویژه از اولین مسافران ورودی به شهرهای استان به خصوص شهر زنجان را یکی از برنامه های ستاد تسهیلات نوروزی عنوان کرد و افزود: اعضای ستاد تسهیلات نوروزی استان و شهرستانها در ورودی شهرها از اولین مسافران ورودی با اهدای گل و هدایایی از صنایع دستی استان استقبال خواهند کرد.

وی از اهدای ماکت گنبد عظیم سلطانیه به مسافران و گردشگران شهر سلطانیه خبر داد و گفت: در راستای توسعه فرهنگ گردشگری، سازمان میراث فرهنگی همواره خود را ملزم کرده تا اقدامات موثری را برای رفاه حال مسافران و ارائه خدمات مطلوب به آنها انجام دهد و امسال نیز با اهداء بهترین سوغاتی از صنایع دستی استان از مسافران استقبال خواهیم کرد.



استان زنجان، سرزمین شاهدان عینی تاریخ

هر گوشه ای از خاک ایران صفحه ای از زیبایی های تاریخ این سرزمین است که شور و شوقی به ذهن انسان می نشاند و دل ها را حیرت زده می کند. استان زنجان نیز با سلطانیه بزرگترین گنبد آجری جهانی اش که یکی از عظیم ترین و باشکوه ترین آرامگاه های اسلامی در جهان است و بناهای زیبای تاریخی دیگر در سراسر استان و شگفتیهای معدن چهره آباد و با غارهای شگفت انگیز طبیعی که جلوه ای از شاهکار طبیعت را در این استان به نمایش گذاشته است سهم بزرگی در جذب گردشگران نوروزی به خود اختصاص داده است و امسال نیز همچون



سالهای گذشته خود را برای استقبال و پذیرایی از میهمانان نوروزی آماده کرده است.

این استان مناظر زیبای طبیعی و آثار تاریخی و دیدنی بسیار زیبایی را در خود جای داده است که گردشگران و میهمانان می توانند علاوه بر برخورداری ازآب و هوای دلپذیر و مناظر زیبا و شگفتیهای طبیعت و مردان نمکی ۲۳۰۰ ساله از بناهای متنوع تاریخی استان دیدن کنند.

استان زنجان با دارا بودن آب و هوای چهارفصل و آثار تاریخی بی نظیر و طبیعت بکر همچون طارم (هندوستان ایران) از جاذبه های طبیعی و تاریخی بسیاری در کشور برخوردار است که هر منطقه ای از این استان در فصل بهار آب و هوا و زیبایی خاص خود را دارد، و به لحاظ جغرافیایی ، فرهنگی و تمدنی پتانسیل های جذب گردشگر را دارا است از جمله در حوزه جغرافیا دارای پدیده های طبیعی متنوع مانند کوه، دشت ، جنگل و رودخانه که در چهارفصل متفاوت آب و هوای متفاوتی دارد و هر کدام از فصول در استان زنجان همخوان با اهداف گردشگری است که این مزیت موجب شده است نوروز هر سال پذیرای گردشگران بسیاری باشد.

سرزمین مردان نمکی با بیش از ۳۹ هزار و ۳۶۹ کیلومتر مربع وسعت از شمال به استانهای اردبیل و گیلان، از شرق به استان قزوین – از جنوب به استان همدان، از جنوب غربی و غرب به استانهای کردستان



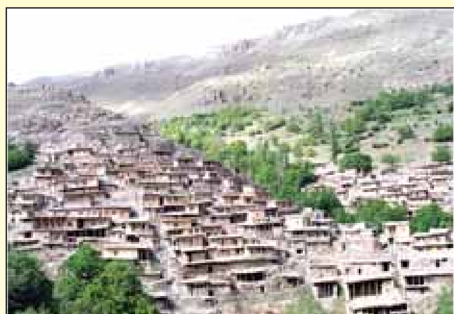
و آذربایجان غربی و شرقی محدود است و از جمله استانهایی است که به تنهایی با ۷ استان کشور همجوار و همسایه است.

جاذبه های طبیعی : غار زیبای کتله خور در ۱۶۵ کیلومتری جنوب باختری استان قرار گرفته که از طریق جاده آسفالت زنجان- سلطانیه – خدابنده- گرماب و از طریق جاده زنجان- بیجار- گرماب و از جاده همدان- کبودرآهنگ قابل دسترسی است، این غار طبق نظریه های زمین شناسی در دل کوه ساقیزلو در آهکهای الیگومیوسن مربوط به دوران سوم زمین شناسی بوجود آمده و تقریباً حدود ۳۰میلیون سال قدمت دارد.

این غار از لحاظ وسعت دومین غار جهان و از لحاظ زیبایی اولین غار جهان شناخته شده است که گشت و گذار و دیدن پدیده های داخل غار اعم از دهلیزها و گذرگاه ها وجود ستونهای عظیم و استلاگتیت ها که به اشکال مختلف مثل شیر خوابیده، پنجه شیر،پای فیل، لباس عروس، قلعه شمع، سگ شکاری، دست شیطان، مریم مقدس و عروس و داماد و ... در آمده اند دل هر بیننده ای را مجذوب می کند.

غار گلجیک : این غار در ۳۵ کیلومتر شهر زنجان در روستای حاج آرش قرار دارد که با داشتن آب و هوای مطلوب پناهگاه و مسکن انسانهای دوران پیش ازتاریخ بوده است.

غار خرمنه سر، رودخانه قزل اوزن، زنجان رود،



چشمه معدنی و ننق زنجان ، منطقه حفاظت شده انگوران و دشت آهوخیز سهرین، دهکده ییلاقی تفریحی وگردشگری گاوازنگ ، سد تهم، سدگلابر ، قلعه بهستان در شهرستان ماهنشان از دیگر جاذبه های طبیعی استان بشمار می رود که در ایام عیدپذیرای گردشگران است.

جاذبه های باستانی و تاریخی

تاریخ بسیار کهن و پر افت و خیز استان زنجان و قرار گرفتن آن در محور ارتباط مرکز ایران به غرب باعث شده تا بعنوان یکی از مراکز مهم تاریخی ایران مطرح باشد و باتوجه به آثار متنوع و مختلفی از فرهنگ تمدن را که درخود دارد و در کشور منحصر به فرد است بعنوان یک قطب جهانگردی در سطح ملی عمل می کند.

گنبد سلطانیه : این بنای عظیم در هسته مرکزی شهر سلطانیه و بعنوان یکی از بناهای عظیم و با





معاون گردشگری اداره کل میراث فرهنگی زنجان:

ارائه تخفیف ۴۰ درصدی به گردشگران نوروزی در استان زنجان



معاون گردشگری اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان از ارائه تخفیف ۱۰ تا ۴۰ درصدی در اماکن عمومی این استان به مسافران و گردشگران در ایام تعطیلات نوروز خبر داد و افزود: گردشگران و مسافرانی که در این استان اقامت می کنند به نسبت تعداد روز اقامت از این میزان تخفیف برخوردار خواهند شد.

ابوالفضل اجلی ظرفیت پذیرش گردشگر در واحدهای گردشگری، هتل ها، مهمانپذیر ها و هتل آپارتمانهای استان را در روز ۱۲۰۰ نفر اعلام کرد و افزود: اداره کل آموزش و پرورش نیز ۷۶ مدرسه در قالب ۷۶۰ کلاس برای اسکان فرهنگیان در ایام نوروز اختصاص داده است.

معاون گردشگری میراث فرهنگی از برگزاری نمایشگاه صنایع دستی در کلیه شهرهای استان در ایام نوروز خبر داد و افزود: همزمان با آغاز سال نو نمایشگاه های عرضه هنرهای سنتی و صنایع دستی و سوغات استان در نقاط مختلف استان و شهرستانها و برخی از اماکن ویژه گردشگری برگزار می شود.

این مقام مسئول پخش برنامه های ویژه برای معرفی آداب و رسوم، جاذبه های تاریخی و گردشگری از صدا و سیمای مرکز زنجان و رادیو و اطلاع رسانی از پتانسیل های گردشگری استان با حضور اعضای ستاد تسهیلات نوروزی در برنامه گجلر شبکه اشراق را از دیگر برنامه های ستاد اعلام کرد. وی با بیان اینکه برای ارائه خدمات به مسافران در شرایط اضطراری تمام ظرفیتهای مساجد، حسینیه ها و مدارس آماده شده است تأکید کرد: در صورت بروز هر گونه حوادثی برای اسکان وارائه خدمات به مسافران همه امکانات فراهم شده است.

موزه ها

اجلی با اشاره به اینکه گردشگران در ایام نوروز می توانند از مردان نمکی در موزه باستانشناسی عمارت ذوالفقاری (موزه مردان نمکی) دیدن کنند، افزود: مسافران می توانند در این ایام از موزه های مردم شناسی رختشویخانه، موزه صنایع دستی (عمارت دارایی)، موزه حیات وحش در پارک جنگلی، موزه پیر احمد زهرنوش با نمونه های منحصر به فرد از آثار تاریخی کشف شده در ابهر، موزه اسناد تاریخی، موزه باستانشناسی گنبد سلطانیه ،موزه سنگ نوشته های شهر سجاس وموزه آثار شهدا که جلوه های دفاع مقدس را بشکل هنرمندانه به نمایش گذاشته اند بازدید کنند.

معاون گردشگری غار زیبای کتله خور، گنبد جهانی سلطانیه، رختشویخانه، ،روستای گردشگری شیلاندر، چشمه شاه بلاغی، چشمه بالغلی بلاغی، چشمه علی بلاغی، سدگلابر، سد خلیفه لو، سدکینه ورس حاشیه زنجانرود و مجتمع تفریحی گردشگری گاوازنگ (ائل داغی) و دشت آهوخیز سهرین را از مهمترین جاذبه های طبیعی و گردشگری استان برشمرد و افزود: مسافران در کنار جاذبه های تاریخی و طبیعی می توانند از جاذبه های مذهبی استان شامل: امامزاده سید ابراهیم(ع)، بقعه قیدارنبی(ع)، امامزاده یعقوب و امامزاده یحیی در صائین قلعه، امامزاده اسماعیل و مقبره زیدالکبیر دیدن کنند.

به گفته اجلی محورهای زنجان- سلطانیه،کتله خور، زنجان- تهم، زنجان- طارم، زنجان- دندی- تخت سلیمان از محورهای مهم گردشگری استان زنجان است.



شکوه اسلامی در دوران حکومت سلطان محمدخدابنده (اولجایتو) در مدت ۱۰ سال ساخته شده است، بزرگترین گنبد آجری جهان و یکی از جاذبه های تاریخی استان زنجان است که هر ساله مسافران و گردشگران بسیاری از سراسر دنیا برای بازدید از این بنا به شهر سلطانیه سفر می کنند.

بنای دارائی : بنای دارائی در مرکز شهر زنجان و در داخل بافت قدیمی شهر موسوم به سرچشمه واقع گردیده. این بنا با پلانی مستطیلی شکل به ابعاد ۱۵×۲۲ متر در وسط باغی به مساحت ۱۸ هزار متر مربع واقع گردیده است. که در حال حاضر بعنوان موزه آثار تاریخی مکشوفه و صنایع دستی در خدمت مسافران نوروزی است.

بقعه ملاحسن کاشی: این بنا در فاصله ۲/۵ کیلومتری جنوب شهر سلطانیه قرار گرفته که تزئینات داخلی زیبایی دارد.

معبد تاریخی داش کسن : این بنای تاریخی در ۱۰ کیلومتری جنوب شرقی سلطانیه و در نزدیکی روستای ویر قرار گرفته است که در داخل این بنا ۳ غار نسبتاً عمیق در دل کوه کنده شده و در حد فاصل ضلع جنوبی و غارهای اضلاع شرقی و غربی حجاریهای زیبایی به چشم می خورد که از جمله نقوش دو تصویر اژدها بطول هر کدام ۳/۵ متر حک شده است.

آثار معبد داش کسن دارای دو دوره متمایز است که دوره نخست مربوط به آئین مهر پرستی متعلق به دوران ساسانی و دوره بعدی نقوش اژدها- برگ مو- پیچک و خطوط اسلیمی متعلق به دوره ایلخانی است این بنای تاریخی هر ساله گردشگران داخلی وخارجی بسیاری را پذیرا است .

بقعه پیراحمدزهرنوش : این بنا از آثار تاریخی ارزشمند ابهر است که در قسمت جنوبی این شهر قرار گرفته و شامل بقاع و حجرات است و در حال حاضربعنوان موزه باستان شناسی پذیرای گردشگران است .

بقعه قیدار نبی(ع): بنای بقعه متعلق به قیدار بن اسماعیل بن ابراهیم (ع) از پیامبران است ، ساختمان بقعه در سال ۷۱۹ و گنبد آن نیز در سال ۷۵۱ و گچ بریهای آن در قرن ۱۱ هجری قمری احداث شده است، گنبد این بنا به سبک خاص و از نوع گنبدهای زنگوله ای است و ضریح بقعه نیز به طرز زیبایی از چوب گردو ساخته شده و تزئیناتی شامل طرح های هندسی و گل و بوته در آن حکاکی شده است.

بنای رختشویخانه : این بنا در قلب بافت تاریخی شهر زنجان قرار دارد که زمین آن در سال ۱۳۴۷ هجری قمری توسط علی اکبر توفیقی شهردار وقت زنجان خریداری و در مدت ۱۵ ماه ساخته شده است. این بنا از دو قسمت تشکیل شده که قسمت اول مربوط به سرایدار و محل مدیریت رختشویخانه بوده و بخش دیگر آن فضاهای مربوط به امر شستشوی رخت بوده که از چهارقسمت تشکیل شده است .



این بنای تاریخی توسط میراث فرهنگی استان تعمیر و مرمت شده و در حال حاضر بعنوان موزه مردم شناسی مورد بازدید توریست ها قرار می گیرد.

بازار زنجان: بازار زنجان در قلب بافت قدیمی شهر در امتداد راه های ورودی شهر قرار گرفته که از دو قسمت بازار بالا و بازار پایین تشکیل شده است که در سال ۱۲۰۵ هجری قمری در دوران حکومت آقامحمدخان قاجار احداث بازار آغاز شده و در زمان فتحعلی شاه قاجار سال ۱۲۱۳ هجری قمری تکمیل شده و سپس کاروانسراها، گرمابه ها، مساجد در آن تأسیس و با تعبیه راسته ها تا سال ۱۳۲۴ در دوره محمدعلی شاه قاجار تکمیل گردیده است.

بازار زنجان بعلت داشتن ارزشهای فرهنگی و تاریخی و قدمت در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است.

بنای تاریخی کاروانسرای سنگی: این بنا از قدیمی ترین آثار تاریخی شهر زنجان است که به سفره خانه سنتی تبدیل شده است که علاوه بر امکانات پذیرایی با غذاهای سنتی، صنایع دستی استان را نیز معرفی می کند .

امامزاده سید ابراهیم (ع): بقعه امامزاده سید ابراهیم یکی از بقاع معتبر شهر زنجان است که برخی ایشان را ابراهیم بن موسی بن جعفر (ع) و جمعی دیگر همانند ابوالفراج اصفهانی و ابونصر بخاری ایشان را ابراهیم بن محمد بن الحسن بن العباس بن علی(ع) ذکر کرده اند امامزاده سید ابراهیم (ع)هر ساله گردشگران و زائران زیادی را از سراسر کشور پذیرا است.

مسجد میرزایی، مسجد خانم، مسجد چهل ستون، عمارت ذوالفقاری، بنای توفیقی، بنای دارایی، پلهای تاریخی چایخانه سنتی حاج داداش نیز از دیگر جاذبه های باستانی تاریخی استان زنجان است.

صنایع دستی

ملیله کاری: تولیدات ملیله کاران این استان بسیار متنوع است مانند سرویس های چای خوری، شربت خوری، قلمدان، دسته چاقو ، جعبه جواهرآلات و لوازم متعدد زینتی دیگر این مصنوعات به حدی زیبا است که امروزه زینت بخش مجموعه های هنری خصوصی و منازل در اقصی نقاط عالم است.

چاروق دوزی، چاقوسازی،قالی بافی ، گلیم بافی،جاجیم بافی و مسگری از دیگر صنایع دستی استان زنجان است.









نوروز؛ روز نو

■ نوروز در کلام رهبر معظم انقلاب

اول تحویل سال که می‌شود، مردم دعا می‌خوانند، «یا محوّل الحول والاحوال» می‌گویند، آغاز سال را با یاد خدا شروع می‌کنند، توجه خود را به خدا زیاد می‌کنند. ثانیاً نوروز را بهانه‌ای برای دید و بازدید و رفع کدورتها و کینه‌ها و محبت به یکدیگر قرار می‌دهند. این همان برادری و عطوفت اسلامی و صلهٔ رحم اسلام است؛ بسیار خوب است. ضمنا نوروز را بهانه‌ای برای زیارت اعتاب مقدسه قرار می‌دهند... این بسیار خوب است.

نوروز، یعنی روز نو. در روایات ما بخصوص همان روایت معروفِ «معلّی‌بن‌خنیس» به این نکته توجه شده است. معلی‌بن‌خنیس که یکی از رُوات برجستهٔ اصحاب است و به نظر ما «ثقه» است، جزو شخصیت‌های برجسته و صاحب راز خاندان پیغمبر محسوب می‌شود. او در کنار امام صادق (علیه‌الصلاه‌والسلام) زندگی خود را گذرانده و بعد هم به شهادت رسیده است.

معلّی‌بن‌خنیس خدمت حضرت می‌رود؛ اتفاقا روز نوروز بود. در تعبیرات عربی، نوروز را تعریب می‌کنند و «نیروز» می‌گویند. حضرت به او می‌فرمایند: «أتدری ما النیروز؟» بعضی خیال می‌کنند که حضرت در این روایت، تاریخ بیان کرده است که در این روز، هبوط آدم اتفاق افتاد، قضیهٔ نوح اتفاق افتاد، ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام اتفاق افتاد و چه و چه. برداشت من از این روایت، این نیست. من این طور می‌فهمم که حضرت «روز نو» را معنا می‌کنند. منظور این است: امروز را که مردم، نوروز گذاشته‌اند، یعنی روز نو، روز نو یعنی چه؟ همهٔ روزهای خدا مثل هم است؛ کدامَ روز می‌تواند نو باشد؟

شرط دارد. روزی که در آن اتفاق بزرگی افتاده باشد، نوروز است. روزی که شما در آن بتوانید اتفاق بزرگی را محقق کنید، نوروز است. بعد خود حضرت مثال می‌زنند و می‌فرمایند: «آن روزی که جناب آدم و حوا، پا بر روی زمین گذاشتند، نوروز بود؛ برای بنی آدم و نوع بشر، روز نویی بود. روزی که حضرت نوح بعد از طوفان عالم‌گیر، کشتی خود را به ساحل نجات رساند، نوروز است؛ روز نویی است و داستان تازه‌ای در زندگی بشر آغاز شده است. روزی که قرآن بر پیغمبر نازل شد، روز نویی برای بشریت است، مقطعی در تاریخ است که برای انسانها روز نو است؛ روزی هم که امیرالمؤمنین علیه‌السلام به ولایت انتخاب شد، روز نو است.»

اینها همه، نوروز است؛ چه از لحاظ تاریخ شمسی، با اول ماه «حَمَل» مطابق باشد یا نباشد. هر روزی که این طور خصوصیاتی در آن اتفاق بیفتد، روز نو و نوروز است؛ چه اول فروردین، چه هر روز دیگری از اوقات سال باشد. روزی که انقلاب پیروز شد، نوروز است، روز نویی بود. روزی که امام وارد این کشور شد، برای ما نوروز بود. روز فتوحات عظیم این جوانان مؤمن و این ایثارگران ما در جبهه نبرد... نوروز است؛ روز نو است.

حال اگر شما می‌خواهید روز اول فروردین را هم برای خودتان روز نو و نوروز قرار دهید، شرطش این است که کاری کنید و حادثه‌ای بیافرینید. آن حادثه در کجاست؟ در درون خود شما! اگر حال خود را عوض کردید، اگر توانستید گوهر انسانی خود را درخشان‌تر کنید، حقیقتاً برای شما نوروز است.

اسلام و نوروز

■ سید رحیم مدنیان

سر سال نو هرمز فرودین
بر آسوده از رنج تن دل ز کین
بزرگان به شادی بیاراستند
می و جام و رامشگران خواستند
چنین روز فرخ از آن روزگار
بمانده از آن خسروان یادگار
(فردوسی)

نوروز جشن بزرگ ایرانیان که امروز در کشورهایی غیر از ایران نیز جشن گرفته می‌شود از جهت تاریخی هزاران سال است که قافله زمان را سفر کرده و اکنون در دنیایی دیگر شده نسبت به آن زمان‌های دور، به عنوان یک سنت که بخشی از هویت ایرانی بودن و یا فارسی زبان بودن را تشکیل می‌دهد مورد توجّه جدّی ماست. نوروز همچنان که در گذشته تا به امروز بوده است در آینده نیز خواهد بود و گذر زمان از اهمیت آن نخواهد کاست.نوروز علاوه بر آنکه از نظر قدمت تاریخی جالب و اعجاب‌انگیز است از نظر تطابق طبیعی نیز پدیده جالبی است که می‌تواند نشانگر فکر و اندیشه و نیز روحیّات مردمان گذشته این سرزمین باشد. آغاز جشن نوروز که آن را تحویل سال می‌نامیم و روز اول فروردین، زمانی است که آن را اعتدال بهاری گویند. در اعتدال بهاری روز و شب برابر می گردد و به تعبیری افراط و تفریطی که شب و روز در تابستان و زمستان دارند از بین می‌رود انسان در چنین روزها و شبهایی تعادلی را احساس می کند که با روح و روانش سازگاری بیشتری دارد، بویژه آنکه طبیعت نیز چشم‌اندازی را در برابرش قرار می‌دهد که او را به شادی و شادمانی می کشاند. در چنین حالت اعتدال شب و روز انسان روز را و فرصت‌های برآمده از آن را به همان اندازه تجربه می کند که شب را و آرامش‌هایی که از آن حاصل می‌شود.

اعتدال را در زبان فارسی به میانه‌روی معنا کرده‌اند. میانه‌روی از صفاتی است که چنانچه فرد و یا جامعه‌ای از آن برخوردار باشد می‌تواند به خود و آینده خود از حیث سعادتمندی و پیشرفت امیدوار باشد. میانه‌روی از فضایل بزرگ است، فضیلتی که هرکس آن را داشته باشد دارای یک برتری است و بدون تردید موفق‌تر . ارسطو گفته: «میانه‌روی مسیری است که به قله می‌رسد از میان دو پرتگاه رو در روی هم». معنای سخن ارسطو این است برای رسیدن مطمئن به هدف باید اهل میانه‌روی بود، میانه‌روی در اندیشه، عمل و یا رفتار. اگر کسی برای دستیابی به آنچه که مطلوب است از جاده میانه‌روی خارج شود و به افراط و تفریط که به نوعی انحراف محسوب می‌شود گرایش پیدا کند به پرتگاه سقوط می کند و معلوم است که چه عاقبتی را خواهد داشت.

همین مطلب به گونه‌ایِ در کلام امام علی(ع) آمده است که: «الیمین و الشمال مَضلِه و الطریق الوسطی هِیَ الْجادّه»، چپ و راست گمراهی اَست و راه میانگین راهِ راست.

اگر فرهنگ را بخشی از هویت یک جامعه بدانیم و اگر در تعریفی ساده از فرهنگ آن را آداب و رسوم و یا راه و روش زندگی که نسلی به نسل دیگر تداوم می‌یابد و تغییر نیز می کند بدانیم و از سوی دیگر نوروز را از قدیمی‌ترین، عمیق‌ترین و بانفوذترین آداب و رسوم ایرانیان که در صدها نسل تداوم پیدا کرده تلقی نماییم و یکی از مهم‌ترین پیام‌های آن اعتدال و میانه‌روی باشد به این نتیجه می‌رسیم که انسان ایرانی برگزارکننده هر سال جشن‌های نوروز باید در جنبه‌های مختلف اهل اعتدال و میانه‌روی باشد.

علاوه بر آنچه گذشت پس از حمله اعراب به ایران و البته پذیرش اسلام توسط ایرانیان، اسلام با آموزه‌های دینی خود فرهنگی را به جامعه ایرانی عرضه کرد که در این فرهنگ یکی از آموزه‌های مهم اعتدال و میانه‌روی بوده است. مجموعه اصولی که اسلام بر آن بنا نهاده شده و آموزه‌هایی که ارائه کرده است بگونه‌ای است که در نهایت، خداوند امّت و معتقدان این دین را افرادی میانه و معتدل معرفی می‌نماید و اهمیت این مسأله را تا بدانجا می‌رساند که مردمانی با این صفتِ اعتدال و میانه‌روی را گواه و نمونه برای همه مردم قلمدادَ می کند.



برای روشن‌تر شدن و چگونه باید بودنِ پیروان اسلام، پیامبر خود حضرت محمد(ص) را نیز گواه و نمونه برای افراد معرفی می‌نماید.

در حقیقت مفهوم سخن خداوند این می‌شود که پیامبر اسلام انسانی است که اهل اعتدال و میانه‌روی است.

بنابراین مسلمانان نیز باید چنین باشند. شیخ اجل سعدی در همین ارتباط و در رثای پیامبر(ص) می‌گوید: ماه فروماند از جلال محمد ـ سرو نباشد به اعتدال محمد

میانه و معتدل بودن در یک معنا مقابل اسراف و سخت‌گیری قرار می‌گیرد و به همین دلیل است که اسراف و سخت‌گیری هر دو در قرآن نکوهش و مسلمانان از اسراف در زمینه‌های مختلف بازداشته شده‌اند. قرآن می‌فرماید: «خداوند اسراف‌کاران را دوست ندارد»و به عنوان یک خط‌مشی از انسان می‌خواهد تا فرمان مُسرفان را نپذیرد. شاید به این دلیل که اسراف‌کاران را کسانی معرفی می‌کند که: «در زمین فساد می‌کنند و در اصلاح آن نمی‌کوشند».

امام علی(ع) هم در رابطه با ویژگی‌های کسانی که اهل میانه‌روی و اعتدال نیستند، آنان را ستمکار و دور از عدالت و عدالت‌طلبی می‌داند.

می‌دانیم که در اسلام و فرهنگ قرآنی انفاق و بخشندگی بسیار مورد توجه است و انسان‌هایی که دارای چنین فضیلتی هستند مورد ستایش فراوان قرار دارند امّا این فضیلت نیز نباید از حالت اعتدال و میانه‌روی خارج شود. بندگان خدا کسانی هستند که انفاق می‌کنند. ولی در این کار نه اسراف و زیاده‌روی می‌کنند و نه بخل می‌ورزند و به تعبیری سخت‌گیری می‌کنند.

در تاریخ آمده است که پیامبر(ص) در جمع یاران خود نشسته بودند، کودکی آمد و گفت مادرم از شما پیراهنی می‌خواهد. حضرت محمد(ص) فرمودند در حال حاضر چیزی در دست ندارم، وقت دیگر بیا. کودک رفت و باز پیام آورد که مادرم می‌گوید همان پیراهنی که پوشیده‌ای به من ببخش. حضرت پذیرفتند و به خانه خود رفتند و پیراهن را درآوردند به کودک دادند تا برای مادرش ببرد و خود در خانه نشستند. وقت نماز شد و بلال اذان گفت و اصحاب برای نماز اجتماع کردند و منتظر حضرت شدند.

چون پیامبر(ص) نیامد از غیبت او نگران شدند. کسی به دنبال ایشان رفت و حضرت را در خانه عریان و بدون پیراهن دید. در آن حال جبرئیل فرود آمد و این آیه را آورد: «و دستت را (از شدت بخل) بر گردنت مبند و نیز بسیار گشاده‌اش مدار که مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرومانی».

در هر کار اعتدال و میانه‌روی امری پسندیده شمرده شده است، حتی در دوستی و دشمنی. در این خصوص می‌توان به سخنانی اشاره کرد که برخاسته از فرهنگ ایرانی و اسلامی و بیانگر ارزش‌های انسانی است. سعدی می‌گوید: «نه چندان نرمی کن که بر تو دلیر شوند و نه چندان درشتی کن که از تو سیر». مشی اعتدال و میانه‌روی اقتضا می‌کند تا انسان در زندگی، در بخشندگی، در سپری کردن اوقات شبانه‌روز، در عبادت، در بدست آوردن مال و نیز هزینه کردن، در بدست آوردن قدرت و یا آنچه برای او مطلوب است، در خوردن و آشامیدن و ... از افراط و تفریط بپرهیزد و راه میانه را برگزیند و در این مسیر حرکت کند.

امام صادق(ع) در پاسخ به سؤالی که اعتدال چیست؟ بخل و اسراف و یا افراط و تفریط کدامست؟ دست خود را پر از سنگریزه کردند، آنگاه مشت خود را فشرده نگه داشتند و گفتند این گونه بودن یعنی بخل ورزیدن. سپس دست خود را کاملاً باز کردند بطوریکه سنگ ریزه‌ها فرو ریختند، این حالت را اسراف‌کاری دانستند. بار دیگر دست خود را پر از سنگ‌ریزه کردند ولی این بار مشت خود را نیمه باز کردندو چون در این حالت مقداری از سنگ‌ریزه‌ها در دست ماند و مقداری روی زمین ریخت، وضعیتی این چنین را اعتدال و میانه‌روی نامیدند.

یادآوری این مطلب هم شاید بجا و لازم باشد که میانه‌روی فضیلتی بزرگ است امّا هنگامی که در خدمت خوبی‌ها، ارزش‌ها و فضیلت‌های دیگر باشد و نه در رابطه با بدی‌ها، ضدارزش‌ها و رذیلت‌هایی مانند ظلم و ستم و بی‌عدالتی. هنگامی که ظلم و ستم و بی‌عدالتی و به تعبیر کلی رذیلت‌ها مطرح باشد، افراط و تفریط و میانه‌روی همه مذموم و گناهی نابخشودنی است.







پیام نوروزی مهندس حبیب اله یگانه شهردار زنجان



یا مقلب القلوب و الابصار
یا مدبرالیـــل و النهـــار
یا محـول الحـول و الاحـوال
حـول حالنـا الـی احسـن الحـال

حلول ســال نو و بهار پرطراوت را که نشـــانه قـــدرت لایزال الهـــی و تجدید حیـات طبیعت می باشـــد را به تمامی شهروندان و میهمانان عزیز تبریک و تهنیت عرض نموده و ســالی سرشار از برکت و معنویت را ازدرگاه خداوند متعال و سبحان برای شماعزیزان مسئلت مینمایم.

خداوند را شاکر و سپاسگزارم که سال نو و بهاری دیگر را پیش روی ما قرار داد تا گذشته ی خود را مورد ارزیابی قرار داده و در راه خدمت بیشـــتر و خالصانـــه به خلق خدا و نیز جلب رضای پروردگار گام برداریـــم. اینجانب به نمایندگـــی از خانواده شـــهرداری زنجان ، ایام نوروز ســـال ۱۳۹۲ را به حضور یکایک همشـــهریان فهیم و نجیب زنجان و نیز کلیه گردشگران ومیهمانان نوروزی که از اقصی نقاط میهن عزیز ایران به این استان و شهر زنجان سفر کرده اند تبریک و شادباش عرض می نمایم.

امیدوارم که به مسافران و میهمانان نوروزی در دیار شیخ اشراق خوش بگذرد وبتوانند از مناظر و طبیعت زیبای استان ونیزاماکن مذهبی، تفریحی و تاریخی این شهر دیدن نمایند و از نزدیک با آداب و سنن مردم زنجان آشنا شوند و با خاطراتی شاد و شـــیرین و بیادماندنی دیارمردان نمکی را ترک نمایند. گام هایتان را به شـــهر غواصان دریا دل گرامی می داریم و امیدوارم که سالی پربار، توام با صحت و سلامتی و سربلندی وپیروزی در پیش رو داشته باشید.

استقبال ویژه شهرداری و اعضای شورای اسلامی شهر زنجان از میهمانان نوروزی



مدیر روابط عمومـــی و امور بین الملل شهرداری زنجان گفت: شهرداری و اعضای شورای اسلامی شهر زنجان امسال با اهداء گل و هدایایی از صنایع دســـتی اســـتان به اســـتقبال میهمانان وگردشگران نوروزی می روند .

بـــه گزارش روابط عمومی شـــهرداری زنجان مرادی افزود: اســـتقبال از مسافران نـــوروزی با حضور شـــهردار زنجان، رئیس و اعضای شـــورای اسلامی شهر و معاونین شـــهردار انجام خواهد شد و در این راستا هدایایی از صنایع دســـتی همچون چارق و چاقو و... به اولین میهمانان نوروزی ورودی به شهر زنجان اهدا خواهد شد.

وی ایجاد هشـــت سفره هفت سین در هشت نقطه ی شهر را از اقدامات شهرداری زنجان در ایام نوروز بر شـــمرد و گفت: در میادین بسیج و جهاد به همراه سفره های هفت سین برنامه های فرهنگی و هنری نیز در طول ایام نوروز برگزار خواهد شد.





مدیر روابط عمومی شـــهرداری از نصب تندیس بزرگ چـــارق در زنجان خبر داد وگفت: المان بزرگ چارق نمادی از صنایع دستی زنجان است که در بولوار شیخ اشراق نصب شده است.

مرادی با اشـــاره به اینکه این تندیس بـــزرگ بـــه وزن ۳۳۰۰ کیلوگرم و طول

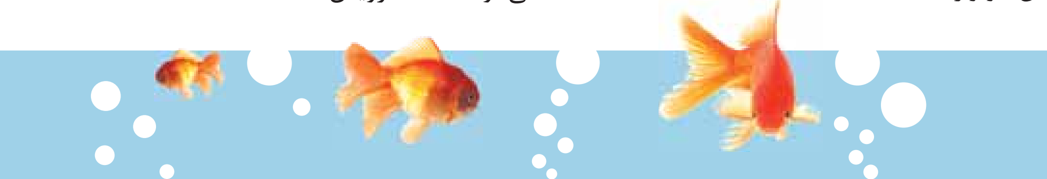


۱۰ متـــر و ارتفاع ۳/۵ متر به همت اداره زیباسازی شهرداری زنجان ساخته و نصب شـــده است افزود: پیش از این نیز تندیس بزرگ قندشکن از دیگر صنایع دستی زنجان در این بولوار نصب شده است.



این مقام مســـئول در ادامه بیان کرد: شهرداری زنجان با زیباسازی شهر و شست و شوی خیابانها، رنگ آمیزی جداول سطح شهر، درختکاری و کاشت گل های زینتی در میادین و ورودی های شـــهر زنجان در روزهای پایانی سال به استقبال نوروز و بهار رفته است.

مدیر روابط عمومی شـــهرداری زنجان ساماندهی ســـرویس های بهداشتی سطح شهر برای اســـتفاده مسافران نوروزی را از دیگر اقدامات شهرداری اعلام کرد و افزود: ســـرویس های بهداشتی در پارک جنگلی (ارم)، پارک گلســـتان و پـــارک ملت نیز ساماندهی و آماده سرویس شده است.





غار کتله خور؛ شگفتی خلقت در استان زنجان

غار خشکی-آبی و آهکی کتله خور در شمال غرب کشور، جنوب غربی استان زنجان، در شهرستان خدابنده و به فاصله ی ۵ کیلومتری از شهر گرماب قرار دارد. فاصله ی این غار از تهران ۳۹۰ کیلومتر و تا زنجان ۱۶۵ کیلومتر می باشد.

زیبایی ها و اَشکال مختلف قندیل ها

غار کتله خور از لحاظ وسعت و زیبایی جزو برترین ها



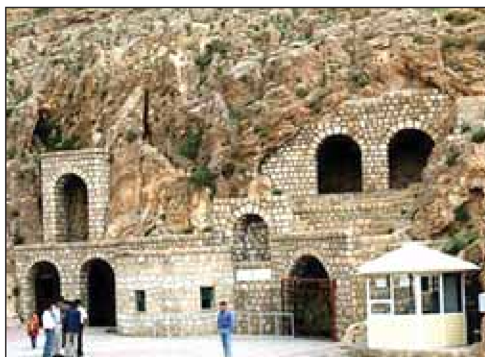
در جهان است. وجود دهلیزها گذرگاه ها، استالاگمیت ها و استالاگتیت های عظیم، جلوه ای رویایی وخاص به غار داده است. قندیل هایی که به اشکال مختلف موجودات جاندار و بی جان تشکیل شده اند شگفتی وتحیر را به اوج خود می رسانند . از جالب ترین این تندیس ها می توان به عروس و داماد، شیر خوابیده، سفره ی عقد، سگ شکاری، پنجه ی شیر، پای فیل و... اشاره کرد. در این غار قندیل هایی به شکل سوزنی، گل کلمی، پره ای و توخالی وجود دارند. برخی از قندیل های آویزان از سقف به خاطر وجود ناخالصی و ترکیباتی که در خود دارند به رنگ های مختلف در آمده و بعضی دیگر که ناخالصی کمتری دارند به شکل بلورهای شفاف دیده می شوند.

ویژگی های غار کتله خور

مهدی حاجی خانی معاون اقتصادی سازمان همیاری شهرداریهای استان زنجان گفت: این غار که دهانه ی ورودی آن در ارتفاع ۱۷۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد از چندین طبقه ی مجزا تشکیل شده است. با وجود تلاش وهمت گروه های متعدد غار نوردی تاکنون ۴ طبقه از غار شناسایی، ۳۰ کیلومتر از مسیرهای غار نقشه برداری و۲/۵ کیلومتر از آن آماده بازدید علاقه مندان می باشد.

غار نوردی مجازی

در بخش فرهنگی این غار امکان ویژه



ای فراهم شده است تا کسانی که توانایی غار پیمایی یا ورود به بخش های صعب العبور و طبقات زیرین غار ندارند بتوانند از بخش های شناسایی شده ی آن به صورت سینمای ۳ بُعدی بازدید نمایند.

امکانات رفاهی

مهندس حاجی خانی جاده ی آسفالت، پارکینگ مناسب، پمپ بنزین وCNG در تمام مسیرهای اصلی منتهی به غار، سرویس های بهداشتی، آب آشامیدنی سالم، فروشگاه ورستوران ، غرفه های عرضه ی محصولات فرهنگی، کافی شاپ، سوئیت واقامتگاه مناسب، امکان اسکان در چادر وآلاچیق، پوشش مخابرات و تلفن همراه،سینمای سه بعدی(غار نوردی مجازی) ،حضور کارشناس راهنما جهت همراهی بازدیدکنندگان، ارائه نقشه و بروشور را از امکانات رفاهی مجتمع تفریحی و توریستی غار کتله خور اعلام کرد.



باغ ارم شیراز

باغ ارم شیراز یکی از زیباترین باغهای ایران و همچنین از مکانهای دیدنی شیراز می باشد.
باغ ارم پس از فوت ابوالقاسم خان نصیر الملک به فرزندش عبدالله قوامی رسید و پس از چندی
باز به یکی از سران ایل قشقائی (محمد ناصر خان) فروخته شد ، و در زمان استانداری
معتضم الدوله فرخ بابت بدهی مالیاتی بتصرف دولت درآمده و به دانشگاه شیراز واگذار شده است .
باغ ارم شیراز به طور مسلم از دوره سلجوقیان و درتمام دوره آل اینجو و آل مظفر و گورکانیان وجود داشته
و با توجه به اینکه سیستم فئودالی به طور کامل بر جامعه آن دوره حاکم بوده بدون تردید بانیان و صاحبان
باغ ارم که باغی ارزشمند بوده در آن زمان حکام وقت بوده اند . از احداث آن اطلاعی در دست نیست ولی احتمال
می رود که به همت و دستور اتابک قراچه که از طرف سنجر پسر ملکشاه سلجوقی به حکومت فارس منصوب شده ،
احداث گردیده است . و تا جلوس شاه شیخ ابواسحاق اینجو مشخص نیست که باغ ارم در اختیار چه کسانی بوده است
ولی با توجه به اشاره حافظ در یکی از قصاید خود ، احتمالا باغ متعلق به شاه شیخ بوده است و پس از آن باغ ارم در اختیار
پادشاهان دوره های آل مظفر و صفویه و زندیه بوده است .
جلوه دیگر باغ، درختان کهنسال زیبایی چون سرو ناز می باشد که با قامتی بلند در گوشه و کنار باغ قد برافراشته اند. عطر دل انگیز
گلها همراه با نغمه سرایی بلبلان و رقص شکوفه ها دل از کف مشتاقان می رباید.
دانشگاه شیراز مدتها بعنوان کاخ پذیرائی از آنجا استفاده می نمود . در سالهای ۱۳۵۰ ـ ۱۳۴۵ این باغ با اعتبار واگذاری از طرف سازمان
برنامه و بودجه و زیر نظر مسئولین وقت دانشگاه تعمیر اساسی شده و زمین وسیعی نیز در حاشیه بلوار ارم و بلوار آسیاب سه تائی
به آن افزوده شده است . امروزه باغ ارم همچنان در اختیار دانشگاه شیراز می باشد و در حقیقت به تمام مردم تعلق دارد که از صفا و
طراوت آن لذت ببرند و هم به عنوان ثروتی ملی و میراث هنرمندان دوران مختلف این مرز و بوم در حفظ و آبادانی آن بکوشند و برای این نسل
و نسل های بعد نگهداری نمایند .

میدان ارم ـ ابتدای بلوار ارم

تلفن : ۶۲۷۳۶۴۷ ـ ۶۱۳۴۰۴۱ ـ ۲۲۹۹۵۲۵ نمابر : ۲۲۷۲۸۰۳

eramgarden@shirazu.ac.ir

http://eramgarden.shirazu.ac.ir/eram



موزه نارنجستان قوام



نارنجستان قوام که به باغ قوام مشهور است.
بین سالهای ۱۲۵۷ تا ۱۲۹۷ هجری شمسی، مقارن
با حکومت ناصرالدین شاه قاجار و بدستور
علی محمد خان(قوام الملک دوم) و پسرش محمد رضا خان (قوام الملک سوم)
در شیراز ساخته و تکمیل شده است.
ساختمان نارنجستان در زمینی بمساحت ۳۵۰۰ متر مربع و با زیربنای ۹۴۰ متر مربع
در دو جبهه جنوبی و شمالی توسط هنرمندان شیرازی ساخته شده‌است.
سردر ورودی در ضلع جنوبی قرار داشته و به یک هشتی باز می‌گردد
و از طریق دو راهرو قرینه به حیاط راه میابد.
بنای ضلع جنوبی شامل دو ایوان ستوندار و اتاقهایی است که محل
استقرار خدمه بوده‌است. ساختمان ضلع شمال دارای یک طبقه زیرزمین
و دو طبقه روی آن بوده که شامل تالار آیینه با ستونهای یکپارچه مرمری،
تالار شاه نشین و اتاقهایی است که محل تشریفات اداری و پذیرش مهمانان
بوده‌است.
این عمارت از نظر هنرهایی از قبیل آیینه کاری، شیشه کاری، نقش پردازی،
منبت کاری، سنگ تراشی، گچ کاری و مقرنس کاری بکار رفته در آن از زیباترین
بناهای این دوره در شیراز می‌باشد. بنای نارنجستان در سال ۱۳۴۵ هجری شمسی
به دانشگاه شیراز اهدا گردید و بین سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۵ هجری شمسی مورد استفاده
موسسه آسیایی، تحت سرپرستی پروفسور آرتور اپهام پوپ، ایران شناس معروف بوده‌است.
در سالهای اخیر زیرزمین ضلع شمالی تعمیرات اساسی گردیده و به عنوان موزه مورد استفاده
قرار گرفته که در آن اشیای فرهنگی اهدایی پروفسور پوپ نگهداری می‌شود.

خیابان لطفعلی خان زند



حقیقتِ نوروز:

زکات انسان به زمانِ بی‌کران



■ دکتر علی فردوسی

دوست عزیزم آقای محمّد صادقی که می‌داند دلتنگیِ «غریب عَن الاوطان» (اگر مجاز باشیم از عین‌القضات همدانی وامی بگیریم) در روزهای نوروزی چه بیدادی در دلِ من به پا می‌کند، به من این فرصت را داده است که بدین مناسبت چند خطّی بنویسم، و از این راه به شکلی در این روزهای آغاز سال در کنار هم‌وطنانم باشم. پیشتر، یک روز پاییزی که در جلگه مرکزی کالیفرنیا، از شمالِ ایالت به جنوبِ آن، برای دیدار پسرم می‌رفتم، و داشتم به سی‌دیِ رباعیّاتِ خیّام با دو صدای ملکوتیِ شجریان و شاملو گوش می‌دادم ناگهان ـ انگار که دستِ عنایتی بخواهد حال و هوایِ مرا تکمیل کند ـ لکه ابری از فرازِ جلگه گذشت و در عبورِ خود رگباری تند بر دشت و دمَن نثار کرد. اقترانِ عجیبی بود که به لحظه وزنی می‌داد که از جنسِ ابدیّت بود.

ابرَ آمد و باز بر سرِ سبزه گریست
بی‌باده گُلرنگ نمی‌باید زیست!
این سبزه که ـ امروز ـ تماشاگهِ ماست؛
تا سبزه خاکِ ما تماشاگه کیست.

آیا در تمام تاریخ زبان فارسی هرگز واژگانِ انگبینی این زبان به صوتی بهتر از این دو شنیده شده‌اند؟ آیا کلماتِ ملکوتی خیّام هرگز چنین مَلَس بر تارهای صوتی کسی روانَ شده‌اند؟ رباعی بی‌شک راجع به بهار است، و در قلبِ آن نوروز. سبزه بی‌گمان رویش نوروزی است در ایران، مانندَ شقایق، و نرگس و سُنبل. این یک صحنه بهاری است که به لطفِ این دو تن (و البته موسیقی شهبازیان) احساسی را در شنونده برمی‌انگیزد که صحنه «کولاک در کنار جویبار» بتهوون در سمفونی ششم‌اش، سمفونی‌ای که او خود آن را بسیار دوست می‌داشت. یادِ ایران، یاد دامنه‌های کوه «بزْد» در بهار، چنان در من اوج گرفت که انگار کسی دلِ مرا میان دو انگشتش گرفت و آن را چلاند. چشمان من نیز انگار می‌خواستند با ابری که هم‌زمان در رباعیِ خیّام و جلگه مرکزی کالیفرنیا می‌گذشت همراهی کنند (بی‌خود نیست که در برخی نسخه بدل‌ها به جای «باز» در مصرعِ اوّل «زار» ثبت شده است؛ فکر می‌کنم این زار بیانگرِ حالِ کاتب است، و با توجه به این‌که کانونِ رباعی تکرار صحنه ابدی شادمانی است، در لحظه نوروزی به عنوانِ یک حقیقت، «باز» درست‌تر، یعنی حکیمانه‌تر، است). من نیز عابری بودم هم‌زمان بر جلگه‌ای در سرزمینی دور، و در درونِ خاطره و تاریخی که چنان‌که می‌گویند از شاهرگم به من نزدیک‌تر بود. همانجا بود، و تجربه آن لحظه در تمامی عظمت‌اش، که از افقی تا افقی می‌گسترید، که مرا به این صرافت انداخت که از آقای صادقی بخواهم که مانند نوروزِ سالِ پیش برایِ من فرصتی دست و پا کند تا احساسِ بهاریِ خودم را ـ چونَ فقط در نسبت با بهار و نوروز بود که این احساس فهم‌پذیر می‌شد ـ با هموطَنانم در میان بگذارم. به سفری رفته بودم و باید حکایت می‌کردم.

چرا این صحنه چنین غوغایی در من به‌پا کرد؟ چرا این لحظه چنان بر من وارد شد که، چنان‌که خوانده‌ایم، «وقت» بر یک صوفی؟ جوابِ آن ساده و صریح است، و نیازی به مقدّمه‌چینی ندارد: برایِ این‌که من به عنوانِ یک ایرانی در درونِ شعرِ فارسی به شکلی پیشینی با این صحنه نسبتِ خاصّی دارم که از سازه‌هایِ سوژه بودن، یا آنچنان که در این نوشته می‌بینیم، «گزارایی» من است. نسبتِ من با بهار و نوروز نسبتی است که از سازه‌های وجودی من است. این نسبت یک نسبتِ ساده نیست، بلکه نسبتی است معنادار، که از آنجا که مرا در نسبتی خاص و چندگانه با هستی قرار می‌دهد، حکمتِ وجودی مرا می‌سازد. در همین رباعی، من بلافاصله خود را در «امروز»ی می‌یابم که متعیّن است، و «باز» گشتنی است، در نسبتی که به شکلی کوشان، به شکلِ فرمانی به نوعی تعامل، «تماشاگه»ی است، که به یک دیدنِ ساده، کاهیدنی نیست. «تماشاگه» نام دیگری است برای نوعیِ ارتباط میان انسان و جهان، که انسان را به توجّهی عمیق و معنادار می‌خواند. تردیدی نکنید که نسبتِ ما با ایرانی‌ها با طبیعت، که در سبزه نوروزی و «سیزده بدر» به اوجِ آیینی خود می‌رسد، همیشه و از پیش فراخوانی است به درنگ و اندیشیدن به نوعی از حضورِ سوژه در جهان.

امری که این رباعی از ما می‌طلبد رفتن به یک «پیک نیک» نیست؛ فرمانی است به حیات، به تأمّل بر گذرایی ذاتی آن. از ما می‌طلبد که رنگ سبزِ طبیعت را با رنگ سرخ باده، رنگ حیات، رنگِ «عشاء ربّانی»، و رنگ امرِ انسانی به مثابه نوعی فرآوردنِ طبیعت در سمتِ همبایی انسان، دوستی و شادمانی، تکمیل کنیم. «باده گُلرنگ» در این رباعی زکات انسان است به طبیعت در نوروز (و مگر «باده»، مثلاً و به‌خصوص در شعر حافظ چیزی است جز نسبتِ انسان با حقیقت؟).

و نیز، گیرم با اندکی تأمّل و نه به عنوان یک داده‌گی پدیدارشناختی، می‌توان دید که فیلسوفِ بزرگ، آخرین فیلسوف به معنای غالبِ آن در ایران (چونِ بعد از او فلسفه در ایران فقط در شکلِ مغلوبِ خود ادامه می‌یابد)، از وجود به مثابه گذری مکرّر میان هستی و نیستی، آمد و شد، سخن می‌گوید، و نه به عنوانِ یک «هستِ» ازلی و ابدی، یک ماندگاریِ خللِ ناپذیر، به عنوان نوعی «واجب‌الوجود». هستی فقط در سمتِ زمان است، و «هست» چیزی نیست جز عبور، یا دقیق‌تر نسبتی میان انسان و عبور، انسان یک عابر است، یا به کلام پارادکسیکِ حافظ «رهنشین»، اندیشه‌ای که به هراکلیتُس نزدیک‌تر است تا به پارمنید. امّا این حضورِ «تماشاگه» فقط یک بینندگیِ منفعلِ در نمایشِ گذرایی و تکرارپذیری طبیعت نیست. دو–سه سده‌ای پیش از حافظ، در شعرِ خیّام این تماشاگه یک «تماشاگه راز» است. رازی که برایِ خیّام اندرباشِ هستی است؛ یک حُکم فلسفی است که در قامتِ یک هشدار و یک دعوت، هم به خوشی و هم به اخلاق، به عنوانِ نوعی عبرت، بیان می‌شود: «تا سبزه خاکِ ما تماشاگه کیست؟» این تماشاگه جایی است میانِ حسرت و امید. عبور و عبرت از یک ریشه می‌آیند!

ادّعای این صحنه بر من، بر ما، قدرتِ آن در متأثّر ساختنِ ما، پس، برای این است که ما، به سبب نسبتی پیشینی که با نوروز ـ به‌خصوص در شعر فارسی ـ داریم، این صحنه را در تمامیِ چندگانه و انبوهِ آن تجربه می‌کنیم.

کافی است «نوروز» را با آغازِ سالِ نویِ میلادی مقایسه کنیم تا ببینیم که این نکته‌ها خالی از حقیقتی نیستند. در نیمه‌شبِ آخرین روز ماه دسامبر، تقویم میلادی ورق می‌خورد. این ورق خوردن، فراسوی تفصیلاتِ اقتصادی و سیاسی، معاملات، موعدهای مالی، قرارِ ملاقات‌ها ـ هر آنچه به تقویم میخکوب شده است ـ نشان‌گرِ هیچ تحوّلی در جهان نیست. امری است صرفاً تقویمی. اهمیّتِ آیینی روزِ اوّلِ ژانویه حتّی از کریسمس کمتر است. ساعتِ دوازده شب، کره خاکی را به بیست و چهار بخش تقسیم می‌کند، به جای آن‌که را در شمارِ یک درآورد. ساعت دوازده شب در کالیفرنیا سه ساعت بعد از ساعت دوازده شب است در نیویورک، و هفده ساعت بعد از ساعتِ دوازده شب در توکیو. در مقابل، نوروز برای سراسرِ کره خاکی یکی است، تا ریزترین سنجشِ زمان. طبیعت در روزهای آخر دسامبر با روزهای اوّل ژانویه تفاوتی ندارد: نیمکره شمالی همچنان در اعماق زمستان به سمتِ سرما می‌رود، و در نیمکره جنوبیِ گرمای تابستانی به سمتِ پاییز. آغازِ سالِ نوی میلادی اصلاً حال و هوای آغاز سالِ نویِ ایرانی را ندارد. طبیعت در آن مطلقاً شرکت نمی‌کند. به آن مطلقاً بی‌اعتنا است. اگر بخواهیم در افسانه‌ها و اسطوره‌های آن به دنبالِ اعتنایی بگردیم، جنسِ این اعتنا برف است و قندیلک!

نوروز روزی است دیگر، و اوّل ژانویه روزی دیگر. در دوّمی تقویم ورق می‌خورد، در نوروز زمان از نو تازه می‌شود!





مجتمع تفریحی توریستی سی سنگان

ساحل

جنگل



مجتمع تفریحی توریستی سی سنگان

در استان مازندران در حد فاصل کیلومتر ۲۵ جاده نوشهر،نور قرار دارد. مساحت آن ۶۰۲ هکتار می باشد و به دلیل وجود دو پدیده منحصربه فرد دریا و جنگل از جمله پارک های طبیعی تراز اول کشورمان محسوب می شود.

امکانات رفاهی تفریحی بخش جنگل

- آلاچیق های جنگلی و کلبه های چوبی
- جایگاه نصب چادر (کمپینگ)
- پیست دوچرخه سواری- پیست سوارکاری
- سفره خانه و کافی شاپ چهل گیس
- رستوران جنگلی-قطار تفریحی
- سرویس بهداشتی - محل بازی کودکان
- پارکینگ خودرو- محل پیاده روی
- نمایشگاه و فروشگاه صنایع دستی
- سوپرمارکت - شهربازی



امکانات رفاهی تفریحی بخش ساحل

- آلاچیق های ساحلی
- جت اسکی- اسکی روی آب- قایق رانی
- رستوران آب کاکایی
- کافی شاپ- واحدهای اقامتی مجهز
- جایگاه نصب چادر (کمپینگ)
- نمازخانه- نان داغ کباب داغ
- طرح سالمسازی دریا
- سرویس بهداشتی
- پارکینگ خودرو
- بازارچه سی سنگان
- محل بازی کودکان- موتور چهارچرخ
- ایستگاه امداد و نجات هلال احمر
- پیست کارتینگ - سفره خانه
- سوپرمارکت- شهر بازی







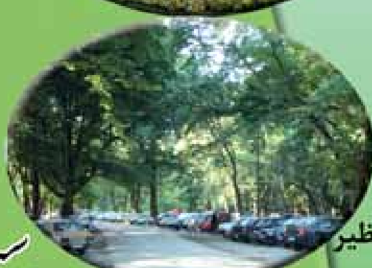


مجتمع تفریحی توریستی سی سنگان

از تمامی آژانس های مسافرتی کهن سرزمینمان ایران دعوت به عمل می آورد. تا در زمینه اقامت و تورگردانی این مجتمع را که از لحاظ اکوسیستم دریا و جنگل بی نظیر و با محیطی آرام و دلپذیر می باشد با ما همکاری نمایند.

برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره همراه ۰۹۳۵۲۶۵۹۳۰۶

و برای رزرو واحدهای اقامتی با تلفن ۰۱۹۱۳۱۱۵۸۰۶ تماس حاصل نمایید.



زندگی خاطره است امروز خاطره فردا ست زندگی کن



منتظر حضور گرمتان هستیم

www.30sangan.ir



روز اوّل ژانویه روزی است بی‌نام؛ عنوانی دارد نوعی مثلِ روز اوّل فلان یا بهمان ماه. روز اوّل سـال ایرانی نام حکیمانهٔ خود را دارد: «نـوروز» (و دقّـت کنید که ما «نو» و «روز» را سـرهم می‌نویسیم!)، نامی که در اغلبِ زبان‌های ما همین است، چون نام خاص است. در نوروز و با نوروز امری صورت می‌پذیرد، تحَوّلی رخ می‌دهد، حقیقتی خود را بازمی گشاید، که نامِ خاصّ خود را می‌طلبد.

بگذارید کمی منظّم‌تر (گرچه بازهم ناچار از طریق نوعی پَرسـه در شعر فارسی ـ که نام درسـتِ آن «گلگشت» است) به نسـبتِ ما با نوروز (و بهـار) بپردازیم. فکر نمی‌کنم، یعنی کمابیش مطمئنم، که در جهان هیچ ملّتی نیسـت که نسـبتی با نوروز و بهار داشـته باشـد که ما داریم ـ و بگذارید که نام این مـا را هـم بگذاریم «ایرانیان»، از تُـرک و کُرد و لُر بگیر و بیا تا فارس؛ یعنی: همه ما که با هم بر گرده‌ای این سرزمینی که اکنون فقط گربه‌ای از آن ایران خوانده می‌شود با هم تاریخ مشترکی داشته‌ایم؛ تاریخی که در آن همیشه حلوا پخش نمی‌کردند، امّا (و این روزها که غبار منحوس نوعی نومیدی از آسمان می‌بارد حتمـاً باید اصرار کرد) خالیِ از حماسـه و شـوری هم نبوده اسـت، خالی از هم‌زیستی‌ها و هم‌یاری‌های بزرگ، دفاع‌های غرورآمیزِ مقدّس، جهان‌گشـایی‌های پهلوانانه، آفرینش‌های بزرگ دستهٔ‌جمعی، درخشش‌های بزرگ اندیشه، هنر، اخلاق، خلاّقیّت‌های تاریخ‌ساز.... اصلاً می‌شود حتّی ادّعا کرد که اگر بخواهیم تعریفی از ایرانی بودن بدهیم (تعریفی که این روزها کم رنگ شده است، و مبهم شده است، و در این باغچه باغبان به خود ندیده، لای علف‌های هرز و برگ‌های جاروب‌نشـده خزان‌های پیاپی، گُم و گور شده است) فقط می‌تواند این باشد: مردمی که نسبتِ خاصی با بهار دارند؛ مردمی که نوروز دارند؛ مردمی که علیرغم چندهزار سـال اصرار بر انکار آن، علیرغم گسسـت‌های تاریخـی، علیرغم دگرگونی‌هـا و آرایش‌های گوناگون قومـی، همچنان وفادار ایـن حقیقت‌اند که: نوروز بزرگترین روز سـال اسـت. می‌شـود این را طوری دیگر هم گفت: ایرانی کسـی اسـت که به حقیقتی به نامِ نوروز «ایمانِ ذاتـی» دارد، ایمانی که جوهرِ گزارایی او، جوهرِ سـوژه بودنِ او، یا اگر بخواهیم به لفظ قدیم سـخن بگوییم، جوهر نفسانی او اسـت. دقیق‌تر: ایرانی آن گونه نفْس، خود، روح، یا معنایی اسـت که در نسـبتِ نوعی وفاداری به حقیقتی به نام «نوروز» تعریف می‌شود.

ایـن ادّعای غلوّآمیزی به نظر می‌رسـد. پس مکلّفیم این تعریف را کمی بازبگشاییم. در این تعریف ما از نوعی نفسانیّت، نوعی سوژه‌شوندگی، نوعی گزارایی (به مفهوم عامل، گزارنده و گزارش‌گر) صحبت می‌کنیم که در نسبتی با حقیقت تعریف می‌شود که نامِ آن وفاداری است. می‌بینید که در این تعریف سه مفهوم به هم ارتباط داده می‌شـوند: حقیقت، وفاداری، سـوژه (یاگزارا، و یا از منظری «هویّت»). بنابراین، بجا است که برای این‌کـه این تعریف را بهتر بفهمیم کمی به هر یک از این سـه عنصرِ این تعریف (حقیقت، وفاداری، گزارا) بپردازیم.

وفـاداری در اینجا یعنی چه؟ بگذاریـد که به جای دادنِ پاسـخی مستقیم به این پرسـش، از طریقِ پرداختن به برخی از واژه‌هایـی که در زبانِ فارسـی با این واژه هم‌پوشـانی‌های معنایی‌ای دارند به سمتِ یک پاسخ حرکت کنیم. امانت‌داری یکی از این واژه‌ها است، همانطور که هر که با حافظ آشنا باشد می‌داند. برای حافظ وفا در نهایت نسبتی است با امانت. عاشق امانت‌دارِ عشق است به عنوان امانت. کیست که نداند که هرچه در اندیشـه حافظ موضعی و قابل مصالحه و چانه‌زنی باشـد، عشـق نیست؛ که برای او عشـق حقیقتی است مسلّم، مطلق، ناگزیر. که عاشـق می‌تواند سرِ همه چیز کوتاه بیاید، در مورد همه چیز اباحه‌گری کند، منکرِ همه چیز بشـود، سربه‌سر همه چیز و همه کس بگذارد، امّا سر یک چیز مطلقاً پایدار و پای‌فشار است: عشق. وفاداری اصلِ نهاییِ حکمتِ اخلاقی حافظ است. وفاداری به هر قیمتی، و کاملاً مسـتقلّ از چیسـتی و کیستی، و جفا و وفای معشـوق. آن چیسـت که مسـتقلّ از جفا و وفای معشـوق همچنان به عشـق‌اش وفادار می‌ماند؟ آن کیست که وقتی گفت «ترا دوست دارم!» پای حرف‌اش می‌ایستد و با این ایستادن حرف‌اش را که در هنگام بیان چیزی نیست جز ابلاغ نوعی از خواهش، یا دقیق‌تر گزارشِ یک رویداد، چیزی که بر گوینده رخ داده است، به یک حقیقت تبدیل می‌کند؟ نام فلسفی آن کـه پای حرف‌اش می‌ایسـتد، که تصمیم‌اش معلولِ جفا و وفای معشـوق نیست، که اصلِ تصمیم‌گیری‌اش مطلقاً متعلّق به اوست، سوژه است، یا به زبانِ این نوشته گزارا. برای حافظ حقیقتِ عشق نه در بیانِ این جمله است، بلکه در وفادار ماندن به آن جمله است؛ و اینِ حقیقت هست، به مثابه یک حقیقت، تنها تا زمانی که عاشق پای حرف‌اش ایستاده باشد. برای همین اسـت که خواجه در آن غزل درخشان و معروف‌اش از ضمیرِ شخص اوّل بهره می‌گیرد، نمی‌گوید «ما»، می‌گوید «من»:

آسمان بارِ امانت نتوانست کشید؛

قرعه کار به نام من دیوانه زدند!

تصمیم نخسـتین، آنچه او را عاشق می‌کند، از او نیست، و بنابراین اصلاً از مقوله «تصمیمیّات» نیسـت. عشـق همیشه همین‌طور شروع می‌شود؛ عشق همیشه پیش از تصمیم است. همیشه مثل یک قرعه‌کشی است. آدم بالقوّه گزارای عشق است چون همیشـه از پیش در این بخت‌آزمایی هست؛ قرعه عشق همیشه ممکن است به او اصابت کند. ولی هیچ وقت هم معلوم نیست که اصابت خواهد کرد یا نه. عشق یک رویداد است، به معنای اخصّ کلمه. کسی آن را تصمیم نمی‌گیرد؛ عشق بر عاشق وارد می‌شود. امّا همین که وارد شد، تصمیم با عاشق است که آن را به حقیقت تبدیل کند یا نه؛ و اگر کرد پایِ آن حقیقت بماند یا نه. حقیقت یک فورمول علمی نیست، نوعی تطابق گزاره با گزارده، بلکه نسبتِ گزارا است با گزاره یک رویداد. عاشق تا آنجا عاشق است و عاشق می‌ماند که وفادار است. پس وفاداری نسبتی است که در آن گزارا گزارا می‌شود.

هرکه با افکارِ الن بَدیُو آشـنا باشـد می‌داند که این تعبیر خیلی به او بدهکار اسـت. امّا قرینه‌هایی در این غزل (و دیگر غزلیّات و قصائد) خواجه هست که نشان می‌دهد او هم نسبتِ میان حقیقت و وفاداری را نیک می‌دانسـته است. برای او هم حقیقت چیزی نیسـت که به شکلِ یک رساله، یا مجموعه‌ای از اوامر و نواهی وجود داشـته باشـد، امری نیست در حسابانِ احکام و عبادات، بلکه امری اسـت راجع به نسـبتِ گزارا با خودش، یا دقیق‌تر نسبت‌اش با حقیقت که به او «خودیّت»، یا گزارایی، می‌بخشـد؛ به او از درون «هویّت» می‌دهد: «من یک عاشق‌ام!» جالب است که حافظ در این غزل لفظ حقیقت را به کار می‌برد، درسـت به معنایی که می‌گوید هرکه حقیقت را به مثابه نوع خاصّی از امانت‌داری نفهمد (و این یعنی همه! ـ چون هفتاد و دو عدد کامل است) آن را بالکل نفهمیده است:

جنگِ هفتاد و دو ملّت همه را عذر بنه:

چونِ ندیدند حقیقت، درِ افسانه زدند!

تردیدی نیسـت که در اینجا حافـظ امانت را که از همان ریشه‌ای می‌آید که ایمان، به جای ایمان به کار می‌برد. چرا این جای‌گزینی را انجـام می‌دهد؟ برای این‌که در ایمان اضطراب نیسـت، در امانت‌داری اضطراب هسـت. مؤمن اگر دست از ایمانش بردارد خودش خاسر می‌شود، سستیِ امانت‌دار امانت را به خطر می‌اندازد. امانت‌دار نگرانِ امانت‌اش است، مؤمن نگرانِ عاقبتِ خودش. در شعرِ حافظ مسئولیّتِ امانت‌دار شاقتر است تا وضعیّتِ مؤمن. اوّلی شرایط‌اش به کسی می‌ماند که در شبی تاریک بر کشتی‌ای نشسته باشد در لبه گردابی هولناک و بیمناک از آن که هر آنی با ضربه موجی سهمگین به درون گرداب پرتاب شـود. دوّمی‌ها به کسـانی می‌مانند که سبک‌بار بر ساحل‌های مطمئنّ ایمان‌هایشـان آسوده باشند. امانت‌داری تکلیفی است فعّال، و پُر از اضطراب و مخاطره. امانت‌داری وجه گزارای ایمان است. امانت‌دارْ سوژه است، مؤمنْ عبد. امانت‌دار ایمان ندارد، مسـئولیّت دارد؛ یا به قولِ حافظ «دردِ دین». او وفاداری‌اش به حقیقت را نه به عنوان امنیّت، به عنوانِ اعمالِ نوعی حاکمیّت، بلکه به عنوان نوعی «درد» تجربه می‌کند.

شبِ تاریک و بیم موج و گردابی چنین‌هایل:

کجا دانند حالِ ما سبکبارانِ ساحل‌ها؟!

امانت‌داری مسـتلزم نوکردن وقفه‌ناپذیرِ عزم به پایداری در مقابلِ مخاطرات و تهدیدها است. پیدا است که ما می‌توانیم در دورانِ معاصر پژواکِ واژه‌هایی مانند «تعهّد» و «رسـالت» را که در میان روشـنفکران پیـش از انقلاب رایج بود در اینجا بشـنویم. تعهّد در مفهوم سارتری‌اش (منظورم ژان پل سارتر است) از روشنفکرِ آن زمان خیلی از همان چیزهایی را می‌طلبید که حافظ از عاشقَ (که رند یکی از نام‌های او است، یا دقیق‌تر یکی از نقاب‌هایِ او) می‌خواست. تعهد هم از زمره «وفائیّات» اسـت. یک روشـنفکر متعهد کسی بود که خودش را به نوعی حقیقـت، که نهایتـاً در آن زمان تعبیرِ خاصّـی از عدالت بود، گره می‌زد. او خودش را موظف می‌دید که سیاسـت را به یک تصمیم صریح و ناب ساده کند. چنین لحظه‌ای، در واقع چنین لحظه‌هایی، در روالِ هرگونه وفاداری‌ای هست. می‌دانم که این روزها خیلی‌ها جهان را خاکستری می‌بینند، و حتّی خاکستری هم می‌خواهند؛ امّا جهان چنین سراسـر بی‌رنگ، خاکستری و عاری از درخشـش و شفّافیّت نیست. این درست خلافِ پیام رباعی خیّام است که رنگ‌ها در آن شفّاف و درخشان‌اند (سبزَ و سـرخ، شسـته باران؛ گرچه در رباعیّات خیّام رنگِ پایه‌ای رنگِ خاک است). در درونِ هر نسبتی با هر حقیقتی لحظه‌ای هست که باید میان «این» یا «آن» تصمیم گرفت، و گر نه جهانِ خاکسـتری در فلاکتی کشدار به سـمتِ نابودی می‌رود. یک جهان ممکن اسـت کم یا زیاد خاکسـتری باشـد، امّا آن که به حقیقتی وفادار است نمی‌تواند خاکستری تصمیم بگیرد. عشق هر رنگی داشته باشد، که همان رنگِ تعهّد نیز هست، آن رنگ خاکستری نیست. خاکستری رنگِ بلاتکلیفی است، یا مرگ، نه رنگِ عشق، نه رنگِ ایمان، نه رنگِ خواهش، نه رنگِ کوشش. هیچ معشـوقی عاشقِ خاکستری را به خود راه نخواهد داد! از آنجـا که وفاداری، به مثابه امانـت‌داری و تعهّد ـ و حافظ چه دقیق این را می‌فهمد ـ امری نیسـت طبیعی و غیرارادی، بلکه امری است که مستلزم اراده و اختیارِ عاشق است، که از او نوعی مراقبت، پـاس‌داری و بیدارخوابی می‌طلبد، خواجه آن را امر «الستی» می‌نامد: عاشق کسی است که بر سر قولی که پیشینی او است می‌ایستد، بدان متعهّد است. عشق یک احساسِ خالی نیست، یک تعهّد است، یک رسالت.

«رسـالت» ـ کـه گمان می‌برم ریشه‌شناسـی‌اش به لنین برگردد (به درکِ او از مارکس راجع به پرولتاریا) به خصوص به تکلیفِ «عنصرِ آگاه» نسبت به طبقه‌ای که وظیفه انگیزش و رهبری‌اش را بر عهده داشت ـ امّا، در اینجا پژواکِ خفیف‌تر و دورتری دارد. با این وجود، از آنجا که این واژه به نوعی نسبتِ وفاداری با آینده را در بر می‌گیرد، و از درونِ اکنون ما را به فردایِ آن می‌خواند، حتماً باید شنیده شود. وفاداری در عشق همیشه آینده را از پیش در خودش دارد. عشق مُتعه‌ای نمی‌شود. برای همین است که عشق به راستی و از درون ابدی است.

کجا می‌رویم با این حرف‌ها؟ آیا دارم، خواهی نخواهی، می‌گویم که عشق ـ یا تعهّد و رسالتِ سیاسی ـ می‌تواند تمثیلِ مناسـبی باشد برای خوانشِ نسـبتِ ما ایرانی‌ها با نوروز؟ آیا دارم می‌گویم که ما در درونِ فرهنگِ ایرانی همان نسـبتی را با نوروز داریم که روایتِ عرفانی از نسـبتِ انسـان و نامتناهی با الســت؟ آیا می‌گویم نوروز الســتِ فرهنگی ما است؟ آیا دارم می‌گویم ما به گونه‌ای چندهزار سالی است که با وفادار ماندن به نوروز به نوعی از خودمان به خودمان گزارشـی داده‌ایم که ما را به شکل سوژه خاصّی برافراشته نگه‌داشته است؟ آیا دارم می‌گویم که نوروز پیش از ما می‌آید، و ما در نسـبتِ با نوروز است که ما می‌شویم؟

خیلی‌ها می‌گویند که نوروز یکی از سـازه‌های هویّت ما است. در این تردیدی نیست؛ گرچه در این کوته‌نظریِ «قومی» که این روزها به سببِ عجزِ مرکز در تمرکز، گریبان ما را گرفته است افغانی و آذری و فارس و کرد هرکدام آن را سازه هویّت خود می‌دانند، بی آنکه بفهمند که این سـازه همه ما اسـت، یا دقیق‌تر سازه نوعی از گزارایی در جهان که چند قومی است، و چندین زبانی، که شمارِ آن یک است گرچه خود پدیده‌ای است چندگانه. راستی چگونه نابینایی‌ای است این نابیناییِ قوم‌گرایی که چنان به جان ما افتاده است که خود را در یکدیگر نمی‌بینیم؟ این چه بیماری‌ای است که به جان ما افتاده است و ما را چنین از هم بیگانه کرده است؟ تختِ جمشید در فارس است، امّا در آذربایجان بود که جمشید نوروز را برای نخست جشن گرفت. و تازه جمشید جم شاه همه جهان بود، که در اینجا یعنی یک جهانِ خاص، جهانِ ما یا دقیق‌تر جهان به روایتِ ما، و نه مثلاً به روایتی عبری. فکر نمی‌کنم این سخنانِ من آنقدرها غریب به نظر برسد اگر بگوییم که ما در درونِ جشنی به نام نوروز نوعی از گزارایی جمعی را به اجرا در می‌آوریم که به ما از درون کیفیّتی می‌دهد که یکی از نام‌های ممکن آن هویّت است. این گزاره تا حدّی ناقص است. چون در واقع از دیدِ مردم‌شناسی، آیین‌ها، اغلب، شاید همیشه حتّی اگر سوژه در حالتِ صفر درجه خود



